

٩٢

ترجمہ

کتاب الاخوان

الجامعة لدرر الخبار الاغنیاء الاطهار

ترجمہ کبریٰ علیہ السلام محمد باقر مجلسی در سنہ ۱۲۸۵



مکتبہ انوار

ترجمہ بحار الانوار

ترجمہ بحار الانوار جلد 92: کتاب ذکر و دعا - 3

سرشناسه : مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار . فارسی . برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای]
نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شبابک : دوره : 5-66-7150-600-978 : 1.ج : 2-67-7150-600-978 :
 2.ج : 9-68-7150-600-978 : 3.ج : 6-69-7150-600-978 : 4.ج :
 2-715070-600-978 : 5.ج : 9-71-7150-600-978 : 6.ج :
 6-72-7150-600-978 : 7.ج : 3-73-7150-600-978 : 8.ج :
 0-74-7150-600-978 : 10.ج : 4-76-7150-600-978 : 11.ج :
 2-83-7150-600-978 : 12.ج : 5-66-7150-600-978 : 13.ج :
 3-86-7150-600-978 : 14.ج : 0-87-7150-600-978 : 15.ج :
 7-88-7150-600-16:978.ج : 4-89-7150-600-17:978.ج : 18.ج :
 0-90-7150-600-978 : 19:978.ج : 7-91-7150-600-20:978.ج :
 4-92-7150-600-21.ج : 1-93-7150-600-978 : 22:978.ج :
 8-94-7150-23:978.ج : 5-95-7150-600-

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جہل۔ ج.2. کتاب توحید۔ ج.3. کتاب عدل و معاد۔ ج.4. کتاب احتجاج و مناظرہ۔ ج.5. تاریخ پیامبران۔ ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ۔ ج.7. کتاب امامت۔ ج.8. تاریخ امیرالمومنین۔ ج.9. تاریخ حضرت زہرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیہم السلام۔ ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، ہادی و عسکری علیہم السلام۔ ج.11. تاریخ امام مہدی علیہ السلام۔ ج.12. کتاب آسمان و جہان - 1۔ ج.13. آسمان و جہان - 2۔ ج.14. کتاب ایمان و کفر۔ ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ہا و معاصی و کبائر۔ ج.16. کتاب مواعظ و حکم۔ ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت۔ ج.18. کتاب ادعیہ۔ ج.19. کتاب طہارت و نماز و روزہ۔ ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج. 2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11 ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب
نشر

رده بندی کنگره : 135/BP3م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ص: 2

ترجمه

بحار الانوار

جلد 92

کتاب ذکر و دعا - 3

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 92

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوار کشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

{ادامه باب ها از جلد قبل }

باب پنجاه و سوم: دعا به هنگام آغاز به کار در ساعات و روزهای شوم و هر آنچه فال نیک و بد را دور کند..... 11

باب پنجاه و چهارم: آنچه از دعا و طلسم و افسون و تعویذ جایز است و آنچه جایز نیست و آداب حمل و استفاده از تعویذها..... 15

باب پنجاه و پنجم: تعویذهای تمامی بیماریها و دردها..... 18

باب پنجاه و ششم: تعویذ تب و انواع آن..... 37

باب پنجاه و هفتم: تعویذ و دعا برای زنان باردار و حیوانات آبستن و تعویذی برای طفل در لحظه ولادت و تعویذ زن زائو..... 60

باب پنجاه و هشتم: حرز حیوانات برای جلوگیری از چشم زخم و غیره..... 63

باب پنجاه و نهم: دعا برای رفع تمامی دردها و بادهای، خصوصاً دردسر، شقیقه و رگها..... 68

باب شصتم: دعای درد پیش..... 92

باب شصت و یکم: دعایی برای درد رانها..... 93

باب شصت و دوم: دعایی برای درد رحم..... 94

باب شصت و سوم: دعایی برای درد و ورم مفاصل.....
95

باب شصت و چهارم: دعایی برای رگ شایع در سرزمین لار که در فارسی
به آن پیوکو رشته لار
میگویند..... 97

باب شصت و پنجم: دعایی برای عرق النسا.....
98

باب شصت و ششم: دعای رگ باد افکندن.....
99

باب شصت و هفتم: دعایی برای فلج و سستی.....
100

ص: 5

باب شصت و هشتم: دعایی برای سنگ و نیز فلج.....
102

باب شصت و نهم: دعایی برای پیچش و درد معده.....
103

باب هفتادم: دعایی برای قرقره شکم.....
106

باب هفتاد و یکم: دعای رفع خوره، پیسی، سفیدک و بیماریهای
بدخیم.....
107

باب هفتاد و دوم: دعایی برای کلف و برسون.....
111

باب هفتاد و سوم: دعایی برای بواسیر.....
112

باب هفتاد و چهارم: دعایی برای آبله و دمل ها و گری و بریون و زخم ها و
افسونی برای ورم و
جراحت.....
113

باب هفتاد و پنجم: دعای رفع درد فرج.....
115

باب هفتاد و ششم: دعایی برای درد پاها و زانو.....
116

باب هفتاد و هفتم: دعایی برای درد ساقها.....
117

باب هفتاد و هشتم: دعایی برای درد پاشنه ها و کف پا.....
118

باب هفتاد و نهم: دعایی برای درد چشم و امثال آن.....
119

باب هشتادم: دعایی برای خون دماغ شدن.....
126

باب هشتاد و یکم: دعایی برای درد دهان و دندان.....
128

باب هشتاد و دوم: دعایی برای میخچه.....
135

باب هشتاد و سوم: دعایی برای غده ها و ورم ها و خنزیرها.....
137

باب هشتاد و چهارم: دعایی برای آبله.....
139

باب هشتاد و پنجم: دعای رفع درد سینه.....
140

باب هشتاد و ششم: دعای رفع درد قلب.....
141

باب هشتاد و هفتم: دعایی برای سرفه و سل.....
143

باب هشتاد و هشتم: دعایی برای طحال.....
146

باب هشتاد و نهم: دعایی برای درد مثانه و باز ایستادن ادرار و کسی که
شبادراری
دارد.....
148

باب نودم: دعایی برای درد شکم و قولنج و باد شکم و دردهای آن.....
151

باب نود و یکم: دعای درد لگن.....
156

باب نود و دوم: دعا و تعویذ برای بادهایی که کودکان به آن مبتلا
میشوند.....
158

باب نود و سوم: دعای برای گشودن آنچه که بسته شد.....
159

باب نود و چهارم: دعای برای دفع زاییدن سخت.....
165

باب نود و پنجم: دعایی برای گریخته و گمشده و حیوان رمنده و
سرکش.....
174

باب نود و ششم: دعای رفع جادو و چشم زخم.....
177

باب نود و هفتم: مصیبت جانکاه و معنای آن و پناه جستن از شر آن و از
گزند سنگینی قرض و غلبه مردان و ماندن زن بیوه در خانه و درخواست
کامل گشتن نعمتها و معنای آن و فضیلت ذکر یا ذالجلال و
الاکرام.....
188

باب نود و هشتم: دعایی برای دوری از وسوسههای شیطان.....
190

باب نود و نهم: دعا برای وسوسههای سینه و آشوب های آن و رفع
ترس.....
192

باب صدم: آنچه مربوط است به دعاهاى شمشیر.....
194

باب صد و یکم: در رفع آتش سوزی و ویرانی.....
195

باب صد و دوم: دعا برای کسی که ترس از دزدی یا ویرانی یا آتش سوزی
دارد.....
196

باب صد و سوم: دعای رفع سموم، جانوران موزی و درندگان و معنای
سامه و هامة و عامه و لامه.....
197

باب صد و چهارم: دعای راندن جنّ و دور کردن خوفها و ام الصبيان و صرع
وجنون و دیوانگی.....
207

باب صد و پنجم: دعاهاى برآورده شدن حاجات، شامل دعاهاى همراه با
اصرار و دیگر دعاهاى متناسب با آن.....
214

باب صد و ششم: دعای رفع گشایش، دوری دشمنان و برطرف شدن
سختیها و دعاهاى حضرت یوسف علیه السلام در چاه و زندان و دعای
دانیال در چاه و

ص: 7

دعاهای دیگر پیامبران علیهم السلام و دعاهایی متناسب با آن از جمله
دعاهای جلوگیری از آسیبها و
هلاکتها 246

باب صد و هفتم: دعاهای و تعویذها برای رفع مکر دشمنان افزون بر آنچه
گذشت و آنچه با این موضوع مناسبت دارد شامل دعای حرز یمانی معروف
به دعای سیفی همچنین دعای علوی مصری و مثل آن
دو 281

باب صد و هشتم: دعاهای رفع غمها و اندوهها و ترسها و از بین رفتن
سختیها و هر آنچه با این باب مناسبت دارد و به باب پیشین نزدیک
است 376

باب صد و نهم: دعاهای عافیت و رفع رنجها و آن از دو باب پیشین
است
384

باب صد و دهم: دعاهای رزق
395

باب صد و یازدهم: دعاهای بدهکاری
405

باب صد و دوازدهم: دعاهای سفر
408

باب صد و سیزدهم: دعاهای خروج از منزل
410

باب صد و چهاردهم: در دعاهای سرّی روایت شده از پیامبر صلی الله علیه
و آله به نقل از خداوند متعال، و این دعاها از جمله احادیث قدسیانند و در
آن، دعاهایی برای بسیاری از
خواستههاست 412

باب صد و پانزدهم: دعاهایی که شایسته است در زمان غیبت خوانده
شود.....

434

باب صد و شانزدهم: آنچه خشم را فرو مینشانند.....
449

باب صد و هفدهم: آنچه موجب یادآوری است زمانی که چیزی را فراموش
کند.....
451

باب صد و هجدهم: آنچه سبب دفع وحشت میشود و آنچه متناسب با
وحشت
است.....
452 .

باب صد و نوزدهم: آنچه کمی حافظه را رفع کند.....
453

باب صد و بیستم: دعای حفظ قرآن.....
454

باب صد و بیست و یکم: دعای حقوق بندگان.....
455

ص: 8

باب صد و بیست و دوم: دعا به وقت جان دادن.....
456

باب صد و بیست و سوم: دعای طلب فرزند.....
457

باب صد و بیست و چهارم: دعای دیدن هلال ماه.....
458

باب صد و بیست و پنجم: دعا به هنگام نگریستن به آسمان.....
462

باب صد و بیست و ششم: دعا به هنگام بوییدن گلها و دیدن میوههای
نوبر.....
463

باب صد و بیست و هفتم: بابی نادر در ذکر دعا به هنگام شنیدن پارس سگ
و صدای الاغ و شنیدن صدای رعد و هر آنچه متناسب با این باب
است.....
464

باب صد و بیست و هشتم: نفرین کردن و فخر فروختن.....
465

باب صد و بیست و نهم: دعاهای منقول غیر موقت شامل دعاهای جامع
خواسته ها و پاره ای از دعاها که نام های معروفی دارند و هر آنچه
متناسب با آن
است.....
467

باب صد و سیام: ذکر برخی از دعاهای مستجاب و دعا پس از اجابت دعا و
آنچه متناسب با این باب
است.....
598

باب صد و سی و یکم: دعاهای متفرقه.....
607

{ادامه باب ها از جلد قبل }

باب پنجاه و سوم : دعا به هنگام آغاز به کار در ساعات و روزهای شوم و هر آنچه فال نیک و بد را دور کند

روایات:

1. أمالی: سهل بن یعقوب بن اسحاق به ابونواس ملقب بود. منصوری گفت: او به ابی نواس لقب گرفت؛ زیرا با من شوخی و مزاح می کرد و حتی مذهب تشیع خود را به شوخی آشکار میگرداند تا جان خود را حفظ کند، وقتی امام علیه السلام شنید مرا به ابی نواس لقب داد و فرمود: ای ابا سری، تو ابو نواس حقیقی هستی و هر ابو نواسی غیر تو باطل است. نقل کرد: روزی از ایشان پرسیدم: مولای من، میمنت و نحوست روزهای هر ماهی از مولایمان حضرت صادق علیه السلام به دست من رسید که آن را حسن بن عبدالله بن مطهر از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش از مولایمان حضرت صادق علیه السلام نقل کرد ، آیا آن را بر شما عرضه کنم؟ فرمودند: بگو.

زمانی که آن را بر وی خواندم و تصحیح کردم، عرض کردم: ای مولای من! در بسیاری از این روزها، به دلیل سرگردانی و ترسهایی که وجود دارد مواععی پیدا میشود که مرا از رسیدن به مقاصدم باز میدارد و این مواعع سبب میشود تا در این روزها تلاش کنم خود را از این ترسها دور بدارم، و از طرف دیگر ضرورت ها مرا بر آن میدارد تا به سمت برآوردن حاجات خود روی آورم. ایشان به من فرمودند: ای سهل، شیعه ما به واسطه ولایت ما، چنان محفوظ و مصون است که اگر با آن در گرداب دریاها، ژرف و وسط بیابانهای دور و میان درندگان و گرگها و دشمنانی از جن و انس رها شود، از تمامی این بیم و هراسها ایمن است. پس به خداوند عزّ

ص: 11

و جلّ اعتماد کن و ولایت خود از امامان پاکنهاد را خالص گردان، آنگاه به هر کجا که میخواهی برو، و هر کاری که خواستی انجام ده و صبحگاهان سه بار بگو:

«خدایا، صبح را در حالی آغاز نموده ام که به رشته پیمان استوار تو چنگ زده ام و به پناهگاه خلل ناپذیرت- که دست تجاوز بدان نرسد و راه نفوذ به آن بسته است- پناه آورده ام تا از گزند هر حادثه و بیدادگری، از تمامی آفریدگانت، از آدمیان و غیر آنان، چه آن ها که خموش اند و چه آن ها که گویا هستند، محفوظ بمانم و به واسطه تن پوش پر برکت و ایمنی بخشی که همانا دوستی خاندان پیامبر تو صلوات الله علیهم اجمعین است، از هر امر ترسناکی در امان باشم؛ چنان که از هر آن کس که قصد آزارم کند، به دیوار امن اخلاص پناهنده شوم؛ اخلاص در اعتراف به حقّ آنان و چنگ زدن به رشته دوستی شان و یا یقین به این که حق از آن ها، در نزد آن ها، از طرف آن ها، در میان آن ها و به وسیله آن هاست. دوست دارم هر که را آنان دوست دارند و دشمن ام با هر که آنان با او در ستیزند و دوری می جویم از هر که آنان از وی دوری جویند. پس خدایا، به حقّ ایشان مرا از گزند آن چه از آن بیمناک ام ایمن بدار ای بزرگ؛ به قدرت خالق آسمانها و زمین، بین خودم و دشمنان مانع قرار دادم؛ «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لِيُصِירוْنَ: {و فرا روی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند}.

و شامگاهان آن را سه بار میگوئی، پس در پناه و ایمنی از بیمها و نگرانی هایت قرار می گیری، و هر گاه خواستی در روزی که از آن بیم داری، به جایی روی، قبل از رفتن سورههای حمد، معوذتین، آیه الکرسی، قدر، و آیه آخر سوره آل عمران را بخوان و بگو:

خدایا، به مدد تو، مهاجم، حمله میکند و به قدرت تو بخشنده ارزانی میدارد و هیچ دگرگونی برای دگرگونکنندهای نیست جز به تو، و هیچ قدرتی جز نیروی تو نیست، به برگزیده مخلوقات و بهترینان بندگانت، پیامبرت محمد و خاندان و فرزندانش علیه و علیه السلام، بر آنان درود فرست و مرا از شر و خسران این روز کفایت کن، و خیر و برکت آن را روزیام گردان و عاقبت کارهایم را ختم به خیر و

محبت قرار ده و مرا به آرزوهایم کامیاب گردان، و از شر طاغوت گمراه و هر قدرتی که قصد آزار مرا دارد، کفایت کن، تا از شر هر بلا و گرفتاری، محفوظ و ایمن باشم، مرا از بیمهایم در امان دار و مشکلاتم را آسان گردان، تا هیچ بازدارنده‌ای مانع از مقصودم نشود و آزاری از بندگان به من وارد نشود، به راستی که تو بر هر چیز توانایی، و بازگشت امور به سوی توست، ای کسی که ماندی نداری و شنوا و بیناست. (1)

2. مکارم الاخلاق: در فال نیک و بد زدن: در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله، فال نیک زدن را میپسندید و از فال بد، اکراه داشتند و به کسی که دیدن برخی چیزها را به فال بد میگرفت، میفرمودند تا بگوید: «خداوند، خیر تنها از سوی توست، و تویی که بدیها را دور میکنی، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به تو تحقق نمییابد». (2)

3. مکارم الاخلاق: هنگامی که انسان مجبور میشود، به کار و فعالیت در روزهای روی بیاورد که از آن نهی شده است، این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند که از دعا‌های گشایش است:

هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمیپذیرد، و با آن هر گره‌ای را باز میکنم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمیپذیرد و با آن هر تاریکی را جلا میبخشم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا نیست و با آن هر دری را باز میکنم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمییابد و با آن بر هر سختی و مصیبتی استعانت میطلبم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمیپذیرد و با آن خود را از هر امر ناخوشایندی که میهراسم در امان میدارم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا نیست و با آن خود را مستحق بخشش، عافیت و رضایت خداوند میگردانم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمییابد، دشمنان خداوند پراکنده گشتند و حجت خداوند پیروز گشت و روی خداوند باقی ماند، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا نیست، خداوند ای پروردگار جانهای از بین رفته،

ص: 13

1- . امالی الطوسی 1: 283، مراجعه کن به شرح حدیث در جلد 59: 27.

2- . مکارم الاخلاق: 403

و ای پروردگار پیکرهای فرسوده، و ای پروردگار موهای ژولیده و پوستهای پاره گشته، و ای پروردگار استخوانهای پوسیده، و ای پروردگار لحظهای که برپا میشود، پروردگارا از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد و خاندان پاک او، درود و رحمت فرستی و در حق من چنین کنی با لطف پنهان خود، ای صاحب شکوه و بزرگی، اجابت فرما اجابت فرما. (1)

ص: 14

1- . مکارم الاخلاق: 558

باب پنجاه و چهارم : آنچه از دعا و طلسم و افسون و تعویذ جایز است و آنچه جایز نیست و آداب حمل و استفاده از تعویذها

روایات:

1. طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: استفاده از تعویذ برای جلوگیری از چشم زخم و تب و دندان و یا هر خرنده نیشداری، اشکال ندارد، اگر انسان بداند چه میگوید، و چیزی که بدان آگاه نیست را وارد تعویذ خود نمیکند.(1)

2. طب الائمه: در روایتی از عبدالله بن سنان است که از امام صادق علیه السلام پیرامون، عقرب و مار و رقیه دیوانه و افسون شدهای که در عذاب است، پرسیدم، فرمودند: ای ابن سنان چنانچه تعویذ و دعا و افسون برگرفته از قرآن باشند، اشکالی ندارد، و کسی که قرآن او را شفا ندهد او را شفایی نیست. آیا در این چیزها، چیزی رساتر از قرآن هست؟، مگر خداوند نمیفرماید: (و تُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم). (2)

و مگر نه اینکه خداوند که یادش بلند و ستایشش بزرگ باد، فرمود: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی».(3)

از ما بپرسید تا شما را بیاموزیم و به تعویذهای قرآن بر هر دردی با خبر سازیم.(4)

ص: 15

1- . طب الائمه: 48

2- . اسری: 82

3- . حشر: 21

4- . طب الائمه: 48

3. طب الاثمه: احمد بن محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید، آیا با این تعویذ میشود از چیزی در امان بود؟ فرمودند: خیر، مگر اینکه برگرفته از قرآن باشد و امام علی علیه السلام میفرمودند: بسیاری از تعویذ ها و طلسمها شرک است.(1)

4. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمود: بسیاری از طلسمها شرک است.(2)

5. طب الاثمه: زراره بن اعین از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا میتوان تعویذ یا آیاتی از قرآن را بر بیماری، آویزان کرد؟ فرمودند: آری، اشکال ندارد، به راستی که تعویذهای قرآن سودرسان است، پس آنها را به کار بندید.(3)

6. طب الاثمه: از امام صادق علیه السلام در مورد مرد بیماری سؤال شد که برای بهبودیاش آیاتی از قرآن نوشته شود و بر او قرار داده شود و یا اینکه آنها را با آبی بشویند و آنگاه آن آب را بنوشد، امام علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد.(4)

7. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: اشکالی ندارد تعویذ برای اطفال یا زنان استفاده شود.(5)

8. طب الاثمه: حلبی روایت کرد از امام جعفر بن محمد علیهما السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، آیا میتوان آیاتی از قرآن و تعویذ را بر زنان و فرزندان خود آویزان کنیم؟ فرمودند: آری، چنانچه بر چرم باشد زن حائض میتواند آن را بپوشد و اگر در چرم نباشد، نمیتواند آن را بپوشد.(6)

9. طب الاثمه: ابن سالم از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا میتوان آیاتی از قرآن یا تعویذ را برای بهبودی بیمار بر او آویزان کرد؟ فرمودند: عیبی ندارد،

ص: 16

1- . طب الاثمه: 48

2- . طب الاثمه: 49 [2]

3- . طب الاثمه: 48

- 4- . طب الأئمه: 49
- 5- . طب الأئمه: 49
- 6- . طب الأئمه: 49

عرض کردم: اگر جنب باشیم چه کنیم؟ فرمودند: مؤمن نجس نیست، ولی چنانچه در چرم نباشد زنان نمیتوانند آن را بپوشند، و برای مردان و کودکان اشکالی ندارد. (1)

10. الخصال: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تعویذ تنها برای سه چیز به کار میرود: تب، چشم زخم و یا خونی که بند نیاید. (2)

11. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمودند: دمیدن در تعویذ و غذا و سجدهگاه کراهت دارد. (3)

12. قرب الاسناد: امام باقر علیه السلام فرمودند: شخصی، فرد دیگر را چشم کرده بود، پس آن را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی بیاورید تا او را تعویذ کند. (4)

13. قرب الاسناد: علی از برادرش علیه السلام، پرسید: از او در مورد بیمار پرسیدم که آیا داغ شود یا برای او دعایی گرفته شود؟ فرمودند: اشکال ندارد، چنانچه تعویذ کند به آنچه بدان آگاه است. (5)

ص: 17

1- . طب الائمه: 49

2- . خصال 1: 76

3- . خصال 1: 76

4- . قرب الاسناد: 70

5- . قرب الاسناد: 128

1. طب الائمه: حسین بن علی بن یقطين نقل کرد: من این تعویذ را از امام رضا علیه السلام گرفتم و ایشان فرمودند که در بردارنده برکات و مانع ضررهاست و ایمنی از هر درد و بیماری است.

به نام خداوند بخشاینده مهربان، به نام خداوند بروید در آن گم شوید و بامن سخن مگویید و با من صحبت نکنید، به خداوند بخشایشگر پناه میبرم چه پرهیزگار باشی و یا بی تقوا، با شنیدن خدا و دیدن او بر گوش ها و چشم های شما و با نیروی او بر نیروی شما غلبه کردم، شما هیچ قدرتی بر فلان فرزند فلان و بر فرزندان و مال و خاندان او ندارید، میان شما و او را پوشاندم با پوشش پیامبری که به واسطه آن از قدرت فرعونها، پنهان گشتند، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ شماست و محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش در برابر شما قرار دارند و خداوند بلندمرتبه بر شما چیره است. خداوند، او، فرزندان، دارایی و خانواده‌اش را از شر شما و شیطانها محفوظ میدارد، هرچه خدا بخواهد، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، معبودا، بردباری او و تلاشش به صبر تو نمیرسد، به تو توکل نمودم و تو بهترین سرپرست و یاری کننده‌ای. ای فلان، خداوند تو و فرزندان را حفظ کند به آنچه اولیای خود را بدان نگاه داشت. و درود خداوند بر محمد و خاندان او. سپس آیه الكرسي را تا هو العلی العظیم را می نویسی سپس چنین می نویسی: هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بزرگ و بلندمرتبه تحقق نمیابد و هیچ پناهی از خدا جز به سوی او

نیست و خدا ما را کافی است و بهترین کارگزار است دلّ سام فی رأس السهباطا لسلسبیلانیها. (1)

2. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه دچار کسالت یا سردردی میشدند، دستان خود را میگشودند و سورههای حمد، قل اعوذ برب الفلق را میخواندند سپس دستان خود را به صورت میکشیدند، پس هر دردی که بر ایشان بود، از بین میرفت. (2)

مکارم الاخلاق: مثل این حدیث از امام رضا علیه السلام روایت شد، ایشان سوره قل هو الله احد را نیز بدان افزودند. (3)

3. طب الاثمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس، سوره حمد و قل هو الله احد او را شفا ندهد، چیز دیگری به او بهبودی نمیدهد، و این دو سوره شفای هر دردی هستند. (4)

4. طب الاثمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر گاه دردی بر یکی از شما عارض شد، بگوید: به نام خدا و با استعانت از خدا و درود خدا بر رسول خدا و خاندان او از شر آنچه در من است به عزت خداوند و قدرت او بر هر آنچه بخواهد، پناه میبرم. (5)

5. طب الاثمه: خالد عبسی نقل کرد: علی بن موسی علیه السلام این تعویذ را به من آموختند و فرمودند: آن را به برادران مؤمن خویش بیاموز که دواي هر دردی است. و دعا این است: «خود را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان میآورم، خود را در پناه کسی میبرم که هیچ دردی با نام او ضرری نمیرساند، خود را در پناه کسی قرار میدهم که نامش برکت و شفاست». (6)

ص: 19

1- . طب الاثمه: 40، (فی رأسی للسماطا» این عبارت از کتاب مهج الدعوات نقل شد، مراجعه کن ج 94: 345.

2- . طب الاثمه: 39

3- . مکارم الاخلاق: 421

4- . طب الاثمه: 39

5- . طب الأئمه: 39 و 40

6- . طب الأئمه: 41

6. طب الاثمه: سعد مزنی نقل کرد: امام صادق علیه السلام تعویذی بر ما املا کردند که جامع نامیده میشود، و متن آن چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوندی که با وجود نام او هیچ چیز در آسمان و زمین ضرر نمیرساند، خدایا از تو خواهانم به اسم پاک، پاکیزه، پاککننده، مقدس، ایمن، ایمنبخش، چیره و مبارک تو، که هر کس بدان از تو درخواست کرد عطا کردی، و هر کس تو را بدان خواند اجابت کردی، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از هر آنچه در گوش، چشم، دست و پا، مو، پوست و شکم خود دارم، عافیت بخشی، به راستی که تو بر هر آنچه میخواهی آگاهی و به هر چیز توانایی. (1)

7. طب الاثمه: ذریح محاربی نقل کرد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، دیدم فرزند کوچک خود را تعویذ می کنند و میخوانند: بسم الله، تو را سوگند دهم ای باد و ای درد، هر چه باشی بدان سوگندی که قسم داد بدان علی بن ابی طالب فرستاده رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنیان وادی صبره و آنان فرمان بردند و اجابت دستور کردند که تو نیز اجابتم کنی و فرمانم ببری و هم اکنون همین ساعت از بدن پسر فلانی پسر فلان زن، بیرون روی» و آن را سه بار تکرار کردند. (2)

8. طب الاثمه: نقل است، کارگزار مدینه، از دردهایی که پی در پی بر فرزندش وارد میشد، به نزد امام موسی بن جعفر علیهما السلام شکایت برد. امام علیه السلام فرمودند: این دعا را بر پوستی بنویس و در قطعه‌ای از نقره قرار ده، و بر فرزند خود آویزان کن که خداوند به واسطه آن بیماریها را از او دور میگرداند: و دعا این است:

به نام خداوند، پناه میبرم به روی با عظمت، عزت دست نایافتنیات، و قدرتت که بر همه چیز احاطه دارد، و از شر هر آنچه شبانه روز از آن بیم دارم، و از گزند تمامی دردها، و از شر دنیا و آخرت و از تمام بیماریها، دردها، غمها، مریضیها، بلاها، مصیبتها و از هرچه که خدا علم داشت مرا برای آن آفرید و من آن را ندانستم، پروردگارا، از امشب تا صبح و از صبح تا غروب مرا از شر تمامی

ص: 20

2- . طب الأئمه: 91

اینها، پناه ده. پناه میبرم به کلمات کامل خداوند که هیچ بنده نیکوکار و بدکاری از حدود آن تجاوز نمیکند و از شر آنچه از آسمان فرو میآید و به سوی آن بالا میرود و هر آنچه در زمین فرو میرود و از آن خارج میگردد، و درود بر فرستادهشدگان و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.

پروردگارا تو را میخوانم به آنچه محمد درود خدا بر او و خاندانش، تو را بدان خواند، خداوند مرا کفایت میکند، خدایی جز او نیست، تنها بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرض با عظمت، و از جانب خود ای نیکوکردار و ای مهربان، آن را بر من پایان بخش، به نامت ای خدای یگانه و یکتای بیناز، درود خدا بر محمد و خاندان او، به قدرت خود بدهایی که میابم از من دور کن. (1)

9. طب الاثمه: روایت است زمانی که یکی از فرزندان محمد بن علی علیهما السلام از درد مینالید، ایشان به او نزدیک شدند و او را بوسیدند، سپس فرمودند: ای فرزندم، حالت چطور است؟ جواب داد: درد دارم. امام علیه السلام فرمودند: بعد از نماز ظهر ده بار بگو: یا الله یا الله، به درستی که هر گرفتاری چنین کند، خداوند بلندمرتبه میفرماید: اجابت کردم ای بنده من، حاجت چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس اندوهی دارد، در شب چنین دعا کند: ای شفادهنده در روز و شب و ای از بین برنده دردها در روز و شب، بر من شفایی نازل کن که تمامی دردهای مرا بهبود بخشد. (2)

10. طب الاثمه: حسین بن حسن خراسانی که از نیکان بود، روایت کرد، در روزگار ابی الدوانیق با گروهی از حاجیان به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، از ایشان در مورد دعای شخص گرفتار سؤال شد، فرمودند: هر کس گرفتاری دارد، بعد از نماز شب، دست خود را به سجدهگاه قرار دهد و بگوید: به نام خدا، به نام خدا، محمد رسول خدا و علی امام خدا در زمین او و بر تمامی بندگانیش است، شفایم ده ای شفادهنده، هیچ بهبودی جز شفای تو نیست، شفایی که هیچ درد و بیماری را به جای نمیگذارد.

- 1- . طب الأئمه: 92
- 2- . طب الأئمه: 121

خراسانی گفت: نمیدانم، ایشان فرمودند آن را سه بار بخواند یا هفت بار.

امام علیه السلام فرمودند: هر کس گرفتاری و مشکلی دارد و راه چاره‌ای ندارد و به مصیبت‌ها گرفتار است، این دعا را بخواند: (لا اله الا انت سبحانک اِنِّی کنت من الظالمین، خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی تو و قطعاً من از ستمکارانم) این دعا را در شب جمعه بعد از نماز عشاء بخواند، و فرمودند این دعا را از امام باقر علیه السلام و ایشان از علی بن حسین صاحب پینه‌ها (صاحب پینه‌های بسیار به سبب عبادت فراوان) و وی از امام حسین علیه السلام و ایشان از امام علی علیه السلام و امام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان به نقل از جبرئیل درود خدا بر همه آنان، آورد و جبرئیل از خداوند عزّ و جلّ آن را نقل کرد.(1)

11. طب الائمه: أرقط، فرزند خواهر امام صادق علیه السلام نقل کرد: روزی به بیماری سختی مبتلا شدم، مادرم به سراغ داییم فرستاد، و داییم آمد و مادرم ام سلمه دختر محمد بن علی، در خارج از خانه بود، و میگفت: ای وای بر جوانم، داییم که ایشان را دید، فرمودند: لباست را بپوش، سپس برو روی پشت بام و روسریات را بردار و موهایت را رو به آسمان رها کن و سپس بگو: «پروردگارا تو او را به من عطا کردی و بخشیدی، خداوند، پس امروز یک بار دیگر آن را به من ارزانی دار، به راستی که تو توانا و توانگری». سپس به سجده برو و همین که سر از سجده برداری فرزندت شفا خواهد یافت، او نیز همین کار را کرد، و من فوراً از جا برخاستم و به همراه داییم به مسجد رفتم.(2)

12. طب الائمه: امام صادق علیه السلام به یاران و دوستان خود سفارش میکردند: هر کسی بیماری دارد، سبویی جدید بگیرد و مقداری آب در آن بریزد و خودش آب را بکشد و سوره انا انزلناه را سی بار بر آن بخواند، سپس از آب بنوشد و از آن وضو بگیرد و مسح بکشد، و هرگاه کم شد بر آن بیافزاید، و این کار را سه روز انجام دهد، که خداوند بلندمرتبه او را از آن درد بهبودی خواهد بخشید.(3)

ص: 22

1- . طب الائمه: 122

2- . طب الائمه: 122

3- . طب الائمه: 123

13. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعا برای کسی است که به بیماریهای طاقتفرسا مثل خوره یا غیره مبتلا شود، در این هنگام، دست خود را بر سر فرد بیمار قرار ده و این دعا را بخوان:

«به نام خدا و با استعانت از خدا، از خدا و به سوی خدا، هرچه خدا بخواهد و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمییابد، ابراهیم دوست خدا، موسی همسخن خدا، نوح نجات یافته خدا، عیسی روح خدا و محمد رسول خداست، درود خدا بر تمامی آنان، از هر بلای طاقتفرسا و هر چیز دردآور و تمامی بادهای و جانها و دردها، سوگند خدا و افسون او بر فلان و فرزند فلان که خوره و دیگر بیماریها به او نزدیک نشود و او را پناه میدهم به کلمات خداوند که آدم علیه السلام به واسطه آنان، پروردگار خویش را خواند سپس به سوی او بازگشت، به راستی که او توبهپذیر مهربان است، ای دردها و ای جانها، این حرزی است برای صاحب آن، به اذن خداوند و یاری او و به قدرت خداوند که آفرینش و امر از آن اوست، خجسته است خدا پروردگار جهانیان».

سپس سوره فاتحه، آیه الکرسی، ده آیه از سوره یس را میخوانی و از خداوند به حق محمد و خاندان او میخواهی که او را شفا دهد، به راستی که این دعا، هر دردی را به اذن خداوند بلندمرتبه شفا خواهد داد. (1)

14. تفسیر العیاشی: امام جعفر بن محمد علیهما السلام به نقل از پدر بزرگوارشان آوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله، به مردی که او را نمیدیدند، فرمودند: چه چیز سبب شد تا کمتر به دیدار ما آیی؟ جواب داد: بیماری و خانواده، پیامبر فرمودند: آیا میخواهی کلماتی به تو بیاموزم تا به آنان دعا کنی و خداوند بیماریات را شفا دهد و فقر را از تو دور سازد؟ میگویی: «هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا تحقق نمییابد، توکل کردم بر آن زندهای که هرگز نمیمیرد، ستایش خدایی که هیچ فرزندی نگرفت و در فرمانرواییاش شریکی ندارد و هیچ سرپرستی ندارد، و او را به بزرگی یاد کن». (2)

ص: 23

1- . طب الاثمه: 124

2- . تفسیر العیاشی 2: 320، اسراء/ 111

مجالس المفید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام مثل این حدیث را روایت کردند، با این تفاوت که در این حدیث، بیماری و فقر آمده است و العلی العظیم را در دعا ندارد. (1)

15. مکارم الاخلاق: آیات قرآنیه دالّ بر یگانگی خداوند، نیز برای شفای بیماریها خوانده میشود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ تَأْ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ: به نام خداوند بخشنده مهربان و معبود شما، معبود یگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست، [و اوست] بخشایشگر مهربان اوست معبود یگانه ای است که جز او هیچ معبودی نیست خواب سبک و گرانی او را فرا نگیرد....اوست والای بزرگ. (2)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْم اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ....سَرِيعُ الْحِسَابِ: خداست که هیچ معبود [بحقی] جز او نیست و زنده [پاینده] است اوست کسی که شما را آنگونه که می خواهد در رحم ها صورتگری می کند. هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست. خدا گواهی داد که خدایی جز او نیست زود شمار است. (3)

وَ إِذَا حُيِّئْتُمْ بِهِ فَقِيُوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا وَ چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید، که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است، خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رستاخیز- که هیچ شکی در آن نیست- شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟ (4)

ص: 24

1- . امالی المفید: 142

2- . بقره/ 256 ، 158

3- . آل عمران/ 1، 4، 16، 17

4- . انعام/ 102، 106

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَكِيلٌ ۚ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَاعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ: این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. (1)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ ۚ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ: بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او- که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد- بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید. (2)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ قَائِنُ تَوَلَّوْا قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزه است او از آنچه شریک می گردانند. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. (3)

حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُؤَا إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ: تا وقتی که در شُرْفِ غرق شدن قرار گرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند، نیست، و من از تسلیم شدگانم. (4)

ص: 25

1- . انعام/ 102، 106

2- . اعراف/ 158

3- . توبه/ 31 ، 129

4- . یونس/ 90

قَالُوا يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ: پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید. (1).

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ: بگو اوست پروردگار من. معبودی به جز او نیست. بر او توکل کرده ام و بازگشت من به سوی اوست. (2).

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْزِلُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ: فرشتگان را با روح، به فرمان خود، بر هر کس از بندگان که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید. (3).

وَ إِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى إِنَّكَ يَا وَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا: و اگر سخن به آواز گویی، او نماند که نداند، او نماند که نداند خدایی که جز او معبودی نیست [و] نامهای نیکو به او اختصاص دارد. تو در وادی مقدس «طوی» هستی. منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار. در حقیقت، قیامت فرارسیده است. می خواهم آن را پوشیده دارم، تاهر کسی به [موجب] آنچه می کوشد جزا یابد. معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه چیز را در بر گرفت هاست. (4).

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ دَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ: و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید. و «ذوالنون» را [یاد

ص: 26

2. - رعد / 29

3. - نحل / 2

4. - طه / 6, 7, 12-15, 98

کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکی ها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم». (1)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ: پس والاست خدا، فرمانروای بر حق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. (2)

وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُغْلِبُونَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند، خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است. (3)

و هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: و اوست خدا جز او معبودی نیست. در این [سرای] نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید. (4)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّقُوا اللَّهَ: ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می یابید؟ (5)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ وَ يَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ: [آری،] ما با مجرمان چنین رفتار می کنیم چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می شد: «خدایی جز خدای یگانه نیست»، تکبر می ورزیدند و می گفتند: آیا ما برای شاعری دیوانه دست از خدایانمان برداریم؟! ولی نه! [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است. (6)

ص: 27

1- . انبیاء/ 25، 87

2- . مؤمنون/ 117

3- . نمل/ 25، 26

4- . قصص / 71

5- . فاطر / 3

6- . صافات / 33-37

غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّلُولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ
 ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ؕ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِلِي تَوَفَّكُونَ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ قَادِعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: گناه بخش و توبه
 پذیر سخت کیفر فراخ نعمت است. خدایی جز او نیست. بازگشت به سوی
 اوست. این است خدا، پروردگار شما آفریننده هر چیزی است: خدایی جز
 او نیست. پس چگونه باز گردانیده می شوید؟ اوست زنده ای که خدایی
 جز او نیست. پس او را در حالی که دین را برای وی بی آایش گردانیده
 اید بخوانید. سپاس ویژه خدا پروردگار جهانیان است. (1)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ
 يُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن
 دو است، اگر یقین داری، خدایی جز او نیست او زندگی می بخشد و می
 میراند پروردگار شما و پروردگار پدران شماست. (2)

قَاتِلِي لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِدَنِكَ وَ
 لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَ مُتَوَاكُم: پس اگر بر آنان در
 رسد، دیگر کجا جای اندرزشان است پس بدان که هیچ معبودی جز
 خدائست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان
 و خداست که فرجام و مآل شما را می داند. (3)

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ
 الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ تا آخر سوره: اگر این قرآن را بر
 کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می
 دیدی. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. (4)

ص: 28

1- . مؤمن / 3، 63، 65

2- . دخان / 7، 6

3- . قتال / 21، 20

4- . حشر / 21

فَإِنَّمَا عَلَى رُسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: بر پیامبر ما فقط پیام رسانی آشکار است خدا جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند.(1)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا: [اوست] پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کار ساز خویش اختیار کن.(2)

16. مکارم الاخلاق: شفای تمامی بیماریها: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است، جبرئیل دارویی به من آموخت که از داروهای دیگر بیناز میکند، پرسیده شد: ای رسول خدا، آن چه دارویی است؟ فرمودند: مقداری از آب باران قبل از آنکه بر زمین بریزد، برمیگیری و در ظرفی پاکیزه میریزی و سوره حمد را هفتاد مرتبه میخوانی، سپس کاسه ای از آن را در صبح و کاسه ای از آن را در شب مینوشی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، خداوند آن درد را از بدن، استخوانها، مغز و رگهای او خواهد برد.(3)

و در حدیثی شبیه آن آمده است: هفت سیاهدانه و هفت دانه عدس و مقداری تربت قبر حسین علیه السلام و هفت قطره عسل، در آب یا روغن ریخته بشود، و سوره فاتحه و معوذتین، قل هو الله احد، آیه الکرسی [الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ....] خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آنکس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیشروی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در

ص: 29

-
- 1- . تغابن/12،13
 - 2- . مکارم الاخلاق: 421-424 و زممل/ 9
 - 3- . مکارم الاخلاق: 444، خواندن هفتاد بار قل هو الله احد و معوذتین نیز آمده است.

برگرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ. [و آیه اول سوره حدید تا (و ترجع الامور) و آیه آخر سوره حشر بر آن خوانده شود.

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند بزرگ و بلندمرتبه فرمود: «و تُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم». و خداوند عزّ و جلّ فرمود: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ: [آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگ های گوناگون است بیرون می آید. در آن، برای مردم درمانی است.» (1)

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سیاه دانه شفای هر دردی است غیر از مرگ. و ما میگوییم: در کوفه قبری است که هر صاحب بلایی به او پناه برد، خداوند او را شفا میدهد. (2)

دعای بیمار برای خویش:

مستحب است شخص بیمار، این ذکر را تکرار کند: خدایی جز خدای یگانه نیست، زنده میکند و میمیراند و او زندهای است که هرگز نمیمیرد، پاک و منزّه است پروردگار بندگان و سرزمینها و ستایش فراوان، پاکیزه و پربرکت از آن خداست در تمامی حالات. و خداوند بزرگ است به بزرگمنشی پروردگار ما و شکوه او و قدرتش در تمام مکانها. خدایا اگر بیمار نمودی تا جانم را بستانی، پس روح مرا با کسانی قرار ده که مورد نیکی و احسان تو قرار گرفتند، و از آتش جهنم دور کن، همانطور که دوستان خود را که پیشاپیش مورد احسان تو قرار گرفتند، دور نگاه داشتی. (3)

دعایی که برای بیمار خوانده میشود: امام صادق علیه السلام فرمودند: دستت را بر سر شخص بیمار قرار میدهی و میگویی: به نام خدا و با استعانت از خدا، از خدا و به سوی خدا، هرچه خدا بخواهد و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمییابد، ابراهیم دوست خدا، موسی همسخن خدا، نوح نجات یافته خدا، عیسی روح خدا و محمد رسول خداست، درود خدا بر تمامی آنان، از جانها و دردها، به

- 1- . النحل. 71
- 2- . مكارم الاخلاق: 444
- 3- . مكارم الاخلاق: 447

نام خدا و با استعانت از خدا و افسون او بر فلان فرزند فلانه که هیچ مسلمان به آن نزدیک نشود و او را پناه میدهم به کلمات خداوند که آدم علیه السلام به واسطه آنان، پروردگار خویش را خواند سپس به سوی او بازگشت، به راستی که او توبه‌پذیر مهربان اذست، که دور شوید ای روح ها و درد ها به اذن خداوند عز و جل که آفرینش و امر از آن اوست خجسته باد خدایی که پروردگار جهانیان است.

سپس آیه الکرسی و ام الكتاب و معوذتین و قل هو الله احد و ده آیه از سوره یس را می خوانی و می‌گویی: خداوندا به شفای خود او را شفا ده و به دوی خود او را درمان کن و از بلای خویش عافیت بخش. و آن را به حق محمد و خاندان محمد صلوات الله علیه و علیهم اجمعین از او درخواست می کنی. (1)

دعا برای بیماری فرزند:

امام صادق علیه السلام به یکی از فرزندان خویش که از درد مینالید، فرمودند: ای فرزندم، بگو: خدایا مرا به شفای خود بهبودی بخش، و با دوی خود، مداوا کن و از بلای خود عافیت بخش، به راستی که من بنده تو و فرزند بندگان تو هستم. (2)

دعای رفع بیماری دیگران: پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خویش که درد داشتند، فرمودند: دست راست خود را بر موضع درد قرار ده و بخوان: «به نام خدا، پناه میبرم به عزت و قدرت خداوند از شر هر آنچه که میابم». (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمودند: هر کس بیمار شد، بگوید: خدایا بندهات را شفا بخش تا دشمنت را شکست دهد و برای رضای تو به سوی نماز گام بردارد. (4)

ص: 31

1- . مکارم الاخلاق: 448

2- . مکارم الاخلاق: 450

3- . مکارم الاخلاق: 450

4- . مکارم الاخلاق: 450

در روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمانی به عیادت مریضی میرفتند، میفرمودند: ای پروردگار انسانها، این درد را بزداي که شفا به دست توست، و تویی برطرفکننده بلا. (1)

و مثل همین حدیث: ای پروردگار آدمیان، این درد را ببر و بهبودی بخش که تویی شفا دهنده و شفای جز شفای تو نیست، شفایی که هیچ بیماری بر جای نگذارد، خدایا قلب و جسم مرا سالم بگردان و بیماریام را برطرف کن و دعایم را مستجاب گردان. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هر کس به عیادت مریضی رود که مرگش هنوز فرا نرسیده است، بگوید: «از خداوند بزرگ و پروردگار عرش با عظمت میخواهم تو را شفا دهد» عافیت مییابد. (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نزد یکی از یاران خود رفتند در حالی که از درد ناله میکرد، سپس به او تعویذی آموختند که از جبرئیل علیه السلام فرا گرفته بودند: «به نام خداوند تو را تعویذ می کنم به نام خداوند تو را شفا میدهم و از هر عضوی از بدنت که به تو آزار میرساند و از شر افسونگرانی که در گرهها میدمند و از گزند حسودان آنگاه که حسادت میورزند». (4)

و مثل این حدیث: دست خود را بر دهان میگذاری و سه بار میگوی: «به نام خدا، به شکوه خدا، به عظمت خدا. به کلمات کامل خداوند، و به اسمهای گرامی خداوند» سپس دست خود را بر موضع درد گذاشته و میگویی: «به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا» سپس هفت بار میگویی: «خدایا دردهای مرا بزداي» و هنگامی که خداوند شفا بخشید، بگو: «سپاس خدایی که مرا آفرید، سپس هدایت نمود و

ص: 32

1- . مکارم الاخلاق: 450

2- . مکارم الاخلاق: 450

3- . مکارم الاخلاق: 450

4- . مکارم الاخلاق: 451

خوراک داد و مرا نوشانید و بدنم را سالم گرداند و شفا بخشید، ستایش و سپاس مخصوص اوست».(1)

17. به خط شهید قدّس سره یافتیم ابن عباس نقل کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما آموختند تا در برابر تمامی دردها این ذکر را بگوییم: «به اسم خداوند بزرگ، به خداوند با عظمت پناه میبرم از شر فوران خون و گرمای آتش».(2)

18. دعوات الراوندی: دعای بیمار به نقل از امام صادق علیه السلام: خداوندا تو را میخوانم همچون بیمار افتاده و نیازمند و کسی که نیازش فراوان گشت و چاره‌اش اندک، عملش به سستی گرایید و بلاها او را احاطه کردند، و چون گرفتاری که اگر نجاتش نبخشی، هلاک میگردد و اگر یاری نکنی، چاره‌ای ندارد، پس نیرنگ خود را بر او قرار مده و مرا آماج حملات ناگهانی خشم خود مگردان و از رحمت و آسایش ناامید مفرما، و این امیر مؤمنان و برادر و جانشین پیامبر توست که به واسطه او به تو روی می کنم به راستی که تو او را پناهگاه بندگان قرار دادی و علم گذشته و حال را در اختیار او سپردی پس به واسطه او مشکلم را بگشای و به رحمت خود مرا از این مصیبت رهایی بخش، ای او، ای او، ای او، امیدها جز از تو، ناامید گشت.

امام صادق علیه السلام میفرمودند: «خداوندا آن را سبب ادب شدن من قرار ده، و آن را خشم خود بر من قرار مده.»

دعای بیمار: خداوند مرگ را برای ما بهترین کسی که در انتظارش هستیم قرار ده و قبر را برترین خانهای که ساختیم، بگردان، و پس از آن را نیز برای من نیک گردان، خداوندا ما را قبل از مرگ، اصلاح کن و هنگام مرگ رحم کن و بعد از مرگ، بیامرز.

مروان قندی نقل کرد به امام موسی علیه السلام نامه‌ای نوشتم و در آن از دردی که داشتم به ایشان شکایت کردم، پس در جوابم نوشتند، بگو: «ای کسی که مورد ظلم قرار نمیگیری و دور از دسترسی، ای کسی که به واسطه تو پیوند

1- . مكارم الاخلاق: 451

2- . اين حديث به نقل از زرارۀ از امام باقر يا امام صادق عليهما السلام
در كتاب مكارم الاخلاق : 450 آمده است.

خویشان برقرار شود بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از این درد، بهبودی بخش».

امام صادق علیه السلام به هنگام درد میفرمودند: خدایا تو در سرزنش گروههایی چنین فرمودی: «قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ رَزَعْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَخْوِيلًا» بگو: کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند» پس ای کسی که جز او نمیتواند سختی ام را برطرف گرداند و یا آن را تغییر دهد، پس آن را بزدا و به سوی آنان که به همراه تو، خدایی دیگر را نیز میخوانند، روانه گردان، هیچ خدایی جز تو نیست.

عده الداعی: شبیه این حدیث از حضرت صادق علیه السلام نقل است.

19. دعوات الراوندی: از ائمه معصومین علیهم السلام روایت است، هر کس دردی دارد، بعد از هر نماز واجب، هفت بار سجدهگاه را مسح کند و دست خود بر موضع درد بمالد و بگوید: «ای کسی که زمین را بر آب قرار داد و هوا را به آسمان پوشاند و بهترین اسمها را بر خود برگزیدی، بر محمد و آل محمد درود فرست و در حق من چنین و چنان کن و روزیام بخش و از فلان دردها، عافیت بخش».

امیر مؤمنان علیه السلام بیمار گشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: ای علی، بگو: «خدایا من از تو عافیت زودرس یا صبر بر این بلا و یا خروج به سوی رحمت را میخواهم».

عده الداعی: از امام صادق علیه السلام مثل این حدیث روایت شده است.

20. دعوات الراوندی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرُهُ تَكْبِيرًا: هیچ نیرو و قدرتی به جز خدا نیست توکل نمودم به زنده ای که نمی میرد و ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداري شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.» خداوند بیماریها و فقر را از او دور میگرداند.

21. عده الداعی: «به نام خداوند بخشنده مهربان، سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است، خدا ما را کفایت میکند و بهترین کارگزار است، بلندمرتبه است، خدا بهترین آفرینندگان، و هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست». این دعا را چهل بار در تعقیب نماز صبح بخواند و بر موضع درد بکشد، که به اذن خداوند، هر دردی که باشد، مخصوصاً شکاف، بهبودی مییابد، پس چنین کرد و از آن فایده برد.

داود بن زربی از امام صادق علیه السلام نقل کرد: دست خود را بر موضع درد قرار میدهی و سه بار میگویی: «خداوند خداوند حقیقتاً پروردگار من است. درهای به او شرک نمیورزم، خداوند تو درخواست شونده در هر امر بزرگی پس آن را از من بزدای». (1)

مفصل از امام صادق علیه السلام این دعا را برای رفع دردها نقل کرد: «به نام خدا و با استعانت از خداوند، چه نعمتهای فراوانی که در رگی ساکن و غیر ساکن بر بندهای شکرگزار و ناسپاس خود قرار دادی» سپس بعد از نمازهای واجب محاسن خود را با دست راست خود می گیری و سه بار می گویی: «خدایا گرهام را بگشای، و در عافیتم تعجیل کن و بدحالیم را برطرف نما» و سعی کن تا دعا را با سوز و گریه بخوانی. (2)

شخصی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و از دردهای خود به ایشان شکایت نمود، امام فرمودند: بگو: «بسم الله» دستت را بر آن موضع قرار ده، سپس هفت مرتبه بخوان «پناه میبرم به عزت خداوند، پناه میبرم به قدرت خدا [پناه میبرم به رحمت خدا] پناه میبرم به شکوه خدا، پناه میبرم به عظمت خدا، پناه میبرم به جمع خدا، پناه میبرم به رسول خدا، پناه میبرم به نامهای خداوند، از هر آنچه بیم دارم و از آن بر خود میهراسم». آن شخص گفت، چنین کردم و [خداوند] آن درد را از من بیرون برد. (3)

ص: 35

-
- 1- . در کتاب الکافی 1: 566 و 565 نیز آمده است.
 - 2- . در کتاب الکافی 1: 566 و 565 نیز آمده است.
 - 3- . در کتاب الکافی 1: 566 - 565 نیز آمده است.

1. طب الاثمه: علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمودند: این تعویذی است که شیعیان ما را از سل دور نگه میدارد «ای خدا، ای پروردگار پرورندگان، ای سرور سروران، ای خدای خدایان، ای پادشاه پادشاهان، ای چیره بر آسمانها و زمین، مرا از این درد شفا و عافیت بخش، به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و در اختیار توام و زمام امورم به دست توست» این دعا را سه بار میخوانی، به درستی که خداوند عزّ و جلّ به قدرت خویش، تو را از آن کفایت میکند انشاء الله تعالی. (1)

2. طب الاثمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: رسول خدا به تب سختی دچار شد، پس جبرئیل علیه السلام به نزد ایشان آمد و با خواندن این دعا او را تعویذ کرد: «به نام خداوند تو را تعویذ می کنم، به نام خداوند تو را شفا میدهم، از هر دردی که تو را میآزارد، به نام خدا و خداوند شفادهنده است، به نام خدا آن را بگیر که تو را گوارا خواهد بود، به نام خداوند بخشنده مهربان و سوگند به جایگاه های ستارگان، اگر بدانید، آن سوگندی سخت بزرگ است و به اذن خداوند عزّ و جلّ شفا خواهی یافت» پیامبر صلی الله علیه و آله از بند گشوده شدند و فرمودند: ای جبرئیل آیا این تعویذی است که بر تو ابلاغ شد؟ فرمود: این از خزانه‌ای است در آسمان هفتم. (2)

ص: 36

1- . طب الاثمه: 37

2- . طب الاثمه: 38

3. طب الاثمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: برای تعویذ بیمار بخوان: «خارج شو ای رگ یا ای چشم جن یا ای چشم انسان یا ای دردی که در فلان فرزند فلان قرار داری، خارج شو به خدایی که با موسی سخن گفت و ابراهیم صلوات الله علیه را دوست خود قرار داد و به پروردگار عیسی بن مریم روح خدا و کلمه او و پروردگار محمد و خاندان هدایتگر او و فرو نشینی همانطور که آتش بر ابراهیم خاموش گشت» (1).

4. طب الاثمه: حضرمی نقل کرد: فرزندم به تبی گرفتار شد که هر چهار روز یکبار عارض می شد، در این هنگام امام موسی علیه السلام در نامهای به من نوشتند که بر دست راست او بنویسم «بسم الله جبرائیل» و بر دست چپ او بنویسم «بسم الله میکائیل» و بر پای راست او بنویسم «بسم الله اسرافیل» و بر پای چپ او بنویسم: «بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا زمهیرا: به نام خدا، در آن نه خورشیدی میبینند و نه باد سردی» و در میانه شانهای او بنویسم «بسم الله العزیز الجبار: به نام خداوند شکستناپذیر چیره» و فرمودند: هر کس در آن شک کند، نفعی نخواهد برد. (2).

5. الاختصاص: حسن بن علی و شاء نقل کرد، امام رضا علیه السلام به من فرمودند: تو را میبینم در حالی که رنگ به رخسار نداری، عرض کردم: به تبی مبتلا شدم که چهار روز یکبار بر من عارض می شود و بسیار مرا به خود پیچیده است. پس فرمودند: کاغذ و مرکبی بیاورید و این دعا را نوشتند: «به نام خداوند بخشنده مهربان، أبجد هوّز حطی از فلان فرزند فلانه» سپس خواستند نخی برایشان بیاورند، پس نخ مرطوبی آوردند، فرمودند: نخی بیاورید که آب به آن نرسیده باشد، پس نخ خشکی آوردند، وسط آن دعا را بستند و در جانب راست، چهار گره و در سمت چپ آن سه گره زدند و بر هر گرهی یک حمد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ بربّ

ص: 37

1- . طب الاثمه: 39

2- . طب الاثمه: 51

الناس و آیه الکرسی خواندند، سپس آن را به من دادند و فرمودند: آن را بر بازوی راستت ببند و از بستن آن بر بازوی چپ خودداری کن. (1)

6. طب الاثمه: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت است: هیچ - دردی - نیست که هفتاد بار سوره حمد بر آن خوانده شود مگر این که آرام شود؛ اگر خواستید، امتحان کنید و در آن شک نکنید. (2)

7. طب الاثمه: شخصی از دوستان امام صادق علیه السلام بر ایشان وارد شد، در حالی که تب داشت و امام فرمودند، چرا رنگ به رخسار نداری؟ عرض کردم، یک ماه است که به تب شدیدی مبتلایم و از بین نرفت. و به هر آنچه برای من نسخه کردند، به درمان خود پرداختم ولی سودی نداشت. امام صادق علیه السلام فرمودند: دکمهای پیراهنت را باز کن و سر خود را در پیراهنت فرو ببر و اذان و اقامه بگو و سوره حمد را هفت بار خوان، و آن شخص نقل کرد وقتی این کار را انجام دادم گویی از بندی رستم. (3)

8. طب الاثمه: داود رقی نقل کرد، در مدینه که بودم به مریضی سختی گرفتار شدم، وقتی خبر آن به امام صادق علیه السلام رسید، برای من نوشتند: خبر بیماری ات به من رسید پیمانه ای از گندم خریداری کن و به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینهات بپاش به هر شکل که پراکنده شدند، و این دعا را بخوان: «خداوندا تو را به آن اسمی میخوانم که هرگاه درماندهای تو را بدان خواند، گرفتاریاش را برطرف نمودی، و او را در زمین توانمند گرداندی و خلیفه خویش بر بندگان قرار دادی، از تو میخواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا از بیماری بهبودی بخشی.» سپس بنشین و گندمهای اطراف خود را جمع کن و همین دعا را بخوان، سپس آن را [چهار قسمت] تقسیم کن، و برای هر مسکینی یک مدّ قرار ده و دوباره

ص: 38

1- . الاختصاص: 18

2- . طب الاثمه: 53

3- . طب الاثمه: 52

این دعا را بخوان. داود نقل کرد، طبق دستور امام علیه السلام، عمل کردم، گویی از بند رستم. و دیگران نیز آن را به کار بستند و بهره جستند. (1)

دعوات الراوندی: داود بن زربی نقل کرد، روزی در مدینه به بیماری سختی مبتلا شدم و مثل روایت بالا را نقل کرد. (2)

9. طب الاثمه: یونس بن یعقوب نقل کرد: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و دیدم به یکی از دوستان خویش، تعویذی برای تب میآموزند من نیز آن را نوشتم، فرمودند: سوره فاتحه الكتاب، قل هو الله احد، انا انزلناه، آیه الكرسي خوانده میشود، سپس در دو طرف شخصی که تب دارد، با انگشت اشاره مینویسی: خدایا بر پوست لطیف و استخوان باریک و شدت سوزش رحم کن، ای تب، اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری، گوشت و خون او را نخور و بدن او را معیوب نکن و او را به سردرد مبتلا نکن و از فلان فرزند فلانه به سوی کسی برو که در کنار خداوند یکتا، خدایی دیگر نیز قرار میدهد، خدایی جز خدای یکتا نیست، خداوند از آنچه شرک میورزند، برتری جست. (3)

10. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان فرمودند: انسان مؤمنی که به عیادت برادر مؤمن خود که بیمار است برود و این دعا را بخواند: «پناه میدهم تو را به خداوند بزرگ، پروردگار با کرامت عرش از شر خونی که بند نیاید و گرمای آتش» خداوند اجل او را به تأخیر میاندازد. (4)

11. مکارم الاخلاق: در تب و سردرد: امام صادق علیه السلام فرمودند: دعایی که برای تب و سردرد نوشته میشود، با نخی بسته شده و هفت گره بر آن زده میشود و بر هر گره سوره فاتحه الكتاب و بر سر شخصی که تب دارد، بسته میشود و بر بازوی راست او آویزان میشود.

ص: 39

1- . طب الاثمه: 53

2- . طب الاثمه: 53

3- . طب الاثمه: 54

4- . طب الاثمه: 120

«به نام خداوند بخشنده مهربان ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است تا آخر سوره و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس و سوره قل هو الله احد، به نام خداوند بخشنده مهربان، ای پروردگار آدمیان، این تب را ببر، و او را شفا بخش، ای شفادهنده، زیرا هیچ بهبودی جز به عافیت تو نیست، شفایی که هیچ بیماری بر جای نگذارد، خیر تنها به دست اوست، به راستی که تو بر هر چیز توانایی، و از قرآن آنچه مایه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل میکنیم. به نام خداوند بخشنده مهربان، گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و این چنین نوشته مرا در جوار خود قرار ده به رحمت ای مهربان ترین مهربانان».

«به نام خداوند بخشنده مهربان، و هرچه در روز و شب آرام گرفت، از آن اوست و اوست شنوا و دانا، ای سردرد و ای درد به عزت خداوند، آرام گیر، به قدرت خداوند، آرام گیر، به شکوه خداوند آرام گیر، به بزرگی خداوند آرام گیر، به اینکه هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، آرام گیر، و خداوند آنها را کفایت خواهد کرد و اوست شنوای دانا، و ذوالنون آنگاه که خشمگین رفت... نجات می دهیم مؤمنان را. (1)

و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد و خداوند ما را کفایت میکند و بهترین کارگزار است و درود خدا بر محمد و خاندان او».

برای تب و غیر آن: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش که تب داشت، فرمودند: دکمهای پیراهنت را باز کن و سر خود را در گریبان فرو کن، اذان و اقامه را بگو و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان، آن شخص گفت وقتی این کار را کردم گویی از بندی رستم.

و برای رفع تب در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: سر خود را در گریبان فرو میکنی و پس از گفتن اذان و اقامه، سورههای فاتحه الكتاب، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ بربّ الناس و سه بار سوره قل هو الله احد را میخوانی و میگویی: خود را در پناه عزت خداوند، قدرت

خدا، عظمت خداوند، سلطنت خداوند، جمال خدا، جمع خدا و به رسول خدا و خاندان او درود خداوند بر او و آنان، و به والیان امر خدا میآورم از شر هر آنچه میترسم و بیم دارم، و گواهی میدهم که خداوند بر هر کاری تواناست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد و درود خدا بر محمد و خاندان او، خداوندا به شفای خود مرا بهبودی بخش و به دوی خود مرا درمان کن و از بلای خود عافیت بخش.

و در روایتی دیگر فرمودند: سر خود را در گریبان فرو میبری، و بعد از گفتن اذان و اقامه، سوره‌های فاتحه الکتاب و قل اعوذ برّ الفلق و قل اعوذ برّ الناس را میخوانی و سوره قل هو الله احد را - سه بار - میخوانی و آیه آخر سوره حشر را سه بار میخوانی و میگویی: خود را پناه میدهم تا آخر دعا که ذکر شد.(1)

امام صادق علیه السلام به شخصی که به تبی طولانی مدت دچار شده بود، فرمودند: آیه الکرسی را در یک ظرف بنویس و سپس آن را مقداری آب بیامیز و بنوش.

مثل این حدیث از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل شد که فرمودند: مقداری از تربت حسین علیه السلام را با مقداری آب بیامیز و در جامی بلورین با قلمی آهنین نوشته میشود و سپس آن را به کسی که به دردی مبتلا است، نشانده میشود، «از جانب پروردگار مهربان به آنان سلام گفته می شود کفایت می کند خدا مرا و او بهترین کار گزار است طه قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی، همانا خدا آسمانها را نگاه می دارد(2) خدا می خواهد تا بارتان را سبک گرداند، اکنون خدا بر شما تخفیف داد. گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب شو. از فلان فرزند فلان، گرما و سرما و تبهای پنهانی و تمامی رنج ها و بیماریها و ناخوشیها و دردها و سر درد را برگردان.

طسّم طس به نامهای خدا، حم عسق اینچنین خداوند شکستناپذیر حکیم به تو و کسانی که قبل از تو بودند، وحی میکند و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند

ص: 41

بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است و درود او بر سرورمان محمد و خاندان پاک او، ای کسی که فانی نمیشوی در حالی که کوهها از بین میروند، بر محمد و خاندان او درود فرست و هر درد و بیماری و ناخوشی که بر فلان فرزند فلان است، برطرف کن، به راستی که تو بر هر کاری توانایی، خداوند به تنهایی برای ما کافی است و درود او بر پیامبرش محمد و تمامی خاندانش.

مثل این حدیث: بر کاغذی نوشته میشود و به او آویزان میگردد؛ و آن [قرآن] را به حق فرود آوریم و به حق فرود آمد، و تو را جز بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم.(1)

و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم.(2)و

محمد، جز فرستاده ای که پیش از او پیامبرانی گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد.(3)و به آنچه بر محمد نازل آمده گرویده اند- که آن خود حق و از جانب پروردگارشان است- بدیهایشان را زدود و حالشان را بهبود بخشید، (4)محمد

پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزی داناست.(5)،

محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مَثَل آنها در انجیل.(6)و

به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او «احمد» است بشارتگرم. پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: این سحری آشکار است.(7)و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه

- 1- . اسرى / 105
- 2- . اسرى/82
- 3- . آل عمران / 144
- 4- . قتال / 2
- 5- . احزاب / 40
- 6- . فتح / 29
- 7- . صف/6

قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند، نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد، فرمانروایی از آن خدایی است که یگانه چیره است، سپس می گوید: به نام خدا که بر پایه عرش نگاشته شد. (1)

برای تبی که چهار روز یکبار عارض شود، این دعا نوشته میشود و بر بازوی راست آویخته می گردد: «به نام خداوند بخشنده مهربان و آگ رقرانی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد، ای شفادهنده ای کفایت کننده، ای عافیتبخش، او را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد و ما او را بشارتدهنده و بیمدهنده فرستادیم به اسم فلان فرزند فلان و به نام خدا و به خداوند و از خدا و به سوی خدا و هیچ غلبهکنندهای جز خداوند وجود ندارد.

دعایی دیگر: بر شانه شخصی بیمار نوشته میشود: «به نام خداوند بخشنده مهربان آیا سینهات را وسعت بخشیدیم تا آخر سوره، هیچ سختی برای پروردگار آدمیان وجود ندارد، این درد را ببر و بیماریام را شفا بخش، زیرا هیچ بهبودی جز شفای تو نیست، گفت: پروردگارا من استخوانم سست گردید و موی سر ما ز پیری سپید گشت، به اسم فلان فرزند فلان. (2)

برای تب و لرز: به نام خدا دو دریا را به گونه ای روان کرد که با هم برخورد کنند میان آن دو، مانع و جریمی استوار قرار داد. ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش. (3) آری،

حزب خداست که رستگارانند. و قطعاً فرمان ما درباره پندگان فرستاده ما از پیش چنین رفته است. آنان بر دشمنان خودشان حتماً پیروز خواهند شد و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند». (4)

ص: 43

1- . مکارم الاخلاق: 426

2- . مکارم الاخلاق: 427

3- . انبیاء/ 69

4- . صفات/ 171-173

در تبی که چهار روز یکبار عارض شود: از امام حسین علیه السلام روایت است: بر کاغذی بنویس: ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش» و آن را بر بیماری که تب دارد، آویزان کن.

و چنانچه به تب مبتلا شد، این آیه را بر کاغذی بنویسید و آیه «بگو: آیا خدا به شما اجازه داد یا بر خدا دروغ می بندید». را بر بازوی خود ببندد.

و بنویسد «بطلط بطلط» و بگوید «عقدت علی اسم الله حمی فلان: تب فلان را بر اسم خداوند گره زدم» و آن را بر پای چپ بیمار ببندد. (1)

مثل این حدیث: آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می خواست، آن را ساکن قرار می داد، آنگاه خورشید را بر آن دلیل گردانیدیم. (2)

12. مکارم الاخلاق: از امام معصومین علیم السلام روایت است، این دعا بر پوستی نوشته شود و بر شخصی که تب دارد، آویزان گردد: خداوند از تو میخوام به عزت و قدرت و سلطهات و هر آنچه علمت به آن احاطه دارد بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و بر فلان فرزند فلان، چیزی از مخلوقات نحس خود را، چیره نگردانی، بر پوست نازک و استخوان باریک او، از سوزش آتش رحم کن، ای تب، ای آنچه گوشت و خون را میخوری، سرما و گرمای آن از جهنم، خارج شو اگر به خداوند بزرگ ایمان داری، از گوشت فلان فرزند فلان نخور و خون او را نیاشام و استخوانش را لاغر مکن و اندوهی به سمت او روانه مساز و سردردی متوجه او نکن و از مو و پوست و گوشت و خون او به سمت کسی برو که میپندارد جز خدای یکتا، خدایی دیگر وجود دارد، خدایی جز خدای یگانه نیست، پاک است و از آنچه به او شرک میورزند، برتر است» اسم کسی از اهل کتاب یا دشمن خدا نوشته شود. (3)

تعویذی برای تبها مخصوصاً تب روزانه، بر کاغذی نوشته میشود، و با نخی بسته میشود و در چهار گره در سمت راست آن زده میشود و در سمت چپ آن نیز سه گره میخورد، آنگاه از گردن شخصی بیمار و تبار آویزان میشود «پناه می

- 1- . مكارم الاخلاق: 427
- 2- . فرقان/ 45 مراجعه كن مكارم الاخلاق: 428
- 3- . مكارم الاخلاق: 460

آورم به آنچه موسی و ابراهیم و محمد درود خداوند بر آنان از تب، تب و لرز و تب یک روز در میان و تب کهنه و تبی که چهار روز یکبار عارض شود و سردرد پناه جستند، خداوندان همانگونه که دختر عمران جز عیسی، فرزندی نیاورد، پس تمام ورمها و دردها را از این انسان بردار و چیزی از آنها بر جای نگذار، قسم نمی خورم به آنچه می بینید و آنچه نمی بینید که آن سخن فرشته بزرگواری است. تو را قسم دادم که او را ترک کنی و دیگر قصد او را نکنی» سپس سوره اخلاص و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ بربّ الناس را میخوانی، و میگویی «خدایا فلان فرزند فلانه را از تب یک روزه، دو روزه، سه روزه و چهار روزه شفا بخش، به راستی که تو هرچه را اراده کنی، انجام میدهی و هرچه خواهی، حکم میکنی و بر هر چیز توانایی. به نام خداوند نوشتم و به نام خداوند پایان بخشیدم و بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد. (1)

دعایی دیگر که در آن نخی از پنبه را هفت رشته می کنی و سورههای فاتحه الکتاب، اخلاص، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر آن میخوانی و هفت گره میزنی و در گردن او آویزان میکنی و گفته شد: و این سورهها بر هر گرهی خوانده شود.

دعایی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس تب کند و سه روز پیدری غسل کند و در هر بار غسل بگوید: «به نام خدا، خدایا غسل کردم تا شفای تو و تایید پیامبرت را دریابم» تب از او برطرف میگردد.

دعایی دیگر از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله برای در امان بودن از دردها، تب و سردرد این دعا را به ما آموختند «به نام خداوند بزرگ، پناه میبرم به خداوند باعظمت از گزند خونی که بند نیاید و گرمای آتش» و زمانی که دستت را بلند کردی بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست. به خدا و قدرت او بر هر آنچه بخواهد پناه میبرم از گزند هر آنچه مییابم.»

ص: 45

حرز ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام و هر مؤمنی که به حق اقرار دارد «از اوست هر آنچه در زمین و آسمان آرام گرفت، و اوست شنوای دانا، ای تب اگر به خداوند بزرگ و بزرگوار ایمان داری، استخوانم را مشکن. و گوشتم را نخور و خونم را نیاشام و از کسی که این نوشته را بر او قرار دادم خارج شو و به سمت کسی برو که به خداوند بزرگ و فرستاده گرامیاش و خاندانش محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، باور ندارد.(1)

در تبی که چهار روز یکبار عارض شود: شخصی بر امام رضا علیه السلام وارد شد، امام فرمودند: چرا رنگ به رخسار نداری؟ عرض کرد، این تب مرا بسیار به خود پیچیده است، پس قلمی خواست و چنین نوشت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند و با استعانت از خدا، أبجد هوز حطی از فلان فرزند فلانه به اذن خداوند، سپس در پایان آن هفت بار با نگین انگشتی سلیمان مهر زدند و آن را پیچیدند و فرمودند: ای مغیث، نخی برایم بیاور که آب و یا آب دهان به آن نرسیده باشد، پس آورد، آن را گره زدند و به دهان او نزدیک کردند، و در یک طرف آن چهار گره زدند و بر هر گرهی سورههای فاتحه الكتاب، قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیه الکرسی را میخواندند و در طرف دیگر آن سه گره زدند و به همین ترتیب سورهها را بر آن خواندند و سپس به او دادند و فرمودند: آن را بر بازوی راستت ببند و آیه الکرسی را بخوان.

روایتی دیگر: سپس نوشتهای نگاشتند و نخی درخواست کردند. نخی آورده شد مرطوب، فرمودند: نخ خشکی بیاورید، سپس وسط آن را گره زدند و در جانب راست آن چهار گره و در سمت چپ آن سه گره زدند و بر هر گره سورههای ام الكتاب، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق، قل هو الله احد و آیه الکرسی را خواند سپس فرمودند: بگیر! آن را بر بازوی راست خود ببند و در حالی که آن را به دست داری آمیزش مکن.

ص: 46

روایتی دیگر: ابو زکریا الحضرمی نقل کرد، به تبی مبتلا شد که چهار روز یکبار بر من عارض می شد، امام موسی کاظم علیه السلام امر کردند تا به دست راستش، «بسم الله جبرئیل» و بر دست چپ خود «بسم الله میکائیل» و بر پای راست خود «بسم الله اسرافیل» و بر پای چپ خود «بسم الله لا یرون فیها شمساً و لا زمهریراً: به نام خدا در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی.» و در میان شانهایش: «بسم الله العزیز الجبار: به اسم خداوند شکستناپذیر و چیره» بنویسند. (1)

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شد.

13. مکارم الاخلاق: در روایت است برای رفع تب، بر شانه راست بیمار نوشته شود «بسم الله جبرائیل» و بر شانه چپ او نوشته شود «بسم الله میکائیل» و بر شانه راست او نوشته شود «بسم الله اسرافیل» و بر شانه چپ او نوشته شود «بسم الله لا یرون فیها شمساً و لا زمهریراً: به نام خدا در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی».

برای تبی که یک روز در میان عارض شود: بر روی سه برگ از برگهای درختان، اسم هر بیمار را مینویسی و بر روی یکی از آنها «طیسوما» و بر برگی دیگر «اوحوما» و بر برگ سوم «ابراسوما» مینویسی و در سه مرتبه آنها را به داخل آب میاندازی.

در روایتی دیگر: بر برگهای درخت توت نوشته شود «حموماً اوحوما ابرحوما» و در آب انداخته شود.

و در روایتی دیگر: «حوما طیسوما ابرسوما».

تعویذی برای تب: این دعا را نوشته شود و بر بازوی راست بیمار بسته شود «به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است تا آخر آن، به نام خدا و با استعانت از خدا پناه میبرم به کلمات کامل خداوند که هیچ نیکوکار یا بزهکاری نمیتواند از آنها تخطی کند و از گزند هر آنچه آفرید و پدید آورد و خلق کرد، و از شر حیوانات زهردار و گزنده و چشم زخم و هرچه که از آن

1- . مكارم الاخلاق: 461

شر برخیزد، از جن و انس و شیطان و یارانش از گزند هر صاحب شری و هر موجودی که اختیارش به دست توسست، به راستی که پروردگار من بر راه راست است، پروردگارا به تو توکل نمودیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت به سوی توسست.

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم سرد و سلامت بر فلان فرزند فلان، پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر ما مگذار همچنان که بر کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما در گذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور سرور ما تویی پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (1) خدا

برای من کافی است خدایی جز او نیست او را کار گزار خود بگیر. و بر آن زنده ای که نمی میرد توکل کن. و سپاس او را تسبیح کن و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاهاست خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد وعده اش راست است و بنده اش را یاری نمود و به تنهایی گروه ها را شکست داد هرچه خدا خواست هیچ نیرویی به جز خدا نیست. خدا مقرر کرد حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید، آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است [اینانند حزب خدا] آری، حزب خداست که رستگارانند و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است و درود خدا بر محمد خاندان پاک مطهرش. (2)

14. أمالی: امام علی علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به عیادت مریض میرفتند، میفرمودند: «ای پروردگار آدمیان، این سختی را رفع کن و شفا فرما تویی که بهبودی بخشی و شفا دهندهای جز تو نیست». (3)

جبرائیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: ای محمد آیا درد داری؟ فرمودند: آری، پس جبرئیل خواند: «به نام خدا دعا می کنم تو را از

ص: 48

- 2- . مكارم الاخلاق: 463
- 3- . امالى طوسى 2: 252

شر هر آنچه به تو آزار میرساند از شر هر شخص یا چشم حسودی و خداوند تو را شفا میدهد به نام خداوند تو را دعا می کنم(1)».

15. دعوات الراوندی: وقتی امیر مؤمنان علیه السلام بیمار شدند پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت ایشان رفتند و فرمودند: ای علی بیشترین کسانی که مورد بلا و مصیبت واقع میشوند پیامبرانند و سپس کسانی که از آنها تبعیت میکنند، بشارت باد تو را ای علی این تب، تو را از عذاب خداوند در امان میدارد، و از پاداش الهی بهره‌مند میگرداند، آیا میخواهی خداوند این درد را از تو ببرد؟ فرمودند: آری، پیامبر فرمودند: بگو: پروردگارا بر پوست نازک و استخوان باریک من رحم کن، به تو پناه میبرم از شدت آتش، ای تب، اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری، از این گوشت نخور و از این خون نیاشام و از این جا به جسم کسی وارد شو که میپندارد خدایی با خدای یگانه هست، خدایی جز خدای یکتا نیست، یگانه است و شریکی ندارد، به آن گواهی دادم، و محمد بنده و رسول اوست». امام علی علیه السلام فرمودند: من این دعا را خواندم و بهبودی یافتم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تعویذ از تبها و دردها میفرمودند: «خدایا به تو پناه میبرم از شر خونی که بند نیاید و از گرمای آتش».

حسن بن طریف نقل کرد: در نامه‌ای از ابی محمد عسکری علیه السلام پرسیدم: زمانی که قائم ظهور کند چگونه در میان مردم حکم میکند؟ و خواستم در مورد تب بپرسم ولی فراموش کردم، امام علیه السلام جواب دادند: از امام پرسیدی و او هرگاه قیام کند مثل حضرت داود با علم خود در میان مردم حکم میکند و درخواست دلیل و برهان نمیکند، و میخواستی از تبی که چهار روز یکبار عارض می شود، بپرسی ولی فراموش کردی پس روی برگی این دعا را را بنویس و بر فرد بیمار آویزان کن: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش». ابن طریف نقل کرد این دعا را نوشتم و بر بیمار آویزان کردم پس بهبودی یافت.

ص: 49

دعایی جهت رفع تب: این دعا بر روی کاغذی نوشته میشود و بر بازو بسته میشود: «بیزاری خداوند شکستناپذیر حکم و محمد فرستاده پروردگار جهانیان از تبی که خون را میمکد و استخوان را باریک و پوست را نازک میکند و گوشت را میخورد پس بر کسی که این نوشته بر اوست، سرد و سلامت شو، همانگونه که آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شد، خدا می خواهد تا بارتان را سبک گرداند و انسان، ناتوان آفریده شده است، اکنون خدا بر شما تخفیف داد این تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست. و درود خداوند بر محمد و خاندان او.

دعایی دیگر برای تب: بر سه نبات سفید نوشته میشود: «خداوند اراده میکند که از شما بکاهد و انسان ضعیف خلق شد، و اکنون خداوند از شما کاست و این کاهش و رحمت است از جانب پروردگارتان.

16. مکارم الاخلاق: برای کسی که تب دارد باید بر سه قطعه با خطی ریز و ناخوانا نوشته شود و بیمار روزانه یک نسخه از آن را ناشتا بخورد. پس از آنکه آنها را به صورت مجموعهای گرد مثل فندق آورد: «به نام خداوند صاحب عزت و بزرگمنش و نور» و این نسخه تجربه شده است، امام حسن سمرقندی در نوشتن این نسخه مداومت داشت، گویا برای آن سندی یافته بود.

دعایی دیگر: بر سه نبات نوشته میشود و شخصی که تب دارد در طی سه روز، صبحگاهان قطعه ای از آن در ناشتا بخورد و روی قطعه اول نوشته شود «گره زدم به خواست خدا» و دوم «محکم کردم به خواست خدا» و سوم «به اذن خدا آرام کردم».

دعای دیگر: به نام خداوند بخشنده مهربان و دلهایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند، که در اینصورت قطعاً ناصواب گفته ای. (1) هنگامی

که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی به نظرم رسید، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید، چون

1- . كهف/13

نزد آن آمد، آوا رسید خجسته آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزه است خدا، پروردگار جهانیان. ای موسی، این منم خدای عزیز حکیم. (1) همراه

با هفت گره سلیمان. (2)

دعایی دیگر: بر پای راست نوشته میشود «به نام خدا ای تب گذرا و سر آمده به آن کس که عرشش در آسمان است و با موسی سخن گفت و ابراهیم را دوست خود بر گرفت و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت، آن هنگام که از استخوان به گوشت و گوشت به پوست و از پوست به زمین خارج شدی و در آن آرام گرفتی، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد و درود و سلام فراوان خداوند بر محمد و خاندان او. (3)

دعایی دیگر: نوشته شود، بسته شود و هفت گره به آن زده شود و بر هر گره سوره فاتحه الکتاب خوانده شود، سپس بر سر کسی که تب دارد بسته میشود و دعا این است «به نام خداوند بخشنده مهربان آن را به حق نازل کردیم و از قرآن آنچه مایه شفا و رحمت مؤمنان است نازل میکنیم، ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم. ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای بخشایشگر ای بخشایشگر، به قدرت خداوند قهار و بزرگ [به قدرت] خداوند بخشنده کریم آرام گیر» و سورههای قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را بنویسد.

دعایی دیگر: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی مبتلا شدند. جبرئیل علیه السلام خدمت ایشان رسید و این دعا را خواند «به نام خداوند تو را دعا می کنم ای محمد فرزند عبدالله! به نام خداوند تو را شفا میدهم، به نام خداوند از شر هر دردی که تو را میآزارد به نام خداوند و خداست که تو را شفا میدهد، به نام خداوند آن را بگیر تا گوارای تو گردد، به نام خداوند

ص: 51

3- . مكارم الاخلاق: 458

بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه ستارگان، به خواست خداوند بهبودی خواهی یافت» و سپس این تعویذ را بر گردن شخصی که تب دارد، بسته میشود.

امام رضا علیه السلام فرمودند: کنیزی که دارای شأن و منزلتی بود از دردی که داشت نزد من شکایت کرد، پس در خواب شخصی دیدم گفت به آن زن بگو این دعا را بخواند «ای پروردگار ای سرور بر محمد و خاندان او درود فرست و دردهای مرا برطرف نما» به درستی که فلان فرزند فلان با این دعا از آتش رهایی یافت.

دعایی از حضرت رضا علیه السلام برای رفع تب:

داود بن زربی نقل کرد، زمانی که در مدینه بودم به تبی سخت مبتلا گشتم، هنگامی که این خبر به امام صادق علیه السلام رسید در نامهای به من چنین نگاشتند: خبر بیماری تو به من رسید، یک پیمانه چهار منی از گندم خریداری کن سپس به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینه بپاش، هر طور که پراکنده شدند، سپس بگو: «خدایا از تو میخواهم به نام تو که زمانی انسان درمانده تو را خواند سختیهای او را برطرف مینمایی، او را در زمین توانمند میگردانی و جانشین خود بر زمین قرار میدهی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از بیماریام، عافیت بخش». سپس بنشین و گندمهای پیرامون خود را جمع کن و همین دعا را بخوان و آن را به قسمتهای یک منی تقسیم کن و میان بیچارگان قسمت کن و همین دعا را بخوان.

داود نقل کرد: من این کار را انجام دادم و گویی که از بندی رستم و چندین نفر دیگر نیز آن را انجام دادند و از آن بهره جستند. (1)

دعایی دیگر: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی گرفتار شدند، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را تعویذ کرد و گفت: «به نام خداوند تو را دعا می کنم و به نام خداوند تو را شفا میدهم، به نام خداوند از هر دردی که تو را میآزارد به نام خداوند و خواست که شفادهنده است، به نام

1- . مكارم الاخلاق: 446

خداوند آن را بگیر پس باید تو را گوارا باشد، به نام خداوند بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه های ستارگان به خواست خداوند حتماً شفا خواهی گرفت.(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تربت قبر حسین علیه السلام شفای هر دردی است. زمانی که از آن خوردی بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا، خداوند آن را روزی فراوان و علم سودمند، شفای دردها قرار ده. به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به بیماری مبتلا شد و اولین داروی خود را تربت حسین علیه السلام قرار دهد، خداوند او را از آن بیماری عافیت میبخشد مگر مرگ را.

دعایی دیگر: امام باقر علیه السلام فرمودند: دستت را بر دهان میگذاری و میگویی: «سه بار به نام خدا، سه بار به شکوه خدا، سه بار به کلمات کامل خدا» سپس بر سر و صورت شخص بیمار میکشی و این کار را کسی انجام دهد که بسیار بر او مهربان است.(2)

دعایی دیگر: زراره به نقل از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام، آورده هرگاه به عیادت مریضی رفتی، بگو هفت مرتبه: پناه میدهم تو را به خداوند بزرگ و پروردگار عرش با عظمت از شر خونی که بند نیاید و گرمای آتش.(3)

18. امان الاخطار: و از جمله کارهایی که برای رفع تب تجربه نمودیم و آن را همانطور که روایت کردیم، یافتیم، این است که بر روی کاغذی روز یکشنبه و چهارشنبه نوشته میشود و هر طلسمی جداگانه بر قطعه کاغذی نوشته شود، سپس اولی را در روز یکشنبه در آب میشویم و دومی را در روز دوشنبه و سومی را در روز سهشنبه و هر روز یکی از آن آنها را مینوشد، و اگر شسته شود روی کاغذ اثری از نوشته باقی نمی ماند، اگر تب در این سه روز برطرف نشد، در روز چهارشنبه در سه کاغذ نوشته میشود، و اولی را در روز چهارشنبه در آب شسته و

ص: 53

2- . مكارم الاخلاق: 449

3- . مكارم الاخلاق: 450

از آن آب نوشانده میشود، و دومی و سومی را به ترتیب در روزهای پنج شنبه و جمعه شسته و از آب آن میل میشود، که به خداوند جلّ جلاله، تب از بین خواهد رفت، و تصویر آن سه طلسم این است:

19. مکارم الاخلاق: . داود بن زربی نقل کرد، زمانی که در مدینه بودم به تبی سخت مبتلا گشتم، هنگامی که این خبر به امام صادق علیه السلام رسید در نامهای به من چنین نگاشتند: خبر بیماری تو به من رسید، یک پیمانه چهار منی از گندم خریداری کن سپس به پشت دراز بکش و آنها را بر روی سینه پاش، هر طور که پراکنده شدند، سپس بگو: «خدایا از تو میخواهم به نام تو که زمانی انسان درمانده تو را خواند سختیهای او را برطرف مینمایی و او را در زمین توانمند میگردانی و جانشین خود بر زمین قرار میدهی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از بیماریام، عافیت بخش». سپس بنشین و گندمهای پیرامون خود را جمع کن و همین دعا را بخوان و آن را به قسمتهای یک منی تقسیم کن و میان بیچارگان قسمت کن و همین دعا را بخوان. داود نقل کرد: من این کار را انجام دادم و گویی که از بندی رستم و چندین نفر دیگر نیز آن را انجام دادند و از آن بهره جستند.(1)

20. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی گرفتار شدند، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را تعویذ کرد و گفت: «به نام خداوند تو را دعا می کنم و به نام خداوند تو را شفا میدهم، به نام خداوند از هر دردی که تو را میآزارد به نام خداوند و خواست که شفادهنده است، به نام خداوند آن را بگیر پس باید تو را گوارا باشد، به نام خداوند بخشنده مهربان قسم نمی خورم به جایگاه های ستارگان به خواست خداوند حتماً شفا خواهی گرفت» بکر گفت: من از او درباره تعویذ تب پرسیدم که این حدیث را برایم نقل کرد.(2)

ص: 54

1- . الکافی 88: 8 و 564:2

2- . الکافی 8: 109

21. العتیق الغروی: تعویذی برای تب که بسیار پر برکت است، بر روی کاغذی نوشته میشود و مرد به بازوی چپ و زن آن را به بازوی راست می‌آویزد و این نوشته را به ریسمان - بافته - مادر و دخترش میدند و دعا این است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، از خدا به سوی خدا و هیچ غلبهکنندهای جز خدا وجود ندارد، طلب یاری از خداست و توکل بر اوست، شفا به دست خداست، هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، بیزاری خداوند شکستناپذیر حکیم برای صاحب این نوشته و موی و پوست و بدن و پیکر و گوشت و خون و استخوانش از تبی که گوشت را آب میکند و خون را میمکد و استخوان را سست میکند، تبی که گرمای آن از جهنم است و سرمای آن از سرمای سخت است.

ای تب! اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری پس به کسی که این نوشته بر او آویزان است، نزدیک مشو، از خون او میاشام و استخوانش را سست مکن و گوشت او را آب نکن، و به عزت خداوند، خاموش شو، خدایی که آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت گردانید و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قرار دادیم. آدم برگزیده خدا، ابراهیم دوست خدا، موسی هم سخن خدا، عیسی روح خدا، محمد محبوب خداست ای دشمن آدم و حوا، جبرئیل مانع شد.

تو را قسم می دهم ای تب! به عزت خداوند و قدرت خدا و عظمت خدا و شکوه خدا و قدرت خدا، بزرگمنشی خدا، و به آنچه قلم در نزد خدا بر آن جاری میشود، بر محمد فرزند عبدالله صلی الله علیه و آله یا چون آنکس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد، گفت: چگونه خداوند، این را پس از مرگش زنده می کند؟ پس خداوند، او را صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یکروز یا پاره ای از روز را درنگ کردم .

من کاغذ و قلم را برای نابودی تو به کار گرفتم و از قرآن آنچه شفا و رحمت مؤمنان است نازل میکنیم و برای ستمکاران جز زیان نخواهد بود، مهر زدم این نوشته را با اسم خداوند منزله پاک پاکیزه و انگشتی سلیمان بن داوود و انگشتی

محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سوره فاتحه الكتاب تا آخر آن یا
یاچون آنکس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد.

21. مهج الدعوات: پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیهما السلام
وارد شد، پس حسن و حسین علیهما السلام را دیدند در حالی که تب
داشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله از این وضع بسیار ناراحت شدند. در
این لحظه جبرئیل علیه السلام نازل شد و فرمود: ای محمد آیا میخواهی به
تو تعویذی بیاموزم تا بدان دعا کنی و این مشکل برطرف شود؟ فرمودند:
آری، جبرئیل عرض کرد، بگو: «معبودا، خدایی جز تو که بلندمرتبه و بزرگی
وجود ندارد، تو که صاحب قدرت دیرینهای و بخشش عظیم و روی گرامی
هستی، خدایی جز تو که بلندمرتبه و بزرگی وجود ندارد، سرپرست
کلمههای کامل و دعاهای مستجاب، آنچه بر فلانی عارض گشته است، را
حل بنمای» پس پیامبر صلی الله علیه و آله دعا فرمودند سپس دستشان
را بر پیشانیاش گذاشتند که به یاری خداوند بهبودی یافت. (1)

22. مهج الدعوات: سلمان فارسی نقل کرد: ده روز بعد از وفات رسول
خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از خانه خارج شدم، علی بن ابی
طالب علیه السلام پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که
به من فرمودند: ای سلمان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله از ما
دوری جستی که عرض کردم: از چون تویی نمیتوان دوری جست بلکه این
اندوه فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که طولانی گشت و مرا
از دیدار شما بازداشت، امام علیه السلام فرمودند: ای سلمان به خانه
فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شو، زیرا او به دیدار
شما مشتاق است، و میخواهد ارمغانی از ارمغانهای بهشت را به شما
ارزانی کند، به علی علیه السلام عرض کردم: آیا بعد از وفات رسول خدا
صلی الله علیه و آله، از جانب بهشت ارمغانی بر حضرت زهرا سلام الله
علیها وارد شد؟ فرمودند: آری، دیروز.

ص: 56

سلمان نقل کرد: شتابان به سوی خانه فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله روانه شدم و ایشان را یافتم که نشستهایند و تکهای از عبا بر روی ایشان است که وقتی بر سرشان کشیدند ساق پایشان پیدا شد و تا بر ساق پایشان کشیدند، سرشان پیدا گشت، و هنگامی که به من نگاه کردند مقنعه خود را پوشیدند. سپس فرمودند: ای سلمان، بعد از وفات پدرم صلی الله علیه و آله از من دوری جستی؟ عرض کردم: ای مورد محبت من! من دوری نجستم، فرمودند: خاموش باش بنشین و بر آنچه به تو میگویم، اندیشه کن.

من دیروز همین جا نشسته بودم و در خانه بسته بود، و به گسستن وحی و روی برگردان فرشتگان از خاندان فکر میکردم، ناگاه در باز شد بدون اینکه کسی آن را باز کند، پس سه کنیز در زیبایی، خوشبویی که تاکنون ندیده بودم وارد شدند و من که آنها را نمیشناختم به سمتشان رفتم و گفتم: پدرم به فدایتان باد، شما اهل مکهاید یا مدینه؟ جواب دادند: ای دختر محمد! ما نه اهل مکهایم و نه مدینه و اصلاً اهل زمین نیستیم، ما حوریانی هستیم از دارالسلام، پروردگار عزت ما را به سوی تو فرستاد ای دختر محمد، ما مشتاق تویم.

پس به یکی از آنها که سنّش بیشتر به نظر میرسید، گفتم: اسمت چیست؟ گفت: مقدوده، گفتم: چرا به این نام نامیده شدی؟ گفت: برای مقدار بن اسود الکندی صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله خلق شدم، به دومی گفتم: نامت چیست؟ گفت ذره، گفتم: چرا به این اسم نامیده شدی، در حالی که چشم من بسیار نجیب هستی، گفت: من برای ابوذر غفاری صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله آفریده شدم و به سومی آنها گفتم: اسم تو چیست؟ گفت: سلمی، گفتم: چرا به این اسم نامیده شدی؟ گفت من برای سلمان فارسی دوست پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آفریده شدم.

فاطمه نقل کرد سپس رطبهایی آبی رنگ همچون خشک نانه(1).

و سفیدتر از برف و خوشبوتر از مشک بودند، سپس به من فرمودند: ای سلمان، شب را با این

1- . نانی قندی که با پسته و بادام پخته می شود.

خرما افطار کن و فردا هسته‌های آن را برای من بیاور، سلمان نقل کرد
خرما را گرفتم و زمانی که از کنار اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله
میگذشتم میپرسیدند، ای سلمان آیا مشک به همراه داری؟ جواب میدادم:
آری، و در وقت افطار، با آن افطار کردم، در حالی که در آنها هیچ هسته و
تخمی نیافتم.

روز بعد، خدمت دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدم، عرض
کردم: من به آنچه شما هدیه فرمودید، افطار کردم ولی هسته و تخمی
نیافتم، فرمودند: ای سلمان، آنها هرگز هسته و تخمی ندارند، زیرا ثمر
نخلهایی هستند که خداوند آنها را در دارالسلام کاشت به واسطه کلامی که
پدرم محمد صلی الله علیه و آله آن را به من آموخت تا صبح و شام بگویم،
سلمان گفت: ای سرور من، آن کلام را به من بیاموزید، حضرت فرمودند:
اگر دوست داری تا وقتی زنده‌ای به هیچ تبی مبتلا نشوی به آن ذکر
مواظبت کن، سپس سلمان آن حرز را از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل
کرد:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند نور، به نام خداوند روشنایی
نور، به نام خداوند نور روی نور، به نام خداوندی که تدبیرکننده امور است،
به نام خداوندی که نور را از نور آفرید، سپاس خدایی را که نور را از نور
آفرید و نور را بر طور نازل کرد، در کتابی نوشته شده، در صفحه ای
گسترده و به اندازه‌های مشخص شده، بر پیامبری دانا، ستایش خدایی
راست که به عزت یاد شد و به فخر مشهور است. و در خوشی و ناخوشی
از او سپاسگزاری میشود و درود خدا بر سرور ما محمد و خاندان پاکش.
(1)

سلمان گفت: به خدا سوگند من این حرز را به بیش از هزار نفر از مردم
مدینه و مکه آنان که بیماری دارند آموختم و همه آنها از بیماریشان بهبودی
یافتند به خواست خداوند متعال. (2)

می گویم: روایتی دیگر در این موضوع در باب حرزهای مولایمان حضرت
زهرا صلوات الله علیها آمده است. (3)

ص: 58

- 2- . مراجعه كن: جلد 94: 227 - 226
- 3- . مراجعه كن ج 94: 227-226

باب پنجاه و هفتم : تعویذ و دعا برای زنان باردار و حیوانات آبستن و تعویذی برای طفل در لحظه ولادت و تعویذ زن زائو

روایات:

1. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس میخواهد زمانی که زن در حالت وضع حمل است آزاری و اذیتی از ناحیه شیطان به خانواده او نرسد باید این دعا را با مشک و زعفران و آب خالص باران بنویسد، و با لباس جدیدی که پوشیده نشد، آن را صاف کند و همسر و فرزندان را از آن بپوشاند و بر آن مکان و خانه ای که زن زائو در آن است بپاشد، به راستی تا زمانی که همسرش در دوران بعد از زایمان است آسیبی نبیند و فرزند او نیز از کوری و دیوانگی و ترس و چشم بد مصون خواهد ماند انشاء الله تعالی، و دعا این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا، به نام خدا، سلام بر رسول خدا و سلام بر خاندان رسول خدا و درود و رحمت و برکات خداوند بر آنها باد، به نام خدا و با استعانت از خدا، به اذن خداوند خارج شو، به اذن خداوند خارج شو، از آن بیرون آمدید و شما را به آن باز میگردانیم و یک بار دیگر شما را از آن خارج میسازیم و اگر پشت کردند بگو خداوند مرا کفایت می کند خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت. به نام خدا و با استعانت از خدا، و به رسول خدا شما را دور میکنم. (1)

ص: 59

2. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگام زاییدن اسبی که نژاد اصیلی دارد، این دعا را بر پوست آهویی بنویس و بر تهیگاه او آویزان گردان:

«خداوندا ای زداينده غمها و ای برطرفکننده غصهها، ای بخشایشگر و مهربان در دنیا و آخرت، بر فلان فرزند فلان صاحب این اسب، رحمتی کن تا از مرحمت دیگران بینياز گردد و غم و غصه و گره کار او را بگشای و اسب او را سالم بدار و زاییدن آن را آسان گردان».

روزی عیسی بن مریم و یحیی بن زکریا سلام خدا بر پیامبر ما و خاندان وی و به آن دو، به صحرایی رفتند، و صدای حیوان وحشی را شنیدند، حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام فرمودند: شگفتا این چه صدایی است؟ حضرت یحیی فرمودند: این صدای حیوان وحشی است که در حال زاییدن است، پس حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام فرمودند: به اذن خداوند روان روان بیرون آی. (1).

3. طب الائمه: به امام رضا علیه السلام فرمودند: این تعویذ را برای زنان باردار و حیوانات آبستن در کاغذ یا پوستی مینویسی: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا، به نام خدا، به نام خدا، به راستی که با هر سختی آسانی است و به راستی که با هر سختی آسانی است، خداوند خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونی تان کرده است به بزرگی بستایید، و باشد که شکر گزاری کنید. و هر گاه بندگان من، از تو درباره من پرسند، من نزدیکم، و دعای دعاکننده را- به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می کنم، پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند. برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد و سامانی در کار شما قرار دهد و نمودن راه راست بر عهده خداست، و برخی از آن کثر است، و اگر می خواست مسلماً همه شما را هدایت می کرد سپس راه را بر او آسان گردانید.

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟

1- . طب الأئمه: 98

آیا باز هم ایمان نمی آورند. و با او به مکان دور افتاده ای پناه جست. تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. پس، از زیر او وی را ندا داد که: غم مدار، پروردگارت زیر تو چشمه آبی پدید آورده است و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان، تا بر تو خرمای تازه می ریزد. و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو: من برای رحمان روزه نذر کرده ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت. پس در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد. گفتند: ایمریم، به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای. ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت بدکاره نبود. به او اشاره کرد. گفتند: چگونه با کسی که در گهواره کودک است سخن بگوییم. گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم، این است عیسی فرزند مریم.

و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید، بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان، رام شده اند ننگریسته اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی دارد. راستی در این برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هایی است. و اینچنین ای نوزاد به اذن خداوند، درست اندام خارج شو.

سپس بر او آویزان کن و هرگاه وضع حمل کرد برداشته شود، و آیه را حفظ کن تا بخشی از آن را رها نکنی یا در جایی از آن باز ایستی تا آن را تمام کنی و آیه این است: «خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید، بیرون آورد.» و اگر در اینجا بایستی نوزاد گنگ به دنیا می آید و اگر نخواندی «اوست آنکس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزاری» نوزاد درست اندام به دنیا نیاید.

1. طب الائمه: امام موسی بن جعفر به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، حرزی برای حیوانات نقل کردند، فرمودند، این در میان ایشان محفوظ است: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خدا و با استعانت از خدا، چشم بد از گوشت و پوست و استخوان و عصب و رگهای او خارج شد، پس جبرئیل و میکائیل درود خدا بر آن دو، او را دیدند و گفتند: کجا میروی ای ملعون(1)!» جواب داد: به سوی شتر میروم تا او را از رسته اش و چهارپای را از ریسمان و الاغ را از پشته ها و طفل را از دامن مادرش دور کنم و پای مرد جوان، را بلغزانم. پس به او گفتند: ای ملعون به سوی صحرا برو و در آنجا ماری است که دو چشم دارد، یک چشم او از آب است و چشم دیگر او از آتش، و اینچنین خداوند بر چشم بد و گرفتگی ترش رو و سنگ سخت و دم بد، آتش شعله ور، مَهر مینهد، به یاری خداوند چشم بد را به اهل آن و در دو طرف او و پهلوهایی او و بهترین دوستان او بازگرداندم؛ یا اراده خداوند و فرمایش او «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند. باز دوباره بنگر تانگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد. و درود خداوند بر مولایمان محمد پیامبر خدا و خاندان پاک او.(2)

2. أمان الاخطار: دعا به هنگامی که حیوانی در معرض چشم زخم قرار گیرد و چشم او آسیب ببیند، این دعا را باید خواند و دست خود را بر چشم و روی او کشاند یا

ص: 62

1- . در منبع: ای چشم بد و همچنین در ادامه.

2- . طب الائمه: 134 - 133

آنکه این دعا را بنویسد و آن را با نیت پاک به گرد او بچرخاند، «به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ به نام خدای شفا بخش؛ به نام خدای بی نیازکننده؛ به نام خدای عافیت ده؛ به نام خدایی که با هم راه بودن اسم او چیزی، نه در زمین و نه در آسمان، زیان نمی رساند و او شنوا و داناست. {فرو می فرستیم از قرآن آن چه را که درمان و رحمت برای مؤمنان است.} چشم بسته شده و سنگ خشک و آب یخ بسته و تیر شهاب، از چشمی تا به چشم دیگر، را برگردان و چشم را به چشم برگردان. پس جبرئیل و میکائیل علیهما السلام گفتند: به کجا می روی ای بد چشم؟ گفت: به یوغ گاو نر و به شتر قطار شده و در بیخ گوش اسب می روم. به او گفتند: تو را به نود و نه اسم اعظم بستیم که نتوانی به یوغ گاو نر و قطار شتر و بیخ گوش اسب بروی. خداوند چنین درد را از چشم دور می گرداند، بدون آن که جز نیروی خداوند والامرتبه بزرگ، از کس دیگری جنبش و حرکتی باشد. به نام خدا؛ درود و سلام از پروردگاری که جز او خدایی نیست؛ سلام امان دهنده نگهبان گران مایه توانمند بزرگ منش. خدا منزه است از آن چه که شرک می ورزند.

3. العتیق الغروی: تعویذ از امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که شتری از ایشان به چشم زخم گرفتار شد: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند بزرگ، گرفتگی ترشرو و شهاب آتشخواه و سنگ سخت و چشم بد را به او برگرداندم از سر تا پا، چشمانش را می گیرد و بر کلیه هایش چنگ می اندازد و بر همسایه و نزدیکانش، پوستش نازک و خونش رقیق و ناگواریها سزاوار اوست، باز بنگر، آیا خلل می بینی باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد.

4. العتیق الغروی: حرزی برای چهارپایان به نقل از امام باقر و امام صادق علیهما السلام: «به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه میدهم هر آنکس که این نوشته به او آویزان گشت از اسبها و چهارپایانی، اسبی سرخ رنگ که دم و یال او سیاه است و اسب سرخ رنگی که دم و یال او نیز به سرخی میزند، اسب سیاه و سفید و اسب سیاه، و اسبانی که در پیشانیهای سفیدی است، و یا رنگ سیاه آنها به سبزی میزند و آنهایی که رامند و یا خوش سوار نیستند، و آنهایی که عمرشان بسیار گشت و آن دستهای که در پاهایشان سفیدی است، و آنهایی که رنگ زرد دارند، و یا دیگر

رنگهای گونگون، پناه میدهم، جلوگیری میکنم، باز میدارم، می بندم و حبس میکنم هر حیوانی که این نوشته من بر او آویزان گشت از اسبان و چهارپایان و حیوانات از شر زخمها، سردرد، ناآرامی و چموشی، دیدن گروهی از جنیان، سرگشتگی او، بند آمدن نفسش بعد از دویدن و دویدهایی با چموشی که نشود او را مهار کرد، و بیماریهای کبد، ریه و طحال و گری و اینکه اثناء دویدن ناآرام شود، و سر خود را تکان دهد و یا به رو به زمین افتد و ترس و گری و خشک شدن اعصاب دست های او بواسطه زانویند و هلاکت و افتادن بر زمین و پیچیدگی گردن و غده و شکستن پشت و بازدارنده از راه رفتن و آماس شکم و گلوگیر شدن آب در گلو و ذباب(1) و زنبورها و لרزه و شاخ زدن به یکدیگر و اخته شدن و غده و آبله و کنه و سرکشی و لگد زدن و فلج و قولنج و حجاج(2) و

حرارت چشم و اشک به هنگام آفتاب و از یبوست و جن زدگی و ریزش مو و خودداری از علف و از پیسی و خوردن ااثیه و غده های در گردن و ترسیدن و سختی و زخم پا و خودداری از گیاه خشک و علف و زین و لگام.

تمام آنچه را که این نوشته به آنها آویزان گشت، به خداوند بزرگ مصون داشتم از شر درندگان و حیوانات وحشی و شیر و مار سیاه و دزد و آنکه در شب وارد شود، مگر کسی که خیر آورد، بگو چه کسی بگو: چه کسی شما را شب و روز از رحمان حفظ می کند؟ بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند، بگو خداوند یکتا و یگانه چیره.

در پناه صاحب عزت و قدرت حفظ نمودم و بر آن زندهای که هرگز نمیمیرد، توکل کردم، او که روشنایی نور، و تقدیر کننده نور، نور نورهاست، خداوند پادشاه چیره، و خداوند آنها را کفایت خواهد کرد و اوست شنوای دانا.

5. العتیق الغروی: تعویذ اسب و سوار آن:

ص: 64

-
- 1- . بر دیوانگی، نحسی و نقطه سیاهی میان حدقه اطلاق می شود.
 - 2- . اسب به شخص یا چیزی نگاه کند یا صدایی بشنود پس گوش ها و چشم هایش را متوجه آن بکند.

به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه میدهم و حفظ میدارم، اسب فلان فرزند فلان معروف به فلان و فلان و دیگر اسبهای سیاه رنگ و سرخ رنگ و سرخی که دم و یالش سیاهرنگ است و اسبهایی که بر پیشانی و پاهایشان سفیدی است و اسب نرینه و مادیان از مشش(1)و

بهم خوردن پاها و لرزه و لگد زدن و کوفتگی پا و چسبیدن ران ها و تپش قلب و غده پوست شکم و غریدن و خوردن ااثیه و گیاه خشک و دیوار و جا ماندن از گله و درد شکم و نفخ حاصل از دویدن یا ترس و نقطه خون در چشم و آسیب و لغزش و سرخی گوشه چشم و بوی بد دهان و نفس نفس زدن و نفخ و درد اعضا و سستی پاها و دیگر دردهای چهارپایان.

با احاطه کامل و با نامهای برتر خداوند و کلمات با عظمت او، چشم بد را از سراسر بدن او از پوست و گوشت و خون و ظاهر و باطن او دور کردم و از او را از نخوردن و نیاشامیدن و گلوگیر شدن و پیچش و تپش و زخمی شدن با آهن و ترسیدن با خار یا سوختن با آتش یا چنگال و از افتادن پیکان تیرها و سرنیزه ها و از خمیدن پا و گزنده ها و ضربه سست یا ضربه ای محکم.

این اسب و سوار آن را پناه میدهم به آنچه جبرئیل علیه السلام به آن پناه جست و به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله، یراق و اسب خود به نام سحاب و علی علیه السلام اسب خود به نام ازلت را بدان پناه دادند و به آنچه شمعون صفا اسب خود، طماح و موسی کلیم، اسبی را که با آن از دریا گذشت، در پناه آن قرار دادند.

این اسب و سوار آن و مکان و چراگاه و هرآنچه به او تعلق دارد از گروه چهارپایان و مراتع را پناه میدهم به آن پیمان عظیم و اسمهای برتر نخستین از شر درندگان و حیوانات مودی و آزارها و مصیبتها و از ماهها و روزگاران و زشتی و غرق شدن و سوختن و وباء و مراتب سختی و از شر چشم بد تمامی جنیان و انسانها.

به نام خداوند پروردگار جهانیان، به نام خداوند دانای نهان و پنهان، به نام خداوند بلندمرتبه، و به نامهای بزرگ خداوند در سرسرای علم خدا، و در پرده

1- . تندی که در خردگاه دست و پای ستور برآید و سخت گردد کمتر از سختی استخوان.

ملکوت خدا که مرده‌ها را در آن زنده میکند، و بدان آسمانها برافراشته شد، و به نامهای خدا که بدان خورشید را پرتو بخشید و عرش را بلند گرداند از شر آنچه نام بردم و آنچه به زبان نیاوردم و آنچه دانستم و ندانستم و چشمهای نگرنده و فکرهایی که خطور میکند و سینههای کینه توز به اینکه هیچ نیرو و قدرت جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد و او مرا کفایت میکند و بهترین کارگزار است.

ص: 66

باب پنجاه و نهم : دعا برای رفع تمامی دردها و بادهای، خصوصاً دردسر، شقیقه و تپش رگها

روایات:

1. مکارم الاخلاق: دعایی در جهت رفع تمامی دردها و بنا به نقلی برای دندان «به نام خداوند و با استعانت از خدا، و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش، مخلوق خدایی که همه چیز را به نیکی آفرید و بر هر آنچه انجام میدهد، آگاه است، ای درد آرام گیر به کسی که آسمانها و زمین و هرچه در میان آنهاست، به او آرام گرفتند و اوست بلندمرتبه و بزرگ، ای درد تو را اراده کردم، خدایی که ابراهیم را خلیل خود ساخت و با موسی سخن گفت، و عیسی را از روح القدس آفرید، و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت به اینکه از فلان فرزند فلانه تا وقتی که زنده است، رخت بربندی و به سوی او باز نگردی.»(1)

حرز کلاه:

نجاشی به سردردی مبتلا شد، پس به پیامبر صلی الله علیه و آله نامه‌ای نوشت و پیامبر نیز این حرز را در کلاهی دوخت و به سوی او فرستاد، و در دم او آرام گرفت:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، به نام خداوند آن حق آشکار، خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.(2)

نور و حکمت و

ص: 67

1- . مکارم الاخلاق: 463

2- . آل عمران/19

عزت و قدرت و برهان و نیرو و پادشاهی و رحمت از آن خدا است، ای کسی که خواب ندارد، خدایی جز خدای یگانه نیست، ابراهیم خلیل خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست موسی همسخن خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست عیسی روح خدا و کلمه اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست محمد رسول خدا و برگزیده و خالصاوست و درود خدا بر او و خاندان او، فرو بنشین آرام کردم تو را به چیزی که هر آنچه در آسمانها و زمین و میان آنهاست، به او آرام گرفت، و به آن کسی که آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست به او آرام گرفتند و اوست شنوای دانا پس مسخر کردیم برای او باد را به امر او جاری میشود که هر جا تصمیمی گرفت، به فرمان او نرم، روان می شد و شیطانها را هر سازنده و فرورونده ای، آگاه باش که همه چیز به سوی خدا باز میگردد. (1)

دعایی دیگر برای سردرد: این دعا بر پوستی نوشته شود و با نخی بر سر بسته میشود: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان الم خدایی جزء آن زنده پایدار وجود ندارد - تا این قسمت آیه - ام الكتاب، از آن خارج شو در حالی که نکوهیده و رانده شده ای». (2)

دعایی دیگر برای سردرد: امام باقر علیه السلام فرمودند: این دعا را نوشته و بر کسی که از درد مینالد، آویخته میشود: «معبودا تو خدایی نیستی که او را خلق کرده باشیم و نه پروردگاری که یادش از بین رود، و شریکانی نداری تا به همراه تو حکم کنند و پیش از تو خدایی نبود تا او را بخوانیم و به او پناه ببریم، و اکنون به درگاه تو ناله میکنیم و تو را میخوانیم و کسی تو را در آفرینش ما یاری نکرد تا در مورد تو به تردید افتیم، خدایی جز تو نیست یگانهای و شریکی نداری، فلان فرزند فلانه را عافیت بخش و بر محمد و خاندان پاکش درود فرست».

روایتی دیگر «از تو میخواهم به اسمی که عرش خود را بدان بر آب گسترده، بر محمد و خاندان او درود فرست و درد سر و شقیقه فلان فرزند فلانه را عافیت بخش پس در آن غار، سالیانی چند بر گوشه‌هایشان پرده زدیم. از تو می

ص: 68

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 464
 - 2- . آل عمران/ 7 - 1 و در مصدر آمده تا اولو الالباب.

خواهم به اسمی که بدان آدم علیه السلام را آفریدی و آفرینش او کامل نمودی بر محمد و خاندان او درود فرستی و فلان فرزند فلانه را شفا دهی».(1)

دعایی برای رفع درد نیمه سر: این دعا را بر پوست یا کاغذی نوشته میشود و اگر شخص بیمار مرد باشد به سر خود میبندد و اگر زن باشد آن را بر موی بافته و پیچانده خود، قرار میدهد: «به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوند از زمین تا آسمان، جبرئیل فرود آمده بود پس آن بینی بریده به استقبال او آمد، جبرئیل از او پرسید: به کجا میروی؟ جواب داد: به سوی انسان میروم تا پیه چشمش را بخورم و از خونش بیاشامم. پس گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست به سوی انسان نرو از پیه چشم او نخور و از خون او میاشام، من حفاظت می کنم و خداوند است که شفا میدهد و درود خدا بر محمد و خاندان او».(2)

2. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار میدهی و سه بار میگویی: «خدا خدا خدا به حق پروردگار من است و ذرهای به او شرک نمیورزم، خدایا تو برطرفکننده این درد و هر مصیبت بزرگی که به من فرود آید پس آن را از من بزدای».

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام که فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار میدهی و سه بار میگویی: «خدایا از تو میخواهم به حق قرآن با عظمتی که روح الامین آن را فرود آورد در حالی که نزد تو در اصل کتاب والای حکیم است به شفای خود مرا بهبود بخشی و به دواي خود مرا درمان کنی و از مصیبت خود عافیت بخشی» «و درود خدا بر محمد و خاندانش».(3)

امام صادق علیه السلام فرمودند: [میگویی] «به نام خدا و با استعانت از خدا چه بسیار نعمتهایی که از جانب خداوند عز و جل در رگی ساکن و غیر ساکن بر بندگان شکرگزار و ناسپاس تعلق گرفت» سپس بعد از هر نماز واجب، محاسن خود را به دست راست میگیری و سه بار میگویی «خدایا مشکلم را بگشای و در

ص: 69

2- . مكارم الاخلاق: 467

3- . مكارم الاخلاق: 447

عافیتیم، تعجیل فرما و سختیام را برطرف کن» و تلاش کن تا دعا را با اشک و گریه همراه سازی.(1)

دعایی دیگر: شخصی نقل کرد، از درد خود نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم، پس فرمودند، بگو: «بسم الله» سپس دستت را بر موضع درد بکش، و هفت بار بگو «پناه میبرم به عزت خداوند، پناه میبرم به شکوه خداوند، پناه میبرم به عظمت خدا و پناه میبرم به جمع خدا و پناه میبرم به رسول خدا و پناه میبرم به نامهای خداوند از شر آنچه میهراسم و بر خود از آن بیم دارم» آن شخص نقل کرد، این دعا را خواندم و خداوند درد مرا برطرف نمود.(2)

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام، فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار میدهی و میگویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند وجود ندارد، خداوندا درد مرا بزدای» سپس سه بار بر موضع درد دست میکشی.(3)

3. الکافی: ذریح نقل کرد، شنیدم امام صادق علیه السلام وقتی فرزند خود را تعویذ میکردند، این دعا را میخواندند: «سوگند می دهم تو را ای باد و ای درد هر جا که هستی، به آن سوگندی که علی بن ابیطالب امیر مؤمنان علیه السلام، جنیان وادی صبره را به رسول خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله قسم داد، و آنان نیز اجابت کردند و اطاعت نمودند تو را قسم میدهم تا پذیری و اطاعت نمایی و همین لحظه، همین لحظه از فلان فرزند فلانه خارج شوی.(4)

4. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از ضعف و سستی یا سردرد و یا فشار ادرار رنج میبرد، دست خود را بر موضع درد قرار دهد و بگوید:

ص: 70

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 447
 - 2- . در کتاب کافی 2: 566 نیز آمده است.
 - 3- . مکارم الاخلاق: 448
 - 4- . کافی 8: 85، احادیث مربوط به جنیان وادی الصبره: الارشاد: 160.

«آرام گیر به آن کسی که شب و روز و هر آنچه در میان گرفتند به او آرام گرفت و اوست شنوای دانا».(1)

5. أمالی: معاویه بن وهب نقل کرد: خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم، و شخصی از اهالی مرو که نزد امام نشسته بود از سردرد فرزندش به نزد امام علیه السلام شکایت برد، امام فرمودند: او را به نزدیک من آر، سپس دستی بر سر او کشیدند و گفتند: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا: همانا خدا آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده».(2)

6. قرب الاسناد: امام صادق از پدرشان علیهما السلام روایت کردند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سردردی دچار شدند پس جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل گشتند و او را تعویذ نمودند و این دعا را خواندند: «به نام خداوند که تو را شفا میدهد به نام خداوند تو را کفایت میکند از هر دردی که تو را میآزارد آن را بگیر پس برای تو آسان می گردد».(3)

7. طب الاثمه: اسحاق بن ابراهیم نقل کرد روزی خدمت امام هادی علیه السلام بودم، که یکی از برادرانمان خدمت امام علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، خانواده من بسیار به این درد ملعون دچار میشوند، فرمودند: کدام درد؟ گفت: درد سی، فرمودند: کاسهای از آب بردار و این آیه را بر آن بخوان: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب

ص: 71

1- . الکافی 8: 19

2- . امالی طوسی 2: 284

3- . قرب الاسناد: 62

پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند» سپس آن را بنوشان، انشاء الله از آن درد ضرری نمییند.(1)

8. طب الاثمه: امام صادق از پدران بزرگوارشان نقل کردند، امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: این تعویذی است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که سردرد داشتند، نازل فرمود و گفت: ای محمد سردردت را با این دعا تعویذ کن و خداوند از آن درد میکاهد، و گفت: ای محمد هر کس این دعا را هفت بار بر هر دردی بخواند، خداوند به اذن خود او را از شفا خواهد داد، دست خود را بر موضع درد میکشی و میگویی: «به نام خدا پروردگارمان که یادش در آسمان مقدس است و امر او در آسمان و زمین، نافذ و قاطع است. همانگونه که امرش در آسمان است، و رحمتت را بر زمین قرار ده و گناهان و اشتباهات ما را ببخشای ای پروردگار پاکان و پاکیزگان، نازل فرما نازل فرما شفایی از شفای خود و رحمتی از رحمتت بر فلان فرزند فلانه» و اسم او را میآوری.

همچنین دعایی برای سردرد: ای کوچک گرداننده امور بزرگ و ای بزرگ گرداننده چیزهای کوچک و ای آنکه پلیدی را از محمد و خاندان او بردی و آنها را پاک گردانیدی بر محمد و خاندان وی درود فرست و دردی که در سر من و یا نیمه آن وجود دارد، برطرف نمای.(2)

9. طب الاثمه: حبیب سجستانی که از حریر سجستانی قدیمی تر است ولی حریر علمش از او بیشتر است، نقل کرد به نزد امام باقر علیه السلام رفتم و از سردردی که هفتهای یک بار و گاهی دو بار بر من عارض میشد، شکایت نمودم فرمودند: دست خود را بر موضع درد مینهی و سه بار میگویی: «ای آشکاری که وجود داری و ای نهانی که از بین نمیروی، دستهای زیبای خود را بر این بنده ضعیف خود، بازگردان و دردهای او را بزدای به راستی که تو مهربان عطوف و توانایی» و این دعا را سه بار میخوانی، انشاء الله عافیت مییابی.(3)

ص: 72

1- . طب الاثمه: 19

2- . طب الاثمه: 20

3- . طب الاثمه: 20

العتیق الغروی: عین این حدیث ذکر شده است با این تفاوت که در آن آورده است: به راستی که تو دانا و توانایی.

10. طب الاثمه: یساری نقل کرد: محمد بن علی بن حسین علیهم السلام شخصی از دوستان خویش را که به سردرد مبتلا بود و به همان دعای پیشین، تعویذ کرد.

همچنین روایت کرد: این را در کاغذی نوشته و آن را بر همان قسمتی که درد دارد آویخته میشود «به نام خداوند بخشنده مهربان، گواهی میدهم که تو خدایی نیستی که تو را ایجاد کرده باشیم و نه پروردگاری که یادت از بین رود، و نه پادشاهی که گروهی با تو شریک گردند و به همراه تو حکم دهند، و پیش از تو خدایی نبود که به او پناه بریم و به او پناه بجویم و او را بخوانیم و تو را رها کنیم، و کسی بر آفرینش ما تو را یاری نکرد تا از تو درخواست کند، پاک و منزهی و تو را میستایم بر محمد و خاندان وی درود فرست و با شفای زودهنگام خود او را شفا عنایت فرما. (1)

11. طب الاثمه: برای دفع باد در بدن: «به نام خداوند بخشنده مهربان، معبودا از تو میخواهم به اسم پاک، پاک کننده منزله مبارک خود که هر کس بدان از تو درخواست کرد، عطایش کردی و هر کس به واسطه آن تو را خواند، او را اجابت نمودی بر محمد و خاندان وی درود فرست فرست و مرا از آنچه در سر و گوش و چشم و شکم و پشت و دست و پا و بدن تمام اعضا و جوارح خود میابم، عافیت بخش به راستی که تو بر هر آنچه میخواهی آگاهی و بر هر چیز توانایی. (2)

12. طب الاثمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس دردی در بدن خود احساس کند با این دعا خود را تعویذ کند «پناه میبرم به عزت خداوند و سلطه او بر همه چیز پناه میدهم خود را به آنکه بر آسمان چیره است پناه میدهم خود را بر آنکه با نام او هیچ دردی، ضرر نمیرساند،

ص: 73

1- . طب الاثمه: 21، مثل این دعا در صفحه 49 آمد.

2- . طب الاثمه: 17

پناه میدهم خود را به کسی که نامش برکت و شفا است» و هر کس این دعا را بخواند هیچ درد و بیماری به او ضرر نمیرساند.(1)

13. طب الائمه: حارث اعور نقل کرد از دردی که در بدن خود احساس کردم به نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کردم، ایشان فرمودند: هر گاه به دردی مبتلا شدید این دعا را بخوانید: «به اسم خداوند و با استعانت از خدا و درود خدا بر محمد و خاندان وی، از شر درد خود پناه میبرم به عزت خداوند و قدرتش بر هر آنچه اراده کند» هر کس این دعا را بخواند، خداوند دردهای او را میزداید انشاء الله تعالی.(2)

14. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس به سردرد دچار شد دست خود را بر سرش بکشد و هفت بار بگوید: «پناه میبرم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا و میان آسمان و زمین است به او آرام گرفت، و اوست شنوای دانا» به راستی که درد از او برطرف خواهد شد.(3)

15. طب الائمه: عمر بن یزید نقل کرد: از دردی که در سر داشتم و به واسطه آن شب و روز نداشتم به جعفر بن محمد علیهما السلام شکایت کردم، فرمودند: دستت را بر موضع درد قرار ده و هفت بار بگو «به نام خدایی که با نام او هیچ چیز در آسمان و زمین ضرر نمیرساند و اوست شنوای دانا، خدایا من پناه میجویم از تو به آنچه محمد صلی الله علیه و آله خود را به آن پناه جست» به اذن خداوند تعالی و توفیق او درد آرام خواهد گرفت.(4)

16. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: به شیعیان ما پیاموز برای رفع سردرد خود بگویند: «یا طاهی یا ذریا طمنه یا طنات» به راستی که اینها نامهای

ص: 74

1- . طب الائمه: 17

2- . طب الائمه: 17

3- . طب الائمه: 18

4- . طب الائمه: 18

بزرگواریانند که در نزد خداوند جایگاه والایی دارند و خداوند بدین واسطه، درد را از آنها خواهد زدود. (1)

17. طب الاثمه: داود الرقیّ به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، مدتی است دردی در سر خود احساس میکنم و چه بسا شبهایی که خواب را از من میرباید و مرا از نماز شب باز میدارد، امام فرمودند: هرگاه چنین دردی احساس کردی، دست خود را موضع درد بکشی و بگو: «پناه میبرم به خدا و پناه میدهم خود و هر آنچه بر من عارض شود به نام خدا و کلمات کامل او که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن تخطی نمیکند، خود را در پناه خداوند عزّ و جلّ و رسول خدا درود خدا بر او و خاندان پاک و برگزیده‌هاش قرار میدهم، خداوندا تو را به حقی که آنها بر تو دارند، مرا از این درد رهایی بخش» بعد از خواندن این دعا آن درد به تو آسیبی نخواهد رساند. (2)

18. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر انسان مؤمنی از دردی رنج برد آنگاه با اخلاص دست خود را بر موضع درد بکشد و بگوید: «و تَنْزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا: و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و ستمگران را جز زیان نمی افزاید.» از آن درد هرچه که باشد، عافیت مییابد، و مصداق این امر در آیه نیز ذکر شده است: «شفا و رحمتی است برای مؤمنان». (3)

19. طب الاثمه: زکریا بن آدم، خادم حضرت رضا علیه السلام در خراسان نقل کرد: روزی امام رضا علیه السلام به من فرمودند: ای زکریا عرض کردم: بله ای فرزند رسول خدا، فرمودند: برای رفع تمام بیماریها این دعا را بخوان: «ای نازل کننده شفا و از بین برنده دردها، بر درد من نیز شفا را فرود آر.» که به اذن خداوند بهبودی خواهی یافت. (4)

ص: 75

1- . طب الاثمه: 19

2- . طب الاثمه: 18

3- . طب الاثمه: 28

4- . طب الاثمه: 37

20. طب الاثمه: ذریح نقل کرد: شنیدم امام صادق علیه السلام، یکی از دوستان خویش را با این دعا از باد در امان میداشت: «ای درد، به سوگندی که علی بن ابیطالب جنیان وادی الصبره را به رسول خدا سوگند دارد و آنها پذیرفتند و اجابت کردند، تو را قسم میدهم که اطاعت کنی و بپذیری و همین لحظه همین لحظه از فلان فرزند فلان به اذن خداوند متعال و به امر خداوند عزّ و جلّ و به قدرت خدا و به پادشاهی خدا و به شکوه خدا و به بزرگمنشی خدا و به عظمت خدا و به روی خدا و به جمال خدا و به نور خدا و به روشنایی خدا خارج گردی.» طولی نمیکشد تا درد خارج شود. (1).

21. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای رفع هر دردی یا حرارتی در سر، مربعی بکش و در وسط آن بنویس « حرّ النار - گرمای آتش - ».

سپس میگوی «به نام خدا و درود خدا بر محمد پیامبر و خاندان وی» سپس اذان و اقامه در کاغذی نوشته میشود و بر او آویخته میگردد، طولی نمیکشد، که حرارت و درد به اذن خداوند عزّ و جلّ آرام میگیرند. بسیار خوب است و تجربه شده است. (2).

22. طب الاثمه: مفضل بن عمر نقل کرد، شخصی از برادرانمان نزد امام صادق علیه السلام آمد و شکایت همسرش از نگاه و چشم و شکم و ناف و درد سر و شقیقه به خدمت حضرت آورد و گفت: ای فرزند رسول خدا، شبها تا به صبح بیدار است و تمام شب را از درد فریاد میزند و ما از گریه و فریاد او خسته شدیم، پس با دعایی بر ما و او منت نهید، امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه نماز واجب را خواندی دستانت را رو به آسمان بگشای و با خشوع و خواری بگو «پناه میبرم به جلال و جمال و قدرت و نور و پادشاهیات از دردی که دارم ای فریادرس من ای خدا ای فریادرس من ای رسول خدا ای فریاد رس من ای امیر مؤمنان ای فریاد رس من ای فاطمه دختر رسول خدا به فریاد من برس به فریاد من برس» سپس با دست راست بر سر خود بکش و بگو «ای کسی که آسمانها و زمین

ص: 76

1- . طب الاثمه: 40

2- . طب الاثمه: 72

و آنچه در میان آنهاست به تو آرام گرفتند، به قدرت و نیروی خود درد مرا آرام کن بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام کن».(1)

23. طب الائمه: برای رفع سردرد: عمار دهنی نقل کرد از سردرد خود به امام صادق علیه السلام شکایت کردم، ایشان فرمودند: بعد از هر نماز واجب، دست راست خود را بر چشمانت مینهی و هفت بار در حالیکه انگشت خود را تا ابروی راست خود میگردانی، بگو: «ای مهربان مرا شفا ده ای مهربان مرا شفا ده» بعد از آن هفت بار بر ابروی چپ خود می گردانی و بگو «ای نیکی کننده مرا شفا بخش» سپس دست راست خود را بر سر قرار ده و بگو «ای کسی که آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست به تو آرام گرفتند بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام گردان» سپس برای انجام کارهای نیک برخیز.(2)

24. طب الائمه: ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام فرمودند: این تعویذی برای رفع دردها است، دست خود را بر دهان میگذاری و سه بار میگویی «به نام خداوند بخشنده مهربان» و سه بار «به شکوه خدا» سه بار «به کلمات کامل خدا» سپس دست خود را بر موضع درد قرار میدهی و سه مرتبه میگویی: «پناه میبرم به عزت خداوند قدرت او بر هر آنچه بخواهد، از شر آنچه در زیر دست من است» به اذن خداوند تعالی آرام خواهد گرفت.(3)

25. طب الائمه: داود بن رزین نقل کرد، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا شب گذشته رگی از من تپش داشت پس تا صبح آرام نگرفتم و اکنون به شما پناه آوردهام، فرمودند: دستت را بر جای تپش آن قرار ده و سه مرتبه بگو: «خدا خدا خدا به حق پروردگار من است» طولی نمیکشد که بهبودی خواهد یافت.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمودند: ای مفضل تعویذ تمامی دردها از رگ های تپنده و غیره را از من بگیر، بگو: «به نام خدا و با

ص: 77

1- . طب الائمه: 73

2- . طب الائمه: 74

3- . طب الأئمه: 92

استعانت از خداوند، چه نعمتهایی از خدا در رگ ساکن و غیر ساکن بر بندگان شکرگزار و ناسپاس تعلق گرفت» و بعد از هر نماز واجب، محاسن خود را به سمت راست میگیری و سه بار میگویی: «خدایا مشکلم را بگشای و عافیتم را تعجیل فرما و سختیام را برطرف نمای» و تلاش کن تا دعا همراه با اشک و گریه باشد. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت زین العابدین علیه السلام با این دعا خانواده خود را حفظ میکردند و به دوستان ویژه خود نیز آن را آموختند، دستت را بر دهان میگذاری و میگویی: «به نام خدا به نام خدا به نام خدا و به مخلوق خداوند که همه چیز را نیکو آفرید و او به آنچه انجام میدهند، آگاه است» سپس هفت بار میگویی: «ای درد آرام گیر، از تو میخواهم به خدا که پروردگار من و تو و تمامی اشیاء است او که آنچه در شب و روز است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا»

26. مناقب آل ابی طالب: شخصی از اهل مرو، از سردرد فرزندش به نزد امام صادق علیه السلام شکایت آورد، ایشان فرمودند: به من نزدیک شو آنگاه بر سر اوست کشیدند و فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده.» و به اذن خداوند شفا گرفت. (2)

27. مکارم الاخلاق: جهت رفع درد سر و درد نیمه آن: امام صادق علیه السلام فرمودند: بخوان از «وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَقْلَمُ يَتَأَسَّ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا: و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست

ص: 78

1- . طب الائمه: 116

2- . مناقب آل ابی طالب 4: 232

قطعاً تمام مردم را به راه می آورد» (1) و «تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَقَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا: چیزی نمانده است که آسمانها از این بشکافند و زمین چاک خورد و کوه ها به شدت فرو ریزند» (2).

و«وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ: و فرا روی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند» (3) و «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَّمَاءُ أَفْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: و گفته شد: ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار» (4).

شبهه این حدیث: آیه قَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ: و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد به کفّاره روزه ای بدارد، یا صدقه ای دهد، یا قربانی بکند» (5).

«قَمَنْ تَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ: پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکنند» آرام گیر ای درد سر به کسی که آنچه در شب و روز است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا.

شبهه این حدیث: شخصی از سردرد خود نزد حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد: امام فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار ده و بخوان: آیه الكرسي و فاتحه الكتاب و بگو: «خدا بزرگ است خدا بزرگ است، خدایی جز خدای یکتا نیست، خداوند بزرگتر و باشکوهتر از آن چیزی است که من میترسم و بیم دارم و پناه میبرم به خدا از خونی که بند نیاید و پناه می برم به خدا از گرمای آتش.

ص: 79

-
- 1- . رعد/ 31
 - 2- . مریم/ 90
 - 3- . یس/ 8
 - 4- . هود/ 44
 - 5- . بقره/ 196

برای رفع سردرد: عمر بن حنظله نقل کرد از سردردی که داشتم به خدمت امام باقر علیه السلام شکایت کردم، ایشان فرمودند: هرگاه مبتلا شدی، دستت را بر سر قرار داده و بگو: «لَوْ كَانَ مَعَهُ إِلَهٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَابَتَّعُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا: اگر با او خدایانی بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی صاحب عرش، بر می آمدند».(1)

دعوات الراوندی: مثل حدیث پیشین، تا: «سبیلا و إذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ رَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا: راهی و زمانی که خدا را به یکتایی یاد شود کافران را می بینی که از تو روی بر می تابند».

28. مکارم الاخلاق: برای رفع درد نیمه سر: امام رضا علیه السلام فرمودند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ: به نام خداوند بخشنده مهربان پروردگارا، به یقین، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده مردمانی. قطعاً خداوند در وعده خلاف نمی کند. پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری» و نوشته شود: معبودا تو خدایی نیستی که او را ایجاد کرده باشیم تا آخر دعا که در فصل چهارم ذکر خواهیم کرد انشاء الله تعالی.(2)

برای رفع سردرد و غیر آن: امام صادق علیه السلام فرمودند هر کس به سردرد یا غیر آن مبتلا شد، دست خود را بر آن موضع قرار دهد و بگوید: «آرام گیر، به آنکه آرام گرفت برای او هرآنچه در شب و روز است و اوست شنوای دانا».

امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه کسالتی داشتند یا به چشم زخم و سردردی مبتلا میشدند، دست خود را میگشودند و سوره‌های فاتحه الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را میخواندند سپس دست خود را بر صورتش میکشیدند و هر دردی که داشتند از بین میرفت.

ص: 80

2- . این سخن طبرسی است که در مکارم الاخلاق آورده است.

عمر بن ابراهیم نقل کرد: خدمت حضرت رضا علیه السلام از صفرا شکایت کردم که حالتی شبیه دیوانگی و سردرد بر من غالب میشد، ایشان فرمودند: گیاه بقله که برگهای آن میپیچد را بر سر خود قرار ده و مرهمی که بر سر کودکان خود قرار میدهند، به راستی که به اذن خداوند سودمند خواهد بود، و من چنان کردم و دردم آرام گرفت. این گیاه همان پیچک است.

امام رضا علیه السلام برای رفع سردرد فرمودند، باید حنا بر سر گذشته شود.⁽¹⁾

معاویه بن عمار نقل کرد: به نزد امام صادق علیه السلام از باد نیمه سر، شکایت کردم، ایشان فرمودند: بعد از هر نماز واجب، انگشت اشاره راست خود را میان چشمانت قرار میدهی و هفت مرتبه در حالی که آن را تا ابروی راست خود میگردانی میگویی: «ای مهربان مرا شفا ده» سپس آن را به سمت چپ خود میگردانی و میگویی «ای بخشنده شفا ده» سپس دست راست خود را بر سر میگذاری و میگویی «ای کسی که آنچه در شب و روز و آسمان و زمین است برای او آرام گرفت بر محمد و خاندان وی درود فرست و درد مرا آرام گردان».⁽²⁾

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از معاویه آورده شده است.

29. مکارم الاخلاق: تعویذی برای رفع درد نیمه سر: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ: به نام خداوند بخشنده مهربان پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری» اگر بهبودی نیافت، یک نخود سفید و نیمی از آن را برمی داری و به خوبی آرد می کنی، آنگاه سه بار قل هو الله احد را بر آن میخوانی و به بیمار مینوشانی.⁽³⁾

ص: 81

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 429، در این کتاب ذکر شد و دعا نیست.
 - 2- . مکارم الاخلاق: 430
 - 3- . مکارم الاخلاق: 430

شخصی از اهل مرو از سردرد خود به خدمت امام صادق علیه السلام شکایت کرد، ایشان فرمودند: نزدیک من آی، سپس دستی بر سر او کشیدند و این آیه را خواندند: «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده».(1)

30. مکارم الاخلاق: تعویذی برای دردها و بنابر قولی برای دندان: «به نام خدا و با استعانت از خدا و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش، ساخته خدا که همه چیز را نیکو آفرید به راستی که به آنچه انجام میدهید، آگاه است ای درد آرام گیر تو را آرام کردم».(2)

31. طب الائمه: رفع درد گوش: یونس بن ظبیان نقل کرد؛ از درد گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کردم، فرمودند: دست خود را بر موضع درد قرار ده و هفت بار بگو «پناه میبرم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریا و آسمانها و زمین است به او آرام گرفت و اوست شنوای دانا» که به اذن خداوند بهبودی خواهد یافت».(3)

32. طب الائمه: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام در تعویذ یکی از اصحابشان از درد گوش، نقل شده است».(4)

33. طب الائمه: سدیر نقل کرد: روزی با دانه شنی، گوش خود را خواراندم که ناگهان در آن فرو رفت، بسیار تلاش کردم تا آن را خارج کنم اما اثری نبخشید و از طبیبان نیز کاری بر نیامد، پس به دیدار امام باقر علیه السلام رفتم و از درد آن به نزد ایشان شکایت کردم، ایشان در گوش من نگاه کردند و فرمودند: چیزی نمیبینم، سپس فرمودند: به نزدیک من بیا، من نیز به نزدیک ایشان رفتم سپس این دعا را خواندند: خدا همانگونه که آن را فرو بردی بدون هیچ رنج و سختی، خارج فرما و

ص: 82

1- . مکارم الاخلاق: 429

2- . مکارم الاخلاق: 463

3- . طب الائمه: 22

4- . طب الائمه: 22

به من فرمودند: آن را سه بار مثل من، بگو. من نیز آن را خواندم سپس به من فرمودند: انگشتت را در گوشت فرو کن من نیز انگشتم را فرو بردم و آن سنگریزه را خارج نموده و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.(1)

34. طب الائمه: شخصی نزد حضرت باقر علیه السلام از سنگینی گوشش شکایت کرد، ایشان فرمودند: دستت را بر آن بکیش و بخوان: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَائِشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.» تا آخر سوره.(2)

35. مکارم الاخلاق: برای رفع درد گوش: این آیه قرآن، هفت بار بر روغن یاسمن و یا بنفشه خوانده شود و سپس در داخل گوش ریخته شود، و آیه این است: «كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقُرَإِ السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ الْقَوَادِ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا: چنانکه گویی آن را نشنیده گویی در گوش هایش سنگینی است. زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.» و در گوش ریخته می شود.(3)

36. الاختصاص: عبید الله بن ابی رافع از پدرانیش نقل کرد، شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرمودند: هر کس گوشش، صدا دهد، بر من صلوات فرستد و بگوید: «هر کس مرا به نیکی یاد کند، خداوند به نیکی از او یاد کند».(4)

37. به خط شهید رحمه الله یافتم، نقل است، اسماء دختر ابوبکر، ورمی در سر و صورتشان ظاهر گشت، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و از روی لباس دست خویش را به صورت و سر ایشان قرار دادند و خواندند «به نام خدا، به دعای پیامبر پاک و مبارک و دارای منزلت در نزد خود، بدی و زشتی آن را رفع کن، به نام خدا» سه بار، این کار را کردند و به اسماء نیز فرمودند تا چنین کند، و نقل کرد که سه روز بعد این ورم به کلی از بین رفت، آن حضرت این دعا را هنگام نمازهای واجب سه بار میخواندند.

ص: 83

- 2- . طب الائمه: 23
- 3- . مكارم الاخلاق: 431
- 4- . الاختصاص: 160

38. دعوات الراوندی: شخصی از یاران امام صادق علیه السلام از سنگینی گوششان در نزد ایشان شکایت کردند، امام علیه السلام فرمودند: بر تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام ملزم باش.

و از امامان معصومین علیهم السلام نقل است: هر کس به هنگام عطسه زدن بگوید: ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است در تمامی حالات، و درود خدا بر محمد و خاندان محمد، هیچگاه به دردی در ناحیه دندانها و گوشهایش مبتلا نمیشود.

محمد بن فهم نقل کرد: در سرزمین روم، نزد مأمون بودم که تصمیم به فتح قلعه‌ای گرفتم، پس جنگ میان آنها درگرفت، ناگهان مأمون به سردردی مبتلا شد و فرمان آتش بس داد، بطریق را آگاه کردم، پرسید: چرا دست از جنگ کشیدید؟ گفتند: امیر مؤمنان به سردرد دچار شد، او کلاهی انداخت و گفت: بگویید آن را بپوشد تا سردردش آرام گیرد، مأمون نیز آن را پوشید و بهبودی یافت سپس دستور داد تا آن را بشکافند، پس در آن قطعه پوستی یافتن یافتند که بر آن نوشته شده بود: «پاک است ای کسی که فراموش نمیکند آنکه او را از یاد برد، و فراموش نمیکند آنکه به یاد اوست، چه نعمتهایی که از جانب خدا بر بندگان شکرگزار و ناسپاس در رگی ساکن و غیر ساکن تعلق گرفت حم عسق».

روایت است، نجاشی کلاهی را از پدران خود به ارث برده بود که به چهارصد سال قدمت داشت، و هرگاه آن را بر موضعی که درد داشت میگذاشتند، آرام میگرفت، پس در آن کنکاشی کردند و این دعا را یافتند: «به نام خداوند، آن پادشاه حق و آشکار، خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. به راستی که دین در نزد خدا اسلام است. خداوند نور و حکمت و قدرت، توانمندی و توانایی و پادشاهی و برهان است. خدایی جز خدای یگانه نیست، آدم برگزیده خداست. خدایی جز خدای یگانه نیست، ابراهیم دوست خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد عربی رسول خدا و محبوب و برگزیده بندگان اوست، آرام بگیرد ای تمامی

دردها، بیماریها، مرضها و تمامی ناخوشیها و تبها، آرام کردم تو را به آن کسی که آنچه در شب و روز است، برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا و درود خدا بر محمد بهترین بندگان وی».(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بیمار شود یا به سختی افتد و در آن حالت سوره قل هو الله احد را بخواند و به آن بیماری یا سختی از دنیا رود، از اهل آتش است.

زمخشری در کتاب ربیع الابرار، باب هفتاد و هفتم در بیماریها و امراض میگوید: مامون در طرسوس دچار سردرد شد و درمان آن سودی نداشت، پس قیصر کلاهی به سوی او فرستاد و چنین نوشت: خبر سردرد تو به من رسید، آن کلاه را بر سر بگذار تا آرام گیرد، مامون از ترس اینکه آغشته به سم باشد، آن را بر سر آورنده کلاه قرار داد، و دید که به او ضرری نرسانید، سپس آن را بر سر شخص دیگری که درد داشت قرار داد پس آن را آرام کرد، آنگاه بر سر خویش قرار داد و بهبودی یافت، شگفتزده شد و آن را شکافت و این دعا را یافت: «به نام خداوند بخشنده مهربان، نعمتهای فراوان خداوند در رگی ساکن حم عسق نه‌آزآندردسرگیرندونهی خردگردند، از سخن خداوند آتشنا خاموش گشتند و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا نیست، منفعت دارد در تو روان گردد آن گونه که آب بهار در شاخهها جریان مییابد.

39. مهج الدعوات: ابن عباس رضی الله عنه نقل کرد: نزد علی بن ابیطالب علیه السلام نشسته بودم که مردی با رنگی پریده داخل شد و گفت: ای امیر مؤمنان من مردی که بسیار دردمندم، پس دعایی به من بیاموز تا بدان یاری گیرم، ایشان فرمودند: به دعایی می‌آموزم که جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموخت. هنگامی که حسن و حسین علیهما السلام بیمار شده بودند و دعا این است:

ص: 85

«خدایا هرگاه نعمتی به من بخشیدی، سپاسگزاری من در برابر آن کم بود، و هرگاه مرا به مصیبتی دچار کردی، صبر من بر آن، اندک شد، ای کسی که سپاسگزاریام از نعمتهایش کم است، ولی مرا محروم نگردانید، و ای کسی که شکیبایی من در برابر مصیبتهایش، اندک گشت ولی مرا تنها نگذاشت، ای کسی که مرا در حین ارتکاب معصیت دید و رسوا نساخت و مرا به هنگام انجام گناه دید و بر آن عذاب نکرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، گناهم را بیامرز و بیماریام را شفا ده به راستی که تو بر هر کاری توانایی.

ابن عباس نقل کرد: آن مرد را بعد از یک سال دیدم در حالی که رنگش نیکو و متمایل به سرخی بود و گفت: هنگامی که با این دعا خدا را خواندم، از هر بیماری که داشتم شفا یافتم و هر ناخوشی که در من بود، برطرف گشت و از ظلم هر صاحب قدرتی که بیم داشتم، بعد از خواندن این دعا، خداوند خطر آن را از من برمیگرداند. (1)

40. مهج الدعوات: سعید بن ابی الفتح ساکن واسط نقل کرد: به بیماری دچار شدم که طبیبان از درمان آن عاجز شدند پدرم مرا به درمانگاه برد، در آنجا تمامی پزشکان و برجسته ترین آنها جمع شدند و به این نتیجه رسیدند که این درد جز با شفای خداوند تعالی، درمان نمیپذیرد، پس با دلی شکسته و سینه‌ای تنگ بازگشتم و کتابی از کتابهای پدرم را برداشتم که در پشت آن نوشته شده بود: حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند: هر کسی بیماری دارد کمی قبل از طلوع فجر چهل مرتبه بخواند:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش خدایی که پروردگار جهانیان است، خداوند ما را کافی است و اوست بهترین کارگزار، پرخیر و پاینده است خدایی که بهترین آفریدگاران است و هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد».

و دست خود را بر موضع درد بکشد، خداوند تعالی آن را برطرف خواهد کرد و او را شفا خواهد داد. من نیز تا سپیدهدم صبر کردم و به هنگام طلوع آن، نماز

1- . مهج الدعوات: 9

صبح را خواندم و همانجا نشستم و آن دعا را چهل بار خواندم و دستم را بر بیماریم کشیدم و خداوند تعالی آن را برطرف نمود، سرچایم نشستم و میترسیدم که بازگردد و سه روز در همین حالت بودم و آن را به اطلاع پدرم رساندم. او نیز خدا را شکر کرد و آن را برای برخی از پزشکان نقل کرد، و یکی از اهل کتابنزد من آمد و دید که بیماریم از بین رفته است و من حکایت آن را برای او بازگفتم، گفت: گواهی میدهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خداست و به نیکی اسلام آورد. (1)

41. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: یکی از فرزندان پدرم رضی الله عنه از دردی مینالید پدرم به کنار او آمدند و فرمودند: ده بار بگو «ای خدا ای خدا ای خدا» هر کسی از مؤمنان آن را بگوید، خداوند به او میفرماید: اجابت کردم ای بنده من، حاجتت را بخواه. (2)

42. أمالی: امام هادی علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان علیهم السلام فرمودند: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به ناخوشی گرفتار آید، سوره حمد را هفت بار در گریبان خود بخواند، و اگر بهبودی نیافت، آن را هفتاد مرتبه بخواند، و من عافیت را برای او تضمین میکند. (3)

43. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه به دردی مبتلا شدید، بگویید: «خدایا از شفای خود مرا بهبودی ببخش و با داروی خود مرا درمان کن و از بلای خود عافیت ببخش» شاید نیاز باشد آن را سه بار بخواند تا عافیت یابد. (4)

44. قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تبی دچار شدند، جبرئیل به نزد ایشان آمد و او را تعویذ نمود و خواند: به نام خدا تو را افسون می کنم ای محمد، به نام خدا تو را شفا میدهم و به نام خدا از

ص: 87

1- . مهج الدعوات: 98

2- . قرب الاسناد: 1

3- . أمالی طوسی 1: 290

4- . قرب الاسناد: 3

هر دردی که در توسست، به نام خدا و خداوند تو را شفا میدهد و به نام خدا آن را بگیر که گوارایت باد، به نام خداوند بخشنده مهربان و سوگند نمیخورم به جایگاه های ستارگان که به اذن خداوند شفا خواهی گرفت.

بکر بن محمد نقل کرد، از امام صادق علیه السلام در مورد دعای تب پرسیدم، پس آن روایت را برایم نقل کردند و از تعویذ ورم و زخم پرسیدم که فرمودند: چاقویی را بردار و آن را در کنار موضع درد یا زخم قرار ده و بخوان «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف ورمهای بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو میآیم تا سرآمد مشخص در انسانها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم.» سپس چاقو را در زمین فرو کن. (1)

45. ثواب الاعمال: هارون بن خارجه نقل کرد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس به بیماری و یا ناخوشی مبتلا شود و در آن حالت سوره قل هو الله احد را بخواند و در اثر آن بمیرد، از اهل آتش است. (2)

میگویم: همین خبر با تغییری مختصر در کتاب القرآن گذشت. (3)

بعضی از روایتها را در باب دعاهاى صبح و شب آوردیم.

46. مختار الخرائج: حسن بن ظریف نقل کرد: دو سؤال در سینه داشتم که تصمیم گرفتم در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام، از او بپرسم، پس نامه‌ای نوشتم و در مورد قائم علیه السلام سؤال نمودم که به چه وسیله حکم میکند؟ و کجا مینشیند؟ و میخواستم در مورد تعویذ تبی که چهار روز یکبار عارض می شود، نیز از ایشان بپرسم که فراموش کردم، امام در جواب فرمودند: از قائم پرسیدی، او هرگاه قیام کند با علم خود در میان مردم حکم میکند مثل قضاوت حضرت داود علیه السلام و دلیل و برهان نمیخواهد. و فراموش کردی که از تبی که هر چهار روز یکبار عارض می شود، بررسی، پس این آیه را بر کاغذی بنویس و بر کسی که تب

ص: 88

2- . ثواب الاعمال: 115
3- 3. مراجعه كن ج 92: 345

50. عده الداعی: روایت است، هرگاه فرزندی مریض شود، مادرش به پشت بام رود و روسری خود را بردارد و موهای خود را به سمت آسمان بگشاید و بگوید: «خدایا تو او را به من بخشیدی و تو او را به من عطا کردی، خدای پس امروز یک بار دیگر او را به من ببخش به راستی که تو بر هر کاری توانا و قادری» سپس به سجده رود و همین که سر از سجده بردارد، فرزندش شفا خواهد یافت.

51. الاختصاص: عبید الله بن ابی رافع از پدران‌ش نقل کرد: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس گوشش صدا دهد بر من صلوات فرستد و بگوید: هر کس مرا به نیکی یاد کند خدا او را به نیکی یاد کند. (1)

ص: 90

1- . الاختصاص: 60 و سند در صفحه 142 شماره 36 آمده است.

1. طب الاثمه: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: شخصی از اهالی همدان، از درد پشت به نزد امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد به طوری که شب را تا به صبح بیدار است، امام فرمودند: دستت را بر موضع درد قرار ده و سه بار بخوان: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ: و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد. به عنوان سرنوشتی معین. و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می دهیم، و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد» و هفت بار سوره انا انزلناه فی ليله القدر را نیز بخوان، انشاء الله تعالى، شفا خواهی یافت.(1)

2. طب الاثمه: ابی عبدالله به همراه امام صادق علیه السلام در سفر بودیم و فرزندان اسماعیل بن صادق علیه السلام نیز با ایشان بود، که به نزد ایشان از درد شکم و پشت شکایت کرد، امام ایشان را از مرکب پایین آوردند و او را به پشت خوابانند و خوانند: «به نام خدا و با استعانت از خدا به ساخته خدا که هر چیز را به نیکی آفرید به راستی که او به آنچه انجام میدهد آگاه است، ای باد آرام گیر به آن کسی که آنچه در شب و روز است به او آرام گرفت، و اوست شنوای دانا».(2)

3. مکارم الاخلاق: برای رفع درد پشت خوانده شود: آیه شهد اللهتا سریع الحساب.(3)

ص: 91

1- . طب الاثمه: 30

2- . طب الاثمه: 78 - 79

3- . مکارم الاخلاق: 435، آل عمران/ 16 - 17

1. طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه شخصی از شما دردی در رانها احساس کرد در ظرفی بزرگ یا تشتی از آب گرم بنشیند و دست خود را بر آن قرار دهد و بخواند: «أَوْ لَمْ يَكُنْ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند». (1)

ص: 92

1. مکارم الاخلاق: به نام خدا و با استعانت از خدا، او که به خواستش آسمانها و زمین بر پا گشت، به درستی که مریم دختر عمران، درد رحم او را آزار نداد، و اینچنین خداوند فلانه فرزند فلانه را از درد رحم و از درد رگ رحم شفا میدهد، سالم شو سالم شو به اسم خداوند زنده پایدار به نام خداوند فریادرس، در پناه خدا از آنچه اکنون هست و در گذشته بود و گواهی میدهم خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او همه چیز را فرا گرفته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا تا آخر سوره، به نام خداوند بخشنده مهربان محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. (1)

اجابت کنید [آنکه خدا را میخواند] سوگند دادمشونده این کلام را که این مهر را اجابت کندبه سوگندهای محکم خدا که ارواح و پیکرها را از بین میبرد و هیچ روح و قلبی باقی نمیماند، اجابت کن به نام خدایی که به آسمانها و زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان پذیر آمدیم. بر محمد و خاندان پاکش درود فرست» و آن را بین خودت بخوان، انشاء الله تعالی. (2)

ص: 93

1- . فتح: 29

2- . مکارم الاخلاق: 435، و در آن تصاویر حروف نیست.

1. طب الائمه: جابر نقل کرد: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: ای جابر، عرض کردم: بله ای رسول خدا، فرمودند: بر هر ورمی آیات آخر سوره حشر «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ» تا آخر سوره را بخوان و سه بار بر آن آب دهان بیانداز که به خواست خداوند بهبود خواهد یافت.

چاقوی برمیداری و آن را در کنار ورم قرار میدهی و میگویی: « به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف و ورمهای بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو میایم تا سرآمد مشخص در انسانها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم» سپس چاقو را در زمین فرو کن.(1)

2. طب الائمه: ابن ابی زینب نقل کرد: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سنان بن سلمه با رنگی پریده بر ایشان وارد شد، امام به او فرمودند: تو را چه شده است؟ او از تپش در زانوهای خود و سختی آن حکایت کرد، امام فرمودند: وای بر تو، بخوان: «خدایا از تو میخواهم، به نامهایت و برکاتت و دعوت پیامبر طاهر و مبارک و دارای منزلت در نزد خود درود خدا بر او و خاندانش، به حق او و به حق دخترش فاطمه مبارک، و به حق جانشینش امیر مؤمنان و به حق دو سرور جوانان اهل بهشت، درد مرا برطرف نمای و به حق آنان به حق آنان به حق آنان، به حق

ص: 94

خودت ای خدای جهانیان». سوگند به خدا، همین که از جایش برخاست، از دردها شفا یافت.(1)

3. مکارم الاخلاق: هر کس در ساق پای خود، بیماری، خستگی یا کوفتگی بیابد، بر آن بنویسد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم».(2)

4. عده الداعی: ابو حمزه نقل کرد: به دردی در زانوهایم مبتلا شدم و از آن نزد امام باقر علیه السلام شکایت کردم، فرمودند: بعد از نماز بخوان: «ای بخشندهترین کسی عطا کرد و ای بهترین کسی که از او درخواست شد و ای مهربانترین کسی که از او طلب مهربانی شد، پر ناتوانی و بیچارگی من رحم کن و مرا از دردم عافیت بخش» نقل کرد: آن را خواندم پس شفا یافتم.

ص: 95

1- . طب الائمه: 70 - 69

2- . مکارم الاخلاق: 441

باب شصت و چهارم : دعایی برای رگ شایع در سرزمین لار که در فارسی به آن «پیوکو رشته لار» نیز می گویند

روایات:

1. مکارم الاخلاق: برای دفع عرق مدینّی که به فارسی به آن رشته میگویند.(1)

نخی از پشم شتر گرفته میشود و مقداری از آن البته بدون چاقو، مقراض و یا هر وسیله‌ای شبیه آنها، جدا میشود، و به آن هفت گره زده شود و بر هر گره، سه بار سوره فاتحه الکتاب خوانده شود و سپس سه بار این دعا بر آن خوانده شود: «به نام خداوند همیشگی همیشگی، شمارنده اعداد، نزدیک به آنچه دور است، عاری از فرزند و بالاتر از آنکه صاحب فرزند شود، وفاکننده به آنچه وعده میدهد، شکست ناپذیر بدون آنکه توشه‌ای برگیرد، توانا بدون یاری گرفتن، نزایید و زاییده نشد و هیچ همتایی ندارد، ای آفریننده مخلوقات، ای دانای نهان و پنهان، ای کسی که آسمانها به قدرت او برافراشته شدند و ای کسی که زمین به عزت او گسترده شد، ای کسی که کوهها به خواست او استوار گشتند، ای کسی که به واسطه او صاحب فرقه‌ها از هر آفت و بلایی رهایی یافت، درود خدا بر محمد بهترین مخلوقات، خدایا فلان فرزند فلانه را با شفای خود، شفا ده و با داروی خود درمان کن و از بلای خود عافیت بخش، به راستی که تو بر هر چه خواهی توانایی، و تو مهربانترین مهربانانی و درود خدا بر محمد پیامبر و خاندان او.

(2)

ص: 96

-
- 1- . در برهان گفت: بیماری که مثل تارهای ریسمان بر بدن ظاهر میشود و بیشتر در شهر لار به آن مبتلا شوند.
 - 2- . مکارم الاخلاق: 471

1. طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام به یکی از یارانش-که از عرق النسا به نزد ایشان شکایت کرد - فرمودند: هرگاه آن را احساس کردی، دست خود را به آن قرار ده و بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا، پناه میبرم به نام خداوند بزرگ و به نام خداوند با عظمت از شرّ هر خون که بند نیاید و از شرّ گرمای آتش» که به اذن خداوند تعالی عافیت مییابی، آن شخص گفت: سه بار این کار را کردم و خداوند درد مرا برطرف نمود و عافیت بخشید.(1)

2. مکارم الاخلاق: برای رفع عرق مدینې: به هنگام خارش و قبل از آنکه خارج شود، بر آن نوشته شود «و یَسْأَلُوكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَ لَا أَمْتًا: و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: «پروردگارم آنها را ریز ریز خواهد ساخت، پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد نه در آن کژی می بینی و نه ناهمواری.»(2) و با صبر(3)

آغشته شود.

این آیه نیز نوشته شود: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ: یا چون آنکس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد گفت: چگونه خداوند، این را پس از مرگشان زنده می کند؟». پس خداوند، او را صد سال میراند».(4)

ص: 97

1- . طب الائمه: 37

2- . طه: 105-107

3- . صبر : عصاره درختی تلخ است.

4- . مکارم الاخلاق: 442

باب شصت و ششم : دعای رگ باد افکندن

روایات:

1. [مکارم الاخلاق]: بخواند: «أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا: آيَا كَسَانِي كَفَرٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِمَّا كَانُوا كَافِرِينَ» زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم.» و یکی از انگشتانش را به اسم بیمار بشکند. (1)

باب شصت و هفتم : دعایی برای فلج و سستی

روایات:

1. رجال الکشی: جابر نقل کرد: در چهرهام کجی پیدا شد، وقتی به مدینه آمدم، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، ایشان فرمودند: صورتت را چه شده است؟ عرض کردم: بادی بد خیم است. فرمودند: به نزد قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برو و دو رکعت نماز بگذار، سپس دستت را بر صورتت قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، به این خارج شو. تو را قسم میدهم از شر چشم انسان یا چشم جن یا هر دردی، خارج شو تو را قسم میدهم به آنکه ابراهیم را خلیل خود برگرفت و با موسی سخن گفت و عیسی را از روح القدس آفرید، تو را قسم میدهم

ص: 98

1- . مکارم الاخلاق: 442، عنوان («رگ باد افکندن» در آن نیست، و ظاهراً متن صحیح است.)

که آرام گیری و خاموش شوی همانطور که آتش بر ابراهیم خاموش گشت، به اذن خداوند خاموش شو.» و نقل کرد، همین که دو بار چنین کردم، صورتم به حالت اولیه برگشت و تا کنون به آن بیماری مبتلا نشده است. (1).

2. مکارم الاخلاق: مردی به نزد امام باقر علیه السلام شکایت برد: دختری دارم که گاهی بازویش بیحس میشود. تا اینکه بر زمین میافتد، امام فرمودند: به دخترت بنگرو در هنگامی که حائض است، به مدت سه روز به او شوید پخته و عسل بخوران.

و فرمودند: برای رفع فلجی و قولنج و خام (2) و سردی مزاج و باد هر دردی خوانده شود: ام القرآن، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق، سپس این دعا نوشته شود: «پناه میبرم به روی باعظمت خدا و عزتش که [قابل دسترسی نیست و قدرتش که] که هیچ چیز از سیطره آن بیرون نیست از شر این درد و از شر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن میابم، این دعا را بر شانه یا لوحی نوشته شود و با آب باران شسته شود و هنگام خواب، ناشتا به او نوشانده شود، انشاء الله تعالی شفا خواهد یافت. (3).

ص: 99

-
- 1- . رجال الکشی: 174
 - 2- . خام: به گوشت و شیری گویند که بویش تغییر کرده باشد. و شاید بیماری باشد شبیه بد هضمی که سبب فاسد شدن غذا در شکم می شود به طوری که مدفوع نیز بد بو می شود و کرم های کوچک نیز را به وجود می آورد.
 - 3- . مکارم الاخلاق: 440 و در طب الاثمه: 65 با ذکر سند آمده است.

1. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که نماز شب را میخوانی در حالت سجده بگو: «خدایا تو را همچون انسانی خوار، فقیر و بیمار میخوانم، تو را میخوانم همچون کسی که نیازش افزون گشت و چاره‌اش اندک و کارش سست شد و بلاها بر او فشار آوردند، تو را میخوانم همچون کسی که اگر او را در نیابی، در گرفتاریها فرو میرود و اگر او را نجات نبخشی هلاک میگردد، هیچ چاره‌ای ندارد، مگر خود را بر جان من چیره نگردان و خشمتم را بر من وارد مکن و مرا به یأس از آسایش و ناامیدی از رحمتت و صبر فراوان بر مصیبتت ناچار مکن. زیرا توان تحمل بلای تو را ندارم و نمیتوانم از رحمت تو بیناز گردم و این فرزند محبوب توست که در درگاه تو او را پیشاپیش خود قرار دادم زیرا تو او را پناهگاه هراسناکان قرار دادی و علم گذشته و حال را به او سپردی پس گرهام را بگشای و مرا از این مصیبت‌رهای بخش و آنچه از رحمت و عافیتت که به من دادی به سویم بازگردان ای او ای او ای او، امیدها جز از تو به ناامیدی گرایید».(1)

ص: 100

1. طب الاثمه: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از اصحاب خویش که از درد معده مینالید، فرمودند: مقداری آب بردار و با این دعا آن را تعویذ کن و بر آن روغن نریز و بگو: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ: خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد» سه بار «أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند» سپس آن را بنوش و دستت را بر شکمت قرار ده که به اذن خداوند عزّ و جلّ عافیت خواهی یافت.(1)

2. مکارم الاخلاق: در رفع پیچش، شخصی به نزد امام موسی علیه السلام از پیچش شکم شکایت کرد که آرام نمیگیرد، امام فرمودند: هرگاه از نماز فارغ شدی، بگو: «هر چیزی از جانب توست، و من سزاوار سپاسگزاری نیستم و هر عمل زشتی که مرتکب شدم، تو مرا از آن باز داشتی و من در آن هیچ بهانه‌ای ندارم. خدایا، به تو پناه میبرم از اینکه تکیه کنیم به هر آنچه سزاوار سپاسگزاری نیستم و یا ایمن گردم از آنچه عذری در آن ندارم.(2)

3. مکارم الاخلاق: رفع درد معده، این دعا بر روغن خوانده میشود و شکم خود را به این آغشته میکند: «به نام خداوند بخشنده مهربان، درهای آسمان را با

آبی ریزان باز کردیم و چشمهای زمین را شکافتیم و آب به میزان مشخص جاری گشت و ما آن را بر تخته ها و میخ هایی قرار دادیم، پس بره‌های هر چیز را به روی آنان گشودیم به نام فلان فرزند فلان «أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند» (1).

دعای رفع درد معده، امام علیه السلام فرمودند: برای رفع درد معده، نوشته شود: «به نام خدا آنان که آموختند و نمیدانند و کسانی که میدانند و بر بالای علین نشستند، غذایشان نوری با طراوت است، و از دوستشان از نور پرتو درخواست میکنند، اینچنین فلان فرزند فلانه شفا میگیرد» «أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم.» هفت بار بر آب این دعا خوانده می شود، سپس روغنی بر آن ریخته میشود تی که چسبنده شد آن را مالش می دهی و به کسی که درد معده دارد می نوشانی.

مثل این حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: بر آن خوانده شود «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ..... وَالْقَتُّ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ: آنگاه که آسمان از هم بشکافت..... و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تُهی شود.» یک بار «و إِذْ قَالَتْ إِمْرَأَةٌ عَمْرَأَن.....» (2).

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. (3).

مثل این حدیث به روایت از ائمه معصومین علیهم السلام: این دعا را بر آب بدون روغن، خوانده شود سپس به کسی که درد معده دارد نوشانی شود، سپس دستت را سه بار بر شکمش میکشی و میگویی: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ إِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا: خدا برای شما

ص: 102

- 2- . آل عمران/35
- 3- . مكارم الاخلاق: 439

آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد سپس راه را بر او آسان گرداند. آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمايي کشانید و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد. و بدین ترتیب آن درد، به اذن خداوند عزّ و جلّ خارج میگردد. (1).

باب هفتم : دعایی برای قرقره شکم

روایات:

1. طب الاثمه: شخصی نزد امام کاظم علیه السلام چنین شکایت برد: قرقره شکم من اصلاً آرام نمیگیرد و به سبب آن شرم دارم که با مردم صحبت کنم زیرا صدای آن را میشوند، پس برایم دعا کنید تا شفا یابم، حضرت فرمودند: بعد از نماز عشاء بگو: «خدایا هر کار نیکی کردم، به فضل تو بود و من سزاوار سپاس نیستم و هر آنچه از بدیها مرتکب شدم تو مرا از آن باز داشتی و من هیچ بهانه‌ای ندارم، معبودا پناه میبرم به تو از اینکه بر چیزی تکیه کنم که سزاوار سپاسگزاری از آن نیستم و از آنچه هیچ عذری در آن ندارم، ایمن باشم». (2).

ص: 103

1- . مکارم الاخلاق: 439

2- . طب الاثمه: 101

روایات:

1. طب الاثمه: یونس نقل کرد، لکه سفیدی میان دو چشمانم ظاهر گشت، نزد امام صادق علیه السلام رفتم و از این بیماری به ایشان شکایت کردم، فرمودند: طهارت کن و دو رکعت نماز بگزار و بگو «ای خدا، ای بخشنده ای مهربان، ای شنونده دعاها، ای عطاکننده خیرها، نیکیهای دنیا و آخرت را به من عطا کن و مرا از شر دنیا و آخرت حفظ کن و آنچه بدان مبتلا شدم، از من دور کن که سبب اندوه و غصه من شده است.» و نقل کرد آنچه به من امر نمودند، انجام دادم و خداوند آن بیماری را از من برد و سپاس مخصوص اوست. (1)

و نیز از امام صلوات الله علیه و آله روایت است فرمودند: دستت را بر آن موضع قرار ده و بگو: «ای نازل کننده شفا و از بنی برنده درد، شفای خود را بر دردهای من نازل کن». (2)

2. طب الاثمه: اسحاق بن اسماعیل و بشیر بن عمار نقل کردند نزد امام صادق علیه السلام رفتیم در حالی که یونس به بیماری بد خیمی دچار گشته بود، در مقابل ایشان نشستیم و عرض کردیم: خداوند تو را حفظ کند به مصیبتی دچار شدیم که هیچگاه مثل آن را نچشیده بودیم، فرمودند: چه مصیبتی؟ جریان را برای ایشان نقل کردیم، سپس به یونس فرمودند: برخیز، طهارت بجوی، دو رکعت نماز بگزار سپس خدا را سپاس و ثنای خداوند را به جای آر و بر محمد و خاندان وی درود فرست و

ص: 104

1- . طب الاثمه: 102

2- . طب الاثمه: 103

سپس بگو: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای یگانه ای یگانه ای یگانه ای یکتا ای یکتا ای نیاز ای نیاز ای بیناز ای مهربانترین مهربانان ای مهربانترین مهربانان ای توانا ترین توانمندان ای توانا ترین توانمندان ای توانا ترین توانمندان ای پروردگار جهانیان ای پروردگار جهانیان ای شنونده دعاها ای نازلکننده برکات ای عطاکننده خیرها، بر محمد و خاندان وی درود فرست و خیر دنیا و آخرت را بر من ببخشای و شر دنیا و آخرت را از من دور گردان و بیماریام را برطرف نمای که سبب اندوه و غصه مرا فراهم کرده است.» نقل کرد، همانطور که حضرت صادق علیه السلام به من امر نمودند، انجام دادم، سوگند به خدا همین که از مدینه خارج شدم همچون سبوس از من پراکنده شد.(1)

3. طب الاثمه: سلامه بن عمرو الهمدانی نقل کرد: وارد مدینه شدم و به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، عرض کردم: ای فرزند خدا به پنهان حج به زیارت شما آمدم و به شما پناه آوردم از بیماری بدخیمی که به آن مبتلا شدم، حضرت فرمودند: در جوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و در حریم امن او بایست و سوره انعام را با غسل بنویس و بنوش و آن بیماری از تو برطرف خواهد شد.(2)

4. مناقب آل ابی طالب: صورت یونس به پیسی مبتلا شده بود و امام صادق علیه السلام به پیشانی او نگاهی افکندند، پس دو رکعت نماز گزارد و حمد و ثنای خدا را به جای آورد و بر پیامبر و خاندان او درود فرستاد و سپس گفت: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای مهربانترین مهربانان ای شنونده دعاها ای عطاکننده خیرها، بر محمد و خاندان پاک و مطهر وی درود فرست و شر دنیا و آخرت را از من روی بگردان و بدی دنیا و آخرت را از من بزدای و بیماریام را برطرف نمای که سبب اندوه و غصه مرا فراهم کرده است.» و نقل کرد: سوگند به خدا به محض اینکه از مدینه خارج شدیم آن

ص: 105

1- . طب الاثمه: 103

2- . طب الاثمه: 105

سفیدی مثل سبوس از من دور گشت و حکم بن مسکین نقل کرد: سفیدی را در چهرهاش دیدم که از بین رفت و الان در چهرهاش چیزی نیست.(1)

5. مکارم الاخلاق: دعای رفع پیسی و خوره: بر او خوانده شود و سپس نوشته شود و بر او آویخته گردد « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَمْحُو اللّٰهُ مَا یَشَاءُ وَ یُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ اَمُّ الْکِتَابِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِکَهِ رُسُلًا اُولٰٓئِ اُجْنَحَ مَثْنٰی وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ: به نام خداوند بخشنده مهربان خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب نزد اوست، سپاس خدای را که پدید آورنده آسمان و زمین است، فرشتگان را که دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرارداده است، به نام فلان فرزند فلانه».(2)

شخصی از بیماری پیسی نزد امام صادق علیه السلام شکایت برد، امام به او فرمان دادند تا مقداری از گل قبر حسین علیه السلام را و آب باران مخلوط نماید، آن شخص چنین کرد و شفا یافت.(3)

یکی از یاران ما، نقل کرد: مدتی بود به پیسی دچار شده بودم، امام صادق علیه السلام به من فرمان دادند تا سوره یس را با عسل در جامی بنویسم و آن را بشویم و بنوشم، چنین کردم و آن بیماری رفع شد.(4)

برای رفع سفیدک: بر لکه های سفید نوشته شود: «اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا تُنَزِّلُهُ اِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ هَلْ یَسْمَعُوْکُمْ اِذْ تَدْعُوْنَ اَوْ یَنْفَعُوْکُمْ اَوْ یَضُرُّوْنَ: و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم آیا وقتی دعا می کنید، از شمامی شنوند یا به شما سود یا زیان می رسانند».(5)

ص: 106

1- . مناقب آل ابی طالب 4: 232

2- . مکارم الاخلاق: 441

3- . مکارم الاخلاق: 441

4- . مکارم الاخلاق: 441

5- . مکارم الاخلاق: 441

6. عده الداعی: یونس بن عمار نقل کرد: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، جانم به فدای شما، این چیزی است که بر چهره‌ام آشکار گشته است و مردم می‌پندارند خداوند بنده‌ای که به او نیاز دارد، به این بیماری مبتلا نمیکند، امام فرمودند: خیر، مؤمن آل یاسین انگشتانش در هم کشیده و خشک بود، و در حالی که چنین میگفتند، دستشان را دراز کردند «ای قوم از فرستاده‌شدگان پیروی کنید» سپس به من فرمودند: در یک سوم آخر شب وضو بگیر و نمازت را بخوان و در سجده‌های پایانی دو رکعت اول، بگو: «ای بلندمرتبه و ای بزرگ ای بخشاینده ای مهربان، ای شنونده دعاها و ای عطاکننده خیرها پر محمد و خاندان محمد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت آنچه، سزاوار آنی به من عطا کن و از شر دنیا و آخرت آنچه تو می‌پسندی از من دور گردان و این بیماری را از من برطرف نما. زیرا اسباب اندوه و غصه مرا فراهم کرده است.» و در دعا پافشاری کن، نقل کرد: همین که به کوفه رسیدم خداوند آن بیماری را از من برطرف ساخت. (1)

ص: 107

باب هفتاد و دوم : دعایی برای کلف و برسون.(1)

روایات:

1. مکارم الاخلاق: یک دایره بر سوی او میکشی و وسط آن مینویسی بوتاً بوتاً برتاتاً صداهایی را میخوانم و آن چون گذر ابرها میگذرد ساخته خدا که هر چیز را نیکو آفرید و به راستی او به آنچه انجام میدهید آگاه است. همچنین ناشتا بر آن نوشته شود؛ هریقه مریقه تا اینکه راه و روش را دوست بداری.

همچنین: ناشتا نوشته شود: قهرید قهرانید کسرهن کسروهن سالار خشک باد بحق الملك القدوس: قهرید قهرانید شکست آنها، شکستند آنها را سالار خشک باد به حق پادشاه منزّه.(2)

ص: 108

-
- 1- . کلف: سیاهی که در چهره ظاهر می شود و آن را تغییر می دهد و برسون: گویا همان سالک است که در اسب ها شناخته می شود و اثر آن شبیه داغ کردن است.
 - 2- . مکارم الاخلاق: 472

روایات:

1. طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند هر کس با این دعا از شر بواسیر به خداوند پناه برد، به اذن خدا او را کفایت میکند: «ای بخشنده ای شریف، ای مهربان، ای نزدیک، ای اجابتکننده ای آفریدگار ای رحم کننده بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمتت را به من بازگردان و دردم را کفایت فرمای» که به اذن خداوند عزّ و جلّ از آن شفا خواهد یافت.(1)

2. مکارم الاخلاق: روایت شد شخصی نزد امام رضا علیه السلام از بیماری بواسیر شکایت نمود، و امام فرمودند: سوره یس را با غسل بنویس و سپس آن را بنوش.(2)

ص: 109

-
- 1- . طب الائمه: 32
 - 2- . مکارم الاخلاق: 440، حدیث از امام صادق علیه السلام آمده است.

باب هفتاد و چهارم : دعایی برای آبله و دمل ها و گری و بربون و زخم ها و افسونی برای ورم و جراث

روایات:

1. طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه آبله ای احساس کردی، انگشت اشاره خود را بر آن قرار بده و دور آن بگردان و هفت بار بگو: «خدای جز خداوند بردبار و بزرگوار وجود ندارد» و بار هفتم آن را پانسمان کن و با همان انگشت اشاره ببند. (1).

2. طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: بیشتر این دملها و زخمها از آن خون سوزان است که شخص آن را در زمان خود خارج نمیکند. هر کس به آن مبتلا شد زمانی که به بستر رفت بگوید: «پناه میبرم به روی با عظمت خدا و کلمات کامل او که هیچ نیکوکار و بدکاری توان تخطی از آنها را ندارد از گزند هر صاحب شری» و هرگاه چنین گوید از جانب ارواح مورد آزار و اذیت قرار نمیگیرد و به اذن خداوند عز و جل شفا خواهد یافت. (2).

دعایی دیگر: این دعا بر روی کاغذی نوشته میشود و کسی که دمل دارد آن را بخورد «هیچ نعمتی نیست جز نعمتهای تو ای خدا، علم تو به آن احاطه دارد کهلسون».

ص: 110

1- . طب الائمه: 38

2- . طب الائمه: 108

3. مکارم الاخلاق: برای رفع گری، دمل و بریون(1). این آیه بر او خوانده و نوشته شود و سپس بر او آویخته گردد: «به نام خداوند بخشنده مهربان مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ: و مَثَلُ سَخْنٍ نَپَاكٍ چُونِ درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد.»(2).

و آیه «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى: از این شما را آفریدیم، در آن شما را باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم.»(3).

تعویذی برای ورم و زخم: از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام روایت است: چاقویی برمیکیری و آن را بر اطراف زخم میگذرانی و میگویی: «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از لبه شمشیر و آهن، و از خون مردگی و سنگ چسبنده و از رگ ضعیف ورمهای بدشکل و از غذا و گیر کردن آن در گلو و از مایعات و سردی آن، به اذن خداوند به سوی تو میآیم تا سرآمد مشخص در انسانها و چهارپایان به نام خدا آغاز نمودم و به نام خدا به پایان رساندم.» سپس آن چاقو را در زمین فرو کن.(4).

ص: 111

-
- 1- . بیماری که در اثر آن بدن پوسته پوسته می شود و آن را حزاز هم می نامند و با آب دهان معالجه می گردد.
 - 2- . ابراهیم/ 26
 - 3- . مکارم الاخلاق: 471
 - 4- . مکارم الاخلاق: 471

1. طب الائمه: از حریر نقل است، بعد از آنکه حج را بر جای آوردم به خدمت امام صادق علیه السلام در مدینه رفتم. در این هنگام معلی بن خنیس رضی الله عنه نزد امام از درد مزج شکایت مینمود. امام صادق علیه السلام فرمودند: تو عورتت را در جایی آشکار ساختی پس خداوند این درد را از پی آن قرار داد، ولی با این تعویذی که امیر مؤمنان برای ابا واثله به کار گرفت، استفاده کن، زیرا درد او بازنگشت، معلی عرض کرد: ای پسر رسول خدا، آن تعویذ چیست؟ دست چپ خود را بر آن قرار ده و سه بار بگو: «به نام خدا و با استعانت از خدا، بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد. خدایا من رویم را تسلیم تو گردانیدم و کارم را به تو سپردم، هیچ پناهگاه و راه نجاتی جز به سوی تو وجود ندارد». انشاء الله تعالی شفا خواهی یافت.(1)

ص: 112

روایات:

1. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: نزد امام حسین بن علی علیهما السلام بودم که مردی از بنی امیه که از شیعیان ما بود، وارد شد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا به خاطر درد پایم توانایی آمدن به خدمت شما را نداشتم، امام علیه السلام فرمودند: چرا تعویذ حسن بن علی را استفاده نمیکنی؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کدام تعویذ؟ فرمودند: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ... وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» ما تو را پیروزی بخشیدیم پیروزی درخشان. تا پیامرزد خدا برای تو.....خدا عزیز حکیم است.» و نقل کرد: آن چه امام به من امر فرمودند به جای آوردم و بعد از آن به یاری خداوند، آن درد را احساس نکردم.(1)

2. مکارم الاخلاق: دعای رفع درد زانو: ابی حمزه نقل کرد، از درد زانو به خدمت امام باقر علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: بعد از نماز بگو: «ای بخشندهترین عطاکنندهها و ای بهترین درخواست شوندهگان و ای مهربانترین کسی که از او طلب مهربانی شد، بر ضعف و کمی چاره‌ام رحم کن و مرا از دردم عافیت بخش» نقل کرد: چنین کردم و بهبودی یافتم.(2)

دعوات الراوندی: مثل این حدیث از امام باقر علیه السلام ذکر شده است.

ص: 113

1- . طب الائمه: 33

2- . مکارم الاخلاق: 452 و در کافی 2: 568

1. طب الاثمه: سالم بن محمد نقل کرد از درد ساق پایم به خدمت امام صادق علیه السلام شکایت بردم که این درد مرا از کارها و تمامی امورم باز داشته است، امام علیه السلام فرمودند: آنها را تعویذ کن، عرض کردم: به چه چیز ای فرزند رسول خدا؟ فرمودند: با هفت بار خواندن این آیه که به اذن خداوند تعالی شفا خواهی یافت «وَاِئْتِ مَا اَوْحٰی اِلَیْكَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهِ مُلْتَحِداً» و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان. کلمات او را تغییر دهنده ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت» نقل کرد: همانگونه که به من امر فرموده بودند هفت بار تعویذ کردم و درد چنان از من رفع شد که دیگر آن را احساس نکردم. (1)

ص: 114

1. طب الاثمه: از علی بن حسین علیهما السلام نقل است، مردی نزد ابی عبدالله حسین بن علی علیهما السلام چنین شکایت برد: ای فرزند رسول خدا، من دردی در پاشنه های پای خود احساس میکنم که مرا از به پا خاستن به نماز بازداشته است، امام فرمودند: چرا آن را تعویذ نمیکنی؟ عرض کرد: آن را نمیدانم، فرمودند: هر گاه آن را احساس کردی، دستت را بر آن قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله» سپس بر آن بخوان: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ: و خدا را آنچنانکه باید به بزرگی نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه اوست و آسمانها در پیچیده به دست اوست او منزه است و برتر است از آنچه شریک می گردانند.» و آن مرد چنین کرد و شفا یافت.(1)

ص: 115

1. الخصال: چهارصد، امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر گاه یکی از شما به درد چشم مبتلا شد، آیه الکرسی را بخواند و در دل چنان باور داشته باشد که آن بهبودی خواهد یافت، که انشاء الله عافیت مییابد. (1).

2. أمالی: جعفی از پدرش نقل کرد، دیر زمانی بود که درد چشم داشتم و از آن به نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم، فرمودند: آیا میخواهی دعایی به تو بیاموزم که هم خیر دنیا و آخرت تو را تأمین کند و هم درد چشمت را برطرف نماید؟ عرض کردم: آری. فرمودند: بعد از سپیدهدم و غروب آفتاب بگو: «خدایا، به حق محمد و خاندان محمد از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و نور دیدگان و بصیرت دینی و یقین قلبی و اخلاص عمل و سلامت جان و گشایش روزی و سپاسگزاری از خود را تا وقتی زندهام به من عطا نمایی». (2).

3. طب الائمه: حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل کردند حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: در روز خیبر زمانی که سول خدا صلی الله علیه و آله مرا فراخواند به ایشان عرض شد، ای رسول خدا چشم او بیمار است رسول خدا فرمودند: او را نزد من آورید پس به خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم: ای رسول خدا چشم من بیمار است و چیزی را نمی بینم، فرمودند: ای علی به من نزدیک شو، من نیز به ایشان نزدیک شدم پس دست خویش را بر چشم من

ص: 116

1- . الخصال 2: 158

2- . أمالی طوسی 1: 199 و در کافی 2: 550 آن را مشاهده می کنی.

کشیدند و فرمودند «به نام خدا و با استعانت از خدا و سلام بر رسول خدا خداوندا او را از سرما و گرما و آزار و سختی حفظ کن و کفایت فرما» حضرت علی علیه السلام فرمودند: سوگند به آنکه او را به پیامبری گرامی داشت و به رسالت مخصوص گردانید و بر بندگان برگزید، شفا یافتم و پس از آن نه گرما و سرمایی دیدم و نه چشمم مشکلی پیدا کرد.

نقل کرد: حضرت علی علیه السلام در روزهای بسیار سرد زمستان خارج می شدند در حالی که پیراهن نازکی بر تن داشتند. به ایشان عرض می شد، ای امیر مؤمنان آیا سرما نمی خوری؟ فرمودند از آن هنگام که رسول خدا مرا تعویذ نمود به سرما و گرمایی مبتلا نمی شوم و چه بسا در روزهای بسیار گرم با لباسی ضخیم خارج می شدند و به ایشان عرضه می شد آیا بدانچه مردم به آن گرفتارند از شدت این گرما، مبتلا نمی شوید که این لباس ضخیم را پوشیده اید؟ و ایشان همان جواب را به آنها دادند.

العتیق الغروی: مثل این حدیث آمده است و در آن درود بر رسول خدا نیز آمده است.

4. طب الاثمه: عیسی بن سلیمان نقل کرد روزی از روزها به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و دیدم چشمشان بیمار است پس اندوهگین شدم و فردای آن روز نزد ایشان رفتم و دیگر چشمشان بیمار نبود پس راجع به آن سؤال کردم فرمودند آن را به چیزی معالجه کردم. دعایی در نزد من است که چشمانم را به آن تعویذ نمودم. پس گفت مرا بدان آگاه سازید و این نسخه آن است: «پناه می برم به عزت خدا پناه می برم به قدرت خدا پناه می برم به عظمت خدا پناه می برم به شکوه خدا پناه می برم به جمال خدا پناه می برم به بزرگواری خدا پناه می برم به زیبایی خدا پناه می برم به آمرزش خدا پناه می برم به شکیبایی خدا پناه می برم به یاد خدا پناه می برم به رسول خدا پناه می برم به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از

خارشی که در چشم خویش دارم و از هر آنچه که از آن بیم دارم و میهراسم خدایا ای پروردگار پاکان به نیرو و توان خود آن را از من بزدای». (1)

5. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هرگاه چشم پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از خانواده و یارانشان بیمار می گشت این دعاها را می خواندند «خدایا مرا از گوش و چشمم بهره مند گردان و آن دو را وارثان من قرار ده و مرا یاری فرما بر کسانی که به من ظلم کردند و انتقامم را به من بنمایان». (2)

6. مستطرفات السرائر: یونس بن ظبیان نقل کرد خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم در حالی که چشمشان بسیار بیمار بود و ما بدین سبب اندوهناک گشتیم فردای آن روز نزد ایشان رفتیم و دیگر هیچ اثری از بیماری در چشمشان و عیبی در آن نبود عرض کردیم فدایت شویم آیا چشمانتان را به چیزی درمان کردید؟ فرمودند آری به چیزی که جزئی از درمان است، گفتیم: آن چیست؟ فرمودند: تعویذی است و آن را نوشتیم و این است: «پناه می برم به عزت خدا پناه می برم به قدرت خدا پناه می برم به عظمت خدا پناه می برم به نور خدا پناه می برم به جلال خدا پناه می برم به جمال خدا پناه می برم به بزرگواری خدا پناه می برم به زیبایی خدا پناه می برم به جمع خدا» عرض کردیم: جمع خدا چیست؟ فرمودند: به تمامی خدا و پناه می برم به عفو خدا پناه می برم به آمرزش خدا پناه می برم به رسول خدا پناه می برم به امامان - و یکی یکی آنها را نام برد سپس فرمودند - از آنچه می خواهیم از شر آنچه می یابم ای خدا ای پروردگار مطیعان». (3)

7. مناقب آل ابی طالب: شخص نابینایی این دعای امیر مؤمنان علیه السلام را شنید: «خداوندا از تو می خواهم ای پروردگار روح های از بین رونده و ای پروردگار بدن های فرسوده از تو می خواهم به اطاعت جان هایی که به پیکرهای خویش باز می گردند و به اطاعت بدن هایی که به اعضای خود ملحق می شوند و به شکافتن قبرها از صاحبانشان و به دعوت صادقانه تو در میان آنان و به حقی که در

ص: 118

- 2- . طب الائمه:85
- 3- . مستطرفات السرائر:469

بین آنها چنگ می زنی آن هنگام که مخلوقات سر برآورند و در انتظار حکم تو اند و پادشاهی ات را می بینند و از قدرت تو می هراسند و به رحمت تو امیدوارند، روزی که هیچ دوستی از دوستی دیگر بی نیاز نیست و یاری نمی شوند؛ مگر آنکس که خدا به او رحم کرد و به راستی که او شکست ناپذیر حکیم است، ای بخشاینده از تو می خواهم که نور را در چشمانم و یقین را در قلبم و و یاد خود در روز و شب را بر زبانم قرار دهی، همیشه و تا زمانی که مرا به پا داشتی به راستی که تو بر هرچیزی توانایی.» نقل کرد: شخص نابینا آن را شنید و حفظ کرد و به خانه ای که او را پناه می داد بازگشت پس برای نماز طهارت نمود و نماز را به جای آورد و سپس آن دعا را خواند و تا به این فراز رسید « که نور را در چشمم قرار دهی.» آن شخص کور به اذن خدا بینا گشت.(1)

8. مکارم الاخلاق: برای درد چشم: امیر مؤمنان فرمودند: هرگاه شخصی از شما به درد چشم مبتلا شد، آیه الکرسی را بر آن بخواند و در دل او چنین باشد که شفا می گیرد و عافیت می یابد، به راستی که عافیت می یابد، انشالله.

نقل است: هر کس در هر روز بگوید: «فجعلناه سمیعا بصیرا: او را شنوا و بینا قرار دادیم.» چشم او از آفات سالم خواهد ماند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان نگاهی انداختند در حالی که چشمشان بیمار بود و فرمودند: خرما نخور و بر پهلوی چپ خواب.

و مثل این حدیث: سه بار بر آب خوانده می شود و صورت با آن شسته شود» پرده ات را از تو کنار زدیم و چشم تو امروز آهن است و اگر بخواهیم، هر آینه فروغ از دیدگانشان می گیریم تا در راه بر هم پیشی جویند ولی از کجا می توانند ببینند».(2)

ص: 119

1- . مناقب آل ابی طالب 2: 287 و در مکارم الاخلاق ص 451 آن را می یابی و خواهد آمد.

2- . یس / 66

و مثل آن: وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ؛ و آنانکه کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعاً دیوانه ای است.» تا آخر سوره. (1)

برای شب کور: ابی یوسف معصّب نقل کرد: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم: از آنچه در چشمم می یابم به تو شکایت می کنم و شب کور شدم و پس اگر صلاح می بینید چیزی به من بیاموزید فرمودند: این آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ إِذْ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ يَكُلُ شَيْءٍ عَ لِيمٌ: خدا نور آسمانها و زمین است. مَثَلِ نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه ای است. آن شیشه گویا اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می شود. نزدیک است که روغنش- هر چند بدان آتشی نرسیده باشد- روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند، و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.» (2)

را سه بار در جامی بنویس سپس آن را بشوی و در شیشه ای قرار ده و بدان سرمه بکش. نقل کرد کمتر از صد میل کشیدم که بینایی ام بازگشت، بهتر از آنچه که بود و یا گفت: بهتر از آنچه که بودم. (3)

برای درد چشم: پنبه ای برمیگیری و آن را نمناک می سازی و بر چشم قرار می دهی و می گویی: «چشم خورشید در موج آب است، ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش.»

دعایی دیگر: سلیمان عیسی نقل کرد: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و دیدم چشمشان به طرز فاحشی دچار بیماری شده است، پس اندوهناک شدم و

ص: 120

2- . نور/35

3- . مكارم الاخلاق:431

بیرون آمدم و فردای آن روز خدمت ایشان رسیدم و هیچ اثری از آن بیماری نیافتم، عرض کردم: فدایت گردم من دیروز از خدمت شما خارج شدم و چشم شما چنان دچار بیماری بود که مرا غمگین ساخت و امروز که نزد شما آمدم اثری از آن نیافتم آیا آن را به چیزی درمان کردید؟ فرمودند: آن را به دعایی که در نزد من بود تعویذ کردم. عرض کردم مرا از آن آگاه سازید، پس نوشتند: «پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا، پناه می برم به عظمت خدا، پناه می برم به شکوه خدا، پناه می برم به زیبایی خدا، پناه می برم به جمع خدا، پناه می برم به رسول خدا، پناه می برم به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر آنچه که از آن بیم دارم و می هراسم و از دردی که در چشم خویش دارم و خدایا ای پروردگار پاکان به نیرو و توان خود آن را از من بزدای.» (1).

پرده ات را از تو کنار زدیم پس چشم تو امروز آهن است. پس نگاهی به ستارگان انداخت و گفت من بیمارم و شما را صورت بخشید و به نیکی تصویرگری نمود و از نیکی ها شما را روزی داد، پس خجسته باد خداوند پروردگار جهانیان ای بلند مرتبه ای با عظمت ای بزرگ ای با شکوه ای زیبا ای دست نیافتنی ای یگانه ای یکتا ای پروردگار من مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی.»

«به نام خداوند بخشنده مهربان ای زنده ای بردبار، ای بلند مرتبه ای با عظمت، ای با شکوه ای زیبا، ای یگانه ای یکتا از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و از تو می خواهم مرا تنها در قبرم رها مکنی و تو بهترین وارثانی و نماز را در قبرش می یابی و در وقت نیاز مرا روزی دادی اجابت کن ای پروردگار جهانیان.» (2).

دعای درد چشم: محمد بن جعفری از پدرش نقل کرد: بسیاری از اوقات از چشم خود در ناله ام پس از آن به نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم پس فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی برای دنیا و آخرت و آنچه که برای درد چشمت

ص: 121

1- . ظاهرا این شکل کامل تعویذ است همانطور که در السرائر و طب الائمه یافتی. و بعد از آن تعویذی نیست.

2- . مکارم الاخلاق:465 به آن مراجعه کن و در خط پایانی آن ابهام و اختلاف است.

مفید باشد؟ عرض کردم: آری. فرمودند: در تعقیب نماز صبح و مغرب می خوانی: «خدایا، به حق محمد و خاندان محمد از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و نور دیدگان و بصیرت دینی و یقین قلبی و اخلاص عمل و سلامت جان و گشایش روزی و سپاسگزاری از خود را تا وقتی زنده‌ام به من عطا نمایی.

و در روایتی: آن را هفت بار بعد از نماز صبح و قبل از آنکه از جا برخیزی می خوانی. (1)

9. الکافی: امام رضا علیه السلام فرمودند: شفای درد چشم در خواندن سوره حمد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی و بخور دادن با قُسط. (2)

و مَرَّ (3)

و کندر می باشد.

10. دعوات الراوندی: امام باقر علیه السلام فرمودند: شخص ناپینایی از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشتند، حضرت فرمودند: آیا مایلی خداوند بینایات را به تو بازگرداند؟ عرض کرد: آری، حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: وضوی نیکویی بساز و دو رکعت نماز بگزار و سپس بخوان «خدایا من از تو میخواهم و تو را میخوانم و به سوی تو گرایش دارم و به سوی تو روی میکنم به پیامبرت محمد پیغامآور رحمت، ای محمد من به واسطه تو به خدا روی کردم که پروردگار تو و پروردگار تو و پروردگار من است تا بینایم را به من بازگردانی» نقل کرد: هنوز پیامبر از جای خود برنخاسته بودند که نابینا بازگشت و خداوند بینایش را به او بازگرداند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که قرآن بخواند و به آن نظر کند، دیدگان خود را از آن بهره‌مند ساخته است.

ص: 122

1- . مکارم الاخلاق: 451

2- . قسط: از داروهای گیاهی دریایی است که برای درمان به کار می رود گفته می شود عودی هندی و عربی است که ادرار آور و نافع کبد است و

شکم را روان می کند.
3- . مَرّ: صمغ درختی مغربی است.

1. مکارم الاخلاق: این دعا را میخوانی و مینویسی و بینی کسی که خون از آن جاری است را میگیری: «ای کسی که فیل را از بیت الحرام برگرداندی، خون فلان فرزند فلان را آرام گردان» و یا آب سرد بر سر و پیشانی او ریخته میشود و به راستی که به اذن خداوند آرام میگیرد.(1)

برای خون دماغ: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَعِوَجَ لَهُ وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا»(2)

وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَّمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا(3). وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ«(4)از

این شما را آفریدیم، در آن شما را باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم در آن روز، داعی را که هیچ انحرافی در او نیست پیروی می کنند، و صداها در مقابل رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی. ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار و فرا روی آنها سدّی و پشت سریشان سدّی نهاده و پرده ای بر آنان فروگسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند.

ص: 123

1- . مکارم الاخلاق: 446 با اندکی اختلاف.

2- . طه/ 109

3- . طلاق/ 3

4- . یس/ 8، مراجعه کن مکارم الاخلاق: 432

و مثل این حدیث: با خون کسی که خون دماغ می‌شود، بر پیشانی اش نوشته میشود « قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَّمَاءُ أَقْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: ایزمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزاریده شده و بر جودی قرار گرفت. و گفته شد: مرگ بر قوم ستمکار». که انشاء الله آرام خواهد گرفت.(1)

2. از خط شهید قدس سیره نقل است بر آویز نوشته میشود حمد و آیه الكرسي و آیه اَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ أَلُوفٌ حَدَّرَ الْمَوْتَ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا: آیا از کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبریافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید. خداوندا از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندان محمد که بر محمد و خاندان او درود فرستی و و این آویز را از حامل آن خارج سازی و عذاب خود را باز گردانی ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 124

1. طب الاثمه: ابی بصیر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرد، شخصی از دوستان ایشان از درد دهان نزد ایشان شکایت بردند، امام علیه السلام فرمودند: هر گاه به این درد مبتلا شدی، دستت را بر آن قرار ده و بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان به نام خدایی که هیچ دردی با وجود اسم او آسیبی نمیرساند و به کلمات خدا که با آن هیچ چیز سبب ضرر نمیشود پاک است پاک است پاک است، به نام تو ای پروردگار من ای پاک و منزله مبارک که هر کس از تو بدان درخواست کرد به او عطا نمودی و هر کس تو را بدان خواند، اجابت کرد، از تو میخواهم ای خدا ای خدا ای خدا که بر محمد و پیامبر و خاندان وی درود فرستی و مرا از درد دهان و سر و گوش و چشم و شکم و پشت و دست و پا و تمامی اعضای بدنم، عافیت بخشی» انشاء الله کاسته خواهد شد.(1)

2. طب الاثمه: ابو بصیر نقل کرد، خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و از درد دندان به نزد او شکایت بردم که به خاطر آن شبها تا صبح بیدارم، امام به من فرمودند: ای ابابصیر، هرگاه دچار این درد شدی دستت را بر موضع درد قرار ده و سورههای حمد و قل هو الله احد را بخوان سپس بخوان «و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» و کوه ها را می بینی می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آنها ابر آسا در حرکتند. صُنِعَ خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می دهد آگاه است» و آن درد آرام میگیرد و باز نمیگردد.(2)

ص: 125

1- . طب الاثمه: 23

2- . طب الاثمه: 24

3. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام نیز شخصی را به این کار امر نمودند و البته اضافه کردند: یک بار سوره انا انزلناه فی ليله القدر را نیز بخوان، و آن درد آرام میگیرد و باز نمیگردد.(1)

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس درد دندان دارد از جای سجده خود مقداری خاک بگیرد و آن را بر موضع درد بمالد و بگوید: «به نام خدا و خداست شفا دهنده و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد».

4. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این تعویذ دندان است و بسیار سودمند است و به اذن خداوند تعالی هیچگاه اثر خود را از دست نمیدهد، سه برگ درخت زیتون را بر می گیری و بر روی برگ مینویسی: «به نام خدا هیچ پادشاهی بزرگتر از خدا وجود ندارد و تو جانشین او هستی یاهیا شراهیا درد را خارج نما و شفا را نازل کن و درود و سلام فراوان خداوند بر محمد و خاندان محمد».(2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: یاهیا و شراهیا دو اسم از نامهای خداوند به زبان عبری است. آن را بر پشت برگ مینویسی و با ریشمانی از لباسی پاکیزه کنیزی که حائض نباشد، میندی و هفت گره بر آن میزنی و در هر گره اسماء پیامبر و آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، شعیب را نام میبری و بر محمد و خاندان محمد علیه و علیهم السلام درود میفرستی و بر او آویزان میکنی، به اذن خداوند تعالی شفا خواهد یافت.(3)

تعویذ جبرئیل علیه السلام برای حسین بن علی علیهما السلام: «شگفتا از موجودی که در دهان است استخوان را میخورد و گوشت را رها میکند، من تعویذ می کنم و خداوند شفا دهنده است و کفایت میکند، خدایی جز خدای یگانه نیست و ستایش از آن خدایی که پروردگار جهانیان است و چون شخصی را کشتید، و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان

ص: 126

1- . طب الاثمه: 24

2- . طب الاثمه: 25

3- . طب الاثمه: 25

می کردید، آشکار گردانید.» انگشتت را بر دندان قرار میدهی سپس آن را هفت بار به این دعا تعویذ می کنی انشاء الله تعالی.(1)

تعویذ تجربه شده برای دندان: حمد و قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد را میخوانی و با هر سوره میگوی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و بعد از خواندن قل هو الله احد، میگوی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَهُمَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و آنچه در شب و روز آرام دارد، از آن اوست و او شنوای داناست گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش و خواستند به او نیرنگی بزنند و آنان را زیانکارترین قراردادیم خجسته آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگار جهانیان.» سپس میگوی: خدایا ای کفایتکننده از هر چیز و هیچ چیز نمیتواند تو را کفایت کند، بنده خود و فرزند کنیز خود را از شر هر آنچه میترسد و بیم دارد و از شر دردی که از آن به تو شکایت میآورد، کفایت نمای.(2)

5. طب الاثمه: علی بن عیسی از عموی خود نقل کرد که از بوی بد دهان، به نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کردم، ایشان فرمودند: در حال سجود بخوان «ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای پروردگار پرورندگان ای سرور بزرگان ای خدای خدایان ای مالک هستی و ای پادشاه پادشاهان، با شفای خود این درد مرا درمان کن و آن را از من دور کن و من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و دائماً در قبضه اختیار تو هستم» و از نزد او بازگشتم، سوگند به خدایی که آنها را به امامت گرامی داشت، یک بار آن را در سجده خواندم که آن درد برطرف شد و دیگر به سراغ من نیامد.(3)

6. مکارم الاخلاق: برای درد دندان: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس درد دندان دارد، کمی از خاک سجدهگاه خود

ص: 127

1- . طب الاثمه: 25

2- . طب الاثمه: 25

3- . طب الأئمه: 118

را بردارد و بر موضع درد بمالد و بگوید: «به نام خدا و کفایت کننده فقط خداست و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا محقق نمیشود».(1)

و مثل این حدیث: امام صادق علیه السلام برای رقیه دندان، چاقو یا برگ درخت خرما گرفته میشود و آن را بر موضع درد میکشاند و هفت بار میگوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خدا و ابراهیم دوست خداست، آرام بگیر به آن کسی که آنچه در شب و روز است به اذن او آرام گرفت و او بر هر چیزی تواناست».(2)

از ابن عباس نقل است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس از درد دندان شکایت کند انگشیت خود را بر آن بنهد و این آیه را هفت بار بر آن بخواند «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْآفِئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ: بگو: «اوست آنکس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید».(3)

وقتی که جبرئیل حسین بن علی علیهما السلام برای رفع درد دندان بدان تعویذ کرد: چوب یا آهنی بر دندان قرار میدهد و از گوشه آن هفت بار آن را تعویذ می کند «به نام خداوند بخشایشگر مهربان، شگفت بسیار از کرمی که در دهان است استخوان را میخورد و خون را جاری میسازد، من تعویذ می کنم و خداوند است که شفا میدهد و کفایت میکند، خدایی جز خدای یکتا نیست و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است و چون شخصی را کشتید، و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان می کردید، آشکار گردانید پس فرمودیم: پاره ای از آن به آن بنزید. اینگونه خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید» هفت مرتبه آنچه را آوردیم، انجام دهد».(4)

ص: 128

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 466
 - 2- . مکارم الاخلاق: 466
 - 3- . مکارم الاخلاق: 466
 - 4- . مکارم الاخلاق: 466

برای دندان: مفضل بن عمر نقل کرد بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که درد دندان داشتم و به نزد ایشان شکایت بردم، امام فرمودند: به نزدیک من آی، و من به نزدیک ایشان رفتم و ایشان انگشت اشاره خود را در دهان من فرو بردند و به دندانی که درد داشت قرار دادند. سپس چیزی را آهسته خواندند که درد آرام گرفت، سپس به من فرمودند: آیا درد آرام گرفت ای مفضل؟ عرض کردم: آری، پس لبخندی زدند و من عرض کردم: دوست دارم این تعویذ را بیاموزم، فرمودند: فاطمه به نزد پدر بزرگوارشان علیهما السلام رفتند و از درد دندان خود به نزد ایشان شکایت بردند، حضرت صلی الله علیه و آله انگشت اشاره راست خود را بر دندانی که درد داشت قرار دادند و خواندند «به نام خدا و با استعانت از خدا، از تو میخواهم به عزت و شکوه و قدرتت بر همه چیز، به راستی که مریم تنها عیسی را به دنیا آورد که روح و کلمه توست، این دردی که فاطمه دختر خدیجه دارد، به کلی از بین ببرم آنگاه درد آرام گرفت، همانطور که درد تو برطرف شد و من چیزی بر آن نیافزودم. (1)

و مثل این حدیث: عطا نقل کرد از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت بردم، ایشان فرمودند: هفت بار بر آن میخوانی: «به نام خدا و با استعانت از خدا آرام بگیر به قدرت خدایی که تو را آفرید و به راستی که او توانا و توانمند بر تو و کوههاست، آنها را ثابت گرداند و تو را نیز ثابت میگرداند و آرام گیر تا امر او بر تو وارد آید و درود خدا بر محمد و خاندان وی». (2)

برای دندان: هر کدام از سورههای فاتحه الكتاب و قل هو الله احد را سه بار میخوانی سپس بگو: «ای دندان آیا به گرما آرام میگیری یا به سرما؟ و یا به اسم خداوند آرام خواهی گرفت، آرام باش، آرام کردم تو را به کسی که آنچه در آسمانها و زمین است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا و گفت: چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی میبخشد، بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدیدآورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. (3)

و از آن خارج شو که تو

ص: 129

2- . مكارم الاخلاق: 467
3- . يس/ 79 و 78

رانده شده‌ای و از آن به خواری و زبونی بیرونشان می‌کنیم(1). ترسان
و نگران از آنجا بیرون رفت». (2).

برای درد دندان: این دعا بر نان نازکی نوشته میشود و بر دندانی که درد دارد، قرار میدهد: لِكُلِّ نَبَا مُسْتَقَرٍّ وَ سَوَفَ تَعْلَمُونَ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِعَصَاهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ قَالَ مَنْ يُخَيِّ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُخَيِّهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ: به نام خدا برای هر خبری هنگام است، و به زودی خواهید دانست. امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزه و فراتر است از آنچه شریک می سازند. پس فرمودیم: پاره ای از آن به آن بزنید. اینگونه خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید. (3). گفت:

چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می بخشد بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. (4).

برای بستن آن: میخی برمیدارد و سه بار سوره‌های فاتحه الکتاب و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن می خواند سپس میخواند: « مَنْ يُخَيِّ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ: چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می بخشد» سپس میگوید: «ای دندان فلان فرزند فلان، خوردی سرما و گرما را آیا به گرما آرام میگیری یا به سرما سپس میخواند: «و از آن اوست آنچه در شب و روز آرام گرفت». (5).

«درد این دندان را از فلان فرزند فلان محکم کردم به نام عظیم خدا» سپس آن را به دیوار میزند و میگوید: خدا خدا خدا. (6).

و نیز برای درد دندان: گیاه پیچک را برمیگیرد و بر آن مینویسد: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ: همو که برایتان در درخت

ص: 130

- 2- . مكارم الاخلاق: 431
- 3- . بقره/ 68
- 4- . يس/ 79 و 78 مراجعه كن مكارم الاخلاق: 431
- 5- . انعام/ 13
- 6- . مكارم الاخلاق: 432

سبزفام اخگر نهاد که از آن آتشی افروزی» سپس آن را بر دندان که درد میکند قرار میدهد سپس راه میرود و پیچک را در پشت سر خود میاندازد و به آن توجه نمیکند، که انشاء الله آرام میگردد.(1)

و نیز کسی که تعویذ می کند در داخل و بیمار خارج است، و با وضو این آیه را میخواند: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ: آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، در حقیقت، خدا همان بی نیاز ستوده است.» تا آخر آیه.(2)

و میگوید: «چند دندان میخواهی و کدام پیچک آن را نمیخورد» و درد آرام میگردد.(3)

5. به خط شهید رحمه الله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس درد دندان دارد انگشت خود را بر آن بنهد و این آیه را بخواند: «قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ: بگو: اوست آنکس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید».

نوح بن ابی ذکوان نقل کرد، شخصی در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از درد دندان شکایت نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند: بگو: «ای یاد آرام گیر، آرام گیر به خدایی که آنچه در آسمانها و زمین است برای او آرام گرفت و اوست شنوای دانا».

ص: 131

1- . مکارم الاخلاق: 432

2- . لقمان/ 25

3- . مکارم الاخلاق: 432

1. عیون الاخبار: علی بن نعمان به حضرت رضا علیه السلام: جانم به فدای شما، میخچه های زیادی دارم، و به سبب آن اندوهگینم، از شما میخواهم چیزی به من بیاموزید تا بدان بهره گیرم، حضرت علیه السلام فرمودند: برای هر میخچه، هفت دانه جو برگیر و بر هر کدام از آنها هفت بار اذاعت الواقعه: آن واقعه چون وقوع یابد. را تا «فكانت هباء منبثا: و غباری پراکنده گردند.» و آیه «و يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَ لَا أَمْتًا: و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: «پروردگارم آنها را ریز ریز خواهد ساخت، پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد نه در آن کثری می بینی و نه ناهمواری» بخوان، سپس آنها را یکی یکی بردار و بر هر میخچه بکش سپس آنها را در پارچه جدیدی قرار ده و سنگی بر آن بند و آن را در چاهی بیانداز. نقل کرد: این کار را انجام دادم و در روز هفتم دیدم که مثل کفم دستم شده است و بهتر است که آن را در آخر ماه انجام دهی. (1)

طب الائمه: مثل این حدیث را به نقل از علی بن نعمان آورده است.

دعوات الراوندی: مثل این حدیث را به نقل از علی بن نعمان آورده است.

2. طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: دست خود را بر جای میخچه ها میکشانی و میگویی: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا محمد رسول خداست صلی الله علیه و آله و هیچ دگرگونی و قدرتی

ص: 132

جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، خدایا این درد مرا برطرف
نمای.» دست راست را بر آن میکشانی و سه بار آن را تعویذ می کنی.
(1)

3. مکارم الاخلاق: کسی که میخچه دارد، قطعه نمکی بردارد و آن را بر
میخچه ها بکشد و سه بار بخواند وَ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ
خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ حَشْيِهِ اللَّهُ: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می
فرستادیم، یقیناً آن را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.» تا آخر
سوره (2)

و آن را در تنور بیاندازد و سریع برگردد، انشاء الله تعالی برطرف خواهد
شد. (3)

روایتی دیگر: بر سه جو این آیات خوانده می شود «مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ
كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ: و مَثَلِ سَخْنٍ نَافِكٍ
چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد» و آن
را بر میخچه ها بگرداند و سپس آن را در آخر ماه و در جایی نمناک به خاک
بسپارد، هرگاه جوها بگندند، میخچه ها نیز سست می شوند.

و نیز برای میخچه: امام رضا علیه السلام فرمودند: بر [اولین] ستاره‌های که
در شب طلوع میکند نگاه میکنی و به آن خیره نمیشوی و کمی از خاک
برمیداری و آن را مالش می دهی و میگویی: «به نام خدا و با استعانت از
خدا، تو مرا دیدی و من تو را ندیدم، دیدن تو اثر بد دارد و خداوند اثر تو را
پنهان نگاه میدارد میخچه های مرا با خود ببر. (4)

ص: 133

1- . طب الاثمه: 61 و 60

2- . حشر/ 21

3- . مکارم الاخلاق: 442

4- . مکارم الاخلاق: 472

1. طب الائمه: شخصی از شیعیان از غده ایبه نزد امام صادق علیه السلام شکایت برد، حضرت علیه السلام به او فرمودند: سه روز روزه بگیر و در روز چهارم هنگام ظهر، غسل کن و در مقابل پروردگارت قرار گیر و لباس پاکیزه بپوش، چهار رکعت نماز بگذار و به هر میزان که میتوانی از آیات قرآن در آن بخوان و خضوع داشته باش و بعد از اتمام نماز لباست را درآر و تنها خرقه را بر تن بگذار و جانب راست صورت خود را بر زمین بچسبان و با ناله و خشوع بگو «ای یگانه ای یکتا ای بزرگوار ای مهربان ای نزدیک ای اجابتکننده ای مهربانترین مهربانان بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بیماری مرا برطرف نمای و لباس عافیت در دنیا و آخرت بر تن من بپوشان و نعمت کامل خود را بر من ارزانی دار و درد مرا از بین ببر که بسیار مرا آزار داده است و اندوهگین نموده است». امام صادق علیه السلام به او فرمودند: بدان این کار زمانی برای تو فایده دارد که خلاف آن در قلب تو خطور نکند و میدانی که برای تو مفید است. نقل کرد: آن مرد به فرمایش حضرت صادق علیه السلام عمل کرد و شفا یافت.(1)

2. طب الائمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه برای رفع هر گونه ورمیدر بدن است، انسان می ترسد که به چیزی منجر شود، پس هر گاه خواستی آن را بخوانی با وضویی که خود را برای نماز واجب آماده کردهای آن را بخوان و قبل و بعد از نماز ورم را بدان تعویذ کن و این است: لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن

را از بیم خدا فروتن از هم پاشیده می دیدی.» تا آخر سوره (1).

و اگر طبق آنچه برای تو مشخص شد، انجام دهی، آن ورم از بین خواهد رفت. (2).

3. مکارم الاخلاق دعوات الراوندی: امام رضا علیه السلام فرمودند: در گردن کنیزی از ما خنزیرهایی ظاهر شد. شخصی آمد و گفت: ای علی، به او بگو که چنین بخواند «ای مهربان ای عطوف ای پروردگار من، ای سرور من» آن را تکرار کن، نقل کرد: کنیز آن را خواند و خداوند عز و جل بیماری او را برطرف ساخت. (3).

4. مکارم الاخلاق: دعایی دیگر: در سه روز این دعا سه بار بر آن خوانده شود: «به نام خدا و با استعانت از خدا، خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است و او به تو امر میکند که تکبر نورزی»، سپس سه بار بگو: «از دزد شروع کن قبل از آنکه با تو آغاز شود» و هر بار آب دهانت را بیرون انداز که به راستی خشک میشود. (4).

باب هشتاد و چهارم : دعایی برای آبله

روایات:

1. مکارم الاخلاق: این دعا نگاشته میشود و بر بازوی بیمار بسته میشود که خارج نمیشود و اگر بیرون شده بود، بیش از آنچه که خارج شده است، خارج نمیکرد، انشاء الله تعالی.

و مثل آن این شکل چهار در چهار برای رفع بیماری آبله کشیده میشود و بر او آویخته میگردد. (5).

ص: 135

1- . حشر/ 21

2- . طب الائمه: 110

3- . مکارم الاخلاق: 451

4- . مکارم الاخلاق: 469

5- . مکارم الاخلاق: 472

روایات:

1. مکارم الاخلاق: «وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: و چون شخصی را کشتید، و درباره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان می کردید، آشکارگردانید. پس فرمودیم: پاره ای از آن به آن بزنید. اینگونه خدا مردگان را زنده می کند، و آیات خود را به شما می نمایاند، باشد که بیندیشید» (1) از امام صادق علیه السلام روایت است، شخصی از درد سینه به نزد ایشان شکایت برد، امام فرمودند: از قرآن طلب شفا کن؛ زیرا خداوند عزّ و جلّ میفرماید: و در آنچه شفای است برای سینهها. (2)

روایات:

1. مکارم الاخلاق: تعویذ جهت رفع درد قلب: این آیات را بر آب خوانده میشود و سپس آن را میآشامد: «لَئِنْ أَجَبْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ سَيُهَرِّمُ الْجَمْعُ وَ يُؤَلَوْنَ الدُّبُرُ. بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَدْهَى وَ أَمَرُّ: (3) اگر ما را از این

ص: 136

1- . بقره/ 73 - 72

2- . مکارم الاخلاق: 434

3- . فاطر/ 39

برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد، زودا که این جمع درهم شکسته شود و پشت کنند بلکه موعدهشان قیامت است و قیامت سخت تر و تلخ تر است» «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَرُولا وَلَئِنْ زَالَتْ إِحْنُ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِیماً عَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده.»(1)

و نیز این آیات بر آب خوانده میشود و سپس آن را میآشامد و بر قلب تکرار می کند و همچنین نوشته میشود و بر گردن بیمار آویخته میگردد «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ: به نام خداوند بخشنده مهربان پروردگارا، به یقین، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده مردمانی. قطعاً خداوند در وعده خلاف نمی کند. پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.»(2)الذین

آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا ب: همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند.»(3)لَئِنْ

أُنْجِيتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ: اگر ما را از این برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.»(4)

ص: 137

1- 2. قمر/ 45-46

2- . آل عمران/ 6 و 7

3- . رعد/ 28

4- . مکارم الاخلاق: 433

1. طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس به گلودرد دچار گردد و سرفه بسیار نماید و خشکی او زیاد شود پس با این کلمات تعویذ کند و ایشان آن را جمع کننده همه چیز مینامیدند:

خدایا تو امید و اعتماد و تکیهگاه و فریادرس و بلندی و زیبایی من هستی، و تویی پناه هراسناکان و گریختگان جز به سوی تو راه فراری ندارند و جهانیان جز به تو تکیهگاهی ندارند و راغبین تنها به سوی تو میگرایند و تو تنها یاور مظلومان و مقصد نیازمندی، عطای خوساتاران تنها در نزد تو و بازگشت توبهکنندگان تنها به سوی توست و رزق و خیر و گشایش تنها به دست توست.

مسائل بزرگ مرا اندوهگین نمود و تنگراهها مرا ناتوان ساخت و دردهای دردآور مرا به وحشت انداخت و من گشایش را تنها در دستان تو میبینم و در برابر روی تو برخاستم و با خواندن تو گشایش امور بسته را درخواست کردم، ای پروردگار من برای کسی که گشایش میطلبد، گشایش حاصل کن و دعا کننده را اجابت فرما، گرهام را بگشا مشکلم را برطرف نمای و نیازم را برطرف ساز. حزن را خارج ساز و اندوه را دور کن، مرا از هلاکت نجات ده، و من برای آن طلب شفا کردم و هیچ راه رهایی از آن جز تو نمیابم، ای خدا ای کسی که درمانده را زمانی که او را میخواند، اجابت میکنی و مشکلم را برطرف مینمایی، بر من رحم کن و غم و گرفتاری و درد و بیماری مرا از میان بردار، پروردگارا اگر چنین نکنی من جز به کسی امید گشایش ندارم، بر من رحم کن ای مهربانترین مهربانان.

این جایگاه بینوای نیازمند است، این جایگاه فریادخواه توست، این جایگاه کسی است که پناه میطلبد، این جایگاه گرفتار رنجدیده است، این جایگاه اندوهناک و کسی است که پناه میجوید، این جایگاه بنده هراسان هلاکشونده غریق ترسان

بیمناک است، این جایگاه کسی است که از غفلت خود آگاه شده و از خواب خود برخاست و از بیماری و فراوانی دردشترسید و از اشتباه خود هراس داشت و به گناهش اعتراف کرد و نسبت به پروردگارش خاشع گشت و از ترس او به گریه افتاد و طلب آمرزش کرد و اشکش جاری گشت و از پروردگارش طلب گذشت و عفو نمود، از قدرت او هراسان گشت و اشکهایش را جاری ساخت و امیدوار شد و گریه کرد و دعا نمود و صدا زد: پروردگارا، من به مشکل افتادم آن را جبران کن.

تو جایگاه مرا میبینی و سخن مرا میشنوی و از پیدا و پنهان من آگاهی، نیازم را میدانی و به آنچه نزد من است، احاطه داری و هیچ چیز از نهان و آشکار من و آنچه ابراز میدارم و یا در سینه پنهان میکنم، بر تو مخفی نیست، از تو میخواهم، از تو که عهده دار تدبیری، و عذرهای را می پذیری و اندازه ها را جاری می کنی، همچون کسی که بدی کرد و اعتراف نمود و به خویش ظلم کرد و مرتکب گناه شد و بر آنچه گذشت، پشیمان شد و به سوی پروردگارش بازگشت و اندوهناک شد، به درگاه او پناه آورد و معتکف گشت و امیدش را سکنی داد و متمایل گشت و روی آورد به سوی کسی که لغزشش را پوشاند و توبه اش را پذیرفت و گناهش را بخشید و بر اشکش رحم کرد، گره اش را گشود و بیماری اش را شفا داد، از تو میخواهم رحم کنی بر روی آوردن من به سوی خود و ناله ام به درگاهت و بیامرزی هرآنچه را که فرشتگان نوشتند و کتابت به شماره درآورد و علمت بر آن قطعی گشت، از گناهان، اشتباهها و زشتیهای من در خلوتها و عیانها و بدیهام و لغزشها و مصیبت و تمامی آنچه که نگهبانان تو بر آن گواهی میدهند و فرشتگان تو نگاشتند، در دوران خردسالی و بعد از بلوغ و جوانی و پیری و در شب و روز و صبح و عصر و بامدادان و شامگاهان و ظهرها و سحرگاهان، در حضور یا سفر، در پنهان و عیان و مرا از بهشتیان قرار دهی، از بدیهام بگذری، وعده صدقی که به آن وعده داده میشوند.

خدایا تو را به حق محمد و خاندان وی بیماریهایی که جسم و مو و پوست و رگها و اعصاب و اندامهای مراد بر گرفته اند، برطرف نما؛ زیرا جز تو آنها را از بین نخواهد برد، ای مهربانترین مهربانان و ای اجابتکننده دعای درماندگان. (1).

ص: 139

1. طب الائمه: امام باقر علیه السلام روایت کردند: شخصی از خراسان به نزد علی بن حسین علیهما السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، حج را به جای آوردم و هنگام خروج از مدینه تصمیم گرفتم به خدمت شما برسم، من دردی در طحال خود احساس میکنم، از شما میخواهم برای برطرف شدن آن دعا فرمایید، علی بن حسین علیهما السلام به او فرمودند به خدا آن را برای تو کفایت میکند و حمد و سپاس از آن اوست هر گاه درد را احساس نمودی این آیه را با زعفران و آب زمزم بنویس و سپس آن را میل کن، به راستی که خداوند آن درد را از تو برمیدارد «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ لَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافُوا بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا: بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای اونا مهای نیکوتر است. و نمازت را به آواز بلند بخوان و بسیار آهسته اش مکن، و میان این راهی جوی. و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهاننداری شریکی دارد و نه خوار بوده که دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.» بر پوست آهو بنویس و به مدت هفت روز بر بازوی چپ خود آویزان گردان، به راستی که آرام خواهد گرفت و این است: «س س [س] ح ح دم کرم ل [له] و محیی ح ح

لله صره و حجه سر حجت عشره به هک بان عنها محتاح حل هو بوا امنوا مسعوف ثم. (1)

2. مکارم الاخلاق: تعویذی برای طحال: بر کف دست او سه بار بخوان: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ: چُون یاری خدا و پیروزی فرا رسد» و سپس این آیه را سه بار بخوان: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ: محققاً کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد» تا آخر آیه سپس هفت بار این دو آیه را بر سر او بکشد. (2)

دعایی دیگر: این آیه نوشته شود و بر موضع درد آویزان گردد «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِیماً عَفُوراً: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده». (3) و

آن از سلیمان است و اوست به نام خداوند بخشنده مهربان. (4)

ص: 141

1- . طب الاثمه: 30 - 29

2- . سجده (فصلت) / 30

3- . فاطر / 39، متن آن بارها آمده است.

4- . مکارم الاخلاق: 438

روایات:

1. طب الائمه: ابی زینب نقل کرد: شخصی از برادران ما نزد امام صادق علیه السلام از درد مثانه شکایت برد، امام به او فرمودند: آن را تعویذ کن با خواندن این آیات سه بار هنگام خواب و یک بار زمانی که بیدار شدی، و بعد از آن درد را احساس نمیکنی، « أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ: آیا ندانستی که خدا به هر چیز تواناست مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و شما جز خدا سرور و یاورى ندارید». آن مرد نقل کرد: چنین کردم و آن درد را دیگر احساس نکردم. (1)

2. مکارم الاخلاق: جهت نگه داشتن ادرار، پاهایش را بشوید و بر سیاق چپ خود بنویسد «فَقَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسِّرَ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا: پس درهای آسمان را به ابی ریزان گشودیم. و از زمین چشمه ها جوشانیدیم تا آب برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند. زیر نظر ما روان بود. پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود». (2)

حمران نقل کرد در نامهای به امام هادی علیه السلام نگاشتم به فدایت گردم، شخصی از دوستان شما به نزد من آمد و مشکل نگه داشتن ادرار داشت. و می

ص: 142

1- . طب الائمه: 30

2- . قمر/ 15 - 11

خواست تا شما برای او دعا بفرمایید باشد که خداوند او را لباس عافیت بپوشاند و اسم او نفیس خادم است، امام جواب دادند: خداوند مشکل تو را بگشاید و ناگواریهای دنیا و آخرت را از تو دور گرداند و بر او به قرآن اصرار کن؛ زیرا شفا دهنده است انشاء الله تعالی. (1)

دعای سختی ادرار: «پروردگار ما خدایی است که در آسمان پاک گشت. خداوند اسم تو در آسمان و زمین است. خداوند همانطور که رحمت در آسمان است رحمت خود را در زمین قرار ده گناه و اشتباهات مرا بیا مرز تو پروردگار پاکان هستی رحمتی از رحمت خویش و شفایی از شفای خود را بر این درد قرار ده.» پس باید بهبودی یابد. (2)

3. مکارم الاخلاق: دعای برای کسی که شب ادراری دارد: دو جز از سعد و یک جز از زعفران را جداگانه می کوبیده می شوند و سعد را از یک حریر ضخیم صافی غربال می کنیم و با یکدیگر مخلوط می کنیم و آن را با عسلی که کف آن گرفته شده باشد می آمیزیم و سپس به شکل فندق در آورده می شود و در جامی آهین با زعفران می نویسد. «بسم الله الرحمن الرحيم» إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِیْمًا غَفُورًا: به نام خداوند بخشنده مهربان همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد اوست بر دبار آمرزنده. «این آیه را چندین بار بر جام مینویسد سپس آن را با آب سرد می شوی و در بطری شیشه ای پاکیزه ای میریزد و کاغذی بر میدارد و این آیه و فاتحه الکتاب و سه بار قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الكرسي را همانگونه که نازل گشت و آیه آخر سوره حشر و آخر سوره بنی اسرائیل را مینویسد و سپس مینگارد «بسم الله الرحمن الرحيم» إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِیْمًا غَفُورًا: همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه

ص: 143

1- . مکارم الاخلاق: 435

2- . مکارم الاخلاق: 452

می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچکس آنها را نگاه نمی دارد
اوست بردبار آمرزنده» (1).

و مینویسد: «ای کسی که اینچنین است و غیر او اینچنین نیست، غلبه بول
را از فلان فرزند فلانه بردار» و اگر زن بود این تعویذ را بر زانوی او و اگر
مرد بود بر مجاری ادراری او آویزان کن و فندقی از آن فندق ها برداشته
شود و هرگاه به بستر میرود از این آب که تعویذ داده شده به او خورانده
شود و باید نوشیدن آب را کم کند و زمانی که شب ادراری او برطرف
گردد انشاء الله، آن تعویذ را از او بگشاید تا دچار باز ایستادن ادرار نشود.
(2).

برای کسی که شب ادراری دارد: بر پوستی چنین نوشته میشود و بر او
آویزان میگردد: هف هف هد هد هف هف هات هات هات هات کف کف کف هف
هف هف هف مهم مسعر لم بگو خدا یکتاست غالب است آنجا که
دشمن در می ماند، ابلیس پیری است برای فرزندان آدم همچون چیزی که
فرشتگان را به اذن خدا به سجده آدم درآورد به راستی که او بزرگوار و
فرزند بزرگوار و فرزند فلان بن فلان است ه ه ه ه ه ه محکم کردم بستم
به سوره سوره صفه صفه به انگشتی سلیمان بن داود برای خدا
پروردگار [جهانیان] مهر زدم. (3).

دعایی دیگر: برای کسی که در خواب میترسد، به نام خداوند بخشنده
مهربان از محمد رسول خدا پیامبر امّی عربی هاشمی مدنی ابطحی تهامی
صلی الله علیه و آله به سوی هر عمارتی که در خانه وارد شد، برای ما و
شما گشایشی در حق است، اگر فاسقی جسور است یا کسی است که از
روی باطل به سوی حق میخواند، و یا کودکان را میآزارد و اطفال را
میترساند و سبب میشود تا در بستر خود ادرار کنند، پس باید به سمت
بتپرستان و بندگان بتها بروند، و از اصحاب قرآن در جوار خدای بخشایشگر
دست بردارند و درود خدا بر محمد و خاندان وی. (4).

ص: 144

-
- 1- 1. فاطر: 39
 - 2- . مکارم الاخلاق: 436
 - 3- 3. مکارم الاخلاق: 469
 - 4- . مکارم الاخلاق: 469

روایات:

1. مکارم الاخلاق: رفع باد شکم: یونس بن یعقوب نقل کرد: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت کردم من دردی در شکم خود احساس میکنم، پس فرمودند: خداوند را به یگانگی یاد کن. عرض کردم: چگونه بگویم: فرمودند: میگوی: «ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای بخشایشگر ای پروردگار پرورندگان و ای مولای سروران مرا از هر درد و بیماری شفا ده و عافیت بخش به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و دائماً در قبضه اختیار توام.» (1)

برای دل پیچه و نفخ شکم: به نام خدایی که ابراهیم را دوست خود برگرفت و با موسی سخن گفت و محمد را به حق به پیامبری برانگیخت. سپس سه بار بگو «ای باد خارج شو به اذن خداوند بلندمرتبه.» (2)

برای بیماری شکم: امام کاظم علیه السلام فرمودند: ام القرآن، قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بنویسد و سپس بنگارد: «پناه میبرم به روی باعظمت خدا و عزتش که دست نیافتنی است و قدرتیش که هیچ از آن در برابر آن یارای ممانعت ندارد، از شر این درد و از شر هر آنچه در آن است و از گزند هر چه که بیم دارم.» (3)

ص: 145

1- . مکارم الاخلاق: 468

2- . مکارم الاخلاق: 468

3- . مکارم الاخلاق: 468

برای درد شکم و دیگر دردها: دست خود را بر آن میگذارد و هفت بار میگوید: «پناه میبرم به عزت و شکوه خدا از شر دردی که دارم» و دست راست خود را بر موضع درد قرار میدهد و سه بار میگوید: «بسم الله».(1)

رفع درد شکم: سوره اخلاص و این آیات را مینویسد: «بسم الله الرحمن الرحيم قُلْ بُخِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَقَلَّمْ يَتَأَسَّ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا: به نام خداوند بخشنده مهربان بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدیدآورد و اوست که به هر آفرینشی داناست. و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن در می آمدند نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد.» و بر او آویزان گردد و این آیات بر او خوانده شود: «بسم الله الرحمن الرحيم مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ، فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بَيِّنَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این بر خدا آسان است این دو دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان باهم ستیزه می کنند، و کسانی که کفر ورزیدند، جامه هایی از آتش برایشان بریده شده است، از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود. پس والاست خدا، فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. خدایی جز خدای یگانه نیست فرمانروایی و سپاس از آن اوست زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که نمی میرد و خیر تنها به دست اوست و او بر هر چیز تواناست».(2)

ص: 146

1- . مکارم الاخلاق: 468

2- . مکارم الاخلاق: 434

دعایی دیگر: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ دَاالْتُوْنِ اِذْ دَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ یَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمٰتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّٰلِمِیْنَ: و ذوالنون را آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در تاریکی ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم. تا آخر آیه (1) و هفت بار سوره فاتحه الکتاب را بخواند، بسیار خوب است و تجربه شده است.

دعایی دیگر: «لَیْنٌ اُنْجِیْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ. اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِیْمٌ. وَ تُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاؤٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ: اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد. به راستی که خداوند برای مردم مهربان رحم کننده است و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم. (2)

برای رفع قولنج: از ائمه معصومین علیهم السلام روایت است: برای رفع قولنج، سوره های امر الکتاب، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق نوشته شود و پایین آن بنویسد: پناه میبرم به روی عظیم خدا و به عزت دست نیافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن میبایم. این دعا بر لوح یا شانه نوشته شود و با آب باران شسته و هنگام خواب نوشیده شود که انشاء الله مفید خواهد بود. (3)

2. طب الائمه: برای رفع درد شکم و قولنج: شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و چنین شکایت کرد: ای رسول خدا، من برادری دارم که به درد شکم گرفتار است، به برادرت امر کن تا شربتی از غسل با آب گرم بخورد، فردای آن روز بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا، چنین کردم و سودی نبخشید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا راست گفت و شکم برادر تو دروغ گفت، برو و به

ص: 147

-
- 1- . انبیاء/ 87
 - 2- . مکارم الاخلاق: 434
 - 3- . مکارم الاخلاق: 438

برادرت شربتی از غسل بنوشان و او را با هفت بار خواندن سوره فاتحه الکتاب تعویذ کن. وقتی آن مرد رفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، برادر این مرد منافق است، از این روست که شربت در او فایده نمیرساند.(1)

شخصی نزد امیر مؤمنان علیه السلام از درد شکم شکایت برد، امام به او امر نمودند تا آب گرم بنوشد و بگوید: «ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشایشگر ای مهربان ای پروردگار پرورندگان ای خدای خدایان ای مولای سروران با شفای خود مرا از هر درد و بیماری شفا ده و من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و در قبضه اختیار توام».(2)

3. طب الاثمه: شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از درد ناف شکایت کرد و امام به او فرمودند: برو و دستت را بر موضع درد قرار ده و سه بار بگو: وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ و به راستی که آن کتابی ارجمند است از پیشروی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید وحی ای است از حکیمی ستوده» که به اذن خداوند تعالی عافیت مییابی.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه یکی از مؤمنان به دردی دچار آید، دست خود را بر موضع درد قرار دهد و با اخلاص بگوید: «وَ تُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و ستمگران را جز زیان نمی افزاید.» که از هر بیماری و دردی باشد، عافیت مییابد زیرا دلیل صدق آن در قرآن آمده است که میگوید (شفاء و رحمه للمؤمنين: شفا و رحمتی برای مؤمنان است).(3)

4. طب الاثمه: شخصی نزد امام صادق علیه السلام از قولنج شکایت کرد، امام فرمودند: برای رفع آن سورههای ام الکتاب، اخلاص، قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بنویس و زیر آن چنین بنگار «پناه میبرم به روی عظیم خدا و به عزت دست نیافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از

ص: 148

2- . طب الأئمه: 28

3- . طب الأئمه: 28

شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن میابم.» سپس ناشتآن را با آب باران به او بخوران که به اذن خداوند متعال شفا خواهد یافت.(1)

5. طب الاثمه: شخصی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام از بد هضمی و سرد مزاجی و قولنج شکایت برد، امام فرمودند: برای رفع قولنج سورهای ام القرآن، قل اعوذ برّ الفلق، قل اعوذ برّ الناس، قل هو الله احد را بنویس و در پایین آن چنین بنگار: «پناه میبرم به روی عظیم خدا و به عزّت دست نیافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن بیم دارم.» و بر لوح یا شانه یا جامی یا مشک و زعفران مینویسی سپس با آب باران میشویی و هنگام خواب، از آن میخوری.(2)

6. طب الاثمه: حسن بن خالد نقل کرد: در نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام از درد شکم شکایت نمودم و از او دعایی خواستم، پس نوشتند: به نام خداوند بخشایشگر مهربان، سورهای ام القرآن، قل اعوذ برّ الناس، قل اعوذ برّ الفلق، قل هو الله احد را مینویسی و پایین آن چنین مینگاری: «پناه میبرم به روی عظیم خدا و به عزّت دست نیافتنی او و به قدرتش که هیچ چیز را یارای ممانعت از آن را ندارد از شر این درد و هر آنچه در آن است و از شر آنچه از آن بیم دارم.» در لوح یا شانه نوشته شود سپس با آب باران میشویی و هنگام خواب از آن مینوشی و پایین آن نوشته شود: «و آن را شفای هر دردی قرار داد».(3)

ص: 149

1- . طب الاثمه: 38

2- . طب الاثمه: 65

3- . طب الاثمه: 100

1. طب الائمه: شخصی از امام محمد باقر علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا من در لگن خود درد شدیدی احساس میکنم و بسیار آن را مداوا نمودم؛ اما افاقه نکرد، فرمودند: چرا تعویذ امیر مؤمنان علیه السلام را استفاده نمیکنی؟ آن شخص پرسید: ای فرزند رسول خدا و آن کدام است؟ فرمودند: بعد از نماز دست خود را بر سجدهگاه قرار ده و آن را مسح کن و بخوان «أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ. وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای برحق خدایی جز او نیست و اوست پروردگار عرش کریمانه و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند، که برای آن برهانی نخواهد داشت، حسابش فقط با پروردگارش می باشد، در حقیقت، کافران رستگار نمی شوند و بگو: پروردگارا، ببخشای و رحمت کن تو بهترین بخشاینده گانی.» آن مرد گفت: چنین کردم و آن درد به یاری خداوند از من رفع شد.(1)

ص: 150

2. دعوات الراوندی، مکارم الاخلاق: هرگاه یکی از شما به درد لگن مبتلا شد، بهتر است سه بار دست خود را بر آن بکشد و هر بار بگوید: «پناه میبرم به عزت خدا و قدرت او بر هر آنچه خواهد، از شر آنچه احساس میکنم [در لگنم]» (1).

3. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: دست خود را بر موضع درد میگردانی و میگویی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله است و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، خدایا آنچه در لگن خود احساس میکنم برطرف نمایی» سپس دست خود را سه بار بر موضع درد بگردان. (2).

ص: 151

1- . مکارم الاخلاق: 468

2- . مکارم الاخلاق: 468

روایات:

1. عده الداعی: محمد به هارون در نامه‌ای از امام باقر علیه السلام تعویذی برای بچه‌هایی خواست که به بادهای دچار میشوند، امام به خط خود برای او نوشتند: خدا بزرگ است، گواهی میدهم محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست، خدا بزرگ است خدایی جز خدای یکتا نیست و هیچ پروردگاری جز خدای یکتا نیست، پادشاهی و ستایش از آن اوست و هیچ شریکی ندارد، پاک و منزّه است خدا، هرچه خدا خواست، پدید آمد و آنچه نخواست به وجود نیامد، خدایا ای صاحب شکوه و بزرگی، ای پروردگار عیسی و موسی و ابراهیم که به خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط وفا کرد. خدایی جز تو نیست، پاک و منزّهی همراه با آنچه از آیات تو به شماره آوردم و به عظمت تو و به آنچه پیامبران از تو مسألت نمودند و به اینکه پروردگار آدمیانی قبل از هر چیز بودی و بعد از هر چیز نیز هستی، از تو می‌خواهم به کلمات که آسمان را از افتادن بر زمین باز داشت مگر به اذن تو و به کلماتی که اموات را زنده میکنی، بندهات فلانی را از آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه به آسمان صعود میکند و آنچه از زمین خارج میشود و یا در آن فرو میرود، پناه ده و سلام بر رسولان و ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.

و دعایی دیگر به خط امام علیه السلام: «به نام خدا و با استعانت از خدا و به سوی خدا و آنطور که خدا خواست و به عزت خدا و جبروت خدا و قدرت خدا و ملکوت خدا، ای خدا این کتاب را شفای فلان فرزند فلان فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو بنده خدا قرار ده، درود خدا بر رسول خدا».

1. طب الائمه: اسحاق الصّحّاف نقل کرد: موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمودند: ای صحاف، عرض کردم: بلی ای فرزند رسول خدا، فرمودند: آیا در مورد خانواده ات جادو شده ای؟ جواب دادم: آری ای فرزند رسول خدا، از سه سال پیش با هر دوائی به مداوا برخاستم ولی سوگند به خدا که سودی نبخشید، فرمودند: ای صحّاف، آیا مرا عالم نمیدانی، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، سوگند به خدا، بر من پنهان نیست که گشایش هر چیز در نزد شماست، ولی از شما حیا می‌کردم، فرمودند: وای بر تو، چرا حیا تو را باز می داشت در حالی که جادو و افسون شده ای؟ آگاه باش که من خواستم بدین طریق مشکل تو را حل کنم، بگو: « به نام خداوند بخشنده مهربان شما را دور کردم ای جادوگران از فلان فرزند فلانه. به آن خدایی که به ابلیس گفت: « يَسْمُ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ اَخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا اَخْرِجْ فَمَا يَكُوْنُ لَكَ اَنْ تَتَكَبَّرَ فِيْهَا فَاَخْرِجْ اِنَّكَ مِنَ الصّٰغِرِيْنَ » به نام خداوند بخشنده مهربان نکوهیده و رانده، از آن بیرون شو، از آن فرو شو، تو را نرسد که در آن تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی» عمل شما را باطل کردم و به خودتان بازگرداندم و آن را شکستم به اذن خداوند بلند و بلندمرتبه بزرگ پاک شکستناپذیر دانای قدیم، سحر شما برگشت همانطور که مکر زشت به اهلش باز میگردد و همانگونه که مکر جادوگران باطل گشت، آنگاه که خداوند به حضرت موسی صلوات الله علیه فرمودند: اَلْقِ عَصَاكَ فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُوْنَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ. که: عصایت را بینداز پس ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند

فرو بلعید پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد» به اذن خدا سحر جادوگران فرعون، باطل گشت.

ای جادوگران، عمل شما را باطل گردانیدم و آن را به شما بازگردانیدم به اذن خدایی که چنین نازل کرد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ: و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او آنان را دچار خود فراموشی کرد» و به او که فرمود: «وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قُرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَفُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ: و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می کردیم و آنان، آن را با دست های خود لمس می کردند قطعاً کافران می گفتند: این جز سحر آشکار نیست. و گفتند: چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟ و اگر فرشته ای فرود می آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود سپس مهلت نمی یافتند و امر را همچنان بر آنان مشتبّه می ساختیم» و به اذن خدایی که نازل کرد: «فَاكْلًا مِنْهَا قَبَذَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا: از آن خوردند و برهنگی آنان بر ایشان نمایان شد» و شما حیران میمانید و از آنچه که در آن بودید روی نمی کنید و هرگز به چیزی از آن باز نمیگردید.

سپاس خدا را که عمل شما باطل گشت و تلاشتان پینتیجه ماند و مکرتان ضعیف گشت، با هر کدام از شیطانها که بود، قطعاً مکر شیطان ضعیف است، به خواست خداوند بر شما پیروز گشتم و با سربازان الهی، تعداد فراوان شما را شکست دادم و با پادشاهی خدا نیروی شما را شکستم و به اراده خداوند بر شما مسلط گشتم، چشمتان کور باد و نیرویتان به سستی گراید و وسیلههاتان از میان برود و شیطان از شما بیزاری جست به اذن خدایی که چنین نازل کرد: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ: چون حکایت شیطان که به انسان گفت: کافر شو. و چون کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می ترسم. و فرجام هر دوشان آن است که هر دو در آتش، جاوید می مانند و سزای ستمگران این است. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوْا

الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ: آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد».

بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ: به اذن خدایی که خدایی جز او که زنده و پایدار وجود ندارد تا آخر آیه. (1) إِنَّ

إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ إِنَّا رَبُّنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُفْقِدُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُخُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ: که قطعاً معبود شما یگانه است. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها و آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم، نمی توانند به انبوه عالم بالا گوش فرا دهند، و از هر سوی پرتاب می شوند با شدت به دور رانده می شوند، و برایشان عذابی دایم است مگر کسی که یکباره استراق سمع کند، که شهابی شکافته از پی او می تازد. (2) إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ. وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَخَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی است. و آبی که خدا از آسمان فروفرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده ای پراکنده کرده، و گردانیدن بادهای، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه هایی وجود دارد. (3) إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و

ص: 155

1- . آیه الکرسی: البقره/ 255

2- . الصافات/ 10 - 3

3- . البقره/ 164

خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدا بیاستروردگار جهانیان.(1) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ..... اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان.....(2).

هر کس از جنیان و آدمیان نسبت به فلان فرزند فلانه، بعد از این تعویذ خواست بدی داشته باشد، خداوند او را از آنهایی قرار دهد که در موردشان فرمود: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ..» همین کسانی که گمراهی را به هدایت خریدند.....(3).

و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَتَعَقُّ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ: وَ مَثَلُ الْكَافِرَانِ چُون مَثَلِ كَسِيٍّ أَسْتِ كِه حَيَوَانِي رَا كِه جَزْ صَدَا وَ نَدَائِي نَمِي شَنُود بَانَك مِي زَنَد. كَرَنَد، لَالَنَد، كُورَنَد. دَر نَمِي يَابَنَد.» و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ: وَ هَر كَس بَه خَدَا شَرَك وَرَزَد چَنان اَسْت كِه گُويِي از آسَمَان فَرُوافَتَادَه وَ مَرغان او را رِبُودَه اند يا باد او را بَه جايِي دُور افكَندَه اَسْت.»(4).

و خداوند قرار دهد او را از کسانی که فرمود: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ: مَثَلِ أَنْجَه دَر زَنَدگِي اَيْن دُنْيا خَرَج مِي كَنَنَد، هَمچُون مَثَلِ بادِي اَسْت كِه دَر آن، سِرْماي سَخْتِي اَسْت، كِه بَه كَشْتزار قُومِي كِه بَر خُود سَتَم نَمُودَه اند بُوزَد وَ آن را تَباه سازَد وَ خَدَا بَه آنان سَتَم نَكْرَدَه، بَلَكِه آنان خُود بَر خُويشْتَن سَتَم كَرْدَه اند.»(5) و خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ ةٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ: پَس مَثَلِ او هَمچُون مَثَلِ سَنَك خاراِي اَسْت كِه

ص: 156

1- . الاعراف/54

2- . الحشر/21-24

3- . البقره/ 16-18

4- . الحج/31

5- . آل عمران/117

بر روی آن، خاکی است، و رگباری به آن رسیده و آن را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان نیز از آنچه به دست آورده اند، بهره ای نمی برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی کند»(1).

خداوند او را از کسانی قرار دهد که فرمود: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ... وَمَثَلُ سَخْنِي نَپَاكٍ چُونِ دِرَخْتِی است....»(2).

چهار آیه و خداوند او را کسانی قرار دهد که فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ..... مَثَلُ كَسَانِی كِه بِه پِروردگار خُود کافر شدند، گردارهایشان....» تا «.فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ: برای او نوری نیست»(3).

«خدا یا از تو می‌خواهم به صداقت و علم تو و امثال نیک تو و به حق محمد و خاندان او، هر کس نسبت به فلانی اراده سوپی دارد، مکر او را به خودش بازگردان او را به عمق حفره خود و با سر به گودالی درانداز، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی و این بر تو آسان است، و برای خدا سخت نیست، خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خداست، درود و سلامت و رحمت و برکت خدا بر او و خاندانش» سپس بر خاک قبر می‌خوانی و مهر می‌زنی و آن را بر کسی که جادو شده می‌آوری و می‌خوانی «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا. فَعَلِّمُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلِبُوا صَاحِرِينَ: او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. گواه بودن خدا بس است. و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند» و خدا برای گواهی کافی است و آنچه کردند، باطل گشت، پس در آنجا مغلوب شدند و خوار شدند»(4).

2. عَدَّة الدَّاعِي: برای باطل کردن سحر: این آیات بر کاغذی نوشته میشود و بر او آویزان میگردد «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعَمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا: به نام

ص: 157

1- . البقره/ 264

2- . ابراهيم/ 26-29

3- . النور/ 39-40

4- . طب الأئمه / 45-47

خداوند بخشایشگر مهربان ما تو را پیروزی بخشیدیم پیروزی درخشانی تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند. سپس سوره نصر نوشته شود و این آیات «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. اذْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ. فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ فَجَزَّ نَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَ تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا؛ و از نشانه های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است از آن دروازه برایشان وارد شوید که اگر از آن، در آمدید قطعاً پیروز خواهید شد پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم و از زمین چشمه ها جوشانیدیم تا آب برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند گفت: پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز، و از زبانم گره بگشا سخنم را بفهمند، و در آن روز آنان را رها می کنیم تا موج آسا بعضی با برخی در آمیزند و در صور دمیده شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد» و اینچنین فلان فرزند فلان را از سحر رها ساختم لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ يَا مُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ قُلْ تَوَلَّوْا قُلُوبُ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.

1. طب الائمه: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: من دو آیه از کتاب خدا را میشناسم که اگر زاییدن زنی سخت گردد برای رفع آن نوشته میشود و بدین صورت که بر پوست آهویی نوشته میشود و بر پهلوهایی او آویزان میگردد « بسم الله و بالله إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: به نام خدا و با استعانت از خدا به راستی که با هر سختی آسانی است، به راستی که با هر سختی آسانی است - هفت مرتبه - فَاِذَا الْيُسْرُ اُنْفُوزًا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوْهَا تَذْهَبُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ: ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است. روزی که آن را ببینید، هر شیر دهنده ای آن را که شیر می دهد فرو می گذارد، و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد، و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است.» یک بار بر کاغذی نوشته میشود و آن را به بخشی غیرتابیده از کتان متصل میکنی و بر ران چپ او بسته میشود و هنگامی که فارغ شد به سرعت از او جدا گردد و اهمال نگردد.

و نوشته شود: «زنده ای که مریم به دنیا آورد و مریم به دنیا آورد زنده است، ای زنده همین الآن بر زمین فرود آی به اذن خداوند متعال».(1)

2. طب الائمه: مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا به فریادم رس، فرمودند: چه شده است؟ عرض کرد: همسرم از شدت

ص: 159

درد زایمان رو به موت است، فرمودند: برو و این آیات را بخوان: « فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ تَسِيًّا مَنُوسِيًّا. وَ هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا: تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرما می کشانید. گفت: ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم. و تنه درخت خرما را به طرف خود بتکان، تا بر تو خرما می ریزد.» سپس این آیه را با صدای بلند بخوان «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی دانستید بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. و اینچنین خارج شو، ای درد به اذن خداوند خارج شو» به یاری خداوند متعال به زودی راحت خواهد شد. (1).

3. طب الاثمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر گاه زاییدن زنی سخت گردد، این آیات را در ظرفی پاکیزه با مشک و زعفران نوشته شود سپس با آب چاه شسته شود و آن زن از آن بنوشد و بر شکم و فرج او پاشیده شود که فوراً زایمان خواهد، نوشته شود «كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ قَهْلٍ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَ لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ ءِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ: روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است.» (2).

4. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه زن آبستن پا به ماهی گذاشت که زمان زاییدن اوست، این آیات در کاغذی نوشته شود تا به درد و سختی

ص: 160

2- . طب الأئمه: 95

زایمان دچار نشود و گیاه سحاه(1) را کمی بر کاغذ بپیچاند و آن را نبندد و بنویسد: «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: و آیه لَهُمُ اللَّيْلُ تُسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارُ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَ الْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي قَلْبٍ يَسْبَحُونَ وَ آیه لَهُمُ أَنَّا جَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَ إِن تَشَاءُ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند و نشانه ای برای آنها شب است که روز را از آن بر می کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند و خورشید به قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است و برای ماه منزلهایی معین کرده ایم، تا چون شاخک خشکِ خوشه خرما برگردد نه خورشید را سِرد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند و نشانه ای برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتی انباشته، سوار کردیم و مانند آن برای ایشان مرکوب ها خلق کردیم و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم و هیچ فریاد رسی نمی یابند و روی نجات نمی بینند مگر رحمتی از جانب ما و تا چندی برخوردار سازیم و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می آیند».

و بر پشت کاغذ این آیات نوشته شود: «كَانَ لَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَعَلُوا قَوْلَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ صَاحَا: گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز

ص: 161

1- . سحاه: گیاهی خاردار که شتر از آن می چرد و سحاء کاغذ، آن چیزی است که از آن گرفته شود.

شبی یا روزی درنگ نکرده اند» و این کاغذ در میانه او آویزان گردد و زمانی که فرزند خود را به دنیا آورد از او جدا گردد و حتی یک لحظه بر او قرار داده نشود. (1)

5. طب الائمه: مردی از بنی امیه نزد امام باقر علیه السلام آمد و او مؤمنی از آل فرعون بود که از دوستاناران خاندان محمد محسوب میشد. پس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کنیز من، پا به ماه است و من فرزندی ندارم پس از خدا بخواهید، پسری به من عطا نماید، امام دعا کردند: خدایا پسری خوش اندام روزی او گردان سپس فرمودند: زمانی که وارد ماه زایمان شد، انا انزلناه را برای او بنویس-و او و آنچه در شکم دارد با این، تعویذ کن - با مشک و زعفران برای او بنویس و آن را بشوی و از آن آب او بخوران و بر فرج او بپاش و تعویذ این است:

پناه میدهم نوزاد خود را به نام خدا به نام خدا وَ أَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهْبًا. وَ أَنَا كُنَّا تَفْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلِسَمْعِ فَمَنْ يَسْمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا؛ و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم و در برای شنیدن، به کمین می نشستیم، اکنون هر که بخواهد به گوش باشد، تیر شهابی در کمین خود می یابد» سپس بگوید «به نام خدا، به نام خدا پناه میبرم به خداوند شنوای دانا از شیطان رانده شده، من و تو و خانه و هر کس که در آن است و خانه و هر کس که در آن است، همه ما در پناه و حفظ خدا و همسایگان و همسایگی خدا در امان و محفوظ هستیم» سپس قل اعوذ برّ الناس، قل اعوذ برّ الفلق و قبل از آن، سوره فاتحه الکتاب را میخوانی و سپس سوره اخلاص و این آیات را تلاوت میکنی: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ. وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ.....: آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای برحق خدایی جز او نیست و اوست پروردگار عرش کریمانه و هر کس با خدا معبود

ص: 162

دیگری بخواند، که برای آن برهانی نخواهد داشت، حسابش فقط با پروردگارش می باشد، در حقیقت، کافران رستگار نمی شوند و بگو: پروردگارا، ببخشای و رحمت کن تو بهترین بخشاینده گانی. اگر آن قرآن را فرو فرستادیم.....» (1).

سپس میگوید: «هر کس با خدا و رسول خدا سرسختی کند رانده است، تو را قسم دادم، ای خانه و هر کس که در آن است به اسمهای هفتگانه و ملکهای هفتگانه کسانی که میان زمین و آسمان در رفت و آمدند تا هر تعرض یا ربودن یا لمس یا درخشش یا پرتوی تماسی از جنیان و آدمیان را از این زن دور بدارید».

و اگر هنگام پایان یافتن این تعویذ یعنی «منظورم از این سخن و این تعویذ فلان و خانواده و فرزند و خانه و منزل اوست.» خود و خانه و منزل و خانواده و فرزندان را نامگذاری کند و آن را به زبان بیاورد و بگوید خانواده فلان فرزند فلان و فرزندش فلان فرزند فلان، برای او بسیار بهتر و محکمتر است و من جان و خانواده و فرزندان او را تضمین میکنم که هیچ آسیب و جنون و دیوانگی به اذن خداوند متعال به آنها نرسد. (2).

6. مستطرفات السرائر: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که امر زاییدن زنی سخت گردد، در کاغذی برای او بنویس: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا: به نام خداوند بخشایشگر مهربان گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند، روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند، چون زن عمران گفت: پروردگارا، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده باشد» سپس نخی به آن متصل کند و به ران راست آن زن ببندد و بعد از به دنیا آمدن نوزاد، آن را بردارد. (3).

ص: 163

1- حشر/ 24 - 21

2- طب الائمه: 96

3- 1. مستطرفات السرائر

7. مکارم الاخلاق: برای رفع سخت زاییدن: این آیات نوشته شود و بر ساق پای چپ او آویزان گردد «بسم الله بالله محمد رسول الله كَاتَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا(1)...إِذَا

السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَ أَزْتَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ لَيْتُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثِمِائَةِ سِنِينَ وَ ارْزَادُوا تِسْعًا وَ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى كَاتَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ أَوْ لِمَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَاتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ أَوْلَاثُ الْأَحْمَالِ أَجْلَهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ : به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست گویی روزی که آن را می بیند آنگاه که آسمان از هم بشکافد، و پروردگارش را فرمان برد و سزد و آنچه را که در آن است بیرون افکند و نهدی شود و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال افزودند. به اذن خدا از شکمی پاک به زمینی پاک خارج شو از این شما را آفریده ایم، در آن شما را باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم، به اذن خدا و قدرت او و نام او که با وجود آن هیچ دردی در آسمان و زمین آسیب نمیرساند و اوست شنوای دانا و شکستناپذیر بخشنده. گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند. چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که می گوید: باش. پس موجود می شود چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و زنان آبستن مدّیشان این است که وضع حمل کنند».(2).

مثل این حدیث: این آیات بر پوستی نوشته شود و بر ران او آویزان گردد هفت بار «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: به راستی که همراه با هر سختی آسانی است، به راستی که با هر سختی آسانی هست» و یک بار «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ: ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله

ص: 164

رستاخیز امری هولناک است» تا «كُلُّ ذَاتٍ حَمَلٍ حَمَلَهَا: و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد».

و مثل این دعا: بر پهلوی او نوشته شود: «به نام خدا و با استعانت از خدا، به اذن خدا خارج شو از آن شما را آفرید» و به آن بازمیگردانیم و یک بار دیگر از آن شما را خارج میکنیم» و بر پیامبر و خاندان وی درود فرستد.

و مثل آن: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ يُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرَفَقًا يُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرَفَقًا وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ [وَ مِنْهَا جَائِزًا]: به نام خداوند بخشنده مهربان به راستی که با هر سختی آسانی است به راستی که با هر سختی آسانی است خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد، برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد. و نمودن راه راست بر عهده خداست، [و برخی از آن کثر است].

«أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند.

و روایت است: سوره انا انزلناه فی ليله القدر برای او نوشته شود، و از آب آن نوشانده شود و بر فرج او بپاشد. و روایت است: سوره انا انزلناه فی ليله القدر در نزد او خوانده شود. (1)

و مثل آن: بر کاغذی نوشته شود «أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ وَ آيَهُ لَهُمُ اللَّيْلُ تَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارُ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ: آیا کسانی که

ص: 165

1- . مکارم الاخلاق: 438، در نسخه‌ی کمپانی این حدیث به این ترتیب نیست، به آن مراجعه کن.

کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی آورند.

و نشانه ای برای آنها شب است که روز را از آن بر می کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می آیند گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند.» و بر میانه او آویزان گردد و هرگاه فرزندش به دنیا آمد، باز گردد و از او جدا شود انشاء الله.

دعای برای رفع سخت زاییدن: برای کسی که به دنیا آوردن نوزاد بر او سخت آید، بر کوزه‌های پر از آب این دعاها را سه بار بخواند و زن آن را بنوشد و میان شانها و پستانهایش بریزد که به اذن خدا نوزاد خود را به دنیا می‌آورد «به نام خدایی که به جز او که بردبار و بزرگوار است خدایی وجود ندارد پاک و منزّه است خدا که پروردگار آسمانها و عرش پاعظمت است، سپاس از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است. كَاتَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا كَاتَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ: روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند [و درود خدا بر محمد و خاندانش].(1)

دعای جهت رفع سخت زاییدن: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای زنی که زایمانش سخت گردیده است بر کاغذی نوشته میشود: «خدایا ای گشاینده مشکلات و ای برطرفکننده غمها و ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان در این دو سرای بر فلانه دختر فلانه چنان رحم کن که او را از رحمت دیگران نیاز سازی و مشکلیش را برطرف کنی و غم او را بزدایی و زایمانش را آسان گردانی و میان آنها به حق حکم کرد و آنها مورد ظلم قرار نمیگیرند و گفته شد سپاس مخصوص خدایی که پروردگار جهانیان است.(2)

ص: 166

1- . مکارم الاخلاق: 452

2- . مکارم الاخلاق: 470

مثل این دعا: این دعا بر انسان یا حیوانی که زایمانش سخت گردد، خوانده شود: «ای آفریننده نفس از نفس و رهاکننده نفس از نفس به نیرو و قدرت خود او را رها ساز». (1)

و مثل این دعا: بر دو خرچه که آب به آنها نرسیده باشد آن دعا را نوشته و زیر پاهای او قرار میدهی که به سرعت وضع حمل میکند، انشاء الله تعالی. (2)

روایت است که این شکل رسم شود و بر ران راست زن آویزان گردد و بر کاغذی کشیده شود و به زبان چپ او بسته شود «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى: از این شما را آفریده ایم، در آن شما را باز می گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم ای آفریننده جان از جان، ای رها سازنده جان از جان بر ما گشایش حاصل کن.» که با اذن خداوند عزّ و جلّ نوزاد خود را به خوبی به دنیا خواهد آورد. (3)

و مثل این دعا: این تصویر بر پشت کشیده میشود و زنی که در حال زاییدن است، بر روی آن بنشیند که به سرعت فارغ شود انشاء الله و نوشتن آن باید اینگونه باشد که با دو از سطر اول شروع شود و سپس سه، سپس چهار، سپس سه سپس دو، سپس چهار، تا خاصیت خود را داشته باشد. (4)

ص: 167

1- . مکارم الاخلاق: 470

2- . در منبع آمده: نوزاد را به خوبی به دنیا میآورد به اذن خدای عزّ و جلّ.

3- . مکارم الاخلاق: 471

4- . مکارم الاخلاق: 471

1. المحاسن: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای چیزی که گم شده این دعا را میخوانی: «معبودا تو خدای آسمانیان و زمینیان هستی و در این دو به دادگری مشغولی، و تویی که گم گشته را راه مینمایی و او را بازمیگردانی، پس گم شدهام را بازگردان، زیرا آن از عطا و بخشش توست، خدایا نه مؤمنی را به واسطه آن مبتلا کن و نه کافری را به آن بیناز گردان. خدایا بر محمد بنده و فرستاده خود و خاندانش درود فرست. (1)

2. المحاسن: ابی عبیده الحزّاء نقل کرد، با امام باقر علیه السلام بود که شترم گم شد. امام فرمودند: دو رکعت نماز بگزار سپس بگو آنچه من میگویم: خدایا ای بازگرداننده گمشده در حالی که او را از گمراهی به راه هدایت میکنی، گم شدهام را بازگردان و آن از فضل خدا و بخشش اوست. و نقل کرد: سپس امام باقر علیه السلام به غلام خویش امر نمودند تا شتری از شترانش را بگیرد پس بر آن سوار گشتند و سپس فرمودند: ای ابا عبیده، بیا سوار شو، من نیز همراه ایشان سوار شدم و هنگامی که به راه افتادیم، سیاهی در راه دیدیم، امام فرمودند: ای ابا عبیده آن شتر توست، و دیدم که شتر من است. (2)

3. المحاسن: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس حیوانش را گم کند این کلمات را بگوید: «ای بندگان صالح خدا مرا بگیرید (بر من چنگ زنید) خداوند شما را رحمت کند، بان فی ع و ح و ماه ی ح ح سپس امام باقر علیه السلام

ص: 168

1- . المحاسن: 363

2- . المحاسن: 363

فرمودند: خشکی به او سپرده شده است «م فی حرج» و دریا به او سپرده شده است «ه ح ح» عمر نقل کرد: من این کلمات را برای قاطرهایی که گم شده بود خواندم، پس خداوند آنها را برایم جمع کرد.(1)

4. مکارم الاخلاق: امام رضا علیه السلام فرمودند: هرگاه چیزی یا کالایی را گم کردی، بخوان: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست، جز او آن را نمی داند، و آنچه در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن است» سپس میگوید: «خدایا به راستی تویی که در برابر گمراهی راه مینمایی و از کوری نجات میدهی و گم گشته را باز میگردانی بر محمد و خاندان محمد درود فرست، مرا پیامرز و گمگشتهام را بازگردان و بر محمد و آل درود و سلام بفرست».(2)

نماز به جهت بازگشت گمشده: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: دو رکعت نماز میگذاری و سوره یس را در رکعات آن قرائت میکنی و بعد از فراغت از نماز دستانت را به سوی آسمان بلند میکنی و میگویی: «خدایا ای بازگرداننده گم شده و ای کسی که در برابر گمراهی راه مینمایی بر محمد و خاندان او درود فرست و گمشدهام را محفوظ بدار و آن را سالم به من بازگردان. ای مهربانترین مهربانان، زیرا آن از فضل و بخشش توست ای بندگان خدا در زمین وای رونده خدا در زمین، گمگشتهام را به من بازگردانید؛ زیرا آن از فضل و بخشش خداست».(3)

و مثل آن از امیر مؤمنان علیه السلام «معبودا، خدایی جز تو نیست، آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست از توست زمین را بر فلان تنگتر از پوست شتر گردان تا به آن دست یابم به راستی که تو بر هر چیز توانایی».(4)

ص: 169

-
- 1- . المحاسن: 363
 - 2- . مکارم الاخلاق: 444 و آیه سوره انعام: 59
 - 3- . مکارم الاخلاق: 457
 - 4- . مکارم الاخلاق: 457

روایت است امام صادق علیه السلام فرمودند: برای گریخته، این دعا را بخوان و آن را در کاغذی بنویس «خدایا آسمان از آن توست، و زمین برای توست و آنچه میان آنهاست از توست، پس میان آن دو را بر فلانی تنگتر از پوست شتر قرار ده تا آن را به من بازگردانی و مرا به آن کامیاب سازی» و باید اطراف این نوشته، آیه الکرسی را به صورت دایره بنویسی، سپس آن را به خاک بسپار و روی آن چیز سنگینی بگذارد در جایی که شب به آنجا بازگردد.(1)

و نیز برای گریخته: نوشته و یا خوانده شود: معبودا تو قاهر آسمان و زمینی، و پادشاه آسمان و زمینی و خدای آسمان و زمینی، گم شده را بازمیگردانی و از گمراهی به راه میکشانی، گم شده فلانی را به او بازگردان و آن را حفظ کن.(2)

5. صراط المستقیم: به نقل از کتاب منیه الداعی، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی هر کس حیوانش رم کند، در گوش چپ او بخواند «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ: هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند».

ص: 170

1- . مکارم الاخلاق: 458

2- . مکارم الاخلاق: 458

آیات:

«وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَعْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَلْحَكُمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

{و گفت: ای پسران من، از یک دروازه در نیایید، بلکه از دروازه های مختلف وارد شوید، و من چیزی از خدا را از شما دور نمی توانم داشت. فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکلکنندگان باید بر او توکل کنند و چون همانگونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند، چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمی کرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود، برآورد. و بی گمان، او از آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی بود، ولی بیشتر مردم نمی دانند}. (1)

روایات:

1. طب الائمه: عبایه اسدی نقل کرد از امیر مؤمنان صلوات الله علیه شنیدم، به یکی از یارانش که از جادو به نزد ایشان شکایت کرد، فرمودند: در پوست آهویی بنویس و بر خود آویزان کن، زیرا به تو آسیب نمیرساند و مکر او در تو اثر نمیکند «به نام خدا و با استعانت از خدا به نام خدا و هرچه خدا خواست، به نام خدا، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند تحقق نمیپذیرد موسی گفت: «آنچه را شمابه میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را

ص: 171

تأیید نمی کند پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند».(1)

2. طب الاثمه: اصبع نقل کرد: این تعویذ را از امیر مؤمنان علیه السلام گرفتم و ایشان به من فرمودند: ای اصبع این تعویذ برای جلوگیری از جادو و ترس از حاکم است، هفت مرتبه میگوی: «به نام خدا و با استعانت از خدا، فرمود: به زودی بازویت را به برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلطی قرار خواهیم داد که با آیات ما، به شما دست ندهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.» و آن در برابر(2)

جادوگر میخوانی و بعد از نماز شب تا قبل از نماز روز آن را هفت مرتبه میخوانی که انشاءالله تعالی آسیبی به تو نمیرساند.(3)

3. طب الاثمه: از امام صادق علیه السلام روایت است، امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند: جبرئیل علیه السلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمد، و ایشان جواب دادند: اجابت میکنم تو را ای جبرئیل، جبرئیل عرض کرد: آن شخص یهودی تو را جادو کرد و سحر خود را در چاه بنی فلان قرار داد، پس مطمئنترین اشخاص نزد تو و بزرگترین آنها در چشمتم را که همپایه توست، به سمت چاه بفرست تا آن را برای تو بیاورد، نقل کرد: پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام را فرستادند و فرمودند: به سمت چاه ازوان برو و در آن افسونی است که لید بن اعصم یهودی مرا بدان جادو کرد و آن را برایم بیاور.

علی علیه السلام فرمودند: برای امر رسول خدا صلی الله علیه و آله به راه افتادم و در چاه پایین رفتم و آب آن را یافتم که به خاطر آن سحر همچون آب حنا گشته بود، پس به جستجوی آن پرداختم و تا پایینترین نقطه چاه رفتم و آن را نیافتم، کسانی که با من بودند گفتند: چیزی در آن نیست، بالا بیا، گفتم: به خدا سوگند، دروغ نگفتم و دروغ نگفتم و من مثل شما نسبت به رسول خدا صلی الله

ص: 172

1- . طب الاثمه: 35

2- . در منبع آمده: در برابر آب.

3- . طب الائمه: 35

علیه و آله نیستم. پس به دقت به جستجوی آن پرداختم و ظرف کوچکی یافتم. و آن را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم، فرمودند: آن را باز کن پس باز کردم و در آن قطعه‌ای از بیخ شاخه خرما بود و در درون آن زه کمائی قرار داشت که بیست و یک گره داشت و جبرئیل علیه السلام آن روز سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر پیامبر نازل کرده بود و پیامبر فرمودند: ای علی آنها را بر زه بخوان و امیر مؤمنان با هر آیه‌ای که میخواندند گره‌های را میگشودند تا اینکه گره‌ها تمام شد، و خداوند عزّ و جلّ آنچه را که پیامبرش بدان جادو شده بود، از بین برد و او را عافیت بخشید.

روایت است، جبرئیل و میکائیل علیهما السلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و یکی از آنها در سمت راست و دیگری در طرف چپ پیامبر نشستند، جبرئیل به میکائیل گفت: درد این شخص چیست؟ میکائیل گفت: او جادو شده است. جبرئیل علیه السلام گفت: چه کسی او را جادو کرده است؟ گفت: لید بی اعصم یهودی سپس حدیث را تا آخر ذکر کردند.(1)

4. طب الاثمه: امام باقر علیه الصلوه و السلام فرمودند: جادوگران بر چیزی تسلط نیافتند جز بر چشم.

روایت است از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق جزء قرآن هستند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بله از قرآن هستند، آن شخص گفت: این دوسوره در قرائت ابن مسعود و مصحف او نیستند، امام صادق علیه السلام فرمودند: ابن مسعود اشتباه کرد و یا فرمودند: ابن مسعود دروغ گفت. آن دو جزء قرآن هستند، آن شخص گفت: فرزند رسول خدا میتوانم آن دو را در نماز واجب بخوانم؟ فرمودند: آری، و آیا میدانی معنی این دوسوره چیست و چرا نازل شدند؟ لید بن اعصم یهودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را جادو کرد، ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: آیا از سحر خویش آگاهی یافتند؟ امام فرمودند: آری پیامبر صلی الله علیه و آله دید در حالجماع کردن

ص: 173

است در حالی که اینگونه نبود. وقتی که به طرف در میرفت آن را نمیدید و با دست آن را لمس میکرد، سحر حق است و جادو تنها بر چشم و فرج تسلط مییابد. پس جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و او را آگاه ساخت. او نیز علی علیه السلام را فراخواند و او را فرستاد تا آن سحر را از چاه ازوان استخراج نماید و حدیث را تا آخر آن را نقل کردند. (1)

5. طب الاثمه: حلبی نقل کرد: از امام صادق علیه السلام در مورد افسون جادوگری رسیدم فرمودند: پدرم علیه السلام در آن اشکالی نمیدیدند. (2)

محمد بن مسلم نقل کرد، این تعویذی که امام صادق علیه السلام آن را بر ما املا کردند، ذکر کردند که بار آنان به ارث رسیده است و سحر را باطل میکند، آن را بر کاغذی مینویسی و بر شخص جادو شده آویزان میشود «قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُكُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِلُّ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ. وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ أَأَنْتُمْ أَشَدَّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَيَّوَّاهَا فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ وَ أَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ: موسی گفت: «آنچه را شما به میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند. و خدا با کلمات خود، حق را ثابت می گرداند، هر چند بزهکاران را خوش نیاید آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که آن را بر پا کرده است سقفش را برافراشت و آن را درست کرد پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند و ساحران به سجده در افتادند گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان پروردگار موسی و هارون». (3)

6. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس چیزی از برادر مؤمنش بر او خوشآمد الله اکبر بگوید؛ زیرا چشم زخم حق است. (4)

ص: 174

- 1- . طب الاثمه: 114
- 2- . طب الاثمه: 114
- 3- . طب الاثمه: 115
- 4- . طب الاثمه: 121

7. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر قبرها برای شما نبش میشود مشاهده میکردید که بیشتر مرگومیرها به خاطر چشم زخم است؛ زیرا چشم حق است. آگاه باشید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چشم زخم حق است، هر کس چیزی از برادرش او را به اعجاب واداشت خداوند را در آن لحظه یاد کند؛ زیرا اگر یاد خدا باشد، آسیبی نمیرساند.(1)

8. طب الاثمه: در چشم زخم خوانده شود یا نوشته شود و بر او آویزان گردد: سوره حمد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، قل هو الله احد و آیه الکرسی و خدایا تو پروردگار منی بر تو توکل نمودم و تو پروردگار عرش باعظمتی. خداوند برای من کافی است و بهترین کارگزار است، هرچه خداست پدید آمد و آنچه خدا نخواست، پدید نیامد، گواهی میدهم که خدا بر هر چیز تواناست و به راستی که علم خدا بر هر چیز را در میان گرفته است، و همه چیز را به شماره درآورده است، خدایا من به تو پناه میبرم از شر خودم و از گزند هر موجودی که اختیارش به دست توست، به راستی که پروردگارم به راه راست است و اگر پشت کردند، بگو خداوند مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت.

به نام خدا و پروردگار عیسی، درهم کشیدن ترشرو و سنگ سخت و آب یخزده و شهاب آتش خواه، از دم بد چشم و چشم زخم شخص بدچشم، چشم زخم آن شخص را بر خودش برگرداندم و بر محبوبترین افراد در جگر و کلیه‌اش، خونی رقیق و پیه‌ای آب شده و استخوانی باریک، در آنچه بدان سزاوار است، به نام خداوند بخشنده مهربان و بر آنان نوشتیم در آن، که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان و زخمها قصاص دارند، و درود خدا بر سرور و پیامبران محمد و خاندان پاکش.(2)

9. مکارم الاخلاق: برای چشم زخم: معبر بن خلاد نقل کرد: در خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام در خریدهاشان بودم پس به من امر کردند تا

ص: 175

2- . طب الأئمه: 140

عطری برای ایشان ببرم، وقتی آن را بردم، پسندیدند و به آن نگاه کردند و به من گفتند: ای معمر، چشم زخم حق است. در رقعه‌های بنویس: الحمد لله، قل هو الله احد، قل اعوذ برب الناس، قل اعوذ برب الفلق و آیه الکرسی و آن را در ظرف شیشه ای قرار بده.

و مثل آن: از امام صادق علیه السلام روایت است: فرمودند: چشم زخم حق است و از آن بر خود ایمن مباش و دیگران نیز از تو در امان نیستند، پس هر گاه از آن ترسیدی سه بار بگو: هرچه خواست، هیچ قدرتی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست و فرمودند: هرگاه یکی از شما به ظاهری درآمدید که بسیار کسی را خوش می‌آید، هنگامی که از خانه خارج می‌شود باید قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند که به اذن خدا به او آسیبی نرساند.(1)

از امام صادق علیه السلام روایت است: هر کس چیزی از برادر خود، بر او خوش آمد، پس باید برای برکت آن دعا کند؛ زیرا چشم زخم حق است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به راستی که چشم زخم، شخصی را به قبر وارد میکند و شتر را به دیگ، و ایشان صلی الله علیه و آله فرمودند: تمام حرزها برای چشم زخم و تب است.(2)

در جادو: محمد بن عیسی نقل کرد از حضرت رضا علیه السلام درباره سحر پرسیدم، فرمودند: آن حق است و آنان به اذن خداوند ضرر می‌رساند. هرگاه به سحر گرفتار شدی دستانت را تا برابر صورتت بالا بیاور و بر آن بخوان «به نام عظیم خدا و پروردگار عرش با عظمت تو را قسم میدهم تا بروی و نابود شوی».

نقل کرد: شخصی از امام علیه السلام در مورد چشم زخم پرسید، فرمودند: آن حق است و هرگاه گرفتار شدی دستانت را در برابر صورتت قرار ده و الحمد لله و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخوان و دستانت را بر موی پیشانیات بکش که به اذن خداوند مفید خواهد بود.(3)

ص: 176

2- . مكارم الاخلاق: 443

3- . مكارم الاخلاق: 475

روایت است از امام صادق علیه السلام در مورد سوره‌های قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق پرسیده شد، امام فرمودند: به درستی که لبید بن اعصم یهودی رسول خدا صلی الله علیه و آله را سحر کرد پس جبرئیل این دو سوره را نازل فرمود و پیامبر علی علیه السلام را فرا خواند و برای او نخی گره زده شده بود با دوازده گره، سپس فرمودند: به سوی چاه ذروان حرکت کن و در چاه پایین برو و با خواندن هر آیه گره‌های را باز کن، علی در چاه پایین رفت و آن را خارج ساخت و آن سحر از رسول خدا صلی الله علیه و آله برطرف شد. (1)

ابن عباس نقل کرد: لبید بن اعصم رسول خدا صلی الله علیه و آله را سحر کرد و سپس آن را در چاهی از بنی زریق انداخت، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار گشت و هنگامی که در خواب بودند دو فرشته آمدند، یکی از آنان کنار سر مبارک ایشان و دیگری از در کنار پای مبارک ایشان نشستند و او را از این امر آگاه ساختند و اینکه در چاه ذروان در غلاف شکوفه خرما و زیر یک سنگ است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب بیدار شدند و علی و زبیر و عمار را فرستادند و آنها آب چاه را خالی کردند سپس سنگ برداشتند و غلاف را خارج کردند و در آن شانه سرش و دو دندانه آن را یافتند که یازده گره بر آن زده شده بود و با سوزن دوخته شده بود، پس آن دو سوره نازل شدند و هر آیه‌ای که از آنها خوانده میشد، گره‌های باز میگشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله احساس سبکی می کردند، پس برخاستند گویی از ریسمانی رهانیده شد و جبرئیل علیه السلام شروع کرد به خواندن این دعا «به نام خدا تو را تعویذ می کنم از هر چیزی که تو را آزار می‌دهد از حسد و چشم زخم و خدا تو را شفا می‌دهد.» (2)

ص: 177

1- . مکارم الاخلاق: 475

2- . مراجعه کن، مکارم الاخلاق: 476، و این داستان را در تفسیر خود مجمع البیان و در ذیل سوره های معوذتین ذکر کرد و صحت آن را انکار نمود از این جهت که سحر در پیامبران و امامان علیهم السلام تاثیری ندارد و در این رابطه سخنی دارد و به آن مراجعه کن. و همینطور مولف علامه در جلد 18: 70 از چاپ جدید بر این امر اذعان دارد آنچه در میان امامیه شهرت دارد عدم تاثیر سحر در پیامبران و امامان علیهم السلام است و در این راستا پاره ای از احادیث را ترجیح دادند و برخی دیگر را رد کردند سپس کلام علامه طبرسی را از مجمع نقل کرد. مولف علامه در جلد

السما و العالم باب «تأثير سحر و چشم زخم و حقیقت آن دو» را آورده است. و این روایات و غیر آن را نقل کرد و در این راستا سخنی طولانی دارد پس به آن مراجعه کن.

دعایی دیگر برای سحر: بر پوستی نوشته میشود و به او لویزان میگردد « قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ. » (1) و [و اوحینا الی موسی] تا « فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ »: موسی گفت: «آنچه را شما به میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند. پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند

دعایی دیگر: هفت بار بر زبان آورده شود «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ: به زودی بازویت را به برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلطی قرار خواهیم داد که با آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود ». (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: زنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید شوهری دارم که اخلاق تندی دارد و من کاری کردم تا او بر من مهربان گردد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: وای بر تو، تجارت را مکدر کردی و چشم را تیره ساختی! فرشتگان برگزیده و فرشتگان آسمان و زمین تو را نفرین کردند و آن زن روزها را روزه میگرفت و شبها را به نماز به پا خاست و موهای سرش را تیغ زد و خرقة پشمینه پوشید، خبر آن به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید پس فرمودند: این کارها از او پذیرفته نمیشود. (3)

ص: 178

-
- 1- . یونس/81
 - 2- . مکارم الاخلاق: 476 و سوره قصص/35
 - 3- . مکارم الاخلاق: 476، و صدوق در الفقیه 3: 282 آن را روایت کرد: اسماعیل بن مسلم از جعفر بن محمد از پدرش از پدرانش از رسول خدا (ص).

گفته شد.(1):

ای رسول خدا چرا جادوگر کافران کشته نمی شود؟ فرمودند: زیرا شرک بزرگتر از کفر است و سحر و شرک نزدیک به یکدیگرند.

تعویذ چشم زخم: زراره نقل کرد: چهار بار در سوراخ بینی راست دمیده میشود و سه بار در سوراخ بینی چپ سپس میگوید «به نام خدا هیچ قدرتی نیست ای پروردگار آدمیان این سختی را از میان بردار و شفا ده تویی شفادهنده و تنها تویی که سختی را از بین میبری.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر چیزی از قدر پیشی بگیرد، چشم زخم از آن پیشی می گیرد.

برای کسی که دچار چشم زخم شده: سوره فاتحه الکتاب را میخواند و مینویسد «به نام خدا فلان فرزند فلانه را به کلمات کامل خدا پناه میدهم از شر آنچه آفرید و خلق کرد و پدید آورد، و از چشمان نگرنده و گوشهای شنونده و زبان گویا، به راستی که پروردگارم به راه مستقیم است، و از شر شیطان و عمل شیطان و لشکریان سواره و پیاده او، و فرمود: ای فرزندان من از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف داخل شوید.

تعویذ برای چشم زخم: خدایا ای پروردگار باران بازدارنده و سنگ سخت و شب تاریک و تر و خشک، چشم زخم او را بر خودش، عزیزانش، جسمش و مالش برگردان باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت باز گردد.(2)

10. جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چشم زخم، شخص را به قبر وارد میکند و شتر را به دیگ و روایت است اسماء بنت عمیس عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرزندان جعفر به چشم زخم گرفتار

ص: 179

1- . در نسخه اصل و منبع نیز چنین است، ظاهراً ابتدای حدیث از نسخها افتاده است، صدوق در الفقیه 3: 371 روایت کرد، رسول خدا فرمودند:

ساحر مسلمانان کشته میشود و ساحر کافران کشته نمیشود، گفته شد،
ای رسول خدا چرا ساحر کفار کشته نمیشود؟ فرمودند: الخ.
2- . مکارم الاخلاق: 477

شدند، آیا برای آنها تعویذی بگیرم؟ فرمودند: آری، اگر چیزی بر قدر پیشی بگیرد چشم بد از آن سبقت می جوید. (1)

گفته شد: مردی از آنان هرگاه بخواهد دوست خود را به چشم زخم مبتلا سازد، سه روز گرسنگی بکشد سپس او را وصف کند، پس او را بر زمین می افکند و بدین ترتیب به کسی که می خواهد او را به چشم زخم مبتلا کند بگوید هیچ شتر یا گوسفندی یا هر چه که خواست، مثل امروز نمی بیند یعنی مثل شتری که امروز دید، ندید و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند همانطور که وقتی می خواستند او را به چشم زخم مبتلا سازند چنین می گفتند. به نقل از فراء و زجاج.

حسن نقل کرد: دوی چشم زخم این است که انسان این آیه را بخواند « وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُوكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَ أَنَا نَكَهَ كَافِرٌ شَدِيدٌ، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعاً دیوانه ای است.». (2)

11. امان الاخطار: به نقل از کتاب غنیه الداعی تألیف علی بن محمد بن عبد الصمد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی، هر کس از شیطانی یا جادوگری بیم دارد، بخواند: « إِنْ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان.». (3)

12. جنه الامان از کفعمی: عبد الکریم بن محمد السمعانی در کتابش آورد، جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشت و او را اندوهناک دید، پس از سبب

ص: 180

1- . جامع الاخبار: 182

2- . جامع الاخبار: 184

آن سؤال کرد، حضرت فرمودند: حسن و حسین را چشم کردند، پس جبرئیل گفت: ای محمد، چشم زخم حق است پس برای آنها این تعویذ را به کار گیر: «خدایا ای صاحب قدرت عظیم و بخشش دیرینه و روی گرامی و ای صاحب کلمات کامل و دعاهاى مستجاب، حسن و حسین را از چشم بد جنیان و آدمیان عافیت بخش».

و نیز آورده است: به خط وزیر موید الدین علقمی، تعویذی برای کسی که به چشم زخم مبتلا شد «به نام خداوند والامقام، پادشاه قدرتمند، و دارای ستونهای محکم، حبس حبس کننده و سنگ خشک و شهاب آتش خواه و شب تاریک در چشم کسی که چشم بد دارد و در محبوبترین مخلوقات خدا در نزد او، و در جگر و کلیههایش، باز بنگر، آیا خلل می بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد.»

12. زبده البیان: جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را تعویذ نمود و دعای چشم زخم را به آموخت «به نام خدا تو را پناه میدهم از شر چشم حسودان خداوند شفا دهنده تو خواهد بود».

از امام صادق علیه السلام روایت است: هرگاه یکی از شما به هیئتی درآمد که تحسین خود را برانگیخت، هنگامی که از خانه خارج میشود، سورههای قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند و در این صورت به اذن خداوند متعالی آسیبی متوجه او نمیشود.

13. الجوامع طبرسی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه کسی چیزی ببیند که تحسین او را برانگیزد، بگوید: «خدا خدا هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی به جز خدا نیست» هیچ ضرری متوجه آن نمیشود.

حسن نقل کرد: بوی چشم زخم خواندن این آیه است: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ: و آنانکه کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: او واقعا دیوانه ای است».(1)

ص: 181

باب نود و هفتم : مصیبت جانکاه و معنای آن و پناه جستن از شر آن و از گزند سنگینی قرض و غلبه مردان و ماندن زن بیوه در خانه و درخواست کامل گشتن نعمتها و معنای آن و فضیلت ذکر یا ذاالجلال و الاکرام

روایات:

1. الخصال: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مصیبت جانکاه آن است که زمانی بر شخصی وارد شود، او از شدت صبر بر آن جان دهد، اسیری که در بند دشمن است، و مردی که مردی دیگر را بر شکم همسرش بیابد. (1)

معانی الاخبار: مثل این حدیث آورده شده است: (2)

2. الخصال: چهارصد امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: از خداوند بخواهید، عافیت از بلاهای جانکاه را به شما عطا فرماید؛ زیرا این مصیبتها دین را از بین میبرند. (3)

حضرت علیه السلام فرمودند: به خدا پناه ببرید از شر سنگینی قرض و غلبه مردان. (4)

ص: 182

1- . الخصال: 67

2- . معانی الاخبار: 340

3- . الخصال 2: 155

4- . الخصال 2: 162

3. معانی الاخبار: عبدالملک قمی نقل کرد، من نزد امام صادق علیه السلام بودم که کاهلی از امام علیه السلام پرسیدند: آیا علی علیه السلام از ماندن زن بیوه در خانه پناه میجستند؟ فرمودند آری و نه آنطور که تو میگویی، بلکه ایشان از فسادها پناه میجستند و عوام میگویند ماندن زن بیوه در خانه و آنطور که میگویند، نیست. (1).

4. معانی الاخبار: معاذ بن جبل نقل کرد، من به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم و مردی گذشت و چنین دعا میکرد «خدایا من از تو نعمت کامل را میخواهم» حضرت فرمودند: ای فرزند آدم! آیا میدانی نعمت کامل چیست؟ رهایی از آتش و وارد شدن به بهشت و حضرت علیه السلام از کنار مردی گذشتند که دعا میکرد «یا ذاالجلال و الاکرام: ای صاحب شکوه و بزرگی) پس فرمودند: دعایت مستجاب شد پس حاجت را بخواه. (2).

5. عیون أخبار الرضا: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه یکی از شما را کاری پیش آید ابتدای روز پنجشنبه را برای انجام آن اختصاص دهد و زمانی که از خانه خارج میشود، آیه آخر سوره آل عمران، آیه الکرسی، انا انزلناه فی ليله القدر، ام الكتاب را بخواند که حاجات دنیا و آخرت او روا گردد. (3).

6. الخصال: چهارصد، مثل این حدیث از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شد و در آن ذکر شده است، بعد از روز پنج شنبه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا بامداد روز پنج شنبه را برای امت من سرشار از خیر و برکت قرار ده و هنگام خروج از خانه، آیاتی از سوره آل عمران بخواند. (4).

ص: 183

-
- 1- . معانی الاخبار: 343
 - 2- . معانی الاخبار: 229
 - 3- . عیون أخبار الرضا 2: 40
 - 4- . الخصال 2: 162

7. معانی الاخبار: امام صادق علیه السلام فرمودند: نعمتهای این دنیا: امنیت و سلامتی است و اوج نعمتها در آخرت وارد شدن به بهشت است و بندهای که به بهشت نمیروند هرگز نعمتها بر او تمام نگشت. (1)

باب نود و هشتم : دعایی برای دوری از وسوسههای شیطان

1. الخصال: چهارصد: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه کسی از شما به وسوسه شیطان دچار شد به خدا پناه برد و بگوید: به خدا و رسول او ایمان آوردم و دین را برای او خالص گردانیدم. (2)

2. أمالی: ابن عباس نقل کرد: زمانی که خدا و حضرت عیسی علیه السلام را به پیامبری برانگیخت، شیطان بر او عارض شد و او را وسوسه کرد، حضرت عیسی علیه السلام خواند: «پاک و منزّه است خدا به آکندگی آسمانها و زمین او و گستردگی کلماتش و سنگینی عرشش و رضایت خودش» نقل کرد: وقتی ابلیس آن را شنید، چنان فرار کرد و نتوانست خود را کنترل کند تا در مردابی سبز رنگ افتاد. (3)

میگویم: صورت کامل این حدیث در باب احوال عیسی علیه السلام است. (4)

3. مکارم الاخلاق: رفع وسوسههای قلب: «هرگاه قرآن میخوانی از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر» و سورههای قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بخواند.

ص: 184

1- . معانی الاخبار: 408

2- . الخصال 2: 163

3- . أمالی الصدوق: 122

4- . مراجعه کن ج 14: 270

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه شخصی از شما به وسوسه‌های شیطانی دچار شد، به خدا پناه برد و با زبان و قلب خود بگوید: «به خدا و رسول او ایمان آوردم و دین خود را برای او خالص گردانیدم».(1)

برای تنگی قلب: روزی دوبار: یک بار صبح و یک بار شب، سوره «ألم نشرح» را در طی هفده روز بخواند.(2)

4. به نقل از خط شهید رحمه الله: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: شیاطین دو دسته‌اند: شیطان جن که با لا حول و لا قوه إلا بالله: هیچ دگرگونی و قدرتی جز خدا نیست، دور میشوند و دیگری شیطان آدمیان که با صلوات بر پیامبر و خاندان او دفع می‌گردد.

ابی زمیل نقل کرد از ابن عباس در مورد شکهایی که انسان در سینه خود احساس میکند پرسیدم، جواب داد، کسی از آن نجات نیافت و خداوند نازل کرده است: «فإن كنت فی شک: اگر در شک بودی».(3)

هرگاه چنین احساسی داشتی بگو: «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم: اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست».

عثمان بن ابی العاص گفت: ای رسول خدا، شیطان میان نماز و قرائتم حائل میشود، پیامبر اکرم فرمودند: این شیطانی است که به او خیزب می‌گویند، هرگاه آن را احساس کردی از خداوند به او پناه ببر و سه بار در سمت چپ خویشت آب دهان بیانداز.

ص: 185

1- . مکارم الاخلاق: 433

2- . مکارم الاخلاق: 433

3- . طب الائمه: 27

1. طب الاثمه: حریر بن عبدالله نقل کرد از امام صادق علیه السلام پرسیدم ای فرزند رسول خدا، من آشوبهایی را در سینه و وسوسههایی را در دل خود احساس میکنم و چه بسا که سبب قطع نماز شود یا قرائتم را بر من آشفته گرداند، فرمودند: چرا تعویذ امیر مؤمنان علیه السلام را به کار نمیگیری؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا آن را به من بیاموزید، فرمودند: هرگاه چنین احساسی داشتی، دستت را بر سینهات قرار ده و بگو «به نام خدا و با استعانت از خدا، خدا به واسطه ایمان بر من منت نهادی و قرآن را نزد من ودیعه نهادی، و روزه ماه رمضان را روزیام نمودی پس رحمت، رضایت، مهربانی و آمرزش را نیز به من ارزانی دار و نعمتها و نیکیهایت را در حق من، کامل گردان، ای مهربان و ایبخشنده و ای پاینده و بخشایشگر، پاک و منزهی و من کسی جز تو ندارم و پاک و منزهی بعد از این کرامتها از خواری به تو پناه میبرم و از تو میخواهم اندوهها را از قلبم بزدایی» آن را سه مرتبه میخوانی که به یاری خداوند متعال عافیت خواهی یافت. سپس بر پیامبر درود میفرستی و السلام علیهم و رحمه الله. (1)

بیان: منظور از فرمایش حضرت علیه السلام از «دستت را بر دل بگذار» بر اساس روایت بعدی این است که دستت را بر سینه قرار ده که جایگاه دل است.

2. طب الاثمه: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زمانی که تنهایم احساس ترس و اندوه میکنم و چنانچه با مردم معاشرت کنم دیگر این احساس را ندارم، فرمودند: دستت را بر قلبت قرار ده و بگو «به نام خدا به نام خدا»

ص: 186

به نام خدا» سپس دستت را بر قلبت بکش و بگو «پناه میبرم به عزت خدا، پناه میبرم به قدرت خدا، پناه میبرم به شکوه خدا، پناه میبرم به عظمت خدا، پناه میبرم به جمع خدا، پناه میبرم به رسول خدا پناه میبرم به نامهای خدا از شر آنچه میترسم و بر خود از آن بیم دارم» آن را هفت مرتبه میگوئی، نقل کرد: چنین کردم، خداوند ترس را از من زدود و الفت و آسایش را جایگزین آن نمود.(1)

3. طب الاثم: شخصی نزد امام صادق علیه السلام از بسیاری وسوسهها و آرزوها شکایت نمود، فرمودند: دستت را بر سینه بگردان و بگو: «به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد رسول خداست، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، خدایا هر آنچه که از آن بیم دارم از آن بین ببر.» سپس دستت را بر شکمت بگردان و آن را سه مرتبه بگو، به راستی که خداوند آن را از تو میزداید و برطرف مینماید، آن مرد گفت: بسیاری از اوقات نماز خود را میشکستم به جهت وسوسهها و آرزوهایی که نمازم را باطل میکردند. پس آن دعا را طبق آنچه مولا و سرورم به من امر نمودند، خواندم و خداوند آن را از من دور ساخت و از آن عافیت یافتم و دیگر آن را احساس نکردم.(2)

ص: 187

1- . طب الاثم: 117

2- . طب الاثم: 117

1. العتیق الغروی: رقعہ شمشیر کہ در قبضہ شمشیر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیہ الصلوٰۃ و السلام یافتہ و در قبضہ شمشیر رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نیز وجود داشت و آن: «بہ نام خداوند بخشایشگر مہربان، با استعانت از خدا، با استعانت از خدا، با استعانت از خدا از تو می‌خواہم ای دیرینہ و ہمیشگی، ای کسی کہ از بین نمی‌رود و تغییر نمی‌پذیرد. تو آن خدای بزرگی کہ ہمہ چیز را کفایت می‌کنی و بہ ہمہ چیز احاطہ داری. خدایا بہ نام بزرگ و باشکوہ یگانہ یکتا پی نیازی کہ نزایید و زاییدہ نشد و ہیچ ہمتایی ندارد، مرا کفایت کن، شر آنان و تمامی دشمنان و شمشیرہا و قدرتشان را از من دور بدار، و خداوند از پشت سر بر آنها احاطہ دارد، خدایا میان من و کسانی کہ بدی مرا می‌خواند، حجاب خود را قرار دہ کہ کسی بر آن نگاہی نمی‌اندازد از قبیل جنیان و آدمیان فاسق و سلاح آنان و آہن و ہر شیری کہ از آن می‌ترسیم و بیم داریم و از شر تمامی سختیہا و بلاہا و از شر آنچه تو بدان آگاہی و بر آن توانایی، بہ راستی تو بہ ہر چیزی توانایی و درود و سلام فراوان خدا بر پیامبرش محمد و خاندان او.

باب صد یکم : در رفع آتش سوزی و ویرانی

روایات:

1. کشف الغمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که آتشسوزی دیدید الله اکبر بگویید، به راستی که خداوند آن را خاموش میگرداند.(1)

باب صد و دوم : دعا برای کسی که ترس از دزدی یا ویرانی یا آتش سوزی دارد

روایات:

1. مکارم الاخلاق: برای آنکس که ترس از دزد دارد: بر حلقه ها و قفل بخواند: «بگو بخوانید خدایا بخوانید بخشایشگر را» تا آخر سوره.(2)

ص: 189

1- . کشف الغمه: 383

2- . مکارم الاخلاق: 403، اسراء/ 111 - 110

روایات:

1. أمالی: امام علی علیه السلام فرمودند: یهود به نزد زنی از قوم خود به نام عبده رفتند و گفتند: ای عبده، دانسته‌ای که محمد ستون بنی اسرائیل را در هم شکست و یهود را ویران ساخت و بنی اسرائیل هزینه زیادی بابت سمی برای او پرداختند و آنها تو را برگزیدند تا این گوسفند را با این سم آلوده کنی و عبده نیز آن گوسفند را به سم آغشته نمود، سپس بزرگان در خانه او گرد هم آمدند و عبده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد، دانستم در همسایگی، چه چیز بر من واجب است، بزرگان یهود نزد من آمده‌اند، پس خانه مرا با یارانت زینت ببخش.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاستند و علی علیه السلام و ابو دجانه و ابو ایوب و سهل بن حنیف و گروهی از مهاجران او را همراهی کردند، زمانی که داخل شدند و گوسفند آورده شد، یهودیان بینهای خود را با پشم گرفته بودند و روی پا ایستادند و بر عصاهایشان تکیه زدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: بنشینید، گفتند: زمانی که پیامبری به دیدار ما بیاید کسی از ما نمینشیند و خوش نداریم از نفسهای ما چیزی به او برسد که اذیت شود، یهود دروغ گفتند لعنت خدا بر آنها، بلکه آن کار را به خاطر ترس از برجستن سم و دود آن انجام دادند.

زمانی که گوسفند در مقابل پیامبر اکرم نهاده شد، شانه آن به زبان آمد و چنین گفت: دست نگه دار ای محمد، از من نخور؛ زیرا من آلوده به سم هستم،

رسول خدا صلی الله علیه و آله عبده را صدا زد و فرمود: چه چیز سبب شد تا چنین کنی؟ عبده گفت: من گفتم اگر او پیامبر باشد به او آسیبی نرساند و اگر دروغگو یا جادوگر باشد قوم خود را از دست او راحت کنم، جبرئیل علیه السلام نازل شد و فرمود: خداوند رحمت، تو را سلام رساند، و میگوید: بگو: «به نام خدایی که هر مؤمنی او را بدان نام میخواند و هر مؤمنی بدان عزیز گشت و به نور او که آسمانها و زمین بدان نورانی گشت و به قدرتیش که تا هر سختی در برابر آن تسلیم شد، و هر شیطان سرکشی شکست خورد، از شر سم و جادو و دیوانگی به نام آن بلندمرتبه پادشاه بینظیری که خدایی جز او نیست و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا و رحمت است را نازل میکنیم و بر ظالمان جز خسارت نیافزاید».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را خواند و بر اصحاب خود امر نمودند تا آن را بخوانند سپس فرمودند: بخورید سپس به آنها دستور داد تا حجامت کنند. (1)

2. معانی الاخبار: از امام صادق علیه السلام درباره این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «پناه میبرم به تو از شر سامه و هامه و عامه و لامه» امام فرمودند: سمیها، خویشاونداناند و هامه، خزندگانو لامه، دیوانگی های شیطانی و عامه، عموم مردم هستند. (2)

3. الخصال: چهارصد، امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس از شما از حمله شیر بر جان و گوسفندانش میترسد، پس بر آن خطی بکشد و بگوید: «خدایا ای پروردگار دانیال و چاه، پروردگار هر شیر بی باکی من و گوسفندانم را حفظ کن».

و هر کس از عقرب بیم دارد، این آیات را بخواند «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ اِنَّا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ: درود بر نوح در میان جهانیان. ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم در حقیقت، او از بندگان با ایمان ما بود». (3)

ص: 191

1- . امالی صدوق: 135 و در مناقب ج 1: 91

2- . معانی الاخبار: 173

3- . الخصال 2: 160

4. قصص الانبياء: ابن عباس نقل کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای قضای حاجت به نقاط دوری می‌رفتند. روزی به یک وادی برای قضای حاجت وارد شدند و کفش خود را درآوردند و بعد از قضای حاجت، وضو گرفتند و هنگامی که خواستند آن را بپوشند پرنده سبز رنگی آمد و کفش را برداشت و آن را بالا برد و سپس انداخت. چیز سیاه‌رنگی از آن خارج شد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این کرامتی است که خداوند مرا بدان بزرگ داشت. خدایا پناه می‌برم به تو از شر موجوداتی که بر شکم می‌خزند و از موجوداتی که بر دو پا راه می‌روند و از شر موجوداتی که بر چهار دست و پا راه می‌روند، و از گزند هر صاحب شری و از شر هر موجودی که اختیارش به دست توست، پروردگارم به راه مستقیم است.

5. الخرائج و الجرائح: عبد الدین یحیی کاهلی نقل کرد امام صادق علیه السلام به من فرمودند: اگر درنده‌ای بینی چه می‌گویی؟ عرض کردم: نمیدانم، فرمودند: هر گاه آن را دیدی در مقابل او، آیه الکرسی را بخوان و بگو «تو را به خدا، رسول خدا و سلیمان بن داود و امیر مؤمنان و امامان بعد از او قسم میدهم که از سر راه ما کنار بکشی و ما را آزار نرسانی زیرا ما به تو آزاری نمیرسانیم.» نقل کرد: به آن نگاه کردم، سرش را به زیر انداخت و دمش را میان دو پایش قرار داد و از همان راهی که آمد بازگشت. (1)

امان الاخطار: مثل این حدیث را کتاب الدلائل تألیف نعمانی و از امام صادق علیه السلام ذکر شده است.

6. محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس جایی منزل کند و از درندگان بر آن بیم داشته باشد، بگوید «گواهی میدهم خدای جز خدای یکتا نیست یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی از اوست و سپاس مخصوص اوست و خیر تنها به دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست از شر هر حیوان درنده‌ای» تا وقتی که در آن منزل است، از شر درندگان ایمن خواهد بود به اذن خدا، إنشاءالله. (2)

7. محاسن: ثویر بن ابی فاخته از پدرش نقل کرد: جعده بن ابی هییره مرا به سورا فرستاد و من آن را به امام موسی کاظم علیه السلام ذکر کردم، پس فرمودند

- 1- . الخرائج و الجرائح: 231 و المناقب 3: 350، كشف الغمه 2: 417
- 2- . المحاسن: 367

چیزی به تو خواهم آموخت که هرگاه آن را بخوانی، شیر به تو آسیبی نمیرساند، بگو «پناه میبرم به پروردگار دانیال و چاه از شرّ این شیر» سه بار، نقل کرد: بیرون رفتم، ناگهان شیری دیدم که در کنار پل، دستان خود را گشوده است و متعرض من نشد و چند گاو رد شدند و پس بر آنها نمایان شد و یکی از گاوها را حمله کرد و شنیدهام هرکس بگوید: خدایا ای پروردگار دانیال و چاه، آن را از من دور کن. (1)

8. محاسن: مردی به امام موسی علیه السلام عرض کرد: من شکارچی درندگان هستم و شبها را در خرابهها و جاهای خلوت بیتوته میکنم، امام فرمودند: هرگاه داخل شدی، بگو: «بسم الله» و پای راستت را داخل کن و هنگام خروج پای چپ را بیرون بگذار و بگو «بسم الله» انشاء الله هیچ ناگواری نخواهی دید. (2)

9. فقه الرضا: هرگاه شیری دیدی، در برابر او سه بار الله اکبر بگو، و بخوان «خداوند عزیزتر بزرگتر و باشکوهتر از هر چیزی است و پناه میبرم به خدا از آنچه میترسم و بیم دارم» و هرگاه به تو پارس کرد، بخوان «ای گروه جنیان و آدمیان» (3) تا

آخر آیه و هرگاه منزلی برگزیدی که از درندگان به آن بیم داشتی بگو: «گواهی میدهم خدایی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی و سپاس تنها از آن اوست، زنده میکند و میمیراند و او زندهای است که نمیمیرد و تمایم خیر به دست اوست و او بر هر چیز تواناست. پناه میبرم به خدا از شر تمامی درندگان» و اگر بیم از عقب داری بگو «پناه میبرم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها تخطی نمیکند، از شرّ هر صاحب شری و از شرّ آنچه آفرید و خلق کرد و از شرّ تمامی موجوداتی که اختیارشان به دست اوست، پروردگارم به راه راست است.

10. طب الاثمه: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: هر کس در سفر است و از دزدان و درندگان بیم دارد، بر یال مرکب خود بنویسد «از دریافتن بیم نداری و نمی ترسی» که به اذن خداوند عزّ و جلّ ایمن خواهد بود، داود رقیّ نقل

- 1- . المحاسن: 368، سوری مکانی در عراق و از سرزمین سریانیهاست و مکانی در اطراف بغداد است، به نقل از فیروزآبادی.
- 2- . المحاسن: 370
- 3- . رحمن/33

کرد، حج را به جای آوردم و در صحرا، گروهی از اعراب آمدند و راه بر قافله بستند من بر یال شترم نوشتم «از دریافتن بیم نداری و نمی ترسی.» سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را مخصوص رسالت گردانید، و امیر مؤمنان را به امامت شریف گردانید هیچکدام از آنها با من به نزاع پرداختند و خداوند چشم آنها را از من دور گرداند.(1)

11. طب الائمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: با این کلمات خودت را از شر خزندگان تعویذ کن: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست، پناه میبرم به عزت خدا، پناه میبرم به قدرت خدا بر هر آنچه بخواهد از شر تمامی خزندگان که در شب و روز میخزند، به راستی که پروردگارم به راه راست است.(2)

12. طب الائمه: حسین بن یحیی نقل کرد، قمله النسر(3)

مرا گزید و در پوستم داخل شد، درد زیادی کشیدم و از آن نزد امام صادق علیه السلام شکایت بردم، پس فرمودند: دستت را به جایی که درد میکند، قرار ده و بر آن بکش و بعد از نماز صبح، دستت را بر مکان سجده قرار میدهی و میگویی: «شفا فرما ای شفا دهنده هیچ شفایی جز شفای تو وجود ندارد، شفایی که هیچ بیماری بر جای نگذارد» و آن را هفت مرتبه میگویی.(4)

13. طب الائمه: برای مورچه: زیره سیاه را میکوبی و در سوراخ مورچه میاندازی و این دعا را بر چیزی مینویسی و در گوشه های خانه، آویزان میکنی «به نام خداوند بخشنده مهربان اگر به خدا و روز قیامت و به پیامبران و آنچه بر آنها نازل گشت، ایمان دارید، به حق خدا و به حق پیامبرتان و پیامبرمان و آنچه بر آن دو نازل شد میخواهم تا از خانه ما، تغییر مکان دهید».(5)

ص: 194

1- . طب الائمه: 36 - 37

2- . طب الائمه: 119

3- . جانورکی است که از خردی به سختی دیده می شود و نیش آن کشنده است.

4- . طب الائمه: 120

5- . طب الائمه: 140

14. میگویم: در باب مجموعه معجزه‌های رسول صلی الله علیه و آله از تفسیر امام علیه السلام آوردیم، پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر آن دست مسموم نهادند و در آن دمیدند و گفتند: «به نام خداوند شفا دهنده، به نام خداوند عافیت بخش، به نام خدایی که هیچ چیز با وجود اسم او آسیبی نمیرساند و نه بیماری در زمین و آسمان ضرری میرساند و اوست شنوای دانا» سپس فرمودند: با نام خدا بخورید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگران از آن خوردند تا سیر شدند و آسیبی ندیدند. (1).

15. مکارم الاخلاق: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس این کلمات را به زبان آورد من برای او ضمانت میکنم که هیچ عقرب و خزنده‌ای به او آسیب نرساند تا اینکه صبح کند «پناه میبرم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و فاسقی از آنها تخطی نکرد از شر آنچه آفرید و از شر آنچه پدید آورد و از شر تمامی حیواناتی که اختیارشان به دست اوست به راستی که پروردگارم به راه راست است». (2).

امام رضا علیه السلام هرگاه به ستاره‌های در بنات النعش که به آن سهی میگویند، نظر میافکندند، میفرمودند: «خدایا ای پروردگار هود بن آسیه مرا از شر هر عقرب و ماری ایمن بدار» و می فرمودند: هر کس به این ستاره در شب نگاه کند و سه بار آن دعا را بخواند، هیچ عقرب و ماری به او آسیب نرساند.

دعایی دیگر از امام صادق علیه السلام: اسحاق بن عمار به امام عرض کرد: من از عقربها بیمناکم، امام به او فرمودند: به سر ستاره بنات النعش نگاه کن، ستاره کوچکی در کناره ستاره میانی قرار دارد که عرب آن را سهی مینامد و ما آن را اسلم میگوییم، هر شب به آن خیره شو و سه بار بگو «خدایا ای پروردگار اسلم بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فرج آنها را نزدیک بگردان و ما را از شر هر صاحب شری محفوظ و سالم نگه دار.» اسحاق نقل کرد: من یک بار در طول عمرم این کار را ترک کردم که عقرب مرا گزید. (3).

ص: 195

1- . مراجعه کن جلد 17: 329 و 319

2- . مکارم الاخلاق: 336

3- . مكارم الاخلاق: 336

دعوات الراوندی: مثل این حدیث آمده است و اینکه سه بار به آن خیره شو و با این تفاوت که از شر هر صاحب شری در آنجا نیامده است.

16. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از شیر بر خود و گوسفندانش بیم داشته باشد پس خطی بر آن بکشد و بگوید: «خدا یا ای پروردگار دانیال و چاه و پروردگار هر شیر بی باکی، من و گوسفندانم را محفوظ بدار.» (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی هرگاه شیری دیدی و کار بسیار بر تو دشوار گشت، سه بار الله اکبر بگو و بخوان «خدا بزرگتر است و باشکوهتر و عزیزتر و بزرگتر از هر چیزی است، بزرگتر و شکستناپذیرتر از مخلوقاتش و تواناتر، پناه میبرم به خدا از شر آنچه بیم دارم و میهراسم.» انشاء الله تعالی از شر آن در امان میمانی. (2)

کسی که از سیگان و درندگان میترسد بخواند «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَ إِذْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ: به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای خدا امید ندارند در گذرند، تا گروهی را به آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند و ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند، و در گوشهایشان سنگینی. و اگر هر معجزه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند. تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: این چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.» (3)

برای عقربها و مارها: امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگام شب خوانده شود: «به نام خدا و با استعانت از خدا و درود خدا بر محمد و خاندان وی به اذن

ص: 196

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 402
 - 2- . مکارم الاخلاق: 402
 - 3- . مکارم الاخلاق: 402

خداوند تبارک و تعالی تمامی عقربها، مارها، دهانها و دمها و گوشها و چشمها و نیروی آنها را از خود و از دوستانم تا روشنایی روز دور کردم انشاء الله تعالی». (1)

دعای دیگر از امام صادق علیه السلام: «به نام خدا و با استعانت از خدا، توکل کردم بر خدا، هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است، خداوند امر او را رسیدگی میکند، خدایا مرا در جوار و کنار خودت قرار ده و مرا در حفظ و امان خویش قرار ده». (2)

دعایی دیگر از امام صادق فرمودند: قومی نزد رسول خدا آمدند و از عقربها و آنچه از آنها می دیدند، شکایت داشتند، پس حضرت فرمودند: صبحگاهان و شامگاهان بگویید: «پناه میبرم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها تخطی نمیکند او که پناهنده خود را از شر آنچه آفرید و خلق کرد، و از شر شیطان و شریکانش و از شر تمام موجوداتی که اختیارشان به دست اوست محفوظ میدارد، به راستی که پروردگارم به راه راست است» هفت مرتبه.

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس این کلمات را شامگاه به زبان آورد، من تضمین میکنم که هیچ عقرب و یا خزندهای تا صبح به او آسیبی نرساند. (3)

تعویذ مارها: رقیه سلمان پیامبر صلی الله علی نبینا محمد و آله و علیه «بسم الله الرحمن الرحیم خاتم سلیمان بن داود اح اح و ملائکه هبوا سبوا ماروا دار و اذا قوی فوادی مریم هند با بسم الله خاتم و بالله خاتم» آن را سه بار میخوانی، پس او میایستد و زبانش را خارج میسازد، در این هنگام او را بگیر. (4)

اگر خواستی مارها به خانه تو وارد نشود، چهار رقعہ بنویس و در گوشههای خانهات آنها را خاک کن «بسم الله الرحمن الرحیم هجه مهجه و یهود محنا و اطرد». (5)

ص: 197

1- . مکارم الاخلاق: 402

2- . مکارم الاخلاق: 473

- 3- . مكارم الاخلاق: 473
- 4- . مكارم الاخلاق: 473
- 5- . مكارم الاخلاق: 474

تعویذی برای عقرب: در اول روز پنجم اسفند ماه آن را بنویسد، با وضو باشد و با کسی صحبت نکند تا نوشتنش تمام شود و آن را حفظ کند و دیگر عقربی او را نمیگذرد: «بسم الله سَجَّه سَجَّه قَرْنِيَّه قَرْنِيَّه مَلَحَه بحرَقَعِيَا تعطا قطعهُ».

این تعویذ برای مار نیز روایت میشود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آن را مینویسی و در شکاف دیوار خانه قرار میدهی، که میافتد و دو نصف میشود.

ابراهیم نخعی نقل کرد: ماری گردن ما را نیش زد، و اسود بن یزید مرا تعویذ کرد، پس بهبودی یافتم. (1)

تعویذی برای پشه: میگوید: ای سیاه جهندهای که به قفل و در توجه نداری، تو را به ام الكتاب قسم میدهم که من و همراهانم را نیازاری تا اینکه شب سر آید و تا اینکه صبح بیاورد آنچه را که آورد و سوگند به کسی که می شناسی تا زمانی که صبح بازگردد به آنچه بازگشت». (2)

17. دعوات الراوندي: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حال نماز بودند عقربی ایشان را گزید، پس فرمودند: خدا عقرب را لعنت کند، اگر کسی را واگذارد این مصلی را رها می کند یعنی خودشان صلی الله علیه و آله سپس بر آب دعایی خواندند و حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را بر آن تلاوت کردند و جرعه‌ای از آن نوشیدند سپس مقداری نمک خواستند و آن را با آب آمیختند و آن موضع را مالش دادند تا آرام گرفت.

زمانی که نوح علیه السلام بر کشتی سوار گشت، ابا ورزید از اینکه عقرب نیز وارد شود، پس عقرب گفت: قول میدهم نیش زنم که کسی که بگوید: «سلام بر محمد و خاندان محمد و بر نوح در جهانیان».

ص: 198

1- . مکارم الاخلاق: 474

2- . مکارم الاخلاق: 473

روایات:

1. أمالی: أشجع سلمیٰ بر امام صادق علیه السلام وارد شد و عرض کرد: سرورم، من بسیار سفر میکنم و به مکانهای ترسناکی میرسم، مرا چیزی بیاموز تا خود را ایمن گردانم، فرمودند: هرگاه از چیزی ترسیدی، دست راست خود را بر سرت قرار ده و با صدای بلند بخوان «أَفَعَبَرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ: آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او باز گردانیده می شوند». أشجع نقل کرد به وادی رسیدم که به داشتن جن موصوف بود و شنیدم که صدایی گفت: او را بگیرد پس آن آیه را خواندم و صدایی دیگر گفت: چگونه او را بگیریم در حالی که به آیه ای پاک قرآن پناه برده است. (1).

2. محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه راه بر شما غیر آشکار گشت، پس اذان نماز را سر دهید. (2).

3. طب الائمه: مردی نزد امام صادق علیه السلام شکایت کرد و گفت: طفلی دارم که بادی بر او عارض می شود و چنان بهسختی مبتلاست که از او ناامید میگردم، ای فرزند رسول خدا اگر صلاح میدانی از خداوند عزّ و جلّ برای او عافیت را بخواه. نقل کرد: امام به درگاه خداوند برای آن طفل دعا کرد، سپس فرمودند:

ص: 199

هفت بار برای او سوره حمد را با زعفران و مشک بنویس سپس آن را با آب بشوی و باید تا یک ماه از آن بنوشد تا عافیت یابد، نقل کرد: یک شب چنین کردیم که دیگر به او بازنگشت و فرزندم راحت شد و ما نیز راحت شدیم. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه سوره حمد بر هر دردی از دردها هفتاد بار خوانده شود، به اذن خداوند متعال آرام خواهد گرفت. (2)

4. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: برای تعویذ کسی که صرع دارد، میگوی «ای باد به همان سوگندی که علی بن ابی طالب علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله جنیان وادی صبره را قسم دادند و آنها اجابت کردند و اطاعت نمودند، تو را قسم میدهم که اجابت کنی و اطاعت نمایی و همین لحظه از فلان فرزند فلانه خارج شوی. (3)

5. طب الاثمه: مردی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد در حالی که جنونی بر او عارض می شد، امام صادق علیه السلام به او فرمودند: هرگاه به بستر رفتی این دعا را بخوان «به نام خدا و با استعانت از خدا به خدا ایمان آوردم و به طاغوت کفر ورزیدم. خدایا مرا در خواب و بیداری حفظ فرما، پناه میبرم به عزت خدا و شکوه او از آنچه در تن دارم و میهراسم» آن مرد نقل کرد: چنین کردم و به اذن خداوند متعال شفا یافتم. (4)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس به جنون مبتلا شود، باید در شب جمعه خود را به این دعای مفید و شفا دهنده، تعویذ نماید و مثل همان حدیث اول را ذکر کردند و فرمودند: هرگز باز نخواهد گشت و باید آن را سحرگاه بعد از استغفار و پایان نماز شب انجام دهد. (5)

ص: 200

1- . طب الاثمه: 88

2- . طب الاثمه: 88

3- . طب الاثمه: 92

4- . طب الاثمه: 107

5- . طب الاثمه: 107

6. طب الاثمه: شخصی از دوستان امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: ای فرزند رسول خدا من دختر کوچکی دارم که دلم برایش میسوزد، او شبها و روزها بسیار ناله میکند، اگر صلاح میبینید برای بهبودیاش به درگاه خدا دعا فرمایید، نقل کرد: امام برای او دعا نمودند، سپس فرمودند: بگو او را حجامت کنند که برای او سودمند است.(1)

شخصی به خدمت امام باقر علیه السلام چنین شکایت برد: ای فرزند رسول خدا، من کنیزی دارم که ارواح به سراغ او میآیند، امام فرمودند: او را با سوره فاتحه الكتاب و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق ده بار ده بار تعویذ کن، سپس آن را در جامی با مشک و زعفران بنویس و به او بنوشان و نوشیدنی و وضو و غسل او باید از این آب باشد، پس این کار را در طی سه روز انجام دادم، خداوند آن را از او برطرف نمود.(2)

7. طب الاثمه: امام صادق علیه السلام فرمودند: غالب این ارواح به خاطر غلبه صفرا یا خون سوخته شده یا بلغم زیاد می باشد، پس انسان باید چنان خود را مراقبت کند که هیچکدام از این طبعها بر دیگری غلبه نکند که او را هلاک میسازد.(3)

امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که صرح دارد، پس ظرفی آب طلب کردند و حمد و سورههای قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را خواندند و بر آن دمیدند، سپس امر فرمودند ظرف آب را بر سر و صورت او بریزید که بهبود یافت و به او فرمودند: هرگز باز نخواهد گشت.(4)

8. طب الاثمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که جن به سوی او سنگ پرتاب کرد باید آن سنگ را بردارد و به همان طرف بیاندازد و بگوید

ص: 201

1- . طب الاثمه: 108

2- . طب الاثمه: 108

3- . طب الاثمه: 110

4- . طب الاثمه: 111

«خداوند برای من کافی است و صدایی کسی که او را میخواند، شنید، هیچ نقطه‌ای بالاتر از خدا وجود ندارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مرغ و خروسهای خانه‌تان را زیاد کنید تا شیاطین به جای فرزندان‌تان به آنها مشغول شوند.(1)

9. طب الائمه: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا من کنیزی دارم که ناله‌اش در خواب بسیار است. و هرگاه حال او بسیار وخیم گردد آرام نمیشود، و بازویش فلج میشود، طبیبی که او را معاینه کرده است گفته است: او از اهل زمین آسیبی دیده که علاج آن ممکن نیست، امام علیه السلام فرمودند: بگو او را حجامت کنند، برای او آب شوید پخته با غسل تهیه کن و سه روز به او بنوشان، نقل کرد، چنین کردم و به اذن خداوند عز و جل بهبودی یافت.(2)

10. مکارم الاخلاق: برای صرع: «ما را چه شده که بر خدا توکل نمیکنیم».(3)

برای ترس کودکان: سوره إذا زلزلت «قَصَرْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْجَرْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَيْتُوا أَمَدًا: پس در آن غار، سالیانی چند بر گوشه‌هایشان پرده زدیم آنگاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده اند».(4)

و آیه شهد الله(5)

و «قل ادعوا الله تا آخر سوره(6)

[«و لقد جائکم تا آخر سوره(7)

و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کافی است و به امر او رسیدگی میکند.(8)

11. به نقل از خط شهید رحمه الله از عبد الرحمن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شیاطین از کوهها و وادیها سرازیر شدند، و به همراه آنان شیطانی بود

- 1- . طب الائمه: 112
- 2- . طب الائمه: 135
- 3- . مكارم الاخلاق: 433، ابراهيم/ 12
- 4- . كهف/ 12 - 12
- 5- . آل عمران/ 16
- 6- . اسراء/ 110
- 7- . براءه/ 129
- 8- . مكارم الاخلاق: 443. میان دو علامت از مصدر اضافه شده است.

که شعلهای از آتش داشت و میخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله را بسوزاند پس از آنها خوف داشت، جبرئیل علیه السلام نازل گشت و فرمود: ای محمد بگو! گفت: چه بگویم؟ گفت بگو: «پناه میبرم به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها تجاوز نمیکند از شر آنچه آفرید و پدید آورد و خلق کرد و از شر آنچه از آسمان نازل میکند و از شر آنچه از آن خارج میشود و از شر فتنههای شب و روز و شرّ پیشامدها مگر پیشامدی که خیر آورد ای بخشایشگر» نقل کرد: پس آتش خاموش گشت و خداوند عزّ و جلّ آنها را شکست داد.

12. دعوات الراوندی: یکی از دوستان امام هادی علیه السلام به ایشان نامه‌ای نوشتند و شکایت کردند از بادی که بر کودکان عارض گشت، امام فرمودند: در کاغذی بنویس و بر او بیاویز، و او چنین کرد و به اذن خدا عافیت یافت. و آن دعا این بود «به نام خداوند بلندمرتبه بزرگ بردبار کریم، دیرینهای که از بین نمیرود، پناه میبرم به عزت آن زندهای که نمیمیرد از شرّ هر زندهای که میمیرد».

13. کتاب زید الزرادی: نقل کرد: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا جنیان انسان را میدزدند؟ فرمودند: اگر کسی صبح و شب این کلمات را بر زبان جاری سازد، توانایی چنین کاری را ندارند، ای گروه جنیان و انسیان، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. جز با تسلطی رخنه نمی‌کنید. شما هیچ تسلطی بر من و خانهام و خانواده و فرزندانم ندارید، ای ساکنان هوا و ای ساکنان زمین، شما را قسم میدهم به خدایی که علی بن ابی طالب جنیان وادی صبره را به او سوگند داد که هیچ تسلطی بر من و کسانی که از نزدیکان من هستند، نداشته باشی، ای جنیان صالح و ای جنیان مؤمن، شما را قسم میدهم به پیمانی که خداوند از شما گرفت مبنی بر اطاعت از فلان فرزند فلان حجت خدا بر تمامی مخلوقات» و دوستت را نام ببری «بدترین فاسقان خود را از من بازدارید تا بدی به من نرسانند، به واسطه شنیدن خدا و دیدن خدا از گوش‌ها و چشم‌های شما بازداشتم و به قدرت و نیروی خداوند از ریسمانها و مکرهای شما خود را حفظ کردم، اگر مکر کنید خداوند شما را مکر میکند و او بهترین مکرکنندگان است.

خود خانواده و فرزندان و تمام نزدیکانم را در جوار و حفظ خدا و جوار محمد فرزند عبد الله رسول خدا صلی الله علیه و آله و جوار علی بن ابی طالب صلوات الله علیه قرار دادم، به خدا و آن دو، خود را حفظ نمودم و خدا و آن دو حائلی جستم از شر فاسقان شما و از شر فاسقان آدمیان و عرب و عجم و اگر پشت کردند بگو خدا برای من کافی است، خدایی جز او نیست، بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش با عظمت است.

هیچ راهی برای شما نیست و هیچ تسلطی ندارید، به چیرگی خدا بر تسلط شما غلبه کردم و به قدرت خدا شما را شکست دادم و بر فریب شما و ریسمانهاتان و نیرنگ شما و لشکر پیاده و سواره شما و چیرگیتان و قدرتتان چیره گشتم با قدرت خدا و شکست ناپذیری او و پادشاهیاش و عظمت او و به آن اسمی که امیر مؤمنان علیه السلام جنیان وادی صبره را سوگند داد که طغیان و سرکشی و تجاوز نکنند و آنها بعد از قدرتشان با خواری تسلیم وی شدند، پس شما هیچ قدرت و راهی ندارید، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد.

نقل است: سالی به حج رفتیم و هنگامی که میان دیوارهای خرابه‌های مدینه رسیدیم، رفیق خود را که از برادرانمان بود گم کردیم و هرچه از پی او گشتیم، او را نیافتیم، مردم مدینه به ما گفتند: دوست شما را جن دزدیده است. خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و حال او و گفتار مردم مدینه را به اطلاع ایشان رسانیدم پس به من فرمودند: به مکانی که دزدیده شد یا اینکه فرمودند: مفقود شد، برو و با صدای بلند بگو «ای صالح بن علی، جعفر بن محمد به تو میگوید: آیا علی بن ابی طالب اینچنین با جنیان پیمان بست، فلانی را میخواهم تا او را به دوستانش بازگردانی، سپس بگو «ای گروه جنیان شما را قسم میدهم به آنچه علی بن ابی طالب شما را به آن سوگند داد تا دست از دوست من بردارید و راه را به او نشان دهید».

نقل کرد: چنین کردم، ناگهان دوستم را دیدم که از یکی از خرابه‌ها خارج شد و گفت: شخصی بر دیدگانم ظاهر شد که تاکنون زیاتر از او ندیده بودم، پس گفت: ای جوان گمان میکنم تو دوستی خاندان محمد را داری؟ گفتم: آری، پس گفت:

اینجا مردی از خاندان محمد است آیا میخواهی او را پاداشی دهی و بر او سلام کنی؟ گفتم: آری، پس مرا به داخل آن دیوارها برد و در جلوی من راه میرفت تا اینکه دور شد از نظر غایب گشت و من بیهوش شدم و همانطور ماندم، نمیدانستم در کجای زمین خدا قرار دارم تا الان که شخصی آمد و مرا برداشت و به این راه آورد.

امام صادق علیه السلام را خبر دادم پس فرمودند: آن غوَال یا غول، نوعی از جن که انسان را فریب میدهد، هرگاه یک نفر دیدی از او راهنمایی مخواه و اگر شما را راهنمایی کرد، بر خلاف آن عمل کنید و اگر او را در خرابه‌ای یا بیابانی دیدید، در مقابل او اذان بگویید و با صدای بلند بگو: «پاک و منزّه است خدایی که در آسمان ستارگان مایه طرد شیاطین قرار داد، تو را قسم میدهم ای خبیث به خدایی که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه به آن سوگند خورد و تیر خدا را انداختم که به خطا نمی‌رود و گوش خدا را بر گوش و چشم تو قرار دادم و به عزت خدا تو را خوار نمودم و به قدرت خدا بر چیرگیات غالب شدم، ای خبیث تو تسلطی بر من نداری» به راستی که تو بر او غلبه خواهی کرد و او را برمیگردانی انشاء الله.

هرگاه راه را گم کردی با صدای بلند اذان بگو و بگو «ای رونده خدا ما را به راه هدایت نماید، خدا شما را رحمت کند، راه را به ما بنماید تا خداوند شما را هدایت کند» اگر راه را پیدا نکردی پس صدا بزن ای جنیان سرکش و ای شیاطین طاغی، راه را به من نشان دهید و الا شما را به تیری که به خطا نرود و آن سوگند علی بن ابی طالب است، هدف قرار می‌دهم. ای شیاطین سرکش، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. جز با تسلطی رخنه نمی‌کنید. خداوند با لشکر پیروز خود بر شما غلبه خواهد کرد و با قدرت چیره خود بر شما تسلط مییابد و با عزت استوار خود شما را خوار میسازد، پس اگر پشت کردند بگو خدا مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت و اذان را با صدای بلند بگو تا راه یابی و راه را پیدا کنی انشاء الله.

باب صد و پنجم : دعا‌های برآورده شدن حاجات، شامل دعا‌های همراه با اصرار و دیگر دعا‌های متناسب با آن

روایات:

1. می‌گوییم: در روایت اعرابی و شتر آمد که امیر مؤمنان شخص عربی را می‌بیند که به پرده‌های کعبه چنگ زده است و می‌گوید: «ای صاحب خانه، خانه، از آن توسست و مهمان هم مهمان توسست، و هر مهمانی پذیرایی دارد، پس پذیرایی مرا در این شب، مغفرت خویش قرار ده» پس امیر مؤمنان علیه السلام به یاران خویش فرمودند: آیا نمیشنوید سخن این مرد عرب را؟ گفتند: چرا می‌شنویم. فرمودند: خداوند بزرگتر از آن است که مهمان خود را برگرداند، نقل کرد: در شب دوم او را دیدند در حالی که به آن رکن، چنگ انداخته بود و می‌گفت: ای که در عزت خود، عزیزی و هیچ کس در عزت تو عزیزتر از تو نیست، مرا به عزت عزتت، عزت بخش، در عزتی که هیچ کس نداند چگونه است، به تو روی آوردم و حق محمد و خاندان محمد بر تو را وسیله‌ای به سوی تو قرار دادم، عطا کن، من آنچه را حق غیر تو عطا نمیکند و بگردان از من آنچه را غیر تو آن را برنمیگرداند.

نقل کرد: امیر مؤمنان علیه السلام به یاران خویش فرمودند: به خدا سوگند، این اسم اکبر خدا به زبان سریانی است که محبوب من رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من فرمودند، از او بهشت را خواست، پس به او عطا کرد و دوری از آتش را مسألت کرد و آن را از او دور گرداند، نقل کرد: در شب سوم او را یافت در حالی که به آن رکن چنگ انداخته بود و می‌گفت: «ای کسی که جایی او را در بر

نمیگیرد و هیچ مکانی از او خالی نیست، بدون چگونگیهای گذشته، به این باده نشین، چهار هزار درهم عطا نما».(1)

2. قرب الاسناد: شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعایی به من بیاموزید، امام به او فرمودند: چرا دعای اصرار را نمیخوانی، آن شخص عرض کرد: دعای اصرار چیست؟ به او فرمودند: میگوی «خدایا ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در آنهاست و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار عرش با عظمت، و پروردگار محمد خاتم پیامبران، از تو میخواهم به نامت که آسمان بدان برپا گشت و زمین بدان پابرجاست، و به واسطه آن، جمع را میپراکندی و پراکنده را جمع میکنی و بدان زندگان را روزی میرسانی و به وسیله آن خاک و ریگ و برگ درختان و قطرات دریاها را به شماره درآوردی، بر محمد و آل محمد درود فرستی» و حاجت را میخواهی، و در طلب آن پافشاری میکنی؛ زیرا خداوند اصرار بندگان مؤمن و مصر خود را دوست دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعای اصرار است «ای کسی که آسمانی، آسمان دیگر را از تو نمیپوشاند و نه زمینی، زمین دیگر، و نه پهلویی از قلب و نه پوشش از درون، و نه کوهی از میان خود و نه دریا از عمق خود، ای کسی که صداها بر تو مشتبّه نمیگردد و بسیاری حاجات بر تو غلبه نمیکند و پافشاری اصرارکنندگان تو را، بر محمد و خاندان محمد درود فرست» سپس حاجت را بخواه.(2)

3. الخصال: علی بن ابی طالب علیه السلام به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان چیزی خواستند. پیامبر اکرم فرمودند: ای علی سوگند به خدایی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، هیچ چیز کم و زیادی ندارم، ولی چیزی به تو میآموزم که دوستم جبرئیل برای من آورد، و گفت: ای محمد، این هدیه‌ای است از جانب خدای عزّ و جلّ برای تو که تو را بدان گرامی داشت و آن را به پیامبران پیشین عطا ننمود و آن نوزده حرف است که هر غمزده و گرفتار و اندوهناک و

ص: 207

1- . این حدیث در جلد 41: 47 - 44 ذکر شد از کتاب أمالی: 282 - 280.

2- . قرب الاسناد: 5

غمگینی آنها را بخواند و در دزدیها و آتشسوزیها و بندهای که از حاکم میترسد، خداوند برای آنها گشایش حاصل کند و آن نوزده حرف است که چهارتای آن بر پیشانی اسرافیل است و چهارتای آن بر پیشانی میکائیل و چهارتای آن گرداگرد عرش و چهارتای آن بر پیشانی جبرئیل نوشته شده است و سه تای آنها در جایی است که خدا بخواند.

علی بن ابی طالب علیه السلام عرض کردند: ای رسول خدا چگونه با آنها دعا کنیم؟ فرمودند: بگو: «ای ستونی که تکیهگاهی نداری و ای ذخیره‌ای که اندوخته‌ای نداری و ای سندی که پشتوانهای نداری و ای حرزی که محافظی نداری و ای فریادرسی که فریادرسی نداری، ای صاحب عفو بزرگوارانه و ای نیکوکردار، و ای کسی که امید به او فراوان است، ای عزت ضعیفان و ای نجات بخش غریقان و ای رهاینده هلاک شدگان، ای نیکوکار، ای زیباکردار، ای نعمت رسان ای بخشنده فضل، تو کسی هستی که سیاهی شب و روشنایی روز و نور ماه و پرتو خورشید و صدای آب و برگ درختان بر تو سجده کردند، ای خدا ای خدا ای خدا تو یکتایی و شریکی نداری» سپس بگو: خدایا در حق من چنین و چنان کنی و به راستی از جای خود برنمیخیزی مگر اینکه خداوند دعای تو را مستجاب میکند انشاء الله. ابوصالح نقل کرد: این دعا را به کم خردان نیاموزید. (1)

4. أمالی: منصوری از عموی پدرش نقل کرد: به امام علی بن محمد علیهما السلام عرض کردم: ای سرور من دعایی به من بیاموزید تا به درگاه خداوند عزّ و جلّ نزدیکی جویم، به من فرمودند: این دعایی است که بسیاری از اوقات آن را میخوانم و از خدای عزّ و جلّ خواستم تا هر کس این دعا را بعد از من در محل شهادتم بخواند، ناامید نگردد و دعا این است: «ای توشه من در نزد توشهها، و ای امید و تکیهگاه من، ای پناهگاه و پشتوانه من، ای یگانه ای یکتا و ای قل هو الله احد، کسی را همانند او قرار ندادی بر گروه آنان درود فرست و در حق من چنین و چنان کن». (2)

ص: 208

1- . الخصال 2: 96

2- . أمالی الطوسی: 286

دعوات الراوندی: مثل این حدیث آمده است.

میگویم: این حدیث با سندی دیگر در باب زیارات خواهد آمد.

5. أمالی: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه دچار گرفتاری و یا غم و اندوهی میشوند این دعا را میخواندند «ای زنده، ای پایدار، ای زندهای که نمیمیرد، خدایی جز تو نیست ای زداينده غمها و اجابتکننده دعای درماندگان، از تو میخواهم به اینکه حمد و سپاس از آن توست، خدایی جز تو وجود ندارد تو بخشنده، آفریننده، آسمانها و زمین، صاحب شکوه و بزرگی و بخشایشگر و مهربان در دنیا و آخرتی، چنان مرا مورد رحمت قرار ده تا از رحمت دیگر بینياز گردد ای مهربانترین مهربانان». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مسلمانی که این دعا را سه بار بخواند، حاجتش برآورده میشود، مگر اینکه خواهان گناه یا قطع رحمی باشد. (1)

میگویم: مطالب متناسب با این باب در بخش دعاهاى فرج آوردهایم.

6. محاسن: عبدالله بن جعفر نقل کرد: عمویم علی بن ابی طالب به من فرمودند: آیا نیاموزم به تو کلماتی که به حسن و حسین نگفتم، هرگاه حاجتی به درگاه خدا داشتی که دوست داری برآورده گردد، بگو: «خدایی جز خدای بردبار و کریم وجود ندارد خدایی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد، پاک و منزّه است خدا پروردگار هفت آسمان و آنچه در آنها و میان آنهاست و پروردگار عرش باعظمت و سپاس از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است، خدایا از تو میخواهم به اینکه تو پادشاه توانگری و بر هر چیز توانایی، و هر چیزی بخواهی میشود». سپس حاجت را بخواه. (2)

7. غیبه: امام صادق علیه السلام در دعای اصرار میفرمودند: «خدایا از تو میخواهم به نامت که آسمان را بدان برافراشتی و زمین را بدان برپاساختی و خود به واسطه آن میان حق و باطل جدایی انداختی و به وسیله آن پراکندهها را جمع کردی و جمع را متفرق ساختی و بدان سنگریزهها و وزن کوهها و پیمان دریاها را به

- 1- . أمالى الطوسى 2: 125
- 2- . المحاسن: 34

شماره آوردی بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در امر من گشایش و راه خروجی قرار ده. (1)

میگویم: صورت کامل این روایت با سندهای آن را در باب کسی که قائم علیه السلام را دید و باب دعا‌های امامان علیهم السلام، آوردیم. (2)

8. فقه الرضا: هرگاه در کار خود به شخصی نیاز داشتی بگو: «خیر تو میان چشمان توست و شر تو زیر گامهایت قرار دارد من برای تو از خدا طلب یاری میکنم». این دعا را چندین بار میخوانی.

9. مناقب: ابن سعد نقل کرد، که او مردی دید که بر کوه ابی قیس نشسته است و به اندازه یک نفس گفت «یارب یا رب: ای پروردگار من» سپس به اندازه یک نفس گفت: «یا ابا یا ابا: ای پروردگار» و به اندازه یک نفس گفت: «یا حی یا حی: ای زنده» و به اندازه یک نفس گفت: «یا رحیم یا رحیم: ای مهربان» و به اندازه یک نفس و هفت مرتبه گفت: «یا ارحم الراحمین: ای مهربانترین مهربانان» سپس گفت: «خدایا من بسیار به این انگور میل دارم پس مرا از آن اطعام کن، خدایا پیراهنم نیز کهنه گردید پس مرا بپوشان».

لیث نقل کرد: به خدا سوگند کلامش تمام نشده بود که چشمم به سبزی پر از انگورو دو جامه رنگی افتاد در حالی که در آن زمان، انگور بر روی زمین وجود نداشت. به نزدیک او رفتم و همراه با شروع به خوردن کردم و آن دو جامه را پوشید و سپس از کوه پایین آمدم و در راه با فقری برخورد کرد و جامه کهنه خود را بدو بخشید، سپس رفت، در مورد او پرس و جو کردم، گفتند، او جعفر صادق علیه السلام است. (3)

ص: 210

-
- 1- . غیبه الشیخ الطوسی: 68
 - 2- . مراجعه کن به جلد 52: 7 و 6، تاریخ الامام الثانی عشر الحجه القائم 94: 188 از کتاب الدعاء به نقل از کتاب کمال الدین 2: 144
 - 3- . مناقب آل ابی طالب 4: 232

میگویم: این روایت در کشف الغمه نیز آمده است و در آن، به اندازه یک نفس «یا ربّ یا ربّ» و به اندازه یک نفس «ربّ ربّ: پروردگار من» و به اندازه یک نفس (یا الله یا الله) تا آخر دعا. (1)

10. مکارم الاخلاق: دعای امیر مؤمنان علیه السلام برای برآورده شدن حاجت: «خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد، بردبار و کریم است خدایی جز خدای یگانه نیست یکتاست و شریکی ندارد، بلندمرتبه و بزرگ است، سپاس خدایی را که کارهای نیک با نعمتهای او انجام میپذیرد ای او ای او، او ای کسی که جز او نیست مگر او یا او ای کسی که جز او کسی نیست مگر او. (2)

دعایی دیگر در طلب حاجت: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که پدرم نیازی مبرم داشتند: به سجده میرفتند بدون اینکه سوره‌های را تلاوت کنند یا رکوعی به جا آورند، و هفت بار میخواندند و یا ارحم الراحمین و هرگاه مؤمنی این ذکر را بگوید: خداوند جلّ جلاله میفرماید: منم که مهربانترین مهربانانم، حاجت را بخواه. (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی، هرگاه از منزل به طلب حاجتی بیرون شدی آیه الكرسي را بخوان تا نیازت برطرف گردد انشاء الله. (4)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بدون وضو برای رفع نیاز و کار خود برخیزد و کارش راه نیافتد، خودش را ملامت کند. (5)

در کتاب عیون اخبار الرضا روایت است حضرت علی علیه السلام فرمودند: هرگاه یکبار شما را حاجتی باشد، صبح زود روز پنجشنبه به طلب آن برآید و

ص: 211

1- . کشف الغمه 2: 420 و مفصل است و علامه در جلد 47: 142. از تاریخ امام صادق علیه السلام آن را آورده است، مراجعه کن.

2- . مکارم الاخلاق: 398

3- . مکارم الاخلاق: 398

4- . مکارم الاخلاق: 398

5- . مكارم الاخلاق: 399، و در كتاب العيون 2: 40 آمده است.

هنگام خروج از منزل آخر سوره عمران، آیه الكرسي، انا انزلناه فی ليله
القدر و ام الكتاب را بخواند، به راستی که رفع حوائج دنیا و آخرت در
اینهاست. (1)

در کارهای مهم: هرگاه شخصی به سختی و گرفتاری افتد، لباس را از
زانوها و بازوهایش کنار بزند و آنها را به زمین بچسباند و سینه خود را نیز
در تماس با زمین قرار دهد، سپس دعا کند. (2)

دعای دیگر: حضرت علیه علیه السلام به فرزندش فرمودند: هرگاه امر
مهمی در امور دینی یا دنیوی برایت حاصل شد، وضو بگیر دستهایت را بالا
ببر و هفت مرتبه بگو: «یا الله یا الله: ای خدا» که دعایت مستجاب میشود.
(3)

دعای دیگر: امام کاظم علیه السلام فرمودند: هر کس به غم و اندوه و
گرفتاری و مشکلی برخورد و سرش را رو به آسمان کند و سه بار بگوید
«بسم الله الرحمن الرحيم: به نام خداوند بخشایشگر مهربان» گره‌اش
گشوده می شود و اندوهش برطرف میگردد، انشاء الله تعالی. (4)

11. مکارم الاخلاق: هرگاه حاجتی داشتی بگو «خدایا از تو میخواهم به نام
بلند و بزرگ عزیز و باشکوه با عظمت و بزرگواری که در حق من چنین کنی،
به راستی که مستجاب میشود. (5)

12. کشف الغمه: به نقل از کتاب الدلائل از حمیری، امام باقر علیه السلام
فرمودند: زمانی که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، محمد
بن حنفیه خدمت علی بن حسین آمد و عرض کرد: ای فرزند برادرم، من
عموی تو و همچون پدر تو و بزرگتر از تو هستم، من به امامت و جانشینی
سزاوارترم، پس سلاح رسول خدا را به من بده، علی بن حسین فرمودند:
ای عمو، بترس از خدا و آنچه که برای تو نیست، ادعا نکن، من از کوتاهی
عمر و امور پراکنده بر تو میترسم، محمد

ص: 212

1- . مکارم الاخلاق: 399، و در کتاب العیون 2: 40 مراجعه کن.

2- . مکارم الاخلاق: 399

3- . مکارم الاخلاق: 399

4- . مكارم الاخلاق: 399

5- . مكارم الاخلاق: 405

بن حنفیه عرض کرد: من به این کار از تو شایسته‌ترم، علی بن حسین فرمودند: ای عمو می‌خواهی به نزد حاکمی برویم تا او برایمان حکم کند؟ گفت: چه کسی؟ فرمودند: حجر الاسود.

نقل کرد: پس برای داوری به سمت حجر الاسود رفتند و در کنار آن ایستادند. علی بن حسین فرمودند: ای عمو، شما شروع سخن کنید؛ زیرا طالب حقی هستید، نقل کرد: پس محمد بن حنفیه سخن گفت و جوابی نشنید، و در این هنگام علی بن حسین جلو رفتند و دستشان را بر روی سنگ گذاشتند و خواندند: خدایا از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای زیبایی، به نام مکتوب تو در سرسرای عظمت، و به نام مکتوب تو در سرسرای قدرت، و به نام مکتوب تو در سرسرای شکوه، و از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای پادشاهی و از تو می‌خواهم به نام مکتوب تو در سرسرای رازها و از تو می‌خواهم به نام بالا و آگاه بیننده تو، پروردگار هشت فرشته، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران، که این سنگ را به زبان فصیح عربی به سخن آوری و خبر دهد امامت و جانشینی بعد از حسین بن علی، شایسته چه کسی است؟

نقل کرد: سپس علی بن حسین به کنار سنگ رفتند و خواندند از تو می‌خواهم به آن کسی که پیمان‌نامه بندگان و گواهی بر کسی که به تو وفا کرد را در تو قرار داد، خبر دهی امامت و جانشینی بعد از حسین بن علیهِ السلام برای چه کسی است؟ سنگ تکانی خورد و نزدیک بود از جای خود حرکت کند، و به زبان عربی فصیح گفت: «ای محمد، تسلیم شو به راستی که امامت و جانشینی بعد از حسین برای علی بن حسین است». امام باقر علیهِ السلام فرمودند: پس محمد بن حنفیه بازگشت در حالی که میگفت: پدرم به فدای علی. (1)

13. کشف الغمه: به نقل از کتاب الدلائل از حمیری، به همراه حضرت کاظم علیهِ السلام بودیم که به بصره وارد شدند و وقتی که به مدائن نزدیک شدیم و سوار بر کشتی شدیم و کشتی پشت سر ما بود که در آن مراسم عروسی بود و غوغایی بر پا

ص: 213

بود. پس فرمودند: این سر و صدا برای چیست؟ عرض کردیم: عروسی است. طولی نکشید که فریادی بر آمد. فرمودند: این چیست؟ گفتند: عروس رفت تا آبی برگیرد پس النگوی طلای او افتاد و او فریاد زد، پس فرمودند: بازدارید و به کشتیانشان بگویند بازداشته شود. پس باز داشته شدیم و کشتیانشان را بازداشتیم، پس بر کشتی تکیه نمودند و اندکی نجوا نمودند و فرمودند: به کشتیانشان بگویند لنگی بپوشد و پایین رود و النگو را بردارد و پس نگاه کردیم و دیدیم که النگو بر زمین است و آب بسیار کم است پس کشتیان فرود آمد و النگو را برداشت پس فرمودند: به او بده و به او بگو: باید خدا پروردگار خود را سپاس گوید، سپس رفتیم.

برادرشان اسحاق به ایشان فرمودند: فدایت شوم، دعایی را که خواندید به من بیاموزید؟ فرمودند: آری، ولی آن را به کسی نیاموز که شایسته آن باشد و آن را به شیعیان ما بیاموز، سپس فرمودند: بنویس و بر من املا کردند:

«ای سبقتگیرنده بر از دست رفته‌ها، ای شنونده هر صدای قوی یا پنهانی تاریکیهای سخت تو را فرا نمیگیرد و زبانهای مختلف تو را به اشتباه نمیاندازد و چیزی تو را از چیز دیگر مشغول نمیکند، ای کسی دعای دعاکننده در آسمان او را به خود مشغول نمیکند، ای آنکه در تمام مخلوقاتش، گوش شنوا و چشم نافذ دارد، ای آنکه بسیاری امور او را به اشتباه نمیاندازد و پافشاری اصرارکنندگان او را خسته نمی کند، ای زنده که هیچ موجود زنده‌ای در طول فرمانروایی و ماندگاریاش وجود ندارد، ای کسی که در اوج، ساکنی و با نور خداوند از مخلوقات، پنهان شدی، ای آنکه تاریکیها به نور تو روشن گشتی، از تو میخواهم به نام یگانه یکتا بینظیر بینیازی که از تمامی پایه‌های توست، بر محمد و خاندانش درود فرست» سپس حاجت رابخواه.(1)

14. فلاح السائل: امام هادی عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: هر کس این دعا را قبل از دعای خود بخواند، مستجاب گردد، و یک بار دیگر آن را برای ما روایت کردند، امام صادق علیه السلام فرمودند:

ص: 214

هر کس میخواهد دعایش مستجاب گردد، این دعا را بر دعای خود مقدم بدارد: «آنچه خدا خواست به سوی او روی میکنم، آنچه خدا خواست او را میپرستم، آنچه خدا خواست مهربانی از سوی اوست، آنچه خدا خواست من در مقابل او ذلیم، آنچه خدا خواست از او یاری میطلبم، آنچه خدا خواست در برابر او فروتنم، آنچه خدا خواست به سوی او ناله میکنم، آنچه خدا خواست از او کمک میگیرم، آنچه خدا خواست از او فریادخواهی میکنم، آنچه خدا خواست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد. (1)

15. العتیق الغروی: منصوری از پدرش نقل کرد: به مولایمان امام هادی علیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموزید و مرا به آن اختصاص ده، فرمودند: بگو: یا با موسی «ای توشه من در مقابل توشها، ای امید و تکیهگاه من، ای پناهگاه و پشتوانه من، و ای یگانه و ای یکتا ای کسی که اوست خدای یکتا، از تو میخواهم به حق کسی که او را از مخلوقات آفریدی ولی در میان آنان کسی را همانند او نگردانیدی، بر تمامی آنها درود فرستی، و در حق من چنین و چنان کنی....» به راستی که من از خدا خواستهام تا دعاکننده به این دعا را ناامید نگرداند.

16. أمالی: یحیی بن علا نقل کرد: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: این دعا را بخوان و من حاجت تو را در نزد خدا، تضمین میکنم، «خدایا تو سرپرست نعمت من هستی و تو بر خواسته من توانایی، حاجتم را میدانی از تو میخواهم به حق محمد و خاندان او که حاجتم را برآوری». (2)

17. دعوات الراوندی: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس صد آیه از قرآن، از هر جای آن، بخواند و سپس هفت بار بگوید: یا الله، اگر بر صخره دعا کند، آن را از جای برمیکند، انشاء الله.

امام رضا علیه السلام فرمودند: به سبب بعضی از کارها و غمناک و اندوهناک بودم، پس امام باقر علیه السلام نزد من آمدند و فرمودند: ای فرزندم، خدا را بخوان و بسیار بگو: «یا رووف یا رحیم، ای عطوف و ای مهربان».

ص: 215

2- . أمالى الطوسى 2: 289

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس سه بار بگوید: «ای آنکه هرچه بخواهد انجام میدهد و آنچه دیگری بخواهد انجام نمیدهد» دعایش مستجاب میشود. و آن دعایی است که رد نمیشود و از بهترین و رساترین دعاها این است که بگوید: «ای خدایی که مانند نداری بر محمد و خاندان وی درود فرست و در حق من چنین و چنان کن» پدرم علیه السلام این دعا را پنهان میکردند و کسی را بر آن آگاه نمیساختند «پناه میبرم دژ محکم خدا که دست نایافتنی است و پناه میبرم به جمع خدا از فلان و فلان» و بگویند کلمات گشایش را.

امام صادق علیه السلام فرمودند: از دعاها با اصرار و پافشاری زیاد، آن است که بنده بسیار بگوید: ما شاء الله. آنچه خدا خواست و از فراگیرترین دعاها این است که بنده استغفار کند و سرور سخنان پیشینیان و آیندگان «لا اله الا الله» است.

شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا آیا دعایی هست که رد نشود؟ فرمودند آری: «خدایا از تو میخواهم به نام بلند و باشکوه و عظیم تو» آن را تکرار کن سپس حاجت را بخواه.

ثمالی نقل کرد به علی بن حسین علیهما السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموزید، پس فرمودند: ای ثابت بگو: «خدایا از تو میخواهم به اینکه سپاس از آن توست و خدایی جز تو وجود ندارد که بخشنده، آفریننده آسمانها و زمین و صاحب شکوه و بزرگی هستی، در حق من چنین و چنان کن». سپس فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: این دعایی است که اگر بدان خوانده شود، اجابت گردد و چنانچه بدان درخواستی شود، عطا گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل برای من از جانب خداوند تبارک و تعالی این مناجات را برای طلب حاجت آوردند: «خدایا شایسته است کسی را که به دعا امر کردی، تو را بخواند، و کسی را که وعده اجابت دادی به تو امیدوار گردد، خدایا من حاجتی دارم که از تدبیر آن ناتوانم و توانایم در راه آن ضعیف گشت و قدرتم در راه خواستن آن به سستی گرایید، نفس اماره من و دشمن فریبندهای که من از دست او در امتحان و بلایم، برایم چنین آراست که نزد ضعیفی چون خود و ناتوانی شبیه خویش بروم، تا اینکه رحمت مرا دریافت و مهربانیت

مرا موفق گردانید و با بخشش خود عظم را به من بازگرداندی و با فضل خود، هدایت را به من الهام نمودی و قلبم را با امید به خودت، جلا بخشیدی و فریب دشمنانم را از مغزم زدودی و فکرم را در اندیشیدن سالم گرداندی و سینهام را با امید به یاریات گشودی، و رستگاری به آنچه امید داشتم را برایم نمایان ساختی، و رسیدن به آرزوهایم را به من نشان دادی، معبودا، پروردگارا در برابر همه اینها ایستادم، در حالی که از تو میخواهم آنچه دعا کردم و به تو اطمینان دادم و در بر آورده شدن حاجتم بر تو توکل کردم و تحقق آرزوها و عملی شدن تمایلاتم، بر تو توکل کردم. خدایا پروردگارا به کرم خود مرا از ناامیدی و یأس و سستی و تأخیر به اجابت گوارای خود و بخشش فراوان خود پناه ده، به راستی که تو سرپرستی و سرشار از عطایای فراوانی و بر هر چیز توانمندی و بر هر چیز احاطه داری.

دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «ای کسی زیباییها را آشکار نمودی و زشتیها را پوشاندی، ای آنکه پرده حرمت را ندیدی و از گناهان بازخواست ننمودی، ای صاحب گذشت عظیم و ای آنکه به نیکی میگذری و آمرزشت گسترده است، ای کسی که دو دستت را به رحمت می گشایی، ای همراه هر نجوا، انتهای شکایتها، ای گذرنده از لغزشها، ای آنکه بخششت بزرگوارانه و عطایایت بسیار است، ای آغاز کننده به نعمتها قبل آنکه استحقاق آن باشد، ای پروردگار و سرور و امید من، ای انتهای تمایل من، ای خدا از تو میخواهم که جسمم را با آتش زشت نگردانی و حاجات دنیا و آخرتم را روا سازی و در حق من چنین و چنان کنی» بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و به آنچه میخواهی دعا کن.

روایت است: در عرش برای هر بندهای تصویری است، زمانی که به عبادت مشغول است فرشتگان او را میبینند و زمانی که گناه مشغول میشود، خداوند به ملائکه دستور میدهد تا تصویر او را با بالهایشان بپوشانند تا فرشتگان او را در این حال نبینند. و این معنای این فراز از دعاست: «ای کسی که زیبایی را آشکار ساخت و زشتی را پوشاندی».

18. البلد الامین: به نقل از کتاب الاحتساب علی الالباب از ابن طاووس رحمه الله، امام صادق علیه السلام هرگاه نیاز مبرمی داشتند بدون اینکه نماز بخوانند

یا رکوعی به جا بیاورند به سجده میرفتند و هفت بار میگفتند: «یا ارحم الراحمین: ای مهربانترین مهربانان» سپس حاجتشان را میخواستند سپس آن حضرت علیه السلام فرمودند: هر کس هفت بار «یا ارحم الراحمین» را بگوید، خداوند تعالی میفرماید: من مهربانترین مهربانانم، حاجت را بخواه.

در کتاب المشیخه اثر حسن بن محبوب روایت است امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس ده بار پی در پی یا الله بگوید خداوند می فرماید: ای بنده من تو را اجابت کردم حاجت را بخواه.

در کتاب الصلوه از محمد بن علی بن محبوب، روایت است امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس ده بار بگوید: یا ربّ یا ربّ: ای پروردگار من، ای پروردگار من، به او گفته میشود: اجابت کردم، حاجت را بخواه.

در کتاب الکافی از کلینی روایت است امام رضا علیه السلام فرمودند: یک دعای بنده در نهان برابر با هفتاد دعای او در عیان است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: به راستی که خداوند تعالی دعایی که از قلبی سخت برآید، مستجاب نمیکرداند.

در عده الداعی روایت است: هر کس دو بار یا ربّاه یا ربّاه: ای پروردگار من ای پروردگار من بگوید، به او گفته میشود [اجابت کردم حاجت را بخواه] و همین طور است ذکر «یا سیداه یا سیداه: ای مولای من».

روایت است هر کس در سجده سه بار بگوید: یا رباه یا سیداه: ای پروردگار من ای سرور من همانطور به او جواب داده میشود.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هر گاه حاجتی به درگاه خداوند داشتی، بگو: «خدایا به حق محمد و علی، زیرا این دو در نزد تو دارای مقام و منزلت فراوانی هستند و از تو میخواهم به حق این منزلت و مقام، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی. به راستی که در روز قیامت خداوند قلب فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده و بندگان مؤمن را به ایمان میآزماید و همگی در آن روز به این دو بزرگوار نیازمندند.

علی علیه السلام فرمودند: هر کس صد آیه از قرآن به صورت دلخواه از هر کجای قرآن بخواند، سپس هفت بار بگوید: یا الله: ای خدا، چنانچه بر سنگی دعا کند، خداوند آن را از جای برمیکند. (1)

19. مهج الدعوات: دعایی که حضرت علی علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام آموختند و فرمودند هرگاه برای حاجتی شخصی را قصد کردی، آن را بنویس و در دست راست خود بگیر و هر جا که خواستی برو:

«خداوندا از تو می خواهم ای خدا ای یگانه ای یکتا ای تنها ای بی نیاز ای کسی که ستون هایش آسمان ها و زمین را پر کرد از تو می خواهم قلب فلان فرزند فلان را در تسخیر من قرار دهی، همانطور که مار را برای حضرت موسی علیه السلام مسخر کردی و از تو می خواهم قلب او را در اختیار من قرار دهی، همانگونه که لشکریان خود از جن و انسان و پرندگان را به اختیار حضرت سلیمان قرار دادی، پس دسته دسته گردیدند. و از تو می خواهم قلب او را برای من نرم کنی، همانطور که آهن را برای داود علیه السلام نرم گرداندی و از تو درخواست می کنم قلب او را رام گردانی، همانطور که نور ماه را در سیطره نور خورشید قرار دادی، ای خدا او بنده و فرزند کنیز توست و من بنده تو و فرزند کنیز تو هستم، من به پاها و پیشانی او چنگ زدم پس او را مسخر من گردان تا حاجت و آنچه می خواهم را برآورد، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی و اوست بر آنچه که هست در آنچه که هست خدایی جز او که زنده و پاینده است وجود ندارد. (2)

20. مهج الدعوات: منصوری به نقل از عموی پدرش، چنین آورد: به مولایمان امام هادی علیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموز و مرا به آن اختصاص ده. فرمودند بگو: یا باموسی: «ای اندوخته من در برابر توشهها، ای امید و تکیهگاه من، ای پناهگاه و پشتوانه من، ای یگانه ای یکتا، ای کسی که خدای یکتاس، از تو می خواهم به حق کسی که او را از میان مخلوقات آفریدی ولی هیچ

ص: 219

1- . احادیث از حاشیه البلد الامین از مولف آن نقل شد که چاپ نگشت، مراجعه کن محاسبه النفس: 151 - 147، الکافی 2: 476 و 474 و عده الداعی: 38.

2- . مهج الدعوات: 179

کس را مانند او نگردانیدی به تمامی آنها درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی» به راستی که من از خداوند پاک و متعال خواستم که ناامید نگرداند کسی را که این دعا را بخواند.(1)

21. مهج الدعوات: امام صادق علیه السلام فرمودند: دعایی که علی بن حسین علیهما السلام در کنار حجر الاسود خواندند: آنگاه که با محمد بن حنفیه برای دآوری به کنار آن رفته بودند:

«خدایا از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای بزرگی، و از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای زیبایی، از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای شکوه، از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای عزت، از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای قدرت، از تو میخواهم به نام نوشته شده تو در سرسرای رازها، پیشی گیرنده بالارونده، نیک و زیبا پروردگار فرشتگان هشت گانه، و پروردگار عرش باعظمت و به آن چشمی که خواب بدان راه ندارد و اسم بزرگ بزرگ، و به آن اسم باعظمت باعظمت که بر ملکوت آسمانها و زمین احاطه دارد، و به نامی که خورشید بدان پرتو یافت و ماه بدان روشن گشت و دریاها به واسطه آن به خروش آمدند و کوهها به وسیله آن برافراشته شدند و به آن اسمی که کرسی و عرش بدان پا گرفتند و به نامهای مقدس و باکرامت، پنهان محفوظ در علم غیب که در نزد توست، به تمامی اینها از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در حق من چنین و چنان کنی.... ابان بن تغلب نقل کرد: امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابان، بر حذر میدارم شما را از خواندن این دعا مگر زمانی که کار بسیار مهمی از امور دنیا و آخرت پیش آید، زیرا بندگان نمیدانند که این چیست؟ این از علمهای پنهان خاندان محمد علیه و علیهم السلام است.(2)

ص: 220

-
- 1- . مهج الدعوات: 338 و در آنجا آمده است «یا مونسى یا عدتى» و این اختلاف در نقطه گذاری است.
 - 2- . مهج الدعوات: 197 و در صفحه 160 نیز با تفاوتی ذکر شد.

22. مهج الدعوات: در روایت از امام محمد باقر علیه السلام آمده است: کلماتی که آدم پروردگار خود را بدان دریافت، این بود:

«معبودا، خدایی جز تو نیست پاک و منزهی و تو را سپاس میگویم، کردارم زشت بود و بر خود ظلم نمودم، مرا بیامرز، به راستی که تنها تو گناهان را میآمرزی، خدایا اعمال ناپسندی مرتکب شدم و بر خویش ظلم کردم پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگانی.» (1)

و از این جمله، دعایی است که خداوند جلّ جلاله جهت از بین رفتن حدیث نفس به حضرت آدم علیه السلام آموخت، امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت آدم علیه السلام از حدیث نفس به درگاه خداوند شکایت کرد پس جبرئیل نازل شد و گفت: بگو: «لا حول و لا قوه الا بالله: هیچ نیرو و قدرتی به جز خدا وجود ندارد.» (2)

در روایتی دیگر، دعای آدم علیه السلام به هنگام دریافت کلمات از پروردگارش، چه بسا آن حضرت علیه السلام با این کلمات خدا را خوانده باشد: «ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من، تنها بردباری توسست که خشمتم را برمیگرداند و تنها گریه و ناله به درگاه توسست که سبب رهایی از عذاب تو میگردد، حاجت من که اگر آن را عطا فرمایی، دیگر آنچه از من بازداشتی به من آسیبی نمیرساند و اگر مرا از آن محروم کنی، عطاهایت مرا سود نبخشند، خدایا از تو رستگاری به بهشت را خواهانم و از آتش جهنم به تو پناه میآورم، ای صاحب عرش رفیع و بلند ای صاحب شکوه و بزرگی با عظمت و شامخ، ای صاحب فرمانروایی فاخر و دیرینه، ای خدای جهانیان، ای فریادرس فریادخواهان و ای کسی که حاجات به نزد تو آورده میشود، اگر از من راضی گشتهای پس بر خشنودیات بیافزای و مرا از مقربین درگاهت قرار ده و اگر از من خرسند نگشتهای به حق محمد و خاندانش و به فضل تو بر آنان از من خشنود باش، به راستی که تو توبهپذیری.

ص: 221

1- . مهج الدعوات: 378

2- . مهج الدعوات: 378

امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعایی است که حضرت آدم از پروردگارش دریافت و به سوی او توبه نمود، پس فرمود: ای آدم از من به حق محمد مسألت نمودی در حالی که او را ندیدی، عرض کرد: بر عرش تو این نوشته را دیدم: خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد رسول خداست، راوی حدیث نقل کرد: سوگندبه خدا هرگاه در نهان یا آشکار با این کلمات دعا نمودم، خداوند مرا اجابت نمود.(1)

از این جمله، دعای نوح علیه السلام است که آن را در جلد چهارم کتاب دفع الهموم و الاحزان از احمد بن داود نعمانی یافتیم، روایت است هنگامی که نوح علیه السلام به هیبت آب و امواج نگاه کرد، ترسید و خداوند عز و جلّ به او وحی کرد هزار بار بگو «لا اله الا الله: خدایی جز خدای یگانه نیست» تا تو را نجات بخشم، نقل کرد: پس باد بر بادبان کشتی وارد شد و او هزار بار لا اله الا الله گفت و خداوند به سبب آنچه بر زبان آورد، او را نجات بخشید.(2)

از این جمله است دعای ادريس علیه السلام روایت است، زمانی که خداوند ادريس علیه السلام را به سوی قومش برانگیخت، این نامها را به وی آموخت و به او چنین وحی کرد تا این کلمات را مخفیانه با خودش بگوید و آنها را برای قوم خود آشکار نسازد و مرا به آن کلمات بخواند، روایت است: و با این نامها خدا را خواند و خداوند او را به جایگاه والایی نعمت بخشید، سپس خداوند متعال آنها را به حضرت موسی آموخت و سپس خداوند متعال آن اسمها را به محمد صلی الله علیه و آله آموخت و در غزوه احزاب با این کلمات خدا را خواندند.

حسن روایت کرد: خود را از حجاج پنهان میساختم، از این رو خداوند عز و جلّ را با این کلمات خواندم که امر حجاج را از من باز داشت، شش بار بر من وارد شدند و من با این کلمات دعا کردم و خداوند چشمهایشان را از من برگرفت، با این کلمات برای مغفرت از تمامی گناهان دعا کن، دعا کن سپس حاجت را در امور

ص: 222

1- . مهج الدعوات: 379

2- . مهج الدعوات: 379

دنیوی و اخروی طلب کن، به راستی که بر آنها دست خواهی یافت انشاء الله عزّ و جلّ و آن چهل اسم به تعداد روزهای توبه است:

پاک و منزهی خدایی جز تو نیست، ای پروردگار هر چیز و وارث آن، ای خدای خدایان، که شکوهش بلند است، ای خدایی که در همه کارهایش مورد ستایش است، ای بخشایشگر و مهربان بر همه چیز، ای زنده آن هنگام که هیچ موجود زنده‌ای در در پیدا وجود و بقای فرمانروایی اش وجود نداشت، ای پاینده ای که علمش همه چیز را در بر میگیرد و از دست نمیدهد، ای تنها کسی که باقی می ماند اول هر چیز و پایان آن، ای همیشگی بدون آنکه فنا و نیستی متوجه فرمانروایی او باشد، ای بیناز بیمانند که شبیهی نداری، ای آفریننده‌ای که همتایی ندارد و نمیشود او را وصف نمود، ای بزرگ، تو کسی هستی که دلها برای وصف عظمت تو راهی نمیابند، ای آفریننده جانها بدون هیچ نمونه‌ای پیشین، ای کسی که با طهارت خود از هر آفتی پاک و مبرا گشت، ای کفایت کننده‌ای که عطایای فضل خود را بر مخلوقاتش گسترانید، ای پاکیزه از هر ظلمی که از آن خشنود نیست و در انجام آن مشارکت نمی کند.

ای مهربان، تو کسی هستی که علم و رحمت همه چیز را فرا گرفت، ای بخشاینده صاحب احسان که بخشش مخلوقات را در برگرفت ای چیره بر بندگان، تمامی آنان تسلیم ترس [تمایل] تو هستند، ای آفریننده اهل آسمانها و زمینها و بازگشت همه به سوی اوست، ای مهربان فریادرس و پناهگاه هر فریادخواه و گرفتار، ای آغازگر نوآفرینیها، که در خلق آنها از مخلوقاتش یاری خواست، ای دانای نهانها که چیزی از حفاظت او بیرون نیست، ای بردبار با وقار که همتایی از میان مخلوقاتش ندارد، ای بازگرداننده آنچه نابود ساخت، آنگاه که مخلوقات از ترس او برای دعوتش، سربرمیآورند.

ای نیکوکرداری که با لطف خویش بر همه مخلوقاتش، بخشش دارد، ای شکستناپذیر دستنایافتنی و چیره بر کارش که هیچ همتایی ندارد، ای چیره‌گر دارای قدرت فراوان، تو کسی هستی که انتقامش از توان خارج است، ای نزدیک متعالی که به بلندای رفعتش بر اشیاء برتری دارد، ای خوارکننده هر سرکش زورگو

به واسطه قدرت پادشاهی شکستناپذیرش، ای نور و هدایت هر چیز، تو کسی هستی که نور او تاریکیها را شکافت.

ای منزّه و پاک از هر زشتی که همتایی از مخلوقات نداری [ای اجابت کننده نزدیک که قریبش به هر چیز نزدیک است] ای بلندمرتبه ای کسی که بلندای رفعتش بر همه چیز برتری دارد، ای آفرینشگر نخستینان، و بازگرداننده آنان بعد از نابودیشان به قدرت خویش، ای شکوهمند متکبر بر هر چیز، عدل امر اوست و صداقت، گفتار و وعده اوست، ای مورد ستایشی که ذهنها به اوج مرتبت و بزرگیاش نمیرسند، ای صاحب عفو کریمانه و باعدالت تو کسی هستی که عدالت همه چیز را در بر گرفت، ای بزرگ ای صاحب ستایش فاخرانه، ای صاحب عزت و شرافت و بزرگی که عزتش خوار نمیگردد، ای اجابت کنندهای که زبانها، گویای نعمتها و ستایش و بخششهایش نیستند.

[از تو میخواهم] ای فریادرس من در مشکلات، ای اجابتکننده دعاهاى من [پناهگاه من در سختیها] خدایا پروردگارا از تو میخواهم بر پیامبری محمد صلی الله علیه و آله درود فرستی و مرا از عذاب دنیا و آخرت در امان داری و چشمان ظالمانی که بدی مرا میخواهند از من باز داری، و قلبهایشان را از شر آنچه پنهان دارند به خیری که جز تو کسی آن را ندارد، برگردانی.

خدایا من دعا کردم و اجابت از آن توست، و من تو را سپاس نمودم و تکیه گاهم بر توست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمپذیرد. (1)

از این جمله، دعای ابراهیم علیه السلام است که روایت آن را در دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در روز احد، آوردهایم، و روایت دیگری یافتیم راجع به دعای ابراهیم علیه السلام زمانی که به سوی آتش پرتاب میشود و خداوند او را نجات میدهد و بنابر روایت این دعا از رازهای عظیم و دارای منزلت بسیار نزد خداوند پاک و متعال است و دعا این است:

ص: 224

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا از تو می‌خواهم ای خدا ای خدا ای خدا
ای خدا ای خدا تو هراس انگیزی هستی که تمامی بندگان از تو بیم دارند،
ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا عرش تو بلند و بر بالای
آسمانهاست، و تو بر همه چیز اشراف داری و چیزی بر تو مشرف نیست،
ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا تو بزرگتر از همه چیز هستی و
کسی به عظمت تو نمیرسد ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای
روشنایی نور، اهل آسمانها و زمین از نور تو روشنایی گرفتند.

ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا خدایی جز تو نیست، بلندتر از آن
گشتی که شریکی برای تو قرار گیرد، و بزرگتر از آنی که مخالفی داشته
باشی، ای فرمانروای همه فرمانروایان هر پادشاهی غیر از تو نابودشدنی
است، ای روشنایی نور ای کسی که ستونهای آسمانها و زمین را با عظمت
خود آکنده گردانید ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای او ای کسی
که شبیهی ندارد [جز او] ای کسی که جز او نیست، همین لحظه همین
لحظه همین لحظه به فریادم برس به فریادم برس، ای کسی که امرش
همچون یک چشم به هم زدن و چه بسا زودتر از آن باشد، یاهیا شراهیا
آذونی أصباوث آل شدای ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای
پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من [ای پروردگار من ای
پروردگار من] ای پایان انتها و آرزوی من.

زمانی که ابراهیم علیه السلام دعا کرد، سرزمینها از صدای او بانگ
برداشتند و از جانب آن عالی بلندمرتبه ندا آمد «ای آتش بر ابراهیم سرد و
سلامت باش» پس زودتر از یک چشم به هم زدن، خاموش شد. (1)

از این جمله، دعای حضرت یوسف علیه السلام است زمانی که در چاه
انداخته شد، که ما آن را از کتاب قصص الانبیاء علیهم السلام نقل کردیم،
امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که برادران یوسف او را در چاه
انداختند، جبرئیل علیه السلام به او نازل گشت و فرمود: ای جوان چه
کسی تو را در چاه انداخت؟ جواب

ص: 225

داد: برادرانم به دلیل منزلت من در نزد پدرم، بر من حسادت ورزیدند، جبرئیل گفت: آیا دوست داری از این چاه خارج شوی؟ گفت: این کار را به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب میسپارم، جبرئیل گفت: خداوند به تو میگوید: بگو: «خدایا از تو میخواهم به اینکه حمد و سپاس از آن دوست خدایی جز تو نیست، و بخشنده مهربان و آفریننده آسمانها و زمینی، ای صاحب شکوه و بزرگی، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و در کار من گشایش و خروجی قرار دهی و مرا از جایی که میدانم و نمیدانم روزی فرمایی.» (1)

در جلد پنجم حلیه الاولیاء از ابی نعیم یافتم، داود علیه السلام گفت: «پروردگارا چرا بنی اسرائیل زمانی که به سختی و مشکلی برمیخورند، میگویند: ای خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب» خداوند متعال به داود علیه السلام الهام کرد: زیرا ابراهیم هرگاه میان انتخاب من و چیز دیگری قرار میگرفت، مرا بر آن برمیگزید و اسحاق جان خود را در راه من بخشید و یعقوب را به آزمایشی گرفتار نمودم و در آن، به من بدبین نشد تا اینکه مشکل او را گشودم یا برطرف نمودم.» (2)

روایتی دیگر راجع به دعای حضرت یوسف علیه السلام در چاه که شاید بدان دعا نموده باشد و دعا این است: «ای فریادرس فریادخواهان و ای یاری رسان یاری خواهان ای گشاینده مشکل گرفتاران، تو مکان مرا میبینی و از حالم آگاهی و کارم بر تو پوشیده نیست.» (3)

و از این جمله، دعای حضرت یوسف علیه السلام در زمان سختیاش «ای رحم کننده بر بیچارگان ای روزی رسان گویندگان، ای پروردگار جهانیان و ای صاحب روز قیامت، و ای فریادرس گرفتاران، و ای اجابت کننده دعای درماندگان، و ای مهربانترین مهربانان، و ای حاکمترین حاکمان و ای سریعترین محاسبهگران و ای بهترین سؤال شنودگان و ای صاحب شکوه و بزرگی و ای بزرگ هر بزرگی و

ص: 226

-
- 1- . مهج الدعوات: 383
 - 2- . مهج الدعوات: 383
 - 3- . مهج الدعوات: 383

ای کسی که شریک و وزیر برای او نیست، ای کسی که بر هر چیز توانایی، ای دانای آگاه، ای آنکه به هر چیز بینایی.

ای آفریننده خورشید و ماه تابان، ای ترمیمکننده استخوان شکسته، ای بینازکننده فقیر بینوا، ای رهاکننده اسیر دربند، ای تدبیرکننده امور و سپس بازگشت به سوی اوست، ای کسی که پناهنده نمیشود و پناه میدهد، ای کسی که مردگان را زنده میکند و این کار برای او آسان است، ای حافظ بیمناکی که پناه میجوید، ای بینازکننده فقیری که نمیبیند، ای نگهدارنده نوزاد کوچک، ای مهربان بر پیر و بزرگسال، ای کسی که هیچ چیز پنهانی در آسمانها و زمین بر او مخفی نمیماند، ای آمرزنده گناهان، ای دانای غیبهها ای پوشاننده عیبهها، از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گناهان من و پدر و مادرم را بیامرزی و در آنچه میدانی از ما بگذری به راستی که تو عزیز و بزرگواری.

میگویم: این فراز: از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی تا آخر آن، شاید از افزایش روایت باشد. (1)

از این جمله دعای یوسف علیه السلام است، زمانی که عزیز مصر به او نسبت به زلیخا اتهام وارد نمود و بدین ترتیب که حضرت یوسف دو رکعت نماز گزارد، سپس در حالی که سر خود را به سوی آسمان بلند کرد گفت: «خدایا بر سن کم و سستی پیکرم و بیتدبیرام رحم کن، به راستی که تو بر هر چیزی توانایی، مرا به شایستگی یعقوب و صبر اسحاق و یقین اسماعیل و پیری ابراهیم یاد کن، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان» و به سبب گریه او ملائکه آسمان به گریه افتادند. (2)

از این جمله، دعای یعقوب علیه السلام است آن زمان که خدا جلّ جلاله یوسف را به او بازگرداند «به نام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که مخلوقات را بی هیچ الگویی آفریدی، ای آنکه زمین را بدون یآوری گسترانید، ای کسی که کارها را

ص: 227

1- . مهج الدعوات: 383

2- . مهج الدعوات: 384

بدون وزیری تدبیر نمود و مخلوقات را بدون مشاوری روزی میرساند، ای کسی که دنیا را بدون مشورت ویران میکند» سپس هرچه خواستی دعا کن، اجابت میشود. (1)

از این جمله دعای ایوب علیه السلام است: «خدایا من امروز به تو پناه میبرم، پس مرا پناه ده و از سختی مصیبتها از تو پناه میجویم پس پناهم ده، و امروز از تو فریاد میخواهم پس به فریادم برس، و امروز از تو یاری میجویم پس یاریام کن و امروز بر کارم از تو استعانت میجویم، پس کمکم کن، و بر تو توکل میکنم، پس مرا کفایت نمای، و به تو چنگ میاندارم پس مرا حفظ کن، به تو ایمان آوردم پس را ایمن دار، و از تو درخواست کردم پس عطا کن و از تو روزی طلبیدم پس روزیام کن، و از تو آمرزش میخواهم، پس مرا بیامرز، و تو را میخوانم پس مرا یاد کن و از تو رحم میطلبم پس بر من رحم کن. (2)

از این جمله، دعای موسی علیه السلام زمانی که در مقابل فرعون ایستاد: «خدایا ای آفریننده آسمانها و زمینها، ای کسی که زمام امور بندگان به دست توست، به راستی که فرعون و تمامی اهل آسمانها و زمین و میان آن دو بندگان تو هستند، که اختیارشان به دست توست و تو دلها را به هر سو که بخواهی میکشانی، خدایا من از شر او به خیر تو پناه میبرم و در عوض خیر او خیر تو را میطلبم، پناهنده به تو عزیز گشت و ستایش تو شکوهمند است، خدایی جز تو نیست، پس پناه ما از شر فرعون و سپاهیاناش باش.» سپس بر او داخل شد و خداوند سپری از قدرت خود بر او پوشاند [تا به یاری خداوند شری به او نرسد]. (3)

از این جمله، دعایی دیگر از حضرت موسی علیه السلام «خدایی جز خدای بردبار و کریم نیست، پاک و منزّه است خدا پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار هفت طبقه زمین و پروردگار عرش باعظمت و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، خدایا من به مدد تو سینه او را دفع می کنم و از

ص: 228

1- . مهج الدعوات: 384

2- . مهج الدعوات: 384

3- . مهج الدعوات: 385

شر او به تو پناه میآورم و از تو برای غلبه به او یاری میجویم، پس هر طور که میخواهی مرا کفایت کن».(1)

از این جمله دعای یوشع بن نون جانشین حضرت موسی علیه السلام است، در کتاب فضل الدعاء روایت است امام رضا علیه السلام فرمودند: یکبار صحابه، صحیفهای یافت و آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، سپس ندای نماز جماعت را برآوردند و هیچ مرد و زنی از آن سر باز نزدند، پس از منبر بالا رفتند و آن را خواندند که کتاب یوشع بن نون جانشین حضرت موسی علیه السلام بود و متن آن این است:

به راستی که پروردگارتان با رأفت و مهربان است. آگاه باشید که بهترین بندگان خدا، تقوایپیشه پنهان است، و بدترین بندگان خدا کسی است که با انگشت به سمت او اشاره شود، هر کس دوست دارد با پیمانۀ دقیق، سنجیده شود و حقوقی را که خداوند به او عطا داشت، ادا کند هر روز بگوید «پاک و منزّه است خدا، همانگونه که شایسته اوست و سپاس مخصوص خداست همانگونه که سزاوار خداست، و خدایی جز خدای یگانه نیست همانگونه که زینده اوست و خدا بزرگ است همانگونه که شایسته اوست و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند تحقق نمیپذیرد و درود خدا بر محمد و خاندان پیامبر، و بر تمامی رسولان تا خداوند خشنود گردد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله از منبر پایین آمدند و مردم به او اصرار کردند تا دعا نماید، اندکی تأمل کردند سپس به بالای منبر رفتند و فرمودند: هر کس دوست دارد، ستایش او بر تمجید از مجاهدین برتری یابد، هر روز این فراز را بگوید که اگر حاجتی داشته باشد برآورده گردد و اگر دشمنی داشته باشد، شکست خورد و اگر قرض نزد او باشد ادا گردد و اگر مشکلی باشد، برطرف میگردد، و سخن او آسمانها را میشکافد تا اینکه در لوح محفوظ نوشته شود».(2)

از این جمله دعای خضر و الیاس علیهما السلام است، و روایت است، خضر و الیاس در هر مناسبتی جمع میشدند و در این دعا از هم جدا میشدند و دعا این

ص: 229

2- . مهج الدعوات: 386

است: «به نام خدا، هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی جز به خداوند تحقق نمیپذیرد، هرچه خدا خواستف همه نعمتها از جانب خداست، هرچه خدا خواست، تمامی خیر به دست خدای عزّ و جلّ است هرچه خدا خواست، تنها خداست که زشتی را برمیگرداند.» روایت است هرکس در صبح سه بار آن را بخواند از آتش سوزی و دزدی و غرق شدن در امان است.(1)

از این جمله دعایی دیگر از خضر علیه السلام است: «ای بلندمرتبه در بلندای خویش، ای نزدیک در نزدیکیاش، ای نزدیک در دوریاش، ای مهربان در رحمتش ای خارجکننده گیاهان ای دارای پایداری همیشگی، ای زنده کننده مردگان، ای پشتوانه پناهندگان، ای پناه پناه جویان، ای شنواترین شنودگان، ای بیناترین بینندگان، ای فریاد رس فریاد خواهان، ای ستون کسی که ستونی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانهای ندارد، ای اندوخته کسی که توشهای ندارد، ای حافظ کسی که محافظی ندارد، ای گنج ضعیفان ای امید فراوان ای نجاتبخش غریقان و رهاپنده هلاک شدگان، ای زندهکننده مردگان، ای پناه بیمناکان، ای خدای جهانیان یا سازنده هر ساخته شده و ای ترمیمکننده هر شکسته ای همراه هر غریبی، ای مونس هر تنهایی، ای نزدیکی که دور نمیشوی ای حاضری که پنهان نمیشوی، ای چیرهای که مغلوب نمیشوی، ای زنده به هنگامی که هیچ موجود زندهای نبود، ای زندهکننده مردگان، ای زندهای که خدایی جز تو نیست» هر کس این دعا را بخواند یا بشنود، چهل سال از وسوسه در امان خواهد بود.

میگویم: دعاهاى خضر بسیارند که بر آنچه ذکر نمودیم، قناعت نمودیم.(2)

از این جمله دعای یونس بن مَتّی علیه السلام است: «پروردگارا مرا از کوه نازل کردی و از خانه خارج کردی و در دریاها گرداندی و در شکم ماهی زندان نمودی، پس خدایی جز تو نیست پاک و منزهی به راستی که من از ستمکارانم.» و خداوند او را از اندوه نجات داد.(3)

ص: 230

-
- 1- . مهج الدعوات: 386
 - 2- . مهج الدعوات: 387
 - 3- . مهج الدعوات: 387

از این جمله دعایی دیگر از یونس بن مَتّی: «پروردگارا، خدایا از تو می‌خواهم به نامهای زیبایت و نعمتهای والایت، پروردگارا از تو می‌خواهم ای خدا ای بزرگ ای شکوهمند ای مهربان ای بخشنده ای یگانه، ای همیشگی، ای تنها ای یکتا ای بیناز ای خدا، ای خدایی که جز تو خدایی نیست به اینکه خدایی جز تو نیست از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و گناهانم را بیامرزی و بدنم را بر آتش جهنم حرام کنی، خدایا تو در کتابی که بر موسی نازل شد گفتی: گدایان را از در خانه‌ها تان نرانید و ما اکنون بر درگاه تویم، پس ما را برمگردان، خدایا تو در کتابی که بر موسی نازل کردی گفتی که ظالمان را بیامرزید و ما ظالمانی بر درگاه تویم پس ما را بیامرز، خدایا تو در کتاب خود که بر موسی نازل کردی گفتی که بندگان را آزاد کنید و ما بندگان تویم، پس ما را از آتش رها گردان.» (1)

از این جمله دعای داود علیه السلام در حمد خداست، روایت است زمانی که داود علیه السلام دعای حمد را می‌خواندند خداوند به ایشان وحی نمود: حافظان را خسته نمودی و دعا این است: «خدا سپاس دائم از آن توست تا زمانی که هستی، و سپاس پاینده از آن توست به پایدگی تو و سپاس جاودان مخصوص توست تا زمانی که جاودانه‌ای، سپاس از آن توست آنگونه که شایسته روی گرامی و عزت شکوهت است ای صاحب شکوه و بزرگی.» (2)

از این جمله دعای آصف وزیر سلیمان بن داود علیه السلام است روایت است که آصف با خواند این دعا تخت بلقیس را حاضر کرد و این همان دعایی است که حضرت عیسی علیه السلام مردگان را بدان زنده مینمودند: «خدایا از تو می‌خواهم به اینکه تو خدای یکتایی و خدایی جز تو نیست زنده پاینده پاک منزّه و نور آسمانها و زمینها هستی - و در روایتی دیگر «پروردگار آسمانها و زمینها» - دانای نهان و آشکار بزرگ بلندمرتبه مهربان بخشنده صاحب شکوه و بزرگی هستی، در حق من چنین و چنان کن ... و آن را قرار دهی «بر محمد و خاندان محمد درود

ص: 231

1- . مهج الدعوات: 387

2- . مهج الدعوات: 388

فرستی و در حق من چنین و چنان کنی» بر اساس آنچه یافتیم، این لفظ دعاست و انشاء الله مستجاب میشود. (1)

از این جمله دعای حضرت عیسی علیه السلام است که با استناد به سعید بن هبه الله الراوندی رحمه الله از کتاب قصص الانبیاء به نقل از حضرت صادق علیه السلام از پدرانشان علیهم السلام از پیامبر صلوات الله علیه و علیهم السلام، روایت است: هنگامی یهودیانی به سوی حضرت عیسی علیه السلام گرد آمدند تا به پندار خویش او را به قتل برسانند، جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل گشت و او را با بال او پوشاند پس حضرت عیسی علیه السلام در بال او نگریست و نوشتهای در میان بال جبرئیل علیه السلام مشاهده کرد و این است:

«خدایا تو را میخوانم به نام یگانه و عزیزت، تو را میخوانم ای معبود من به نام بنیاز تو و تو را میخوانم ای معبود من به نام بزرگ و یگانه تو، خدایا تو را میخوانم به نام بزرگ و بلندمرتبه تو که تمام ستونهای بدان استوار گشت مادامی که صبح و شام میکنم، مشکلاتم را برطرف نمایی».

و زمانی که حضرت عیسی علیه السلام آن دعا را خواندند، خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود که او را به سمت من عروج ده.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فرزندان عبد المطلب از پروردگارتان با این کلمات درخواست کنید، سوگند به خدایی که جانم به دست اوست، هرگاه بندهای با اخلاص این کلمات را بر زبان آور، عرش به واسطه آن کلمات به لرزه درآید و خداوند به فرشتگان میفرماید: گواه باشید که به سبب این کلمات او را متسجاب نمودم و خواسته او در دنیا و آخرت عطا نمودم سپس به یارانش فرمودند: دعا کنید و اجابت را به تأخیر نیاندازید. (2)

از این جمله، دعای حضرت عیسی علیه السلام به این روایت است، پیامبر صلی الله علیه و آله دعا را در باطن جبرئیل مشاهده کرد و آن را به علی و عباس آموخت و فرمودند: ای علی ای بهترین بنی هاشم ای بهترین عبد المطلب از پروردگارتان با

1- . مهج الدعوات: 388

2- . مهج الدعوات: 388

این کلمات مسألت نمایید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، هرگاه مؤمنی با این کلمات، خدا را به اخلاص بخواند، عرش و هفت آسمان و زمینها به لرزه درآیند و خداوند متعالی به فرشتگان میفرماید: گواه باشید که من کسی را که با این کلمات دعا کند مستجاب میکنم و درخواست او در دنیا و آخرت را عطا مینمایم و پنداشتند این همان دعایی است که حضرت عیسی بن مریم خدا را بدانخواند پس خداوند او را به سوی خویش عروج داد و دعا این است:

«خدایا به نام یگانه و یکتای تو پناه میبرم و به نام یکتای بیناز تو پناه میبرم، پناه میبرم به تو و به نام بزرگ و یکتای تو ای معبود من و به نام بزرگ و بلندمرتبه تو پناه میبرم که تمامی ستونها را آکنده کرد، از تو میخواهم رما از مشکلاتی که در آن صبح و شام نمودم برهانی. (1)

از این جمله دعای حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به روایتی دیگر است و دعا این است: «خداوندا ای آفریننده جان از جان و خارج سازنده جان از جان و رهاکننده جان از جان گرهامان را بگشایی ما را از سختیمان رها ساز». (2)

23. مهج الدعوات: از این جمله، دعای سلیمان فارسی رضوان الله علیه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او آموخت. روایت میشود، سلمان از باقیماندگان اوصیای حضرت عیسی علیه السلام است. از یکی از امامان صلوات الله علیه روایت است، سلمان علم اولین و آخرین را درک نمود. من این دعا را در نسخهای کهن یافتم که تاریخ نگارش آن به سال سیصد و چهارده میرسید و نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله به سلمان فارسی فرمودند: آیا خبر دهم به تو از چیزی که از طلا و نقره باارزشتتر است؟ و از دنیا و بهجت آن بهتر است؟ پاسخ داد: آری ای رسول خدا! درود خدا بر تو و خاندان تو پیامبر فرمودند: بگو:

«خدایا کار بر نفس خویش، واگذار شد که عزیزترین جانها و مهمترین آنها در نزد من است، و ای پروردگار من، تو دانستی و علم تو از علم من برتر است، و تو بر آنچه از خود میدانم آگاهی، زندگی و مرگ و دنیا و آخرت من در دست

1- . مهج الدعوات: 389

2- . مهج الدعوات: 389

توست، بازگشت و برگشت به سوی توست، چیزی ندارم جز آنچه تو به من عطا کردی و غیر از آنچه مرا از آن بازداشتی، پرهیزی نداشتم و تنها از روزی تو، انفاق میکنم.

به نور تو راه یافتم، و به فضل تو بینایی جستم و در نعمت تو صبح و شام کردم، با قدرتت خود بر من سلطه یافتی و با سلطه خود بر من قدرت یافتی، در آنچه خواهی، حکم میکنی و کسی نمیتواند مانع از آن شود، تو مرا غرق نعمتها کردی و من خود را در گناهان فرو بردم. اشتباهاتم افزون گشت و گناهانم بسیار و شهوتها مرا از هر سو در میان گرفتند و من به واسطه آنها ناتوان گشتم و کردارم به سستی گرایید و سپاسگزاریم اندک گشت، و نزدیک بود تا از رحمت تو ناامید شوم و خود را به هلاک اندازم. معبود من، ای کسی که عذرم از او مأیوس شد و به سبب گناهانم و آنچه بر خود روا داشتم، یادم از او غافل ماند. ولی ای پروردگار من، رحمت توست که مرا برپا میدارد و قوت میبخشد و اگر نبود سرم را بالا نمیکردم و از سنگینی گناهانم پشتم راست نمیگشت، تنها به تو امید بستم و به تو از اعمال خود، امیدوارترم و از کردار خود بیم دارم و بر خود میترسم.

معبودا و چگونه از گناهانم نهراسم در حالی که ترس دارم مرا به هلاکت افکند و مرا در بر بگیرند و به نابودی کشانند و به یاد میآورم امانتی را که تباه نمودم و آنچه تو مرا پر آن مسوول ساختی و پیش از من کوهها و آسمانها و زمینها از تحمل آن سر باز زدند با اینکه قویتر از من هستند، و من آن را به سبب علم تو بدان دانش اندک خود به دوش کشیدم و اگر علمی سودمند داشتم که چشمم به دنیا روشن نمیشد و شیرینیاش در کام تلخ میگشت، از گناهانم فرار میکردم به گونهای که خانه ای مرا پناه نمیداد و سایهای مأوا نمی داد و نشستن و خوابیدن من با حیوانات میگشت.

و اگر چنین میکردم، سزاوار بود که از خویشتن بترسم در حالی که مرگ همچون پیوسته و با شتاب مرا میجوید، در پی من است و به من سپرده شده است، گویی که کسی جز مرا نمیخواهد و لحظهای که فرا رسد، امان نمیدهد، انگار میبینم که در برابر او بر زمین افتادهام و گویی کسی نمیتواند مانع از مرگ من شود و

سختی آن را از من دور سازد و من نمیتوانم ممانعت کنم تا به تأخیر افتد و جام مرگ به من نوشانده میشود و هیچ خودداری ندارم، و نالان از سختی مرگ چشمان خود را میچرخانم، شگفتا از این قتلگاهی که آن را تاب نیاورم و نفسم در آن مغلوب سختی های مرگ است و اندام و بندگاه ها و هر رگ ساکنی از من به سبب آن به لرزه در آید. گویی در برابر فرشته مرگم و او روحم را خارج می کند و تسلیم او میگردد با اینکه من از آن کراهت دارم.

و اینچنین فرستادگان پروردگارم جان مرا قبض میکنند و در این لحظه اثر من از دنیا قطع میگردد و در توبه بسته میشود و نامه اعمال و کردارم برداشته شده و پیچیده میشود و یادم از بین میرود و فرصت عمل از دست میرود و من با ترس وارد سرای آخرت میشوم و تنها پیکرم در میان خانوادهام است، بر گرد من ناله میزنند و میگیرند و از من خوف دارند و دوست دارند که من جدا شوم به سرعت مرا کفن میکنند و به سوی قبرم مرا بر دوش میبرند، پس در آن انداخته میشوم و زمین بالای سر مرا هموار می کنند بر من درود می فرستند و خداحافظی میکنند و من در عمق آن جای میگیرم و همسایگان پیشینهای که با من انس نمیگیرند و من آنها را ملاقات نمیکنم و آنها نیز به دیدار من نمیآیند و مرا در پادگان مرگ رها کردند و خوابگاه و بستر من آنجاست، مکانی خالی و ترسناک، خانوادهام از من دوری جستند و بر جدایی از من باور کردند و دیگر به من امید ندارند و هیچکدام از آنها انیس من در تنهاییام نیستند و گناهی از گناهانم را بر دوش نمیکشند همگی مرا فراموش کردند و تنها در قبر رها ساختند.

و من همراه خود هستم، کسی از مردم نمیبیند که بر من چه میرود، ای پروردگار من اگر از من راضی باشی پس خوشا به حال من خوشا به حال من و اگر چیزی دیگری باشد پس دریغ و افسوس و پشیمانی به آنچه مرتکب شدم در برابر پروردگارم نصیب من خواهد بود. و چگونه این را به یاد آورم و اشک نریزم و قلبم نالان نگردد و پهلوهایم به لرزه نیافتند؛ در حالی که سنگینی بار گناهان را بر خود نکشادم و در خواستهها و امیال خویش کوتاهی نمودم و در سرای نیرنگ، فریفته شدم و ترسم از این است که صداقت نداشتم. ای پروردگار من از قساوت قلبم و

کوتاهی و سستی و سپاسگزاری اندک به تو شکایت میکنم، پروردگارا برای من اعضای قرار دادی تا از نعمتهایت بگویم، بر من سزاوار است تو را شکر گویم بر اعضا و اندام و بندگان هایت که عبادت آنها زیبنده توست، با خشوع جان و چشمم و تمامی ستونهایم، و به آنها تو را معصیت نمودم در حالی که این پاداش و شکر نبود، و ترسیدم که مرا هلاک نمایی و به جرمم نابود سازی و سزاوار عذاب تو گردم، کسی جز تو مرا پناه نمیدهد. و توان پناه دادن مرا ندارد و کسی جز تو مرا از عذاب تو نمیرھاند و گناهی از گناهانم را نمیآمرزد، همگی از من به خود مشغولند، زشتیها را بر تو عیان کردم و به مستقیم و بیپرده به اشتباهات مرتکب شدم و تو در نهان و آشکار مرا میپاییدی و من آنچه را از مردم مخفی میداشتم بر تو آشکار کردم و تو گناهانم را پوشاندی از مردم شرم کردم، به دنبال بودم تا مرا نبینند و بر من عیب نگیرند ولی از تو حیا نکردم.

معبودا به نفس خود، خو کردم، و تمایلات مرا به هلاکت انداختند و در درازای عمر پیوسته به آرزوها و امیال خود مشغول بودم و از آنها فرمان میبرد و او را مطیع خودم نیافتم، به سوی هدایت فرا خواندم، از اطاعت من سر باز زد و پروردگارا به سوی گلهگزاری میکنم از هر آنچه شکایت میکنم تا به فریادم رسی و مرا نجات دهی،..... سپس حاجت را بخواه. (1).

میگویم: به خط شیخ محمد بنعلی جبعی - رحمه الله - یافتم، نقل است زمانی که لحظات شهادت حضرت علی علیه السلام، فرا رسید، به فرزندش حسن علیه السلام فرمودند: به تو چیزی میآموزم که در اصل برگرفته از کتاب خواست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آن را به من آموخت، هرگاه خواستی به واسطه آن به درگاه خدا دعا کنی آن را بعد از نماز صبح یا عصر بخوان سپس حاجات را نام ببر و بدان زمانی که شروع به خواندن این دعا میکنی، خداوند هزار فرشته را میگمارد تا برای تو طلب آمرزش نمایند و برای این کار به هر کدام توان هزار فرشته داده میشود و هزار قصر در بهشت برای تو میسازد و در دنیا مادامی که زندهای در رفاه

ص: 236

و نعمتها زندگی میکنی و اندوه و به تو نرسد و هیچ حاجت دنیوی را از کسی طلب مکن، مگر آنکه برای تو مقدر شود، بگو:

«پاک و منزّه است خدا و سپاس مخصوص اوست، و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است، و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای محقق نمیگردد، پاک است خداوند آن هنگام که شب میکنید و آن هنگام که صبح میکنید و سپاس آسمانها و زمین از آن اوست و در شب و آنگاه ظهر میکنید، زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج میکند، و زمین را بعد از مرگش حیات میبخشد و اینچنین، خارج میشدید پاک است پروردگارتان، او که از آنچه وصف میکنند، عزیز است و درود بر رسولان و سپاس از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است.

منزه است خداوند صاحب ظاهر و باطن، منزّه است خداوند صاحب شکوه و عظمت و جبروت، منزّه است خداوند فرمانروای زندهای که مرگ به او راه ندارد، منزّه است آن بلندمرتبه والا، پاک است و متعال، منزّه است فرمانروای پاک، پروردگار فرشتگان و روح خدایا تو را سپاس میگویم، سپاسی که اوج گیرد و پایان نپذیرد و سپاس تو بر من، همراه من، جلو و پشت سر من است، ده مرتبه ای خدا، ده مرتبه ای بخشایشگر، ده مرتبه ای مهربان، ده مرتبه ای پروردگار و همینطور ای زنده ای پاینده و مثل آن ای آفریننده آسمانها و زمین و مثل آن ای صاحب شکوه و بزرگی و مثل آن ای مهربان ای بخشنده، ده مرتبه خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست سپس حاجت را بخواه.

باب صد و ششم : دعای رفع گشایش، دوری دشمنان و برطرف شدن سختیها و دعا‌های حضرت یوسف علیه السلام در چاه و زندان و دعای دانیال در چاه و دعا‌های دیگر پیامبران علیهم السلام و دعا‌هایی متناسب با آن از جمله دعا‌های جلوگیری از آسیبها و هلاکتها

روایات:

1. أمالی: ابن صدقه نقل کرد: از امام صادق علیه السلام خواستم دعایی به من بیاموزد تا در سختیها آن را قرائت نمایم، پس برگهایی را از صحیفهای کهن بیرون آوردند و فرمودند: از آن نسخهبرداری کن، که دعای جدّم علی بن حسین زین العابدین علیهما السلام در گرفتاریها است پس آن را نوشتم و هرگاه به مشکلی برمیخوردم، آن را میخواندم و خداوند از گرفتاری و مشکم گره میگشود و خواستهام را عطا میکرد و دعا این است:

«خدایا مرا هدایت کردی ولی من سرباز زدم و مرا پند دادی و قلب من سخت شد، و با من نیکو رفتار نمودی ولی عصیان کردم و به من معرفت دادی پس اصرار کردم سپس معرفت دادی پس طلب آمرزش نمودم و تو از لغزشم گذشتی، و بازگشتم و تو پوشاندی، خدایا تو را سپاس میگویم، بر وادیهای هلاکت وارد شدم و به دره‌های نابودی گام نهادم و با وارد شدن به آن خود را در معرض قدرت و عذاب تو قرار دادم، و اکنون واسطه‌ام یگانه دانستن توسست و بهانه‌ام این است که ذرهای به تو شرک نورزیدم و در کنار تو، خدایی دیگر برنگرفتم، از شر خود به

سوی تو فرار کردم و گهنگار به سوی تو میگریزد و تویی پناهگاه کسی که خود را به تباهی کشاند.

سپاس مخصوص توست ای معبود من، چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنیاش را بر من کشید و لبه تیغش را بر من تیز کرد و برنده ساخت و سمهای کشندهاش را برای من درآمیخت و تیرهایش که به خطا نمیروند به سمت من روانه ساخت و چشم پاینده او هیچگاه از من خواب نگشت و آشکارا سختیها را بر من وارد نمود و تلخی سم کشنده آن را بر من نوشاند، خدای من، به ضعف خود از به دوش کشیدن مصیبتهای بزرگ نگاه کردم و به ناتوانیام از غلبه بر کسی که قصد جنگ با من را دارد، و به تنهاییام در برابر انبوه کسانی که مرا قصد کردند، نگاه کردم و بلاها در آنچه فکر خود را به کار نگرفتم، در کمین من نشستند و تو یاریات را به من آغاز نمودی، و با نیروی خود، پشت مرا محکم نمودی، سپس تیزی آن را شکستی و بعد از آنکه در جمع بود، تنها ساختی و مرا بالا بردی و هرچه که مرا هدف گرفت، به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگیاش را سیراب نساخت و حرارت خشمش را خنک نکردانید، و دست خود را به دندان گرفتن پشت کرد و فرار نمود و سپاهیانیش را به جای گذاشت.

و چه بسا ستمکاری که با نیرنگهای خود به من ظلم نمود و دام صید خود را برای من پهن کرد و توجه جستجو گرانه‌اش را بر من گماشت و همچون درنده‌ای که بر شکار خود، مخفی میشود و منتظر فرصتی است خود را از من پنهان کرد، خدایا تو را صدا میزنم و از تو فریاد میخواهم و به اجابت سریع تو مطمئن هستم، و میدانم هر کس به سایه جوار تو پناه آورد مقهور نمیگردد، و هر کس به قلعه‌های پیروزی تو پناه جست، ترسان نمیگردد، پس به قدرت خود مرا از شر او در امان بدار.

و چه بسیار ابرهای مشکلات راکنار زدی و سختیهای پوشاننده را زدودی و از آنچه انجام میدهی سؤال نمیشوی، آنچه درخواست نمودم عطا کردی و آنچه از تو خواسته نشد، خود به اعطای آن آغاز کردی، و از فضلت درخواست احسان شد پس منع نمودی، ابا ورزیدی جز از نیکی کردن و من خودداری کردم جز از وارد

شدن به محرمات تو و شکستن حد و مرزها و غافل شدن از وعده عذاب تو، خدای من! تو را سپاس، سپاس توانمندی که مغلوب نمیگردد و بردباری که عجله نمیورزد، این جایگاه کسی است که به کوتاهیهای خود اعتراف دارد و تباهی را بر خود گواه است.

خدایا به محمدیت والا، به تو نزدیک میجویم و به علویت سپید، به سوی تو روی میکنم، مرا از شر آنچه آفریدی و از گزند بدخواهان پناه ده، به راستی که آن در توانایی تو سخت نیست و بر قدرت تو دشوار نیست و تو بر هر کاری توانایی.

خدایا تا مرا زنده نگاه داشتی با ترک گناهان بر من رحمآرو به دوری از سختی آنچه به من مربوط نیست رحم کن، و خوشبینی نسبت به آنچه تو را از من خشنود میسازد، روزیام گردان، و قلم را بر حفظ کتابت آنگونه که به من آموختی، ملزم بدار، و چنان کن تا بدان طریق که از من راضی میشوی، آن را تلاوت نمایم، چشمم را بدان روشن گردان و گوشم را بدان هوشیار قرار ده و گوشم را جایگاه آن قرار ده و سینهام را بدان وسعت بخش و قلم را بگشای و زبانم را بدان رها ساز و تنم را برای آن به کار گیر و چنان نیرو و قدرتی در من قرار ده تا آن را بر من آسان گرداند، به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز به تو محقق نمیگردد.

خداوندا شب و روز، دنیا و آخرت، بازگشتگاه و قرارگاه مرا عافیت و بهبودی و برکت از جانب خود قرار ده. معبودا، تویی پروردگار، مولا، سرور و آرزو و خدا و فریادرس و تکیهگاه و آفریدگار و یاور و اطمینان و امید من، زندگانی و مرگ، دیدن و شنیدن من از آن توسست، روزیام در دستان توسست و بازگشتم به سوی توسست، در دنیا و آخرت به قدرت خود بر من سلطه راندی و با فرمانروایی خود بر من قدرت یافتی و اختیارم به دست توسست، کسی نمیتواند مانع از رضایت تو شود، به سبب مهربانیات به رحمتت امید دارم و به سبب رحمتت به خشنودیات امید بستم و آن را به واسطه اعمال و کردارم، امید ندارم، من از کردارم ناتوان گشتم و چگونه امید بندم به چیزی که از من ناتوان گشته است، از نیاز و سستی تواناییام و زیادهروی در کارم به درگاه تو شکایت میورزم، و تمامی اینها از آن من است، و تو در آن از من آگاهتری پس تمامی آن را کفایت کن.

خدایا مرا از دوستان محبوبت محمد و دوستت ابراهیم و از کسانی که در آن روز ترس عظیم، از ایمنیافتگان هستند قرار ده، پس مرا ایمن گردان و به آسایش خود مرا راحت قرار ده و مرا زیر سایه خود قرار ده و از آتش جهنم رهایی بخش، و بدی به من مرسال، مرا تنها مگذار، و مرا در دنیا سلامت بدار و در روز قیامت، حجت مرا به من تلقین فرما و یادت را به یادم آور، آسایش را برایم میسر گردان و از سختیها دور بدار و تا زمانی که زنده‌ام، نماز و زکات را به من الهام کن، توفیق بندگیات را عطا فرما. و مرا در راه فهمیدن و خشنودی خود، به کار گیر، و از فضل خود روزیام فرما. چهره‌ام را در روز قیامت سفید و روشن قرار ده و حسابرسیام را آسان گردان و مرا به کارهای زشتم رسوا مساز و به هدایت خویش راه بنمای، و مرا به سخن ثابت در سرای دنیا و آخرت استوار بدار.

آنچه دوست داری محبوب من گردان و آنچه ناپسند می‌شماری، مورد نفرت من قرار ده و امور مهم دنیا و آخرت مرا کفایت نمای و در نماز و روزه و دعا و عبادت و دنیا و آخرت مرا برکت بخش و مرا به مقام محمودت برسان، قدرتی یاریکننده بر من قرار ده، و از ظلم و نادانی و زیاده‌روی در گناهانم بگذر، و مرا از بلاهای زندگانی و مرگ رهایی بخش، و از زشتیهای آشکار و پنهان نجات ده، و روز قیامت مرا از اولیای خویش قرار ده و بهترین آنچه به من دادی پایدار بگردان و با حلال خود مرا از حرام بیناز گردان و با پاکیها مرا از پلیدیها کفایت کن.

روی گرامیات را سوی من را و از من بروی برمگردان، و به راه راست هدایت فرما و توفیق آنچه دوست داری و می‌پسندی عطا فرما.

خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه کارم را به چشم مردم و یا به گوش آنها برسانم، و از تکبر و بزرگ‌نمایی و غرور و فخر فروشی، تکبر، فریفته شدن و شادی بسیار و خودپسندی و جبرگرایی به تو پناه می‌برم، پروردگار پناه می‌برم به تو از بخل، خساست، حسادت، حرص و رقابت، نیرنگ، و پناه می‌جویم از طمع و پستی و آز و ناله و انحراف و سرگشتگی و پناه می‌برم به تو از ظلم و ستم و تجاوز و فساد و فسق و فجور و پناه می‌برم به تو از خیانت، تجاوز و سرکشی.

پروردگارا، از ارتکاب گناهان، قطع رحم و زشتی و بدکاری و معصیت به تو پناه میبرم و از جرم و بزه کاری و حرام و آنچه حرام شد و پلیدی و آنچه دوست نداری، به تو پناه میبرم.

پروردگارا از شیطان و نیرنگ او و ظلم و ستم و تجاوز و دامها و دیوان سرکش و لشکریان او به تو پناه میآورم و از شر آنچه از آسمان فرود آید و به سوی آن بالا رود به تو پناه میجویم و از شر جانوران و خزندگان یا جنیان و آدمیان و هر آنچه حرکت میکند به تو پناه میآورم و از گزند آنچه از آسمان فرود آید و آنچه سوی آن بالا رود و از شر آنچه در زمین فرو رود و از آن خارج گردد به تو پناه میآورم و از شر هر پیشگو و جادوگر و آنکه از غیب خبر دهد، در گرهای بدمد و هر افسونگری به تو پناه میبرم و از شر هر حسود و سرکش و ستمگر و رقیب و ظالم و ستیزهجو و بیدادگری به تو پناه میآورم و از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره و شک و دودلی به تو پناه میجویم و از تنبلی و شکست و ناتوانی و کوتاهی و شتابورزی و تباه کردن و کند بودن به تو پناه میآورم و از شر مخلوقات در آسمانها و زمین و میان آن دو و زیر خاک، به تو پناه میآورم.

از کمی و خواری به درگاه تو پناه میجویم و از تنگی و سختی و اسارت و محبوس بودن و دربند بودن و زندانی شدن و بلاها و مصیبتهایی که توان صبر بر آنها ندارم به تو پناه میجویم، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

خدایا هر آنچه از تو مسألت نمودیم، عطا فرما و به میزان شکوه و بزرگی خود بر ما بیافزای به حق اینکه خدایی نیست جز تو که شکستناپذیری و حکیمی. (1)

مجالس المفید: مثل این حدیث نقل شده است. (2)

2. أمالی: ابی بصیر نقل کرد از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دعای حضرت یوسف علیه السلام در چاه چه بود، زیرا ما در مورد آن دچار اختلاف شدیم؟ فرمودند: زمانی که حضرت یوسف علیه السلام در چاه قرار گرفتند و از زندگی ناامید گشتند، خواندند: «خداوندا اگر گناهان و معصیتهای مرا نزد تو بی آبرو نموده

- 1- . امالى الطوسى 1: 15 - 14
- 2- . مجالس المفيد: 152 - 149

است و صدای مرا بالا نمگیری و دعایم را مستجاب نمیگردانی، من به حق یعقوب پیر از تو مسألت دارم بر ناتوانیام رحم کن و میان من و او را گرد آور، و تو دلسوزی او نسبت به من و اشتیاق مرا به او دانستی».

نقل کرد: سپس امام صادق علیه السلام گریستند و فرمودند: و من میگویم: خدایا اگر خطاها و گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است و صدایم را بالا نمگیری و من به حق خودت از تو مسألت میکنم زیرا هیچ کس مانند تو نیست و به پیامبرت محمد پیامبر رحمت به سوی تو روی میکنم، ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا، نقل کرد: سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: این دعا را بخوانید و بسیار تکرار کنید، زیرا من در بسیاری از مشکلات بزرگ، آن را میخوانم. (1)

3. أُمَالی: أبا سیار نقل کرد از امام صادق علیه السلام شنیدم، فرمودند: جبرئیل علیه السلام به نزد حضرت یوسف علیه السلام در زندان آمد، و فرمود: بعد از هر نماز واجب این دعا را سه بار بخوان: «خدایا در این کارم، گشایش و بیرون شدنی قرار ده و از جایی که فکر میکنم و یا نمیپندارم روزیام کن». (2)

4. تفسیر القمی: امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که حضرت یوسف علیه السلام را در چاه انداختند فرمود: ای خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر ناتوانی و بیتدبیری و سن کم من رحم کن. (3)

5. تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که به حضرت یوسف علیه السلام اجازه خواندن دعای فرج داده شد، صورتش را بر زمین نهاد سپس خواند: «خدایا اگر گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است، من با روی پدرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب به سوی تو روی آوردم» پس خداوند امر او را گشایش داد، عرض کردم: فدایت گردم، آیا ما نیز این دعا را بخوانیم؟ فرمودند: شبیه آن را بخوان. خدایا اگر گناهان مرا نزد تو بی آبرو نموده است، من با پیامبرت،

ص: 243

-
- 1- . أُمَالی الصدوق: 243
 - 2- . أُمَالی الصدوق: 244
 - 3- . تفسیر القمی: 317

پیغامآور رحمت صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر امامان علیهم السلام به سوی تو روی میکنم. (1)

6. تفسیر القمی: زمانی که آن فرستاده نوشته یعقوب را به پادشاه داد، حضرت یعقوب دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «ای بهترین همنشین، ای که یاریات بزرگوارانه است، ای بهترین معبود، رحمت و گشایش را بر من وارد نمای» پس جبرئیل علیه السلام بر او نازل گشت و فرمود: ای یعقوب آیا میخواهی به تو دعاهایی بیاموزم که خداوند چشمان و فرزندان را به تو بازگرداند؟ پاسخ داد: آری، و جبرئیل گفت: پس بخوان: «ای که کسی چگونگی او را نمیداند مگر خودش، ای کسی که آسمان را با هوا مسدود کرد و زمین را بر آب گسترانید، و بهترین اسمها را بر خود برگزید، رحمت و گشایش از نزد خود به من عطا فرما» نقل کرد: همین که سپیددم طلوع کرد، پیراهن برای او آورده شد و به سوی او انداخته شد و خداوند بینایی و فرزندش را به او بازگرداند. (2)

تفسیر العیاشی: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام نقل است با این اضافه: «ای آنکه کسی چگونگی و مکان و قدرت او را نمیداند مگر خود او». (3)

7. تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که برادران یوسف، او را در چاه انداختند جبرئیل به او که در چاه بود وارد شد و فرمود: ای جوان چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ یوسف به او گفت: برادرانم، به خاطر جایگاه من در نزد پدرم، به من رشک بردند و از این رو مرا در چاه انداختند، گفت: آیا دوست داری از آن خارج شوی؟ یوسف پاسخ داد: این کار را به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب سپردم، گفت: به راستی که خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب به تو فرمود، بگویی: «خدایا از تو میخواهم، به راستی که حمد و سپاس از آن توست، خدایی جز تو که مهربان و بخشندهای وجود ندارد. آفریننده آسمانها و زمین و صاحب شکوه و بزرگی هستی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در کار من گشایش

ص: 244

1- . تفسیر القمی: 322، و در تفسیر العیاشی 2: 178 آمده است.

2- . تفسیر القمی: 329

3- . تفسير العياشى 2: 195

و خروجی قرار ده و از آنجا که میدانم و یا نمی‌پندارم روزیام کن» پس پروردگارش را خواند، و خداوند برای او گشایشی از چاه و رهایی از نیرنگ آن زن قرار داد، و فرمانروایی مصر را از آنجا که فکر نمی‌کرد، به او عطا نمود. (1)

8. تفسیر القمی: جبرئیل علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام، فرمودند، بگو: «از تو می‌خواهم به بخشش دیرینه و نیکوکاری قدیم و لطف فراگیری ای بخشاینده ای مهربان» پس پادشاه آن خواب را دید و گشایش کار او در آن قرار گرفت. (2)

می‌گویم: برخی روایتها در باب حوقله ذکر شد. (3)

9. مجالس المفید، أمالی: ریّان نقل کرد: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که با این کلمات دعا میکرد: پس آنها را حفظ کردم، و هرگاه به واسطه آن در سختی دعا کردم، خداوند آن را برطرف مینمود و دعا این است: «خدایا تو اطمینان من در مشکلات و امیدم در سختیهای، و در هر آنچه بر من فرود آید اطمینان و توشه‌ای، چه بسیار مشکلاتی که قلب از آن سست میگردد و تدبیر اندک میشود و کارها در آن درماند، دور و نزدیک و دوست در آن تنها گذاشته میشوند، و دشمن شروع به سرزنش میکند، به درگاه تو روی می‌آورم و از آن به تو شکایت میکنم، به سوی تو گرایدم و از غیر تو بریدم و تو آن را گشودی، برطرف نمودی و مرا کفایت نمودی، تو سرپرست تمام نعمتهایی و همراه هر حاجت و انتهای آرزوهای، سپاس فراوان از آن توست و بخشش افزون برای توست، کارهای نیک با نعمت تو کامل میشود، ای آشنایی که به نیکی شناخته شدی و ای کسی که به نیکی توصیف شدی، از خوبی خود مرا به چیزهای پسندیده‌ای برسان که به واسطه آن از نیکی غیر تو، بینایم گردانی، به رحمت ای مهربانان. (4)

ص: 245

1- . تفسیر القمی: 330

2- . تفسیر القمی: 330

3- . مراجعه کن جلد 93: 274

4- . أمالی طوسی 1: 34 - 33

10. أمالی: ابو بصیر نقل کرد: از امام صادق علیه السلام در مورد دعای حضرت یوسف علیه السلام پرسیدم، فرمودند: دعا حضرت یوسف علیه السلام بسیار است ولی هنگامی که سختی زندان بر او شدت گرفت برای خدا به سجده افتاد و خواند: «خدایا اگر گناهان آبروی مرا برده اند و صدای مرا بالا نمیری پس من به روی یعقوب پیر، به سوی تو روی میکنم» نقل کرد: سپس امام صادق علیه السلام گریستند و فرمودند: درود خدا بر یعقوب و یوسف و من میگویم: خداوندا به خدا و رسول او علیه السلام. (1)

میگویم: برخی روایتها در باب دعاها برآورده شدن حاجات ذکر شد.

11. أمالی: مولایمان حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس نگران روزی خود باشد، گناه کرده است، به راستی که دانیال در روزگار فرمانروایی سرکش و زورگو بود که او را گرفت و به چاه انداخت و درندگان را نیز با او به چاه انداخت ولی آنها به حضرت دانیال نزدیک نشدند و آن فرمانروا نیز او را از چاه خارج نساخت، پس خداوند به پیامبری از پیامبران وحی نمود تا غذایی برای دانیال ببرد، او گفت، پروردگارا دنیال کجاست؟ فرمود: از روستا خارج میشوی، و به گفتاری برمخوری سپس او را دنبال میکنی، زیرا تو را به سمت دانیال راه میبرد، سپس گفتاری نزد او آمد و او را به سمت آن چاه برد و ناگهان دانیال را در آن یافت، پس غذا را به سمت او پایین فرستاد و دانیال چنین گفت:

«سپاس خدایی را که یادکننده خود را فراموش نمیکند و آنکه او را بخواند، ناامید نمیگرداند، سپاس خدایی که هر کس به او توکل نمود، کفایت کرد و سپاس خدایی که هر کس به او اطمینان کرد، او را به دیگران واگذار ننمود، سپاس خدایی که در برابر نیکی، پاداش نیک میدهد و در برابر صبر، رهایی.» سپس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ابا ورزید مگر اینکه روزی تقوایندگان را از جایی که نمپندارند قرار دهد و از دوستان خود، شهادت دادن در حکومت ظالمان را نپذیرد. (2)

ص: 246

-
- 1- . أمالی الطوسی 2: 28
 - 2- . أمالی الطوسی 1: 306

قصص الانبياء: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام، نقل است.

12. تفسیر القمی: در روایتی از امام صادق علیه السلام که داستان بخت نصر و دانیال را در آن ذکر کردند، آمده است، دعای آن حضرت علیه السلام: سپاس خدایی که فراموش نمیکند تا آنجا که پاداش نیک میدهد، و در آن اضافه نمودند: سپاس خدایی که پاداش صبر را نجات قرار میدهد و سپاس خدایی که در سختیها، مشکل ما را برطرف نمود، و سپاس خدایی که اطمینان ماست در آن لحظهای که تدبیرها پایان پذیرد و سپاس خدایی را که امید ماست آن هنگام که به کردارمان بدین میشویم.(1)

میگویم: این حدیث به صورت کامل، در کتاب النبوات آمده است.(2)

13. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بیمار شود یا به گرفتاری دچار شود و در آن حالت، سوره قل هو الله احد را بخواند، اهل جهنم است.(3)

14. قصص الانبياء: امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم از جدم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام روایت کردند: زمانی که نمرود حضرت ابراهیم علیه السلام را گرفت تا در آتش اندازد، گفتم: پروردگارا، او بنده و دوست دوست که در زمین کسی چون او تو را بندگی نکرد، خداوند متعال فرمودند: او بنده من است، هرگاه بخواهم، او را بگیرم، و زمانی که ابراهیم علیه السلام به سوی آتش انداخته شد، جبرئیل علیه السلام را در هوا و در حال سقوط به آتش، ملاقات کرد و گفت: ای ابراهیم، آیا حاجتی داری؟ پاسخ داد: حاجتی به تو ندارم و گفت: ای خدا ای یکتا ای بینای کسی که نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد، مرا به رحمت خود از آتش برهان، پس خداوند متعال به آتش وحی نمود: «بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

ص: 247

1- . تفسیر القمی: 79

2- . به جلد 14: 356 مراجعه کن.

3- . ثواب الاعمال: 115

15. قصص الانبياء: امام باقر علیه السلام فرمودند: دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آن روز چنین بود: ای یکتا ای بیناز ای کسی که نزایید و زاییده نشد و هیچ کس همتای او نیست، سپس توکل کردم بر خدا و فرمود: تو را کفایت کردم.

16. قصص الانبياء: امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که برادران حضرت یوسف علیه السلام او را در چاه انداختند، جبرئیل بر وی نازل شد، و فرمود: ای نوجوان چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ جواب داد: برادرانم به خاطر جایگاه من در نزد پدرم، بر من حسادت ورزیدند، فرمود: آیا دوست داری از این چاه خارج شوی؟ جواب دادند: این کار را به خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب واگذار کردم، جبرئیل گفت خداوند به تو میفرماید: بگو: «خدایا از تو میخواهم به اینکه سپاس مخصوص توست خدایی جز تو نیست و تو آفریننده آسمانها و زمینی، ای صاحب شکوه و بزرگی بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در کارم گشایش و خروجی قرار ده و از آنجا که نمیپندارم و میپندارم روزیام کن.

میگویم: برخی روایتها را در باب کلمات چهارگانه آوردیم.

17. قصص الانبياء: حضرت صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کردند: زمانی که یهودیان بر گرد حضرت عیسی علیه السلام جمع شدند تا به پندار خویش او را به قتل برسانند، جبرئیل علیه السلام نازل شد و او را با بال خویش پوشاند، و حضرت عیسی نگاه کرد و این نوشته را در بال جبرئیل یافت: «خدایا، تو را میخوانم به نام یگانه و عزیز تو، خدایا تو را میخوانم به نام بیناز تو، خدایا تو را میخوانم به نام عظیم و یگانه تو، خداوند تو را میخوانم به نام بزرگ و بلندمرتبه تو که تمام پایههای تو را استوار بخشید، که آنچه در آن صبح و شام کردم، برطرف نمایی، هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام این دعا را خواند، خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود: او را به نزد من عروج ده.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فرزندان عبد المطلب پروردگارتان را با این کلمات بخوانید، سوگند به کسی که جانم در دست اوست،

هرگاه بندهای با نیت خالص آن را بخواند، عرش به لرزه درآید و خداوند به فرشتگان خود میفرماید: گواه باشید که من به سبب این کلمات او را اجابت نمودم و خواسته‌اش را در دنیا و آخرت به او عطا نمودم، سپس به یارانش فرمودند: با این کلمات درخواست کنید و اجابت را به تأخیر نیندازید.

18. قصص الانبیاء: ابن عمر نقل کرد: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که عرب بادیه نشین سوار بر شتر سرخموی وارد شد، سلام کرد و نشست و برخی گفتند: این بادیه‌نشین شتری را که بر آن سوار بود دزدیده است، فرمود: دلیلی بیاور، پس آن شتر زبان گشود و گفت: ای رسول خدا سوگند به کسی که تو را به بزرگی برانگیخت، این مرد مرا ندزدید و مالکی جز او ندارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای بادیه نشین، چه خواندی که خداوند این شتر را به سخن واداشت؟ عرض کرد: گفتم: خدایا به راستی تو معبودی نیستی که تو را خلق کرده باشیم و به همراه تو خدایی نیست که تو را در آفرینش ما یاری رسانده باشد و به همراه تو پروردگاری نیست تا در پروردگاریات با تو شریک گردد، تو همانگونه که گفتم پروردگار مایی و بالاتر از آن هستی که گویندگان میگویند، از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و به پاکدامن مرا بیتقصیر گردانی، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای بادیه‌نشین سوگند به کسی که مرا به بزرگی برانگیخت، دیدم فرشتگان سخن تو را مینگارند، آگاه باشید، هر کس مثل تو دچار چنین مشکلی شود باید این سخن تو را بگوید و بر من بسیار صلوات فرستد.

19. فقه الرضا: هرگاه از امری اندوهگین شدی، هفت بار بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، اگر کفایت نشدی، آن را هفتاد مرتبه بگو و چنانچه به بلایی گرفتار آمدی و رنجی به تو رسید یا از چیزی بیم داشتی و یا به اندوهی دچار شدی، از یکی از برادرانت کمک بگیر و این دعا را بخوان، و برادرش بر آن آمین بگوید، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که در سختیها دعا را میخواندند و علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن آمین میگفتند و فرمودند: هر کس این دعا را سه بار

بخواند، تمام خواسته‌هایش برآورده گردد مگر اینکه خواهان گناه یا قطع صله رحم باشد، و دعا این است: «ای زنده ای پاینده، ای زنده‌ای که نمیمیرد، ای زنده‌ای که خدایی جز تو نیست، از تو می‌خواهم به اینکه سپاس مخصوص توست، خدایی جز تو وجود ندارد، تو بخشنده‌ای و آفریننده آسمانها و زمینی، ای صاحب شکوه و بزرگی».

و چنانچه در تنگنای زندگی بودی، سجده کن و طرف راست صورت خود و سپس طرف چپ آن را بر زمین بگذار و هر بار بگو: «ای خوارکننده سرکشان زورگو، ای عزتبخش ذلیلان، سوگند به حق تو که به اوج سختی رسیدهام، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من گشایش حاصل کن».

و هرگاه امر ناخوشایندی پیش آمد، بگو «خداوند برای من کافی است و او بهترین کارگزار است».

20. الخرائج: رضی در کتاب خصائص الائمہ با استناد به ابن عباس نقل کرد: در دوران خلافت عمر، مردی، شتری در ناحیه آذربایجان داشت، که از آن به سختی افتاد، پس از آنچه به او رسید به نزد عمر شکایت برد و اینکه تأمین مخارج زندگیش به وسیله آن شتر است، پس به او گفت: برو و از خداوند متعال فریادخواهی کن، آن مرد گفت: پیوسته از خدا می‌خواهم و به او توسل می‌جویم و هرگاه به او نزدیک می‌شوم به من حمله می‌کند، پس عمر رقعهای اینچنین نوشت: از امیر مؤمنان عمر به جنیان و شیاطین سرکش این چهارپایان را برای او رام گردانید، آن مرد رقعہ را گرفت و رفت.

عبدالله بن عباس نقل کرد: از این امر بسیار اندوهناک شدم و به دیدار علی رفتم و او را از آنچه رخ داد، آگاه نمودم، پس آن حضرت علیه السلام فرمودند: سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، ناامید باز می‌گردد، پس آرام گرفتم و سختی این مساله بر من طولانی گشت، پیوسته کسانی را که از کوهستان می‌آمدند، می‌پاییدم که ناگهان آن مرد را دیدم که در پیشانیاش شکافی است که میشود دست را در آن فرو برد.

زمانی که او را دیدم، به سمت او رفتم و گفتم: تو را چه شده؟ گفت: من به آن مکان رفتم و رقعۀ را انداختم، پس یکی از آنها بر من حملهور شد و من از کار او ترسیدم و توانی نداشتم پس نشستم که یکی از آنها بر چهره‌ام لگد زد و گفتم: «خدا آن را کفایت کن» و همگی آنها به من حمله کردند و قصد کشتن مرا داشتند، پس از من روی برگرداندند و من به زمین افتادم و برادرم آمد و مرا برد، نمودارم، پیوسته درمان کردم تا بهتر شدم و این اثر آن در چهره‌ام ماند. به او گفتم، به نزد عمر برو و او را آگاه کن، پس به نزد او رفتم و چند نفری پیش او بودند و او را از آنچه رخ داد آگاه ساخت، پس او را راند و گفت: دروغ گفتی، نوشته مرا نبردی و آن مرد قسم خورد که آن کار را انجام داد، ولی او را از نزد بیرون کرد.

ابن عباس نقل کرد: او را به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام بردم، لبخندی زدند و فرمودند: آیا به تو نگفتم، سپس به سمت آن مرد رفتند و فرمودند: هرگاه به مکانی رفتی که شترت در آنجاست، بخوان: «خدایا من با پیامبرت، پیغامآور رحمت و اهل بیتش که با آگاهی آنها را بر جهانیان برگزیدی، به تو روی میآورم، خدایا سختی آن را به من آسان گردان و مرا از شر آن کفایت نما، به راستی که تو کافی و عافیتدهنده و غلبهکننده و چیره‌ای» نقل کرد: و آن مرد بازگشت و بعد از مدتی آمد و با خود مقداری از بهترین اموال خویش را نزد امیر مؤمنان آورد و من نیز با ایشان بودم.

حضرت علیه السلام فرمودند: خبر میدهی یا من به تو خبر بدهم؟ آن مرد گفت: ای امیر مؤمنان، شما خبر دهید، فرمودند: گویی من نیز با تو بودم هنگامی که به سمت شترت رفتی، نزد تو آمد و با نرمی و در حالی که رام تو بود، به تو پناه آورد و تو موهای پیشانی او را یکی یکی گرفتی، آن مرد گفت: ای امیر مؤمنان راست گفتی، گویی شما نیز با من بودید، همینطور بود، پس آنچه برای شما آوردم بپذیرید، حضرت فرمودند: برو در حالی که هدایت شوی و خداوند به تو برکت دهد. این خبر به عمر رسید و از آن اندوهناک شد، آن مرد رفت و هر سال برای حج میآمد و خداوند مال او را بسیار کرد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کس که به خاطر مال یا خانواده یا فرزند یا کاری به گرفتاری و سختی افتد، پس با این دعا به درگاه خداوند زاری کند، به راستی که از هر چه بیم دارد او را کفایت میکند انشاء الله تعالی. (1)

21. تفسیر العیاشی: امام باقر علیه السلام فرمودند: کلماتی که حضرت آدم علیه السلام از پروردگارش دریافت و به سوی خدا توبه نمود و هدایت یافت: «پاک و منزهی ای خدا و ستایش میکنم تو را، من بد کردم و به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیامرز به راستی که تو آمرزنده مهربانی، خداوندا به راستی که خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی و تو را سپاس میگویم، من مرتکب اعمال ناپسندی شدم و به خودم ظلم نمودم پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگانی، خدایا به راستی که خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی و تو را سپاس میگویم، من مرتکب کردار ناپسندی شدم و بر خود ظلم نمودم پس مرا بیامرز به راستی که تو آمرزنده مهربانی. (2)

22. السرائر: ابن هلال نقل کرد به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حال ما دگرگون شده است، فرمودند: در نماز واجب دعا کن، عرض کردم: آیا در نماز واجب جایز است حاجتهای دینی و دنیوی را نام ببرم؟ فرمودند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت خود برای قومی با ذکر نامهایشان و نام پدرانشان دعا میکردند و پس از او حضرت علیه السلام نیز چنین کردند. (3)

23. تفسیر العیاشی: امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی حضرت یوسف علیه السلام در زندان بود، خداوند به سوی او فرستاد: ای فرزند یعقوب، چه چیز تو را در کنار خطاکاران سکنی داده است؟ جواب داد: گناه، گفت: به آن گناه، اعتراف کن و خارج شو و او اعتراف کرد همچون مردی که در کنار همسر خود می نشیند در کنار او نشست. پس به او گفت: این دعا را بخوان: ای بزرگ تمامی بزرگان، ای

ص: 252

-
- 1- . مختار الخرائج و الجرائح: 226 - 225، این داستان در کتاب المناقب
 - 2: 311 - 310 از ابی العزیز کادش العکبری، ذکر شد.
 - 2- . تفسیر العیاشی 1: 41 و آیه یوسف: 100
 - 3- . السرائر: 46

کسی که شریک و وزیر نداری، ای آفریننده خورشید و ماه تابان ای پناه درمانده نابینا، ای در هم شکننده هر سرکش زورگو ای بیناز کننده اسیر در بند، به حق محمد و خاندان محمد از تو می‌خواهم که در کارم گشایش و خروجی قرار دهی و از آنجا که می‌پندارم و نمی‌پندارم به من روزی رسانی.

نقل کرد: هنگامی که صبح کرد، فرمانروا او را فرا خواند و آزاد کرد و این سخن اوست: «و به من نیکی کرد هنگامی که از زندان خارج ساخت».(1)

24. مکارم الاخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس این دعا را بخواند: «خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم، زمام امور به دست توست و حکم تو در مورد من قطعی است و قضاوتت عادلانه است، از تو می‌خواهم به هر نامی که سزاوار آنی و خویش را بدان نامیدی، یا در کتابت فرو فرستادی یا بر کسی از مخلوقات آموختی، یا در علم غیب خود آن را برگزیدی، قرآن را بهار قلب من و نور سینه و نابودکننده غم و اندوه من قرار دهی» خداوند اندوه او را برطرف سازد و شادی را جایگزین آن کند.(2)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که به حضرت علیه السلام فرمودند: هرگاه در مشکلی فرو رفتی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمی‌پذیرد، خدایا تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم» به راستی که خداوند پاک به واسطه آن، بلا را دفع مینماید.(3)

25. فلاح السائل: ابن خارجه نقل کرد: از دگرگونی حالم به امام صادق علیه السلام شکایت کردم، پس به من فرمودند: چرا دعای حضرت یوسف را نمی‌خوانی؟ عرض کردم؟ دعای حضرت یوسف چه دعایی است؟ فرمودند: میگفت: «تنم در مصیبت آرام گرفت و زبانم در اشتباه بر من پیشی گرفت، پس اگر آبرویی در نزد تو ندارم و گناهان مانع صدایم از تو شدند، پس من به روی یعقوب پیر، به سوی تو

ص: 253

1- . تفسیر العیاشی 2: 198

2- . مکارم الاخلاق: 404

3- . مکارم الاخلاق: 406

روی میآورم» عرض کردم: یوسف میگفت: به روی یعقوب پیر، من چه بگویم؟ فرمودند: میگوی: به روی محمد درود خدا بر او و خاندانش.

میگویم: در دعای حضرت یوسف علیه السلام در زندان، لفظی دیگر برای دعای وی آوردم، و این فراز از دعا: «جسمم از مصیبتها آرام گرفت» شاید اینگونه باشد: «پیکرم از بلاها شکایت دارد» ولی من لفظ دعا را همانگونه که یافتم، نقل کردم. (1)

26. نوادر الراوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نعمتهای خداوند بر او فراوان گردد باید بسیار شکر نماید و هر کس شکر به او الهام شود از افزونی نعمت، محروم نمیگردد و هر کس غمهایش بسیار شود، زیاد طلب آمرزش کند، و هر کس فقر به او فشار آرد، بسیار بگوید: هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیدارد.

27. به نقل از خط شهید رحمه الله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هر بندهای از نابودی نعمت یا مصیبتهای نابهنگام یا تغییر عافیت بیم دارد، بگوید: «ای زنده ای پاینده، ای یگانه ای بزرگ ای نیکوکار، ای بزرگوار ای مهربان ای بیناز نعمتهایت را بر ما کامل گردان و بزرگیات را بر ما بخشای و عافیت را بر ما بپوشان» خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا گرداند.

28. أمالی: عبدالله بن جعفر نقل کرد: علی بن ابی طالب کلمات فرج و گشایش را به من آموختند و فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلمات را به او تلقین نمودند، و به او امر فرمودند: هرگاه دچار گرفتاری یا مشکلی شد، این کلمات را بر زبان جاری سازد: «خدایی جز خدای بردبار و بزرگوار وجود ندارد خدایی جز خدای بلند مرتبه و بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوند و خجسته باد پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش باعظمت و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است». (2)

ص: 254

1- . فلاح السائل: 194

2- . أمالی طوسی 2: 235

29. دعوات الراوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند، هر کس به گرفتاری اندوه یا مصیبت و سختی دچار آید بگوید: «خدا، خدا پروردگار من است درهای به او شرک نمیورزم و بر آن زندهای که نمیبرد توکل نمودم».

دعای فرج «ای کسی که از هر چیز کفایت میکنی و چیزی نمیتواند او را کفایت کند، مرا سبب اندوهم گشته، کفایت نمای».

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه در منجلاب گرفتاری فرو رفتی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدای تحقق نمیپذیرد» به راستی که خداوند آنچه از انواع بلا را که خواهد، دور میگرداند.

در روایت احمد، آمده است: هفت مرتبه، و چنانچه آن مشکل برطرف نشد، هفتاد مرتبه بخواند، و فرمودند: درهای گناه را با پناه جستن ببندید و درهای طاعت را با بسم الله گفتن باز کنید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: زمانی که غم و اندوه فراوان بر حضرت یعقوب علیه السلام فشار آورد به دست خود را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند: «ای بهترین همنشین، ای که یاریات بسیار است، ای بهترین، رحمت و گشایشی از جانب خود بر من وارد کن» سپس جبرئیل علیه السلام نازل شدند و فرمودند: ای یعقوب آیا پیاموزم به تو دعایی تا در اثر آن خداوند دیدگان و فرزندان را به تو بازگرداند؟ فرمودند: آری، پس گفت، بگو: «ای آنکه کسی چگونگی و مکان و قدرت او را جز خود نمیداند ای کسی که هوا را به آسمان مسدود کرد و زمین را بر آب گسترانید و بهترین نامها را بر خود برگزید، رحمت و گشایشی از جانب خود بر من وارد کن» همین که صبح فرا رسید، پیراهن آورده شد و بر او انداخته شد و خداوند دیدگان و فرزندان را به او بازگردانید.

زین العابدین علیه السلام فرمودند: پدرم علیه السلام در روز شهادتش مرا به سینه خود چسبانند و در حالی که خون جاری بود، میفرمودند: ای فرزندم این دعا را از من به خاطر بسپار که حضرت فاطمه سلام الله علیها آن را به من آموخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله به او آموخت و جبرئیل علیه السلام به رسول خدا

برای اوقات نیاز، غمها، مصیبتها و کارهای بزرگ آموختند، فرمود بخوان «به حق یس و قرآن حکیم و به حق طه و قرآن عظیم ای کسی که به رفع نیازهای درخواستکنندگان توانمندی، ای کسی که بر آنچه در باطن است، آگاهی ای گشاینده اندوهناکان، ای رحمکننده بر پیر بزرگسال، ای روزیدهنده به کودک خردسال، ای کسی که نیازی به توضیح نداری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در حق من چنین و چنان کن.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل به من گفت: آیا پیاموزم به تو کلماتی که زمانی حضرت موسی علیه السلام آنها را بر زبان آورد، دریا بر او گشوده گردید؟ پاسخ داد: آری، گفت پس بگو: «خدایا سپاس مخصوص توست و شکایت به سوی توست و فریادرسی به واسطه توست و تویی یاریکننده و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد».

30. البلد الامین: صاحب کتاب دفع الهموم و الاحزان و قمع الغموم ذکر کرد، کسی که در زندان است سه بار بگوید «از خداوند گذشت و تندرستی و عافیت در دنیا و آخرت را مسألت مینمایم».

نوبه العنبری نقل کرد: حاکم مرا بر مبارزه اجبار کرد و من ابا ورزیدم پس مرا زندان نمود تا زمانی که دیگر مویی در سرم باقی نماند پس شخصی با لباس سفید به خوابم آمد و گفت: ای نوبه، زندانت طولانی شد عرض کردم: آری، گفت: بگو: «از خداوند گذشت، تندرستی و عافیت در دنیا و آخرت را مسألت مینمایم» از خواب برخاستم و آنچه گفت را نوشتم سپس وضو گرفتم و آنچه خدا خواست نماز خواندم و این ذکر را تا نماز صبح خواندم، پس نگهبانم آمد و گفت: نوبه کجاست؟ گفتم: بله، مرا برداشت و نزد او برد، و من آن کلمات را بر زبان جاری میساختم و زمانی که چشمش به من افتاد، دستور آزادی مرا داد و نوبه نقل کرد: آن دعا را به مردی در بصره آموختم، نقل کرد: آنها را در هر سختی که بر زبان آوردم، از من دور گشت، و

یک روز که آنها را نخواندم، شکنجه شدم و صد تازیانه و شلاق خوردم و در آن لحظه به یادم آمد و به واسطه آنها دعا کردم پس از من کناره گرفت. (1)

31. من کتاب الروضه: ربیع نقل کرد: زمانی که پایههای خلافت منصور استوار گشت، گفت: ای ربیع، شخصی را بفرست تا جعفر بن محمد را نزد من آورد و پس از لحظهای گفت: مگر به تو نگفتم به دنبال جعفر بن محمد بفرستی؟ به خدا سوگند او را میآوری و گرنه تو را میکشم، چاره‌ای نیافتم، نزد ایشان رفتم و عرض کردم: ای ابا عبدالله، امیر مؤمنان را اجابت کنید، پس با من برخاستند وقتی نزدیک در رسیدیم، دیدم لبانشان را حرکت میدهند، سپس داخل شدند و سلام کردند، و خلیفه جواب نداد، و ایستاد و ایشان را ننشانده، سپس سر خود را به سوی ایشان بلند کردند و گفتند: ای جعفر، تو کسی هستی که بر ضد من نیرو جمع می‌کنی، پدرم از پدرش و او از جدش نقل کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر فریبنده‌ای در روز قیامت پرچمی خواهد بود که بدان شناخته میشود و جعفر بن محمد علیهما السلام فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند، که فرمودند: در روز قیامت منادی از باطن عرش ندا میدهد، آگاه باشید باید برخیزد آنکه پاداشی بر من دارد و در این هنگام تنها کسی که از برادر خویش گذشت کرده است، برمیخیزد و پیوسته میگوید تا آرام گیرد و نرم شود، پس گفت: بنشین ای ابا عبدالله، سپس روغندانی از عطرا طلبید و با دست خود روی آن را پوشاند و عطر از انگشتان امیر مؤمنان میچکید، سپس گفت: ای ابا عبدالله در پناه خدا بازگرد، و به من گفت: ای ربیع، هدیه ابا عبدالله را برای او ببر و آن را دوچندان کن.

نقل کرد: خارج شدم و عرض کردم: ای ابا عبدالله آیا به محبت من آگاهی؟ فرمودند: آری، ای ربیع، تو از ما هستی، پدرم از پدرشان از جدشان نقل کردند: که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دوستدار یک قوم از آنان است، پس تو از ما هستی، عرض کردم: ای ابا عبدالله دیدم آنچه ندیدم و شنیدم آنچه نشنیدیم، و

ص: 257

هنگامی که بر او وارد شدید، دیدم لبانتان را حرکت میدادید، فرمودند: آری، دعایی میخواندم، عرض کردم: آیا آن دعایی بود که هنگام ورود آن را دریافتید یا به نقل از پدران پاکتان بود؟ فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان نقل کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه امری بر ایشان سخت می گشت، این دعا را میخواندند و به آن دعای فرج گفته میشد و آن دعا این است:

«خدایا به چشم خود که خواب ندارد، مرا حفظ کن و مرا در جوار ستون خود که دست نیافتنی است قرار ده، و به قدرتی که بر من داری، بر من رحم کن، وقتی تو امید من باشی، هلاک نمیگردم و چه بسیار نعمتهایی که به من عطا نمودی و سپاسگزاری من از تو در برابر آن نعمتها اندک گشت و چه بسا بلاهایی که مرا بدان آزمودی و بردباری من در برابر آنها اندک شد، پس ای کسی که شکر من از نعمتهایش کم بود و مرا محروم نساخت، و در مصیبتها صبر ننمودم و مرا تنها نگذاشت و مرا بر ارتکاب گناهان دید و رسوا نساخت، از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی.

خدایا به واسطه دنیا مرا در امر دینم، و با تقوا در امر آخرتم، یاری رسان و مرا در آنچه پنهانی انجام دادم حفظ کن و در آنچه به صورت آشکار عمل کردم، به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان به او آسیبی نمیرساند و آمرزش از او نمیکاهد، از آنچه تو را نمیکاهد به من ببخشای، و آنچه را به تو آسیب نمیرساند بیامرز، به راستی که تو پروردگار بخشندهای، از تو گشایشی نزدیک، صبر زیبا، روزی فراوان و عافیت از تمامی مصیبتها و سپاسگزاری از آن عافیت را خواهانم.

در روایتی دیگر: «و از تو عافیت کامل میخواهم و از تو عافیت همیشگی طلب میکنم و از تو شکر بر عافیت مسألت مینمایم و از تو بینازی از مردم را خواهانم و هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ تحقق نمیپذیرد.

ربیع نقل کرد: این دعا را از جعفر بن محمد علیهما السلام در رقعهای نو شتم و اکنون در جیمم است، و موسی بن سهل نقل کرد: من از ربیع نو شتم و اکنون در جیمم هست، و محمد بن هارون نقل کرد: من از عیسی نو شتم و اکنون در جیمم است، و علی بن احمد محتسب نقل کرد: من از محمد بن هارون نو شتم و اکنون در جیمم

هست، و سلمی مثل این را نقل کرد، و ابوصالح شبیه این سخن را نقل کرد، و حافظ ابومنصور نیز مثل این سخن را نقل کرد و من مثل آن را میگویم. (1)

32. عده الداعی: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند، جبرئیل علیه السلام این دعا را از آسمان بر ایشان فرود آورد و با خنده و بشارت بر ایشان نازل شد و فرمود: سلام بر تو ای محمد، فرمودند: و سلام بر تو ای جبرئیل، پس عرض کرد: خداوند عزّ و جلّ این هدیه را به سوی تو فرستاد، فرمودند: و آن چه هدیه‌ای است ای جبرئیل؟ جواب داد: کلماتی از گنجهای عرش که خداوند تو را بدان بزرگ داشت، فرمودند: و آنها چه کلماتی هستند ای جبرئیل؟ جواب داد بگو: «ای کسی که زیبایی را آشکار کردی و زشتی را پوشاندی ای کسی که به گناهان مواخذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی، ای صاحب گذشت بزرگ و ای نیکو درگذرنده ای که آمرزشت فراوان است، و دستانت را به رحمت گشودی، ای همدم هر نجوا و انتهای هر شکایت ای صاحب گذشت بزرگوارانه یا بخشنده بزرگ ای آغازگر نعمتها قبل از فرا رسیدن شایستگی آن ای پروردگار، ای سرور ما ای مولای ما و ای نهایت آرزوی ما، ای خدا از تو میخواهم خلقتم را به آتش زشت مگردان».

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل علیه السلام فرمودند: پاداش این کلمات چیست؟ جواب داد: بعید است بعید است، این کار امکانپذیر نیست، اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین جمع شوند تا پاداش آن را تا روز قیامت توصیف نمایند تنها پاداش یک بخش از آن را بیان میکنند.

هرگاه بنده‌ای گوید: «ای کسی که زیبایی را آشکار نمودی و زشتی را پوشاندی.» خداوند او را میپوشاند و در دنیا مورد رحمت قرار میدهد و در آخرت او را زیبا می‌کند، و خداوند هزار پوشش در دنیا و آخرت او را میپوشاند، و هرگاه بگوید: «ای کسی که به گناهان مواخذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی» خداوند متعال او را در روز قیامت محاسبه نمیکند و در آن روز که پرده‌ها کنار میرود پرده او را نمیدرد، و هرگاه بگوید: «ای صاحب عفو عظیم» خداوند گناهان او

ص: 259

را میبخشاید، هرچند خطاهای او همچون کف دریا باشد و هرگاه بگوید: «ای نیکو درگذرنده» خداوند از او حتی از دزدی و خوردن شراب و سختی های دنیا و دیگر گناهان کبیره میگذرد، و هرگاه بگوید: «ای بسیار آمرزنده» خداوند هفتاد در از رحمت را میگذشاید و او در رحمت خدا فرو میرود تا لحظهای که از دنیا خارج میشود و هرگاه بگوید: «ای گشاینده دستها به رحمت» خداوند دست خود را به رحمت او میگذشاید.

و هرگاه بگوید: «ای همدم هر نجوا و نهایت هر شکایت» و خداوند به او پاداش تمامی مصیبتدیدگان، انسانهای سالم، بیماران، نابینایان، بینوایان و هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت به او میدهد و هرگاه بگوید: «ای صاحب گذشت بزرگوارانه» خداوند همچون پیامبران او را گرامی بدارد و هرگاه بگوید: «ای بزرگ بخشاینده» خداوند در روز قیامت آرزوی خود و آرزوی دیگر بندگان را به او عطا نماید و هرگاه بگوید: «ای آغازگر نعمتها قبل از شایستگی آن» خداوند به تعداد شکرگزاران نعمتهایش او را پاداش دهد.

و هرگاه بگوید: «ای پروردگار ما ای سرور ما» خداوند متعال فرماید: ای فرشتگان گواه باشید که من او را بخشیدم و به تعداد آفریدگان من در بهشت و دوزخ و هفت آسمان و هفت زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کرانه ها و انواع آفریدگان و کوهها و سنگریزهها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی به او پاداش دادم.

و هرگاه بگوید: «ای مولای ما» خداوند قلب او را از ایمان لبریز میکند و هرگاه بگوید «ای نهایت آرزوی ما» خداوند آرزوی او و شبیه آرزوی دیگر مخلوقات را به او عطا خواهد کرد و هرگاه بگوید: «خدایا از تو میخواهم که آفرینش مرا با آتش زشت مگردانی» خدای جبار گوید: بندهام طلب رهایی از آتش میکند، فرشتگان من گواه باشید من او را از آتش رها کردم، و پدر و مادر و برادران و خانواده و فرزندان و همسایگان او را نیز آزاد کردم، و او را شفیع هزار نفر از کسانی که آتش بر آنها واجب شد قرار دادم و او را از آتش پناه دادم. ای محمد این کلمات را به تقوایندگان بیاموز و به منافقان نیاموز، به راستی که آنها دعای

مستجابی برای گویندهشان هستند انشاء الله، و آن دعای اهل بیت المعمور است آنگاه که به دور آن طواف کنند.

33. کتاب الامامه للطبری: ابو جعفر محمد بن هارون بن موسی تلکبری نقل کرد: ابو الحسین بن ابی بگل کاتب روایت کرد: از طرف ابی منصور بن صالحان مسولیتی را به عهده گرفتم و میان من و او اتفاقی افتاد که میبایست خود را از او پنهان کنم، پس مرا طلبید و بیم داد و من بیمناک و پنهان بودم، سپس در شب جمعه به طرف قبرستانهای قریش به راه افتادم و خواستم شب را برای خواندن دعا و حاجت در آنجا بمانم، شب باد و باران بود، از ابن جعفر القیم خواستم که درها را ببندد و در خلوت بودن این مکان بکوشد تا من نیز به دعا و حاجت خود که میخواهم، خلوت کنم، و از وارد شدن انسانی که از او ایمن نیستم، در امان باشم، و از اینکه او را بینم ترس داشتم، پس چنین کرد و درها را بست و شب به نیمه رسید و باد و باران به حدی بود که ارتباط مردم را از این مکان قطع کرد، و من ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم.

در همین حال بودم که صدای پایی در کنار قبر مولایمان حضرت کاظم علیه السلام شنیدم و مردی دیدم که زیارت میکند و بر حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم السلام، درود فرستاد. سپس امامان را یکی یکی نام برد تا به اسم صاحب الزمان علیه السلام رسید پس نام ایشان را نیاورد، از این امر تعجب کردم و گفتم: شاید فراموش کرد یا نمیداند یا به خاطر مذهب آن مرد است.

هنگامی که از زیارت خود فارغ شد دو رکعت نماز گزارد و به نزد مولایمان امام باقر علیه السلام آمد و مثل همان زیارت و سلام را به جا آورد و دو رکعت نماز گزارد و من از او میترسیدم، چون او را نمیشناختم و او را جوان و مردی کامل یافتم که لباس سفیدی به تن داشت و عمامهای حنک دار و ردایی بر دوش دارد، به من گفت: ای ابالحسین بن ابی بگل، چرا دعای فرج نمیخوانی؟ عرض کردم: چه دعایی است، سرور من؟ فرمودند: دو رکعت نماز میگزاری و میگویی:

«ای کسی که زیبایی را آشکار کردی و زشتی را پوشاندی ای کسی که به گناهان مواخذه نکردی و پرده حرمت را ندریدی، ای صاحب گذشت بزرگ و ای

نیکو درگذرنده ای که آمرزش فراوان است، و دستانت را به رحمت گشودی، ای همدم هر نجوا و انتهای هر شکایت ای صاحب گذشت بزرگوارانه یا بخشنده بزرگ ای آغازگر نعمتها قبل از فرا رسیدن شایستگی آن، ای پروردگار من - ده بار - ای سرور من - ده بار - ای مولای من - ده بار - ای نهایت من - ده بار - ای انتهای آرزوی من - ده بار - از تو میخواهم به حق این نامها و به حق محمد و خاندان پاکش علیهم السلام که مشکل مرا برطرف نمایی و اندوه مرا بزدایی و در کار من گشایش ایجاد کنی و حالم را اصلاح گردانی».

بعد از این هر دعایی که خواستی میخوانی و حاجت را مسألت میکنی سپس طرف راست صورت خود را بر زمین قرار میدهی و صد بار در سجده میگوی: «ای محمد ای علی ای علی ای محمد، مرا کفایت نماید به راستی که شما کفایتکننده من هستید و مرا یاری رسانید به راستی که شما یاریکنندگان من هستید» و گونه چپ خود را بر زمین مینهی و صد بار میگوی: «آدرکنی: مرا درک کن» و آن را بسیار تکرار میکنی و به اندازه یک نفس کامل میگوی الغوث الغوث و سرت را بالا می کنی و خداوند به کرم خویش حاجت را برمیآورد إنشاء الله تعالی.

و زمانی که به نماز و دعا مشغول شدم، خارج شد و هنگامی که از نماز فارغ شدم و به پیش ابن جعفر رفتم تا در مورد آن مرد بپرسم که چگونه داخل شد؟ و دیدم که درها همانطور بسته و قفل است. تعجب کردم و گفتم: شاید دری آنجا باشد که من نمیدانستم، ابن جعفر قیم را بیدار کردم پس از اتاقی که روغن در آن است، به سوی من بیرون آمد و از او درباره آن مرد و وارد شدنش پرسیدم، گفت: همانطور که میبینی درها بسته است و من آنها را نگشودم، پس برای او نقل کردم، گفت: او مولایمان صاحب الزمان صلوات الله علیه است و درچنین شبهایی که اینجا خالی از مردم است چندین بار ایشان را دیدهام.

پس بر آنچه از دست من رفت افسوس خوردم، نزدیک سپیده دم خارج شدم و به سمت کرخ و مکانی که در آن پنهان بودم رفتم، همین که روشنایی روز برآمد، یاران ابن صالحان میخواستند مرا ملاقات کنند و از دوستانم در مورد من می

پرسیدند و امانت نامهای نیز از جانب وزیر و نامهای به خط او داشتند که در آن بود، همه چیز خوب است، پس با دوستان مطمئن خود نزد او حاضر شدم، پس برخاست و مرا احترام کرد و چنان با من رفتار کرد که مثل که از او سراغ نداشتم، و گفت: اوضاع تو به گونهای گشت که از من به نزد صاحب الزمان صلوات الله علیه شکایت میبری؟ گفتم: من دعا و حاجتی داشتم گفت: وای بر تو، شب گذشته یعنی شب جمعه، مولایمان صاحب الزمان را در خواب دیدم و او مرا به انجام کارهای نیک امر فرمودند، و چنان بر من سخت گرفت که هراسناک گشتم و گفتم: خدایی جز خدای یگانه نیست، گواهی میدهم که آنها حق و در نهایت حق هستند، شب گذشته مولایمان را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند، و من آنچه را در حرم امام دیدم برای ایشان شرح دادم، پس از این امر تعجب کرد و کارهای بزرگ و نیکویی از او در این باب سر زد و به برکت مولایمان صاحب الزمان صلوات الله علیه از جانب او به بالاترین چیزهایی دست یافتم که گمان نمیکردم. (1)

34. اختیار ابن الباقي: ریان بن صلت نقل کرد: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم به کلماتی دعا میفرمودند پس از او حفظ نمودم و هرگاه در سختی آنها را بر زبان میآوردم، خداوند آن را برطرف مینمود و دعا این است:

«خدایا تو اطمینان من در هر گرفتاری و امید من در هر سختی هستی و تو در هر آنچه بر من پیش آید، اطمینان و توشهای، چه بسیار گرفتاریهایی که دل در برابر آنها ناتوان گردد و تدبیرها اندک شود و مسائل آن مرا به سستی وادارد، و نزدیک و دور و دوست در آن تنها شوند و دشمن به شتمانت پردازد و من آن را به سوی تو آوردم و از آن به درگاه تو شکایت کردم و از دیگران به سوی تو گراییدم پس آن را برطرف نمودی و زدودی و او را کفایت نمودی.

تو سرپرست تمام نعمتها و همراه هر نیاز و انتهای هر آرزویی، سپاس فراوان و بخشش فزاینده از آن توسست، و به نعمت توسست که اعمال نیک کامل گردد، ای کسی که به نیکی شناخته شدی و به نیکی توصیف میشوی، از نیکی خود، چیز

ص: 263

پسندیده‌ای به من عطا کن تا مرا از نیکبای دیگران بیناز گردانی، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

35. مهج الدعوات: دعای شخصی است که در زمین روم اسیر شده بود. مروی است که شخصی در زمین روم گرفتار شده بود. پس در آخر شب برخاست و دو رکعت نماز گزارد و این دعا را خواند. پس خدای عزّ و جلّ برای او فرشته ای را فرستاد تا آنکه او را به خانه خودش به نزد رفیقهای خودش برد. پس ایشان از حال او سؤال نمودند. به ایشان خبر داد که من این دعا را خواندم و دعا این است:

کجاست برای من خدای روزگاران؟ کجاست خدای بنی اسرائیل؟ کجاست غرق کننده فرعون و سپاه او؟ کجاست هلاک کننده پادشاهان با جبروت؟ کجاست آن شخص که هر کس طلب نمود او را یافت؟ کجاست آن شخصی که هر کس او را خواند حاجت او را برآورد؟ کجاست آن شخصی که دوستان خود را در هلاکت و انمی گذارد؟ کجاست آن شخصی که همیشه بود و نبود چیزی پیش از آن؟ کجاست آن شخصی که باقی می ماند و هر چیزی به فرمان او از بین می رود؟ کجاست آن شخصی که کوه ها را به قدرت خود بلند کرد؟ کجاست آن شخصی که دریا را پر کرد پس شکافته شد؟ پس هر بخش از آن مانند کوه بزرگ بود؟ کجاست برطرف کننده غمها و اندوهها، کجاست آفریدگار آفریدگان؟ کجاست بزرگترین بزرگان؟ تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی آن شخص ای پروردگار من، تویی آن شخص ای پروردگار من، رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و وساطت را به محمد عطا کن. و مستجاب کن دعای مرا به حقّ این کلمه که نیست خدایی مگر تو، رها کن مرا از هر بلایی و رحم نمای بر من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ای کهیصص مستجاب گردان دعای مرا مستجاب کن دعای مرا، ای پاکیزه ای منزّه از عیبا ای اوّل همه پیشینیان، ای آخر همه پسینیان، ای خدا ای خدا ای خدا، ای بسیار بخشنده ای بسیار بخشنده ای بسیار بخشنده ای مهربان ای مهربان در حق من چنین و چنان کن.....(1).

ص: 264

36. مهج الدعوات: مروی است که شخصی در شهر شام مدّت مدیدی محبوس بود و در شدّت آزار بود. پس در خواب دید که حضرت فاطمه علیها السّلام آمد و به او گفت که: این دعا را بخوان. پس آن شخص این دعا را یاد گرفت و چون بیدار شد، این دعا را خواند. پس از حبس نجات یافت و به خانه خود رفت. و دعا این است:

«خداوندا به حقّ عرش و کسی که آن را بلند کرد و به حقّ وحی و کسی که آن را فرستاد و به حقّ پیغمبر و کسی که او را پیغمبر کرد و به حقّ خانه کعبه و کسی که آن را ساخت، ای شنوای هر آوازی، ای گردکننده هر از دست رفته ای، ای خلق کننده مردمان پس از مرگ، رحمت فرست بر محمّد و اهل خانه او و به زودی از جانب خود به ما و به همه مردان و زنان مؤمن که در مشرق های روی زمین و مغرب های آن گشایشی بده، به سبب آنکه گواهی می دهم به آنکه نیست خدایی مگر خدا و آنکه محمّد بنده توست و فرستاده توست رحمت فرستد بر او و بر اولاد او که پاکان و پاکیزگانند و درود فرستد خدا بر ایشان درودی بسیار» (1).

37. جنه الامان: در برخی کتابهای راویان امامی دیدم، مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا من نیاز بدم و نیازمند گشتم و سالم بدم و بیمار شدم، در نزد مردم پذیرفته بدم و اکنون مورد دشمنی آنها قرار گرفتم و بر قلبهایشان سبک بدم و سنگین گشتم، شاد بدم پس غمها بر من جمع شد و زمین با تمام گسترده گیاش بر من تنگ آمد، و در طول روز در پی رزق و چیزی نمیابم تا قوت خود قرار دهم، گویی اسم من از دیوان روزیها پاک شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمودند: ای مرد، شاید میراث غمها را به کار میندی، گفت: میراث غمها چیست: فرمودند: شاید نشسته عمامه میپوشی و یا ایستاده شلوار می پوشی یا ناخنهایت را با دندان خود میگیری یا چهرهات را با دامن لباس خود پاک می کنی، یا در آب راکد، ادرار میکنی یا به رو میخوابی؟

ص: 265

گفت: هیچ یک از این کارها را نکردم، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: تقوای خدا را پیشه گیر و باطن خود را خالص گردان، و این دعا یعنی دعای فرج را بخوان:

«به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا آرزوهای بلند جز در نزد تو به نومیدی گراییدند و انبوه غمها جز به دست تو از بین نخواهد رفت و افکار تنها به سوی تو اوج گرفت، پس امید و پناه تنها به سوی توست، ای گرامیترین کسی که قصد شد و ای بخشندترین کسی که از او درخواست شد، به سوی تو گریختم ای پناه گریختگانی که بار سنگین گناه دارند، آنها را بر پشت خود حمل میکنم و شفיעی بر خود نمیابم جز اینکه میدانم تو نزدیکترین کسی هستی که خواستاران به او امید دارند و درماندگان به او پناه جستند و گرایندگان به آنچه نزد اوست امید دارند.

ای کسی که با معرفت خود فکرها را شکافت و با سپاس خود زبانها را گشود و بخششهایی که بر بندگان خویش داشت سبب پرداخت حق خود قرار داد. بر محمد و خاندان او درود فرست و برای خواب، بر فکر من راهی قرار مده و باطل را راهنمای کردارم قرار مده و خیر دنیا و آخرت را به روی من بگشا ای سرپرست خیر».

هنگامی که آن مرد، دعا را خواند و نیتش را خالص گردانید، به بهترین حالات خود بازگشت.

38. العتیق الغروی: دعای جلوگیری از آفتها و پناه بردن از هلاکتها(1)،

عبدالله بن علا نقل کرد: به همراه ابی محمد بن علی بن حسین علیهما السلام بودم و در میان ما جمعی از انصار حضور داشتند. در این لحظه، شخصی آمد و گفت: به راستی که خانها در آتش سوخت، پس فرمودند: ای فرزندانم، نسوخت پس رفت و طولی نکشید که برگشت و گفت: به خدا سوگند خانها در آتش سوخت، پس گفت: ای فرزندانم به خدا سوگند نسوخت، رفت و طولی نکشید که بازگشت و گروهی از خانواده و دوستان ما به همراه گریه میکردند و میگفتند: به پدرم سوگند، خانها

1- . در حاشیه نسخه اصل: آن را با تفاوت و به سندی دیگر در تعقیب نماز
صبح آوردم، لذا آن را در اینجا نیز آوردم.

آتش گرفت، پس فرمودند: هرگز، سوگند به خدا که خانه آتش نگرفت و من دروغ نگفتم و من به آنچه در دستانم است و چشمان شما میبیند، مطمئنترم.

پدرم برخاست و من به همراه او برخاستم تا اینکه به خانه‌ها مان رسیدند و آتش از سمت راست و چپ و از هر طرف آن شعله کشیده بود، سپس به مسجد رو کرد و به سجده افتاد و در سجده‌هاش گفت: «سوگند به عزت و شکوه تو، سر از سجده برنمیدارم تا آن را خاموش کنی» نقل کرد: سوگند به خدا همین که سرش از سجده برداشت آتش خاموش شد و به جوار خود رفت و اطراف خود را سوزاند و خانه‌های ما سالم ماند.

نقل کرد: عرض کردم: ای پدر، فدایت گردم، این چه چیزی است؟ فرمودند: ای فرزندم، ما از علم رسول خدا صلی الله علیه و آله گنجی را به ارث بردیم که از دنیا و هرچه در آن است و از مال و گوهرها بهتر است و از مردم و سلاح، سپاه و توشه‌ها شکستناپذیرتر است.

عرض کردم: ای پدر، فدایت گردم، آن چیست؟ فرمودند: رازی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، که جبرئیل علیه السلام برای محمد صلی الله علیه و آله آورد و محمد آن را به برادرش علی و فاطمه علیها السلام آموخت و ما از پدرانمان به ارث بردیم و آن دعای کاملی است که هر کس، هر روز آن را پیشاپیش خود بخواند، خداوند صد هزار فرشته بر او میگمارد تا مال و جان و فرزندان و تن و کسانی که مورد توجه او هستند را از غرق شدن و سوختن و دزدی و ویرانی و فرو رفتگی و دوری حفظ کنند و شیطان را از او دور میکند و هیچ جادوگری و مکر فریبنده‌ای و حسادت حسودی بر او وارد نمیشود و در امان خداوند عزّ و جلّ میباشد و خداوند پاداش هزار صدیق به او عطا میکند، و اگر در آن روز بمیرد وارد بهشت میشود، انشاء الله تعالی.

عرض کردم: ای پدر، خداوند مرا فدای تو گرداند، آن را به من بیاموز، فرمودند: خیلی خوب آن را حفظ کن و جز به کسی که به او اطمینان داری، به شخصی دیگر بیاموز به راستی که آن دعایی است که خواننده‌ی آن هرچه از خداوند بخواهد به او عطا میکند، ای فرزندم، هرگاه صبح کردی بگو:

«خدایا من صبح کردم و تو را گواه میگیرم و گواه تو کافی است، و فرشتگان تو و حاملان عرش و ساکنان آسمانها و زمین و پیامبران و رسولان و بندگان صالح و تمامی بندگان تو را گواه میگیرم به اینکه تو خدای یگانهای که خدایی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری و هر معبودی از زیر عرش تو تا عمق طبقات هفتگانه زمین، باطل است به جز روی گرامی تو، به راستی که آن عزیز و گرامی و باشکوهتر از آن است که توصیفکنندگان عمق شکوه آن را وصف کنند یا قلبها به تمام عظمت آن راه یابند، ای کسی که بر فخر مدح او بر ستایش ستایشگران برتری جست و نشان های نیک سپاس او از وصف توصیفکنندگان فراتر رفت و عظمت شأن او از سخن گویندگان شکوهمند تر گشت.

آن را سه بار میخوانی سپس میگویی: «خدایی جز خدای یگانه نیست، یکتاست و شریکی ندارد، فرمانروایی او و سپاس از آن اوست، زنده میکند و میمیراند و او زندهای است که نمیمیرد، خویبها به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست».

آن را یازده بار میخوانی سپس میگویی: «منزه است خدا و سپاس از آن خداست، خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است، هرچه خدا خواهد و هیچ نیرویی جز به خداوند بردبار بزرگوار و بلند مرتبه بزرگ بخشاینده مهربان فرمانروای حق آشکار تحقق نپذیرد به تعداد مخلوقات خدا و به سنگینی عرش خدا و آکندگی آسمانها و زمین او و به شماره آنچه قلم او بر آن جاری شد و کتابش به شماره آرد و خودش خشنود گشت.

آن را یازده مرتبه میخوانی و سپس میگویی: «خدایا بر محمد و خاندان فرخنده او درود فرست و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش خود و فرشتگان مقرب درود فرست، خدایا بر آنها درود فرست تا آنها را خشنود گردانی و بعد از رضایتشان بر آنها بیافزایی از آنچه به آن سزاواری، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا بر فرشته مرگ و یاران او و رضوان و نگهبانان بهشت درود فرست و بر مالک و نگهبانان جهنم نیز درود فرست، خدایا بر آنان درود فرست تا آنها را به

خشنودی برسانی و بعد از رضایت، هرآنچه بدان سزاواری برایشان
بیافزای ای مهربانترین مهربانان.

خدایا بر فرشتگان نویسنده گرامی و نگارندگان بزرگوار نیکوکار و حافظان
فرزندان آدم، درود فرست و بر فرشتگان آسمانهای بلند و فرشتگان هفت
طبقه پایین زمین و فرشتگان شب و روز و زمینها و سرزمینها و دریاها و
رودها و بیابانها و صحراها درود فرست، و بر فرشتگانی که با به پاکی یادن
تو، آنها را از غذا و نوشیدنی بیناز ساختی، خدایا بر آنها درود فرست تا
آنان را به خشنودی برسانی و بعد از رضایت ایشان از آنچه سزاوار آتی بر
آنان بیافزای ای مهربانترین مهربانان.

خدایا بر پدرم آدم و مادرم حوا درود فرست و بر فرزندان آن دو از
پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحان، خدایا بر آنان درود فرست تا آنها را
به خشنودی برسانی و بعد از آن از آنچه سزاوار آتی بر رضایتشان
بیافزایی، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا درود فرست بر محمد و خاندان پاک او و یاران برگزیده و همسران
پاکیزه اش و بر فرزندان محمد و بر هر پیامبری که بشارت محمد را داد و
بر هر پیامبری که محمد را به دنیا آورد و بر هر زن صالحی که کفالت او را
به عهده گرفت و بر هر کسی که درود تو بر او سبب خشنودی تو و
خشنودی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله است. خدایا بر آنان درود
فرست و تا آنان را به رضایت برسای و بعد از خشنودی بر آنان بیافزایی از
آنچه سزاوار آتی.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر محمد و خاندان محمد
برکت فرست و بر محمد و خاندان محمد رحم کن، همانگونه که درود و
برکت و رحمت فرستادی بر ابراهیم و خاندان ابراهیم به راستی که تو
ستوده بزرگی، خدایا به محمد وساطت و فضل و فضیلت و مرتبه والا عطا
کن، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست همانگونه که ما را دستور
دادی تا بر او درود فرستیم.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره کسانی که بر او
درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره
صلواتهایی که بر او فرستادی، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود
فرست، خدایا بر محمد و خاندان

محمد درود فرست به شماره‌حروفی که در هر درودی که فرستادی وجود دارد، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد موی کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد موی کسانی که بر او درود نفرستادند.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد نفس کسانی که بر او درود فرستادند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست به شماره نفس کسانی که بر او درود نفرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد آرامش کسانی که بر او درود فرستادند، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست به تعداد حرکات، صفات و دقیقه‌ها و ساعتهای آنها و به تعداد وزن ذره ای که انجام دادند یا انجام ندادند یا از آنها بود یا خواهد بود تا روز قیامت.

خداوند سپاس و شکر و فضل و بخشش و فزونی و نعمت و بزرگی و جبروت و فرمانروایی و ملکوت و غلبه و فخر و سروری و پادشاهی و بخشیدن و بزرگواری و شکوه و نیکو گردانیدن و یگانگی و ستایش و به یگانگی یاد کردن و بزرگی کردن و پاکی و عظمت و رحمت و آمرزش و بزرگمنشی از آن توست.

و به تو اختصاص دارد آنچه از ستایش نیک پاک گردید و طاهر گشت و مدح فاخرانه و گفتار نیک که به واسطه آن از گوینده‌اش راضی میشوی و از کسی که آن را بر زبان آورد خشنود میشوی و آن رضایت توست.

پس سپاس مرا با سپاس اولین سپاسگزاران و ستایش مرا با ستایش اولین ستایشگران و تهلیل مرا با اولین کسانی که تو را به یگانگی یاد کردند و تکبیر مرا با تکبیر اولین تکبیرگویان و گفتار زیبا و نیک مرا با گفتار اولین زیباگویانی که پروردگار جهانیان را ستایش میکنند، قرار ده و همچنین آن را از اول روزگار تا روز قیامت متصل گردان.

و به شماره وزن ذره‌های شن‌ها و تپه‌ها و کوه‌ها و تعداد جرعه‌های آب دریاها و تعداد قطره‌های آب باران و برگ‌های درختان و تعداد ستارگان و تعداد وزن آن، و شماره خاک و هسته و سنگ‌ریزه و به تعداد وزن ذره‌های آسمان و زمین و آنچه در آنها و میان آنها و زیر آنها و میان آن و بالای آن قرار دارد از عرش تا قعر و حسیض زمینهای هفتگانه.

و تعداد حروف کلمات اهل آنها و تعداد زمانه‌شان و دقیقه‌ها و سکون و حکرتشان و موهاشان و پوسته‌شان و تعداد وزن آنچه انجام دادند یا ندادند یا از گذشته آنها بود یا در آینده خواهد بود تا روز قیامت.

پناه میدهم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و جان و مال و نسل و خانواده و فرزندان و نزدیکان و اهل خانه و هر خویشاوندی که به اسلام داخل شد و همسایگان و برادران و هر کس مرا دعا کرد یا نیکی بر من روا داشت یا در نزد من از مردان و زنان مؤمن دستگیری کرد به خداوند و نامه‌های کامل فراگیر تمام بافضیلت و مبارک والا پاک شریف بلند کریم بزرگ پنهان در امانی که هیچ نیکوکار یا بدکاری نمیتواند از آنها تخطی کند و به سوره ام‌الکتاب و آخرین آنها و آنچه میان این دوست از سوره شریف و آیه محکم و شفا و رحمت و پناه دهی و برکت و به تورات و انجیل و زبور و به صحیفه‌های ابراهیم و موسی و به هر کتابی که خداوند نازل فرمود و هر فرستاده‌ای که خدا فرستاد و هر حجتی که خدا آن را بر پا ساخت و هر برهانی که آن را آشکار گردانید و به هر نوری که خداوند آن را روشن ساخت و تمام نعمتهای خدا و عظمت او.

پناه میدهم و پناه میبرم به خدا از شر هر صاحب شری و از آنچه بیم دارم و میهراسم و از شر آنچه پروردگار بزرگ و بلندمرتبه من از آن بزرگتر است و از شر جنیان و آدمیان فاسق و شیطانها و پادشاهان و ابلیس و لشکریان‌ش و پیروان و همراهانش و از شر هر آنچه در نور و تاریکی است و از شر هر آنچه ناگهانی فرا رسد یا هجوم آورد و از شر آنچه در زمین فرو رود یا از آن خارج گردد و از شر هر جاندار که پروردگار من اختیار او را به دست دارد و به راستی که پروردگار

من به راه راست است و اگر پشت کردند، خداوند برایم کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت.

39. عده الداعی: محمد بن علی علیهما السلام به اُبی حمزه گفت: ای ابا حمزه هرگاه کاری بر تو پیش آید که از آن بیم داری به یکی از گوشه های خانه ات یعنی قبله رو نمی کنی. دو رکعت نماز میگزاری سپس هفتاد مرتبه میگویی: «ای بیندھترن نگرندگان، ای شنواترین شنوندگان، ای سریعترین حسابگر و ای مهربانترین مهربانان». هر دفعه خداوند را با این کلمات میخوانی، حاجتت را ذکر کن.

از اسماء نقل است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به اندوه و غم و گرفتاری و مصیبت یا دشواری مبتلا شود، بگوید «خدا پروردگار من است، ذرهای به او شرک نمیورزم و بر آن زندهای که نمیمیرد توکل کردم».

از علی بن مهزیار نقل است: محمد بن حمزه علوی در نامهای که به من نوشت، از من خواست تا نامهای به امام باقر علیه السلام بنگارم تا دعایی به او بیاموزد که گشایش در کارش حاصل شود، پس امام برای من نوشتند: «ای کسی که از هر چیز کفایت میکنی و هیچ چیز نمیتواند او را کفایت کند، آنچه برای من مهم است، را کفایت نما» به راستی که من امیدوارم که غم و اندوهی که در آن است را کفایت کند انشاء الله.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: آیا به تو کلماتی نیاموزم؟ هرگاه در منجلابی فرو رفتی بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خدا تحقق نمیپذیرد» به راستی که خداوند هر آنچه از انواع مصیبتها را که خواهد از تو دور گرداند.

باب صد و هفتم : دعاها و تعویذها برای رفع مکر دشمنان افزون بر آنچه گذشت و آنچه با این موضوع مناسبت دارد شامل دعای حرز یمانی معروف به دعای سیفی همچنین دعای علوی مصری و مثل آن دو

روایات:

1. أمالی: گروهی از اهل بیت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد او ایشان حضور داشتند که خبر رسید موسی بن مهدی تصمیم گرفته است علیه ایشان اقدامی بکند - به ایشان آسیبی برساند -، پس به اهل بیت خود فرمودند: چه مشورتی میدهید؟ گفتند: به نظر ما باید از این مرد دوری گزینی و خود را از او پنهانی داری، به راستی که نمیتوان از شر او ایمن ماند. پس امام موسی کاظم علیه السلام لبخندی زدند و گفتند:

- سخینه پنداشت بر پروردگارش غلبه خواهد کرد و قطعاً او که غلبهکننده بر غالبان است چیره میشود.

سپس دست مبارک خود را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند:

خدای من! چه بسا دشمنانی که لبه تیغ خود را برایم تیز کردند، سرنیزه خود را برای من برنده ساختند و چشم مراقبت - نگهبانان و جاسوسان - ایشان از من به خواب نمیروند. پس آن هنگام که ضعف مرا از په دوش کشیدن مصیبتهای سرسخت و ناتوانیام از بلاهای فراگیر را دیدی، آن را به قدرت و نیروی خود و نه نیرو و قدرت من از من بازگردان و او را بینم در چاهی که برای من حفر کرده

ص: 273

است، ناامید از آنچه در دنیای خود بدان امید بسته است، و دور از آنچه در آخرتش بدان امید دارد. ای سرور من تو را بر آن سپاس، به میزان استحقاقی که داری، خدایا به عزت خود او را بگیر و به قدرتت برندگی او را از من کند کن و برای او مشغولیتی از آنچه می خواهی و ناتوانی از آنچه قصد آن را دارد، قرار ده، خدایا مرا بر نابودی دشمنم یاری فرما یاری کردنی که حاضر باشد تا موجب شفا و فرو نشاندن خشمم گردد و حقم از او گرفته شود. خدایا دعایم را به اجابت متصل گردان و شکایتم را به تغییر وضع قرار ده و به زودی او را از آنچه به ظالمان وعده دادی، آگاه کن، و به من آنچه در اجابت درماندگان وعده دادی، نشان ده، به راستی که تو صاحب فضل بزرگ و بخشایش کریمانه‌ای».

نقل کرد: سپس آن گروه پراکنده شدند و هنگامی جمع شدند که خواستند نوشت‌های مربوط به مرگ موسی بن مهدی را بخوانند. (1)

أمالی: مثل این حدیث از صدوق نقل شد. (2)

عیون الاخبار: مثل این حدیث را در باب أحوال امام موسی کاظم علیه السلام آوردیم. (3)

2. عیون الاخبار، أمالی: علی بن ابراهیم نقل کرد: از مردی از یارانمان شنیدم می‌گفت: زمانی که هارن الرشید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زندان کرد، زمانی که شب او را پنهان کرد، و آنکه از جانب هارون بود، ترسید که ایشان را به قتل برساند، پس حضرت موسی علیه السلام تجدید وضو نمودند و رو به قبل نهادند و برای خداوند عزّ و جلّ چهار رکعت نماز گزارند و این دعاها را خواندند و فرمودند:

ص: 274

1- . أمالی الصدوق: 226، و در جلد 94: 327 - 317 ذکر شد به نقل از کتاب مهج الدعوات: 268 به روایتی طولانی. همچنین در جلد 94: 337 به نقل از مهج الدعوات: 36 بر روایت دیگری مثل آنچه در متن است و شرح کلمات آن ذکر شد، اگر خواستی مراجعه کن و آن را در المناقب 4: 306 ببینی.

2- . أمالی الطوسی 2: 35

3- . عیون الاخبار 1: 76 و آن را در جلد 48: 217 و 151 از تاریخ الإمام
موسی بن جعفر علیه السلام میبینی.

ای سرور من، مرا از زندان هارون نجات بخش و از دست او رها کن، ای رهاکننده درخت از میان شن و گل و آب، ای رها سازشیر از میان سرگین و خون، ای رهاکننده نوزاد از میان پرده و بچه دان، ای بیرونآورنده آتش از میان آهن و سنگ ای خارجکننده روح از میان احشا و امعاء مرا از دست هارون رها ساز.

نقل کرد: زمانی که حضرت موسی کاظم علیه السلام این دعاها را خواندند، هارون مرد سیهچهرهای را در خواب دید که شمشیر که خود را از نیام کشیده است و بالای سر هارون ایستاده است، و میگوید: ای هارون، موسی بن جعفر را آزاد کن، وگرنه فرق سر تو را با شمشیرم میزنم، هارون از هیبت او ترسید و دربان را فراخواند، پس دربان حاضر شد و به او گفت: به زندان برو و موسی بن جعفر را آزاد کن، نقل کرد: دربان رفت و در زندان را کوبید و زندانبان او را جواب داد و گفت: کیست؟ گفت: خلیفه، موسی بن جعفر را فرا میخواند؛ او را از زندان خود بیرون آور و آزاد ساز، زندانبان فریاد زد: ای موسی، خلیفه تو را میخواند.

موسی بن جعفر علیه السلام ترسان برخاستند و میگفتند: در این وقت شب مرا نمیخواند جز آنکه شری را اراده کرده است، و گریان و اندوهناک و غمگین و ناامید از زندگی از جا برخاستند و نزد هارون رفتند، در حالی که پهلوهانشان میلرزید، پس گفتند: سلام بر هارون، هارون جواب ایشان را داد سپس به ایشان گفت: تو را به خدا قسم آیا امشب دعاهایی خواندی؟ جواب دادند: آری، گفت: چه دعاهایی؟ فرمودند: تجدید وضو نمودم و برای خداوند عزّ و جلّ چهار رکعت نماز گزاردم و چشمم را به آسمان دوختم و گفتم: ای سرور من مرا از دست هارون و شر او رها ساز و دعای خود را برای او گفت.

هارون گفت: خداوند دعای تو را مستجاب کرد. ای دربان، او را آزاد کن و خلعت طلید و سه بار به او خلعت بخشید و او را بر اسب خویش سوار کرد و گرامی داشت و او را همنشین خود ساخت. سپس گفت: آن کلمات را بگو: تا آنها را حفظ کنم. سپس دوات و کاغذی طلبیدند و این کلمات را نوشتند، نقل کرد: او را

آزاد نمود و به دست دربان سپرد تا به خانه برساند. پس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد هارون گرامی شتند و هر پنج شنبه بر او وارد میشد. (1)

3. میگویم: در استدلال حسن بن علی صلوات الله علیهما برای معاویه و یارانش لعنهم الله آوردیم، زمانی که آنها امام علیه السلام را فرا خواندند، گفتند: «خدایا من به مدد تو سینه آنان را دفع می کنم و از شر آنان به تو پناه میبرم و از تو بر آنها یاری میجویم، پس به هر چه و هرطور خواستی از قدرت و نیروی خود مرا از آنان کفایت کن، ای مهربانترین مهربانان» سپس به پیک گفتند: این سخن گشایش است. (2)

4. قرب الاسناد: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: علی بن حسین صلی الله علیه فرمودند: هرگاه این کلمات را بر زبان آورم، از اجتماع جنیان و آدمیان علیه من باکی ندارم و پیروزی حتمی است، میگوی: «به نام خدا و با استعانت از خدا و برای خدا و در راه خدا به نام خدا و با استعانت از خدا و به سوی خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله خدایا من خودم را تسلیم تو نمودم و کارم را به تو واگذار نمودم و رویم را به سوی تو کردم و پشتم را به تو پناه دادم، خدایا مرا با حفظ ایمان از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و زیر حفظ نمای و نیرو و قدرت خود از من دور بگردان و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد». (3)

5. عیون الاخبار: عبدالله بن فضل از پدرش نقل کرد: از رشید خود را پنهان میداشتم، روزی با خشم به سوی من آمد و شمشیرش را در دستش میچرخاند و به من گفت: ای فضل سوگند به خویشاوندی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم اگر پسرعموی مرا نزد من نیاوری آنچه چشمانت در آن است را برمیگیرم، گفتم: چه کسی را بیاورم؟ گفت این حجازی را، گفتم: کدام یک از این حجازیها را؟ گفت: موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب.

ص: 276

1- . أُمَالِی الصَّدُوق: 227، و در أُمَالِی الطُّوسِی 2: 36 آمده است و همچنین در المناقب 4: 305.

- 2- . مراجعه كن جلد 44: 71 از تاريخ امام عليه السلام به نقل از كتاب
الاحتجاج: 137.
- 3- . قرب الاسناد: 3

فضل گفت: از خداوند عز و جل ترسیدم از اینکه آن حضرت را به نزد او ببرم سپس به پاداش آن فکر کردم و به او گفتم: انجام میدهم، پس گفت: برآیم دو تازیانه و دو نفر که دست و پا قطع کند و دو جلاذ بیاور، نقل کرد: آن را برای او بردم و به خانه اُبی ابراهیم موسی بن جعفر علیه السلام رفتم و به خرابیهای که در آن خانههای کوچک از برگهای خرما بود، رفتم پس رفتم پسر غلام سیاهی دیدم و به او گفتم: خدا تو را رحمت کند، برای من از مولایت اجازه بگیر پس به من گفت: داخل شو او دربان و پردهدار ندارد. پس به نزد ایشان رفتم و غلام سیاهی را دیدم که قیچی به دست دارد و گوشت زائد پیشانی و ارتفاع بینی ایشان را به سبب سجدههای فراوان، جدا میکند.

پس به او گفتم: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا رشید را اجابت کن، فرمودند: رشید را با من چه کار؟ آیا نعمتش او را از من باز نمیدارد؟ سپس به سرعت برخاستند و میگفتند: «اگر در روایتی از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده بودم که اطاعت از سلطان به هدف تقیه واجب است، به نزد او نمیرفتم، پس به ایشان عرض کردم: ای ابا ابراهیم خداوند تو را رحمت کند، برای شکنجه آماده شوید. آن حضرت علیه السلام فرمودند: مگر با من نیست کسی که دنیا و آخرت از آن اوست و اگر خداوند بخواهد، او نمیتواند امروز به من بدی برساند، فضل بن ربیع منتقل کرد: او را دیدم در حالی که دست خویش را سه بار گرداندند و به سر خویش اشاره کردند.

به نزد رشید رفتم و او همچون زنی فرزند مرده، سرگردان ایستاده بود. وقتی مرا دید گفت: ای فضل، گفتم: بله، گفت: پسرعمویت را آوردی؟ گفتم: آری، گفت: آیا او را نیازردی، گفتم: خیر، گفت: آیا او را آگاه نساختی که من بر او خشمگینم و به راستی که نفسممرا به چیزی وا می دارد که آن را نخواستم، به او اجازه ورود بده پس به ایشان اجازه دادم، پس هنگامی که ایشان را دید ایستاده به سوی وی پرید و او را در آغوش گرفت و به ایشان گفت: خوشا به پسرعموی و برادر و وارث نعمت من.

سپس ایشان را بر پای خود نشاند و گفت: چه چیز تو را از دیدار ما باز داشته است؟ فرمودند: بسیاری فرمانروایی و دوستیای نسبت به دنیا، پس گفت: ظرف عطر را نزد من بیاورید پس آوردند و آن را با دست خویش امام را عطر آگین نمود، سپس دستور تا در برابر او خلعتها و دو کیسه دینار حمل کنند، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: اگر نبودند جوانان ازدواج نکرده از فرزندان ابی طالب که احتیاج به ازدواج دارند تا نسل آنها قطع نشود این پول را نمی پذیرفتم، سپس پشت کردند و میفرمودند: سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است.

فضل نقل کرد: ای امیر مؤمنان، خواستی او را شکنجه کنی ولی او را گرامی داشتی و خلعت بخشیدی؟ سپس به من گفت: ای فضل، وقتی تو رفتی تا او را به نزد من آوری، گروههایی را دیدم که خانها را فرا گرفتند و در دستشان سلاحهایی است که آن را در بنیان خانه فرو کردند، میگویند: اگر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزار دهد او را فرو میریم و اگر به او نیکی کرد، از او روی برمیگردانیم و او را رها میکنیم.

پس امام را دنبال کردم و به ایشان عرض کردم: چه گفتید که شما را از کار رشید کفایت کرد؟ فرمودند: دعای جدم علی بن ابی طالب علیه السلام، هرگاه آن را میخواند، اگر بر اردوگاهی حمله میکرد، شکست میداد و اگر به سوی سوارکاری حمله میکرد، پیروز میگشت و آن دعایی است که بلا را کفایت میکند. عرض کردم: چه دعایی است؟ فرمودند: گفتم:

«خدایا به کمک تو حمله می کنم و به مدد تو تلاش میکنم و به سبب تو سخن می گویم و به واسطه تو حمله ور میشوم و به تو میمیرم و به تو زنده میگردم. خودم را به تو تسلیم کردم و کارم را به تو واگذار نمودم، هیچ دگرگونی و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد، خدایا تو مرا آفریدی و روزی دادی و پوشاندی و به لطف آنچه به من بخشیدی، از بندگان بینازم نمودی، هرگاه سقوط کردم، مرا بازگرداندی، و هرگاه لغزیدم، مرا قدرت بخشیدی و هرگاه

بیمار شدم، شفا دادی و هرگاه دعا کردم، اجابت نمودی، ای سرور من، از من راضی شو و تو مرا خشنود ساختی».(1)

6. عیون أخبار الرضا: نقل است ابو جعفر دوانیقی به سراغ جعفر بن محمد علیهما السلام فرستاد تا ایشان را به قتل برساند، و برای این کار شمشیر و بساطی چرمین آماده کرد و گفت: ای ربیع، وقتی با او صحبت کردم و دستم را بر آن یکی دستم زدم، گردنش را بزن.

زمانی که جعفر بن محمد علیه السلام وارد شد، و از دور به او نگریست، ابو جعفر بر بستر خود حرکتی کرد و گفت: خوش آمدی ای ابا عبدالله ما به سراغ تو فرستادیم تا بدهی و حق تو را پرداخت کنیم. سپس به نیکی و ملاطفت از اهل بیت ایشان پرسید و گفت: خداوند حاجت تو را روا دارد و بدهیات را ادا کند و هدیه تو را خارج گرداند، ای ربیع کار سوم را اجام نده تا جعفر به نزد خانواده خویش برگردد.

هنگامی که امام خارج شدند، ربیع به ایشان عرضه داشت: ای ابا عبدالله، شمشیر را دیدید؟ آن شمشیر و بساط چرمین برای شما قرار داده شده بود، دیدم شما را که لیانتان را به چه چیز حرکت میدادی؟ جعفر بن محمد علیه السلام فرمودند: آری ای ربیع، هنگامی که شر را در چهره او دیدم گفتم: «پروردگار مرا در برابر پرورده شدگان، کافی است و آفریدگار مرا در برابر آفریدگان کفایت میکند و روزی دهنده مرا از روزی خورندگان کفایت میکند و خداوند که پروردگار جهانیان است برایم کافی است. کافی است او که کفایت میکند، کافی است کسی که هنوز مرا کفایت میکند، کافی است خدایی که جز او خدایی نیست، بر او توکل نمودم و او عرش عظیم است».(2)

7. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: علی بن حسین علیهما السلام میفرمود: زمانی که این کلمات را بر زبان جاری سازم، اگر جنیان و آدمیان علیه من گرد آیند، باکی ندارم: «به نام خدا و با استعانت از خدا و از خدا به سوی خدا و در

ص: 279

1- . عیون أخبار الرضا 1: 76

2- . عیون الاخبار 1: 304

راه خدا، خداوند خود را به تو تسلیم نمودم و رویم را به سوی تو نمودم و کارم را به تو واگذار کردم. سپس با حفظ ایمان مرا از مقابل و پشت سر، راست و چپ، بالا و پایین، محافظت فرما و به قدرت و نیروی خود از من دور گردان و به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ وجود ندارد».(1)

8. أمالی: نقل است، شخصی به نزد مولایمان جعفر بن محمد علیهما السلام برفت و از مردی که به او ظلم کرده بود، شکایت کرد، امام فرمودند: چرا دعای مظلومی که پیامبر علیه السلام به امیر مؤمنان علیه السلام آموختند، نمیخوانی، هرگاه مظلومی آن را بر ظالمی بخواند، خداوند متعال او را یاری میرساند و او را کفایت میکند و دعا این است:

«خدایا بلا را بر او فرو پوشان و به بلا فرا گیر و آزار را دنبال او قرار ده و او را به روزی انداز که برگشتی ندارد و لحظهای که بازگشتی ندارد و حریم او را مباح گردان و بر محمد و خاندان وی علیه و علیهم السلام درود فرست. مرا از او کفایت کن و از شر او باز دار و مکر او را از من بازگردان و قلب او را سخت کن و دهان او را از من بسته دار، و صداها برای خداوند رحمان به زیر میافتند و جز نجوایی چیزی نمیشنوی و چهره هادر برابر آن زنده پاینده متواضع شود و هر کس ظلم نمود، ناامید شد، در آن گم شوید و با من سخن مگویید، ساکت شو ساکت شو، هفت بار».(2)

میگویم: متناسب با این باب، روایتی است که در باب دعا برای شروع کار در روزهای شوم.(3)

آوردیم و در باب اسم اعظم نیز ذکر کردیم.(4)

9. أمالی: حسن بن فضل بن ربیع از جدّ خود ربیع نقل کرد: روزی منصور مرا فرا خواند و گفت: ای ربیع! جعفر بن محمد را بیاور، به خدا سوگند او را میکشم. پس به سوی او رفتم و وقتی او را دیدم گفتم: ای فرزند رسول خدا اگر وصیت یا

ص: 280

1- . أمالی الطوسی 1: 212

2- . أمالی الطوسی 1: 281

- 3- 2. به صفحات 1-3 این جلد مراجعه کن.
- 4- . مراجعه کن جلد 93: 235 - 233

پیمانی دارید، انجام دهید. پس فرمودند: برای من اجازه حضور بگیرید، پس به نزد منصور رفتم و او را از جای ایشان آگاه کردم، پس گفت: او را داخل کن، زمانی که چشم جعفر علیه السلام به منصور افتاد، دیدم لبانشان به چیزی میجنبید که نمیفهمم و رفت و زمانی که بر منصور سلام کرد، برخاست و ایشان را در آغوش گرفت و در کنار خود نشاند و به ایشان گفت: حاجات را عرضه دار، پس کاغذی برای اقوامی بیرون آوردند و برای دیگران نیز، خواسته‌هایی را مطرح کرد، و حاجاتش روا شد و منصور گفت: برای خودت چیزی بخواه. جعفر به او فرمودند: دیگر مرا فراخوان تا خود به نزد تو بیایم. منصور به ایشان گفت: من راهی به آن ندارم و تو چنان برای مردم مینمایی - ای ابا عبدالله - که گویی غیب را میدانی.

پس حضرت جعفر علیه السلام فرمودند: چه کسی خبر آن را به تو آورد؟ منصور به پیرمردی که در مقابل او نشسته بود، اشاره کرد، جعفر علیه السلام به آن پیرمرد فرمودند: تو شنیدی من این را بگویم؟ پیرمرد گفت: آری، جعفر علیه السلام به منصور گفت: آیا سوگند میخورد ای امیر مؤمنان؟ منصور به او گفت: سوگند بخور. هنگامی که آن پیرمرد شروع کرد به قسم خوردن، جعفر علیه السلام به منصور فرمودند: پدرم از پدرشان و او از جدشان از امیر مؤمنان نقل کردند: هرگاه بنده‌ای سوگند بخورد و خداوند عزّ و جلّ را در آن گواه بگیرد، در حالی که دروغ میگوید، خداوند عزّ و جلّ از عذاب او در دنیا خودداری می کند، به سبب آنکه خداوند عزّ و جلّ نیکی دارد، ولی من از او میخواهم تا سوگند بخورد، منصور گفت: اختیار با توست.

جعفر علیه السلام به پیرمرد فرمودند: بگو: بیزاری می جویم از قدرت و نیروی او و به قدرت و نیروی خود پناه میبرم اگر از تو نشنیده باشم که این سخن را بگویی، آن پیرمرد درنگ کرد، پس منصور عمودی را که در دستش بود، بالا برد و گفت: سوگند به خدا اگر قسم نخوری این عمود را بر سر تو میکوبم، پس آن پیرمرد سوگند خورد و هنوز به پایان نرسیده بود که زبانش را همچون سگ از دهان بیرون آورد و در جا مرد و حضرت جعفر علیه السلام برخاست.

ربیع نقل کرد: منصور به من گفت: وای بر تو، آن را از مردم پنهان دار تا دچار فتنه نشوند، ربیع گفت: جعفر علیه السلام را سوگند دادم و گفتم: ای فرزند رسول خدا، منصور تصمیم به کار بزرگی گرفته بود و زمانی که چشم شما بر او و چشم او بر شما افتاد، آن تصمیم از بین رفت، پس فرمودند: ای ربیع، شب گذشته، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، پس به من فرمودند: ای جعفر آیا از او بیم داری؟ جواب دادم: آری ای رسول خدا، پس به من فرمودند: زمانی که چشمت بر او افتاد بگو:

«به نام خدا آغاز میکنم، و به نام خدا طلب کامیابی میکنم، به محمد صلی الله علیه و آله روی میکنم، خداوندا سختی این کار و تمام سختیها را بر من رام گردان و اندوه این کار و تمام اندوهها را برایم آسان گردان و مرا از رنج این کار و تمام رنجهای کفایت نما».

ابو المفضل نقل کرد: ابراهیم بن عبد الصمد هاشمی در سامرا با استناد به خانواده‌اش که اسمش در یادم نیست، این حدیث را ذکر کرد و گفت: منصور به سمت او برخاست و او را در آغوش گرفت و به من گفت: منصور خلیفه است و برای او سزاوار نیست تا برای کسی و یا به سبب عمو زادگی اش برخیزد و منصور تنها برای امام صادق علیه السلام برخاست. (1)

10. ثواب الاعمال: شخصی از امام موسی علیه السلام شنید که میفرمودند: هر کس سوره قل هو الله احد را میان خود و انسان سرکشی مقدم بدارد خداوند شر آن سرکش را از او باز دارد و چنانچه آن را از پیش و پشت سر و راست و چپ بخواند، خداوند خیر او را روزیاش گرداند و از شر او باز دارد.

و فرمودند: هرگاه از چیزی بیم داشتی، صد آیه از قرآن از هر جا که خواستی، بخوان، سپس سه بار بگو: خدایا این مصیبت را از من برطرف نمای. (2)

11. قصص الانبیاء: امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی حضرت موسی علیه السلام بر فرعون وارد شد، این را خواند «خدایا من به واسطه تو سینه او را دفع

-
- 1- . أمالى الطوسى 2: 77 - 76
 - 2- . ثواب الاعمال: 116

می کنم و از شر او به تو پناه میبرم و از تو کمک میگیرم» پس خداوند، آرامشی قلب فرعون را به ترس و نگرانی تبدیل ساخت.

12. الخرائج: عبدالله بن ابی لیلی نقل کرد: در ریزه به همراه ابی الدوانیق بودم و به سراغ امام صادق علیه السلام فرستاد و میگفت: بر من است که زمین را از خون او سیراب سازم و اگر چنین نکنم خداوند زمین را از خون من سیراب گرداند. بشتابید بشتابید، نقل کرد: وقتی جعفر داخل شد، گفت: خوش آمدی خوش آمدی ای فرزند رسول خدا و پیوسته او را بالا برد تا بر تخت خود نشانید و درخواست غذا کرد و نیازهای او را برطرف ساخت، سپس به او امر کرد تا باز گردد، به ایشان عرض کردم آیا صلاح میدانید آن را به من بیاموزید، زمانی که وارد شدید دیدم لبانتان را حرکت میدادید؟ فرمودند: گفتم «هر چه خواست خداست، تنها خداست که خیر را بر من بیاموزد هر آنچه خدا خواست و تنها خداست که شر را باز میگرداند، هر چه خدا خواست، تمام نعمتها از جانب خداست، هر چه خدا خواست، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد».(1)

13. کشف الغمه: به نقل از کتاب الدلائل از حمیری، مثل این حدیث از عبدالله بن ابی لیلی روایت شد و این است «هر چه خدا خواست، هر چه خدا خواست، تنها خداست که خیر را میآورد، هر چه خدا خواست، هر چه خدا خواست، تنها خداست که بدی را برمیگرداند، هر چه خدا خواست، هر چه خدا خواست، تمام نعمتها از جانب خداست، هر چه خدا خواست، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد».(2)

14. الخرائج: روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل حجر الاسود نماز میخواند، و رو به کعبه و بیت المقدس بود، پس دیده نشدند تا اینکه از نمازشان فارغ شدند، و با این آیه قرآن، پنهان گشتند: «وَ إِذْ أَقْرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْثُورًا». و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.» و آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ: آنان کسانی اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مهر نهاد.»

ص: 283

1- . آن را در مختار الخرائج و الجرائع چاپ شده نیافتم.

2- . کشف الغمه 2: 428

و آیه « وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا: ما بر دل‌هایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمید، و در گوش‌هایشان سنگینی» و آیه «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً: پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بردیده اش پرده نهاده است».(1)

15. فقه الرضا: هرگاه از حاکم یا غیر او نگرانی یافت، بگو: «خداوند برای من کافی است، خدایی جز او نیست و بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش باعظمت، به قدرت و نیروی خدا از قدرت و نیروی آنان، جلوگیری میکنم، از پروردگار و سپیدهدم از شر آنچه خلق کرد، جلوگیری میکنم، و میگویم آنچه خدا خواست و هیچ قدرتی به جز خدا وجود ندارد».

و هرگاه بر حاکمی وارد شدی که از شر او بیم داری بگو: «خداوندا من از تو خیر فلانی را مسالت میکنم و از شر او به تو پناه میبرم، برکت او را خواهانم و از فتنه او به تو پناه میبرم، خدایا اول حاجت مرا خیر خواهی و میانه آن را رستگاری و پایان آن را کامیابی قرار ده.

16. طب الائمه: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت است: زمانی که أبو الدوانیق امام صادق علیه السلام را طلب کرد و تصمیم به کشتن وی گرفت، صاحب شهر - فرماندار - او را گرفت و نزد خلیفه برد. ابو الدوانیق که بسیار خواهان کشتن امام بود از این رو حضور ایشان را بی درنگ و تامل طلبد وقتی امام در مقابل او قرار گرفت، به روی امام خندید و به او خوش آمد گفت و ایشان را نزد خود نشانید و گفت: ای فرزند رسول خدا، به خدا سوگند به سراغ تو فرستادم و تصمیم به کشتن تو داشتم و زمانی که نگاه کردم محبت تو در دلم نشست، به خدا سوگند، هیچ کس از اهل خانهاهم عزیزتر و برتر از تو نزد من نیست، ولی ای ابا عبدالله این چه سخنی بود که از تو به ما رسید و تو در آن عیب ما را می گفتی و به بدی یاد می نمودی.

ص: 284

فرمودند: ای امیر مؤمنان هرگز از شما به بدی یاد نکردم، پس لبخندی زد و گفت: سوگند به خدا، تو راستگوتر از تمامی کسانی هستی که بدگویی تو را نزد من میکردند، این تخت من در مقابل تو و این انگشتری من است، پس راحت باش و در کار بزرگ و کوچک خود از من نترس، تو را از چیزی باز نمیگردانم، سپس به ایشان دستور دادند که بازگردند، و به ایشان بخششها و عطاها داشتند؛ ولی امام از پذیرفتن آنها خودداری نمودند و فرمودند: ای امیر مؤمنان، من در بینایی و کفایت و خیر فراوانم، اگر میخواهی به من نیکی کنی به خلافکاران از اهل بیت من توجه کن و از کشتن آنها منصرف شو.

گفت: قبول کردم ای ابا عبدالله، به صد هزار درهم دستور دادم پس میان آنان پخش کن، پس فرمودند: صله رحم نمودی ای امیر مؤمنان.

زمانی که از نزد خلیفه بیرون آمدند، پیران و جوانان قریش و دیگر قبیلهها در مقابل امام به راه افتادند و جاسوس ابی الدوانیق نیز با ایشان بود پس به امام گفت: «ای فرزند رسول خدا، زمانی که بر امیر مؤمنان وارد شدی، نگاهی شفادهنده انداختی، و من چیز غریبی از شما ندیدم، غیر اینکه به لباتان نگاه کردم که شما آنها را حرکت میدادی و آن چه بود؟

فرمودند: زمانی که بر او نگاه کردم، گفتم «ای کسی که مورد ظلم واقع نمیشوی و دور از دسترسی، و به سبب او پیوندها برقرار می شود، بر محمد و خاندان وی درود فرست و با نیرو و قدرت خود، شر او را از من کفایت کن» سوگند به خدا، چیزی بر آنچه شنیدی نیافزودم، نقل کرد: آن جاسوس به سوی ابی الدوانیق بازگشت و او را آگاه ساخت و خلیفه گفت: سوگند به خدا هنوز آنچه را میگفت به پایان نرسانیده بود که شر و کینه درون سینهام فرو نشست. (1)

17. طب الاثمه: از حسین بن علی روایت است کلماتی وجود دارند که هرگاه آنها را بر زبان آورم، چنانچه جنیان و آدمیان علیه من اجتماع کنند، باکی ندارم: «به نام خدا و با استعانت از خدا، و به سوی خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا

ص: 285

صلی الله علیه و آله، خدایا به نیرو و قدرت و توانایی خود مرا از شر هر متکبر و مکر هر بدکاری کفایت کن، به راستی که من نیکوکاران را دوست دارم و با خوبان دوستم و درود و سلام خدا بر محمد و خاندان وی. (1)

18. طب الاثمه: جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به انسانی، بدی او را بخواهد و او بخواهد که خداوند میان آنها حائل شود، هر وقت او را میبیند، بگوید: «از قدرت و نیروی خلق خدا به قدرت و نیروی خدا پناه میبرم و به پروردگار سپیدهم از آنچه آفرید پناه میبرم، سپس آنچه را خداوند عز و جل به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.» پس خداوند مکر هر حیلگر و نیرنگ هر فریبندهای و حسادت هر حسودی را از او برمیگرداند، و این کلمات را در روی او بگوید تا خداوند به قدرت خود او را کفایت کند. (2)

19. الارشاد: از حضرت علی بن حسین علیه السلام روایت است، که میفرمودند: من چیزی را مانند پیشدستی کردن در دعا ندیدم؛ چون در هر ساعت و وقتی دعای بندگان مستجاب نمی شود. و از جمله دعاهایی که از آن حضرت علیها السلام حفظ شد، دعایی است به هنگام آمدن مسرف بن عقبه به مدینه: «پروردگار چه بسیار نعمتهایی که بر من اعطا کردی و شکرگزاری من در برابر آنها اندک بود و چه بسیار بلاهایی که مرا بدان دچار ساختی و صبر ما در برابر آنها ناچیز بود، پس ای کسی که سپاس من از نعمتهایش کم بود و با این حال مرا محروم نساخت و صبرم از بلاهایش اندک بود و تنهایم نگذاشت، ای صاحب نیکی که هیچگاه قطع نمیگردد، ای صاحب نعمتهایی که به شماره نمیآیند بر محمد و خاندان محمد درود فرست و شر او را از من دور کن و به راستی که من به واسطه تو سینه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه میجویم» پس مسرف بن عقبه به مدینه

ص: 286

1- . طب الاثمه: 116

2- . طب الاثمه: 222

آمد و گفته میشد: که تنها علی بن حسین علیه السلام را میخواست، پس بر ایشان سلام نمود و گرامی داشت و به او بخششها و صلها عطا کرد. (1)

20. اعلام الوری، الارشاد: روایت است داوود بن علی بن عبدالله بن عباس، المعلى بن نخستین از طرفداران جعفر بن محمد علیه السلام را به قتل رساند و مال او را گرفت، پس جعفر بر او وارد شد و او ردایش را میکشید، به او گفت: دوست مرا کشتی و مال مرا برگفتی؟ آیا ندانستی که انسان اگر فرزندی از دست دهد به خواب می رود ولی اگر مال او به غارت رود خواب به چشمانش راه ندارد. سوگند به خدا که تو را به درگاه خداوند نفرین خواهم کرد، داود به ایشان گفت: با دعای خود ما را تهدید میکنی؟ گویی سخن ایشان را به تمسخر گرفت، پس امام صادق علیه السلام به خانه خویش بازگشتند و شب را به نماز و دعا پرداختند تا اینکه در وقت سحر شنیده شد در مناجات خویش چنین میگفتند: «ای صاحب قدرت نیرومند، و ای صاحب عذاب های شدید و ای صاحب عزتی که تمام مخلوقات در برابر آن خوارند، مرا از شر این عصیانگر، کفایت کن و انتقام مرا از او بستان» ساعتی نگذشت که صداها و فریادهایی بلند شد و گفته شد: داود بن علی همین الان مرد. (2)

21. مکارم الاخلاق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه از کسی هراسیدی و خواستی از امر و شر او کفایت شوی، در اول ماه به دنبال باش تا هلال ماه را ببینی، هرگاه آن را دیدی، روی دو پای خود بایست و بگو چنانکه به او خطاب میکنی «أَيُّوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ تَخِيلٍ وَ أَغْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ: آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن از هر گونه میوه ای باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندی خردسال دارد، گردبادی آتشین بر آن زند و بسوزد» و با این کلمات به سمت خانه شخصی که از او بیم داری اشاره میکنی سپس میگویی: «سوخت، سوخت، سوخت، خدایا او را به بلا پیوشان و به گمراهی

ص: 287

2- . ارشاد المفید: 256، و در کشف الغمه 2: 390 آن روایت کرد.

فراگیر و سنگهایی از سجیل و پرندگان ابابیل خود به او انداز، ای بلند مرتبه و بزرگ» سپس مثل این در شب دوم و سوم ماه میخوانی، پس اگر فایده نرساند و تو را به آنچه میخواهی در ماه اول نرساند، پس همین کار را در اولین شب ماه دوم انجام میدهی و آنچه ذکر شد را میگویی، و اگر باز هم سودی نبخشید، مثل این کار را در ماه سوم انجام میدهی و بعد از آن به اذن خداوند عزّ و جلّ، نیازی نخواهی داشت.(1)

دعایی دیگر: شخصی نزد حضرت صادق علیه السلام آمد و از ستمگری که به او ظلم میکند شکایت کرد، امام به او فرمودند: بگو: «ای یاری کننده مظلوم که بر او ستم شد، اگر فلان فرزند فلان به من ظلم میرساند، او را به فقری دچار ساز که او را اصلاح نکنی و به بلایی که او را نپوشانی» هرکس این دعا را سه مرتبه علیه شخص ظالمی بخواند طولی نمیکشد که سفیدی در پیشانی او پدیدار شود و بعد از آن به فقر مبتلا میگردد.(2)

دعای دیگر: هرگاه بر پادشاهی وارد شدی بگو، بگو: «خیر تو در میان دیدگانت و شرّ تو زیر پاهای توست و من از خداوند علیه تو یاری می جویم».(3)

دعای دیگر: از حضرت رضا علیه السلام روایت است: هرگاه کسی از شما خواست علیه دشمن خویش دعا کند بگوید «خدایا او را به شبی دچار ساز که هیچ مثلی ندارد و حرمت او مباح گردان».(4)

دعایی دیگر: «ای کسی که از هر چیز کفایت میکنی و چیزی از او کفایت نمیشود، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بدون هیچ رنجی، سختی او را برایم کفایت کن».(5)

ص: 288

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 400
 - 2- . مکارم الاخلاق: 400
 - 3- . مکارم الاخلاق: 400
 - 4- . مکارم الاخلاق: 401
 - 5- . مکارم الاخلاق: 401

دعایی دیگر: هرگاه از شخصی بیم داشتی، بگو: «خدایی که جز او خدایی نیست مرا کفایت میکند، بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش با عظمت، از قدرت و نیروی دیگران به قدرت و نیروی او جلوگیری میکنم، و از شر آنچه آفرید به کمک پروردگار سپیده دم ممانعت میکنم، هرچه خدا خواست، هیچ قدرتی جز به خدا وجود ندارد». (1)

دعایی دیگر: از حضرت صادق علیه السلام، که هنگام حضور در نزد منصور آن را خواند، در حالی که او در خشم بسیار بود و آرام گشت: «ای توشه من در سختیهایم و ای فریادرس من در گرفتاریام، به چشم خود که خواب ندارد، مرا حفظ کن و مرا در جوار آن ستون خود که دست نیافتن است، قرار ده». (2)

22. کشف الغمه: عبدالله بن فضل بن ربیع از پدرش نقل کرد: منصور در سال یکصد و چهل و هفت، حج گزارد و به مدینه آمد و به ربیع گفت: شخصی به سراغ جعفر بن محمد بفرست تا او را عاجزانه نزد من آورد، خداوند مرا بکشد اگر او را به قتل نرسانم، ربیع خود را به فراموشی زد تا او نیز فراموش کند، سپس منصور این کار را بار دیگر برای او یادآوری کرد، و گفت: شخصی را بفرست تا او را عاجزانه بیاورد پس باز خود را به فراموشی زد، سپس خلیفه نامهای نکوهیده بر او نگاشت و در آن بسیار خشمگین گشت و به او دستور داد که شخصی بفرستد تا جعفر را حاضر کند، پس انجام داد.

زمانی که ربیع خدمت امام رسیدم، عرض کرد: ای ابا عبدالله، خدا را یاد کن، به راستی که او برای چیزی به سراغ شما فرستاد که دفع کنندهای جز خدا ندارد، پس جعفر فرمودند به هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا نیست، سپس ربیع، منصور را به حضور امام آگاه ساختند و وقتی جعفر داخل شد، منصور بر او خشم گرفت و وعده داد و گفت ای دشمن خدا، مردمان عراق تو را امام خود برگرفتند و زکات اموالشان را به سوی تو میفرستند و تو حاکمیت مرا انکار میکنی، و تباهی آن را می طلبی؟ خدا مرا بکشد اگر تو را به قتل نرسانم، امام فرمودند: ای امیر مؤمنان، به راستی که

ص: 289

1- . مکارم الاخلاق: 401

2- . مکارم الاخلاق: 404

سلیمان مورد عطا قرار گرفت و سپاسگزاری نمود و ایوب به بلا گرفتار شد و صبر پیشه گرفت و یوسف ظلم شد و سپس درگذشت و تو از این دسته هستی.

وقتی منصور این سخن را از وی شنید و گفت: به نزد من بیا، ای ابا عبدالله تو پاکی و جانب تو سلامت است و فتنهات اندک، خداوند تو را از خویشاوندی پاداشی دهد بسیار برتر از پاداشی که به خویشاوندان از نزدیکانشان میدهد، سپس دستشان را گرفت و در کنار خود بر تخت نشاند و سپس گفت: برایم عطر بیاورید: و غالیه(1).

آورده شد، پس محاسن جعفر را با دست خویش به آن عطر آغشته ساخت به طوری که از آن میچکید، سپس گفت: برخیز و در پناه و مراقبت خدا باش، سپس گفت: ای ربیع، هدیه و لباس را به ابا عبدالله برسان، ای ابا عبدالله در حفظ و جوار خداوند، بازگرد و او نیز بازگشت.

ربیع نقل کرد: پس به ایشان پیوستم و گفتم: به راستی که من قبل از شما، چیزی دیدم که شما او را ندیدی و بعد از شما نیز چیزی دیدم که آن را ندیده بودم، ای ابا عبدالله هنگام ورود، چه خواندید؟ فرمودند گفتم: «خدایا مرا به چشمی که به خواب نمیروند حفظ کن و در جوار ستون دست نیافتنی خود، قرار ده، و قدرتت بر من مرا بیامرزد و هلاک نمیگردم؛ در حالی که تو امید منی، خدایا تو بزرگتر و باشکوهتر از آن چیزی هستی که بیم دارم و میهراسم، خدایا به کمک تو سینه او را دفع می کنم و از شر او به تو پناه میجویم». پس خداوند در حق من آنچه کرد که دیدی.(2).

از کتاب الحافظ عبدالعزيز از محمد بن اسحاق بن جعفر از پدرش نقل است: جعفر بن محمد پیش ابی جعفر منصور آمد و سخن گفت، هنگامی که از نزد ایشان بیرون آمدند، به دنبال جعفر بن محمد فرستاد و او را باز گرداند، هنگامی که امام بازگشتند، لباسشان را به چیزی حرکت میدادند، گفته شد: چه گفتی؟ فرمودند: گفتم:

ص: 290

1- . نوعی عطر مرکب از چند نوع عطر.

2- . کشف الغمه 2: 374

«خدایا تو از هر چیز کفایت میکنی و هیچ چیز از تو کفایت نمیکند، پس مرا کفایت نما».(1)

می گویم: روایت کامل در باب های تاریخ ایشان علیه السلام است.

23. رجال الکشی: از رزام خالد قسری نقل است: بعد از آنکه محمد بن خالد از مدینه خارج شد، من در آن شهر در حال عذاب و شکنجه بودم، آن شخص شکنجهگر مرا به سقف میآویخت و به نزد خانوادهاش برمیکشت و در را به رویم میبست، و زمانی که او به سوی خانهاش بازمیکشت، اهل خانه، طناب را از من میگشودند و مرا باز میکردند و من بر زمین مینشستم و تا زمانی که آمدنش نزدیک بود، مرا آویزان میکردند، سوگند به خدا یک روز من اینچنین بودم، ناگهان از راه رقعهای به سوی من از طریق شکاف انداخته شد، آن را برداشتم و آن با سنگریزهای بسته شده بود و به خط امام صادق علیه السلام در آن نظر کردم، این بود: به نام خداوند بخشنده مهربان، ای رزام بگو: «ای موجود قبل از هر چیز و ای هستی بعد از هر چیز، ای پدیدآورنده هر چیز، بر من زره مصون از شر مخلوقات را بپوشان» رزام گفت: آن را گفتم و پس از آن دیگر به آن شکنجه دچار نشدم.(2)

24. رجال الکشی: از معتب نقل است، زمانی که داود بن علی، معلى بن خنیس را به قتل رساند، امام صادق علیه السلام، آن شب را در حالت قیام و سجود به سر برد و شنیدم، پایان شب در حالت سجده میفرمودند: «خدایا از تو میخواهم به قدرت نیرومند خویش و به عذاب شدید خود و به عزت که اکثریت مخلوقات در برابر آن ذلیل هستند، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و همین لحظه، همین لحظه، او را برگیری». نقل کرده به خدا سوگند، هنوز سر از سجده برنداشتند که صدای فریادی شنیدیم و گفتند: داود بن علی مرد، پس امام صادق علیه السلام فرمودند: من علیه او به درگاه خدا دعا نمودم و خداوند فرشتهای فرستاد و به سر او با عصایی آهنین ضربهای زد که مثانه او را شکافت.(3)

ص: 291

1- . کشف الغمه 2: 384

2- . رجال الکشی: 290

3- . رجال الکشی: 324 - 323

25. به نقل از خط شهید - قدّس سرّه - به نقل از جعفریات و با استناد به امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که موسی علیه السلام در برابر فرعون قرار گرفت، گفت «خدایا من به واسطه تو سینه او را دفع می کنم و از تو بر او کمک میگویم، مرا از شرّ او کفایت نمای» حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این دعای ما اهل بیت است زمانی که از ظلم حاکمی، بیم داشته باشیم.

26. مهج الدعوات: ابن صدقه نقل کرد: از جعفر بن محمد علیهما السلام پرسیدم که به من دعایی آموزد تا آن را در امور مهم بخوانم پس برگههایی از یک صحیفه کهن بیرون آوردند و فرمودند: از آنها نسخهبرداری کن، زیرا آن دعای جدم علی بن حسین علیهما السلام در امور مهم است، پس آن را آنطور که باید نوشتم و هیچ گرفتاری بر من پیش نیامد، مگر اینکه آن را میخواندم و خداوند غم و اندوه مرا برطرف میساخت و حاجتم را روا میکردم، و دعا این است:

«خدایا تو مرا هدایت نمودی و من از آن سرگرم شدم و پند دادی و من سنگدل گشتم و زیبایی - خیر - رساندی و عصیان نمودم و مرا معرفت بخشیدی پس اصرار نمودم، سپس آگاهی دادی و من طلب آمرزش نمودم و رها کردم و بازگشتم و تو پوشاندی. سپاس از آن توست، خدای من، بر وادیهای هلاکت خویش وارد شدم و بر درههای نابودی خود قدم نهادم، و با واردن شدن به آن در معرض قدرت و عذابهای تو قرار گرفتم، تنها وسیلهام، به یگانگی دانستن توست و بهانهام این است که ذرهای بر تو شرک نورزیدم و خدایی در کنار تو برنگرفتم از خودم به سوی تو فرار کردم و انسان بدکار به سوی تو میگریزد و تو پناهگاه کسی هستی که خوشبختی خوش را تباه ساخت، سپاس مخصوص توست ای خدای من.

چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنانش را بر من کشید و لبه چاقوی خود را برایم تیز کرد و تیغ آن را جلا داد و سمهای کشنده خود را برایم در آمیخت و تیرهایی که به خطا نمیروند را به سوی من روانه ساخت و چشم پاییدن او از من به خواب نرفت و در دل به دنبال است تا ناگواری را به من برساند و سم کشنده خود را به من بنوشاند، ای خدای من و تو نگاه کردی به ناتوانیام از به دوش کشیدن سختیها و ضعفم از پیروزی بر کسی که قصد جنگ با من دارد و تنهایی او برابر

تعداد بسیاری از کسانی که قصد مرا دارند، و در آنجا که فکرم را به کار نگرفتم، بلا در کمین من نشست و تو به یاری من آغاز کردی و به قدرت خود پشتم را محکم کردی و برندگی او را شکستی و او را بعد از آنکه فراوان بودند، تنها کردی، و مرا بر او رفعت بخشیدی و هر آنچه به سوی من روانه داشت به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگیاش را سیراب نکرد و گرمای خشمش فرو ننشست، سر انگشتانش را به دندان گرفت و پشت نمود و فرار کرد سربازانش آنچه وعده داده بودند، انجام ندادند.

و چه بسیار ستمگری که نیرنگهای خود بر من جفا نمود، و دامهای شکار خود را برایم پهن کرد و جستجوی مراقبتش را بر من گماشت و همچون درندهای در کمین من نشست و منتظر فرصتی برای شکار خود بود، ای خدای من، تو را صدا زدم در حالی که از تو فریاد خواهی میکنم و به سرعت اجابت تو اطمینان دارم، میدانم که هر کس به سایه جوار تو پناه آورد مغلوب نمیگردد و کسی که به دژهای یاری تو پناه جست، هراسی ندارد، پس به قدرت خودم از قدرت او حفظ کن.

چه بسا از ابرهای ناخوشی که آنها را کنار زدی و پرده های غم هایی که برداشتی، پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی و هر گاه سؤال کرده شدی پس عطا کردی و سؤال کرده نشدی پس ابتدا کردی به احسان و طلب کرده شد بخشش بسیار تو پس زیاده از حد دادی، سرباز زده ای مگر از نیکوئی کردن و سرباز زده ام مگر از انداختن خود در محرمات تو و تجاوز نمودن از حدود تو و بی خبری از وعده به عذاب تو، پس ستایش برای توست، توانمندی که مغلوب نمی شود و بردباری که شتاب نمی کند. این جایگاه کسی است که به کوتاهی در فرمان تو اعتراف کرد و به ضایع کردن عمر خود گواهی داد.

ای خداوندا نزدیکی می جویم به سوی تو به محمّدیت والا، و روی می آورم به سوی تو به علویت روشن، پس پناه ده مرا از شر کسی که به من نیرنگ زند و از شر آنچه آفریدی و از شر کسی که بدی را اراده نماید، به درستی که این بر تو دشوار نیست در جنب توانگری تو و در توانایی تو سخت نیست و تو بر همه چیز توانائی.

ای خدای من رحم کن مرا به این که ترک نمایم گناهان تو را هر قدر که مرا باقی گذاری و رحم کن مرا به اینکه واگذارم مشقّت آنچه به من مربوط نیست و روزی کن مرا نیکو نظر کردن در آنچه تو را از من خشنود گرداند و ثابت گردان در دل من حفظ کتابت همانطور که به من یاد دادی و چنان کن که تلاوت نمایم آن را بر آنچه تو را از من خشنود می گرداند، و به سبب آن چشم مرا روشن کن و گوش مرا جایگاه آن گردان و به سبب آن سینه مرا بگشای و به سبب آن دل مرا شاد کن و به آن زبان مرا گویا کن و به آن بدن مرا به کار گیر و چنان در من از قدرت و توانائی قرار ده که آن را بر من آسان کند. به درستی که قدرت و قوّتی نیست مگر به تو.

خداوندا تویی پروردگار و دوست من و آقای من و آرزوی من و خداوند من و فریادرس من و معتمد من و آفریننده من و یاری کننده من و اعتماد من و امید من. برای دوست زندگانی من و مردگی من و برای دوست گوش و چشم من و به دست قدرت دوست روزی من و به سوی دوست امر من در دنیا و آخرت. مالک شدی تو مرا به توانایی خود و قادر گشتی بر من به پادشاهی خود، پس برای دوست توانائی در امر من و سرنوشتم به دست قدرت دوست. کسی مانع از خشنودی تو نمی شود. به سبب مهربانی تو رحمتت را امید دارم و به سبب رحمت تو خشنودی ات را امیدوارم، به سبب کردار خود به آن امید ندارم، کردار من، از من در مانده است. پس چگونه امید داشته باشم از چیزی که ناتوان شد از من. شکوه می نمایم به سوی تو از فقر خود و سستی توانائی خود و از حدّ گذشتن در امر خود و همه اینها از جانب من است و شکایت می کنم از آنچه تو داناتری به آن از من، پس مرا از اینها همه نگاه دار.

خداوندا مرا از رفیقان محمد، محبوب تو و ابراهیم، دوست تو و امان داشته شدگان در روز ترس بزرگ قرار ده، پس مرا ایمن گردان و به بشارت خود بشارت ده و به سایه مرحمت خود بر من سایه گستران و به رهایی از آتش مرا نجات ده و بدی را به من مرسان و ناامید مگردان، سلامت بدار مرا از دنیا، پس به و حجتّم را در روز قیامت بر من تلقین کن و به یاد آوری خود مرا به یاد آور و مرا برای آسان موفق گردان و از دشوار دور گردان و مرا برای نماز و دادن زکات هر

قدر که زنده باشم الهام کن و برای پرستش خود مرا قوی گردان و در دانستن علوم و خشنودی تو مرا کار فرمای و از زیادتی بخشش خود مرا روزی ده و در روز قیامت روی مرا سفید کن و مرا به آسانی حساب کن و مرا به زشتی کردارم رسوا مکن و به راهنمایی از جانب خود مرا راهنمایی کن و به گفتار راست و درست در زندگانی دنیا و در آخرت مرا ثابت گردان و آنچه را که دوست داشتی آن را نزد من محبوب کن و آنچه را که ناخوش داشتی مرا به آن دشمن گردان و آنچه مرا از امر دنیا و آخرت به اندوه آورد مرا کفایت کن و در نماز من و روزه من و دعای من و حج من و شکرگزاری من و دنیای من و آخرت من برکت ده و به جایگاه نیکو مرا برانگیز و پادشاه یاری کننده ای برای من قرار ده و بگذر از ستم و نادانی و اسراف من در امر خود. و از بلای زندگانی و وقت مردن مرا نجات ده و از زشتی ها آنچه آشکار شد یا پنهان مرا رها کن و مرا در روز قیامت از دوستان خود قرار ده و من صلاحی که به من عطا کردی همیشگی کن و به سبب روزی حلال مرا از حرام بی نیاز گردان و به سبب رزق نیکو و پاک از بد و آلوده مرا نگاه دار. روی گرامی ات را به سوی من قرار ده و از من برمگردان. و به سوی راه راست خود مرا راهنمایی کن و برای آنچه دوست می داری و راضی هستی مرا توفیق ده.

خداوندا به درستی که من پناه می برم به تو از ریا و آوازه و تکبر و بزرگی کردن بر مردمان و از نخوت و تفاخر کردن و از کبر و کفران نعمت و از طغیان در نعمت و از پسند نمودن نفس خود را و از صاحب جبروت شدن. ای پروردگار من پس نجات ده مرا از اینها و پناه می برم به تو ای پروردگار من از ناتوانی و بخل و از زیادتی خواهش و جدل و خیانت کردن و پناه می برم به تو از طمع و عیب و از بی صبری و و زاری کردن و از کاشتن و سرکوب کردن و پناه می برم به تو از ظلم و ستم نمودن و از حدّ گذشتن و فساد کردن و فسق و مرتکب شدن زشتی ها و پناه می برم به تو از ناراستی و دشمنی و از حدّ تجاوز کردن.

ای پروردگار من و پناه می برم به تو از نافرمانی و جدایی کردن خویشی و از کار بد و امرهای قبیح و گناهان و پناه می برم به تو از گناه و از آنچه به گناه

اندازد و از چیزهای حرام و کارهای حرام گردانیده شده و از پلیدی و از هر چیزی که دوست نمی داری.

ای پروردگار من پناه می برم به تو از شر شیطان و ظلم او و ستم او و دشمنی و دام بلای او و لشکر او و سپاه او و پناه می برم به تو از شر آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و پناه می برم به تو از شر آنچه آفریدی از حیوانات چرنده و حشرات گزنده یا جنیان یا آدمیان از آنچه حرکت نماید و پناه می برم به تو از شر آنچه خلق شد در زمین و از شر آنچه بیرون آید از آن و پناه می برم به تو از شر هر پیشگو و جادوگری و مایل به باطلی و دمنده در گره ها و افسون کننده و پناه می برم به تو از شر هر رشک برنده ای و ستمکاری و سرکشی و چشم کننده ای و ستم کننده ای و از حد تجاوزکننده ای و ظلم کننده ای و پناه می برم به تو از کوری و کری و گنگی و پیسی و خوره و گمان بد و تهمت و پناه می برم به تو از کاهلی و بد دلی و ناتوانی و تقصیر کردن و شتاب نمودن و ضایع کردن و از کوتاهی کردن و دیر کردن در کارها و پناه می برم به تو ای پروردگار من از شر آنچه آفریدی در آسمانها و زمین و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر خاک است.

پروردگارا و پناه می برم به تو از درویشی و مسکینی و احتیاج داشتن و بی چیزی و تنگی و فقر و پناه می برم به تو از تنگی رزق و خواری و پناه می برم به تو از تنگی و سختی روزگار و زنجیر و بند و بستن و زندان و مصیبت و هر بلایی که آن صبر ندارم، مستجاب کن ای پروردگار عالمیان.

خداوندا ببخش به ما هر آن چیزی را که سؤال نمودیم از تو و زیاده گردان برای ما از زیادی بخشش خود به اندازه بزرگی خود و به قدر بزرگواری خود به حق این کلمه که نیست خدائی مگر تو که شکست ناپذیر و دانای مصلحتی. (1)

27. مهج الدعوات: خبر داد به ما محمد بن جعفر بن هشام اصبغی و او نقل نموده از یسع بن حمزه قمی که عمرو بن مسعده وزیر معتصم خلیفه چنان امر ناگواری بر من وارد ساخت که ترسیدم خون مرا بریزد و اولاد و عیال مرا پریشان

1- . مهج الدعوات: 197 - 202

نماید. پس عریضه ای به خدمت مولای خود ابی الحسن امام علی نقی علیه السلام نوشتم و به سوی ایشان شکوه نمودم از آنچه بر من وارد شده بود. آن حضرت در جواب نوشتند: مترس و تو را هیچ پاک نیست و این دعا را بخوان که خدای تعالی تو را به زودی از آنچه در آن افتادی نجات می دهد و تو را گشایشی حاصل می کند. به درستی که آل محمد علیهم السلام این دعا را می خوانند هر گاه به ایشان بلایی روی نماید و با ایشان دشمنی آشکار گردد و در وقتی که از درویشی و دلتنگی بترسند.

یسع بن حمزه گفت: من کلماتی که آن حضرت نوشته بودند در اوّل روز خواندم، قسم به خدا که هنوز قدری از روز نرفته بود که فرستاده عمرو بن مسعده وزیر آمد و گفت که وزیر تو را می طلبد، برخاستم و به نزد او رفتم. چون مرا دید تبسمی نمود و فرمود که زنجیر مرا برداشتند و خلعتی از جامه های فاخر خود به من پوشانید و بوی خوش بر من مالید و مرا نزدیک خود طلبید و با من تکلم نمود و عذرخواهی بسیار نمود و آنچه از اموال و اسباب مرا که برده بودند همگی را به من باز پس داد و بسیار با من مهربانی کرد به همان شهری که حکومت داشتم فرستاد و دهاتی که در نزدیک آن بود را نیز اضافه کرد و دعا این است:

ای کسی که گشوده می شود به برکت نامهای او گره های ناخوشی ها و ای آنکه کند می شود به سبب یاد نمودن او تندی سختی ها و ای کسی که خوانده می شود نام های بزرگ او در وقت تنگی برای بیرون شدن از تنگی به سوی راحتی، سختی ها برای قدرت تو خوار شدند و سبب ها به لطف تو سبب گردیدند و قضا به به فرمانبرداری تو جاری شد و همه چیز بر این اساس گذشت و آن به خواست تو بدون گفتارت فرمانبردار است و به خواست تو بدون وحیت باز ایستدند و تویی امید داشته شده از برای کارهای بزرگ و سخت و تویی پناه در بلاهای نازل شونده، دفع نمی شود از بلاها مگر آنچه تو آن را دفع کنی و برطرف نمی شود از بلاها مگر آنچه تو آن را برطرف کنی و امری دشوار بر من فرود آمده است که سنگینی نموده است بر من گرانی آن و وارد شد به من، آنچه که مرا بر داشتن آن دشوار کرد و به قدرت خود آن امر را بر من وارد ساختی و به پادشاهی خود آن را متوجه من گردانیدی.

نیست باز گرداننده ای بر آنچه که وارد ساخته ای و نه آسان کننده ای برای آنچه دشوار نمودی و نیست برگرداننده ای بر آنچه متوجّه ساختی و نه گشاینده ای از آنچه بستی و نیست کسی که ببندد آنچه را که گشودی و نیست یاری کننده ای برای کسی که یاری نکردی مگر تو، رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگشای بر من در رحمت را به احسان خود و به قدرت خود برگردان از من غلبه اندوه را و برسان به من نیکو دیدن در آنچه شکوه کردم و بچشان به من شیرینی کار در آنچه طلب نمودم از تو و بخش مرا از نزد خود خلاصی زود هنگام و بیرون رفتنی گوارا و مرا به اندوه از رعایت کردن واجب های تو و از به جا آوردن سنت هایت مشغول مکن پس ناتوان شدم از آنچه بر م وارد شد و از حمل آنچه برای من رخ داد پر از ناله شدم. و حال آنکه تو قادری بر برطرف کردن آنچه را که مبتلا شده ام من به آن و بر دفع کردن آنچه را که در آن افتادم پس بکن این کار را برای من انجام ده و اگر چه سزاوار آن از جانب تو نیستم، ای صاحب عرش بزرگ و ای صاحب بخشش بسیار پس تویی توانا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان مستجاب کن ای پروردگار عالمیان (1).

28. مهج الدعوات: ابو حمزه ثمالی رحمه الله علیه نقل کرد: یک بار دست پسرم شکست. او را به نزد یحیی ابن عبد الله شکسته بند بردم. پس به آن شکسته نگاه کرد و گفت این را شکستگی بسیار بدمی بینم. پس به غرفه بالا خانه رفت که دستمالی و پراق شکسته بستن را بیاورد. پس در همان ساعت دعای حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام به یادم آمد که به من آموخته بود. دست پسر خود را گرفتم و این دعا را خواندم و دست خود را بر آن موضع شکسته مالیدم. آن شکسته ترمیم شد و به امر خدای تعالی دست او صحّت یافت. پس چون یحیی از آن بالا خانه فرود آمد و اثر شکستگی را در دست پسر من ندید. گفت آن دست دیگر را بده به من تا ببینم پس چون دید که آن نیز درست است، گفت: سبحان الله مگر دست او بسیار بد شکسته بود پس چه شد؟! این از سحر شما ای گروه شیعیان عجب نیست، پس گفتم که: مادر تو برای تو نوحه کند. این سحر نیست بلکه به

ص: 298

1- . مهج الدعوات: 340- 339 و شبیه آن دعای هفتم از صحیفه سجاده علیه السلام است.

برکت دعائی است که از دعا‌هایی که به یادم آمد و آن را از مولای خود حضرت امام زین العابدین علیه السلام شنیده بودم و آن را بر این شکسته خواندم. پس یحیی شکسته بند گفت که به من این دعا را تعلیم نمای. گفتم: حاشا بعد از آنکه از تو این سخن را شنیدم به تو این دعا را و نه حرفی از آن را تعلیم نمی کنم. تو قابل آن نیستی که به تو این دعا را بیاموزم. حمران بن اعین گفت: من به ابی حمزه گفتم: تو را به خدا قسم می دهم که به من این دعا را تعلیم نمایی، ابو حمزه گفت: سبحان الله این دعا بیادم مگر از جهت آنکه آن را به شما بیاموزم و این فایده من به شما برسد. این را بنویسید:

«ابتدا می کنم بنام خدای بخشنده مهربان ای زنده پیش از هر زنده ای ای زنده بعد از هر زنده ای ای زنده با هر زنده ای ای زنده در وقتی که نیست هیچ زنده ای ای زنده که باقی می مانی تو و برطرف می شود هر زنده ای ای زنده ای که نیست خدایی مگر تو ای زنده ای بخشنده ای زنده کننده مردگان ای ایستاده و حاضر بر هر نفسی به آنچه کسب کرد به درستی که روی می آورم به سوی تو و توسّل می شوم به سوی تو و نزدیکی می جویم به سوی تو به بخشش تو و کرم تو و شفقت تو که گنجایش دارد هر چیز را و روی می آورم به سوی تو و توسّل می جویم به سوی تو به حرمت این قرآن و به حرمت دین اسلام و به حرمت گواهی آنکه نیست خدائی به غیر از تو که یکتائی نیست شریکی برای تو و آنکه محمّد بنده تو و فرستاده توسّت بر خلائق و روی می آورم به سوی تو و توسّل می جویم به سوی تو و شفیع می کنم به سوی تو پیغمبر ترا که پیغمبر رحمت است و آن محمّد است رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و ستایش کند خدا بر آنها ستایش کردنی و امیر مؤمنان را که علیّ پسر ابو طالب است و فاطمه صاحب روشنی و نور را و امام حسن و امام حسین را که هر دو بنده تو و اعتماد داشته شده های تو و حجت‌های تو هستند بر همه آفریدگان و علی پسر امام حسین را که زینت عبادت کنندگان و نور پارسایان و میراث برنده علم پیغمبران و فرستادگان است و پیشوای فروتنی کنندگان و دوست مؤمنان و خلیفه در میان همگی آفریدگان است و امام محمّد باقر را که جمع کننده علم پیشینیان و پسینیان است و راهنمای بر امر پیغمبران و فرستادگان

است و پیروی کننده است بر پدران خود که صالح هستند و پناه آفریدگان است همه و امام جعفر پسر محمد باقر را که راستگوی و از اولاد پیغمبران است و پیروی کننده است به پدران خود که صالحان هستند و نیکوکار و از جمله ذرّیه نیکوکاران و پرهیزکاران است و دوستدار دین توست و حجت توست بر همه عالمیان و امام موسی پسر امام جعفر را که بنده صالح توست و از اهل خانه پیغمبران است و زبان گویای توست در میان آفریدگان تو همگی و گوینده است به فرمان تو و حجت توست بر خلائق تو و حضرت علی پسر امام موسی را که راضی است به فرمان خدا و پسندیده خداست و پاکیزه و برگزیده است مخصوص است به کرامت تو و خواننده است مردمان را به سوی فرمانبرداری تو و حجت و دلیل توست بر همگی خلائق و امام محمد تقی پسر امام علی را که به راه راست رفت و ایستاده به فرمان توست و گویای به امر تو و حقّ راست توست و دلیل توست بر مخلوقات تو و متولی امور خلائق است از جانب تو و پسر اولیای توست و دوست تو و پسر دوستداران توست و امام علی نقی پسر امام محمد تقی را که چراغ روشنی بخش راه دین است و قویّ معتمد است ایستاده است به حکم عدل تو و خواننده است مردمان را به سوی دین تو و دین پیغمبر تو و حجت توست بر آفریدگان تو و امام حسن عسکری پسر امام علی نقی را که بنده تو و دوستدار تو و خلیفه توست بر مردمان، نقل کننده حکمهای تو از جانب تو در میان خلائق از پدران خود که راست گویان هستند و توسّل می جویم به سوی تو به حق جانشین امامان گذشتگان و پیشوای پاکیزه راهنمای راه یافته شده که حجت و دلیل است بعد از پدران خود بر خلائق تو رساننده است احکام شرع را از جانب پیغمبر تو بر مردمان و ارث برنده علم جماعت گذشتگان است از وصی های پیغمبران تو مخصوص است به کرامت تو خواننده است مردمان را بسوی فرمانبرداری تو و فرمانبرداری پدران خود که صالح هستند.

ای محمّد ای ابا القاسم پدر و مادرم فدای تو باد به سوی خدا شفیع می کنم تو را و امامان از اولاد تو را و علی را که امیر مؤمنان است و فاطمه را و امام حسن و امام حسین را و علی پسر امام حسین را و محمّد پسر علی را و جعفر پسر محمّد را و موسی پسر جعفر را و علی پسر موسی را و محمّد پسر علی را و علی پسر

محمّد را و حسن عسکری پسر علی را و جانشین ایستاده به دین تو و انتظار کشیده شده را.

خداوندا پس رحمت فرست بر ایشان و بر کسی که پیروی کرده باشد ایشان را و رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد رحمتی را که فرستاده ای بر فرستادگان و راست گویان و جماعت صالحان رحمتی را که قادر نباشد بر شماره آن کسی غیر از تو.

خداوندا برسان اهل خانه پیغمبر خود را و اولاد ایشان را و پیروان ایشان را به پیغمبر خود که مهتر و برگزیده پیغمبران است و برسان ما را به ایشان در حالی که باشیم از مؤمنان و تواضع کنندگان و بهره یافتگان و پرهیزگاران و نیکوکاران و فروتنی کنندگان و عبادت کنندگان و توفیق یافتگان و درست و محکم کاران و به جا آورندگان فرمان خدا و پاکیزگان و پاک شدگان و توبه کنندگان و سجودکنندگان و رکوع کنندگان و شکر بجای آورندگان و ستایش کنندگان و صبرکنندگان بر بلاها و از خدا اجر طلب کنندگان و بازگشت کنندگان از گناهان و به حق رسیدگان.

خداوندا به درستی که دوست می دارم من دوستدار ایشان را و بیزاری می جویم به سوی تو از دشمن ایشان و نزدیکی می جویم به سوی تو به سبب محبت ایشان و به دوستی ایشان و به پیروی ایشان و به فرمانبرداری ایشان پس روزی کن مرا به حق ایشان نیکی دنیا و آخرت و دور کن از من به برکت ایشان ترس های روز قیامت را.

خداوندا به درستی که من گواه می گیرم تو را به آنکه تویی خدا و نیست خدائی مگر تو و آنکه محمّد و علی و همسر او و دو فرزند او بندگان تو و کنیزان تو هستند و تویی دوستدار ایشان در دنیا و آخرت و ایشان دوستداران تو هستند و مهربانتر و نزدیکترند به مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان مسلمان و زنان مسلمان از همه خلائق تو و گواهی می دهم آنکه ایشان بندگان مؤمنان تو هستند پیشی نمی گیرند تو را به گفتار و ایشان به فرمان تو عمل می کنند.

خداوندا به درستی که من وسیله می گردانم به سوی تو ایشان را و شفیع می کنم ایشان را به سوی تو به اینکه مرا زنده داری مثل زندگی ایشان و بمیرانی بر

فرمانبرداری ایشان و پیروی دین آنها و بازداری مرا از اطاعت کردن دشمن ایشان و دشمن خود را و دشمن مرا از من بازداری و بی نیاز گردانی مرا به کرم خود و به برکت دوستان خود از کسی که تو او را از من بی نیاز گردانیدی و آسان گردانی بر من برآوردن حاجت کسانی را که به سوی من محتاج گرداندی و دین و دنیا و آخرت مرا در پناه خود قرار دهی و بپوشانی به من جامه سلامتی را تا زندگانی را بر من گوارا سازی.

و نگاه کنی به من به نگاه گوشه چشمی از نگاه های خود که بخشنده و از روی رحمت و عزیز است که برطرف نمائی به سبب آن نگاه از من آنچه را که مبتلا شده ام به آن و برگردانی مرا به سبب آن نگاه به سوی نیکوترین احسان های خود و بهترین آنها که نزد من است. توانایی من سست شده است و چاره ام کم شد و فرود آمده است بر من آنچه مرا به رفع آن قدرتی نیست، پس برگردان مرا به سوی نیکوترین احسان های خود. که مایوس و ناامید گشتم از آنچه در نزد آفریدگان توست. و باقی نماند مگر امیدواری از تو در دل من و دیرینه است آنچه بخشیدی بر من و توانایی تو ای آقای من و پروردگار من و آفریننده من و مولای من و روزی دهنده من بر برطرف کردن آنچه که در انم از بلاها مثل توانائی توست بر من در وقتی که مرا بدان مبتلا گردانیدی.

ای خداوند یاد آوردن احسان های تو مرا آرام می کند و امید به بخشش تو مرا نزدیک می سازد و هرگز از نعمت تو خالی نبودم از وقتی که مرا آفریدی پس تویی ای پروردگار من، معتمد من و امیدگاه من و خدای من و آقای من و رفع کننده بلاها از من و رحم کننده به من و ضامن روزی من از تو می خواهم ای پروردگار من به حقّ محمد و آل محمد که هدایت مرا به سوی چیزی که حکم نمودی برای من از نیکویی و واجب ساختی و مقدر کردی، قرار دهی و مرا از آنچه من در اویم از بلیّه ها رها کنی، به درستی که من قادر نیستم بر این خلاصی مگر به قدرت از جانب تو یکتایی و شریکی نداری و اعتماد ندارم در این خلاصی مگر بر تو.

پس ای پرورنده پروردگان و ای آقای همه آقایان نزد حسن ظن من باش و درخواستم را عطا کن ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان ای

حکم کننده ترین حکم کنندگان و ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان و ای قدرترین صاحب قدرتان و ای غلبه کننده ترین غلبه کنندگان و ای پیشتر پیشینیان و ای آخر آنهایی که آخر هستند [و ای دوست محمد و علی و همه پیغمبران و فرستادگان و وصیّ های برگزیده شدگان] (1). و ای دوست محمد که رحمت خدا باد بر او و بر آل او و بر وصی های او و دوستان او و یاری کنندگان او و جانشینهای او که ایمان آوردند به تو و حجتّهای تو که رسیده اند به راه حقّ و از اهل خانه رحمت هستند و پاکان و پرهیزگارانند همگی ایشان رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بهجای آور به من آنچه را که تو سزاوار آنی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

29. مهج الدعوات: به نقل از نسخه ای کهن: ولید بن عبد الملک حاکم شام به نزد صالح بن عبد الله مری نوشت که والی مدینه از جانب او بود: حسن پسر حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب را که در نزد او محبوس بود، به مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله آورد و پانصد تازیانه بر او بزنند. پس صالح او را از زندان بیرون آورده، به مسجد آورد و مردمان مجتمع گشتند و صالح بر منبر بالا رفت تا آنکه چون کتابت ولید را بر مردمان بخواند، بعد از آن به زدن حسن امر نماید. پس در اثناء خواندن کتابت بودند که حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین به مسجد آمدند و مردمان را از یک دیگر دور نمودند تا آنکه به نزد حسن مثنی رسیدند، پس فرمودند که ای پسر عمّ دعای دفع کرب و اندوه را بخوان تا آنکه خدای تعالی تو را نجات دهد و از تو این بلا را برطرف کند. پس حسن گفت: یا ابن عمّ! این دعا کدام است؟ حضرت فرمودند: بگو:

«نیست خدایی مگر خدای بردبار بخشنده، نیست خدایی مگر خدای بلند مرتبه بزرگ، منزّه است خدای که پروردگار آسمان های هفت طبقه است و پروردگار زمینهای هفت گانه است و پروردگار عرش بزرگ است و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است».

ص: 303

نقل کرد: حضرت علی بن حسین علیه السلام این کلمات را به حسن تعلیم نمودند و به خانه خود برگشتند و حسن مکرّر این کلمات را می خواند تا آنکه چون صالح از خواندن کتابت فارغ شد و از منبر پایین آمد و به نزد حسن رسید و گفت که: آثار مظلومیّت و بیچارگی در او مشاهده می کنم، خوب است که فرمان ولید را در باره او تاخیر کنید و من کتابتی به ولید می نویسم و التماس او را می نمایم. پس آنگاه صالح کتابتی در این باب به ولید نوشت. جواب آمد که او را از حبس رها کن. (1)

30. مهج الدعوات: در نسخه کهنه ای یافتیم که عبارتش این است: ابو الحسن محمّد بن محمّد بن محسن بن یحیی بن رضا اُدام الله تاییده در روز جمعه بیست و پنجم از ماه ذی حجه سال چهار صد و چهار در مشهد مقابر قریش درود بر ساکن آن نقل کرد: پدرم رضی الله عنه برایم نقل کرد: ابو عبد الله محمد بن ابراهیم بن صدقه در روز شنبه بیست و هفتم صفر سال سیصد و شصت و دو در همان مشهد مقابر قریش علی ساکنه السلام از حفظ نقل کرد: سلامه بن محمّد ازدی برایم روایت نمود گفت: ابو جعفر بن عبد الله عقیلی و ابو الحسن محمّد بن تریک رهاوی روایت کردند گفت که خبر داد به من ابو القاسم عبد الواحد موصّلی از روی اجازه و روایت نمود به من ابو محمّد جعفر بن احمد بن عبد الله بن عقیل بن عبد الله بن عقیل بن محمّد بن عبد الله بن عقیل بن ابو طالب علیه السلام و او گفت: ابو روح نسائی روایت کرد از حضرت ابو الحسن امام علی نقیّ بن امام محمّد تقی علیهما السلام که آن حضرت این دعا را از جهت دفع ضرر متوکل بعد از آنکه حمد و ثناء الهی را بجای آوردند، خواندند: « خدایا من وفلانی بندگان از بندگان تویم » تا آخر دعا که بعد از این مذکور می شود.

سند این دعا را یافتیم که به روایتی دیگر منقول است و عبارت آن این است: ذکر کرد با استناد به زرافه دربان متوکل که شیعه بود، روزی متوکل فتح بن خاقان را در نزد خود حاضر نمود و او در نزد متوکل آن قدر قرب و منزلت داشت که هیچ

ص: 304

یک از مردمان و فرزندان و اهل بیت او در نزد او آن قدر منزلت نداشتند و خواست که بر مردمان مرتبه او را ظاهر سازد.

پس همه اهل مملکت خود را اشراف خود و غیر ایشان را از وزراء و امرا و فرماندهان و لشکریان خود و دیگر سرشناسان را امر کرد که زینت کنند و لباسهای فاخر بپوشند و همگی پیاده در پیش روی متوکل از شهر بیرون روند و پس هیچ احدی سوار نشود الا متوکل و فتح بن خاقان که در شهر سامرا سوار شدند و همگی مردمان پیاده پیشا پیش آن دو نسبت به مرتبه های خود می رفتند تا آنکه از شهر بیرون رفتند و آن روز هوا در نهایت گرمی و شدت حرارت بود و از جمله اشراف حضرت امام علی نقی علیه السلام بودند و شدت حرارت هوا به ایشان تاثیر نمود، در کمال تعب و زحمت بودند.

زرّافه نقل کرد: من به آن حضرت رسیدم و عرض کردم: ای سرور من، قسم به خدا آنچه من از این یاغی ظالم می بینم و این مشقت و آزاری که از او به شما رسیده است، بر من بسیار گران و ناگوار است و دست ایشان را گرفتم. پس آن حضرت به من تکیه فرمودند و گفتند: ای زرّافه! ناقه صالح نزد خدای تعالی از من گرامی تر و عزیزتر نبود. یا آنکه فرمودند: که قدر و منزلت ناقه صالح در نزد خدای تعالی بیشتر از من نبود. پس آنگاه من در خدمت آن حضرت می رفتم و مسأله ها از آن حضرت پرسیدم و فایده مند گردیدم و همچنان صحبت داشتم تا آنکه متوکل فرود آمد و همگی مردمان را رخصت نمود که به شهر و به خانه های خود برگردند.

پس چارپاهای مردمان را پیش آوردند و همه سوار شدند، به خانه های خود برگشتند. پس من استر آن حضرت را پیش بردم و ایشان سوار شدند و خود نیز سوار شدم تا آنکه به خانه آن حضرت رسیدیم و ایشان فرود آمدند. از ایشان وداع نمودم و به خانه خود رفتم. فرزندان من معلمی شیعه از اهل دانش و فضل داشتند و عادت من چنان بود که در وقت طعام خوردن او را حاضر می نمودم. پس آن مرد حاضر شد و هم صحبت شدیم و از سوار شدن متوکل و فتح بن خاقان و پیاده رفتن اشراف و صاحبان مراتب در جلو ایشان حکایت کردم و آنچه مشاهده

نمودم از ابی الحسن علی بن محمد علیه السلام و شنیدم که فرمودند «ناقه صالح در نزد خدای تعالی از من گرامی تر و عزیز نیست».

شخص معلّم که با من مشغول خوردن بود، دست از خوردن کشید و گفت تو را به خدا این لفظ را از آن حضرت شنیدی؟ گفتم: به خدا قسم شنیدم که حضرت آن را فرمودند. پس به من گفت: بدان که متوکل بیش از سه روز دیگر در مملکت خود باقی نخواهد بود و هلاک می شود پس در کار خود بنگر و آنچه را می خواهی به دست آوری کسب کن و خود را آماده گردان مبادا هلاک شدن این مرد شما را آسیبی رساند و دارایی تان به دلیل حادثه ای یا هر سببی از بین برود.

پس به او گفتم: از کجا آن را دانستی؟ گفت: آیا تو در قرآن در قصه صالح پیغمبر این آیه را خواندی که «تَمَتُّوْا فِی دَارِکُمْ ثَلَاثَةَ اَیَّامٍ، ذٰلِکَ وَعْدُ عَزِیْزٍ مَّکْذُوْبٍ یعنی: و بهره برید از زندگانی در حالی که باشید در خانه های خود تا سه روز این وعده ای است که دروغ نیست» (1) و جایز نیست که سخن امام و معصوم باطل شود. زرافه گفت: قسم به خدا که روز سوم بود که منتصر خروج نمود و با او خارجیان و وصیف و اتراک بودند و بر متوکل هجوم نمودند. او و فتح بن خاقان را کشتند و پاره پاره کردند که یکی از آن هر دو از دیگری معلوم و شناخته نشدند و خدای تعالی نعمت و مملکت آن را از بین برد. پس من بعد از آن به خدمت اباالحسن علیه السلام رسیدم و او را از آنچه میان من و آن شخص معلم گذشت و گفتم، آگاه نمودم. آن حضرت فرمودند: راست گفت. در آن هنگامی که به من آن مشقت رسید، به گنجهای رجوع نمودم که از پدران خود به ارث می بریم که در نزد ما از قلعه ها و سلاح و سپرها محکمتر است، که آن دعای شخص مظلوم جهت دفع شرّ ظالم است. پس آن دعا را خواندم. پس خدای تعالی او را هلاک نمود. گفتم: ای سرور من اگر صلاح می دانید این دعا را به من تعلیم کنید. پس آن دعا را به من آموختند و دعا این است:

ص: 306

«خداوندا به درستی که من و فلان شخص دو بنده ایم از بندگان تو سرنوشت ما به دست توست، محل قرار و آنجا که در آن سپرده شده ایم می دانی و تغییرات احوال ما در دنیا و بازگشت ما در آخرت و امور نهانی و آشکار ما را می دانی و مطلعی بر قصدهای ما و بر باطن ما احاطه می نمایی، علم تو بدانچه ان را اظهار می کنی مثل علم تو به آن چیزی است که پنهان داری و شناخت تو بدانچه پوشیده داریم مثل شناخت به آن چیزی است که آن را آشکارگردانیم و بر تو چیزی از امرهای ما پوشیده نیست و در نزد تو حالی از حالهای ما پنهان نیست و برای ما پناهگاه و قلعه ای که ما را محافظت نماید نیست و نه پناهی که نگاهدارد و نه گریزگاهی که تو را از ما دور کند.

و ستم کننده ای نمی تواند به سبب پادشاهی خود از تو ممانعت کند و سپاه او با تو نزاع نمی کند و هیچ غلبه کننده ای با امتناع بر تو غلبه نمی کند و صاحب تفوقی به سبب بسیاری بر تو فایق نمی شود و تو او را می یابی هر کجا که رفت و بر او قدرت داری هر کجا که پناه برد، پس پناه ستم رسیده از ما به توست و اعتماد غلبه شده از ما بر توست و بازگشت او به سوی توست. و از تو طلب فریادرسی می نماید هر گاه فریادرسی غیر تو نیابد و تو را می طلبد هر گاه یاری گر از یاری او دست بردارد و پناه می برد به تو هر گاه آستانها او را طرد کنند و در تو را می کوبد هر گاه بسته شود به روی او درهای بسته شده و به تو می رسد هر گاه که پادشاهان غافل از او ممانعت کنند. می دانی آنچه را که رسیده به مظلوم پیش از آنکه آن را به سوی تو شکوه نماید و می شناسی آنچه را که صلاح حال او در آن است پیش از آنکه از جهت آن تو را بخواند پس از برای توست ستایش در حالی که شنوا و بینا و بسیار دانا و توانایی.

خداوندا به درستی که در علم و قضای پیشین تو و فرمان نافذ تو و اراده قاطع تو در شأن همگی آفریدگانت، نیکبخت ایشان و بدبخت ایشان و نیکوکار ایشان و بدکار ایشان، چنین بود که برای فلان پسر فلان قدرتی بر من قرار دادی پس به سبب آن بر من جور نمود و به دلیل جایگاه خود بر من ستم کرد و به پادشاهی که به او دادی بر من چیره گشت و به سبب بلندی حالی که بر او قرار

دادی بر من چیره گشت و مهات دادن تو او را فریفت و بردباری ات او را سرکش کرد.

پس مرا به ناگواری اراده کرد که از صبر نمودن بر آن عاجز گشتم و مرا به شری پوشانید که از متحمل شدن آن ضعیفم و بر پیروزی بر او به سبب ناتوانی ام و بر داد ستادن از او به سبب خواری ام قادر نگشتم. پس او را به تو واگذار کردم و در امر او بر تو اعتماد نمودم و او را به عذاب تو بیمناک نمودم و او را از شدت خشم تو هراسانیدم و او را از عقاب تو ترسانیدم پس گمان کرد که برباری تو از جهت ناتوانی توست و پنداشت که مهلت دادن تو به او از جهت عاجز بودن تو است و یک گناه او را از گناهی دیگر باز نداشت و از معصیت دوم به سبب معصیت اول پشیمان نشد ولی در گمراهی خود مداومت نمود و پیای ستم نمود و در سرکشی اش لجاجت ورزید و در تجاوزش پافشاری کرد به دلیل گستاخی بر تو ای مولای من و متعرض شدن بر غضب تو که آن را از گروه ستمکاران باز نمی داری و عدم توجه به عقوبت تو که آن را از ظالمان بر نمی داری.

پس اینک ای سرور من در برابر او ضعیفم، در پادشاهی او ستمدیده ام، ذلیم به عذاب او، شکست خوردم و به من ظلم کرد و مورد قصد او قرار گرفتم، ترسان و خوفناک، بیمناک مغلوبم. صبر من اندک شد و چاره من به تنگ آمد و راه ها جز به سوی تو بسته شد و تمام جهت ها بر من مسدود گشت مگر جهت تو و تمام کارهایم در دفع نمودن ناخوشی های او از خود بر من مشتبّه گشت. و فکرها در برطرف کردن ظلم او بر من پوشیده شد و هر کدام از بندگان که از او یاری جستم مرا رها کرد و آنکس که در آویختم به او از همگی آفریدگان تو مرا وا گذاشت و با خیر خواه خود مشورت کردم پس او مرا به میل نمودن به سوی تو مشاوره داد و از راهنمای خود راهنمایی خواستم پس مرا به سوی تو راه نمود.

پس به سوی تو برگشتم ای مولای من در حالی که ذلیل و خوارم و رو به خاک مالیده ام و زاری کننده ام و دانایم به آنکه گشایشی برای من مگر نیست از نزد تو و نجاتی برای من نیست مگر به سبب تو. از تو می خواهم بر وعده تو در یاری من تحقق بخشی و حاجتم را بر آوری. به درستی که گفتمی و گفتار تو راست است

که بر نمی گردد و تغییر نمی یابد «کسی که به او ظلم شود البته که خدا او را یاری می کند» و فرمودی، بزرگ است بزرگی تو و منزه و پاکیزه است نامهای تو» بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» و من انجام می دهم آنچه را که به من فرمودی. پس حاجت مرا برآور همچنان که به من وعده نمودی.

و به درستی می دانم ای مولای من، برای توسل روزی که در آن از ظالم برای ستمدیده انتقام کشی و یقین می دانم برای توسل وقتی که در آن حق غصب کرده شده را از غصب کننده می ستانی زیرا دشمنی از تو پیشی نمی گیرد و نزاع کننده از دست قدرت تو بیرون نمی رود و از فوت شدن فوت شونده ای نمی ترسی ولی بی تابی و اضطراب من به صبر کردن بر مدارای تو و انتظار بردباری تو نمی رسند. پس قدرت تو ای مولای من بالای هر قدرتی است و پادشاهی تو غلبه کننده بر هر پادشاهی است و بازگشت هر کسی به سوی توسل و هر چند او را واگذاری و بازگشت هر ستم کننده ای به سوی توسل و اگر چه او را مهلت دادی و ای مولای من، بردباری تو در حق فلان پسر فلان و درازی مدارای تو با او و مهلت دادن به او به من آسیب رسانیده است و نزدیک است که ناامیدی بر من مسلط شود اگر اعتماد من به تو و یقین داشتن به وعده تو نمی بود.

پس اگر در حکم جاری تو و قدرت قاطع توسل که بازگردد یا توبه نماید یا از ظلم کردن بر من برگردد یا بدی خودش را از من باز دارد و منتقل شود از بزرگی آنچه مرتکب شد در حق من، پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و در این لحظه و همین لحظه این توبه را در دل او بیانداز پیش از برطرف کردن نعمتی که آن را بر من انعام نمودی و پیش از تیره گردانیدن نیکویی ات که در حق من انجام دادی.

و اگر در علم تو به او غیر از این باشد از جمله ایستادگی اش بر ظلم بر من، از تو می خواهم ای یاری دهنده ستمدیده ای که بر او ظلم شد، حاجت مرا برآوری و بر محمد و بر آل او رحمت فرستی و او را از محلّ ایمن او بر گیری گرفتن غلبه کننده ای بسیار با قدرت و و همچون پادشاهی با قوّت او را در غفلتش ناگاه بر گیر و نعمت و پادشاهی اش را از او بگیر و سپاه و یاران او را شکست ده و

مملکت او را از هم بگسل و یاری کنندگان او را نهایت پراکندگی پراکنده نمای و او را از نعمت خود عریان ساز که شکر آن را به جای نیاورد و از او جامه غلبه دادن را بیرون کن که با نیکی آن را مکافات ننمود و پشت او را بشکن ای شکننده پشت متکبران و او را هلاک کن ای هلاک کننده کننده امت های گذشته و او را نابود کن ای نابود کننده قبیله های ستم کننده و او را خوار کن ای خوارکننده گروه فسادکنندگان و زندگانی او را کوتاه کن و پادشاهی او را نابود کن و نشان او را محو کن و خبر او را قطع کن و آتش فساد او را خاموش کن و روز او را تاریک کن و آفتاب دولت او را بی نور گردان و جان او را بیرون کن و سختی او را سست گردان و کوهان او را قطع کن و بینی او را بر خاک مال و برای او سپری نگاهدارنده مگذار مگر اینکه آن را پاره کنی و نه ستونی مگر اینکه آن را شکسته باشی و نه کلمه جمع شده ای مگر آنکه آن را پراکنده کنی و نه پایه بلندی مگر آنکه آن را پست بنمایی و نه قوّتی مگر آنکه سست کنی و نه وسیله ای مگر اینکه آن را قطع کنی.

و به او یاران و سپاهیانیش را نشان ده که بعد از اجتماع متفرق شدند و بعد از نزدیک شدن پراکنده گشتند و بعد از ظهور بر امت خوار گشتند و به سبب نابودی دولت او دل های متغیر و مضطرب ترسان و قلب های ستم رسیده دردناک و امت حیران و خلائق ضایع شده را شفا ده و به سبب هلاکت دشمن حدّهای معطل و حکم های اهمال شده و سنت های دگرگون شده و نشانه های تغییر یافته و آیه های تحریف شده و مدرسه های متروک و محراب های خالی و مسجدهای خراب شده را غالب گردان.

و به سبب آن شکم به اندرون رفته بسیار گرسنه را سیر گردان و به سبب آن کسانی را که گوشت های دهان ایشان فاسد شده باشد سیراب گردان و جگرهای تشنه را سیراب کن و عذاب خود را به او وارد ساز در شبی که مثلی برای آن شب در بدی نباشد و در ساعتی که برای او آرامی و قراری در آن ساعت نباشد و به او مصیبتی برسان که خوشحالی با آن مصیبت نباشد و به روی افتادنی را که درگذرنده از آن نباشد و حرمت او را مباح گردان و نعمت خود را بر او تیره نمای و قهر بزرگ خود و عقوبت برتر خود و توانایی خود که بالاتر از هر توانایی است و پادشاهی

خود که غالب تر از پادشاهی اوست، را به او بنمای و به قوت قوی خود و عقوبت سخت خود او را مغلوب من گردان و نگاهدار مرا به منع خود که هر آفریدگاری در آن خوار است و او را به احتیاجی مبتلا گردان که او را پی نیاز نگردانی و به بدی که آن را پنهان نکنی و او را به خودش واگذار در آنچه اراده می نماید به درستی که تو انجام دهنده چیزی که می خواهی.

و او را از قوّت و قدرت خود دور کن و او را به قدرت و توانایی خودش محتاج گردان و حيله او را به مکر خود پست گردان و اراده او را به سبب اراده خود دور کن و بدن او را بیمار کن و فرزندان او را یتیم گردان و مدت عمر او را کوتاه کن و آرزوی او را بر نیاور و دولت او را زائل گردان و آواز گریه او را بلند کن و او را به بدن خودش مشغول گردان و او را از اندوه خودش جدا مساز و مکر او را گمراه و امر او را زائل و نعمت او را نابود و بزرگی او را پست و پادشاهی او را مضمحل و عاقبت کار او را بدترین حال گردان و هر گاه جان او را گرفتی او را به خشم خودش بمیران و اگر او را باقی گذاشتی در اندوه خودش باقی گذار و مرا از شرّ او و از بدگویی او و از اشاره به گوشه چشم او و از قهر و از دشمنی او نگاهدار و به او به نگاه خفت نظر کن که به سبب آن نگاه، او را هلاک نمایی پس به درستی که تو سخت تر از همه مردمان در عذاب نمودن و شدیدتر در عقوبت کردن هستی. (1)

العتیق الغروی: با استناد به زرافه دربان متوکل آن را ذکر کرد: و مثل آن را آورد.

می گویم: از جمله دعاهاى معروف دعای حرز یمانی است که به دعای سیفی هم مشهور است و در این راستا طریقه ها و روایت های متعددی یافتیم و در اینجا مهم آن را ذکر می کنیم انشاءالله تعالی.

ص: 311

1- . مهج الدعوات: 330-337 مثل این دعا از مولایمان امام هادی علیه السلام ذکر شد با اندکی تفاوت و برای این حدیثی است که برای آن روایت دیدم ، ولی آن را برای قنوت امام موسی بن جعفر علیه السلام صفحه: 67-72 ذکر کرد و ابتدای آن چنین است: « خدایا من و فلان فرزند فلان همانطور که مولف ذکر کرد اگر خواستی مراجعه کن.

31. مهج الدعوات: دعای معروف به یمانی: عبد الله بن عباس و عبد الله بن جعفر روایت نمودند: روزی در خدمت مولای ما حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام حاضر بودیم که حضرت امام حسن علیه السلام داخل شدند و فرمودند: یا امیر المؤمنین مردی به در خانه آمد و اذن می طلبد که بر شما داخل شود که از او بوی مشک می وزد.

پس حضرت فرمود: او را اذن ده.

پس مردی داخل شد عظیم الجثّه، خوش روی، خوش منظر و جوانی فاضل، فصیح زبانی که بر او لباس پادشاهی بود و گفت: سلام بر تو ای امیر مومنان و رحمت و برکات خدا بر تو باد؛ من مردی هستم از نقاط دور یمن و از اشراف عرب از اولاد کسی که منسوب به شما است و در پشت سر خود پادشاهی عظیم و نعمتی کامل را گذاردم و به درستی که من در راحتی و زندگانی بسیار خوب و فراخ روزی و صاحب ثروت و املاک بسیار بودم که بر من کارها دشوار و سخت شد و روزگار مرا به تنگی مبتلا ساخت و من دشمنی پرکینه دارم که کار را بر من دشوار نمود و بر من به سبب بسیاری یاران خود و توانایی جماعت یاری کنندگان و کثرت جمعیت غلبه نمود و چاره من در مورد او اندک شد.

در شبی از شب ها خوابیده بودم در خواب دیدم که شخصی آمد و به من گفت: برخیز و بشتاب به سوی بهترین خلق خدا بعد از پیغمبر یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما و علی آلهما و از آن حضرت سؤال کن تا به تو دعایی تعلیم نماید که او را حبیب خدا و بهترین برگزیده ترین خلق او محمد بن عبد الله صلوات الله علیه و آله تعلیم نمود. پس به درستی که در آن دعا اسم اعظم خداست، پس آنگاه این دعا را بر دشمن بسیار کینه توز خود بخوان.

پس ای امیر مومنان بیدار گشتم و به کاری روی نیاوردم تا آن که به سوی تو آمدم و چهار صد غلام همراه دارم و خدا و رسول او و شما را شاهد می گیرم به آنکه همگی ایشان آزادند و من ایشان را در راه خدا جلت عظمته آزاد نمودم و ای امیر مومنان از شکافی عمیق و از شهری دور نزد شما آمده ام و به راستی که بدن من لاغر شده است و جثه من باریک گشته است. پس ای امیر مومنان به حق تفضلّ تو

و به حق پدری و خویشی بر من مَنّت گذار و به من آن دعایی تعلیم نمای که من در خواب دیدم و آن شخص هاتف به من امر کرد که به سوی تو کوچ کنم.

امیر مومنان صلوات الله علیه فرمودند: باشد چنین می کنم إِنْ شاءَ اللهُ و دوات و کاغذی را طلب نمودند و این دعا را نوشتند و دعا این است:

به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا تویی پادشاه ثابت که نیست خدایی مگر تو، و من بنده توام و تویی پروردگار من به نفس خود ستم نمودم و به گناه خود اقرار کردم و نمی آمرزد گناهان را مگر تو پس بیامرز مرا ای بسیار بخشنده و بسیار سپاسگزار.

خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از بخشش های بسیار نفیس و آنچه از احسان کامل تو که به من رسید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا به آن از جایگاه عدالت جای دادی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم که به من رسانیدی تا اینکه که مناجات کنم با تو در حالی که دعا می کنم و می خوانم تو را در حالی که به من ستم رسید و از تو می خواهم و تو را می یابم که اصلاح کننده من در مکان ها و ناظر بر من در کارها و آمرزنده گناهان من و پوشاننده عیب های من هستی.

از آن زمان که مرا بدین سرای آزمایش درآوردی تا بنگری که من برای آن سرای ماندگار چه میفرستم یک چشم بر هم زدن خیر و تو را از دست ندادم، پس من آزادشده توأم از همه مصیبت ها و سختی ها، و محنت هایی که اندوه آنها با تیرهای قضا و انواع بلاهای سخت به من حمله کرد، من از تو جز رفتار نیک چیزی به یاد ندارم، و جز فزون بخشی چیزی نمی بینم.

نیکویی تو مرا فرا گرفت و زیادی بخشش تو بر من پیایی است و نعمت های تو نزد من پیوسته و پیشی گیرنده است. ترس مرا محقق نکردی بلکه امید مرا راست کردی و در سفرهایم با من رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرمی داشتی و دردها و مرض های مرا شفا دادی و دنیا و آخرت مرا عافیت بخشیدی و

مرا دشمن شاد نگردانیدی و انداختی به کسی که به من انداخت و مرا از رنج کسی که با من دشمنی کرد، کفایت نمودی.

پس ستایش من برای تو پیوسته و درود من بر تو همیشگی است از زمانه ای تا به زمانه دیگر به انواع تسبیح خالصانه برای یاد تو و برای خشنودی تو با توحیدی آشکار و تمجیدی خالص به فراوانی شمردن و فزونی اهل بخشش، در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسی شریک نشدی و به تو آموخته نشد آن هنگام که چیزها را بر طبیعتها حبس کردی و وهما پرده های غیبا را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همّتها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را در نمی یابد و بینایی بیننده ای در شرف بزرگواریات به تو منتهی نمی شود، وصف های توانایی تو از تعریف کردن آفریدگان بلند گشت و بزرگمنشی عظمت تو از آن فراتر رفت. کم نمی شود آنچه خواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسی حاضر نبود هنگامی که آفریدگان را خلق نمودی.

فهم ها از بیان کردن تعریف تو عاجز شدند و عقلها از ادراک حقیقت بزرگی تو باز ماندند و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. نیست در آن صفات غیر تو کسی و احدی غیر تو برای آنها نبود و رونده هایی از راه های فکر کردن در پادشاهی تو حیران شدند. پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی برای توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند و زینت زبان ها در برابر آن واماندند و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش در حالی که پیوسته به یک دیگر پی در پی منتظم همیشه باشد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و محو نگردد در عالم و در شناخت تو کم نشود و تو راست ستایش به قدر آنچه بزرگی های او

در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روزها و سحرها.

خداوندا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضر نمودی و مرا از تفضّل خود در حمایت خود نگاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت های تو و فراوانی آنها، نگاهداشته شده به حفظ تو در باز داشتن و دفاع کردن و احاطه شده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا فقط در حد توانایی ام از من راضی گشتی و هر چند در گفتار سعی نمایم و مبالغه کنم شکر من به ادای حق تو نمی رسد و با فضل تو برابری نمی کند زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و چندین برابر آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه نمودند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن به بزرگی یاد نمودند و بزرگ شمارندگان تو را به آن بزرگ شمردند تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مساوی ستایش ستایش کنندگان و مانند اقرار به یگانگی کردن اقسام اخلاص ورزندگان و مثل تنزیه کردن انواع خداشناسان و ستایش همه تهلیل کنندگان و مساوی آنچه تو به آن دانا و آگاهی از همه آفریدگان خود از حیوانات.

و به سوی تو می گرایم در خواستن آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی، پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی. از روی تفضّل و شفقت نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و احسان به من

بخشیدی و در عوض آن از من آسان کوچک را خواستی و مرا از سختی و مشقت بلا برکنار داشتی و مرا به دست مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی.

با وجود آنچه از سلامتی به من بخشیدی و از بخشش عطیه ها عطا نمودی پس بخشش را برای من زیاده گردانیدی با وجود آنچه به من سپردی از برهان شریف و آنچه فراهم نمودی برای من از مرتبه رفیع و مرا به سبب پیروی بزرگ ترین پیغمبران در خواندن خلائق و فاضلترین ایشان از جهت شفاعت که آن محمد است رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او برگزیدی.

خداوندا پس گناهان مرا بیامرز که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کند آن را مگر گذشتن تو و نمی پوشاند آن را مگر زیادی بخشش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت خود برسان و شکر آنچه که بر من انعام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خدای یگانه بلند مرتبه خلق کننده تازه پدید آورنده شنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو گریزنده ای.

گواهی می دهم به آن که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز. تویی آفریدگار آسمان ها و زمین و دانای پنهان و آشکار و بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا من از تو ایستادگی در فرمان و استواری در راه راست و شکر بر نعمت تو را خواهانم و از ستم هر ستمکاری و از ظلم هر ظالمی و از رشک هر رشک برنده ای به تو پناه می برم به قوّت تو بر دشمنان حمله می کنم و به تو دوستی دوستان را امید دارم با وجود چیزی که بر شمردن و تعداد قادر نیستم از نیکویی های بخشش تو و روزی نیک تو و نعمت های رنگارنگی که به من بخشیدی پس به درستی که تویی خدا که نیست خدایی مگر تو. در میان خلائق نعمت تو بسیار و پراکنده است. تویی گشاینده دست خود به راستی و کرم. در حکم خود مخالفت نمی شوی و در فرمان خود نزاع نمی شوی، مالک می شوی از خلائق آنچه را که خواهی و مالک نمی شوند ایشان مگر آنچه را که تو خواهی.

بگو خداوندا ای صاحب پادشاهی، پادشاهی را به کسی که می خواهی می دهی و می ستانی پادشاهی را از هر کس که خواهی و عزیز و غالب می گردانی کسی را که می خواهی و خوار می کنی کسی را که خواهی به دست قدرت توسست نیکویی. به درستی که تو بر هر چیز توانایی، شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب داخل می کنی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می کنی و کسی را که خواهی بی اندازه روزی می دهی.

تویی نعمت دهنده، احسان کننده، آفریننده، ایجادکننده، توانای قهرکننده، تنزیه کرده شده در روشنی پاکیزگی، بزرگی و عزّت را ردای خود ساختی و به بزرگواری خود بزرگی نمودی و به روشنی و شرف خود پنهان گشتی و صاحب زینت شدی به هیبت و رفعت خود، برای توسست نعمت دادن ازلی و پادشاهی بلند مرتبه و بخشش وسیع و توانایی، با اقتدار مرا از جمله فاضلترین پسران آدم قرار دادی. و مرا شنوا و بینا در کمال صحّت راست اندامی به سلامت گردانیدی. مرا به آفت و بلایی که در بدن من باشد مشغول نساختی و احسان تو به من و نیکویی تو نزد من و زیادی انعام تو بر من تو را بازداشت از آن که روزی را در دنیا بر من فراخ کنی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری بخشی.

پس برای من گوش و دلی قرار دادی که بزرگواری تو را بشناسد و من به احسان تو ستایش کننده ام و به سعی خود برای تو شکرکننده ام و به حق تو گواهم پس به درستی که تو زنده ای پیش از هر زنده ای و زنده ای بعد از هر زنده ای و زنده ای که ارث می بری و نیکی خود را از در هر زمانی به اندازه یک چشم بر هم زدن از من قطع نکردی و مشقّت های عذاب های خود را بر من فرو نیاوردی و ظرافت های نگاهداشتن های خود را بر من تغییر ندادی. پس اگر از نیکویی تو به یاد نیآورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سر خود را به ستایش و تعظیم تو بالا کردم و در وقت قسمت کردن روزی ها در هنگامی که آن را مقرّر ساختی، پس سپاس برای توسست به عدد آنچه علم تو آن را نگاهداشت و به عدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد.

خداوندا پس نیکویی خود را در آنچه باقی است از عمر من تمام کن همچنان که در آنچه گذشت از عمر من نیکویی نمودی پس توسل می جویم به یگانگی تو و به تعظیم تو و به ستایش تو و به تهلیل نمودن تو و به بزرگواری تو و به بزرگ شمردن تو و به روشنی تو و به مهربانی تو و شفقت تو و بلندی تو و خوبی تو و تنزه تو و شرف تو و پادشاهی تو و توانایی تو و به محمد و آل او که پاکانند مرا از عطای خود و نفع های خود محروم نسازی، به راستی که به سبب بسیاری آنچه جاری می شود موانع بخل بر تو عارض نمی گردد و کوتاهی بندگان در شکر نعمت بخشش تو را کم نمی کند و نعمت های تو خزانه های بخشش های تو را از بین نمی برد و از بی چیزی احتیاج نمی ترسی تا عطای خود را کم کنی و ترس بی چیزی به تو ملحق نمی گردد تا بسیاری بخشش تو کم شود.

خداوندا دلی ترسنده و یقینی راست و زبانی ذکرکننده روزی من گردان و مرا از مکر و عذاب خود ایمن مساز و پرده پوشاننده خود را از من بر مدار و مرا از یاد آوری خود به فراموشی مینداز و مرا از پناه خودت دور مگردان و از رحمت خود جدا مساز و از راحت خود ناامید مگردان و برای من انیس از هر وحشت باش و مرا از هر هلاک شدنی نگاهدار و مرا از هر بلایی نجات ده پس به درستی که تو خلف وعده نمی کنی.

خداوندا مرتبه مرا بلند کن و مرا پست مگردان و مرا از عطای خود زیاده کن و بخشش مرا کم مکن و بر من رحم کن و مرا عذاب مکن و مرا یاری نمای و تنها مگذار و برگزین مرا و کسی را بر من برمگزین و بر محمد و بر آل محمد که نیکان و پاکانند درودی دائم و بسیار بفرست.

ابن عباس رضی الله عنه نقل کرد: بعد از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به آن شخص فرمودند که باید این دعا را حفظ کنی و خواندن این را در هیچ روز ترک نکنی، پس به امید دارم که به شهر خود برسی در حالی که خدای تعالی دشمن تو را هلاک کرده باشد. به درستی که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر چنانچه شخصی این دعا را به نیتی خالص و درست و دلی

زاری کننده بخواند، پس به کوه ها امر کند که با او به راه افتند، آنها از مواضع خود حرکت می کنند و اگر بر دریا بخواند بر آن راه می رود.

آن مرد به سرزمین خود رفت و بعد از چهل روز کتابتی از او به حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام رسید که خدای تعالی دشمنان او را هلاک نمود به حدی که در اطراف او احدی از دشمنان او باقی نماند. پس آنگاه حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: من این را می دانستم و رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده بود و بر من امری مشکل نشد مگر به برکت این دعا آن امر بر من آسان شد. (1)

32. مهج الدعوات: دعای حرز یمانی به روایتی دیگر: ابن عبّاس نقل کرد: روزی در خدمت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام حاضر بودم و گفتگو می کردیم، پس حضرت امام حسن علیه السّلام داخل شدند و فرمودند که: مرد سواره ای بر در خانه اذن می طلبد که داخل شود و از او بوی مشک و عنبر مرتفع می شود. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند که: به او اجازه ده.

پس مردی قوی هیکل نیکو روی خوش اندامی داخل شد که بر او لباس ملوکانه بود. پس گفت: درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای امیر مومنان. پس آن حضرت فرمودند: و علیک السّلام. و او را نزدیک خود نشانند. پس آن جوان گفت: ای امیر مومنان به درستی که من از منتهی بلاد یمن به سوی تو آمدم و من مردی هستم از جمله بزرگان عرب و از اولاد کسی هستم که به تو منسوب است و به تحقیق که پادشاهی عظیمی و نعمتی تمام و املاک بسیاری را در عقب خود گذارده ام و به درستی که من در عیشی فراخ و در کمال رفاهیت و نیکویی از حال بودم و در برابر من دشمنی است که نابودی من و گرفتن مملکت مرا اراده دارد و خدعه و حيله با من را همّت خود ساخت و به تحقیق که از چند سال قبل، جنگ و کارزار نموده است و چاره او مرا عاجز کرده است.

ص: 319

ای امیر مومنان در شبی خوابیده بودم پس هاتفی به من آواز نمود و گفت که برخیز و کوچ کن و به سوی خلیفه خدا، امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السّلام حرکت کن و از آن حضرت بخواه که به تو دعایی را تعلیم نماید که به او پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تعلیم نموده است. به درستی که در آن اسم اعظم و کلمات تامّه است و تو به برکت این دعا مستحقّ می گردی که خدای تعالی حاجت تو را برآورد و تو را از شرّ این دشمن نجات دهد.

پس چون بیدار گشتم نتوانستم خود را کنترل کنم و به چیزی نپرداختم و به نزد تو آمده ام و چهار صد بنده همراه دارم و خدای عزّ و جلّ را شاهد می گیرم و تو را شاهد می گیرم به آنکه همگی آنها را در راه خدا آزاد نمودم و از ایشان بندگی و ملکیت خود را زایل نمودم و اکنون همگی آزادند و ای امیر مومنان از شهری دور و مسافتی بعید و شکافی عمیق آمدم که بدن من لاغر شده است و جثّه من ضعیف گشته است. ای امیر مومنان بر من مَنّت گذار. تو را سوگند می دهم به حقّ پدری که بر من داری، و به حقّ خویشی که با تو دارم، آن دعا را به من تعلیم نمایی که در خواب دیدم که به سوی تو کوچ نمایم. پس آن حضرت فرمودند: چنین باشد و قلم و دوات و کاغذی را خواندند و این دعا را برای او نوشتند. و من نیز نوشتم و دعا این است:

به نام خدای بخشنده مهربان همه ستایش برای خداست که پرورنده عالمیان است و عاقبت برای پرهیزگاران است و رحمت نماید خدا بر محمّد که آخر پیغمبران است و بر اهل خانه او و همگی ذریّه او. خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش پر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از آرزوهای بخشیده شده و آنچه از احسان افزون تو که به من رسید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا در جایگاه صداقت جای دادی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم به من رسانیدی تا اینکه که مناجات کنم با تو در حالی که تمایل دارم و می خوانم تو را در حالی که اخلاص دارم و به تو امید دارم و تو را می یابم که اصلاح کننده من در مکان ها و ناظر بر من در کارها و یاری کننده من علیه دشمنان و پوشاننده گناهان من هستی.

از آن زمان که مرا بدین سرای آزمایش درآوردی تا بنگری که من برای آن سرای ماندگار چه میفرستم یک چشم بر همزدن خیر و تو را از دست ندادم، پس من آزادشده توأم از همه مصیبت ها و سختی ها، و محنت هایی که اندوه آنها با تیرهای قضا و انواع بلاهای سخت به من حمله کرد، من از تو جز رفتار نیک چیزی به یاد ندارم، و جز فرونبخشی چیزی نمی بینم.

نیکویی تو مرا فرو گرفت و زیادی بخشش تو بر من پیایی است و نعمت های تو نزد من پیوسته و پیشی گیرنده است. ترس مرا محقق نکردی بلکه امید مرا راست کردی و در سفرهایم با من رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرمی داشتی و دردها و مرض های مرا شفا دادی و دنیا و آخرت مرا عافیت بخشیدی و مرا دشمن شاد نگردانیدی و انداختی به کسی که به من انداخت و مرا از رنج کسی که با من دشمنی کرد، کفایت نمودی.

پس ستایش من برای تو پیوسته و درود من بر تو همیشگی است از زمانه ای تا به زمانه دیگر به انواع تسبیح خالصانه برای یاد تو و برای خشنودی تو با توحیدی آشکار و تمجیدی خالص به فراوانی شمردن در تکذیب کسانی که زشتی ها را فاش می کنند، در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسی شریک نشدی و به تو نگریسته نشد آن هنگام که چیزها را بر طبیعت های مختلف حبس کردی و وهما پرده های غیبا را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همتها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را در نمی یابد و بینایی بیننده ای در شرف بزرگواری ات به تو منتهی نمی شود. وصف های توانایی تو از تعریف کردن آفریدگان بلند گشت و بزرگمنشی عظمت تو از آن فراتر رفت. کم نمی شود آنچه بخواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسی حاضر نبود هنگامی که آفریدگان را خلق نمودی و نه همتایی در نزد تو حضور یافت هنگامی که جان ها را آفریدی. زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدند، و عقلا از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه توصیف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسی نیست و احدی غیر تو

برای آنها نبود و چشم ها بر تو هجوم نبردند تا پیدایشی از جانب تو را درک کنند و قلب ها به وصف تو راه نیابند و عقل ها به شکوه عزت تو نمی رسند.

و راه های عمیق تفکر در پادشاهی تو حیران شدند. پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند و زینت زبان ها در برابر آن واماندند و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش در حالی که پیوسته به یک دیگر پی در پی منتظم همیشه باشد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و در عالم محو نگردد و در شناخت تو کم نشود و تو راست ستایش به قدر آنچه بزرگی های او در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها.

خداوندا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضر نمودی و مرا از تفصّل خود در حمایت خود نگاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت های تو و فراوانی آنها، نگاهداشته شده به حفظ تو در باز داشتن و دفاع کردن و احاطه شده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا فقط در حد توانایی ام از من راضی گشتی و هر چند در گفتار سعی نمایم و مبالغه کنم شکر من به ادای کمترین حق تو نمی رسد و با فضل تو برابری نمی کند زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده ای در عمق مبهمات بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه

نمودند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن به بزرگی یاد نمودند و بزرگ شمارندگان تو را به آن بزرگ شمردند تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سپاس سپاس کنندگان و توحید انواع مخلصان و ستایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردند و تنزیه کردن دوستان عارف تو و مثل آنچه تو به آن آگاهی و به واسطه آن در همه آفریدگان خود از حیوانات مورد سپاسی و به سوی تو می گرایم در برکت آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی.

پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی. از روی تفصّل و شفقت نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و وجوب به من بخشیدی و در عوض آن از من آسان کوچک را خواستی و مرا از مشقّت بلا برکنار داشتی و مرا به دست مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی.

بلای مرا تندرستی قرار دادی و به راحتی و آسایش مبتلا کردی و بهترین فضل ها را در حق من آغاز کردی با برهان شریفی که به من وعده دادی و درجه والا را ممکن گردانیدی و مرا به دعوت بزرگ ترین پیامبرانت و فاضل ترین آنها از جهت شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برگزیدی.

خداوندا پس پیامرز گناهان مرا که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کند آن را مگر گذشتن تو و نمی پوشاند آن را مگر زیادی بخشش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت [در نزد خود] برسان و شکر آنچه که بر من انعام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خدای یگانه بلند مرتبه خلق کننده تازه پدید آورنده شنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو گریزنده ای.

گواهی می‌دهم به آن که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز. تویی آفریدگار آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار و بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا من از تو ثبات در امر و استواری در راه راست و شکر بر نعمت تو را خواهانم و از ستم هر ستمکاری و از ظلم هر ظالمی و از رشک هر رشک برنده ای به تو پناه می‌برم به قوّت تو بر دشمنان حمله می‌کنم و به تو دوستی دوستان را امید دارم با وجود چیزی که بر شمردن و تعداد قادر نیستم از نیکویی های بخشش تو و روزی نیک تو و نعمت های رنگارنگی که به من بخشیدی.

اقرار می‌کنم به این که تویی خدا که نیست خدایی مگر تو. در میان خلائق ستایش تو پراکنده است. تویی گشاینده دست خود به راستی و کرم. در حکم خود مخالفت نمی‌شوی و در فرمان خود نزاع نمی‌شوی، مالک می‌شوی از خلائق آنچه را که خواهی و مالک نمی‌شوند ایشان مگر آنچه را که تو خواهی.

تویی نعمت دهنده احسان کننده آفریننده ایجادکننده توانای قهرکننده تنزیه کرده شده در روشنی پاکیزگی، بزرگی و عزّت را ردای خود ساختی و به بزرگواری خود بزرگی نمودی و به روشنی و شرف خود پنهان گشتی و صاحب زینت شدی به هیبت و رفعت خود، برای توسست نعمت دادن ازلی و پادشاهی بلند مرتبه و بخشش وسیع و توانایی، با اقتدار مرا از جمله فاضلترین پسران آدم قرار دادی. و مرا شنوا و بینا در کمال صحّت راست اندامی به سلامت گردانیدی. مرا به آفت و بلایی که در بدن من باشد مشغول نساختی و احسان تو به من و نیکویی تو نزد من و زیادی انعام تو بر من تو را بازداشت از آن که روزی را در دنیا بر من فراخ کنی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری بخشیدی.

پس برای من گوشی قرار دادی که آیات تو را بفهمد و چشمی که قدرت تو را ببیند و دلی که عظمت تو را دریابد پس من ستایشگر فضل تو در حق خود هستم و جانم تو را سپاس می‌گویم و به حق تو گواه است، تو زنده ای پیش از هر زنده ای و زنده ای بعد از هر زنده ای و زنده ای که ارث می‌بری و نیکی خود را از در هر زمانی به اندازه یک چشم بر هم زدن از من قطع نکردی و مشقّت های عذاب های خود را بر من فرو نیاوردی و ظرافت های نگاهداشتن های خود را بر من تغییر

ندادی. پس اگر از نیکویی تو به یاد نیاورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سر خود را بالا کردم و زبانم را به حمد و ستایش خود گشودی، در تقدیر تو خطایی نبود آنگاه که مرا صورت بخشیدی و نه در وقت قسمت کردن روزی ها در هنگامی که آن را مقرر ساختی، پس سپاس برای توست به عدد آنچه علم تو آن را نگاهداشت و به عدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد.

خداوندا پس نیکویی خود را در آنچه باقی است از عمر من تمام کن همچنان که در آنچه گذشت از عمر من نیکویی نمودی پس توسل می جویم به یگانگی تو و به تعظیم تو و به ستایش تو و به تهلیل نمودن تو و به بزرگواری تو و به بزرگ شمردن تو و به روشنی تو و به مهربانی تو و به شفقت تو و بلندی تو و خوبی تو و تنزه تو و شرف تو و پادشاهی تو و توانایی تو و به محمد و آل او که پاکانند مرا از عطای خود و نفع های خود محروم نسازی، به راستی که به سبب بسیاری آنچه جاری می شود موانع بخل بر تو عارض نمی گردد و کوتاهی بندگان در شکر نعمت بخشش تو را کم نمی کند و نعمت های تو خزانه های بخشش های تو را از بین نمی برد و از بی چیزی احتیاج نمی ترسی تا عطای خود را کم کنی و ترس بی چیزی به تو ملحق نمی گردد تا بسیاری بخشش تو کم شود. و قلبی خاشع و یقینی صادق و زبانی ذاکر روزی ام کن و مرا از مکر خود ایمن مگردان و پوششت را از من برمدار و خودت را از یاد من مبر و برکت را از من مگیر و رحمت را از من قطع مکن و مرا از جوار خود دور مگردان و از رحمت خود نا امید مکن و همدم من از هر وحشتی باش و مرا از هر هلاکتی حفظ کن و به راستی که تو خلف وعده نمی کنی و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.

آن مرد گفت: ای امیر مومنان گمان مرا محقق ساختی و امید مرا راست آوردی و حق پدری را به جا آوردی، پس خدای تعالی جزای نیکوکاران را به تو دهد.

پس گفت: ای امیر مومنان می خواهم ده هزار دینار را تصدق نمایم، پس مرا راهنمایی کنید که چه کسی مستحق آن است؟ پس آن حضرت علیه السلام

فرمودند: آن را میان پارسایان از حاملان قرآن پخش کن. چنین کاری جز بر امثال آنان نیک نیست تا آنکه به سبب این بر عبادت کردن پروردگار خود و بر خواندن کتاب خدا قوّت یابند، پس آن مرد به عمل آورد آنچه را که حضرت امیر مومنان علیه السّلام به او فرمودند.(1)

33. می گویم: حرز یمانی به طریق دیگر نیز مشهور است و آن را در کتاب های حدیثی نیافتم ولی از دعا های مشهور است و فایده های تجربه شده ای دارد پس آن را نیز آوردم و البته شروعی دارد بدین نحو که قبل از دعا فاتحه الکتاب و آیه الکرسی و نود و نه نام که در روایات پیشین ذکر شد خوانده می شود سپس می گوید:

« خداوندا ای آگاه به فریادم رس و مرا دریاب به حق لطف پنهانی خود، خدایا علم تو از گفتن کفایت کرد و کرم تو از خواستن کفایت نمود، ای خدای جهانیان و ای بهترین یاری کنندگان، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، فریاد خواهی می کنم، خدایا کیست که تو را خواند و او را اجابت نکردی و کیست که از تو پناه خواست و او را پناه ندادی و کیست که از تو فریاد خواست و به فریادش نرسیدی فریاد فریاد فریاد به فریادم رس ای فریاد رس فریاد خواهان.

دعا: خداوندا تویی پادشاه حقی که خدایی جز تو نیست، و من بنده توام تویی پروردگار من، بد کردم و به نفس خود ستم نمودم و به گناه خود اقرار کردم و نمی آمرزد گناهان را مگر تو پس بیامرز مرا ای بسیار بخشنده و بسیار سپاسگزار ای بردبار ای کریم.

خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا به آن اختصاص دادی از آرزوهای بخشیده شده و آنچه از احسان افزون تو که به من رسید و آنچه از نیکویی خود که به من عطا نمودی و مرا در جایگاه صداقت جای دادی و در دور کردن بلاها از من و توفیق دادن و برآوردن دعایم به من احسان کردی تا اینکه تو را صدا بزنم در حالی که تو را می خوانم و با تمایل با تو

ص: 326

مناجات می کنم و با ناله و زاری و اخلاص تو را می خوانم و به تو امید دارم و تو را می یابم که همسایه حاضر نیکوکار نیک رفتار در حق من در مکان ها و ناظر و یاور من در کارها و آمرزنده گناهان و اشتباهات و پوشاننده عیب های من هستی. از آن زمان که مرا بدین سرای آزمایش و فکر عبرت گرفتن درآوردی تا بنگری که من برای آن سرای ماندگار چه میفرستم یک چشم بر همزدن یاری و نیکی و احسان و خیر تو را از دست ندادم.

خدایا من آزاد شده تو از تمامی گمراهی ها و آسیب ها و مصیبت ها و عیب ها و سختی ها و تنگی ها هستم و غم هایی که در آن اندوه ها با بلاهای گوناگون و قضاای سخت مختلف بر من حمله ور شد و من از تو جز زیبایی به خاطر ندارم و جز فزونی از تو ندیدم. خیر تو مرا فراگرفت و فضل تو بر من پیایی است و نعمت هایت پشت سر هم برای من میآید و بخشش هایت بر من آشکار است.

پناه من را از من برنداشتی و امیدم را تصدیق نمودی و در سفرها همراه من بودی و حضورهای مرا گرامی داشتی و آرزوهایم را محقق داشتی و بیماری هایم را شفا دادی و دنیا و آخرتم را عافیت بخشیدی و مرا دشمن شاد ننمودی و هر کس که بر من بدی روا داشت بر او بدی کردی و مرا از شر دشمنانم کفایت نمودی.

ستایش من برای تو پیوسته است و درود من بر تو همیشگی است از زمانه ای تا به زمانه دیگر به انواع منزه ساختن و سپاس و بزرگی، در حالی که خالص می نمایم یادآوری تو را و خشنودی تو را می جویم به سبب آشکار نمودن یگانه دانستن تو و خالص ساختن یگانگی تو و ویژه گردانیدن بزرگی و سپاس تو با بسیاری پرستش و شمردن نعمت های تو.

در توانایی خود یاری نشدی و در خداوندی خود با کسی شریک نشدی و به تو نگریسته نشد آن هنگام که چیزها را بر اراده های مختلف حبس کردی و وهما پرده های غیبهای تو را ندریدند تا به حدی در بزرگی تو اعتقاد شود.

عمق همّتها به تو نمی رسد و فرو رفتن فکرها تو را در نمی یابد و بینایی بیننده ای در شرف بزرگواریات به تو منتهی نمی شود. وصف های توانایی تو از

تعریف کردن آفریدگان بلند گشت و بزرگمنشی عظمت تو از ذکر ذاکران فراتر رفت. کم نمی شود آنچه بخواهی زیاد شود و زیاد نمی شود چیزی که اراده کنی کم شود. کسی حاضر نبود هنگامی که آفریدگان را خلق نمودی و نه مشابهی در نزد تو حضور یافت هنگامی که جان ها را آفریدی.

زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدند، و عقل ها از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسی نیست و خدایی جز تو وجود ندارد.

و راه های عمیق تفکر در پادشاهی تو حیران شدند. پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند و زینت زبان ها در برابر آن واماندند و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش فراوان دائمی متوالی پیوسته به یک دیگر پی در پی محکم همیشه باشد و چندین برابر گردد و از بین نرود و در پادشاهی تو فانی نشود و در نشانه ها محو نگردد و در شناخت تو کم نشود و تو راست ستایش به قدر آنچه بزرگی های او در شمار نیاید در شب وقتی که پشت کند و در صبح هر گاه روشن شود و در صحراها و در دریاها و بعد از صبح و وقت عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها. و در تمامی بخش های شب و روز.

خداوندا به توفیق خود که رغبت را در نزد من حاضر نمودی و مرا از تفصّل خود در حمایت خود نگاه داشتی، پس همیشه در تمامی نعمت های تو و فراوانی آنها، نگاهداشته شده به حفظ تو در باز داشتن و دفاع کردن و احاطه شده به تو در دنیا و آخرت خود بودم و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و

پوشیده شده ای بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توسست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و چندین برابر آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تمجید گران تو را بدان تمجید کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن به بزرگی یاد نمودند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه نمودند و مهللان تو را بدان تهلیل کردند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و یکتا پرستان تو را بدان به یگانگی پرستیدند تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سپاس سپاس کنندگان و توحید انواع یکتا پرستان و مخلصان و تسبیح انواع عارفان و ستایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردند و نمازگزاران و تسبیح گویان و مانند آنچه که بدان آگاهی و به آن علم داری و ان مورد ستایش محبوب و پنهان از تمامی مخلوقات تو از حیوانات می باشد و به سوی تو می گرایم در برکت آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی. پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی.

از روی فضل و بخشش بر نعمت من آغاز کردی و به شکر خود به شایستگی و عدالت مرا امر نمودی و بسیار و چند برابر آن را وعده دادی و از روزی خود بخشی گسترده و رضایت خود را به من عطا کردی و از من شکر کم و اندک را درخواست نمودی آنگاه که مرا رها نمودی و از سختی بلا نجات دادی و مرا تسلیم قضا و بلای ناگوار خود ننمودی و لباس مرا عافیت گرداندی و آسایش و راحتی را به من دادی و از دین ساده ترین گفتار و کردار را به قرار دادی و کمترین صداقت را بر من جایز شمردی و شریف ترین فضل و افزودنی را بر من چند برابر کردی.

با آنچه به من وعده دادی از برهان شریف و بشارت دادی از مرتبه والا و مرا به دعوت بزرگترین پیامبران برگزیدی او که فاضل ترین آنان به جهت شفاعت و

برهانش واضح ترین و و درجه اش والاترین و منزلتش نزدیک ترین است
حضرت محمد درود خدا بر او و خاندانش و تمامی پیامبران و رسولان.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و چیزی را بر من ببخش که
جز مغفرت تو گنجایش آمرزش تو را ندارد و جز عفو تو آن را از بین نمی
برد و جز گذشت و فضل تو آن را نمی پوشاند و در این لحظه و این روز و
این شب و این ماه و این سال یقینی صادق بر من ببخشی که مصیبت های
دنیا و آخرت و غم های آن دو را از من آسان گرداند و مرا به سمت سوق
دهد و به آنچه نزد توست تشویق کند و برای من در نزد خود آمرزش را
بنویس و به کرامت از جانب خود برسان و شکر نعمت هایت را به من عطا
کن به راستی تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست یگانه و یکتایی آغاز
گر والا آفریننده شنوای دانایی که که برای امر تو بازدارنده ای نیست و
کسی از قضای تو امتناع نورزد.

گواهی می دهم به آن که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز. تویی
آفریدگار آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار و بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا به درستی که من از تو ثبات در امر و استواری بر رفتن به راه
راست و شکر کردن بر نعمت تو را می خواهم و از تو عبادت نیک می
خواهم و از تو مسالت می کنم از هر خیری که می دانی و من نمی دانم و
پناه می برم به تو از هر شری که می دانی و نمی دانم و تو دانای پنهان
های.

از تو ایمنی از ستم هر ظالم و ظلم هر سرکش و و حسد هر حسود و ستم
هر بیداد گر و مکر هر فریبنده و نیرنگ هر مکر کننده و فریب هر حيله گر و
جادوی هر جادوگر و سرزنش هر کینه توز می خواهم و به واسطه تو بر
دشمنان حمله می کنم و تنها از تو امید دارم ولایت دوستان و اولیا و
نردیکان و همگان.

تو را سپاس بر نیکی های فضل تو و روزی های شناخته شده تو و انواع
مختلفی از آنچه به من عطا کردی که توان شمارش و بر شمردن آن را
ندارم و به راستی تو خدایی که جز تو خدایی نیست و سپاس تو در میان
خلق بسیار و دست تو به بخشش گشوده است در حکم خویش مخالفت
نشوی و در پادشاهی و

فرمانروایی و امرت مورد تنازع قرار نگیری از مردمان هر آنچه خواهی در اختیار گیری و آنها ز آنچه تو خواهی مالک نشوند.

خداوندا تویی نعمت دهنده فزاینده توانای قهرکننده با اقتدار تنزیه کرده شده در روشنی پاکیزگی، بزرگی و زیبای را ردای خود ساختی و بزرگی نمودی به عزت و بلندی خود و پنهان گشتی به روشنی و نور و شکوهمند شدی به هیبت و زیبایی خود.

خداوندا برای توست بخشش دیرینه و پادشاهی شامخ و جود گسترده و قدرت کامل و حکمت رسا و عزت فراگیر، تو را سپاس که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار دادی که با فضیلت ترین فرزندان آدم است کسانی که آنان را کرامت بخشیدی و در دریا و خشکی حمل کردی و از پاکی ها به او روزی دادی و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدی.

مرا شنوا بینا سالم درست اندام تندرست خلق کردی و مرا به کاستی در بدنم از اطاعت خویش مشغول نکردی و مرا از کرامت و رفتار نیک خود و فضل بخشش ها و نعمت هایت باز نداشتی تو کسی هستی که در دنیا و آخرت بر من وسعت دادی و مرا بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادی.

برای من گوشی قرار دادی که آیات تو را می شنود و عقلی که ایمان به تو را می فهمد و چشمی که قدرت تو را می بیند و دلی که عظمت تو را می داند و قلبی که به توحید تو اعتقاد دارد من به فضل تو بر خود سپاس گزارم و تو را شاکرم و به حق تو گواهم به راستی که تو زنده ای قبل از هر زنده و زنده ای بعد از هر زنده و زنده ای بعد از هر مرده و زنده ای که زندگانی را از زنده ای به ارث نمی بری و خیر تو به اندازه یک چشم بر هم زدن از من جدا نمی کنی و در هر زمانی و امیدم را قطع نمی کنی و عذاب مصیبت ها را بر من وارد نمی سازی و ظرافت های نگاه داشتن هایت را از من باز نمی داری و نعمت های محکم را بر من تغییر نمی دهی.

و اگر از احسان تو جز گذشت تو و توفیق من و استجابت دعایم را به یاد نیاوردم زمانی که صدایم را بلند کردم و سرم را بالا گرفتم و زبانم را گشودم و به انواع حاجات خود به سوی تو گراییدم و تو آن را بر آوردی و از تو می خواهم به

تمجید و حمد و یگانگی و بزرگی و فضل تو و بزرگی و یکتایی تو و به جز اینکه در آفرینش من هنگامی که صورت بخشیدی و تصویرم را نیک گرداندی و به جز در تقسیم روزی ها هنگامی که برایم مقدر کردی، در آن چیزی بود که شکر مرا از تلاشم باز می داشت پس چگونه فکر کنم در نعمت های بزرگی که در آن غوطه ورم یا اینکه به شکر بخشی از آن دست نیابم.

تو را سپاس به تعداد آنچه علمت آن را نگاه داشت و به شماره آنچه رحمتت گسترانید و به تعداد آنچه قدرتت بر آن احاطه پیدا کرد و چندین برابر آنچه از تمامی بندگان مستوجبی خدایا احسانت را در حق من کامل گردان در آنچه از عمرم باقی ماند همانگونه که احسان کردی در آنچه که از عمرم گذشت.

خدایا از تو می خواهم و به تو توسل می جویم به توحید تو و ستایش تو و سپاس تو و یگانگی تو و بزرگمنشی تو و کمال تو و بزرگی تو و نور تو و مهربانی تو و رحمت تو و علم تو و بردباری تو و بلندی تو و وقار تو و نعمت تو و زیبایی تو و جمال تو و شکوه تو و قدرت تو و عظمت تو و نیروی تو و قدرت تو و احسان تو و آمرزش تو و نعمت تو و رحمت تو و پیامبر تو و ولی تو و عترت پاک و طاهر تو که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مرا از راحتی و فضل و جمال و جلال و فایده های کرامت خود محروم نگردانی به راستی که موانع بخل متعرض تو نشود به سبب بسیاری عطایای خود و کوتاهی در شکرت از بخشش تو نگاهد و بخشش های فراوان تو از خزانه هایت کم نکند و عطاهاى بسیار زیبا شکوهمندت در بخشش تو تاثیر نگذارد و از فقر نهراسی که به تنگی افتی و ترس بی چیزی به تو نرسید که فراوانی فضلت از بخشش تو بکاهد.

خداوندا قلبی خاشع فروتن نالان و بدنی صبر کننده [و زبانی ذاکر ستایش گو] و یقینی صادق و رزقی گسترده و علمی نافع و فرزندى صالح و عمری طولانی و و زنی صالح و عملی نیک و چشمی گریان و توبه ای پذیرفته روزی ام گردان و از تو رزقی حلال پاک می خواهم و مرا از مکر خویش ایمن گردان و یادت را از خاطر من نبر و پوششت را از من برکنار مدار و از رحمت خود ناامید مگردان و از جوار و جنب خود دور مکن و و مرا پناه ده و از رحمت و آسایش خود ناامید مکن

و مونس من از هر ترس و وحشتی باش و از هر هلاکتی حفظ کن و از هر بلا و آفت و فساد و خواری و ذلت و بیماری و پیری و فقر و نیاز و وبا و بلا و زلزله و غرق شدن و سوختن و گلو گیر شدن و دزدی و گرما و سرما و گرسنگی و تشنگی و گمراهی و ضلالت و غصه و سختی و رنج در دو سرا نجات بخش به راستی که تو خلف وعده نمی کنی.

خدایا مرا رفعت بخش و فرو نیار و از من دفاع کن و مرا دور نکن و بر من ببخشای و مرا محروم نکن و مرا گرامی بدار و خوار مکن و بر من بیافزای و از من کم نکن و بر من رحم کن و مرا عذاب نکن و مرا یاری فرما و تنها مگذار و مرا بپوشان و خوار مگردان و مرا ترجیح بده و دیگری را بر من بر نگزین در امر دنیا و آخرت و اندوهم را برطرف کن و غصه ام را بزدای و دشمنم را نابود گردان و مرا حفظ کن و تباه مگردان و به راستی که بر هر چیزی توانایی و درود خدا بر سرورمان محمد و تمامی خاندان او ای صاحب شکوه و بزرگی.

خداوندا امری که بر من مقدر ساختی و به توفیق و تدبیر خود آن را شروع کردی، به بهترین وجه آن را بر من کامل گردان و آن را صالح و شایسته گردان به راستی که بر هرچه خواهی توانایی و به اجابت شایسته ای کسی که به آسمان ها و زمین ها به امر او بر پا شد و ای کسی که آسمان را نگه می داری از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او و ای کسی که امر او اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کند به او می گوید موجود باش پس موجود می شود پاک است کسی که ملکوت همه چیز به دست اوست و به سوی او باز گردانده می شوید و درود و سلام و تفضل دائم همیشگی تو بر محمد و تمامی خاندانش و سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است.

33. مهج الدعوات: دعایی از مولای ما امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه که این را در سختی ها و در هنگام نزول حادثه ها می خواندند و این دعا سریع الاجابت از جانب خداست:

خداوندا تویی پادشاه حقّی که نیست خدایی مگر تو و منم بنده تو به خود
ستم نمودم و به گناه خود اقرار دارم، پس گناهان مرا بیامرز برای من
نیست خدایی مگر تو ای آمرزنده.

خداوندا تو را ستایش می کنم و تو سزاوار ستایش بر چیزی هستی که مرا
به آن اختصاص دادی از آرزوهای بخشیده شده و آنچه از نیکی های افزون
تو که به من رسید و آنچه از احسان خود که به من عطا نمودی و رضایت
خود را بر من عهده دار شدی و از نعمت خود و دفاع کردن از من و توفیق
دادن و برآوردن دعایم به من رسانیدی تا اینکه که مناجات کنم با تو در
حالی که تمایل دارم و می خوانم تو را در حالی که اخلاص دارم و به تو
امید دارم و تو را می یابم که اصلاح کننده من در مکان ها و ناظر بر من در
کارها و آمرزنده گناهان و پوشاننده عیب های من هستی. و یک چشم بر
همزدن نیکویی تو را از دست ندادم از وقتی که مرا به خانه آزمایش فرود
آوردی تا ببینی که چه چیز پیش می فرستم برای خانه همیشگی.

خدایا من آزاد شده تو از تمامی گمراهی ها و آسیب ها و مصیبت ها و
عیب ها و سختی ها و تنگی ها هستم و غم هایی که در آن اندوه ها با
بلاهای گوناگون و قضاای سخت مختلف بر من حمله ور شد و من از تو
جز زیبایی به خاطر ندارم و جز فزونی از تو ندیدم. خیر تو مرا فراگرفت و
فضل تو بر من پیایی است و نعمت هایت پشت سر هم فراوان است.
ترس مرا محقق نکردی بلکه امید مرا راست کردی و در سفرهایم با من
رفاقت نمودی و به هنگام حضورم مرا گرمی داشتی و دردهای مرا شفا
دادی و مرض هایم را عافیت بخشیدی و دنیا و آخرت مرا نیک گرداندی و
مرا دشمن شاد نگردانیدی و انداختی به کسی که به من انداخت و مرا از
شر کسی که با من دشمنی کرد، کفایت نمودی.

خداوندا چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی خود را بر من کشید و دم کارد
بزرگ خود را برای کشتن من تیز کرد و لبه آن را برنده ساخت و زهرهای
کشنده خود را برای من در آمیخت و تیرهای خود را به سمت من روانه کرد
و در دل گرفت که به من ناخوشی را به من برساند و تلخی زهرهای خود
را به من بیاشاماند پس ای خدای من تو به سستی من از برداشتن بارهای
گران بلاها نگاه کردی و به

ناتوانی من در انتقام کشیدن از کسی که قصد جنگ با من دارد و به تنهایی من در بسیار از کسانی که با من دشمنی نمودند و برای من به کمین نشست در بلایی که نتوانم فکر خود را در انتقام کشیدن از مثل او به کار برم پس آنگاه مرا قوّت دادی ای پروردگار من به یاری خود و دستهای مرا به یاری خود محکم کردی پس تیزی او را برای من کند نمودی و او را پس از اجتماع بسیار تنها قرار دادی و مرا بر او رفعت دادی و او را وامانده باز گرداندی در حالی که سوزش سینه خود را شفا نداد و گرمی های خشم خود را خنک نکرد و بر دست خود دندان گرفت و پشت کرد و برگشت، لشکرهای او به جای ماندند و آرزوهای او محقق نشد.

خداوندا چه بسا ستمکاری که به مکرهای خود بر من ستم نمود و دامهای شکارکننده های خود را برای من بر پای کرد و مثل نشستن شیر برای شکار خود در کمین من نشست و فرصت خود را و رسیدن به شکار خود را مغتنم شمرد و حال آنکه او شکفتگی چابلوسی را ظاهر می کند و به حسب ظاهر برای من روی گشاده را می گشاید پس چون تو ای خدای من فساد باطن او را و زشتی آنچه را که پنهان است در سینه او دیدی، او را به اصل سر او در گور خودش نگون ساز کردی و او را در محل افتادن در گودال خودش سرازیر انداختی و او را به عقب برگردانیدی و سنگ خودش را به جانب او انداختی و او را به پیکان تیر خودش زخم نمودی و به زه کمان خودش گلوگیر کردی و مکر او را به خودش برگردانیدی و به گردن او انداختی پشیمانی او را پس بی مددکار ماند و پس از تکبر داشتن خفیف گشت و فروتنی نمود و بعد از گردنکشی خوار گشت و در حلقه های دام خود گرفتار شد که دوست می داشت مرا در آنها بیندازد و نزدیک بود اگر رحمت تو نبود، فرود آید به من آنچه فرود آمده بود به میان سرای او از بلاها پس همه حمد از برای پروردگار بسیار توانایی است که نزاع نمی شود و برای مولای بردباری است که شتاب نمی کند و برای پاینده ای است که غافل نمی شود و بردباری است که جهل ندارد.

تو را خواندم ای خدای من در حالی که به تو پناه آوردم و به زود بر آوردن حاجت اعتماد دارم، بر آنچه همیشه می دانستم از نیکو دفع نمودن تو از من، توکل میکنم. دانایم به اینکه کسی که در سایه حمایت تو باشد ستم نمی بیند و بلاها

و مصیبت ها در خانه کسی را که پناه آورده باشد به قلعه یاری تو نمی کوبد، رها نمودی مرا ای پروردگار من به سبب توانایی خود و نجات دادی مرا از شدت آزار او به فضل و بخشش خود.

خداوندا چه بسا از ابرهای ناخوش که آنها را زدودی و ابرهای نعمتی که آنها را بارانیدی و جویهای بخششی که آنها را روان ساختی و چشمه های حادثه ها و بلاهایی که آنها را پر کردی و رحمت تازه ای که آن را گسترانیدی و پرده های اندوه هایی که آنها را برداشتی و غم های بلایی که آنها را برطرف کردی و سپر صحت و سلامتی که پوشانیدی آن را به من و حوادثی که آنها را تقدیر کردی، عاجز نکرد ترا آن کارها در وقتی که آنها را طلب نمودی و سرباز نزدند از تو در هنگامی که آنها را خواستی.

خداوندا چه بسا حسود شروری که مرا به حسد خود قصد نموده باشد و به تندی زبان خود آزار کرده باشد و مرا به گوشه چشمهای خود طعن زده باشد و آبروی مرا نشانه ای برای تیرهای خود قرار داد و در گردن من صفت هایی انداخت که همیشه در خودش بود پس مرا از شر او نگاه داشتی.

خداوندا چه بسا گمان خوبی که آن را تحقق بخشیدی و ناداری از راه پریشانی که آن را اصلاح نمودی و فراخ گردانیدی و بسا افتاده ای که به پای داشتی و بسا اندوهی که آن را برطرف کردی و بسا بیچارگی که تغییر دادی و نعمتی که بخشیدی، پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی و نه به سبب آنچه بخشیدی بخیل می شوی و درخواست شدی پس عطا کردی و درخواست نشدی پس ابتدا کردی و زیادتی احسان تو طلب شد پس اندک ندادی، سرباز زدی از همه چیز مگر از انعام دادن و بخشش کردن و احسان نمودن و من از همه چیز سر باز زدم مگر از انداختن خود در گناهان و نافرمانی تو و دریدن پرده های حرامهای تو و درگذشتن از حدود تو و بی خبری و بی پروایی از ترسیدن تو و فرمانبرداری از دشمن تو و دشمن من، از تمام کردن نیکویی خود و پیایی فرستادن بخشش خود باز نایستادی و این مرا از مرتکب شدن چیزهایی که تو را به خشم آورد باز نداشت.

خداوندا این جای ایستادن من، مقام کسی است که برای تو به کوتاهی از به جای آوردن حقّ تو اقرار می کند و بر نفس خود به تمامی نعمت تو و نیکویی کفایت تو گواهی می دهد، پس ببخش به من خداوندا ای خدای من آنچه را که به سبب آن به رحمت تو برسم و فراگیرم آن را نردبانی که بالا روم به سوی مراتب خوشنودیهای تو و به سبب آن از عقوبت تو ایمن گردم، به درستی که تو آنچه را که خواهی انجام می دهی و ثابت و موجود می گردانی آنچه را که اراده نمایی و تو بر هر چیز توانایی.

خداوندا ستایش من برای تو پیوسته است و درود من بر تو همیشگی است از زمانی تا به زمانی دیگر به انواع تسبیح کردن و اقسام تنزیه نمودن در حالی که یادآوری تو را از غیر خالص نمودم و رضایت تو را اراده نمودم به خالص نمودن یکتایی تو و به محض ساختن ستایش تو و بسیار شمردن نعمتهای تو در دروغگو دانستن فاسقان.

تو در چیزی از توانایی خود یاری نشدی و کسی در خداوندی تو شریک تو نشد و دیده و دانسته نشدی در هنگامی که چیزها را بر طبیعت های مختلف موجود کردی، و مخلوقات را بر انواع شکل ها آفریدی، و وهم ها پرده های پنهانی را به سوی تو ندریدند تا عظمت تو و چگونگی همیشگی بودن تو و امر ممکنی در قدیم بودن تو را دریابند و عمق همتهای تو نمی رسد و فرو رفتن زیرکی ها تو را نمی یابد و نگاه نگاه کنندگان به سوی تو در شرف بزرگواری تو و بزرگی توانایی تو منتهی نمی شود.

تعریف کردن توانایی تو از توصیف آفریدگان بلند گشت و بزرگواری بزرگی تو از این تعریف بالاتر است و کم نمی شود آنچه خواستی که زیاد گردد و زیاد نمی شود آنچه اراده نمودی که کم باشد و وقتی که خلق نمودی آفریدگان را کسی شاهد نبود و نه معاندی حضور داشت وقتی که جان ها را خلق نمودی.

زبان ها از تفسیر وصف تو عاجز شدند، و عقلاها از عمق معرفت تو باز ماندند و چگونه تعریف شوی و حال آنکه تویی صاحب جبروت منزّه از همه عیب

ها که همیشه بودی بدون اوّلی و بی آخری. همیشه هستی در پنهانی از نظرها یگانه ای. در آن غیر تو کسی نیست و احدی غیر تو برای آنها نبود.

و راه های عمیق تفکر در پادشاهی تو حیران شدند. و دیده بینا از دیدن تو واماند، پس پادشاهان برای هیبت تو فروتنی نمودند و روی ها به خواری زاری برای تو خضوع نمودند و هر چیزی از بزرگی تو اطاعت نمود و هر چیزی بر توانایی تو گردن نهاد و برای تو گردن ها فروتنی نمودند.

و در آنجا تدبیر نمودن در صفت های گوناگون گمراه شد، پس کسی که فکر کند در این امر، فکر او به سوی خودش باز مانده و عقل او حیران و فکرش سرگردان بر می گردد.

خداوندا پس از برای توست ستایش پیوسته به یک دیگر پی در پی، منتظم، بسته به یک دیگر که همیشه باشد و برطرف نگردد و در پادشاهی تو فانی نشود و در عالم محو نگردد و کم نشود در شناخت تو پس از برای توست ستایشی که نیکی های آن در شمار نیاید در شب هر گاه پشت کند و در صبح وقتی که روشن شود و در صحرا و در دریا و بعد از صبح و هنگام عصر و در شبانگاه و در بامداد و در میان روز و سحرها.

خداوندا به توفیق خود که نجات را در نزد من حاضر نمودی و مرا در حمایت خود نگاه داشتی، و مرا زیاده بر توانایی خود تکلیف نکردی زیرا فقط در حد توانایی ام از من راضی گشتی و هر چند در گفتار سعی نمایم و در کردار مبالغه کنم شکر من به ادای حق تو نمی رسد و با فضل تو برابری نمی کند زیرا تو آن خدایی که نیست خدایی مگر تو غایب نبودی و پنهانی از تو پنهان نمی شود و پوشیده شده ای بر تو پوشیده نمی گردد و گم شده ای در تاریکی های پنهانی، از تو گم نشد. به درستی که فرمان تو چنان است که هر گاه خواهی چیزی را به آن می گویی موجود شو پس موجود می شود.

خداوندا برای توست ستایش مانند آنچه خود را به آن ستایش نمودی و آنچه ستایش کنندگان تو را به آن ستایش کردند و تسبیح کنندگان تو را به آن تنزیه نمودند و تعظیم کنندگان تو را به آن تعظیم کردند و به بزرگی یادکنندگان تو را به آن

به بزرگی یاد نمودند و تا به حدّی که باشد برای تو از من به تنهایی در هر چشم برهمزدن و کمتر از آن مثل سپاس سپاس کنندگان و توحید انواع مخلصان و تسبیح دوستان عارف تو و ستایش تمامی کسانی که اقرار به یگانگی کردند و مثل آنچه تو به آن آگاهی و به واسطه آن در همه آفریدگان خود از حیوانات و جمادات مورد سپاسی.

و به سوی تو می گرایم در شکر آنچه از ستایش خود که مرا بدان گویا کردی. پس چه آسان است آنچه از حق خود که بر من تکلیف نمودی و چه بزرگ است آنچه که مرا بر شکر خود وعده دادی.

از روی تفصّل و بخشش نعمت ها را بر من آغاز کردی و مرا به شکر کردن از روی راستی و عدالت امر فرمودی و مرا بر آن چندین برابر و زیاده وعده دادی و از روزی خود از روی آزمایش و سنجش به من بخشیدی و در عوض آن از من قرضی آسان کوچک را خواستی و مرا از مشقّت بلا برکنار داشتی و مرا به مصیبت های بد از بلاهای خود نسپردی. تندرستی را به من بخشیدی و راحتی و آسایش عطا نمودی و بهترین فضل ها را در حق من آغاز کردی با مکان شریفی که به من وعده دادی و درجه والا را به من بشارت دادی و مرا به دعوت بزرگ ترین پیامبرانت و فاضل ترین آنها از جهت شفاعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برگزیدی.

خداوندا پس پیامرز گناهان مرا که فرا نمی گیرد آن را مگر آمرزش تو و برطرف نمی کند آن را مگر گذشتن تو و نمی پوشاند آن را مگر زیادی بخشش تو و در این روز به من یقینی ببخش که به سبب آن بلاهای دنیا و اندوه های آن را بر من آسان گردانی با اشتیاق به سوی تو و به آرزوی آنچه نزد تو است و آمرزش را برای من در نزد خود بنویس و مرا به مرتبه کرامت برسان و شکر آنچه که بر من انعام کردی روزی ام کن. پس به درستی که تویی خدای یگانه بلند مرتبه خلق کننده تازه پدید آورنده شنوای دانا که نیست برای فرمان تو باز دارنده ای و نه از حکم تو

گریزنده ای. و گواهی می دهم که تویی پروردگار من و پروردگار هر چیز
تویی آفریدگار آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار بلند مرتبه بزرگوار.

خداوندا به درستی که من از تو ثبات در امر و استواری در راه راست و
ملهم گشتن به شکرگزاری بر نعمت تو می خواهم و پناه می برم به تو از
ستم کردن هر ستمکاری و ظلم نمودن هر ظلم کننده ای و رشک هر رشک
برنده ای.

به قوّت تو بر دشمنان حمله می کنم و به تو دوستی دوستان را امید دارم
با وجود آنکه بر شمردن و شمارش نیکویی های بخشش تو و انواع روزی و
نعمت هایت قادر نیستم. به راستی تویی خدا که نیست خدایی مگر تو. در
میان خلائق ستایش تو پراکنده است. تویی گشاینده دست خود به راستی و
کرم. در حکم خود مخالفت نمی شوی و در فرمان خود نزاع نمی شوی،
مالک می شوی از خلائق آنچه را که خواهی و مالک نمی شوند ایشان مگر
آنچه را که تو خواهی..

خدایا تویی انعام کننده احسان کننده توانای غلبه کننده منزه در روشنی
پاکیزگی، عزّت و شرف را ردای خود ساختی و اظهار بزرگی نمودی به
توانایی و بزرگواری و نور خود را به شرف پوشانیدی و شرف خود را به
هیبت زینت دادی.

خداوندا برای توست ستایش بزرگ و نعمت دادن دائمی و پادشاهی بلند
مرتبه و قدرت وسیع و توانایی با اقتدار و ستایش پی در پی که به سبب
شکرگزاری همیشگی از بین نرود و هرگز به آخر نرسد زیرا مرا از جمله
فاضل ترین اولاد آدم قرار دادی و مرا شنوا و بینا در کمال صحّت راست
اندام به سلامت گردانیدی، مرا به عیبی که باشد در بدن من مشغول
نگردانیدی و نه به آفت و بلایی که باشد در اعضای من و نه به آزاری که
وارد شود بر نفس من و نه به نقصی که باشد در عقل من.

و بخشش های تو به من و نیکویی احسان تو نزد من و زیادتی نعمت های
تو بر من، تو را از زیادتی احسان باز نداشت. چون که فراخ نمودی بر من
روزی را در دنیا و زیاد دادی مرا بر بسیاری از اهل دنیا زیادتی بسیار و مرا
شنوا گردانیدی تا بفهمم آنچه را که به من تکلیف نمودی و بینا گردانیدی تا
آنکه بینم توانایی تو را در آنچه ظاهر است برای من و سپردی به من و به
امانت دادی به من دلی را که گواهی

دهد برای بزرگواری تو و زبانی را که گویا باشد به یگانه دانستن تو پس به درستی که من برای احسان تو بر من ستایش کننده ام و برای توفیق من به ستایش کردن تو شکرکننده ام و به حق تو بر خود گواهم و به سوی تو در سختی و بلاء زاری کننده ام زیرا تویی زنده پیش از هر زنده و زنده پس از هر مرده و زنده ای که ارث می بری زمین را و کسی را که بر اوست و تو بهترین ارث برندگان.

خدایا نیکی خود را از در هر زمانی از من قطع نکن و مشقت های عذاب های خود را بر من فرو نیاوردی و نعمت های خود را بر من تغییر ندادی. و از نگاهداشت محکم خود مرا رها نکردی پس اگر از نیکویی و احسان تو به یاد نیآورم مگر گذشت تو و برآوردن حاجتم در وقتی که سر خود را به حمد و ستایش تو بالا کردم، بهره فراوان من در تقدیر تو از پادشاهی ات نکاست و نه آن هنگام که در تقسیم ارزاق روزی مرا اندک گردانیدی بر پادشاهی ات افزوده شد.

خدایا سپاس برای توست به عدد آنچه علم تو آن را نگاه داشت و به عدد آنچه توانایی تو آن را فرا گرفت و به عدد آنچه رحمت تو آن را گنجایش داشته باشد. و چندین برابر اینها همه ستایشی پیوسته پیاپی که برابری نماید به نعمتهای تو و به نام های تو.

خداوندا پس تمام کن نیکویی خود را به سوی من در آنچه باقی است از عمر من همچنان که نیکوئی نمودی به من در آنچه از عمر من گذشت پس به درستی که متوسل به سوی تو به اقرار به یگانگی تو و به تهلیل گفتن تو و به تعظیم کردن تو و بزرگ شمردن تو و بزرگواری دانستن تو و از تو می خواهم به نام تو که آفریدی آن را تا تو را به آن بخوانند پس بیرون نمی رود از تو مگر به سوی تو.

و از تو می خواهم به نام تو که روح در خزانه توست که زنده زنده است و به او و به او و به او و به تو و به تو و به تو که مرا از عطای خود و از نفع های بخشش خود محروم نگردانی و بر من غیر خود را به عوض خود متولی مگردان و مرا به دشمن من مسپار و مرا به خودم وامگذار و نیکی کن به من به تمام ترین نیکی در دنیا و آخرت و در دنیا کردار مرا نیکو گردان و در دنیا آرزوهای مرا به من برسان و در آخرت نیز و نیکی را در بازگشتم قرار ده پس به درستی که

بسیاری آنچه از بخشش تو روان است و جاری شدن کرامتهایی از انعام تو سبب نیاز تو نشود و کوتاهی من در شکرگزاری نعمت تو بخشش تو را کم نمی کند و نبخشیدن، خزانه های نعمت تو را پر نمی کند و بخشش تو بزرگی کرامت های تو را که حاصل از فراخ دستی توست، کم نمی کند و عطیه های تو در بخشش بزرگ زیاد عظیم تو تاثیر نمی گذارد و تو از ناداری فقر و احتیاج نمی ترسی تا آنکه عطای خود را کم کنی و ترس از پیریشانی به تو نمی رسد تا آنکه بسیاری مملکت تو و احسان تو کم شود.

خداوندا دلی فروتن و یقینی راست و ترسنده از حق روزی ام کن و مرا از مکر خود ایمن مگردان و خود را از یاد من مبر و پرده پوشاننده خود را از من پاره مکن و بر من غیر خود را متولی مکن و ناامید مگردان مرا از رحمت خود بلکه مرا به کرامت های نفع دهنده های خود بیوشان و نیکی بخششهای خود را از من منع مکن و برای من در هر تنهایی همراه و در هر بی صبری و شکوه ای قلعه و از هر هلاکتی فریادرس باش و مرا از هر بلایی خلاصی ده و از هر لغزش و گناهی نگاهدار و احسانهای خود را برای من تمام گردان و مرا از عقوبت خود و عذاب دردناک خود نگاه دار و عقوبت هلاک کننده خود را از من بگردان و مرا به نگاهداشتن قرآن تو عزیز گردان و دین مرا و دنیای مرا و آخرت مرا و اهل مرا و فرزندان مرا نیکو گردان و فراخ کن روزی مرا و آن را بر من جاری و پیوسته کن و بر من روی آور و از من روی مگردان.

خدایا مرا رفعت بخش و فرو نیار و بر من رحم کن و مرا عذاب نکن و مرا یاری فرما و تنها مگذار و مرا ترجیح بده و دیگری را بر من برگزین در امرم گشایش و آسانی قرار ده و در اجابتم تعجیل فرما و مرا از آنچه بر من نازل شد نجات بخش و به راستی که بر هر چیزی توانایی و این بر تو آسان است و تویی بخشنده کریم. (1)

ص: 342

34. می گویم: و من سندی دیگر از این دعا دارم که بسیار عالی است و از غرابت خالی نیست و من آن را از پدرم از برخی از صالحان از مولایمان حضرت قائم علیه السلام بی هیچ واسطه ای روایت می کنم و شرح آن چنین است که.....(1)

35. العتیق الغروی، مهج الدعوات: ذکر کرد آنچه از مولایمان حضرت مهدی علیه السلام و آن حضرت صلوات الله علیه به روایتی دیگر بر می گزینیم.(2)

از این جمله دعای علوی مصری است که برای سختی و امر بزرگی خوانده شود. محمد بن علی علوی حسینی ساکن مصر نقل کرد بر من امر عظیمی و اندوه شدیدی از جانب حکام مصر وارد شد و ترسی بسیار داشتم که به خلاصی خودم از آن آمیدی نداشتم. پس به سمت قبر سروران و پدرانم صلوات الله علیهم در کربلا متوجه شدم به آنها پناه جستم و به قبرهای آنان پناه بردم و از قدرت عظیم کسی که از او می هراسیدم پناه طلبیدم. پانزده روز در حائر مقیم گشتم و پیوسته در شب و روز دعا می کردم و زاری می نمودم تا آنکه حضرت قائم زمان و دوست خدای رحمان علیه و علی آبائه افضل التحیه و السلام بر من ظاهر شد.

در میان خواب و بیداری نزد من آمده و به من گفتند: ای پسر من آیا تو از فلان شخص می ترسی؟ در جواب گفتم: بلی زیرا که او اراده دارد که مرا هلاک نماید. پس به سوی آقای خود پناه آورده ام تا آنکه به او شکوه نمایم از آنچه به من اراده دارد. پس فرمودند: چرا خدای خود را و خدای پدران خود را به دعایی نخوانی که خدا را به آن دعا پیغمبران پیش خواندند هر گاه ایشان را محنتی و شدتی روی می نمود، پس خدای تعالی آن محنت را از ایشان به برکت این دعا برطرف می نمود.

من گفتم: کدام است آن دعایی که ایشان می خواندند؟ پس آن حضرت فرمودند که: هر گاه شب جمعه شود غسل کن و بعد از فراغ از نماز شب سجده شکر

ص: 343

2- . سید قدس سره روایت این دعا را که در نسخه ای کهن یافت آورد و
مؤلف علامه آن را در تاریخ الامام الثانی عشر ج 51: 307 ذکر کرد.

به جای آور، چون سر از سجده برداری بر دو زانوی خود بنشین و این دعا را بخوان. محمد بن علی گوید که و همچنین آن حضرت را دیدم که در میان خواب و بیداری در همان وقت تا به پنج شب متعاقب مرا آمدند و بر من این دعا را تکرار نمودند تا آنکه آن را حفظ نمودم و دیگر نیامدند. و چون شب جمعه شد پس من غسل کردم و جامه های پاکیزه پوشیدم و بوی خوش استعمال نمودم و نماز شب کردم و سجده شکر بجای آوردم و به دو زانوی خود نشسته خدای عزّ و جلّ را به این دعا خواندم. پس چون شب شنبه شد آن حضرت مرا آمدند و فرمودند: ای محمد! به درستی که دعای تو مستجاب شد و دشمن تو کشته گردید وقتی که تو از خواندن دعا فارغ شدی.

نقل کرد: چون صبح شد غصه های نداشتم جز این که از سروران خود صلوات الله علیهم وداع نمایم و از آنجا بیرون آمده متوجّه خانه خود شدم همان خانهای که از آن گریخته بودم. پس چون بیرون رفتم و به میانه راه رسیدم، قاصدی را دیدم که از جانب اولاد من کتابتی داشت: مضمون آنکه مردی که شما از آن گریخته بودید جماعتی را جمع نمود و از برای ایشان مائده را تهیه نمود، پس چیزی خوردند و آب آشامیدند و بعد از آن قوم متفرّق شدند و آن شخص و غلامان او خوابیدند پس چون صبح شد، یافتند که آن شخص حرکتی نمی کند، چون پرده ای را که بر روی او بود، برداشتند، او را دیدند که کشته شده و سرش از قفا از بدن جدا گردیده و خون به راه افتاده و این در شب جمعه بود و معلوم نشد که کدام شخص این کار را کرده است؟ و فرزندان من طلبیده بودند که من رفتن به آن شهر را تعجیل نمایم پس چون به آن شهر رسیدم و از این حکایت سؤال نمودم و آنکه در چه وقت کشته شدن او واقع شده بوده است؟ ظاهر شد که در وقت فارغ شدن من از خواندن این دعا بوده است و دعاء علوی مصری این است:

«ای پروردگار من کیست آن کسی که تو را خوانده باشد پس حاجت او را برنیاورده باشی؟ و کیست آنکه تو را سؤال کرده باشد پس مطلب او را نداده باشی؟ کیست آنکه امیدوار باشد به تو پس او را ناامید کرده باشی؟ یا کیست آنکه به سوی تو نزدیکی جسته باشد پس او را دور کرده باشی؟ ای پروردگار من! این فرعون

صاحب قوّت بود که با وجود دشمنی او و کفر او و سرکشی او و دعوی خدایی برای خود و با وجود دانستن اینکه توبه نمی کند و بر نمی گردد و ایمان نمی آورد و فروتنی نمی کند دعای او را اجابت نمودی و مطلب او را از روی کرم و بخشش خود به او بخشیدی و کمی آنچه از تو سؤال کرده بود در نزد تو با وجود آنکه در پیش او بزرگ بود تا حجت خود را بر او تمام کنی و آن را محکم کنی هنگامی که ظلم نمود و کافر شد و بر گروه خود گردن فرازی نمود و بزرگی کرد و به سبب کفر خود بر قوم خودش سرافرازی نمود به سبب ستم کردن بر نفس خود گردن کشی کرد و به سبب بردباری تو از او طلب بزرگی نمود پس نوشت و بر خودش حکم کرد با گستاخی که جزای مانند او این است که در دریا غرق شود پس او را جزا دادی به آنچه خودش بر نفس خودش لازم ساخته بود.

ای خدای من و من بنده توام و پسر بنده توام و پسر کنیز توام و من به بندگی تو اعتراف کننده ام و اقرار دارم به آنکه تویی خدا که نیست خدایی مگر تو آفریننده منی نیست خدایی برای من غیر از تو و نیست پروردگاری برای من سوای تو اقرار دارم به آنکه تویی پروردگار من و بازگشت من به سوی توست دانایم من به آنکه تو بر همه چیز توانایی، آنچه را که می خواهی می کنی و ثابت می کنی آنچه را که اراده نمایی تأخیرکننده ای بر امر تو نیست و برگرداننده ای بر حکم تو نیست و دانایم به آنکه تو اوّل همه چیزهایی و آخر همه اشیایی و آشکاری و پنهانی از چیزی موجود نشدی و از چیزی جدا نگشتی، تو پیش از هر چیز بودی و تویی که هستی پس از هر چیز و تویی وجود دهنده برای هر چیز تو هر چیزی را به اندازه ای آفریدی و تویی شنوا و بینا.

و گواهی می دهم به آنکه تو اینچنین بودی و خواهی بود و همیشه خواهی بود و تویی زنده پاینده چرت و خوابی تو را فرا نمی گیرد و به وهما تعریف نمی شوی و به حواس و درک نمی شوی به اندازه تقدیر نمی شوی و به آدمیان تشبیه نمی شوی و گواهی می دهم به آنکه همه خلائق بندگان تو و کنیزان تواند و تویی پروردگار و مایم پرورده شدگان و تویی آفریدگار و مایم آفریده شدگان و تویی روزی دهنده و مایم روزی داده شدگان.

پس از برای توسست ستایش ای خداوند من چون که مرا آدمی راست اندام به اعتدال آفریدی و مرا بی نیاز نگاهداشته شده گردانیدی بعد از آنکه طفلی کودک بودم پس مرا از پستان قوت دادی، شیری گوارای کامل و مرا بعد از این غذایی نیکو و گوارا غذا دادی و مرا مردی درست جثّه راست اندام گردانیدی پس از برای توسست ستایشی که اگر شمرده شود در شمار نیاید و اگر در جایی گذارده شود چیزی آن را گنجایش نداشته باشد، [ستایشی که غالب آید بر همه ستایش ستایش کنندگان و ثنایی که بلند گردد بر ثنای هر چیزی] و زیادتى کند و بزرگى نماید بر همه اینها و هر وقتى که چیزی خدا را ثنا گفته باشد.

و همه ستایش برای خداست همانطور که دوست می دارد که ثنا گفته شود و همه حمد برای خداست به شماره آنچه آفرید و به قدر آنچه آفرید و به سنگینی بزرگترین آنچه آفرید و به وزن سبکترین آنچه آفرید و به شماره کوچکترین آنچه آفرید و به شماره و مقدار بزرگترین آنچه آفرید و همه ستایش برای خداست تا آنکه راضی شود پروردگار ما و بالاتر از خشنودی و از خدا می خواهیم که رحمت فرستد بر محمد و بر آل محمد [و آنکه پیامرزی برای من گناه مرا] و آنکه پسندیده کند برای من کار مرا و پذیرد و قبول نماید توبه مرا به درستی که خدا قبول کننده توبه و مهربان است.

ای خداوند من به درستی که من تو را می خوانم و از تو می خواهم به حق نامت که برگزیده تو پدر ما آدم علیه السلام تو را به آن نام خواند و حال آنکه گناه کار و ستم کننده بود بر خود در هنگامی که مرتکب گناه شد پس گناه او را آمرزیدی و توبه او را قبول کردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و پیامرزی گناه مرا و خشنود گردی از من پس اگر خشنود نگردی از من پس از گناه من درگذر، به درستی که من بدکننده ام و ستم نماینده و گناه کار و نافرمان بردارم و به راستی که آقا از بنده خود در می گذرد و حال آنکه از او خشنود نیست و آفریدگان خود را از من خشنود گردانی و حقّ خود را از من ساقط کنی.

ای خدای من و از تو می خواهم به حقّ نام تو که ادریس تو را به آن نام خواند پس او را راستگو و پیغمبر گردانیدی و او را در مکانی بلند رفعت بخشیدی و دعای او را مستجاب کردی و به آن نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و بگردانی بازگشت مرا به سوی بهشت خود و جای قرار من در رحمت خود و مرا در بهشت ساکن گردانی به سبب در گذشتن تو و مرا به ازدواج حوریان بهشت در آوری به قدرت خود ای بسیار توانا.

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که نوح تو را به آن نام خواند هنگامی که پروردگار خود را ندا داد من مغلوبم پس مرا یاری کن پس گشودیم درهای آسمان را به آب روان و شکافتیم زمین را به چشمه ها، پس فراهم آمد آب بر فرمانی تقدیر کرده شده و سوار کردیم او را بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها» پس حاجت او را برآوردی و به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و مرا از ستم کسی که قصد کند ستم مرا خلاصی دهی و بدی و شرّ کسی را که شکست مرا خواهد از من بازداری و آنکه مرا از شرّ هر پادشاه ظالم و از هر دشمن غلبه کننده و خفّت رساننده توانا و متکبر گردنکش و از شرّ هر شیطان رانده شده و آدمی سخت دل و از مکر هر مکرکننده ای نگاه داری ای بردبار ای دوست.

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که بنده تو و پیغمبر تو صالح علیه السلام تو را به آن خواند پس او را از فرو رفتن نجات دادی و او را بر دشمنش غالب گردانیدی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و آل محمّد و مرا رها نمایی از شرّ آنچه دشمنان من آن را قصد می کنند و آنچه رشک برندگان من برای من می خواهند و اینکه مرا نگاه داری از شرّ ایشان به نگاهداشتن خود و مرا به دوست داشتن خود دوست داری و دل مرا به راه نمودن خود راهنمایی کنی و مرا به پرهیزکاری از جانب خود توفیق دهی و مرا به آنچه خوشنودی تو در آن است بینا گردانی و مرا به توانگری خودت بی نیاز گردانی ای بردبار.

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که تو را به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و دوست تو ابراهیم علیه السلام خواند در وقتی که نمرود انداختن او در آتش اراده نمود پس آتش را بر او سرد و به سلامت گردانیدی و دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و گرمی آتش جهنم خود را سرد کنی و زبانه آن را از من فرونشانی و مرا از گرمی آن نگاهداری و آتش دشمنی دشمنان را در جامه زیر ایشان و در جامه روی ایشان قرار دهی و مکر ایشان را در گودی گردن ایشان بگردانی و مبارک گردانی برای من در آنچه بخشیدی به من همچنان که مبارک گردانیدی بر ابراهیم و بر آل او به درستی که تویی بخشنده ستایش شده بزرگ ای خدای من.

و از تو می خواهم به نام تو که تو را به آن نام اسماعیل علیه السلام خواند پس تو او را پیغمبر و رسول گردانیدی و از برای او حرم خود را محلّ عبادت و جای سکنی و محلّ قرار گردانیدی و دعای او را اجابت کردی و او را از کشته شدن خلاصی دادی و او را از روی رحمت خود، نزدیک گردانیدی، تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت کنی بر محمد و بر آل محمد و که قبر مرا گشاد کنی و گناه مرا محو کنی و پشت مرا محکم گردانی و گناه مرا بیامرزی و توبه را روزی من گردانی به سبب برطرف کردن بدی ها و زیاد کردن نیکویی ها و دور کردن بلاها و نفع کردن تجارتها و دفع شدن بلیه ها و به درستی که تو اجابت کننده دعاها و فرود آورنده برکتها و برآورنده حاجتها و بخشنده خوبیهای و صاحب بزرگی در آسمانهای.

ای خداوند من و از تو می خواهم به آنچه فرزند دوستت تو را بدان خواند و او را از کشتن خلاص کردی و به ذبح بزرگ عوض دادی و ابزار پاره پاره کردن را به او برگردانیدی در هنگامی که تو را ندا کرد و به ذبح خود یقین داشت و به امر پدرش خشنود بود و دعای او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر تاریکی غلیظ را از من بگردانی و نگاهداری مرا از آنچه به اندوه آورد مرا از امر دنیای من و آخرت من و از آنچه اجتناب می کنم و از آن می ترسم از شرّ همگی آفریدگان تو به حقّ آل پیغمبر.

ای خدای من و از تو می خواهم به نام تو که به آن نام لوط علیه السلام درخواست کرد پس او [و اهل او را از بلیّه و عقوبتها و از سختی و مشقت خارج کردی] و اهل او را از اندوه بزرگ بیرون بردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و [اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه پراکنده است از قوم من و چشم مرا به فرزند من و اهل من و مال من روشن گردانی و من کارهای مرا نیکو سازی برای و همه حالهای من مبارک گردانی و مرا به آرزوهایم برسانی] و مرا از آتش امان دهی و نگاه داری مرا از شر بدکاران به حق برگزیده شدگان نیکوکاران پیشوایان نیکوکاران و روشنی همه روشنی ها که آنها محمّد و آل اویند که پاکان و پاکیزگان و برگزیدگانند و امامان راه یافته شده و برگزیدگان بزرگ اند رحمتهای خدا باد بر همگی ایشان و روزی کنی به من همنشینی ایشان و بر من مصاحبت ایشان را منت گذاری و به من توفیق دهی همصحبتی ایشان را با مصاحبت پیغمبران تو که فرستاده شدگانند و با فرشتگان تو که نزدیکانند و با بندگان تو که صالحان و نیکوکارانند و با همگی اهل فرمانبرداری تو و با جماعت بردارنده عرش تو و فرشتگان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نامی که یعقوب تو را بدان خواند در حالی که بینایی او از بین رفته بود و جمعیت او متفرّق شده بود و فرزند او که روشنی چشم اوست پنهان گشته بود پس دعای او را اجابت کردی و پراکندگی او را جمع نمودی و چشم او را روشن ساختی و آزار او را برطرف کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت کنی بر محمّد و بر آل محمّد و آنکه اذن دهی مرا به جمع کردن آنچه از کار من پراکنده شد و چشم مرا به فرزند من روشن سازی و عیال من و مال من و تمام حال مرا نیکو گردانی و همه حالهای مرا برکت دهی و مرا به امیدهایم برسانی و کردارهای مرا نیکو گردانی، و بخشش نمایی بر من ای بخشنده و ای صاحب بلندی به رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو پیغمبر تو یوسف علیه السلام تو را بدان خواند پس او را از ته چاه نجات دادی و آزار او را برطرف کردی و او را از مکر برادران نگاه داشتی و او را بعد از بندگی پادشاه گردانیدی و دعای او

را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و دور گردانی از من دشمنی هر دشمن را و بدی هر رشک برنده را به درستی که تو بر هر چیز بسیار توانایی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو موسی پسر عمران علیه السلام تو را بدان خواند هنگامی که گفتی بزرگ گشتی و بلندی یافتی «و ندا کردیم موسی را از جانب کوه طور طرف راست آن و نزدیک ساختیم او را نجات دهنده» و برای او راهی را در دریا که خشک بود قرار دادی و او را و کسانی را که پیروی کرده بودند او را از بنی اسرائیل خلاصی دادی و فرعون را و هامان وزیر او را و سپاه ایشان را غرق کردی و حاجت او را برآوردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و مرا از شرّ آفریدگان خود پناه دهی و مرا از درگذشتن تو نزدیک گردانی و بریزی بر من از زیادتی بخشش خود آنچه که مرا از جمیع آفریدگان تو بی نیاز گرداند و من به سبب آن به آمرزش تو و خشنودی تو برسم ای دوستدار مؤمنان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو داود تو را بدان خواند پس دعای او را اجابت کردی و کوهها را برای او مسخر گردانیدی که با او در وقت شب و در صبح تسبیح گویند و مرغان را جمع کرده شده همه به سوی او رجوع می کنند و پادشاهی او را محکم کردی و به او حکمت و جدایی حق از باطل را عطا کردی و برای او آهن را نرم گردانیدی و به او کسب زره سازی برای آنان را تعلیم کردی و گناه او را آمرزیدی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و همه کارهای مرا میسر گردانی و آسان کنی برای من آنچه را که مقدر کردی و آمرزش و فرمانبرداری خود را روزی ام گردانی و ستم ستم کنندگان را و دشمنی دشمنان را و حيله حيله کنندگان را و قهرهای ظالمان غلبه گر را و رشک رشک برندگان را از من دور گردانی ای امان دهنده ترسندگان و ای پناه پناه آورندگان و اعتماد [وثوق داران و وسیله] مؤمنان و امید اعتمادکنندگان و محل اعتماد نیکوکاران ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو سلیمان پسر داوود علیهما السلام تو را بدان خواند هنگامی که گفت ای پروردگار من بیا مرز مرا و ببخش به من پادشاهی را که برای احدی بعد از من سزاوار نباشد به درستی که تویی بسیار بخشنده پس دعای او را مستجاب کردی و آفریدگان را به فرمان او درآوردی و او را بر باد حاکم ساختی و سخن مرغان را به او آموختی و برای او شیطانها را مسخر کردی که هر یک از آنها بنا کننده و فرو رونده بودند و جماعت دیگران را از دیوان که بسته شده بودند به یک دیگر در غلهای آهنین، اینها بخشش توست و بخشش غیر تو نیست و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و دل مرا راهنمایی کنی و عقل مرا جمع کنی و مرا از اندوهم نگاه داری و ترس مرا ایمن گردانی و بند مرا رها کنی و پشت مرا سخت گردانی و مرا مهلت دهی و نفس مرا آرام کنی و حاجت مرا برآوری و آواز مرا بشنوی و جایگاه مرا در آتش نگردانی و دنیا را بزرگترین مقصود من قرار ندهی و روزی مرا فراخ کنی و خلق مرا نیکو گردانی و گردن مرا از آتش آزاد کنی پس به درستی که تو ستوده منی و آقای منی و محلّ امید منی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که ایوب علیه السلام تو را بدان خواند در وقتی که آزار و بلا بعد از تندرستی بر او وارد شد و بیماری به جای سلامتی و تنگی بعد از فراخی بر او فرود آمد پس آزار او را برطرف کردی و اهل او را و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او برگردانیدی هنگامی که تو را صدا زد در حالی که تو را می خواند و به سوی تو رغبت کننده بود و زیادتى احسان تو را امید داشت و به سوی تو شکوه کننده بود و گفت ای پروردگار من به درستی که رسیده است به من آزار و بلا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس دعای او را اجابت کردی و آزار و بلای او را برطرف کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آزار و بلای مرا برطرف کنی و در نفس من و در اهل من و مال من و فرزندان من و برادران من سلامتی دهی در خشنودی تو سلامتی پاینده فراگیرنده شفا دهنده کفایت کننده بسیار و راهنما و زیادشونده که بی نیاز باشد از طبیبان و دواها و آن سلامتی را جامه زیر من و جامه روی من

بگردانی و مرا به گوش من و چشم من بهره دهی و این هر دو را وارثان من قرار دهی به درستی که تو بر هر چیز بسیار توانایی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که یونس پسر متی در شکم ماهی تو را بدان خواند هنگامی که تو را در تاریکیهای سه گانه ندا کرد که نیست خدایی مگر تو منزه‌ی تو به درستی که من از جمله ستم کنندگان بودم و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس حاجت او را برآوردی و برای او درختی از کدو رویانیدی و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و دعای مرا اجابت کنی و مرا به عفو خود دریابی که در دریای ستم کردن بر نفس خود غرق شدم و مظلومه های بسیار آفریدگان تو بر من غلبه کرد، رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و مرا از ایشان پنهان کن و مرا از آتش جهنم آزاد گردان و مرا از آزاد شده های خود و رها شده های خود از آتش قرار ده در این محل که ایستاده ام در آن به سبب بخشش تو ای منت گذارنده.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو عیسی پسر مریم تو را بدان خواند در وقتی که او را به روح پاک قوی گردانیدی و او را در گهواره گویا ساختی پس مرده را به برکت آن نام زنده گردانید و به سبب آن اسم کور مادر زاد را و پیس را به اذن تو خلاص کرد و ساخت از گل مانند صورت مرغ پس مرغ زنده به اذن تو گردید و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و خالص گردانی مرا برای آنچه آفریده شده ام و مرا به تحصیل آنچه آن را برای من ضامن شدی مشغول مگردان و قرار ده مرا از عبادت کنندگان خود و از پارسایان خود در دنیا و از جمله کسانی که آنها را برای سلامتی آفریدی و گوارا ساختی به آنها زندگانی دنیا را با وجود بخشش تو ای بخشنده ای بلند مرتبه ای بزرگ.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که آصف پسر برخیا تو را بدان خواند بر تخت ملکه شهر سبا پس کمتر از چشم بر همزدنی آن تخت در پیش روی او حاضر شد پس چون آن را بلقیس دید گفته شد به او آیا چنین است تخت تو؟

گفت گویا همان است پس دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و گناهان مرا بپوشان و نیکویی های مرا قبول کن و توبه مرا بپذیر و مرا بر گناهانم مواخذه مکن و بی نیاز گردان فقر مرا و شکستگی مرا درست کن و دل مرا به سبب یادآوری خود زنده گردان و مرا در سلامتی از عذاب زنده بدار و مرا در سلامتی از عقوبت بمیرانی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که بنده تو و پیغمبر تو زکریا تو را بدان خواند هنگامی که از تو مسالت نمود دعاکننده امید دارنده به زیادتی احسان تو، پس در محراب ایستاد و تو را خواند به ندای پنهان پس گفت ای پروردگار من از نزد خود فرزندی دوست به من ببخش که از من و آل یعقوب ارث برد و او را ای پروردگار من پسندیده بگردان که خشنود باشی از او پس به او یحیی را بخشیدی و دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و باقی و پاینده داری فرزندان مرا و بهره مند گردانی به سبب ایشان و من و ایشان را از ایمان آورندگان به خود خواهش کنندگان به ثواب تو، ترسندگان از عذاب تو، امید دارندگان به آنچه در نزد توست، مأیوس و ناامیدشدگان از آنچه در نزد غیر توست قرار دهی تا آنکه زنده داری ما را زندگانی نیکو و بمیرانی ما را مردنی نیکو به درستی که تو انجام دهنده ای هر آنچه را که خواهی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که زن فرعون تو را بدان خواند وقتی که گفت: «ای پروردگار من بنا کن برای من در نزد خود خانه ای در بهشت و خلاصی ده مرا از فرعون و کردار او و رهایی ده مرا از گروه ستمکاران» پس دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و چشم مرا به نگاه کردن به سوی بهشت و به سوی دوستداران خود و به ملاحظه کردن ذات تو که بخشنده است روشن سازی و مرا به دیدن محمد و آل او خوشحال سازی و مرا به آن حضرت و به آل او و به همصحبتی ایشان و به رفیق بودن با آنان انس دهی و مرا در بهشت جای دهی و مرا از آتش و آنچه مهیا گشت برای اهل آن از زنجیرها و غلها و سختیها و عیبهای رسوا و از اقسام عقوبتها به سبب درگذشتن تو از گناهان من رهایی دهی.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که کنیز تو و راست گوی تو مریم بتول و مادر عیسی پیغمبر که سلام باد بر ایشان تو را بدان خواند هنگامی که فرمودی «مریم دختر عمران که نگاه داشت عورت خود را پس دمیدیم در او از روحمان، قبول نمود و اعتقاد کرد به سخنان پروردگار خود و به کتاب های او و مریم از جمله فرمانبرداران بود» پس دعای او را اجابت کردی و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و مرا به حصار و قلعه خود که محکم است نگاه داری و پنهان داری مرا به پرده خود که منع کننده است و مرا به نگاهداشتی خود که معتمد است محافظت کنی و به کارگزاری خود که سودمند است کفایت کنی از شرّ هر سرکشی و ستم هر ستم کننده ای و حيله هر مکرکننده ای و فریب هر فریب دهنده ای و سحر هر سحرکننده ای و ظلم هر پادشاه ظالمی به سبب منع تو ای استوار.

ای خدای من و از تو می خواهم بدان نام که درخواست کرد از تو به آن نام بنده تو و پیغمبر تو و برگزیده تو و انتخاب کرده شده تو از میان آفریدگان تو و امین تو بر وحی تو و فرستاده تو به سوی آفریدگان تو و برانگیخته تو به سوی مخلوقات تو که محمد است مخصوص است به تو و خالص است برای تو رحمت خدا بر او باد و بر آل او پس دعای او را اجابت کردی و او را قوی گردانیدی به سپاهی از فرشتگان که آنها را نمی دیدند و سخن خود را بلند و سخن آن جماعتی را که کافر شده بودند پست گردانیدی و تو به آن حضرت نزدیک بودی ای نزدیک که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد رحمتی پاکیزه پاک نموکننده که باقی و با برکت باشد همچنان که رحمت فرستادی بر پدر ایشان حضرت ابراهیم و بر آل ابراهیم و برکت نما بر ایشان همچنان که برکت دادی بر ابراهیم و درود فرست بر ایشان همچنان که درود فرستادی بر ابراهیم و زیاده بده به ایشان بالاتر از همه اینها زیادتى که از نزد تو باشد و مرا به ایشان داخل گردان و مرا از ایشان بگردان و مرا در حشر با ایشان زنده گردان و در سلک ایشان قرار ده تا آب دهی مرا از حوض ایشان و مرا در جرگه ایشان داخل کنی و مرا و ایشان را با یک دیگر جمع کنی و چشم مرا به سبب دیدن ایشان روشن گردانی و خواسته مرا به سبب برکت ایشان

بخشی و آرزوهایم را در دین من و دنیای من و آخرت من و زندگانی و مردن من محقق سازی و سلام مرا برسانی به ایشان و سلام آنان را به من بازگردانی و بر ایشان باد سلام و رحمت خدا و برکتهای خدا.

ای خدای من تو آن کسی که ندا می کنی در نیمه های هر شب: آیا هست درخواست کننده ای تا او را بخشایش نمایم ؟ آیا هست دعاکننده ای تا دعای او را اجابت کنم آیا هست طلب آمرزش کننده ای تا او را بیامرزم ؟ آیا هست امیدواری تا او را به امیدش برسانم ؟ آیا هست آرزوکننده ای پس او را به آرزویش برسانم ؟ اینک من سؤال کننده ام به در سرای تو و درویش طلب کننده ام به ساحت فضای تو و ناتوان ایستاده ام به در خانه تو و محتاج متوسل به در سرای تو و به در رحمت تو امیدوارم از تو، عطیه تو را سؤال می کنم و رحمت و گذشتن از گناهان را امید دارم و آمرزش تو را خواهانم.

پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و درخواست مرا عطا کن و امیدم را برسان و فقر مرا به توانگری تبدیل کن و بر گناه من رحم کن و از گناهان من درگذر و گردن مرا از مظلومه های بندگان تو رها کن که بر من سوار شدند و سستی مرا قوی گردان و به توانگری بدل کن و درویشی مرا به عزت بدل کن و قدم مرا ثابت گردان و گناه مرا بیامرز و ذهن مرا نعمت ده و مال مرا از حلال زیاده گردان و در همه کارها و کردارهای من خوبی را برای من قرار ده و مرا خشنود گردان به آنها و رحم کن به من و بر پدر و مادر من و بر آنچه زاییده اند از مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان زندگان و مردگان ایشان به درستی که تو شنونده دعاها می و به دل من بینداز نیکویی کردن با والدین که سزاوار ثواب تو و بهشت تو گردم و نیکویی های ایشان را قبول کن و گناهان ایشان را بیامرز و به ایشان ثواب و بهشت خود را بهتر از آنچه در حق من انجام دادند عوض ده.

ای خدای من و من به یقین می دانم که تو به ظلم امر نمی کنی و به آن راضی نیستی و به سوی آن میل نمی کنی و آن را نمی پسندی و دوست نمی داری و آن را مرتکب نمی شوی و می دانی آنچه را که در آن هستند این گروه از ستم به بندگان تو و ظلمشان بر ما و از حد بیرون رفتن ایشان به غیر حق و به غیر شرع و

طریقه بلکه از روی ظلم و دشمنی و دروغ و تهمت، پس اگر قرار داده باشی برای آنان مدّتی که ناچار است از رسیدن آن مدّت یا آنکه مقرّر کردی برای ایشان موعدی را که برسند به آن موعد پس تو گفتی و گفتار تو درست است و وعده تو راست است که «محو می کند خدا آنچه را که می خواهد و ثابت می گرداند آنچه را که می خواهد و در نزد اوست اصل کتاب» پس من از تو می طلبم به حقّ هر آنچه پیغمبران تو از تو طلب نمودند و رسولان تو که فرستاده شدگانند و از تو می خواهم به آنچه سؤال کردند از تو بندگان نیکوکار و فرشتگان تو که نزدیکند که آن را از لوح محفوظ محو کنی و برای ایشان نابود شدن و اضمحلال را ثابت گردانی و تا اجلهای ایشان را نزدیک سازی و مدّت ایشان را به سرآوری و روزهای ایشان را از بین ببری و عمرهای ایشان را قطع کنی و فاسقان ایشان را هلاک گردانی و بعضی ایشان را بر بعضی غالب گردانی تا از ایشان احدی را باقی نگذاری و از ایشان کسی را خلاصی ندهی و هرگز یکی را از ایشان رها نکنی و جمعیت ایشان را پراکنده سازی و سلاحشان را کند کنی و قوم ایشان را متفرّق سازی و اجل های ایشان را قطع کنی و عمر آنان را کوتاه گردانی و قدمهایشان را بلرزانی و شهرهای خود را از ایشان پاک سازی و بندگان خود را بر ایشان غالب گردانی پس به راستی که رویّه و طریقه تو را تغییر دادند و پیمان تو را شکستند و پرده حرمت تو را دریدند و آنچه را که ایشان را از آن منع کردی بجا آوردند و بسیار سرپیچی کردند و گمراه شدند گمراه شدنی دور.

پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و جمعیت ایشان را به پراکندگی مقرّر فرمای و زندگانی ایشان را به مردن و زنان ایشان را به غارت و اسیری و نجات ده بندگان خود را از ستم ایشان و بگیر و کوتاه کن دست ایشان را از شکستن بندگان و پاک کن زمین خود را از آنان و اجازه ده به درو گیاهانشان و از بیخ برکنند اصلشان و پراکندگی جمعیتشان و خراب کردن بناهای زندگانشان ای صاحب بزرگی و بخشش.

و از تو می خواهم ای خداوند من و خدای هر چیز و پروردگار من و پروردگار هر چیز و می خوانم تو را به آنچه تو را بدان خواندند دو بنده تو و دو

رسول تو و دو پیغمبر تو و دو برگزیده تو موسی و هارون علیهما السلام وقتی که گفتند در حالی که تو را خواندند و احسان تو را امید داشتند «ای پروردگار ما به درستی که تو دادی به فرعون و گروه او زینت و مال بسیار را در زندگانی دنیا ای پروردگار ما پس گمراه نمودند مردمان را از راه تو ای پروردگار ما مالهای ایشان را از بین ببر و بند گذار بر دلهای ایشان پس ایمان نیاوردند تا آنکه عقوبت دردناک تو را دیدند» پس منت گذاردی و انعام کردی بر موسی و هارون به اجابت کردن دعای ایشان را تا آنکه به امر فرمان خود گوش ایشان را کوفتی. خداوندا گفتی ای پروردگار من «برآورده شد حاجت شما پس راستی گیرید و پیروی کنید راه آن جماعتی را که نمی دانند» بر محمد و آل محمد درود فرستی و ناچیز گردانی اموال این جماعت ستمکار را و بر دل های ایشان بند محکم نهی و آنان را در بیابان خود فرو بری و ایشان را در دریای خود غرق کنی به درستی که آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از برای توست و بنما به خلائق قدرت و توانایی خود را در باره ایشان و شدت قهر خود را بر ایشان پس این را در حق آنان انجام ده و شتاب نمای این را برای ایشان ای بهترین کسی که از او سؤال شد و ای بهترین کسی که خوانده شد و ای بهترین کسی که خواری و پستی نمودند برای او روی ها و برداشته شد به سوی او دست ها و خوانده شد به زبان ها و حیران ماندند به سوی او چشم ها و قصد کردند به سوی او دل ها و حرکت داده شد به سوی او قدم ها و محاکمه و کردارها در نزد او حساب می شود.

خدایا من بنده توام و از تو می خواهم به نیکوترین نام های تو و همه نامهای تو نیکوست بلکه از تو می خواهم به همه نام های تو که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و سرنگون سازی دشمنان را بر مغز سر ایشان در گودال های خودشان و بیندازی ایشان را در ته گودی که آن را حفر کردند و ایشان را به سنگ خودشان و ذبح کن و ایشان را به پیکانهای تیر خودشان بکش و آنان را بر بینی هاشان به روی انداز و ایشان را به زه کمان خودشان خفه کن و برگردان دشمنی شان را در گودی های سینه ایشان و آنان را به پشیمانی تا آنکه بی یار و مددکار باقی مانند و بعد از تکبرشان حقیر گردند و بعد از گردنکشی شان پست گردند در حالی

که خوار و ذلیل و اسیر شده در ریسمان و حلقه دام های خودشان باشند که امید دارند ما را در آن ببینند و از تو می خواهم که به ما توانایی خود را در باره ایشان و شدّت قهر خود را بر آنان بنمایی و ایشان را فراگیر مثل گرفتن اهل شهرها و حال آنکه آنها ستم کننده بودند به درستی که گرفتن تو به درد آورنده و سخت است، ایشان را بگیر ای پروردگار من گرفتن شخص غلبه کننده بسیار توانا به درستی که تو غلبه کننده ای بسیار قادر که عقوبت تو سخت است و عذاب تو شدید است.

خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و آنان را در وارد کردن به عذابی که برای ستمکارانی از قبیل آنان و سرکشانی مثل خودشان آماده نمودی تعجیل کن و حلم خود را از ایشان بردار و بر ایشان خشم خود را فرود آور که در برابر آن چیزی مقاومت نمی کند و فرمان ده در شتاب کردن این عقوبت به فرمان خود که بر نمی گردد و پس افکنده نمی شود پس به درستی که تو حاضر هر راز پنهانی و دانای هر سرّی و هیچ پنهانی از کردارهای ایشان بر تو پنهان نیست و هیچ مستور و پوشیده ای از کارهای ایشان از تو غایب نمی شود و تویی دانای امور پنهان و دانایی به آنچه در خاطرها و دلهاست.

خداوندا و از تو می خواهم و می خوانم تو را به آنچه مولای من نوح تو را بدان خواند همچنان که فرمودی که بزرگی و بلندی «و نوح ما را خوانده است پس هر آینه نیکویند جواب دهندگان» بلی خداوندا تویی نیکو جواب دهنده و نیکو خوانده شده و نیکو سؤال شده و نیکو بخشنده تویی آنکه سؤال کننده خود را ناامید نمی سازی و امیدوار خود را بر نمی گردانی و سائل را از درگاه خود منع نمی کنی و دعای طلب نماینده از خود را بر نمی گردانی و غمگین نمی شوی از دعای کسی که امید داشته باشد به تو و دلگیر نمی گردی به سبب زیادی حاجتهای ایشان به تو و نه به سبب برآوردن حاجتهای ایشان پس به درستی که برآوردن حاجتهای همه آفریدگان تو در نزد تو زودتر است از نگاه به گوشه چشم و سبک تر است بر تو و آسان تر است نزد تو از پر پشه ای.

و حاجت من به سوی تو ای آقای من و مولای من و محلّ اعتماد من و امید من آن است که رحمت فرستی بر محمّد و بر آل محمّد و گناه مرا بیامرزی پس

به تحقیق که من آمدم نزد تو در حالی پشت من که سنگین است به بزرگی گناهانی که برای تو ظاهر ساختم و آنچه از مظلومه های بندگان تو که بر من سوار شد به طوری که غیر تو مرا از آن کفایت نمی کند و رها نمی سازد و بر آن قدرت ندارد و آن را مالک نیست سوای تو پس ای مولای من بسیاری گناهان مرا زایل کن به کمی اشک چشم من بلکه به سختی دل من و خشکی چشم من بلکه از روی رحمت تو که هر چیزی را فراگرفت و حال آنکه من چیزی هستم که باید مرا رحمت تو فراگیرد ای بخشنده ای مهربان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و مرا به چیزی از بلاها در این دنیا آزمایش مکن و بر من کسی را که رحم نکند بر من مستولی مگردان و مرا به سبب گناهان من هلاک مکن و در نجات من از هر ناخوشی شتاب نمای و از من هر ستمی را دور کن و پرده مرا پاره مکن و مرا در روز جمع کردن مخلوقات برای حساب رسوا مکن ای کسی که بخشش و ثواب تو بزرگ است.

از تو می خواهم که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و زنده داری مرا زندگی نیکبختان و بمیرانی مرا مردن شهیدان و قبول کنی مرا قبول کردن دوستان و نگاهداری مرا در این دنیای پست از شرّ پادشاهان ظالم و از فاسقان آن و از بدان آن و از دوستداران دنیا و از کارکنندگان برای دنیا و در دنیا و نگاه دار مرا از بدی یاغیان در دنیا و شک برندگان در آن و اختیارکنندگان شرک در دنیا تا آنکه مرا از حيله مکاران نگاه داری و از دیدن من چشمهای کافران را کور کنی و زبانهای فاسقان را از من گنگ گردانی و مرا از دستهای ستمکاران بگیری و مرا از مکر آنان در امان داری و ایشان را به خشم خودشان بمیرانی و ایشان را به گوشها و چشمها و به دلهایشان مشغول گردانی و مرا از همه اینها در سلامتی از جانب خود و امان خود و در دلیل خود و در پادشاهی خود و در نگاهداری خود و در پرده خود و در پناه خود و در همسایگی خود قرار دهی به درستی که تو بر هر چیز توانایی به درستی که دوست من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و او صالحان را دوست می دارد.

خداوندا به تو پناه می برم و به تو التجا می برم و از برای تو عبادت و بندگی می کنم و از تو امیدوارم و از تو طلب یاری می نمایم و به تو طلب کارگزاری می کنم و از تو طلب فریادرسی می نمایم و از تو درخواست می کنم پس رحمت فرست بر

محمّد و بر آل محمّد و مرا آمرزیده با سعی مقبول و سوداگری که زیان نکند برگردان و در حق من چنان کن که سزاوار آنی و نه آنچه که من لایق به آنم پس به درستی که تو سزاواری تقوا و آمرزش و احسان و بخشش هستی.

ای خدای من و دعای خود را دراز کردم و بسیار کردم مناجات و کلام خود را و تنگی سینه مرا بر آن خواند و مرا بدان واداشت در حالی که می دانستم دعا به قدر نمک در خمیر تو را کفایت می کند بلکه کافی است تو را قصد اراده و اینکه بگوید بنده به نیت درست و زبانی راست که «ای پروردگار من» پس در نزد گمان بنده ات به خود هستی و دل من قصد مناجات با تو را داشت پس از تو می خواهم بر محمّد و بر آل محمّد رحمت فرستی و دعایم را به اجابت از جانب خود مقرون سازی و از روی ممت و احسان و توانایی و قدرت خود مرا به آنچه از جانب تو امید دارم برسانی و مرا از این مقام برنخیزانی مگر به برآوردن همه آنچه از تو خواستم پس به درستی که این بر تو آسان است و نزد من بسیار و بزرگ است و تو بر آن توانایی ای شنوا ای بینا.

ای خدای من و این مقام من محل ایستادن پناه برنده به توسل از آتش و گریزنده از توسل به سوی تو از گناهای که بر او هجوم آوردند و از عیبهایی که او را رسوا کردند پس رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و نگاه کن به سوی من نگاهی از روی مهربانی که به سبب آن به بهشت تو برسم و مهربانی کن بر من مهربانی را که به سبب آن از عقوبت تو خلاص شوم پس به درستی که بهشت و دوزخ برای توسل و به دست قدرت توسل و کلیدهای آن و قفلهای آنها به سوی توسل و تو بر این توانایی و آن بر تو سهل و آسان است پس در حق من آنچه را از تو خواستم انجام ده ای توانا و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ و خدا ما را کافی است و نیکو و کیلی است.

علی بن حماد نقل کرد: من این دعا را از ابی الحسن علیّ علوی عریضی فرا گرفتم و او بر من شرط نمود که این دعا را به مخالفی ندهم و آن را عطا نکنم مگر به کسی که مذهب او را بدانم و او را بشناسم که از دوستان اهل بیت علیهم السلام است و در نزد من جماعتی از برادران مؤمن بودند که به ایشان دعا را می دادم

تا آنکه در بصره بعضی از قاضیهای شهر اهواز بر من وارد شد که مخالف بود و حقّ نعمت بسیار بر من داشت و مرا احتیاج به آن بود و هر گاه من به شهر آن شخص وارد می شدم در خانه او فرود می آمدم. پس او را پادشاه گرفت و او را حبس نمود و از او سند مبلغ بیست هزار درهم گرفت و دلم برایش سوخت و جهت خلاصی او این دعا را به او دادم. پس هنوز یک هفته تمام نشده بود که پادشاه او را رها نمود بدون واسطه ای و از وجه سند چیزی از او نگرفت. سند او را به او باز داد و او را در نهایت اعزاز و احترام به شهر خودش روانه نمود و من او را تا به شهر ابله (1).

مشایعت نمودم و از آن جا به شهر بصره بازگشتم.

و بعد از چند روز هر چند این دعا را طلب نمودم پس آن را نیافتم پس در میان کتاب های خود تفتیش بسیار کردم، اثری از این دعا پیدا نشد. پس آن را از ابو المختار حسینی طلبیدم که از روی نسخه او این دعا را نوشته بودم. پس او نیز هر قدر سعی نمود آن نسخه را در میان کتاب خود نیافت و تا بیست سال هر قدر طلب نمودم این دعا را نیافتم. پس دانستم که این عقوبتی است از جانب خدا از جهت آنکه من این دعا را به آن شخص قاضی مخالف دادم و بعد از بیست سال آن را در میان کتابهای خود یافتم با وجود آنکه مکرّر آن را تفتیش کردم، نیافته بودم. پس قسم خوردم و با خود شرط نمودم که دیگر این دعا را ندهم، مگر به کسی که به دین او اعتماد داشته باشم که از معتقدان به ولایت آل رسول الله باشد. بعد از آنکه از او پیمان بگیرم که این دعا را ندهد مگر به کسی که مستحق این باشد از مؤمنان و به خدای تعالی استعانت می جویم و بر او اعتماد می نمایم. (2).

ص: 361

-
- 1- . مکانی در بصره.
 - 2- . مهج الدعوات: 366- 347

باب صد و هشتم : دعا‌های رفع غمها و اندوهها و ترسها و از بین رفتن سختیها و هر آنچه با این باب مناسبت دارد و به باب پیشین نزدیک است

روایات:

1. دعوات الراوندی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به غم و اندوهی گرفتار شود و بخواند: «خدایا به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو و کنیز تو هستم زمام امورم به دست توست و حکم تو بر من قطعی و قضای تو بر من از روی عدالت است، از تو میخواهم به نام اسمهایی که خود را بدان نامیدی و آن را در کتاب خود نازل کردی، یا به یکی از مخلوقات آموختی. یا آن را در علم غیب نزد خودت، برگزیدی، قرآن را بهار قلب من و از سینهام و از بینبرنده اندوه و برطرفکننده غم قرار دهی.» خداوند غم را از او میبرد و شادی را جایگزین آن مینماید.

از زین العابدین علیه السلام نقل است: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر چند نفر از خانواده خویش وارد شدند و فرمودند: آیا سخن نگویم برای شما از آنچه خیر دنیا و آخرت را برایتان دارد؟ و هرگاه به گرفتاری و غمی مبتلا شدید، چون خدای عزّ و جلّ را بخوانید، از شما گره میگشاید؟ گفتند: چرا ای رسول خدا، فرمودند: بگویند «خدا خدا پروردگار ماست پروردگار ماست، ذرهای به او شرک نوزیم» سپس هرچه خواستید، دعا کنید.

از حضرت صادق علیه السلام نقل است: غمها بیماریهای دلهایند، همانطور که مریضها بیماری جسماند، هرکس اندوه و بلایی به او برسد، بگوید: «خدایا از تو

ص: 362

میخواهم ای گشاینده روزها و اطعام دهنده میوهها، ای کسی که تاریکی شب و روشنایی روز و آنچه بر زمین و قعر دریاهاست، تو را تسبیح میکنند، در این لحظه بر ما گشایشی حاصل کن و سببهای نیک را برایمان آسان گردان و توبه را برایمان میسر کن، ای توبهپذیر، و بر محمد و خاندان او درود فرست، ای شنونده بسیار بخشنده».

آن حضرت علیه السلام فرمودند: هرگاه غمها پیدری آیند بر تو باد به ذکر لا حول و لا قوه الا بالله: هیچ نیرو و قدرتی جز خدا نیست.

2. الدر المنثور: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به غم و اندوهی مبتلا شود، بگوید: «خدایا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو هستم و زمام امورم به دست توست، حکم تو بر من قطعی و قضای تو بر من از روی عدالت است. از تو میخواهم به تمامی اسمهایی که از آن توست و خود را بدان نامیدی یا در کتابت فرو فرستادی یا به کسی از مخلوقات آموختی، یا آن را در علم غیب نزد خویش برگزیدی که قرآن را بهار قلب من، نور سینهام و از بین برندهی غم و زداینده اندوهم قرار دهی.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه انسان اندوهگینی آن کلمات را بر زبان آورد، خداوند غم او را از بین میبرد و شادی را جایگزین آن میگرداند، گفتند: ای رسول خدا، آیا این کلمات را یاد بگیریم؟ فرمودند: آنها را فرا گیرید و به دیگران بیاموزید. (1)

3. مهج الدعوات: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی فرمودند: ای علی، هرگاه کاری تو را به هراس انداخت یا به سختی گرفتار آمدی بگو: «خدایا از تو میخواهم به حق محمد و خاندان محمد که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از این غصه برهانی». (2)

4. مهج الدعوات: دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همان دعای فرج است. «به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا از تو میخواهم ای خدا ای خدا ای خدا ای کسی که بالا رفت و غالب شد و به درون رفت و آگاه شد و فرمان یافت و توانا گشت، و ای کسی که پرستیده شد و سپاس نمود و عصیان شد و آمرزید، ای

ص: 363

2- . مهج الدعوات: 5 - 4

کسی که فکرها او را در بر نمیگیرند و چشم او را ادراک نمیکند، و هیچ اثری از او پنهان نمیماند.

ای والا مکان، ای محکمکننده ستونها، ای فرو فرستنده فرقان، ای تغیردهنده زمان، ای پذیرنده قربانی، و ای برهان روشن، ای بزرگ مرتبه، ای صاحب بخشش و نیکی و ای صاحب عزت و پادشاهی، ای مهربان ای بخشایشگر.

ای پروردگار پرورندگان، ای توبه پذیر و بسیار بخشنده ای آزادکننده گردنها، ای پدیدآورنده ابرها، ای کسی که هرجا فراخوانده شود، اجابت میکند.

ای ارزانکننده قیمتها، ای فروریزنده باران، ای رویاننده درختان در زمین بیابان و خارجکننده میوهها.

ای ثبات جاودان، ای بیرون آورنده گیاه، ای زندهکننده مردگان، ای پوشاننده لغزشها، ای برطرف کننده غمها، ای کسی که صداها او را نمایازد، و زبانها او را به اشتباه نمایندازند، و تاریکیها او را را نمیگیرند، ای عطاکننده درخواستها، ای سرپرست نیکیها، ای برطرفکننده بلاها، ای پذیرنده صدقهها، ای پذیرنده توبهها، ای دانا به نهانها، ای اجابتکننده دعاها، ای بالابرنده رتبهها، ای روا کننده حاجات، ای رحم کننده بر اشکها، ای کامیابکننده درخواستها، ای نازلکننده برکتها، ای جمع کننده پراکندگیها، ای برگرداننده آنچه از دست رفت، ای زیبای زمینها و آسمانها.

ای فراوانکننده نعمتها، ای زداینده درد، ای شفادهنده بیماری، ای سرچشمه بخشش و بزرگواری.

ای بخشندهترین بخشندگان، ای بزرگوارترین کریمان، ای شنواترین شنوندگان، ای بینندهترین نگرندگان، ای مهربانترین مهربانان، ای نزدیکترین نزدیکان، ای خدای جهانیان، ای فریاد رس فریادخواهان ای پناه پناهجویان، ای درگذرنده از بدکاران، ای کسی که بر خطاکاران، تعجیل نمیکند، ای رهاکننده اسیران، ای زداینده غم اندوهناکان، ای جمعکننده پراکندگان، ای دریابنده گریختگان، ای نهایت خواستاران.

ای همراه هر بیکسی، ای مونس تنهایی، ای رحم کننده بر پیر بزرگسال و ای روزیدهنده بر طفل خردسال، ای اصلاح کننده استخوان شکسته، ای

پناه هراسناک

ص: 364

پناه جو، ای کسی که تدبیر از آن اوست و تقدیر به سوی اوست، ای کسی که سخت بر او آسان و ممکن است، ای کسی که بر هر چیز آگاه است، ای کسی که بر هر چیز تواناست ای آفریننده خورشید و ماه تابان.

ای شکافنده صبح، ای فرستنده بادهای، ای برانگیزاننده روحها، ای صاحب بخشش و سخاوت، ای کسی که تمام کلیدها به دست اوست.

ای تکیهگاه کسی که تکیهگاهی ندارد، ای پشتوانه کسی که پشتوانهای ندارد، ای ذخیره کسی که اندوختهای ندارد، ای عزّت کسی که عزتی ندارد، ای گنج کسی که گنجی ندارد، ای محافظتکننده از کسی که مراقبتی ندارد، ای یاریگر کسی که یاریکنندهای ندارد، ای ستون کسی که ستونی ندارد، ای فریادرس کسی که فریادی ندارد.

ای که بخششیت بزرگ، عفت کریمانه است، ای نیکو درگذرنده، ای بسیار آمرزنده، ای آنکه دو دست خود را به رحمت گشوده‌ای، ای کسی که نعمتها را قبل از شایستگی آنها، آغاز کردی، ای صاحب حجت رسا، ای صاحب فرمانروایی ظاهر و باطن، ای صاحب عزت و جبروت، ای زندهای که نمیمیرد، از تو می‌خواهم به علم غیبت و به شناختی که از درون قلبها داری، به تمامی اسمهایی که سزاوار توست، و آن را بر خود برگزیدی و در کتابی از کتابهای فرو فرستادی یا آن را در علم غیب، نزد خویش برگزیدی و به تمامی نامهای برترین تو، تا برسم به نام عظیم و بزرگتر تو که آن را بر تمامی نامهای برتری دادی.

از تو بدان می‌خواهم پر محمد و خاندان او درود فرستی و هر آنچه از کارهایی که از سختی آن بیم دارم، آسانی گردانی و غم و اندوه و گرفتاری و هر آنچه سینه من از آن به تنگ آمد و صبرم ناتوان گشت را از من بزدایی، به راستی که جز تو کس نمیتواند در کار من گشایش ایجاد کند و در حق من آنچه کن که سزاوار آنی، ای سزاوار تقوا و ای زبینه آمرزش.

ای تنها کسی که غمها را میزداید و اندوهها را برطرف مینماید و تنها او در کار من گشایش ایجاد میکند، مرا از شر مخصوصاً خودم و شر مردم عموماً، کفایت کن و مرا اصلاح کن و امورم را سر و سامان بخش و حاجاتم را روا ساز و در کار

من گشایش و خروجی قرار ده، به راستی که تو میدانی و من نمیدانم و تو میتوانی و من ناتوانم، و تو بر هر چیز توانایی، به رحمت ای مهربانترین مهربانان. (1)

5. العتیق الغروی: دعایی برای غم و حاکم، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است، فرمودند: هرگاه غمی یا هراسی از حاکم بر شما وارد شد، یا حاجتی داشتید، این دعاها را بخوانید، سوگند به کسی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، آن را به هر قصدی خواندم، یاری شدم و بر دشمن خواندم پیروز گشتم، و میبینم آنچه دوست دارم و چشمم بدان روشن میگردد و دعا این است:

«ای داناای نهانها و پنهانها، ای اطاعتشونده، ای شکست ناپذیر، ای دانا ای شکستدهنده گروهها به نفع احمد و ای مکرکننده به فرعون به نفع موسی ای نجاتدهنده عیسی از دست ظالمان، ای رهاکننده نوح از غرق شدن، ای طلب کننده تمام خیرها، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای آفریننده خیر ای شایسته خیر، در فلان و فلان به سوی تو گراییدم پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در کار من گشایش حاصل کن، و به فریادم برس، و مرا اجابت نمای و بر من رحم کن، ای مهربانترین مهربانان.

6. مهج الدعوات: روایت است، حاجیان در یکی از سالها به عطش شدید گرفتار شدند، به طوری که نزدیک بود جان دهند، پس یکی از آنها نشست تا بمیرد، و چرتی او را فرا گرفت، پس مولایمان علی بن ابیطالب علیه السلام را دید، به او فرمودند: چه چیز تو را از کلمه نجات غافل کرد؟ پس گفتم: کلمه نجات چیست؟ فرمودند: میگوی: «خدای من، به لطف پنهان خویش، فرمانروایات را بر فرمانروایی خود پایدار بدار.» و من علی بن ابی طالب هستم، پس بیدار شدم و آن را گفتم، پس ابری پدیدار شد و به کمک مردم آمد و باریدن گرفت تا زنده ماندند و سپاس مخصوص خدای یکتاست. (2)

7. مهج الدعوات: از کتاب تعبیر خواب اثر محمد بن یعقوب کلینی و این لفظ آن است:

ص: 366

2- . مهج الدعوات: 173

امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم علیه السلام را در خواب دیدم پس فرمودند: ای فرزندم، هرگاه به سختی افتادی، بسیار بگو: «یا رؤوف یا رحیم» و آنچه در خواب میبینم مثل چیزی است که در بیداری بینم. (1)

8. مهج الدعوات: ابی حمزه ثمالی نقل کرد: از امام باقر علیه السلام، اجازه خواستم، پس خارج شدند و لبانشان حرکت میکرد، فرمودند: آیا متوجه این امر شدی، ای ثمالی؟ عرض کردم: آری فدایت گردم. فرمود: سوگندبه خدا، سخنی گفتم که هرگاه کسی آن را بر زبان آورد، خدا امور مهم دنیا و آخرت او را کفایت میکند، عرض کردم: خداوند مرا فدای شما گرداند، مرا بدان آگاه سازید، فرمودند: آری هر کس از زمانی که از خانه خارج میشود، بگوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند برای من کافی است، و بر خدا توکل نمودم، خدایا از تو خیر تمامی کارهایم را مسألت میکنم و از خواری دنیا و عذاب آخرت به تو پناه میبرم» آنچه دوست دارد، روا گردد. (2)

از این جمله، دعایی دیگر از مولایمان امام باقر علیه السلام است که آن را در نسخهای از کتابهای راویان امامیه یافتیم، عبدالله بن عبد الرحمن نقل کرد، امام باقر علیه السلام فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی را که ما اهل بیت هرگاه از امری اندوهگین شویم یا از شر حاکم، هراس پیدا کنیم، یا امری که برای ما ناخوشایند است، آن را میخوانیم؟ عرض کردم: آری، پدر و مادرم به فدای شما ای فرزند رسول خدا، فرمودند: بگو: «ای موجود قبل از هر چیز و ای پدیدآورنده هر چیز، و ای پایدار بعد از هر چیز بر محمد و اهل بیت او درود فرست و در حق من چنین و چنان کن....». (3)

9. دعوات الراوندی: ابن عباس نقل کرد، در دوران خلافت عمر، شخصی یک کره اسب در ناحیه آذربایجان داشت که بر او سخت گشته بود و سواری نمیداد، و از آنچه بدان رسیده بود، به نزد عمر شکایت کرد، گفت: برو و از خداوند فریادخواهی کن، و برای او رقعهای که در آن تعویذی بود نوشت و آن مرد رفت، و

ص: 367

1- . مهج الدعوات: 416

2- . مهج الدعوات: 315

3- . مهج الدعوات: 216

من برای او بسیار اندوهناک شدم، و امیر مؤمنان علیه السلام را دیدار کردم و او را از آن آگاه ساختم، فرمودند: او یا ناامیدی برمیکرد، پس آرام گرفتم و آن سال بر من طولانی شد. ناگهان آن مرد را دیدم که آمده است و در پیشانی او شکافی است که تقریباً یک دست در آن وارد میشود.

هنگامی که او را دیدم به نزدیکیش رفتم و گفتم: تو را چه شد؟ گفت: من به آن مکان رفتم و آن رقعۀ را انداختم پس شماری از آنها بر من حمله کردند و یکی از آنها لگدی بر صورتم زد و من افتادم، و برادرم که به همراهم بود، مرا به دوش کشید و تا کنون در پی درمان بودم تا بهبودی پیدا کردم، و نزد عمر رفت و او را از آنچه رخ داد، آگاه ساخت، پس عمر او را راند و گفت: دروغ گفتی، نوشته مرا نبردی.

او را به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام بردم، پس لبخندی زدند و فرمودند: آیا به تو نگفتم؟ سپس به سمت آن مرد رفتند و فرمودند: هرگاه بازگشتی به آن مکانی که در آنجاست برو و بگو: «خدایا من به پیامبر تو پیغامآور رحمت، و اهل بیت او که آنها را به علم بر جهانیان برتری دادی، به تو روی میکنم، پس سختی و دشواری آن را بر من رام گردان و مرا از شر آن کفایت نما، به راستی که تو کفایتکننده و عافیتبخش و چیره و غالب هستی.» پس آن مرد بازگشت.

پس هرگاه کاروانی میآمد، آن مرد نیز میآمد و به همراه خود، پارهای از اشیا قیمتی آن بود، و آن مرد هر سال حج میگزارد و خداوند مال او را افزود و ابن عباس نقل کرد: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هر کسی چیزی از مال یا خانواده یا فرزند یا فرعونی از فرعونها بر او سخت آید، پس با این دعا، به درگاه خداوند تضرع کند، به راستی که آن از آنچه بیم دارد کفایت میکند انشاء الله. (1)

ص: 368

روایات:

1. دعوات الراوندی: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: حضرت علی بن حسین علیهما السلام مردی را دیدند که کعبه را طواف میکرد و میگفت: «خدایا من از تو صبر را مسألت میکنم» نقل کرد: پس علی بن حسین علیهما السلام بر شانه او زدند و فرمودند: تو بلا را درخواست کردی، بگو «خدایا من از تو عافیت و شکر عافیت را طلب میکنم».

روایت است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر شخص مریضی وارد شدند و فرمودند: در چه حالی؟ گفت: نماز مغرب را خواندم و سوره قارعه را تلاوت نمودم و گفتم: «خدایا اگر گناهی از ما در نزد توست که میخواهی ما را بدان در آخرت، عذاب کنی، پس بر عذاب آن در دنیا شتاب ورز» پس اینگونه شدم که میبینی، حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: چه بد گفتی، مگر نگفتم: «پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از آتش جهنم محفوظ بدار» پس برای او دعا کردند تا سالم گشت.

و فرمودند: حضرت داود علیه السلام میگفتند: «خدایا نه بیماری که مرا لاغر کند و نه سلامتی که مرا به فراموشی بیاندازد بلکه میان این دو باشد».

2. مهج الدعوات: و از این جمله، دعای عافیت است، امام صادق علیه السلام فرمودند: نزد پدرم نشسته بودم، و در خدمت ایشان مردی بود که یکی از دستانش به خاطر فلج، افتاده بود و از پدرم میخواست تا برایش دعایی کند، و یادآوری کرد، سنگی دارد که به سختی میتواند ادرار کند. پس پدرم، این دعا را به او آموختند و

آن مرد به ایشان گفت: دستان مبارکتان را بر بدنم بکشید، پس چنین کردند و پدرم به او فرمودند: این دعا را در نماز شب زمانی که سر به سجده داری بگو:

«خدایا من تو را همچون بیمار ذلیل فقیر میخوانم، تو را میخوانم همچون کسی که نیازش بسیار گشت و چاره‌اش اندک شد و کردارش از اشتباه و بلا به سستی گرایید، و همچون گرفتاری که اگر او را در نیابی، هلاک می‌گردد. و چنانچه او را نجات نبخشی هیچ راه چاره‌ای ندارد، پس ای سرور و مولا و خدای من نیرنگ خود را بر او احاطه مکن و خشم را بر من استوار مگردان، و مرا به ناامیدی و یأس از رحمت و صبر طولانی بررنج ها، مجبور مکن.

خدایا نه توانی بر بلای تو دارم و نه بینیزی از رحمت، و این فرزند پیامبرت و محبوبت صلواتک علیه و آله است، به واسطه او به تو روی می‌کنم، به راستی که تو او را پناه شخص هراسان قرار دادی و علم گذشته و حال را به او سپردی، پس مشکلم را برطرف کن و مرا از این مصیبت به آنچه از عافیت و رحمت خود، عادت دادی برهان. امید به درگاه غیر تو قطع - ناامید - شد، ای خدا ای خدا ای خدا.»

آن مرد رفت سپس بعد از چند روز خدمت امام آمد و اثری از آن دردها در او نبود، نقل کرد: امام صادق علیه السلام ما را امر کردند که این مطلب را پنهان داریم، نقل کرد: پدرم را به تندرستی آن مرد خبر دادم، پس فرمودند: ای فرزندم، هر کس بلایی را که از سوی مردمان به آن گرفتار شده است پنهان دارد و به درگاه خداوند شکایت کند با خواندن این دعا، او را از این بلا عافیت دهد. (1)

3. مهج الدعوات: و از این جمله، در مجموعه‌های یافتم، عقبه بن اسماعیل حضرمی نابینا شد، پس در خواب دید شخصی می‌گوید: «ای نزدیک، ای اجابت‌کننده، ای شنونده دعا، ای آنکه به آنچه خواهد، آگاه است، چشمم را به من بازگردان» آن را گفت و بینایاش را به او بازگرداند. (2)

ص: 370

1- . مهج الدعوات: 404

2- . مهج الدعوات: 405

و به خط رضی الاوی قدس الله روحه این روایت را یافتیم که لفظ آن چنین است: دعایی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به فرد نابینایی آموخت پس خداوند بیناییش را به او بازگرداند، دو رکعت نماز میگذارد و میگوید: «خدایا از تو مسألت میکنم و تو را میخوانم و به سوی تو میگیریم و به پیامبرت محمد پیغامآور رحمت به سوی تو روی میکنم، ای محمد به راستی که من به واسطه تو به سوی خدا پروردگار تو و پروردگار من، روی میکنم، تا به واسطه تو نور چشمانم را به من بازگرداند» همین که آن شخص نابینا برخاست، خداوند بیناییش را به او بازگرداند. (1)

در جلد اول کتاب التَّجَمُّل فی ترجمه محمد بن جعفر بن عبدالله بن یحیی بن خاقان دیدم، آنچه را شنیدیم که شخصی سوی چشمانش ضعیف میشود و در خواب میبیند کسی به او میگوید: بگو «پناه میدهم نور چشمم را به نور خدایی که خاموش نمیشود» سپس دستت را بر چشمانت بکشد و به دنبال آن آیه الکرسی را بخوان، پس نقل کرد: چشمش سالم گشتند و آن را تجربه کرد و تجربه آن نیز صحیح گشت. (2)

4. العتیق الغروی: از جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت است، فرمودند: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و علی آله فرمودند: حبیب من رسول خدا صلی الله علیه و آله دعایی به من آموختند که با وجود آن به داروی هیچ طبیبی نیاز نخواهم داشت، گفته شد: چه دعایی ای امیر مؤمنان؟ فرمودند: سی و هفت تهلیل از قرآن از بیست و چهار سوره از بقره تا مزمل، هیچ اندوهگینی آن را نمیخواند مگر آنکه خداوند اندوه او را بزدايد و نه هیچ بدهکاری جز اینکه خداوند قرض او را ادا کند و نه هیچ غایبی مگر آنکه خداوند غربت او را برگرداند و نه هیچ نیازمندی جز اینکه خداوند حاجت او را برآورده سازد، و نه هیچ بیمناکی مگر اینکه خداوند، ترس او را ایمن گرداند، و هر کس آن را هر روز بخواند، خداوند قلب او را از دوری و نفاق ایمن گرداند، و هفتاد نوع از انواع بلاها را از او دور میکند، که

ص: 371

1- . مهج الدعوات: 405

2- . مهج الدعوات: 405

ساده‌ترین آنها، جذام، دیوانگی و پستی است، خداوند او را در نعمت‌ها زنده میدارد و در نعمت‌ها می‌میراند و او را در نعمت‌ها به بهشت می‌برد، و هر مسافری که آن را بخواند، در سفر خویش فقط خیر می‌بیند و هر کس آن را هر شب زمانی که به رختخواب می‌رود بخواند، خداوند هفتاد فرشته را بر او می‌گمارد تا او را از شر ابلیس و لشکریانش تا صبح حفظ کنند، و در روز تا وقت شب مورد حفاظت و بخشش روزی قرار می‌گیرد و هر کس آن را با آب باران بنویسد و بنوشد هیچ زشتی و خللی در بدن او پدیدار نمی‌گردد و به چشم زخم جنیان، جادو و سحر و مکر آنان دچار نمی‌گردد، و پیوسته از هر آفتی در امان است و هر بلایی در دنیا از او دور می‌شود و از گسترده‌ترین آنچه هست، روزی داده می‌شود و از هر شیطان سرکش و عصیانگر زورگو ایمن می‌گردد و از سرای دنیا نمی‌رود مگر آنکه خداوند عز و جل جایگاه او را در بهشت به او بنمایاند.

دو آیه از سوره بقره: «وَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ؛ و معبود شما، معبود یگانه ای است که جزا و هیچ معبودی نیست، بخشایشگر مهربان، خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرومی‌گیرد و نه خوابی گران».(1)

پنج آیه از سوره آل عمران: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ تَزَلَّ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ: خداست که هیچ معبود جز او نیست و زنده و پاینده است این کتاب را به حق بر تو نازل کرد اوست کسی که شما را آنگونه که می‌خواهد در رحمها صورتگری می‌کند. هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام

ص: 372

است آری، داستان درست همین است و معبودی جز خدا نیست، و خداست که در واقع، همان شکست ناپذیر حکیم است».(1)

یک آیه از سوره نساء: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا: خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رستاخیز که هیچ شکی در آن نیست، شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟».(2)

یکی آیه از سوره مائده: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: کسانی که گفتند: خدا سومین سه است، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید».(3)

دو آیه از سوره انعام: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ع فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اَتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَغْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ: این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است. از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان».(4)

یک آیه از سوره اعراف: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ قَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ: بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او- که

ص: 373

1- . آل عمران/62، 17، 6، 1

2- . نساء/ 89

3- . مائده/ 73

4- . انعام/ 106، 102

پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید».(1)

دو آیه از سوره توبه: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را پرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزه است او از آنچه شریک می گردانند. پس اگر روی برتافتند، بگو: خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است».(2)

یک آیه از سوره یونس: «حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ: تا وقتی که در شُرْفِ غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند، نیست، و من از تسلیم شدگانم».(3)

یک آیه از سوره هود: «قَالُوا يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ: پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟»(4)

یکی آیه از سوره رعد: «وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابِ: در حالی که آنان به رحمان کفر می ورزند. بگو: اوست پروردگار من. معبودی بجز او نیست. بر او توکل کرده ام و بازگشت من به سوی اوست».(5)

ص: 374

1- . اعراف/ 158

2- . توبه/ 129، 31

3- . یونس/ 90

4- . هود/ 14

5- . رعد/ 29

یک آیه از سوره نحل: «يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ: فرشتگان را بآ روح، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانیش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید».(1)

پیه آیه از سوره طه: «يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَحْفَى اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ أَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحِي إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا: و اگر سخن به آواز گویی، او نهان و نهان تر را می داند و من تو را برگزیده ام، پس بدان چه وحی می شود گوش فرا ده منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز بر پا دار معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه چیز را در بر گرفته است».(2)

دو آیه از سوره انبیاء: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رِسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا وَقَضَىٰ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ: و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید. و «ذوالنون» را آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در تاریکی ها ندا در داد که: معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم».(3)

یک آیه از سوره مؤمنین: «قَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيم: پس والاست خدا، فرمانروای بر حق، خدایی جز او نیست. پروردگار عرش گرانمایه».(4)

ص: 375

-
- 1- . نحل/ 2
 - 2- . طه/ 98، 12-14، 7، 6
 - 3- . انبیاء/ 87، 25
 - 4- . مؤمنون/ 117

یک آیه از سوره نمل: «وَعَلَّمَ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ: و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند. خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است».

(1).

دو آیه از سوره قصص: «وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَ لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: و اوست خدا جز او معبودی نیست. در این نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید. و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابود شونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید».

(2).

یک آیه از سوره فاطر: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِي تُؤَفَّكُونَ: ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه انحراف می یابید؟».

(3).

یک آیه از سوره صافات: «إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ: چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می شد: خدایی جز خدای یگانه نیست، تکبر می ورزیدند».

(4).

یک آیه از سوره ص: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ: بگو: من فقط هشدار دهنده ای هستم، و جز خدای یگانه قهار معبودی دیگر نیست».

(5).

ص: 376

-
- 1- . نمل / 26
 - 2- . قصص / 71، 88
 - 3- . فاطر / 3
 - 4- . صافات / 33
 - 5- . ص / 65

دو آیه از سوره غافر: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِي تُؤَفِّكُونَ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ ۚ اللَّهُ هُوَ الَّذِي هُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: این است خدا، پروردگار شما آفریننده هر چیزی است: خدایی جز او نیست. پس چگونه باز گردانیده می شوید؟ این است خدا، پروردگار شما اوست زنده ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین را برای وی بی آایش گردانیده اید بخوانید. سپاس ویژه خدا پروردگار جهانیان است». (1)

یکی آیه از سوره دخان: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ: خدایی جز او نیست او زندگی می بخشد و می میراند پروردگار شما و پروردگار پدران شماست». (2)

دو آیه از سوره حشر: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ: اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت مؤمن نگهبان، عزیز، جبار متکبر. پاک است خدا از آنچه شریک می گردانند». (3)

یک آیه از سوره تغابن: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: خدا جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند». (4)

یک آیه از سوره مزمل: «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِلُ خَوَاصِّ الْأَعْيُنِ: پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش اختیار کن». (5)

ص: 377

- 1- . غافر/ 65، 3
- 2- . دخان/ 6، و در سوره قتل/ 21 : اَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبَكُمْ وَ مَثْوَاكُمْ: پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان و خداست که فرجام و مال شما را می داند.
- 3- . حشر/ 21-23

4- . تغابن/13

5- . مزمل / 9

5. کتاب الاستدراک: با استناد به اعمش، وقتی منصور او را طلبید، طهارت کرد و کفن نمود و حنوط کرد، به او گفت: برایم حدیثی بگو که من و تو از جعفر بن محمد در مورد پنی حَمَّان شنیدیم، گفتم: کدام حدیث؟ گفت: حدیث ارکان جهنم، گفتم: آیا مرا معاف میکنید؟ گفت: راهی ندارد، گفتم: جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: جهنم هفت در دارد، و آن رکنهایی است برای هفت فرعون، سپس اعمش ذکر کرد: نمرود بن کنعان، فرعون خلیل، مصعب بن ولید فرعون موسی و ابا جهل بن هشام و اول و دوم و ششم یزید قاتل پدرم سپس سکوت کرد و پس به من گفت: فرعون هفتم: گفتم: مردی از فرزندان عباس که خلافت را به دست میگیرد و ملقب به دوانیقی و اسمش منصور است، پس به من گفت: راست گفتی، جعفر بن محمد اینچنین برای ما حدیث گفت.

نقل کرد: پس سرش را بالا گرفت و در کنار سر او جوان تازه بالغی بود که زیباروتر از او ندیدم. پس گفت: اگر من یکی از درهای جهنم بودم، او را باقی نمیگذاردم، و آن جوان علوی حسینی بود، جوان به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان تو را به حق پدرانم از من بگذر. پس خودداری نمود و مرزبان را به او دستور داد. زمانی که دستش را دراز کرد، لبانش را به سخنی تکان داد که آن را ندانستم، پس ناگهان آن جوان همچون مرغی پرگشود و از نزد او رفت.

اعمش نقل کرد: پس از چند روز بر من گذر کرد، گفتم تو را به حق امیر مؤمنان قسم میدهم که آن کلام را به من بیاموزی، پس گفت: آن دعای رنج برای ما اهل بیت است، و آن دعایی است که امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که به بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله آرمیدند، خواندند.

و دعا این است: «ای کسی که همراه پروردگاری نیست تا خوانده شود، ای کسی که بالاتر از او آفریدگاری نیست تا ترسیده شود، ای کسی که پایینتر از او خدایی نیست تا پرهیز شود، ای کسی که وزیری ندارد تا ریشه بگیرد، ای کسی که همنشینی ندارد که بر او پوشیده گردد، ای آنکه پردهداری ندارد تا صدا بزند، ای

کسی که بر اثر فراوانی درخواستها بر کرم و بخشش او افزوده میشود، ای کسی که با وجود گناهان بزرگ به رحمت و عفو او افزوده میشود.» و از او آنچه را دوست داری، درخواست میکنی، به راستی که او نزدیک و اجابتکننده است.

اعمش نقل کرد: منصور دستور سختی برای شخصی صادر کرد و او را در خانهای زندانی نمود تا دستور خود را در مورد او اجرا کند، سپس در را گشود و

او را نیافت، پس منصور گفت: آیا شنیدید چیزی بگوید؟ موکل گفت: شنیدم میگفت: «ای کسی که خدایی جز او نیست تا او را بخوانم، و پروردگاری جز او نیست تا به او امید ورزم همین لحظه مرا نجات ده» پس گفت: سوگند به خدا، او از کریمی فریادخواهی کرد پس او را نجات داد.

6. مشکوه الانوار: از کتاب المحاسن از حضرت رضا علیه السلام نقل است، فرمودند: علی بن حسین علیهما السلام از کنار مردی گذشت که از خداوند میخواست صبر را به او روزی کند، پس فرمودند: آگاه باش، چنین نگو، بلکه از خداوند عافیت و شکر بر عافیت را بخواه، به راستی که شکر عافیت از صبر بر بلا بهتر است.(1)

از دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بود: «خدایا من از تو عافیت و شکر بر عافیت و عافیت کامل در دنیا و آخرت را خواهانم».(2)

و از این جمله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدایا من از دنیا به تو پناه میبرم؛ زیرا دنیا جلوی آخرت را میگیرد».(3)

از امام صادق علیه السلام روایت است، که در دعای خود میگفتند: «خدایا بر من منت نه با توکل بر خود و سپردن کارم به تو، و رضایت به خواست تو و تسلیم فرمان تو تا اینکه نپسندم و شتاب در آنچه به تأخیر انداختی و نه تأخیر در آنچه جلو انداختی، ای پروردگار جهانیان».(4)

ص: 379

1- . مشکاه الانوار: 258

2- . مشکاه الانوار: 258

- 3- . مشكاه الانوار: 271
- 4- . مشكاه الانوار: 13 و 302

آیات:

- «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً»

{و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد. و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغ ها قرار دهد و نه‌رها برای شما پدیدآورد}. (1)

روایات:

1. قرب الاسناد: «حضرت صادق از پدرشان علیهما السلام نقل کردند: زمانی که در حاجت صبح کردی، بعد از تشهد نماز صبح بگو: «خدایا به راستی که من صبح کردم و از فضل تو خواستارم همانطور که مرا فرمان دادی پس از فضل خود روزی حلال و پاک روزیام گردان و در آنچه روزیام میکنی، عافیت را به من عطا کن» آن را سه بار می‌گویی. (2)

نقل کرد: شنیدم جعفر برای بعضی از بازرگانان کوفه، برای طلب رزق چنین املا میکند: هر زمان خواستی، دو رکعت نماز بخوان و بعد از تشهد بگو «از اینکه هیچ نیرو و قدرتی ندارم به نیروی و قدرت خداوند روی کردم و به قدرت و نیروی تو ای پروردگار من، از قدرت و نیرو، به سوی تو، بیزاری می‌جویم جز آنچه مرا قدرت دهد. خدایا من از تو برکت این روز و برکت اهل آن را خواهانم و از تو می

ص: 380

خواهم از فضل خود، روزیگسترده در حلال پاک مبارک روزیام گردانی، و به نیرو و قدرت خویش آن را با عافیت به سوی من روانه کنی و من فرو رفته در عافیت باشم» آن را سه بار میگوید. (1)

میگویم: از آنچه سبب افزایش روزی میگردد در کتاب السنن در بابی جداگانه سخن رفت. (2)

و در باب استغفار نیز روایاتی آوردیم که آن سبب افزایش روزی میگردد. (3)

2. أمالی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس، در هر روز صد بار بگوید: «لا اله الا الله الملك الحق المبين: خدای جز خدای یگانه فرمانروای حق آشکار وجود ندارد» و به واسطه آن، بینازی را جلب میکند و فقر را دور میگرداند و در آتش به روی او بسته میشود و در بهشت را به روی خود باز میکند. (4)

3. علل الشرائع: سلیمان بن مقبل نقل کرد به حضرت موسی کاظم علیه السلام عرض کردم: چرا مستحب است زمانی که انسان صدای اذان را میشنود، بگوید آنچه را مودن میگوید، هرچند در حالت بول و دفع مدفوع باشد؟ فرمودند: این سبب افزایش روزی میگردد. (5)

4. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بر انگشتی خود بنویسد: «ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله أستغفر الله: هر آنچه خدا خواست، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا وجود ندارد، از خدا طلب آمرزش میکنم» از فقر خوار کننده در امان است. (6)

ص: 381

-
- 1- . قرب الاسناد: 3
 - 2- . مراجعه کن جلد 76، باب الدعاء، هنگام وارد شدن به بازار 774 - 172 و باب آنچه فقر و بینازی به جا میگذارد: 318 - 314.
 - 3- . مراجعه کن ج 93: 285 - 275
 - 4- . أمالی الطوسی 1: 285، و مثل آن در ثواب الاعمال: 8.
 - 5- . علل الشرائع 1: 269
 - 6- . ثواب الاعمال: 163

5. المحاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس فقر به او فشار آورد بسیار بگوید: «لا حول و لا قوه الا بالله» خداوند فقر را از او دور میگرداند. (1)

میگویم: برخی دعاها را در باب دعاهاى صبح و شب، آوردهایم.

6. تفسیر العیاشی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دیدار از شخصی گفتند: چه چیز تو را از ما دور کرد؟ عرض کرد: بیماری و خانواده، فرمودند: آیا نیاموزم به تو کلماتی که هرگاه با آنها دعا کنی، خداوند بیماری را از تو ببرد و فقر را از تو دور کند؟ «هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلند مرتبه و بزرگ وجود ندارد توکل کردم بر آن زندهای که نمیمیرد، سپاس خدایی که فرزندی برنگرفت و برای او شریکی در فرمانروایی نیست و سرپرستی از خواری ندارد و او را به بزرگی یاد کن». (2)

میگویم: آن را در باب دعا برای بیماریها به سندی دیگر آوردیم و در آن «بلندمرتبه بزرگ» نیست.

7. مکارم الاخلاق: در طلب روزی از حضرت رضا علیه السلام روایت است: شخصی به خدمت امام صادق علیه السلام از فقر گلایه کرد، فرمودند: هرگاه صدای موذن را شنیدی، همانطور که موذن اذان میگوید، اذان بگو.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: خدایا اگر روزیام در آسمان است پس آن را نازل کن و اگر روزیام در زمین است پس آن را آشکار گردان، و اگر دور است، نزدیک کن و اگر نزدیک است آن را به من عطا کن و اگر آن را به من عطا کردی، مبارک گردان و بدان مرا از گناهان و هلاکت دور بدار. (3)

8. الکافی: نقل است: در مدینه نزد ما مردی بود که ابا قمقام کنبه داشت، و فردی بی روزی بود، پس نزد امام موسی کاظم علیه السلام آمد و از حرفه خویش به نزد ایشان شکایت کرد و خبر داد که به هر حاجتی که رو کند، روا نمیگردد، امام موسی کاظم علیه السلام به او فرمودند: در پایان دعای نماز صبح خود ده بار بگو: «پاک و منزّه است خداوند بزرگ و او را ستایش میکنم از خداوند طلب آمرزش

-
- 1- . المحاسن: 42
 - 2- . تفسير العياشى 2: 302
 - 3- . مكارم الاخلاق: 401

مینمایم و به سوی او توبه میکنم و از فضل او خواهانم» ابو قمقام نقل کرد: بر این کار مداومت داشتم، سوگند به خدا طولی نکشید که گروهی از بادیه نزد من آمدند و به من خبر دادند که مردی از قوم من درگذشت، و وارثی جز من برای او شناخته نمیشود، پس به راه افتادم و میراث او را گرفتم و بنیاز گشتم.(1)

9. الکافی: از ابی عمرو الحدّاء نقل است، حالم ناخوشایند بود پس نامه‌ای به امام باقر علیه السلام نوشتم و ایشان برای من چنین نگاشتند: بر خواندن «إنا أرسلنا نوحاً إلى قومه» مداومت کن، نقل کرد: آن را یکسال خواندم، اثری ندیدم پس نامه‌ای نوشتم و او را از بدی حالم آگاه ساختم و اینکه این آیه «إنا أرسلنا نوحاً إلى قومه» را یک سال خواندم، همانگونه که به من امر فرمودید و اثری ندیدم، نقل کرد: برای من نوشتند، این یک سال بر تو وفا کرد، پس به خواندن «إنا انزلناه» منتقل شو. نقل کرد: پس چنین کردم و چیزی نگذشت که ابن ابی داود به دنبال من فرستاد و بدهیام را پرداخت و خرجی من و خانوادهام را عطا کردند و مرا به نیابت از خود به بصره و به مکان باب کلتا(2).

روانه ساخت و پانصد درهم بر من عطا نمود.

و از بصره به دست علی بن مهزیار به امام موسی صلوات الله علیه نوشتم: من از پدر شما چنین و چنان مسألت کردم، و از فلان و فلان به او شکایت نمودم و آنچه را که دوست داشتم، گفتم و ای مولای من دوست داشتم، به من خبر دهید، چگونه انا انزلناه را قرائت کنم، در نمازهای واجب و غیر آن، تنها بر خواندن همان اکتفا کنم یا به همراه آن غیر آن را نیز بخوانم یا حدی دارد که باید بدان عمل کنم؟ پس حضرت علیه السلام آن را امضا نمودند و آن نامه را خواندم «هیچ کوتاه یا بلندی از قرآن را رها مکن، خواندن صد مرتبه انا انزلناه در روز و شب تو را پاداش میرساند».(3)

10. الکافی: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نعمت بر او آشکار گردید باید ذکر الحمد لله را بسیار بگوید و هر

ص: 383

2- . مکانی در بصره

3- . الکافی 5: 316

کس غم و اندوهش فراوان گشت، بسیار استغفار کند، و هر کس فقر بر او فشار آورد ذکر لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم را بسیار بگوید تا فقر از او دور شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی از انصار فرمودند: چه چیز تو را از ما پنهان کرد؟ عرض کرد: فقر و بیماری طولانی ای رسول خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: آیا نیاموزم به تو سخنی را که چون بر زبان آوری، فقر و بیماری از تو برود؟ عرض کرد: بلی ای رسول خدا، پس فرمودند: در صبح و شام بگو: «هیچ نیرو و قدرتی جز خدا نیست، توکل نمودم بر آن زندهای که نمیرد و سپاس خدایی را که فرزندی برنگرفت و شریکی در فرمانروایی ندارد و سرپرستی از روی خواری ندارد و او را به بزرگی یاد کن». پس آن مرد گفت: سوگند به خدا، سه روز آن را گفتم پس فقر و بیماری از من برطرف گردید. (1)

11. دعوات الراوندی: حضرت صادق از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل کردند: هر کس از فضل خداوند مسألت ننماید، فقیر میگردد.

و از دعای آنها علیهم السلام: «خدایا من از فضل گسترده، افزون و برتر تو رزقی فراوان، حلال، پاک، رساننده دنیا و آخرت مسألت میکنم، رزقی گوارا دلچسب ریزان ریزان بدون هیچ منّتی از جانب دیگران جز فضل گسترده و رزق پاک و حلال فراوان که مرا بدان بینياز گردانی، از فضل تو مسألت میکنم و از دست لبریز تو طلب میکنم، و از خیر تو خواهانم، ای کسی که خیر به دست اوست و او به هر چیزی تواناست».

از دعای امیر مؤمنان علیه السلام: «خدایا چهرهام را با دارایی حفظ کن و مرتبه مرا با نیازمندی خراب نکن، تا از طالبان رزق تو، طلب روزی کنم، و از بدترین مخلوقات تو طلب مهربانی نمایم، و به ستایش کسی پردازم که به من عطا کرد و کسی را که از من چیزی را دریغ داشت، سرزنش کنم، و تو فراتر از همه اینها، سرپرست بخشیدن و بازداشتن هستی، به راستی که تو بر هر چیز توانایی. (2)

خدایا

- 1- . الکافی 2: 551، ج 8: 93
- 2- . سید رضی آن را در نهج البلاغه زیر شماره 223 از خطبهها نقل کرد.

جان مرا اولین چیز گرانبهائی قرار ده که از من میستانی و آن را اولین ودیعیهای قرار ده که از میان نعمتهائی که به من سپردی، بازمیگردانی.

12. عده الداعی: از حضرت صادق علیه السلام برای طلب روزی: «ای خدا ای خدا ای خدا، به حق کسی که حقش بر تو بزرگ است، از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و عمل به آنچه از معرفت حق خویش به من آموختی، روزیام گردانی و آنچه از رزقت که بازداشتی بر من بگسترانی.

13. مصباح الانوار: امام باقر علیه السلام فرمودند: روزی فاطمه، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدار کردند، پیامبر به ایشان فرمودند: ای دخترم، آیا توشه‌های به تو ندهم؟ فرمودند: بلی ای رسول خدا، پس فرمودند: بگو «خدا پروردگار ما و پروردگار همه چیز است، نازل کننده تورات و انجیل و زبور و فرقان و شکافنده دانه و هسته، پناه میبرم به تو از شر هر موجودی که اختیارش به دست توست، تو نخستینی و کسی قبل از تو نیست و تو پایانی و بعد از تو کسی نیست و تو ظاهری و بالاتر از تو کسی نیست و تو باطنی و پایینتر از تو کسی نیست، بدهی مرا ادا کن و مرا از فقر بیناز کن».

14. العتیق الغروی: دعا «خدایا همانطور که چهرهام را از سجده جز بر خود حفظ کردی، پس آن را در طلب روزی جز از خود، حفظ کن، خدایا مرا بدانچه که بر آن خلق نمودی، نیرو بخش و مرا بدانچه خود مسوولیت آن را به عهده گرفتی، مشغول مکن، و مرا از آنچه بدان عذاب میکنی، باز دار».

15. العتیق الغروی: دعا در سجده شکر برای طلب روزی: «ای کسی که نیکیهای من بر فرمانروایی او نمیافزاید و بدیهای من او را زشت نمیگرداند، بینازی من از خزانه‌های او نمیکاهد و فقر من بر آن نمیافزاید، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امیدت را در قلب من استوار گردان و امیدم را غیر خود، قطع کن تا اینکه به جز تو امیدی نداشته باشم و تنها از تو بهراسم و تنها به تو اطمینان کنم و فقط بر تو تکیه کنم.

16. الاختصاص: بن برید از پدرش نقل کرد، به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت گردم، اوضاع خوب بود و امروز، بسیاری از چیزها

تغییر کرده است. پس فرمودند: هر گاه کوفه آمدی ده درهم طلب کن، و اگر آن را به دست نیاوردی بالشی از بالش های خود را به ده درهم بفروش، سپس ده نفر از یاران را فراخوان و برای آنها غذایی آماده کن. هرگاه خوردند، از آنها بخواه برایت دعا کنند. نقل کرد: به کوفه آمدم و ده درهم طلب کردم ولی نتوانستم، تا اینکه بالش خود را به ده درهم فروختم همانطور که فرمودند، و برای آنان غذایی قرار دادم و ده نفر از یاران خود را فرا خواندم پس زمانی که خوردند از آنها خواستم که برای من به درگاه خدا دعا کنند، طولی نکشید که دنیا به من رو کرد.(1)

17. العتیق الغروی: دعای رزق به روایت از علی بن حسین صلوات الله علیهما: «خدایا از بندگان از آنچه بر آنها تفضل نمودی، طلب قرض کردی، جایگزینش را برای آنها تضمین کردی، و وعده نیک به آنها دادی، ولی آنان از تو بخل ورزیدند پس چگونه با کسی که پایینتر از توست و از آنها درخواستی کند، رفتار میکنند، رای بر کسی که نیازش به آنها باشد، پناه میبرم به تو ای سرور من، از اینکه مرا به آنها واگذاری، به راستی که آنان اگر خزانهای رحمت تو را در اختیار داشتند از ترس هزینه کردن خودداری میکردند، به سبب آنچه توصیفشان کردم و انسان نیازمند است.

خدایا محبت مرا در دل بندگان انداز، و روزی مرا به آسمان و زمین تضمین کن و ترس از من را در دل دشمنانت قرار ده، و مرا به رحمت، الفت ده، و نعمت را بر من کامل گردان، و آن را با کرامت در حق من متصل گردان، و شکرت را بر من فراهم کن و مرا مستحق فزونی از نزد خود بگردان، مرا فراموش مکن، از غافلین قرار مده. مرا دوست بدار و محبوب گردان و آنچه را از سخن و عمل که میپسندی نزد من محبوب بگردان تا با لذت به آن وارد شوم و با نشاط از آن خارج گردم و در حالی که به من نگاه میکنی، تو را در آن بخوانم تا دریابم آن فضلی که نزد توست و آن را بر دوستدارانت منت نهادی و به واسطه آن به اطاعت تو دست یازم به راستی که تو نزدیک و اجابتکنندهای.

ص: 386

پروردگارا، تو مرا به عافیت خود، عادت دادی، و به نعمت، تغذیه نمودی و به رحمت پوشاندی و فضل آغازین تو در صبح و شب بر من جاری است و غیر آن را نمیشناسم و بدانچه بر من فرو انداختی، راضی گشتی تا برای شکر آن نعمتها، تو را حمد گویم و سپاسگزاریام در اثر تلاش اندکم کمرنگ شد، پس با حمد خود بر من منت بنه همانطور که نعمت خود را بر من آغاز کردی، و به واسطه آن اعمال صالح کامل میشود، پس آنچه از رحمت که مرا بدان عادت دادی، از من مگیر که از ناامیدان بشوم؛ زیرا تنها گمراهان از رحمت تو ناامید میگردند.

پروردگارا تو فرمودی «در آسمان رزق شماست آنچه بدان وعده داده میشوید» و گفتار تو حق است، و آن را از تو پی گرفتم تا از یقینکنندگان باشم پس فرمودی: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همانگونه که خود شما سخن می گوید» و آن را دانستم همچون کسی که علمش به او سودی نرساند، آنگاه که صبح و شام کردم و من بعد از مرا بدان ضمانت کردی و سوگند خوردی به چیزهایی پرداختم که در روز، مرا از یاد تو باز میداشت و در شب، خواب را از من گرفت، پس فقر در برابر دیدگانم و آکندگی دلم پدیدار گشت، میگویم: از کجا؟ و به کجا؟ چه تدبیری اندیشم؟ چه کسی به دادم میرسد؟ و چه کنم؟ و از کجا طلب کنم؟ کجا بروم؟ و چه کسی بر من باز می گردد؟ از سرزنش دشمنان میترسم و از اندوه دوستان، ناخوشایندم، و شیطان بر من چیره گشت، اگر مرا به رحمت خویش در نیابی که به واسطه آن بینازی را به من القا کنی، و به سبب آن بر امور دنیا و آخرت خویش توانا گردم.

ای مولای من با وعده خویش مرا خشنود ساز تا به پیمان تو وفا کنم و رزقت را بر من بگستران و مرا از اطاعتکنندگان خویش قرار ده تا ملاقات کنم تو را ای سرور من، در حالی که از پرهیزگارانم.

خدایا مرا پیامرز و تو بهترین آمرزندگانی و بر من رحم کن که تو بهترین رحمکنندگانی و از من بگذر که تو بهترین درگذرندگانی، و مرا روزی بخش که تو بهترین روزیدهندگانی و فضل خود را شامل حالم کن که تو بهترین فضل کنندگانی و جان مرا در حالی که مسلمانم بگیر، و مرا به صالحان ملحق کن، و در روز قیامت،

آن روز که برانگیخته میشوند مرا خوار مکن، روزی که مال و فرزند سودی نبخشد ای سرپرست مؤمنان.

خدایا من به مکان رزق خود آگاهی ندارم، و تنها به واسطه خطوراتی که بر قلبم میگذرد آن را جستجو میکنم و در طلب آن سرزمینها را در مینوردم و من به سبب تلاشی که میکنم، جستجوکنندهای هستم که سرگردانم، نمیدانم در دشت است یا درکوه یا در زمین یا در آسمان یا در دریا یا در خشکی و به دستان چه کسی است؟ و از طرف چه کسی است؟ و دانستم که علم آن در نزد توست، و سببهای آن در نزد توست، و تو کسی هستی که آن را به لطف خود تقسیم میکنی و به رحمت خود سببسازی میکنی، پس رزق مرا فراوان گردان و طلب آن را آسان کن، و محل گرفتن آن را نزدیک گردان، و مرا در طلب آنچه در آن برایم روزی مقدر نکردی خسته مکن، به راستی که تو از عذاب من بیندازی و من به رحمت تو نیازمندم، پس به فضل خود بر من بخشش کن، ای مولای من، به راستی که تو صاحب فضل بزرگی.

18. مهج الدعوات: دعایی از مولا و مقتدایمان امیر مؤمنان علیه السلام که بر انسان آویخته میگردد، از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نقل است، فرمودند: هر کس روزیاش بر او سخت گردد و راههای به دست آوردن آن در زندگیش به پنبست رسید، این سخن بر پوست آهو یا قطعههای چرم نوشته شود و بر او آویخته گردد، یا آن را در لباسی قرار دهد که آن را میپوشد و از خود جدا نمی سازد، خداوند رزق او را گسترده میکند و درهای به دست آوردن معاش او را از آنجا که نمپندارد بر او میگشاید.

«خدایا فلان فرزند فلان نه توانایی سختی دارد و نه شکیبایی بر بلاها و نه توان فقر و نیاز، خدایا پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزیات را بر فلان فرزند فلان منع مکن، و از فراوانی آنچه نزد توست، او را نیازمند مگردان و از فضل خود محروم مکن، و از بهرههای فراوان خود باز مدار و او را به خودش و خلق خود وامگذار، پس از آن ناتوان گردد، و از انجام آنچه به صلاح او و پیش از اوست، ناتوان مماند، بلکه به تنهایی آشفتهگی او را سر و سامان بخش و کفایت او

را عهده‌دار شو، و در تمام امورش بر او نظر افکن، به راستی که تو اگر او را به بندگان بسیاری به او سودی نرسانند و اگر او را به نزدیکانش پناه دهی، او را محروم میکنند، و اگر به او ببخشایند بسیار کم و ناچیز می دهند و اگر از او منع کنند، بسیار از او باز دارند، و اگر بخل ورزند، در حالی این کار را میکنند که شایسته بخل ورزیدن هستند.

خدایا فلان فرزند فلان را از فضل خود بیناز کن و از او دست بردار؛ زیرا او مضطر به سوی توست، و به آنچه در دستان توست، نیازمند است و تو از او بینازی و تو به او عالم و آگاهی، و هر کس بر خدا توکل نماید، خداوند برای او کافی است و به راستی که خداوند به کار او میرسد، خداوند برای هر چیزی اندازه‌های قرار داد، به راستی که با هر سختی آسانی است، به راستی که با هر سختی آسانی است، و هر کس تقوای خدا را داشته باشد، برای او خروجی قرار میدهد و از جایی که نمیداند، روزی میرساند. (1)

ص: 389

روایات:

1. أمالی: امام علیه السلام فرمودند: به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از قرضی که بر گردنم بود، شکایت کردم، فرمودند: ای علی، بگو: «خدایا با حلال خود مرا از حرام بیناز کن و به فضل خود مرا از غیر خود بیناز دار» پس اگر به اندازه صبیر - کوه - بر گردن تو بدهکاری باشد، خداوند آنرا ادا میکند. صبیر اسم کوهی است در یمن که بزرگتر از آن در آن سرزمین، نیست. (1)

أمالی: مثل این حدیث را غضائری از صدوق نقل کرد. (2)

2. معانی الاخبار: عبد الله بن فضل هاشمی نقل کرد به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قرضهای زیادی بر من است و خانواده دارم، و قادر به گزاردن حج نیستم، دعایی به من بیاموزید تا آن را بخوانم، پس فرمودند: در تعقیب هر نماز واجبی بگو: «خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و قرض دنیا و آخرت را از من ادا کن» به ایشان عرض کردم: قرض دنیا را میشناسم، بدهکاری آخرت چیست؟ فرمودند: بدهکاری آخرت، حج است. (3)

3. فقه الرضا: شخصی به خدمت امام موسی کاظم علیه السلام از قرضهای خود شکایت کرد، امام علیه السلام به او فرمودند: بسیار نماز بخوان.

ص: 390

1- . أمالی صدوق: 233

2- . أمالی الطوسی 2: 45

3- . معانی الاخبار: 175

و اگر طلبی از گروهی داری، و گرفتن آن بر تو دشوار است، بگو: «خدایا لحظهای (عنایتی) از لحظات تو - را میطلبم -، ادای دین را بر بدهکاران من آسان گردان و گرفتن آن قرض از آنها را برای من میسر کن، به راستی که تو بر هر چیز توانایی».

هرگاه بدهکار شدی، بگو «خدایا به حلال خود مرا از حرامت بپنار کن و به فضل خود مرا از فضل دیگران بپنار ساز» به راستی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت میکنیم اگر به اندازه صبر - کوه - بر گردن تو بدهی باشد، خداوند آن را ادا میکند و صبر کوهی است در یمن، که کوهی بزرگتر از آن دیده نشده است.

روایت است: بسیار استغفار کن و زبان خود را با خواندن انا انزلناه فی ليله القدر، تر و تازه نگاه دار.(1)

4. تفسیر العیاشی: عبدالله بن سنان نقل کرد: به نزد امام صادق علیه السلام شکایت کردم، پس فرمودند: آیا نیاموزم به تو چیزی را که اگر آن را بر زبان آوری خداوند قرض تو را ادا خواهد کرد و تو را زنده سازد و حال تو را بهبودی بخشد؟ عرض کردم: چقدر به آن دعا نیازمندم، پس امام دعا را به او آموخت، در تعقیب نماز صبح بگو: «توکل کردم بر آن زندهای که نمیرد و سپاس خدایی را که فرزندی برنگرفت و در فرمانروایی شریکی ندارد، و از روی خواری سرپرستی ندارد و او را به بزرگی یاد کن، خدایا من از فقر و نیازمندی و چیرگی قرض و بیماری به تو پناه میبرم و از تو میخواهم مرا بر ادای حق تو به تو و به مردم کمک کنی.(2)

5. مکارم الاخلاق: حسین بن خالد نقل کرد: در بغداد به میزان سیصد هزار طلب داشتم و بدهی حدود چهارصد هزار داشتم، بدهکاران چنان نکردند تا قرضم را به آنان عطا کنم، پس موعد آن فرا رسید، مخفیانه خارج شدم و خواستم خود را به امام موسی کاظم علیه السلام برسانم، نتوانستم پس در نامهای اوضاعم را برای او

ص: 391

1- . آن را در الکافی 2: 554 مبینی.

2- . تفسیر العیاشی 2: 320

نوشتم، و از آنچه بر گردنم است و آنچه در اختیار دارم، پس در گوشه ای از نوشتهم، برای من چنین نگاشتند، در تعقیب هر نمازی بگو:

«خدایا از تو می‌خواهم ای خدایی که جز تو خدایی نیست به حق خدایی که جز تو نیست، به خدایی که جز تو نیست بر من رحم کنی، خدایا از تو می‌خواهم ای خدایی که جز تو خدایی نیست به حق خدایی که جز تو نیست، از من به خدایی که جز تو نیست راضی گردی، خدایا از تو می‌خواهم، ای خدایی که جز تو نیست، به حق خدایی که جز تو نیست، مرا بیامرزی به خدایی که جز تو نیست».

آن را بعد از هر نماز واجب، سه بار تکرار کن، به راستی که حاجت روا می‌گردد، انشاء الله تعالی. حسین نقل کرد: بر آن مداومت داشتم، سوگند به خدا، چهار ماه نگذشت که پدهیام را ادا نمودم و آنچه بر گردنم بود پرداخت کردم و هزار درهم زیاد آوردم. (1)

6. الکافی: اسماعیل بن سهل نقل کرد: در نامه‌ای به حضرت صادق علیه السلام نوشتم که قرض بسیاری دارم، پس نوشتند: بسیار استغفار کن، و زبانت را به خواندن انا انزلناه فی ليله القدر، شاداب بگردان. (2)

ص: 392

1- . مکارم الاخلاق: 399

2- . الکافی 5: 317

می‌گوییم: غالب آداب و اعمال و دعا‌های سفر را در چندین باب در کتاب الحج و در کتاب العشره و کتاب الاداب و السنن آوردیم، و در اینجا پاره‌ای از آن را به جهت تبرک و تیمن ذکر میکنیم، انشاء الله تعالی.

روایات:

1. مهج الدعوات: دعایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آموختند زمانی که ایشان را به یمن فرستادند:

«خدایا من به تو روی می‌آورم در حالی که اطمینانی به غیر تو ندارم و نه امیدی که مرا پناه دهد جز به سوی تو و نه توانی که بر آن تکیه کنم و نه تدبیری که به آن پناه بیاورم، جز جستن فضل تو و رویارویی با رحمت تو و آرام گرفتن در کنار بهترین عادت تو و تو داناتری به آنچه از من گذشت در این روی کردنم آگاهی، از آنچه دوست دارم و ناپسند می شمارم و تو قدرت را بر من قرار دادی و در آن بلای تو پسندیده است، قضای تو روشن است و تو آنچه را خواهی محو یا ثبت نمایی و ام الکتاب در نزد توست.

خداوندا پیمانهای بلاها و تاریکیهای سختیها را از من دور بدار، و جانبی از رحمت خود و پهنای فضل و لطفی از عفوت را بر من بگستران تا اینکه دوست نداشته باشم تعجیل در آنچه که تو به تأخیر انداختی و تأخیر در آنچه که تو جلو انداختی و آن امری پوشیده شده است، از تو میخواهم بعد از من در خانواده و فرزندان و نزدیکانم، بهترین آنچه از پس مؤمنانی که حضور ندارند به جای می

گذاری، قرار دهی، در حفظ ناموس و پوشاندن زشتی و بخشش معصیت و کفایت هر ناگواری، و شکر و یاد و بندگی نیک و خشنودی به قضای خود را روزیام کن، ای سرپرست مؤمنان.

و من و فرزندان و آنچه به من بخشیدی و روزی دادی از زنان و مردان مؤمن را در حمایت خود قرار دهی، حمایت تو که هتک نمیشود و پناه تو که شکسته نمی شود و جوار تو که دستنیافتی است و امان تو که شکسته نمیشود و پوشش تو که پاره نمیگردد، به راستی که هر کس در حمایت، پناه و جوار و ایمنی و پوشش توست، ایمن و محفوظ است و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد.

میگویم: محمد بن مشهدی در کتاب المزار خود نقل کرد: از مولایم امام صادق علیه السلام روایت است فرمودند: زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام خواستند به یمن بروند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند: ای علی دو رکعت نماز بگذار و به سوی من بیا تا دعایی به تو آموزم که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای تو جمع گرداند، مولایم صلوات الله علیها فرمودند: نماز خواندم و به سوی ایشان رفتم، حضرت علیه السلام به من فرمودند: بگو: «خدایا من به سوی تو روی میآورم» و دعا را طبق آنچه ذکر شد، آورد و در پایان آن و صلی الله علی سیدنا محمد و آله نیز افزود.

میگویم: بسیاری از این دعاها و آداب را در کتاب الاداب و السنن و کتاب العشره و غیر آن دو، آوردم و در اینجا بخشی اندک از آن را ذکر میکنیم.

روایات:

1. کتاب زید الزرادی نقل کرد: دیدم امام صادق علیه السلام از خانه خویش خارج شدند و بر در خانه ایستادند، پس هنگامی که به آسمان نگاه کردند سر خود را بالا بردند و انگشت اشاره خویش را میگرداندند و آهسته چیزی گفتند که نشنیدم، پس از ایشان پرسیدم. فرمودند: بله ای زید، هرگاه به آسمان نگاه کردی، بگو:

«ای کسی که آسمان را سقفی برافراشته قرار دادی، ای که آسمان را بدون هیچ ستونی برافراشتی، ای که هوا را به آسمان مسدود کردی، ای نازل کننده برکات از آسمان به سوی زمین، ای کسی که عرش و فرمانروایی او در آسمان است، و پادشاهیاش در زمین است، ای کسی که در تماشاگاه برتری، ای کسی که در افق آشکاری، ای آنکه آسمان را به چراغها زینت داد و آن را مایه راندن شیطانها قرار داد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و فکر مرا در خلقت آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز قرار ده و مرا از غفلتکنندگان قرار مده، و برکاتی از آسمان بر من نازل کن، و آن دری که عمل صالح من به سوی تو بالا میرود، به سویم بگشا تا آن به تو برسد، و کردار ناپسندم را بیامرز، و آن را ذرهای پراکنده، از بینونده قرار ده، و در آسایش، گشایش و رحمت را به رویم بگشا و برکات را بر من بگستران و دو بهره از رحمت خود به من عطا کن و آن دری که از آن انتقام و خشم و عذاب

کوچک و بزرگ خود را نازل میکنی، ببند، به راستی که در خلقت آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز....» تا آخر آیه.

سپس میگوید: «خدایا مرا عافیت بخش از شر آنچه از آسمان به زمین فرود میآید، عافیت بخش و از شر آنچه به سوی آن بالا میرود و از شر آنچه در زمین فرو میرود و از آن خارج میشود و از شر آنچه در شب و روز وارد میشود، مگر آنکه خیر را بر من وارد سازد، رحمتی بر من نازل کن که مرا و خانهایم و خانوادهام و فرزندان و خویشاوندانم را در بر بگیرد و بلایی که مرا گلو گیر کند و از خوابیدن باز دارد، نازل مکن. به راستی که رحمت تو بر خشمتم پیشی گرفت و عافیت تو بر بلای تو سبقت جست».

و اطراف خود و فرزندان آیه الکرسی را میخوانی و من ضامن تو هستم که از شر هر آورنده بدی و انواع بلاها در عافیت باشی.

2. کتاب زید الزراد: نقل کرد: از امام صادق علیه السلام شنیدم میفرمودند: هرگاه کسی از شما ز خانه خارج شد، صدقهای بدهد و بگوید: «خدایا مرا در سایه جوار خویش قرار ده و در این روی کردم، سلامت و عافیت و آمرزش و برگرداندن بلاها را ببخشای، خدایا آن را در این روی کردم، سبب ایمنی من قرار ده و حجاب و پوشش و مانع و پردهای از هر ناگواری و ناخوشایندی و تمامی انواع بلاها قرار ده، به راستی که تو بخشنده سخاوتمند بزرگ کریم هستی.

به راستی، زمانی که این کار را کردی و آن را بر زبان آوردی، پیوسته در سایه صدقه خود هستی، هیچ بلایی از آسمان نازل نمیشود مگر اینکه آن را از تو دور میکند و هیچ بلایی به تو رو نمیکند جز اینکه آن را از تو برمیگرداند و هیچ چیز از خزندگان زمین در زیر تو و سمت راست و چپ تو، تو را اراده نمیکند، مگر اینکه صدقه آن را سرکوب میکند.

باب صد و چهاردهم : در دعاهاى سَرّی روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از خداوند متعال، و این دعاها از جمله احادیث قدسیاند و در آن، دعاهاى برای بسیاری از خواسته‌هاست.

روایات:

1. البلد الامین: دعاهاى سَرّی، روایت است از امام باقر علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله رازی داشتند که تعداد کمی از آن باخبر بودند، و به ندرت به آن دست مییافتند و میفرمودند من میگویم لعنت خدا و فرشتگان او و پیامبران و رسولان او و بندگان صالحش بر کسی که راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر شخص غیرمطمئنی افشا کند، راز رسول خدا صلی الله علیه و آله را پنهان دارید، به راستی که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، میفرمودند: ای علی، به خدا سوگند سخنی به تو نمیگویم مگر آنچه گوشه‌ایم شنیده‌اند و قلم درک کرده است و چشمانم دیده‌اند اگر از خدا نباشد پس از رسول اوست، یعنی جبرئیل علیه السلام پس ای علی بر حذر باش از اینکه این راز مرا برملا کنی، به راستی که من از خداوند متعال خواستم تا هر کس این راز مرا تباه سازد از اصل جهنم بچشاند.

بدان بسیاری از مردم، هرچند عبادتشان کم باشد، اگر بدانند آنچه را به تو میگویم، عبادتشان بسیار میشود و تلاششان بیشتر میشود، و اگر نبودند سرکشان

ص: 397

این امت، این راز را فاش میکردم ولی دانستم که دین تباه میشود و دوست داشتم که این راز جز به فرد مطمئنی گفته نشود.

به راستی که من زمانی که به آسمان برده شدم، به آسمان هفتم رسیدم، چشمم به شکافی در عرش گشوده شد که همچون دیگ میجوشد.

هنگامی که خواستم بازگردم، کنار آن شکاف نشانده شدم و ندایی آمد ای محمد، پروردگارت بر تو سلام میکند، و میگوید: تو گرامیترین مخلوقات اویی، و نزد او علمی است که آن را از تمامی پیامبران و امتهاشان غیر از تو و امت تو، باز داشت، برای آنان که به خاطر خدا از آنان خشنود گشتی، که آن را برای افراد پس از خود، برملا کنند، برای آنان که به خاطر خدا از آنان راضی گشتند، پس از آنکه به تو گویم به اینکه آسیبی نرساند به آنها گناه گذشته و نه ترس از آنچه پیش آید. از این رو، به کتمان آن مامور شدم تا عالمان نگویند: این ما را از اطاعت کفایت میکند.

ای محمد به کسی از امتت که گناه کبیرهای مرتکب شد و میخواهد آن را از بین ببرد و از آن پاکی بجوید، پس بدن و لباسش را برایم پاکیزه سازد سپس به سوی زمین خشکی خارج شود، و به سوی من یعنی قبله رو کند، جایی که کسی او را نبیند سپس دستانش را به سوی من بالا آورد و به راستی که بین من و او هیچ مانعی نیست بگوید:

«ای گستراننده عطای نیکش، ای که فضل رحمت خود را بر ما پوشاند وای هراسانگیز به خاطر قدرت بسیارش، ای رحم کننده بر شخص نابینا در هر جایی، او که به سختی افتاده است پس به سوی تو خارج شد. از تو فریاد و به سوی تو باز میگردد و از تو بیم دارد، میگوید که کردارم ناپسند بود و به خودم ظلم کردم و برا آمرزش تو خارج شدم و در خروج از آتش به تو پناه آوردم و به عزت شکوه تو گذر کردم پس بگذر ای کریم.

و به اسمی که خود را بدان نامیدی و آن را در سراسر عظمت و همراه قدرت خویش و در تمام پادشاهیات قرار دادی و آن را در اختیار خود گردانیدی و به کتاب خود آن را روشن کردی و سنگینی از جانب خود بر آن پوشاندی، ای خدا ای

خدا از تو میخواهم [بر محمد و خاندان محمد درود فرستی] و آنچه را به سوی تو آوردم، بزدایی و جسمم را از مثل آن برگیری، به راستی که من به تو که خدایی جز تو نیست چنگ میزنم و به نام تو که جزئیات همه چیز در آن است ایمان دارم، این اعتراف من به توست پس مرا خوار نکن و عافیت را به من ببخش و مرا از گناه بزرگ نجات بخش، هلاک شدم، پس مرا جبران کن، به حق تمامی حقوق، ای کریم».

به راستی اگر در آنچه تو را امر کردم، دیگری را وارد نسازد، او را از گناه کبیرهایش رها میکنم تا اینکه آن را برای او بیامرزم و تا ابد او را از آن پاک سازم، زیرا من به تو اسمهایی آموختم که دعا کننده با آنها اجابت میشود.

ای محمد، هر کس از امت تو که گناهان غیرکبیرهایش بسیار شود، به طوری که به فراوانی آنها مشهور شود و از پیروی آن گناهان، ناراحت شود، پس هنگام طلوع فجر، یا قبل از غروب شفق به من اعتماد کند و رویش را به سوی من آرد و بگوید:

«ای پروردگار من ای پروردگار من، فلان فرزند فلان از تو بسیار شرم میکند، چون در معرض رحمت تو قرار گرفت و به سبب پافشاری بر گناه کبیرهای که از آن نهی کردی، ای بزرگ، این گناه بزرگی که به درگاهت آوردم، جز تو از آن خبر ندارد، و دور و نزدیک در آن مرا سرزنش کردند، و دوست و دشمن در آن، مرا تسلیم کردند، و دستم را به سوی تو دراز کردم به سبب طمع در یک چیز و آن طمع در رحمت توست، پس بر من رحم کن ای صاحب رحمت گسترده، و در عوض آن آمرزش و عصمت از گناهان را به من ارزانی دار، به راستی که من به سوی تو تضرع میکنم.

از تو میخواهم به نام تو که یاد آن گامهای حاملان عرش تو را نرم کند و با شنیدن آن، ارکان عرش تا پایینترین مرزها، به لرزه درمیآید.

من از تو میخواهم به عزت آن اسمی که هر چیز غیر تو را پر کرد که بر من رحم کنی ای پروردگار من که به این نام تو، به سوی تو پناه آوردم، ای بزرگ فلان و فلان را نزد تو آوردم و آن کار و حاجتی که آن را آورده است، نام میبرد - آثار

به جای مانده از این گناه را بر من ببخشای و مرا از پراکنده شدن آن بعد از این جایگاهم، در امان دار ای مهربان».

به راستی بعد از آنکه این را بگوید، گناهانش به نیکی تبدیل میشوند و دعایش مستجاب میشود و آنچه خواهد همان شود.

ای محمد هر کس کافر باشد و بخواهد توبه کند و ایمان آورد، بدن و لباس را پاکزه کند سپس به قبله‌ام رو کند و چهره بر سجده گذارد، به راستی که میان من و او مانعی نیست، پس بگوید:

«ای کسی که لباس نور تابانی میپوشی که اهل آسمانها و زمین از آن روشنایی گرفتند و ای کسی که دیدن او بر هر کس پایینتر از او پنهان است و اینچنین شایسته است برای روی او که روی فرشتگان مقرب برای آن خاضع گشت، آنچه از عظمت تو که من آن را انکار میکردم، انکاری سختتر از هر نفاق، پس کفر مرا بیامرز، به راستی که من برای تو به سوی تو آمدم و من بهدروغ خودم به تو اعتراف میکنم، پس آنگاه که در کفر به من مهلت دادی سپس مرا از آن خلاص کردی، پس محبت ایمانی که از تو خواهانم بر من چیره گردان، به حق اسمهای خود که علم آن را بر کسانی که پایینتر از تواند، منع کردی زیرا دارای مرتبهای والا و شکوه بسیارند و بر اسم یگانهای که هیچ کس بر عمق آن راه نیابد و به حق تمامی آنها، مرا پناه ده از اینکه به کفر به تو بازگردم، منزهی خدایی جز تو نیست، آمرزش تو را میطلبم، به راستی که من از ستمکارانم».

و زمانی که این را بگوید، سرش را بالا نگیرد مگر اینکه از او راضی گردم و این پذیرش اوست.

ای محمد، هر کس غم و اندوهش فراوان گردد، پس مخفیانه مرا بخواند و بگوید:

«ای زداينده غمها، ای گشاينده تنگی و ای شايسته‌تر از مخلوقات به خودشان، و ای آفريننده این جانها، ای الهامکننده بدیها و تقوا به آنها، ای برطرف کننده اندوه، غمی بر من فرود آمد که سینه‌ام از آن به تنگ آمد و ناتوان گشتم، به حدی که ترسیدم هدف فتنهای باشم، ای خدا و به یاد تو دلها آرام میگیرد، ای

گرداننده دلها [دیدگان] قلب مرا از غمها به آسایش و راحتی، تغییر ده و مرا با قرار دادن در غم ها، از یاد خود مشغول مکن، من به درگاه تو ناله میکنم.

از تو میخواهم به اسم تو که تنها با معنا وصف میشود زیرا تو آن را در نهانهای نورانی خود پنهان داشتی، به حق، آن اندوهای مرا برطرف کن، و سینهام را با زدودن غمها وسعت بخش، ای کریم».

به راستی زمانی که این را بگوید، او را سرپرستی میکنم و غصههایش را برطرف میکنم پس هرگز به سوی او باز نخواهد گشت.

ای محمد، هر کس در دنیای خود به فقر دچار گردد و عافیت از آن را دوست داشته باشد پس به سبب آن نزد من آید و بگوید:

«ای جایگاه گنجهای ثروتمندان، و ای بینیارکننده نیازمندان از فراوانی این گنجها، به سبب آنچه به آنها باز میگردد و نگاه میشود، ای خدا غیر تو خدایی نامیده نمیشود، خدایان غیر تو تنها به کذب و دروغ پرستیده میشوند، خدایی جز تو نیست ای برطرفکننده فقر و ای ترمیمکننده شکستگی و ای زداینده سختیها و ای دانای نهانها بر محمد و خاندان او درود فرست و برگیز من از فقرم رحم کن، از تو میخواهم به نام تو که در بینازیات، جای دارد، و یادکننده آن هرگز فقیر نمی گردد، مرا پناه دهی از فقری که به سبب آن دین را فراموش کنم یا ثروت ناخوشایندی که از طاعت تو روی برگردانم، به حق نور تمام نامهای تو، از رزق تو آن را میطلبم که دنیايم را کفاف کند و به واسطه آن دینم را حفظ کنی، غیر از تو کسی را نمیابم، پیمان روزیها در نزد توست، از قدرتت در آن مرا به چیزی سودمند گردان که به واسطه آن، فقر وارد شده بر من را، برگیری ای بینیار» ای اجابت کننده.

به راستی، زمانی که این را بگوید فقر را از قلب او بردارم و ثروت را به او بپوشانم و او از قناعتگران قرار دهم.

ای محمد کسی که در جان یا دین یا دنیا یا خانواده یا مال خویش دچار مصیبتی شود و دوست دارد که آن را دفع کند، پس آن را نزد من آورد و بگوید:

«ای کسی که بر صابران با آرامشی که به واسطه اطاعت خود، وارد میکنی، منت مینهی، هیچ نیرو و قدرتی جز تو نیست، مصیبتی سنگین بر من وارد شد که مرا به فتنه انداخت و راههای خروج از آن بر من سخت شد و طمع آن، مرا درمانده تو کرد، با امیدی نیک که به تو دارم، پس به سوی تو گریختم و به سبب مشکلم به سوی تو بریدم و به واسطه دعایم به تو امید دارم، هلاک گشتم پس به فریادم برس، و مصیبتم را با از بین بردن غم آن و صبر دادن به من در آن جبران کن، به راستی که تو اگر میان آنچه که در آن هستم، رها کنی، هلاک میشوم، و شکیبایی ندارم ای صاحب نام جامعی که همه چیز در آن است، به حق خود به فریادم رس با زدودن مصیبتم ای کریم».

به راستی، زمانی که این را بگوید، صبر را به او الهام میکنم و او را بر شکر توانا میسازم و مصیبتش را از بین میبرم.

ای محمد، کسی که از چیزی غیر از من از قبیل نیرنگ دشمنان و دزدان میترسد، پس در مکانی که از آن بیم دارد، بگوید:

«ای کسی که اختیار مخلوقات به دست توست، و آنها را به سمت قضا و قدرشان می کشی و حکم خویش را در آن جاری میسازی و آن را خلق میکند و قضای خود را بر آن غالب میکند و تمامی آنها در برابر چیرگی او ناتوانند، ای سرور من، در قدرت آنان به تو اطمینان داشتم، من به سبب ضعف خویش فریفته شدم و به سبب قدرت تو بر کسی که مرا فریفت، به تو روی آوردم، مرا از شر آنان سالم گردان، خدایا اگر میان من و آنها حائل شدی پس آن را از تو امید دارم و اگر مرا تسلیم آنان کنی، نعمتهای تو را در حق من، تغییر میدهند. ای بهترین نعمتدهندگان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و تغییر نعمت را به دست کسی غیر خود قرار نده، و تو این نعمتها را تغییر مده، و تو میبینی آنچه در مورد من خواسته میشود پس میان من و شر آنها حائل شو، به حق آنچه دعا بدان مستجاب میگردد ای خدا ای پروردگار جهانیان».

به راستی زمانی که این را بگوید، او را بر دشمنانش یاری میکنم و محفوظ میدارم.

ای محمد و هر کس از چیزی در زمین از قبیل درنده یا خزندهای بترسد، پس در مکانی که این ترس را دارد بگوید:

«ای کسی که آنچه در زمین است، به علم خود پدید آوردی، به علم تو میشود آنچه آنچه میشود از آنچه خلق کردی، بر آنچه خلق کردی، قدرت داری، و تسلطی چیره داری بر آنچه غیر توست، ای شکستناپذیر ای استوار، به راستی که من پناه میبرم به قدرت تو بر هر چیز از هر چیزی که آسیبی رساند از قبیل درندگان یا خزندگان یا هر موجودی دیگری، ای آفریننده آن ها به فطرت خویش، بر محمد و خاندان محمد درود فرست آن را از من دور کن و مانع آن شو و آن را بر من چیره مگردان و مرا از شر آن عافیت بخش، ای خدا ای صاحب علم عظیم مرا به حفظ خود از هراسهای محفوظ بدار ای مهربان».

به راستی زمانی که این را بگوید، موجودات زمین که دیده میشوند یا دیده نمیشوند به او آسیب نمیرسانند.

ای محمد، هر کس از جن و شیطانی در زمین بترسد زمانی که به هراس افتاد، بگوید:

«ای خدا خدای بزرگ و چیره بر تمامی بندگان به واسطه قدرتت و او که به سبب بزرگیاش نزد مخلوقاتش، اطاعت میشود و خواست خود را بر تقدیر پیشینش جاری کرد، تو مراقب آن چیزی هستی که در شب و روز آفریدی، و کسی که بد او را بخواهی نمیتواند به چیزی از آن بدی جلوگیری کند، و کسی نمیتواند میان تو و چیزی که اراده کنی مانع شود، هرآنچه دیده شود و دیده نشود در اختیار توست، و توقیلهای جن و شیاطین را به گونهای قرار دادی که ما را میبینند و ما آنها را نمیبینیم و من از مکر آنها بیمناکم پس مرا از شر آنان ایمن بدار به حق پادشاهی شکستناپذیرت، ای شکستناپذیر».

به راستی زمانی که این را بگوید، هرگز از سوی جن و شیاطین بدی به او نرسد.

ای محمد هر کس از حاکمی بیم دارد یا میخواهد از او حاجتی طلب کند، پس هنگامی که بر او داخل شد، بگوید:

«ای فراهمکننده آن از آنچه در دست اوست، و ای که آن را بر غیر خود چیره میگرداند و آن را در معرض قرار میدهد تا دین فرو دستتر از خود را بیازماید به راستی که او با خرامانی اش به فرمانروایی که به او عطا کردی، سرکشی میکند و در میان ما به ظلم و جور روی میآورد و طغیان میکند با مباحثات ورزیدن به بزرگی نزد بندگان که او را بدان آزمودی، از تو میخواهم آنچه که او در آن است، را بگیری با قدرتی که نتواند هنگام اراده تو بر آن، از آن جلوگیری کند. من با خیر تو از شر او باز میدارم و از قدرت او به ایزدی تو پناه میآورم [خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست] او را از من دور بدار و مرا از بیم او ایمن بدار به حق روی تو و بزرگی تو ای عظیم».

ای محمد هرگاه از او حاجتی خواهد بگوید:

«ای کسی که به او از خودش شایستهتر است، و ای کسی که از قلبش به او نزدیکتر است و از دیگران به او داناتر است، ای روزیدهنده او از آنچه در دستانش است و من به آن محتاجم، از تو میخواهم، و تو را شفیع میگردانم تا به حاجتم دست یابم، پس زمانی که با او سخن میگویم، قلبش را در اختیار من قرار ده، و آن را مغلوب من گردان، تا تمام نیازهای خود را از او بستانم بدون اینکه ممانعت کند و منت نهد یا بازگرداند و درشتی کند، ای زنده بینازی که نمیمیری و پیر نمی شوی، قلب او را از اینکه مرا بدون روا کردن حاجتم بازگرداند، بمیران و حاجت مرا از آنچه قبل آن بود، روا ساز، و همچون شکستناپذیر توانمند آن را برای من بستان به حق قدرتت که به واسطه آن بر جهانیان غلبه کردی».

و زمانی که این را بگوید، حاجت او را برآورده میسازم هرچند در جان مطلوب باشد.

ای محمد هر کس میان دو کار مشغول است و میخواهد آن یکی را انتخاب کند که به رضایت من نزدیکتر است پس او را به این ملزم کن که هرگاه خواست بگوید:

«خدایا آن را به علم خود برای من برگزین و به علم خود مرا به رضایت و محبت خویش موفق بدار، خدایا به قدرت خود آن را برایم برگزین و به عزت

خویش [و قدرتت] مرا از خشم و دشمنی خویش دور بدار، خدایا در این دو کاری که دارم - و آن دو را نام می بری- محبوبترین آنها در نزد تو و پسندیدهترین آن و نزدیکترین آن به خویش را برای من انتخاب کن، خدا از تو میخواهم به قدرتی که به واسطه آن علم اشیاء را از مخلوقات بازداشتی، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و با برگرفتن خویش، ذهن و علاقه و باطن و ظاهر من، غلبه کنی و اختیار مرا در آنچه از تو طلب کردم به سمتی ببر که رضایت تو و صلاح من است و مرا به کار ملزم کنی که به حکم تو راضی گردم و بر قضای تو تکیه کنم، و در آن به قدرت تو اکتفا نمایم، و مرا بر مگردان در حالی که علاقهام بر خلاف میل توست و آنچه میخواهم به دور از چیزی است که تو میخواهی به قدرت خود که به واسطه آن آنچه دوست داری حکم میکنی، بر علاقه من غلبه کن، و آن آسانی که به واسطه آن از صاحبش راضی میشوی، برای من میسر گردان، و بعد از آنکه کارم را به تو واگذار نمودم، مرا تنها مگذار به رحمتت که همه چیز را فرا گرفت، خدایا خیر خود را در قلب من قرار ده و قلبم را برای پابندی به آن بگشا، ای کریم اجابت فرما».

و زمانی که این را بگوید، بهره‌های او در دنیا و آخرت را برای او برمیگزینم.

ای محمد هر کس در معرض بلاهایی چون بیماری قرار گیرد و سپس آن را به نزد من آورد و بگوید:

«ای کسی که جسم فرشتگان را سالم گردانیدی و این جسمها را برای طاعت خویش به کار گرفتی، ای آنکه انسانها را به صورت سالم و ناسالم، آفریدی و ای آنکه بیماران و تندرستان را در معرض پاداش و بلا قرار میدهی، ای درمانکننده بیماران و شفادهنده آنان [ای سالم کننده مریضان با پوشاندن لباس عافیت بر آنان] به طبابتش ای کسی که با رحمت شکوهمند خود بلاها را از مصیبتزدگان دور میکنی، چیزی بر من فرود آمد که به واسطه آن نزدیکان و خانواده و دوست و دور، مرا طرد کردند و دشمنانم زبان به شماتت گشودند به طوری که به واسطه این بلا بر زبانهای مردم افتادم، و اهل زمین به سبب علم اندکشان از درمان دردم، مرا به ستوه آوردند، در حالی که درمان و داروی من در علم تو و نزد تو ثابت است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به طبابت خویش بهره رسان که به هیچ طبیبی جز

تو امید ندارم و هیچ دوستی از تو بر من مهربانتر نیست، بلای تو نعمتهایت را بر من تغییر داد، پس آن را به گشایش و آسایش مبدل ساز، به راستی که اگر چنین نکنی، از غیر تو امید ندارم، پس مرا به درمان خویش سود رسان، و به دآوری خود محاکمه فرما ای مهربان».

و به راستی زمانی که چنین گوید، سختیاش را از او برگردانم و او را عافیت دهم.

ای محمد، هر کس از امت تو به قحطی دچار شود، و من گناهکاران را به قحطی مبتلا میکنم تا همگی به سوی من پناه آورند و ستمگرشان به سوی من پناه جوید، بگوید:

«ای کسی که با زنده داشتن ما به واسطه گسترانیدن روزیاش بر ما، ما را بر دینمان یاری کرد، امری بزرگ بر ما فرود آمد، که غیر فروآورنده آن کسی نمیتواند، آن را بگشاید، ای نازلکننده آن، بندگان از گشایش آن درماندند، و جسمها مشرف به هلاکت شدند، هرگاه بدنها هلاک شوند، دین هم از بین میرود، ای چیره بر بندگان و تدبیرکننده امورشان با مشخص کردن روزیهایشان، هرگز میان ما و روزیات مانعی قرار مده و کام ما را به چیزی گوارا کن که در مواجهه با کرامت تو باشد، بندگان غیر گنهکار تو نیز به گناهان ما دچار شدند، پس به کسی که او را شایسته آن قرار دادی، زمانی که به واسطه او درخواست میشوی، بر ما رحم کن، ای مهربان، و آنچه در آسمان است از زمینیان منع مکن و رحمتت را بر ما پراکنده ساز و جواب خود را بر ما بگستران، و یا پذیرش خود به سوی ما بازگرد و ما را از فتنه دین و دنیا و شتمات کافران، عافیت ده، ای صاحب سود و زیان، به راستی اگر ما را نجات دهی، به سبب انجام اعمال نیک ما نیست بلکه برای کامل کردن رحمت و نعمتی است که به ما بخشیدی، و اگر ما را بازگردانی از روی ظلم تو در حق ما نیست بلکه به سبب گناهان ماست، پس قبل از آنکه بازگردیم بر ما ببخش و با روا شدن حاجتمان ما را بازگردان ای بزرگ».

به راستی اگر در آنچه تو را امر کردم، کسی غیر از مرا اراده نکند، مصیبت مردمان این سرزمین را به آسایش تغییر دهم و ترس آنان را ایمن و سختیشان را آسان گردانم و این بدان سبب است که دعایی عظیم به تو آموختم.

ای محمد هر کس برای حاجتی و یا به قصد سفر از خانه خارج شود و بخواهد که او را سالم و به همراه روا ساختن حاجتش برگردانم، هنگامی که از منزل خارج شد بگوید:

«خارج شدنم به نام خداست، و با اذن او بیرون شدم و قبل از آنکه خارج شوم، علم داشت، و علم او از آنچه در خروج و بازگشت من است به شماره درآورد، بر خدای بزرگ توکل نمود، توکل کسی که کارش را به او واگذار کرد و در امورش از او یاری جست از فضل او طلب فزونی میکند و خود را از هر قدرت و نیرویی به جز او پاک میگرداند، خارج شد همچون گرفتاری که مشکلش را به نزد کسی میبرد تا آن را برطرف نماید و همچون نیازمندی که فقر خود را به نزد کسی میبرد تا آن را بزدايد، و همچون ناداری که نیازمندی خود را به نزد کسی میبرد تا بینیازش مسازد، و بیرون رفتنش همچون کسی است که پروردگارش بزرگترین اطمینان و بیشترین امید و برترین آرزوی اوست، خداوند اعتماد من است در تمام یکارها و در تمامی آنها از او یاری میطلبم، و چیزی نیست جز آنچه خداوند در علم خویش خداست، از خداوند بهترین خروج و دخول را خواهانم خدایی جز او نیست و بازگشت به سوی اوست».

به راستی زمانی که چنین گوید، دخول و خروج او را همراه با شادی قرار دهم و او را سالم بازگردانم.

ای محمد هر کس از امت تو بخواهد که میان دعای او و من مانعی نباشد، و او را اجابت کنم برای هر کاری که خواست بزرگ یا کوچک در نهان و آشکار، به نزد من یا دیگران، پس در آخر دعای خود بگوید:

«ای خدایی که به قدرت خویش خلق را بازمیداری و بدان سلطه خود را مالکی و بر آنچه در دستان توست، چیره‌ای، هر کس غیر تو که به او امید بسته شود، امیدوار را ناامید میکند، و امیدوار به تو شادمان است و ناامید نمیگردد از تو می

خواهم به خشنودیات از تمام چیزهایی که در آنی و به تمام چیزهایی که دوست داری بدان یاد شوی، و به خودت ای خدا، که هیچ چیز برابر تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا و پدر و مادرم و فرزندانم، برادران و خواهرانم و مال را به حفظ خود فرا گیری و حاجتم را در فلان و فلان برآوری».

به راستی زمانی که چنین گوید حاجتش را برآورم قبل از آنکه از جای خود برود.

ای محمد، هر کس به دنبال چیزی باشد که بندگان به واسطه آن به من نزدیکی میجویند، و اینکه هر چه بود را به روی او بگشایم، زمانی که آن را خواست، بگوید:

«ای کسی که با پایبند بودن به اطاعتش ما را به بهره‌های خودمان هدایت میکند، و ای کسی که ما را به عبادت خویش که آن را راه رضایت خویش قرار داد، راهنمایی کرد، خیر را تنها سرپرست آن می‌گشاید، ای سرپرست خیر از تو فلان و فلان را می‌خواهم- و آن را نام ببرد - و برای رسیدن به آن، دری گشوده و راهی روشن نمایم، و نه آمادگی که سبب آسانی گردد. از تمام کارهایم در ابتدا و انتهایشان، درمانده‌ام، و تو سرپرست گشودن آن برای من هستی، زیرا تو مرا به آن راه نمایندی پس آن را از من منع مکن، و ما را از آن باز مگردان، و هیچ کس غیر تو بر آن قادر نیست، و نزد کسی جز تو نیست، از تو به تمام کلیدهای نهانت و شکوه تمامی علمت و بزرگی سراسر کارهایت، می‌خواهم چشمم را روشن کنی، قلم را شاد گردانی و پر من گوارا کنی با بخشیدن نعمتهایت در آسانی برآورده شدن حاجتها و آنها را در حوائج کسی قرار دهی که حاجاتشان برآورده شده است. به حق خود مرا از آنکه به تو تکیه نمودم باز مگردان، مگر با آن حاجت، به راستی که تو گشاینده خیراتی و بر هر چیز توانایی، پس ای گشاینده ای تدبیرکننده بر محمد و خاندان محمد درود فرست و اسباب آن را برایم آسان و راهش را برایم سهل گردان، و از بینایی خود در ورود آن را بر من بگشا و شایسته است که پناه آوردنم به تو مرا سود رساند، ای مهربان».

به راستی زمانی که چنین گوید، با رضایت از او، در خیر را به رویش می‌گشایم و او را دوست خود قرار می‌دهم.

ای محمد هر کس از امت تو بخواهد که او را از کینه و حسادت و ریا و فسق عافیت دهم، زمانی که اذان صبح را شنید، بگوید:

«ای خاموش کننده نورها، به روشنایی خود، ای بازدارنده چشمها از دیدن خود، ای سرگردانکننده دلها در شأن خود، به راستی که تو پاک و منزهی و هر کس را بدان پاک گردانیدی به پاکی تو پاکیزه گشت، و کسی بیشتر از من محتاجتر به اینکه دین، بدن و قلب او را پاک گردانی نیست، و در هر حال که از طاعت و میل تو دور بودم به همراه من مباش، هرچند اگر به اطاعت از تو، چندان میلی ندارم، به حق جلال و شکوهت، تا اینکه از جانب تو به فضیلت طهارت در تمامی کارهایم دست یابم، پروردگارا [بر محمد و خاندان محمد درود فرست] و طهارتی که بر بدن من نازل کردی، چنان سبب خیر بگردان که به واسطه آن، آنچه در سینه و خویش پنهان میدارم، پاک سازم، و مرا بر طبق آن قرار ده خواه دوست داشته باشم و خواه ناپسند دارم، و محبت مرا پیرو محبت خویش بگردان، و مرا از غیر خود مشغول دار، چنان که به عمل به طاعت تو مشغول شوم، و دیگران را از من باز دار تا از دست خود و دیگر مخلوقات عافیت یابم».

به راستی که زمانی که چنین گوید، محبت دوستان و کینه دشمنانم را با او همراه سازم، و هر آنچه برای بندگان صالح خویش کفایت کنم برای او نیز کافی سازم.

ای محمد هر کس حاجتی مخفی داشته باشد هر چه که میخواهد باشد از من یا از دیگری، پس در دل شب با من خلوت کند و دعا نماید و در حالی که طهارت دارد، بگوید:

«ای خدا کسی را نیافتم جز اینکه تو امید اویی و من از امیدوارترین بندگانم به تو هستم و تمامی بندگانم، اطمینان دارند، و من از مطمئنترین بندگانم به تو هستم، و تمامی مخلوقات در حاجتشان به تو تکیه دارند و برای درخواست آن مسألت میکنند و من از پراصرارترین آنها در مسألت هستم و از کسانی که بیشترین

تکیه بر تو دارند، و من بیشترین اطمینان را در خواسته خود دارم و آن فلان و فلان است - حاجت خود را نام ببر - به راستی که آن را برآوری، روا می شود و اگر برنیآوری هرگز روا نمی شود و از این کار، چیزی ملازم من گشت که از آن چارهای ندارم. از این رو به درگاه تو درخواست نمودم ای جاری سازنده احکام خویش با قطعی کردن آن، بر محمد و خاندان محمد درود فرست با ثبت حاجت من در نهانهای اجابت، آن را برآورده ساز تا اینکه مرا کامیاب به آن بازگردانی، به طوری که پر خواستههای دیگر بندگان غلبه کند و با قطعی کردن و آسان گردانیدن آن و برآوردن آن بر من منت بنه، و آن را برایم میسر گردان به راستی که من به برآورده شدن آن درماندهام، و تو از آن آگاهی داشتی، پس سختی مرا بزدای به حق خود که هرچه خواهی، برآوری.»

به راستی زمانی که چنین گوید، قبل از آنکه از آنجا رود، حاجتش را برآورم پس باید خود را بدان طیب بدارد.

ای محمد، من علمی دارم که به واسطه آن، او را به رضایت همراه با عبادت خویش می رسانم و علاقه او را به سمت محبت خودم میکشانم، هر کس چنین خواهد، بگوید:

«ای کسی که دلهای مخلوقات را از علاقهشان به محبت خود سوق میدهی و ای کوتاهکننده دلهای بندگان برای قطعی کردن قضا با اجرای قدر، قلب مرا بر طاعت و معرفت و پروردگاریات، ثابت بدار و در قضا و قدر خود، برکت در جان و خانواده و مال مرا از لوح حفظ و حفاظتشدۀ با نگهداری خود ثبت کن، ای کسی که محفوظ حفاظتکننده در حفظ اوست، مرا به آن حفاظتی نگاه دار که هر که را بدان حفظ کردی، محفوظ داشتی. و به خواست خود تمامی کارهایم را در اطاعت از خود موافق قرار ده، و دوست داشتن آنچه دوست داری از محبت خود به من در دنیا و آخرت را محبوب من گردان. و مرا در دنیا بر آن زنده بدار و بر آن بمیران و در هر حال مرا از اهل آن قرار ده، چه دوست داشتم یا بی میل بودم، ای مهربان.»

به راستی زمانی که چنین گوید، فتنهای در دینش به او نشان ندهم و هرگز طاعت و رضایت خویش را مورد اکراه او قرار ندهم.

ای محمد هر کس از امت تو، رحمت و برکات و خشنودی و مهربانی و پذیرش و ولایت و اجابت مرا دوست بدارد، هنگام زوال خورشید یا سپری شدن شب بگوید:

«خدایا پروردگار ما، تمامی سپاس و جزئیات آن مخصوص توست، همانگونه که از اهلش طلب حمد کردی کسانی که برای آن آفریدی، خدایا پروردگار ما، تو را سپاس، همانگونه که تو را حمد مینمودند کسانی که با سپاس از او راضی شدی، به سبب اینکه نعمتهای تو را شکر کرد، خدایا، پروردگارا، سپاس تو راست، همانگونه که بر خود پسندیدی و آن را بر بندگان حکم کردی، حمدی که هراسناکان از هیبت تو، بدان میگیرند و بیمناکان از قدرت تو، از آن ترس دارند، و در نزد کسانی که از نعمت تو برخوردارند به سبب عطا کردن آشکار است. منزهی و بزرگمنش در جایگاهی که چشم بینندگان حیران ماند و افکارشان از دسترسی به دانستن شکوه آن سرگردان گشت. در تمام منزلگاههای والای خویش، بزرگ گشتی و در نعمتهایی که در آن بزرگمنشی، منزّه گشتی، خدایی جز تو که بزرگ و بزرگتری وجود ندارد، مارا برای نیستی آفریدی و خود جاودانهای، و نه تو نابود میشوی و نه ما میمانیم، تو آگاه از ما هستی و ما به واسطه تو عزت یافتیم و از مرتبه تو در غفلت هستیم، تو کسی هستی که با خواب سبک و خوابیدن غافل نشوی، به حق خود ای سرور من، مرا از تغییر نعمتهایی که در روزگار دنیا، در دین و دنیا به من عطا کردی، به خود پناه ده ای کریم».

به راستی زمانی که چنین گوید، هر آنچه بر بندگان صالح سپاسگزار و شکرگزار خود کفایت کردم او را نیز کفایت میکنم.

ای محمد هر کس از امت تو خواهان حفاظت مراقبت و یاری من است در صبح و شب و به هنگام خواب بگوید:

«به پروردگارم ایمان آوردم و او خدایی است که جز او خدایی نیست، خدای همه چیز و نهایت هر آگاهی و وارث آن و پروردگار هر پرورنده است. خدا را بر بندگی، خواری، حقارت خویش گواه میگیرم، و به نیکهای خدا در حق خویش اعتراف میکنم، و به شکر اندک خود اقرار می کنم و در این روز و شب از خدا

مسألت میکنم به حق آنچه واجب میدانند بر آنچه از من میبیند، رضایت و ایمان و اخلاص و روزی فراوان و یقینی خالص از شک و تردید، خداوند مرا از غیر خود، کفایت میکند و خداوند کارگزار من از هر کسی جز اوست، به تمامی علم پنهان و آشکار خدا، ایمان آوردم، و پناه میبرم به علم خدا از هر بدی و هر شری، پاک است او که داناست به آنچه آفرید و آگاه به آن است، آن را برمیشمرد و بر آن تواناست، هرچه خدا خواست، هیچ نیرویی جز خدا نیست، از خداوند طلب آمرزش میکنم و بازگشت به سوی اوست».

به راستی زمانی چنین گوید برای او وجههای در میان خلق قرار دهم، دلهاشان را به سوی او متوجه گردانم، و دینش را مصون بدارم.

ای محمد، به راستی که سحر از قدیم بود و به کسی آسیب نرساند، جز با اذن من هر کس دوست دارد از شر جادوگری از کسانی باشد که در عافیت من به سر میبرند بگوید:

«خدایا ای پروردگار موسی که با سخن گفتن با او، او را ویژه گردانید، و با عصایش هر کس را که به او نیرنگ زد، شکست داد، و بعد از آنکه چوبی بود به ماری تبدیل کرد، دروغ دروغ گویان را فرو خورد، و کار جادوگران را باطل کرد و نیرنگ فاسدان را زائل کرد، هر کس عمداً یا سهواً قصد جادو و یا آسیب زدن به من دارد، آن را بدانم یا ندانم، از آن بترسم یا نترسم، با سببهای آسمانی کار او را منقطع گردان، تا او را از من بازگردانی در حالی که ضرری به من نرساند و نفوذ نکرد و مرا سرزنش ننمود و من به عظمت تو سینه دشمنان را دفع می کنم. پس در برابر آنها، بهترین و کاملترین موانع من باش، ای بزرگوار».

به راستی زمانی که چنین گوید جادوی هیچ جادوگری از جن و آدمیان هرگز به او آسیبی نرساند.

ای محمد هر کس از امت تو میخواهد واجبات و مستحباتش مورد قبول واقع شوند، پس بعد از هر عمل واجب یا مستحبی بگوید:

«ای کسی که دین استوار را برای فرشتگانش، دینی پسندیده از آنان برای خویش قرار داد، ای کسی که از غیر فرشتگان، کسانی را برای آزمایش به دینش

آفرید، ای آنکه برای دین خود از مخلوقات فرستادگانی به سوی آنها فرستاد، ای که دینداران را پدانه در دین عمل کنند، پاداش دهی، به حق نام خود که تمامی خیرها به آن منتسب میشوند، مرا از دینداران خود قرار ده که حق دین را بر آنان ملزم می کنی، و دلهایشان را بدین سمت گرایش می دهی تا حق تو را در آن ادا کنند، به حق نام تو که تفصیل همه چیز در آن است، چیزی غیر از دین خود را در نزد من پرفضیلتتر قرار نده. و دوستی مرا به غیر آن شدید مکن و آن را به من متصل مگردان و مرا به سمت آن بریده مگردان، و بر خاطر و علاقه و پنهان و پیدای من غلبه کن، و اختیارم به سمت اطاعتت در دین که سبب رضایت تو از من میشود، سوق ده».

به راستی زمانی که چنین گفت، واجبات و مستحبات او قبول میگردانم و او را از خودپسندی نگاه میدارم، و اطاعت و یاد خویش را محبوب او میگردانم.

ای محمد هر کس از امت تو که غم قرضی او را آکنده ساخت، پس آن را به نزد من آورد و بگوید:

«ای کسی که دو گروه فقیر و بینیز را امتحان میکنی و آن را به خاطر صبر در آنچه آزمایش کردی، پاداش میدهی، ای آنکه محبت مال را نزد بندگانیش زینت داد، و بخل و سخاوت را به جانها الهام کرد، ای که مخلوقات را بر سختی و نرمی آفریدی، قرض فلان فرزند فلان مرا اندوهگین ساخت و با منتش بر من، مرا رسوا کرد، و درخواست آن ناتوانم جز از تو، ای بهترین کسی که حاجات از او خواسته میشود، ای زداینده ترسها، با فراهم کردن پرداخت آن قرض از طریق روزی خود، این غم و ترس ناشی از بدهی را برطرف نمای، و آن را روا ساز. ای توانمند، و با تأخیر در پرداخت آن و با تنگ گرداندن آن بر من، مرا خوار مساز، ادای آن دین را بر من آسان کن، به راستی که من به بردگی کشیده شدم، پس از گشایش خود که هرگز از بین نرود و کاستی نپذیرد مرا آزاد کن».

به راستی زمانی که چنین گوید، بدهکار را از او برگردانم و از طرف او بدهیاش را پرداخت نمایم.

ای محمد هر کس ترسی در او افتد و دوست بدارد که نعمت را بر او تمام کنم و به او کرامت بخشم و او را نزد خویش با آبرو گردانم، بگوید:

«ای فزاینده عزت در دل‌های تقوایندگان، ای سرپرست آنها به سبب نیکی باطنشان، ای ایمنگرداننده آنان به سبب بندگی نیکشان، از تو می‌خواهم به تمام آنچه شمارش آن را نگاه داشتی از هر آنچه علمش را نیکو گرداندی، با استوار کردن قلبم بر آرامش و ایمان، مرا اجابت کنی و با پذیرفتن خود، مرا به اوج رغبت در اطاعت خود برسانی به طوری که به دیگری توجه نکنم و از غیر تو نهراسم ای مهربان».

به راستی هر کس چنین گوید او را از حوادث عجیب در جان و دین و نعمتهایش ایمن گردانم.

ای محمد به کسانی که می‌خواهند به من نزدیکی بجویند، بگو: یقیناً بدانید که این سخن بهترین چیزی است که شما بعد از واجبات، میتوانید بدان نزدیکی بجویی و می‌گویی:

«خدایا هیچ یک از مخلوقات نیست که شام کرده باشد و تو در حق او نیکوکردارتر از من، و کرامت در حق او پایدارتر و فضلت بر او روشنتر و مهربانیات بر او بیشتر و احاطهات بر او شدیدتر و مهرت بر او سخت تر از من باشد و اگر تمامی مخلوقات، چون من، آن را به شماره درآورند، پس گواه باش ای آنکه شهادت کافی است، من با نیت صادقانه تو را گواه میگیرم که در عطا کردن نعمتهای خود بر من، دارای فضل و بخششی، و سپاسگزاری من در برابر آن اندک است، ای به انجام رساننده هر آنچه اراده کند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا ایمن گردان از اینکه به خاطر شکر اندک من، خشم تو بر آن وارد شود، از اتمام نعمتهای خود، فراوانی آمرزش را نصیب من گردان، و خیر خود را بهرام کن، و بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به باطنم مسنج و قلبم را برای خشنودی خود آزمایش کن، و آنچه از دینت که به تو نزدیکی جستم، برایم خالص گردان و آن را همراه با شبهه و یا فخر و یا تکبر قرار مده ای بزرگوار».

به راستی زمانی که چنین گوید، او را محبوب اهل آسمانها گردانم و او را بسیار سپاسگزار نام مینهم.

ای محمد و هر کس از امت تو بخواهد که با کفایت من تسلطی از جانب شروران بر او نباشد، بگوید:

«ای نگهدارنده فرمانروایی بر غیر خود، و ای بازدارنده دیگران از دستیابی به فرمانروایی، ای بینازکننده تقوا پیشگان با دور کردن سختیها از آنان در تمامی امور، سرپرستی مرا در دین و دنیا به غیر خود وامگذار، و زمام امور نیکان را به سمت من سوق ده تا از خیر آنان به نیکباش دست یابم، و مرا یاور آنان قرار ده، و زمام امور بد ذاتان را در دست من قرار ده و نگهدار من از شر آنان باش و مدافع و بازدارنده من باش تا به واسطهی نگاهداری و سرپرستی خود از من، از شر کسی که جز به ایمنی تو، نمیتوان در امان بود، ایمن گردم، ای مهربانترین مهربانان».

به راستی زمانی که چنین گوید، هرگز نیرنگ حیلگر به او آسیبی نمیرساند.

ای محمد هر کس از امت تو که خواهان منفعت در تجارت خویش است، هنگامی که آن را شروع کرد بگوید:

«ای فزاینده درآمدهای تقوای پیشگان که آنها را چندین برابر قرار می دهی، ای سوقدهنده روزیها و جاری سازنده آنان به مخلوقات، ای ترجیحدهنده برخی از ما بر برخی دیگر در روزیها، مرا در این تجارت به سمت بینازی نگاه دارنده و سپاسگزار جهت ده که به نیکی او را سپاس گویم، تا مرا از آن بهره‌مند سازی و به واسطه آن از من سود برسانی، ای که تجارت‌های جهانیان را به طاعت خویش، پرفایده گردانی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست در این تجارت، به من روزی عطا کن تا نیک کرداری را در آنچه مرا بدان مبتلا میکنی، نصیم گردانی، و به واسطه آن مرا از سرکشی و ناامیدی بازداری، ای بهترین پراکننده روزی، با برگرداندن دعای من با خسارت، دشمن مرا شاد مگردان، و به واسطه اینکه از تو درخواست نمودم و تو را خواندم مرا سعادتمند گردان ای مهربانترین مهربانان».

به راستی زمانی که چنین گوید به تجارت او را سودمند گردانم و بر آن بیافزایم.

ای محمد هر کس از امت تو ایمنی از بلاها و استجابت دعا را خواهد،
هنگامی که اذان مغرب را میشنود، بگوید:

«ای چیرهکننده انتقام خویش بر دشمنانش با خواری آنها در دنیا و عذابشان در آخرت، ای گستراننده فضل بر دوستان خویش، با نگاهداری آنها در دنیا و و ای نیکو عطا و ای صاحب عذاب سرسخت با انتقام و ای نیکوپاداشدهنده با ثواب، و ای آفریننده اهل بهشت و دوزخ که عملشان را با آنان همراه میگرداند، ای دانا به کسانی که بهشت میروند یا دوزخ، ای هدایتگر ای گمراه کننده ای کفایتکننده ای عافیتدهنده ای مجازاتکننده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به هدایت خویش مرا راه نمای و به عافیت خویش مرا از اینکه از اهل جهنم و به همراه شیاطین باشم، عافیت بخش، و بر من رحم کن، به راستی اگر بر من رحم نکنی از زیانکارانم، و مرا از زیان به واسطه دخول جهنم و محرومیت از بهشت، پناه ده به حق خدایی که جز تو نیست، ای صاحب فضل بسیار».

به راستی زمانی که چنین گوید، به رحمت خویش او را به مقامی که میگفت فرو پوشانم.

ای محمد هر کس غایب باشد و دوست بدارد که او را سالم و به همراه برآورده ساختن حاجت، بازگردانم، پس در غربت خویش بگوید:

«ای جمعهکننده بهشتیان بر اساس نزدیکی دلهاشان و بسیاری شوق در محبت و ای جمع کننده میان طاعت خویش و مخلوقاتش که برای آن آفرید، ای گشاینده از هر اندوهناک، ای پناه دهنده هر غریب، ای رحمکننده بر من در غربتم با نگاهداری نیکو و مراقبت و یاری و ای زداینده احساس تنگی و اندوه از من به واسطه جمع کردن میان من و دوستانم، ای پدیدآورنده الفت میان دوستان بر محمد و خاندان محمد درود فرست مرا به جدایی خانواده و فرزندانم دردمند مکن و خانوادهام را به عدم بازگشت من مصیبت زده مساز، به تمامی درخواستهایم، تو را میخوانم مرا اجابت کن، و این دعای من از توسل بر من رحم کن، ای مهربانترین مهربانان».

به راستی زمانی که چنین گوید در غربتش با او انس گیرم و او را در خانواده‌اش حفظ کنم و او را سالم به همراه برآوردن حاجتش بازگردانم.

«ای محمد هر کس از امت من بخواهد نمازش را چند برابر بالا برم، بعد از هر نماز واجبی بگوید، در حالی که دستانش را بسیار بالا میبرد:

ای آشکارکننده رازها، ای روشنگر پنهان، ای قرار دهنده احکام و آفریننده چهارپایان، ای آفرینشگر مردمان، و واجبگرداننده اطاعت و الزام کننده دین و بایسته گرداننده عبادت، از تو می‌خواهم به حق پاکی هر نمازی که طاهر کردی و به حق آنکه نماز را برای او پاک داشتی، و به حق کسی که به واسطه او نمازم را طیب گرداندی، نمازم را پاک، مورد قبول پذیرش خود و بالا بردن خویش قرار دهی و دینم را به واسطه آن پاک گردانی و بر قلبم محافظت نیک از آن الهام فرمایی، تا مرا از اهل آن قرار دهی، کسانی که آنان را به خشوع در نماز یاد کردی، تو سرپرست تمام سپاسی. خدایی جز تو نیست، سراسر حمد با تمامی سپاس از آن توست که سرپرست آنی، و تو سرپرست تمام توحیدی، خدایی جز تو نیست و سراسر توحید با تمامی توحیدی که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سرپرست تمامی تهلیل هستی، خدایی جز تو نیست پس سراسر تهلیل با تمامی تهلیلی که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سرپرست تمامی تسبیحی، و خدایی جز تو نیست و سراسر تسبیح با تمام تسبیحی که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، و تو سرپرست تمامی تکبیر هستی و خدایی جز تو نیست و سراسر تکبیر به همراه تمام تکبیری که تو سرپرست آنی، مخصوص توست، پروردگارا با بالا بردن این نماز من به صورت پاک و مورد قبول آن را بر من بازگردان و به راستی که تو شنونده آگاهی».

به راستی زمانی که چنین گوید، نماز او را چند برابر در لوح محفوظ بالا برم.

می‌گویم: در برخی کتابهای الاجازات، سندهایی برای دعا‌های پنهانی یافتیم که چنین است:

به خط سید نظام الدین احمد شیرازی فقیر به درگاه خداوند بینیا
بینیاکننده احمد بن حسن بن ابراهیم حسنی حسینی، روایت میکند از
عموی خود و

مورد خدمت او، عظمت آیین و دین اسماعیل از پدرش و مورد خدمتش شرف اسلام و عزت مسلمین از شیخ شیوخ محدثین صدر حق و دین ابراهیم بن محمد بن موید از شیخ سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر حلی از شیخ امام مهذب الدین ابی عبدالله حسین بن فرج نیلی از شیخ مفید ابی علی حسن بن محمد طوسی از شیخ امام ابی جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی.

از شیخ امام صدرالدین نیز از امام بدرالدین محمد بن ابی کرم عبدالرزاق بن ابی بکر بن حیدر از قاضی فخر الدین محمد بن خالد ابهری از سید امام ضیاء الدین ابی رضا فضل الله بن علی راوندی نقل کرد: حدیث گفت برای ما ابو عبدالله بن حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری از ابی محمد هارون بن موسی تلعکبری نقل کرد: روایت کرد برای ما ابو علی محمد بن همام، نقل کرد: حسن بن زکریا بصری برای ما روایت کرد: صهیب بن عباد بن صهیب از پدرش عباد از ابی عبدالله جعفر بن محمد صادق از پدرش از پدرانش از مولایمان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهم السلام روایت کرد که فرمودند: برای رسول خدا صلی الله علیه و آله رازی بود پس زمانی که بر آن دست یافتند.... تا آخر دعاها ی سری.

میگویم: سید جلیل علی بن طاووس در کتاب فتح الابواب فی الاستخارات به هنگام سخن از دعای استخاره، سندی دیگر از این دعاها ذکر کرد، و فرمودند: ابو علی حسن بن احمد بن ابراهیم بن شاذان برای ما روایت کرد و گفت: ابو جعفر احمد بن یعقوب بن یوسف اصفهانی در جمادی الاول سال سیصد و چهل و نه برایمان روایت کرد و گفت: ابو جعفر احمد بن علی اصفهانی صاحب شاذکونی برایمان روایت کرد و گفت: ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سید ثقفی برایمان نقل کرد و گفت: احمد بن محمد بن عمر بن یونس یمانی برایمان روایت کرد و گفت: محمد بن ابراهیم بن نوح اصبحی و ابو خصیب سلیمان بن عمرو بن نوح اصبحی برایمان روایت کردند و گفت: محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب از علی بن حسین صلوات الله علیهم نقل کرد: حضرت علی علیه الصلاه و السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله رازی داشتند، پس زمانی که دست یافت تا آخر آنچه از روایت ذکر شد، سپس دعا را آوردند.

می‌گوییم: بسیاری از دعا‌های این باب را در کتاب الغیبه آوردیم و در اینجا پاره‌های از آن را ذکر می‌کنیم.

روایات:

1. اکمال الدین: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمودند: شبه‌های به شما می‌رسد و شما می‌مانید بدون هیچ علمی که ببیند و امامی که هدایت نماید، و کسی از آن رهایی نمی‌یابد جز اینکه دعای غریق را بخواند، پس عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمودند: می‌گویی: «ای خدا ای بخشایشگر ای مهربان ای متحول کننده دلها، قلبم را بر دینت استوار گردان» پس گفتم: «ای تغییر دهنده قلبها و چشمها، دلم را بر دینت استوار گردان» پس فرمودند: به راستی که خداوند عزّ و جلّ تغییردهنده دلها و چشمهاست، ولی همانطور که من گفتم، بر زبان بیاور: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک: ای گرداننده دلها، قلبم را بر دینت استوار گردان». (1)

مهِج الدعوات: شاید معنی گفتار ایشان «الأبصار: چشمها» تغییر دلها و چشمها در روز قیامت رخ خواهد داد از شدت ترسهای آن روز، و در دوران غیبت: از تغییر دلها ترسیده میشود نه چشمها. (2)

2. اکمال الدین: زراره به امام صادق علیه السلام در حدیثی که غیبت حضرت قائم علیه السلام را ذکر کردند، عرض کرد: فدایت گردم، اگر آن روزگار را درک کردم، چه کنم؟ فرمودند: اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان «خدایا

ص: 419

1- . اکمال الدین 2: 21

2- . مهج الدعوات: 415

معرفت خویش را به من عطا کن، به راستی اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمیشناسم، خدایا معرفت رسولت را به من عطا کن؛ زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، محبت تو را نمیشناسم خدایا محبتت را به من بشناسان زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه میشوم».(1)

میگویم: این دعا به صورت کامل همراه با سندهای آن در باب مدح مؤمنان در روزگار غیبت ذکر شد.(2)

3. اکمال الدین: ابو محمد حسن بن احمد مکتب نقل کرد: ابو علی بن همام این دعا را برایمان روایت کرد و یادآور شد شیخ(3) قدس الله روحه آن را بر او املا کرد و او را امر نمود تا بدان دعا کند و آن دعای دروان غیبت قائم علیه السلام است:

«خدایا معرفت خویش را به من عطا کن، به راستی اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمیشناسم، خدایا معرفت رسولت را به من عطا کن، زیرا اگر رسولت را به من نشناسانی، محبت تو را نمیشناسم، خدایا محبتت را به من بشناسان زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دینم گمراه میشوم، خدایا مرا به مرگ جاهلیت از دنیا مبر و قلبم را پس از آنکه هدایت نمودی، منحرف مگردان.

خدایا همانگونه که هدایت نمودی مرا به ولایت آنان که اطاعتشان را بر من واجب نمودی از جمله والیان امر تو بعد از رسولت صلواتک علیه و آله، تا اینکه در ولایت والیان امر تو امیر مؤمنان و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی صلواتک علیهم اجمعین، آمدم، پس مرا بر دین خود ثابتقدم بدار و مرا در راه طاعت خویش به کار گیر و قلبم را برای ولی امر خویش نرم گردان و مرا از آنچه مخلوقات را بدان امتحان کردی، عافیت بخش، و مرا به اطاعت از ولی امر خود که از خلق خویش، پنهان داشتی استوار بدار، پس به اذن تو از خلق تو پنهان گشت و در انتظار امر توست و تو میدانی و از زمانی که صلاح ولی امر توست و به او اجازه میدهی تا امر خویش را

ص: 420

- 2- . مراجعه کن جلد 52: 122 - 150
- 3- . در منبع آمده است: شیخ عمری.

آشکار کند و پرده خویش را بزداید، آگاهی نمیدهی، و مرا به آن صبر عطا کن تا عجله در آنچه به تأخیر انداختی و تأخیر در آنچه شتاب ورزیدی را دوست نداشته باشم، و از آنچه پنهان کردی، پرده برندارم، و از آنچه نهان داشتی، جستجو نکنم، و با تو در تدبیرت جدال نکنم و نگویم چرا و چگونه و ولی امر خدا را چه شده که ظهور نمیکند در حالی که زمین از ستم مالمال گشت و تمام امورم را به تو بسپارم.

خدایا من از تو میخواهم ظهور ولی امرت را در حالی که امر تو را اجرا میکند به من نشان دهی، و من میدانم که تسلط و قدرت و برهان و حجت و خواست و اراده و تغییر و توانمندی از آن توست، پس این کار را در حق من و تمامی مؤمنان انجام ده، تا به ولایت بنگریم در حال یک گفتمانی روشن و دلالتی آشکار دارد و از گمراهی راه مینماید، از شفا میدهد، ای پروردگار من مکان های به حضور آمدن او را آشکار گردان و پایگاههای او را استوار گردان و ما را از کسانی قرار ده که چشمشان به دیدار او روشن گردد و به خدمت او برخیزیم و جان ما را بر آیین او بستان و ما را در زمره او محشور گردان.

خدایا او را از شر تمامی آنچه آفریدی و خلق کردی و پدید آوردی و ایجاد کردی و تصویر بخشیدی، پناه ده و او را از مقابل، پشت سر و از سمت راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن، به حفاظت خود که هر که را بدان نگاه داشتی، نابود نشد، و فرستادهات و جانشین فرستادهات را در آن محفوظ بدار، خدایا بر عمر او بیافزای و اجل ایشان را به تأخیر انداز و او را بر آنچه ولایت بخشیدی و مراقبت خواستی، یاری فرما و بر کرامت در حق او، بیافزای، به راستی که او هدایتگر، هدایت شده، قائم، راه یافته، پاک، تقوا پیشه، بیآلایش، وارسته، راضی، پسندیده، صبور، کوشا و سپاسگزار است.

خداوندا به سبب طولانی شدن زمان غیبت ایشان و بیخبری ما از وی، یقین را از ما مگیر، و یاد و انتظار و ایمان و یقین محکم در ظهور وی و دعا برای ایشان و سلام بر وی را از خاطرمان مبر، به طوری که طولانی شدن غیبت ایشان، ما را از ظهور و قیامشان ناامید نگرداند و یقین ما در آن همچون یقینمان به قیام رسول خدا صلی الله علیه و آله و وحی و تنزیلی که آورد، باشد، دلای ما را بر ایمان به او

خدایا ما از نبود پیامبرمان و غیبت ولیمان و سختی روزگار بر ما و افتادن
فتنها بر ما و آشکاری دشمنان و بسیاری دشمنان و کمی تعدادمان به
درگاه تو

شکایت میکنیم، خدایا پس آن را بگشا به فتحی از جانب خود که آن را
تعییل کنی و به شکیبایی از جانب تو که آن را ممکن سازی و امام عادلی
که او را آشکار گردانی ای خدای حق ای پروردگار جهانیان.

خدایا از تو می‌خواهیم که اجازه آشکار ساختن عدل بر بندگان و کشتن
دشمنانت در سرزمینت را به ولی خود عطا کنی، تا اینکه هیچ ستونی برای
باطل قرار ندهی جز اینکه آن را برشکنی و نه هیچ ساختاری جز اینکه آن
را نابود سازی و نه قدرتی مگر اینکه آن را سست گردانی و نه ستونی جز
اینکه آن را ویران سازی و نه هیچ برندگی مگر اینکه آن را کند کنی، و نه
هیچ سلامی جز اینکه آن را بشکنی و نه هیچ پرچمی مگر اینکه آن را
سرنگون سازی و نه هیچ شجاعی جز اینکه او را بکشی و نه هیچ دوستی
جز اینکه او را خوار سازی، پروردگارا سنگ هلاک کننده خود را بر آنان
بینداز و به شمشیر برندهات و قدرتت که از قوم جنایتکاران باز نمی‌گردد،
بر آنان ضربه بزن. و دشمنان خود و دشمنان دین خود و دشمنان رسول
خدا را به دست ولایت و دستان بندگان مؤمنت عذاب کن.

خدایا ولی و حجت خود را در زمینت از بیم دشمنش، کفایت فرما و هر
کس به او نیرنگ زند، حیلہ کن و هر کس او را مکر کند، فریب ده، و
کسانی که خواهان بدی برای او هستند در احاطه بدی قرار ده، اصل آنان
را قطع کن و دلهاشان را به او بترسان و گامهاشان را برای او به لرزه
درآور و آنها را آشکارا یا پنهانی برگیر، عذابت را بر آنان بسیار کن و در
میان بندگان خوار ساز و آنها را در سرزمین خود، نفرین کن و در پایینترین
نقطه آتش خود سکنی ده، و سختترین عذابت را بر آنان احاطه گردان و بر
آتش جهنم وارد ساز. به راستی که آنان نماز را تباه کردند و از شهوتها
پیروی نمودند و بندگان را به خواری کشاندند.

خدایا به واسطه ولی خود، قرآن را زنده بدار و نور آن را همیشگی به
گونه‌ای که تاریکی در آن راه ندارد، به ما بنمایان و دل‌های مرده را بدان
زنده بدار و سینه‌های کینه توز را بدان شفا بخش و به واسطه او علاقه‌های
مختلف حق را جمع کن و به وسیله او حدهای انکار شده و احکام اہمال
شده را به پا دار؛ به گونه‌ای که حقی نماند جز اینکه آشکار شود و نه
عدالتی مگر آنکه شکوفا گردد و پروردگارا ما را از

یاران او قرار ده و از کسانی که تسلط او را نیرو میدهند و امر او را گردن مینهند و از کسانی که از کردار او خشنود و تسلیم احکام او هستند و از کسانی که با وجود او نیازی به ترس از خلقت نیست، پروردگارا تو کسی هستی که بدی را کنار میزنی و درمانده را اجابت میکنی آنگاه که تو را فرا خواند و او را از گرفتاری بزرگ نجات میدهی، پس سختی را از ولی خود برطرف کن و او را جانشین در زمین خود قرار ده همانگونه که برای او ضمانت کردی، خدایا ما را از دشمنان خاندان محمد و از کینهتوزان خاندان محمد و از اهل کینه و خشم بر خاندان محمد قرار مده، پس به راستی من به تو از آن پناه میبرم. پس مرا پناه ده و به درگاه تو پناه میجویم، پس مرا پناه ده، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به واسطه آنان از رستگاران دنیا و آخرت و از مقربین قرار ده. (1)

جمال الاسبوع: مثل این حدیث آورده شد. (2)

4. جمال الاسبوع: نقل است: حضرت رضا علیه السلام اینچنین برای صاحب امر دعا میفرمودند:

خدایا از ولی و خلیفه و حجت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگان، آن شتابنده کوشا در خوبیها، پناهآورنده به تو در نزد خود دفاع کن و او را از شر تمامی آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و صورت بخشیدی پناه ده و او را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن به نگاهداری خود که هر که را بدان حفظ کردی، تباه نمیگردد و رسول خود و پدران او را که امامان تو و ستونهای دین تواند در آن حفظ کن، و او را سپرده خویش که نابود نمیشود و در جوار خود که شکسته نشود و در ممانعت و عزت خود که مغلوب نمیگردد، قرار ده، و او را به امان محکم خود ایمن گردان که هر کس را بدان ایمنی داشتی، خوار نمیگردد، و در جوار خود که هر کس در آن باشد، دور از دسترس است، قرار ده و او را به یاری شکستناپذیر خود و لشکریان پیروز خویش تایید فرما و به قدرت خود او را نیرو

ص: 424

1- . اکمال الدین 2: 190

2- . جمال الاسبوع: 529 - 521

بخش و به فرشتگان خود او را از پی او قرار ده، دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن باش و زره مصون خود را بر او بپوشان و او را در احاطه فرشتگان خویش درآور.

خداوندا او را به برترین آنچه که پیاداران عدلت از پیروان پیامبرانت را بدان رساندی، نائل گردان، خداوندا به واسطه او شکاف را فراهم آور و رخنه را ببند و ظلم را بمیران و عدل را به سبب او آشکار کن و زمین را با ماندگاری طولانیاش، زینت بخش و او را به یاوریات، تایید فرما و با ترس او را یاری کن، یاورانش را قدرت بخش و کسانی که او را تنها میگذارند، خوار گردان و بر هر کس که او را به درد آورد، خشم بگیر و هر کس که او را فریب دهد، واژگون کن، و به واسطه او سرکشان کفر و پایهها و ستونهای آن را به قتل برسان و به سبب او، سران گمراهی و بدعت گذاران و زداينده سنت و تقویت کننده باطل را برشکن و به واسطه او، کافران و تمامی انکارکنندگان در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و دشت و کوه آن از میان بردار تا اینکه کسی از آنها را رها نکند و هیچ آثاری از آنان بر جای نگذاری.

خدایا سرزمین خود را از آنان پاک ساز و بندگان را از شر آنان شفا ده و به سبب او مؤمنان را عزت بخش و به واسطه او سنتهای رسولان را زنده بدار و حکمت پیامبران را حفظ کن و هر آنچه از دین خود که محو گشت و احکامی که تغییر کردند را تجدید کن تا دین خود را به واسطه او و به دوستان او جدید تازه پاک سالم بازگردانی به طوری که هیچ انحراف و بدعتی در آن نیست و تا با عدل او تاریکی ظلم را روشن کنی و آتش کفر را به وسیله او خاموش گردانی و پیچیدگیهای حق و عدل ناشناخته را به سبب او روشن کنی، به راستی که او بنده دوست که برای خود برگزیدی و از میان مخلوقات انتخاب کردی و او را در برابر چشمت به کار گرفتی و بر نهانت ایمن گردانیدی، و از گناهان بازداشتی و از عیبه به دور داشتی و از آلودگی پاک کردی و از پلیدی سالم داشتی.

خدایا در روز قیامت و در روز رخداد بلای بزرگ، ما برای او شهادت میدهم که جرمی مرتکب نشد و گناهی نکرد و معصیتی مرتکب نشد و اطاعتی را تباه

نساخت و حرمتی از تو را هتک نکرد و واجبی از تو را تغییر نداد و شریعت تو را دگرگون نساخت و به راستی او هدایت گر راه یافته پاک تقوا پیشه بیآلایش پسندیده وارسته است.

خدایا عطا کن به او در جان و خانواده و فرزند و نسل و امت و تمامی رعیت او، آنچه را که چشمش را بدان روشن کنی و جانش را بدان مسرور گردانی و فرمانروایی تمامی مملوکات، دور و نزدیک و عزیز و ذلیل آن را برای او گرد آوری به طوری که حکم او بر تمامی احکام جاری شود و با حق خود بر تمامی باطل پیروز گردد.

خداوندا ما را به دستان او بر راه هدایت و راه بزرگ روشن و راه میانه سیر ده به آن راهی که رمنده بدان باز گردد و دنبالهر و در آن جا ملحق گردد. به خاطر آگاهی بر اطاعت او، ما را بر همراهی او استوار ساز و بر دنبالهر و منت بخش و ما را در حزب او از به پاداران امر او، شکیبایان همراه او، کسانی که با خیرخواهی او به دنبال رضایت تو هستند، قرار ده تا اینکه ما را در روز قیامت از یاران و پیروان و تقویتکنندگان پادشاهی او محشور گردانی.

خداوندا آن را برای ما عاری از هر گونه شک و شبهه و ریا و سمعه قرار ده تا بر غیر تو تکیه نکنیم و جز روی تو را طلب نکنیم و تا اینکه ما را بر مکان او وارد کنی، و در بهشت به همراه او قرار دهی و ما را از خستگی و تبلی و سستی پناه ده و ما را از کسانی قرار ده که واسطه آنان دینت را یاری میکنی و یاری ولایت را محکم میگردانی و دیگران را جایگزین ما مکن، به راستی که قرار دادن دیگران به جای ما بر تو آسان است و بر ما دشوار.

خدایا بر والیان روزگار او و امامان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان، عمرشان را طولانی گردان و یاریشان عزت بخش و آنچه از امر خود به آنان واگذار کردی، کامل کن و ستونهایشان را استوار گردان و ما را یاوران آنان و یاریکنندگان دینت قرار ده، به راستی که آنان سرچشمههای کلمات تو و پایههای یگانگی تو و ستونهای دین تو والیان امر تو و خالصان بندگانت و

برگزیدگان خلقت و اولیای تو و از نسل اولیای تو و برگزیده فرزندان رسولان تواند، سلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد. (1)

5. سید گفت: این دعا را به روایتی دیگر یافتم که چنین است: زید بن جعفر علوی از اسحاق بن حسن از محمد بن همام بن سهیل و محمد بن شعیب بن أحمد با هم از شعیب احمد مالکی از یونس بن عبدالرحمن از مولایمان اَبی حسن علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کردند که ایشان به دعا برای حضرت حجت صاحب الزمان علیه السلام امر مینمودند و از دعای ایشان برای آن حضرت صلوات الله علیهما این بود:

خدایا بر محمد و خاندان او درود فرست و از ولی و خلیفه و حجت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگان، آن شتابنده کوشای تلاشگر، بنده پناه آور به تو دفاع کن.

خدایا از ولی و خلیفه و حجت بر خلق خود و زبان گویای تو با اذن تو، بیان کننده حکم تو، چشم نگرنده بر خلق تو و گواه تو بر بندگان، آن شتابنده کوشا، پناه‌آورنده به تو در نزد خود دفاع کن و او را از شر تمامی آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و صورت بخشیدی پناه ده و او را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن به نگاه داری خود که هر که را بدان حفظ کردی، تباه نمیگردد و رسول خود و پدران او را که امامان تو و ستونهای دین تواند در آن حفظ کن، و او را سپرده خویش که نابود نمیشود و در جوار خود که شکسته نشود و در ممانعت و عزت خود که مغلوب نمیگردد، قرار ده.

خدایا او را به امان محکم خود ایمن گردان که هر کس را بدان ایمنی داشتی، خوار نمیگردد، و در جوار خود که هر کس در آن باشد، دور از دسترس است، قرار ده و او را به یاری شکستناپذیر خود و لشکریان پیروز خویش تایید فرما و به قدرت خود او را نیرو بخش و به فرشتگان خود را از پی او قرار ده.

ص: 427

خدایا دوستان او را دوست و دشمنان او را دشمن باش و زره مصون خود را بر او بپوشان و او را در احاطه فرشتگان خویش درآور.

خداوندا او را به برترین آنچه که به پاداران عدلت از پیروان پیامبرانت را بدان رساندی، نائل گردان، خداوندا به واسطه او روزنه را به هم آور و شکاف را ببند و ظلم را بمیران و عدل را به سبب او آشکار کن و زمین را با ماندگاری طولانیاش، زینت بخش و او را به یاوریات، تایید فرما و با ترس او را یاری کن، برای او پیروزی آسان قرار ده و از جانب خود قدرتی یاری کننده علیه دشمن خود و دشمن او قرار ده.

خداوندا او را به پا دارنده مورد انتظار و امامی که به واسطه او پیروزی تحقق می یابد قرار ده و او را به پیروزی محکم و فتحی نزدیک تایید کن و او را وارث مشرق ها و مغرب های زمین که برکت بخشیدی قرار ده. به واسطه او سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله را زنده بدار تا از ترس کسی از مخلوقات چیزی از حق را پنهان ندارد، یاورانش را قدرت بخش و کسانی که او را تنها میگذارند، خوار گردان و هر کس که او را به درد آورد، خشم بگیر و هر کس که او را فریب دهد، واژگون کن.

خدایا به واسطه او سرکشان کفر و پایبها و ستونهای آن را به قتل برسان و به سبب او، سران گمراهی و بدعت گذاران و زداینده سنت و تقویت کننده باطل را برشکن و به واسطه او، کافران و تمامی انکارکنندگان در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و دشت و کوه آن از میان بردار تا اینکه میخی از آنها را قرار ندهی و هیچ آثاری از آنان بر جای نگذاری.

خدایا سرزمین خود را از آنان پاک ساز و بندگان را از شر آنان شفا ده و به سبب او مؤمنان را عزت بخش و به واسطه او سنتهای رسولان را زنده بدار و حکمت پیامبران را حفظ کن و هر آنچه از دین خود که محو گشت و احکامی که تغییر کردند را تجدید کن تا دین خود را به واسطه او و به دوستان او جدید تازه پاک سالم بازگردانی به طوری که هیچ انحراف و بدعتی در آن نباشد و تا با عدل او

تاریکی ظلم را روشن کنی و آتش کفر را به وسیله او خاموش گردانی و پیچیدگیهای حق و عدل ناشناخته را به سبب او روشن کنی.

خدایا به راستی او بنده توست که برای خود برگزیدی و از میان مخلوقات انتخاب کردی و او را بر بندگان برگزیدی و بر نهانت ایمن گردانیدی، و از گناهان باز داشتی و از عیبه‌ها به دور داشتی و از آلودگی پاک کردی و از پلیدی سالم داشتی.

خدایا در روز قیامت و در روز رخداد آن مصیبت بزرگ ما برای او شهادت میدهم که جرمی نیاورد و گناهی نکرد و معصیتی مرتکب نشد و اطاعتی را تباه نساخت و حرمتی از تو را هتک نکرد و واجبی از تو را تغییر نداد و شریعت تو را دگرگون نساخت و به راستی او هدایت گر راه یافته پاک تقوا پیشه بی‌آلایش پسندیده وارسته است.

خدایا بر او پدرانیش درود فرست و عطا کن به او در جان و خانواده و فرزند و نسل و امت و تمامی رعیت او، آنچه را که چشمش را بدان روشن کنی و جانیش را بدان مسرور گردانی و فرمانروایی تمامی مملوکات، دور و نزدیک و عزیز و ذلیل آن را برای او گرد آوری به طوری که حکم او بر تمامی احکام جاری شود و با حق خود بر تمامی باطل پیروز گردد.

خداوندا ما را به دستان او بر راه هدایت و راه بزرگ روشن و راه میانه، حرکت بده به آن راهی که پیش رونده بدان باز گردد و دنباله‌رو در آن جا ملحق گردد. به خاطر آگاهی بر اطاعت او، ما را بر همراهی او استوار ساز و بر دنباله‌روی او منت بخش و ما را در حزب او از به پاداران امر او، شکیبایان همراه او، کسانی که با خیرخواهی او به دنبال رضایت تو هستند، قرار ده تا اینکه ما را در روز قیامت از یاران و پیروان و تقویت‌کنندگان پادشاهی او محشور گردانی.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را برای ما عاری از هر گونه شک و شبهه و ریا و سمعه قرار ده تا بر غیر تو تکیه نکنیم و جز روی تو را طلب نکنیم و تا اینکه ما را بر مکان او وارد کنی، و در بهشت به همراه او قرار دهی و ما را از خستگی و تنبلی و سستی پناه ده و ما را از کسانی قارر ده که واسطه آنان

دینت را یاری میکنی و یاری ولیت را محکم میگردانی و دیگران را جایگزین ما مکن، به راستی که قرار دادن دیگران به جای ما بر تو آسان است و بر ما دشوار.

خدایا بر والیان روزگار او و امامان پس از او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان، عمرشان را طولانی گردان و یاریشان عزت بخش و آنچه از امر خود به آنان واگذار کردی، کامل کن و ستونهایشان را استوار گردان و ما را یاوران آنان و یاریکنندگان دینت قرار ده و بر پدران پاک و امامان هدایتگر درود فرست.

خداوندا به راستی که آنان سرچشمه‌های کلمات تو و خزانه های علم تو و والیان امر تو و خالصان بندگان و برگزیدگان خلقت و اولیای تو و از نسل اولیای تو و برگزیده فرزندان رسولان تواند، سلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد.

خدایا و شریکان در امر او و یاریگران او بر طاعتت، کسانی که آنها را دژ و سلاح و پناهگاه و مایه انس او قرار دادی و کسانی که خانواده و فرزندان را فراموش کردند و از وطن خویش دوری گزیدند و بسترهای نرم را رها کردند، تجارتشان را تعطیل کردند و به معیشتشان آسیب زدند و در جمعیشان کم پیدا شدند بدون اینکه از سرزمینشان غائب شوند و با دوری که آنها را بر کارشان یاری کند، همپیمان گشتند و با نزدیکی که در مقابلشان بایستد مخالفت نمودند و پس از پشت نمودن و از هم بریدن در روزگارشان گرد آمدند و سببهای متصل به متاع بیچیز دنیا را بریدند. خداوندا آنان را در پناه و سایه جوار خود قرار ده و قدرت کسانی از خلقت که قصد دشمنی با آنان را دارند، از آنها برگردان و دعوت و کفایت و کمک و تایید و یاریات چنان بر آنان فراوان کن که آنها را به اطاعت خویش کمک کنی و به حق آنان باطل کسانی که خاموشی نورت را خواهند، زائل کن و بر محمد و خاندان او درود فرست و هر گوشه‌ای از آفاق و هر سرزمینی از سرزمینها را به آنان از قسط و عدل و فضل و رحمت آکنده ساز و به میزان کرم و بخشش و آنچه از عدل که بر جهانیان بخشیدی از آنان سپاسگزاری کن، و از پاداش خود برای آنان

ذخیره کن تا به واسطه آن بر درجات آنان بیافزایی، به راستی که تو هرآنچه خواهی، انجام می‌دهی و آنچه اراده کنی، حکم مینمایی، اجابت نما ای پروردگار جهانیان. (1)

6. مهج الدعوات: با استناد به محمد بن احمد بن ابراهیم جعفر معروف به صابونی در احادیثی که با سند اوست، و در آن از غیبت حضرت مهدی صلوات الله علیه سخن آورد، گفتم شیعیان شما چگونه عمل میکنند؟ فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج و به راستی که برای شما علمی پدیدار خواهد گشت، پس هرگاه چنین شد، خدا را سپاس گوید و به آنچه به شما ظاهر گشت تمسک بجوید، عرض کردم: چه دعایی بخوانیم؟ فرمودند: میگوئی:

«خدایا تو خود را به من شناساندی و رسولت را شناساندی و فرشتگانت را شناساندی و والیان امرت را شناساندی، خداوندا نمیگیرم جز آنچه تو عطا کنی و نمیرهزم جز آنچه تو باز داری. خداوندا مرا از منزلگاههای اولیای خود پنهان مکن و قلبم را پس از آنکه هدایت نمودی، گمراه مکن، خدایا مرا به ولایت کسی که اطاعتش را واجب کردی، هدایت کن.» (2)

7. مهج الدعوات: و در خواب دیدم کسی دعایی را به من میآموزد که شایسته دوران غیبت است و دعا این است:

ای کسی که خاندان ابراهیم و خاندان اسرائیل را با انتخاب خویش بر جهانیان برتری داد و عزت اقتدار خویش را در باطن آسمان و زمین آشکار نمود و رازهای شگفت خود را نزد محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش، ودیعه نهاد، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از یاران و یاریگران حجت خویش بر بندگان قرار ده. (3)

دوست ما ملک مسعود که خداوند جلّ جلاله وعدههای خویش را در حق او تحقق بخشید، نقل کرد، در خواب شخصی را دید که با او از پشت دیوار سخن میگوید و چهره او را ندید و میگوید: «ای صاحب اندازه و سنجشها و غمها و امور

ص: 431

- 2- . مهج الدعوات: 414
- 3- . مهج الدعوات: 416 و 415

مهم در فرج بنده ات و ولّیت و حجت قائم به امر تو در میان مخلوقات،
تعجیل فرما و برای ما در آن خیر قرار ده».(1)

8. مهج الدعوات: امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس این دعا را یک بار در عمر خود بخواند در سلک بندگی نوشته شود و در دیوان قائم علیه السلام ثبت گردد، زمانی که قائم قیام کند، اسم خود و پدرش را ندا میکند، سپس این نوشته به او داده میشود و به او گفته میشود: بگیر! این نوشته پیمانی است که در دنیا عهد آن را بستی و این سخن خداوند عزّ و جلّ است «به جز کسی که در نزد خداوند بخشایشگر عهدی بگیرد».(2)

و در حالی که طهارت داری این دعا را بخوان:

«خداوندا ای خدای خدایان، ای یگانه، ای یکتا، ای آخرین واپسینها، ای چیره بر چیره یافتگان، ای بلند ای بزرگ، تو بلندمرتبه والایی، به هر بلندی برتری جستی، ای سرور من، این عهد من است و تو به وعده من وفا میکنی پس ای مولای من، وعده مرا به هم رسان و آن را محقق ساز به تو ایمان آوردم و از تو مسألت میکنم به حجاب عربی و حجاب عصمی و حجاب عبری و حجاب سریانی و حجاب روس و حجاب هندی، معرفت خویش را با نخستین عنایت ثابت بدار به راستی که تو خدایی دیده نمیشوی و در تماشاگاه برتری.

و نزدیکی میجویم به تو به رسول بیمدهنده تو صلی الله علیه و آله و به علی امیر مؤمنان درود خدا بر او که هدایتگر است و به حسن سرور و حسین شهید دو فرزند پیامبر تو و به فاطمه بتول و به علی بن حسین زینت بندگان و صاحب پینه ها و به محمد بن علی شکافنده علم تو جعفر بن محمد صادق که پیمان و وعده تو را تصدیق کرد و به موسی بن جعفر که در زندان بود و به پادارنده پیمان تو و به علی بن موسی الرضا خشنود از حکم تو و به محمد بن علی عالم فاضل پسندیده در میان مؤمنان و به علی بن محمد امین مورد اعتماد راهنمای هدایتخواهان و به حسن بن علی پاک بیآلایش خزانه جانشینان.

ص: 432

1- . مهج الدعوات: 416 و 415

2- . مریم/87

و به امام به پادارنده عدل مورد انتظار و هدایت یافته، امام ما و فرزند
امامان صلوات الله علیهم اجمعین، به تو نزدیکی میجویم.

ای کسی که شکوه یافت و بزرگ گشت و شایسته آن است، پس گذشت و
رحم کرد، ای کسی که توانا گشت و آگاه شد، از سستی خود و آنچه کردار
من از یگانگی تو و معرفت کوتاه آمد، به درگاه تو شکایت میکنم، و به
نامگذاری سپید و وحدانیت بزرگ که هر کس پشت نمود و فرار کرد از آن
کوتاه ماند و ایمان آوردم به حجاب اعظم تو و به کلمات والا و کامل تو که
سرای بلا را از آن آفریدی و هر کس را که دوست داشتی در بهشتی که
پناهگاهی است، جای دادی. ایمان آوردم به کسانی که سبقت جستند و
صدیقان و اصحاب یمین از مؤمنان و کسانی که عمل نیک را با ناپسند
درآمیختند و دیگران را بر من ولایت نبخشی و فردا آن هنگام که به قضای
محکم تو رضایت داشتم، میان و من و آنان جدایی نیانداز.

به نهان و آشکار آنان و پایان اعمالشان ایمان آوردم، به راستی که تو
هرگاه خواستی بر آنان پایان می بخشی ای که اقرار به وحدانیت را به من
ارمغان بخشیدی و معرفت ربوبی ات را به من ارزانی داشتی و مرا از
شک و کوری رها کن. از تو به عنوان پروردگار خویش راضی گشتم و از
برگزیدگان به عنوان حجت ها و آنان که در پرده اند، پیامبران و رسولان را،
دلیلان و تقوایندگان را، امیران و خود را شنونده تو و مطیع امرت خشنود
شدم.

این آخرین دعایی است که ذکر شد. (1)

ص: 433

1. مکارم الاخلاق: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس که خشمگین شد و در حالی که ایستاده است، باید بنشیند، به راستی که رجز شیطان از او میرود و هر کس بر فردی از نزدیکان خود خشم گیرد پس او را لمس کند که خشمش آرام گیرد.(1)

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هنگام خشم بگو: «خدایا خشم قلب مرا از من ببر و گناهم را بیامرز و از فتنهای گمراه کننده پناه ده، از تو خشنودیات را مسألت میکنم و از خشمیت به تو پناه میبرم، بهشت تو را خواهانم و از آتش تو به تو پناه میجویم. و تمامی خیر را از تو مسألت میکنم و از تمامی شر به تو پناه میبرم، خدایا مرا به هدایت و درستی استوار بدار و مرا راضی پسندیده، قرار ده. بدون اینکه گمراه و یا سبب گمراهی گردم.(2)

و فرمودند: خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای فرزند آدم هنگامی که خشمگین میشوی مرا یاد کن تا تو را به یاد آرم، آنگاه که خشم میگیرم پس تو را در آنان که نابود شدند از بین نمیبرم.(3)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس خشمش را از مردم باز دارد، خداوند خشم خود را در روز قیامت از او باز میدارد.(4)

1- . مکارم الاخلاق: 403

2- . مکارم الاخلاق: 403

3- . مکارم الاخلاق: 403

4- . مکارم الاخلاق: 403

و نیز در خشم خود بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد و بگوید: «و خشم دلهایشان میرود خدایا گناهانم را بیامرز و خشم قلبم را ببر و مرا از شیطان رانده شده پناه ده و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ تحقق نپذیرد». (1).

2. دعوات الراوندی: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس هنگام خشم بگوید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم: پناه میبرم به خداوند از شر شیطان رانده شده». خشمش فرو کش می کند.

شخصی گفت: ای رسول خدا مرا نصیحت کنید، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: تو را نصیحت میکنم که خشمگین نشوی و فرمودند: هرگاه کسی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد.

ص: 435

باب صد و هفدهم : آنچه موجب یادآوری است زمانی که چیزی را فراموش کند

روایات:

1. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه شیطان چیزی را از خاطر تو برد، دستت را بر پیشانیات قرار ده و بگو: خداوندا از تو میخواهم ای به یادآورنده خیر و انجام دهنده آن و امر کننده به آن، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچه را شیطان از خاطرم برد، به یادم آوری. (1)

باب صد و هجدهم : آنچه سبب دفع وحشت میشود و آنچه متناسب با وحشت است

روایات:

1. مکارم الاخلاق: روایت است شخصی به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وحشت، شکایت کرد، پس فرمودند: بسیار این کلمات را بر زبان بیاور، و او آنها را گفت و خداوند وحشت را از او برد و این است: «منزه است پروردگار من فرمانروای بیآلایش، پروردگار فرشتگان و روح، آفریننده آسمان و زمین، صاحب عزت و جبروت». (2)

ص: 436

1- . مکارم الاخلاق: 425

2- . مکارم الاخلاق: 404

1. میگویم: به خط شیخ محمد بن علی جبعی به نقل از خط شهید قدس سرها از ابن عباس دیدم نقل کرد: زمانی که از کمی حافظه به نزد رسول خدا شکایت کردم رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی به من آموخت که به واسطه آن بر حفظ کردن، نیرو گرفتم و فرمودند: ای فرزند عباس، آیا به تو هدیه‌ای ندهم که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخت؟ عرض کردم: چرا ای رسول خدا، پس به من فرمودند: در تشتی با زعفران و گلاب، فاتحه الکتاب و توحید و معوذتین و یس و حشر و واقعه و ملک را مینویس سپس آب زمزم یا آب آسمان را بر آن میریزی و ناشتا هنگام سحر میخوری و البته به همراه سه مثقال شیر و ده مثقال عسل و ده مثقال نبات، پس از نوشیدن آن ده رکعت نماز میگزاری و در هر رکعت آن ده مرتبه فاتحه الکتاب و قل هو الله احد میخوانی سپس آن روز را روزه میگیری و چهل روز بر تو نمیگذرد که به اذن خداوند متعال حافظهای خوب پیدا میکنی.

نقل است: زهری آن را برای فرزندانش نوشت و به آنان نوشاند.

ابن عاصم نقل کرد: بسیار آن را نوشتم و در سن پنجاه و دو سالگی بودم یک ماه نگذشت که به اذن خداوند متعال، حافظ شدم.

1. قرب الاسناد: ابن صدقه نقل کرد: حضرت صادق علیه السلام از پدرانیشان علیهم السلام روایت نمود که این از دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: «خدایا مادامی که مرا زنده نگاه داشتی با دوری از معصیتهای خود بر من رحم کن و خوشبینی در آنچه تو را از من راضی میگرداند، روزیام کن و حفظ کتابت را همانطور که به من آموختی، بر قلبم ملزم کن، و مرا دنبالهر و آن قرار ده به همان شکلی که تو را راضی میسازد. خدایا با کتاب خود، دیدگانم را روشن گردان و بدان، سینهام را وسعت بخش و قلبم را بگشا و زبانم را به سبب آن رها کن و بدنم را در راه آن به کار گیر و مرا بر آن قدرت بخش به راستی که هیچ نیرو و قدرتی جز تو وجود ندارد». (1).

ص: 438

1. قرب الاسناد: از امام موسی کاظم علیه السلام روایت است، میفرمودند: خدایا به راستی که اختیار و دل من به دست توست، و مرا بر آنها مسلط نگرداندی و هرگاه بر آن دو چنین کردی پس تو سرپرست آنهایی و آنها را به راه راست بکشانی، پروردگارا پروردگارا، تو چقدر توانایی چقدر توانای چقدر توانایی بر این که حقوقی که بر گردن من است جبران کنی و مرا بیامرزی، به راستی که آمرزش تو برای ستمکاران است.(1)

2. أمالی: عتبی نقل کرد از یک عرب بیاباننشین شنیدم که در دعایش میگفت: «خدایا تو را بر گردن من حقوقی است پس آنها را به من صدقه بده و از مردم نیز حقوقی بر گردن من است پس آن را در عوض من به دوش کش و تو پذیرایی هر میهمانی را واجب کردی و من مهمان توام و امشب پذیرایی مرا بهشت قرار ده».(2)

ص: 439

1- . قرب الاسناد: 176
2- . أمالی الطوسی 1: 4

میگویم: بسیاری از روایتهای این باب را در کتاب الطهاره آوردیم و در اینجا پاره‌های از آن را ذکر میکنیم.

روایات:

1. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام جان دادن جوانی حاضر گشتند و به او فرمودند: بگو: «لا اله الا الله: خدایی جز خدای یگانه نیست» آن جوان گفت ولی زبانم چند بار بند آمد. پس به زنی که بالای سر او بود فرمودند: آیا مادری دارد؟ جواب داد: آری، من مادر اویم، فرمودند: آیا بر او خشمگینی؟ جواب داد: آری شش سال است که با او سخن نگفتم، آن حضرت به او فرمودند: از او راضی شو، او نیز گفت: خداوند به رضایت تو از او راضی گردد، ای رسول خدا، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند، بگو «لا اله الا الله» پس آن را به زبان آورد و پیامبر به او فرمودند: چه میبینی؟ گفت: شخصی سیاه، زشت رو میبینم که لباسی آلوده بر تن دارد و بوی بدی میدهد، همین لحظه به سراغ من آمد و گلویم را گرفت، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بگو «ای کسی که کم را میپذیرد و از بسیار میگذرد، اندک مرا بپذیر و از بسیاری من درگذر، به راستی که تو آمرزنده مهربانی» جوان آن را به زبان آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند: نگاه کن چه میبینی؟ گفت: شخصی سفید زیبارو، خوشبو که لباسهای نیکو بر تن دارد، به من نزدیک شد و آن سیاه را میبینم که از من دور شد، فرمود: آن را تکرار کن، پس تکرار کرد آنگاه فرمودند: چه میبینی؟ گفت: سیاه را نمیبینم و سفید را میبینم که به من نزدیک شد سپس بر آن حالت جان داد.(1)

ص: 440

1. أمالی: علی بن محمد صیمری نقل کرد: با دختر جعفر بن محمد کاتب ازدواج کردم، و به او چنان علاقمند بودم که هیچ کس به دیگری چنین علاقهای نداشت. فرزنددار شدنمان به تأخیر افتاد، پس نزد ابی الحسن علی بن محمد بن رضا علیه السلام رفتم و آن را برای ایشان ذکر کردم، لبخندی زدند و فرمودند: انگشتی که نگین آن فیروزه باشد برگیر و بر آن بنویس: «پرودرگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی». نقل کرد: چنین کردم، پس یک سال نگذشت که به سبب آن فرزند پسری روزیام شد.(1)

ص: 441

میگویم: در بابهای اعمال سال از کتاب الصیام، روایتهای این باب نیز ذکر خواهد شد، پس توجه کن.

روایات:

1. عیون أخبار الرضا: حضرت رضا علیه السلام از پدرانیشان علیهم السلام روایت کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که هلال را میدیدند، میفرمودند:

«ای مخلوق فرمانبر، ای رونده کوشا و شتابان، که با اندازهگیری در ملکوت جبروت تصرف میکنی، پروردگار من و تو، خداست، خدایا آن را بر ما به همراه امنیت و ایمان و سلامتی و ایمنی و نیکی آغاز کن و همانگونه که ما را به اول آن رساندی، به آخر آن نیز برسان، و آن را ماهی مبارک گردان که زشتیها را پاک و نیکیها را ثابت میگردانی و رتبه را افزایش میدهی، ای خیر فراوان».(1)

2. أمالی: امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هلال نگاه میکردند، دستانشان را بلند میکردند و فرمودند:

«به نام خدا، خداوندا آن را با امنیت و ایمان و سلامتی و اسلام بر ما آغاز کن، پروردگار من و تو خداست».(2)

3. أمالی: امام باقر از پدرانیشان علیهم السلام نقل کردند: رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که هلال را میدیدند به قبله رو میکردند و تکبیر میگفتند سپس میفرمودند: هلال هدایت است، خداوندا آن را با برکت و ایمان و سلامتی و اسلام و

ص: 442

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1: 71

2- . أمالی الطوسی 2: 109

هدایت و آمرزش و عافیت شکوهمند و روزی گسترده بر ما آغاز کن، به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

ابو مریم نقل کرد: این سخن را بر زبان آوردم و خیر دیدم. (1)

4. أمالی: امام باقر علیه السلام فرمودند: در راهی یا مسیری به همراه پدرم علی بن حسین علیهما السلام بودم، پس به هلال ماه رمضان نگرستند و ایستادند و سپس خواندند:

ای مخلوق فرمانبر، ای رونده کوشا و شتابان، که در جایگاههای اندازهگیری سیر میکنی و در آسمان تدبیر، تصرف میکنی، ایمان آوردم به کسی که تاریکی را به واسطه تو روشن گردانید و به سبب تو الهامها را واضح کرد، و تو را نشانهای از نشانهای فرمانروایی و علامتی از علامتهای قدرتت قرار داد، و زمان را به وسیله تو مشخص نمود و تو را به کمال کاستی و طلوع و غروب و تابیدن و کسوف به کار گرفت و تو در تمامی اینها از او اطاعت نمودی و به سوی خواست او شتافتی، منزّه است، شگفتا از او که امر تو را تدبیر کرد و چه نیکو در شأن تو عمل کرد، تو را کلید ماهی برای امری که پیش آید، قرار داد، خداوند تو را هلال برکتی گرداند که روزها آن را از بین نبرد و پاکی که گناهان آن را آلوده نسازد، هلال ایمنی از افتها و سلامتی از زشتیها، هلال سعادت که نحس در آن نیست و برکتی که ناخوشی در آن وجود ندارد، و آسانی که با سختی درنیامیزد و خیری که با شر مخلوط نگردد، هلال امنیت و ایمان و نعمت و احسان.

خداوندا ما را از خشنودترین کسانی که بر آنها طلوع کرد و پاکترین کسانی که به او نگرستند و سعادتمندترین کسانی که در آن به عبادت تو برخاستند، قرار ده، خدایا ما را در آن به اطاعت و توبه، موفق گردان و از گناهان و معصیت حفظ کن و شکر نعمت را به ما عطا کن، و در آن ما را بر واجبات و مستحبات که دین ما را بر آن قرار دادی، یاری فرما، به راستی که تو گرامیتر از هر بزرگوار و مهربانتر از هر مهربانی، اجابت فرما [اجابت فرما] ای پروردگار جهانیان. (2)

ص: 443

2- . أمالى الطوسى 2: 110

5. مکارم الاخلاق: عبادت کردن هنگام دیدن هلال: با انگشت اشاره دست راست خود بر دست چپ خود مینویسی: «محمد، علی، فاطمه، حسن و سحین تا آخرین آنان، سپس قل هو الله احد را تا آخر مینویسی و میگویی: خدایا، مردم زمانی که به هلال مینگرند، برخی بر چهره‌های برخی دیگر مینگرند و از یکدیگر تبرک میجویند به راستی که من به اسمهای تو و اسم پیامبر و ولی و اولیاء تو علیهم السلام نگاه کردم و به کتاب تو نگریستم، پس عطا کن تمایم آنچه دوست دارم آن را به من عطا کنی از خیرات و دور بدار از من هر آنچه دوست دارم و شر را از من بازگردانی و از فضل خود، آنچه شایسته‌ای، بر من بیافزای، هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه بزرگ وجود ندارد. (1)

6. فلاح السائل: هرگاه از کسی ترسیدی و خواستی از شر او در امان باشی، به هلال اولین شب ماه نگاه کن و با دستت به خانه کسی که از او بیم داری، اشاره کن و بگو «أَيُّوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ تَخِيلٍ وَ أَغْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ: آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن از هر گونه میوه ای باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندی خردسال دارد، گردبادی آتشین بر آن زند و بسوزد؟ اینگونه، خداوند آیات را برای شما روشن می گرداند، باشد که شما بیندیشید.» سپس میگویی: «خدایا او را به بلا بپوشان و در بلا فرو بر و با سنگهای سجیل و پرندگان ابابیل او را مورد ضربت قرار ده، ای والا ای بزرگ» و در شب دوم و سوم همین را میگویی، و اگر چنانچه سودمند بود و به آنچه میخواستی رسیدی، در غیر این صورت، در ماه دوم اعمال ماه اول را تکرار کن، اگر سود داد و در غیر این صورت آن را در ماه سوم نیز انجام ده، به راستی که از شر آنچه میخواهی کفایت میکند، انشاء الله تعالی. (2)

ص: 444

-
- 1- . مکارم الاخلاق: 393
 - 2- . فلاح السائل: و در مکارم: 400

7. مکارم الاخلاق: جعفر بن محمد از پدرانشان علیهم السلام نقل کردند: هرگاه هلال ماه را ببیند، بگوید: خدایا خیر و پیروزی و برکت و گشایش آن را روزیمان کن و از شر آن و ما بعد آن به تو پناه میبرم. (1)

8. دعوات الراوندی: امیر مؤمنان علیه السلام زمانی که هلال را میدیدند، میفرمودند «خداوندا مردم زمانی که هلال را میبینند، در چهره یکدیگر مینگرند و برخی از برکت و برخی دیگر را امید دارند، خدایا من به روی تو جلّ ثناؤه و چهره پیامبر و اولیاء تو اهل بیت پیامبر تو صلی الله علیه و آله مینگرم. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را دوست دارم در دنیا و آخرت به من عطا کنی، ارزانی دار و آنچه را دوست دارم در دنیا و آخرت از من بازدار، دور گردان، و ما را بر طاعت خود و اولیای خود و اطاعت ولی خویش درود و رحمت تو بر آنان و تسلیم امر خویش، زنده بدار، و جان ما را بر آن بگیر و آن را مستان و بر رحمت خود بر ما تفضل کن».

سپس ده مرتبه میگفتند: ما شاء الله، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم: و ده مرتبه: اللهم صل علی محمد و آل محمد، سپس به آن پشت میکردند و میفرمودند: پروردگار من و پروردگار تو، خداست که پروردگار جهانیان است، خدایا ما را بر سلامتی و اسلام و امنیت و ایمان دفع بیماریها و شتافتن در آنچه از اطاعت ما از تو میپسندی، استوار بدار.

ص: 445

1. کتاب زید الزرادی: نقل است، حضرت امام صادق علیه السلام هرگاه به آسمان مینگریستند این آیه را میخواندند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی است.» و آیه تسخیر را میخواندند «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهُ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ: در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند. آگاه باش که خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان».

سپس میفرمودند: «خدایا به راستی که تو در آسمان ستارگان فروزان و شهابهایی قراردادی و به واسطه آن، آسمان را از شیاطین سرکشی که به دزدی گوش میکنند، نگاه داشتی، خدایا به چشم خود که خواب بدان راه ندارد، و به ستون دست نیافتنی خود، مرا محافظت نمای، و مرا در سپرده خودت که تباه نمیگردد و در زره مصون و ممانعت والا و در جوار خود، قرار ده، جوار تو عزیز گشت و ستایش تو شکوهمند است، و اسمهایت پاک گشت و خدایی جز تو نیست».

روایات:

1. أمالی: حضرت صادق از پدرانِشان علیهم السلام نقل کردند، زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله میوه نوبر را میدیدند، آن را بوسه میزدند و بر دیدگان و دهان خویش میگذاشتند و میفرمودند: خدایا همانطور که اول آن را در عافیت به من نشان دادی و پایان آن را نیز در عافیت به من نشان ده. (1)

2. أمالی: مالک جهنی نقل کرد: به امام صادق علیه السلام تعدادی گل دادم پس آن را گرفتند و بوییدند و بر دیدگان نهادند سپس فرمودند: هر کس گلی را به دست گرفت، آن را ببوید و بر دیدگانش نهد سپس بگوید: خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، بر زمین نمیافتد مگر آنکه گناهان او بخشیده گردد. (2)

ص: 447

1- . أمالی الصدوق: 160

2- . أمالی الصدوق: 160

باب صد و بیست و هفتم : بابتی نادر در ذکر دعا به هنگام شنیدن پارس سگ و صدای الاغ و شنیدن صدای رعد و هر آنچه متناسب با این باب است

روایات:

1. علل الشرائع: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه پارس سگ و صدای الاغ شنیدید، پس از شیطان رانده شده به خداوند پناه برید، به راستی که آنان میبینند و شما نمیبینید پس انجام دهید آنچه را امر میشود. (1)

2. مکانی الاخبار: امام صادق علیه السلام درباره کلام خداوند عزّ و جلّ «ربنا آتنا فی الدنيا حسنة» فرمودند: رضایت خداوند در بهشت و گشایش در روزی و معیشت و اخلاق نیک در دنیا. (2)

تفسیر العیاشی: مثل این حدیث از امام صادق علیه السلام ذکر شد. (3)

3. قرب الاسناد: علی از برادرشان علیه السلام نقل کرد: از ایشان در مورد کاغذی که ذکر خدا در آن باشد پرسیدم آن میشود آن را با آتش سوزاند؟ فرمودند: اگر از چیزی در آن بیم داری، آن را بسوزان و اشکالی ندارد. (4)

4. تفسیر العیاشی: داود نقل کرد: خدمت امام علیه السلام بودیم که آسمان غرّید پس فرمودند: «پاک است آنکه رعد با حمدش او را تسبیح میگوید و فرشتگان از بیم او». (5)

ص: 448

-
- 1- . علل الشرائع 2: 270
 - 2- . معانی الاخبار: 174 و آیه در سوره بقره/ 200
 - 3- . تفسیر العیاشی 1: 98
 - 4- . قرب الاسناد: 164
 - 5- . تفسیر العیاشی 2: 207

روایات:

1. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه دو نفر همدیگر را نفرین کردند از آنها فاصله بگیر، به راستی که آن مجلسی است که فرشتگان از آن دوری میگزینند، سپس بگو: خدایا آن را به سوی من روانه مساز، بلکه آن را بر سر کسی قرار بده که در دین تو نیرنگ کند و با ولیّ تو مخالفت کند و در زمین فساد کند.(1)

2. عده الداعی: امام باقر علیه السلام فرمودند: لحظهای که در آن مباحله میشود از طلوع فجر تا طلوع خورشید است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که با مردم صحبت میکنیم: کلام خداوند عزّ و جلّ برای آنها استدلال میکنیم: «از خداوند و رسول و والیان امر اطاعت کنید».(2)

پس میگویند: آن آیه در شأن امیران سرایا - سریهها - نازل شد، پس با کلام خداوند متعال استدلال میآوریم «إنما ولیکم الله»(3) تا آخر آن پس میگویند: در حق مؤمنان نازل شد، پس با این کلام خداوند احتجاج میکنیم «قل لا اسئلكم علیه أجراً إلا المودة فی القربی»(4)

پس میگویند: این آیه در حق نزدیکان مسلمانان، نازل شد، نقل کرد: دیگر چیزی از آن و مشابه آن به خاطر نمیآورم جز اینکه برای او ذکر کردم.

ص: 449

1- . أمالی الطوسی 2: 311

2- . نساء/ 68

3- . مائده/ 78

4- . شوری/ 33

پس به من فرمودند: هرگاه چنین شد، آنها را به مباحله فرا خوان، عرض کردم، چگونه عمل کنم؟ فرمودند: خود را سه بار اصلاح کن و گمان می کنم فرمودند: روزه بگیر و غسل کن و تو و او به صحرا بروید، پس انگشتان دست راست را در انگشتان او گره زن و با خودت شروع کن و بگو:

«خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار هفت طبقه زمین، ای دانای نهان و آشکار بخشاینده مهربان اگر ابو مسروق حقی را انکار و باطلی را ادعا میکند، سنگی از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن» سپس دعا را به او تکرار کن و بگو «اگر فلانی حقی را انکار و باطلی را ادعا میکند، سنگی از آسمان یا عذابی دردناک بر او نازل کن».

سپس به من فرمودند: به راستی طولی نمیکشد که آن را میبینی سوگند به خدا کسی را نیافتم که مرا بدان پاسخ دهد.

ابی العباس نقل کرد: انگشتانت را به انگشتانش گره میزنی، سپس میگویی: اگر فلانی حق را انکار یا باطلی را اقرار نمود پس سنگهایی از آسمان یا عذابی از جانب خود بر او فرود آر و او را هفتاد بار لعن کن. (1)

ص: 450

1- . این احادیث را در کافی 2: 513 میبینی و ابو مسروق همان راوی است.

باب صد و بیست و نهم : دعا‌های منقول غیر موقت شامل دعا‌های جامع خواسته ها و پاره ای از دعاها که نام های معروفی دارند و هر آنچه متناسب با آن است

روایات:

1. قرب الاسناد: حضرت صادق از پدرشان علیهما السلام نقل کردند: هر مؤمنی این کلمات را بر زبان آورد، من او را در دنیا و آخرت تضمین میکنم و در دنیا، فرشتگان هنگام مرگ، او را بشارت دهند و در آخرت در ازای هر کلمهای از آن، خانهای در بهشت مییابد، بگوید «ای شنوندهترین شنوندهها، ای بینندهترین نگرندگان، ای سریعترین محاسبهگران، ای مهربانترین مهربانان، ای حاکمترین حاکمان».(1)

2. قرب الاسناد: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: از جمله دعا‌هایی که پدرم علیه السلام آن را م از انکار و باطلی را ادعا می فرمودند: از جمله دعا‌هایی که پدرم علیه السلام آن را انی حقى ار انکار و باطلی را ادعا می فساخواندند «خدایا حقت را بر من ببخشای و مخلوقات را از من راضی گردان، و آنچه از من که به تو آسیب نمیرساند، بیامرز، و از آنچه به تو سود نرساند، عافیت بخش، به راستی که شفای من تو را آسیب نرساند و عذاب من سودی به تو نرساند، و هر کس از تو درخواست کند، عطا کنی و بر هر آنکس از تو مسألت نکند، خشم میگیری و کسی غیر از تو آن را انجام نخواهد داد، منزهی و تو را ستایش میکنم.

ص: 451

فرمودند: پدرم علیه السلام در دعای خویش میفرمودند: «خدایا عافیت را به من بپوشان تا معیشت را بر من گوارا سازی و از فضل خود چنان روزیام کن که مرا از دیگر مخلوقات خود، بنیاز سازی، و از اطاعت تو به شخصی دیگر مشغول نشوم».

فرمودند: پدرم رضی الله عنه در دعایشان میفرمودند: پروردگارا جان مرا اصلاح کن؛ زیرا مهمترین جانهاست، و نسلم را اصلاح گردان؛ زیرا دست و بازوی مناند، پروردگارا اهل بیت مرا اصلاح کن؛ زیرا آنان گوشت و خون من هستند، پروردگارا گروه برادران و خواهران و دوستانم را اصلاح گردان؛ زیرا صلاح آنان، صلاح من است. (1)

3. أمالی: عتبی نقل کرد: عرب بادیه نشینی را شنیدم میگفت: «خدایا کردار بیمناکان و ترس عملکنندگان را روزیام گردان، تا به ترک نعمتها به آنچه وعده دادی گرایش پیدا کنم و از آنچه ترساندی، بهراسم». (2)

4. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با یارانشان قدم میزدند، پس به آنان فرمودند: آرام تر بیایید، تا پروردگارم را ستایش کنم، سپس فرمودند: خدایا هیچ بازدارندهای از آنچه عطا کردی و هیچ عطاکنندهای از آنچه باز داشتی و هیچ گیرندهای از آنچه گستردی و هیچ گسترندهای از آنچه گرفتی و هیچ هدایتگری برای آنکه گمراه کردی و هیچ گمراهکنندهای برای او که هدایت کردی وجود ندارد، خدایا تو بردباری پس ناآگاهی نداری، و بخشندهای و بخل نمیورزی، و عزیزی و خوار نمیگردی و بلند و دست نیافتنی هستی. (3)

5. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: سه چیز است که خداوند به مثل آن درخواست نشد، میگوید: «خدایا مرا از دینم آگاه گردان و نزد مسلمانان محبوب کن و ذکر راستی مرا بر زبان دیگران قرار ده». (4)

ص: 452

1- . قرب الاسناد: 7

2- . أمالی الطوسی 1: 4

3- . أمالی 1: 217

4- . أمالی الطوسی 2: 309

6. تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله شبی در منزل ام سلمه بودند پس ایشان را بستر نیافت، و آنچه به ذهن زنان وارد میشود به ذهن او رسید پس برخاست و در اطراف خانه به جستجوی او پرداخت، پس ایشان را در گوشه‌های از خانه یافت که ایستاده‌اند دستهای خود را بلند کرده‌اند و گریه میکنند و میگویند: «خدایا خیری را که به من عطا نمودی هرگز از من مگیر، خدایا دشمن و حسود مرا هرگز شاد مکن، خدایا مرا به بدی که از آن نجات دادی، هرگز بازگردان، خدایا مرا یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار». (1)

7. التوحید: نقل است جبرئیل این دعا را از آسمان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کردند و با حالتی خندان و بشارت‌دهنده فرود آمدند و فرمودند: سلام بر تو ای محمد و فرمودند: سلام بر تو ای جبرئیل، جبرئیل گت: خداوند، هدیه‌ای به سوی تو فرستاد، فرمودند: آن چه هدیه‌ای است ای جبرئیل؟ فرمودند: بگو: ای کسی که زیبایی را آشکار و زشتی را پوشاند ای کسی که به گناهان مواخذه ننمود و پرده را ندرید، ای آنکه گذشتش عظیم است، ای نیکودرگذرنده ای گسترنده آمرزش، ای آنکه دو دست خود را به رحمت گشوده‌ای، ای همدم هر نجوا و نهایت هر شکایت، ای گذشت بزرگوار، ای بزرگ منت، ای آغازگر نعمتها قبل از شایستگی آنها، ای پروردگار ما و سرور ما و مولای ما و ای انتهای آرزوی ما، از تو می‌خواهم ای خدا که خلقتم را به آتش زشت نگردانی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جبرئیل ثواب این کلمات چیست؟ فرمودند: هیئات هیئات، آن عمل قطع شد. اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین جمع شوند تا پاداش آن را تا روز قیامت توصیف کنند تنها یک جزء از هزار جزء آن را میتوانند وصف کنند، زمانی که بنده گوید: «ای کسی که زیبایی را آشکار و زشتی را پوشاند» خداوند در دنیا او را به رحمت خود می‌پوشاند و در آخرت او را زیبا میگرداند، و خداوند در دنیا و آخرت هزار هزار پوشش بر او می‌پوشاند، و زمانی که بنده گوید «ای کسی که به گناه مواخذه نکرد و پرده را ندرید»

ص: 453

خداوند او را در روز قیامت محاسبه نمیکند و در آن روز که پرده‌ها پاره میشود پرده او را نمی‌درد، و هرگاه بگوید «یا عظیم العفو: ای صاحب بخشش بزرگ» خداوند گناهان او را اگرچه به میزان کف دریا باشند میبخشاید، هرگاه بگوید «یا حسن التجاوز: ای نیکو درگذرنده» خداوند از گناهان او حتی از دزدی و خوردن شراب و ترسهای دنیا و دیگر گناهان کبیره میگذرد و هرگاه بگوید «یا واسع المغفره: ای صاحب مغفرت بسیار» خداوند عزّ و جلّ هفتاد در رحمت را بر او میگذشاید و او در رحمت خداوند عزّ و جلّ فرو میرود تا اینکه از دنیا خارج گردد.

و زمانی که گوید: «ای گشاینده دو دست به رحمت» خداوند دست خود را به رحمت بر او میگذشاید و زمانی که گوید: «ای همدم هر نجوا و نهایت هر شکایت» خداوند عزّ و جلّ به او پاداش تمامی مصیبتدیدگان تندرستان و بیماران و ضرردیدگان و بیچارگان و فقیران و مصیبتدیدگان را تا روز قیامت به او عطا کند و زمانی که بگوید: «ای گذشت بزرگوار» خداوند او را چون پیامبران گرامی بدارد، و هرگاه بگوید «ای بزرگ منت» خداوند در روز قیامت آرزوی او و آرزوی مخلوقات را به او عطا کند و هرگاه بگوید: «ای آغازگر نعمتها قبل از استحقاق آن» خداوند پاداش او را به تعداد شکرگزارانش عطا فرماید.

و هرگاه بگوید «ای پروردگار ما ای سرور ما و ای مولای ما» خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرشتگان من، شاهد باشید که او را آمرزیدم و پاداش او را به تعداد مخلوقات خود در بهشت و دوزخ و آسمانهای هفتگانه و هفت طبقه زمین و ماه و خورشید و ستارگان و قطرات باران و انواع مخلوقات و کوهها و سنگریزهها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی عطا کردم.

و هرگاه بگوید: «ای مولای ما» خداوند قلب او را از ایمان آکنده سازد و اگر بگوید «ای نهایت آرزوی ما» خداوند در روز قیامت آرزوی او و مثل آرزوی مخلوقات را به او عطا کند و زمانی که بگوید «ای خدا از تو میخواهم خلقتم را با آتش زشت نگردانی»، خداوند جبار جلّ جلاله گوید: بندهام از من طلب آزادی از آتش را دارد، ای فرشتگان من، گواه باشید که او را از آتش رهانیدم و پدر و مادر و برادران و خواهران خانواده و فرزندان و همسایگان او را رهانیدم و او را برای هزار

نفر از آنان که آتش را بر ایشان واجب کردم شفیع گردانم و از آتش پناه دادم، ای محمد آن را به تقوا پیشگان پیاموز و به منافقان یاد مده، به راستی که دعایی مستجاب برای گوینده آن است، انشاء الله، و دعای اهل خانه معمور است زمانی که به دور آن طواف میکنند.(1)

8. أمالی: امام صادق علیه السلام فرمودند: ابوذر رحمه الله علیه از کنار رسول خدا صلی الله علیه و اله گذشتند و نزد ایشان جبرئیل علیه السلام به ظاهر دحیه کلبی بود، و رسول خدا صلی الله علیه و اله با او خلوت گزیده بود. زمانی که ابوذر آنها را دید از آنها فاصله گرفت و کلامشان را قطع ننمود پس جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد، این ابوذر است که از کنار ما بگذشت و سلام نکرد، اگر سلام میکرد بر او پاسخ میگفتیم، ای محمد، او دعایی دارد که در نزد اهل آسمان معروف است، هرگاه که به آسمان رفتم از او پرس.

زمانی که جبرئیل بالا رفت، ابوذر به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آمد پس رسول خدا صلی الله علیه و اله به او فرمودند: ای ابوذر هنگامی که از کنار ما رد شدی چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر ما سلام نکنی، گفت: ای رسول خدا پنداشتم آنکه با شماست، دحیه کلبی است و با او برای کاری خلوت گزیدید. پس فرمودند: ای ابوذر، او جبرئیل بود. و گفت: اگر ابوذر بر ما سلام میکرد جواب او را میدادیم، زمانی که ابوذر دانست او جبرئیل علیه السلام بود، خدا میداند که به چه میزان پشیمان شد و از اینکه بر او سلام نکرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: آن چه دعایی است که میخوانی؟ به من خبر داد که تو دعایی داری که در آسمان معروف است، عرض کرد: آری ای رسول خدا، میگویم: «خدایا من از تو ایمان به تو و تصدیق پیامبر تو و عافیت از تمامی بلاها و شکر بر عافیت و بینازی از مردمان بدذات را خواهانم».(2)

9. قصص الانبیاء: امام باقر علیه السلام فرمودند: کلامی که حضرت آدم علیه السلام به واسطه آنها پروردگارش را دیدار کرد و پس خدا توبه او را پذیرفت، گفت

ص: 455

1- . توحید الصدوق: 154 باب اسمهای خداوند متعال.

2- . أمالی الصدوق: 208

خدایا خدایی جز تو نیست، منزهی و تو را سپاس میگویم، بد کردم و به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیامرز به راستی که تو بهترین آمرزندگان.

10. مجالس المفید: اسحاق بن فضل هاشمی نقل کرد: از جمله دعای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب این بود: «خدایا پناه میبرم به تو از اینکه با دوستی از تو دشمنی کنم یا دشمن تو را به دوستی گیرم یا از خشم تو، خشنود گردم، خدایا هرکس که بر او درود فرستادی، درود ما بر اوست و هر کس که او را نفرین کردی، لعن ما بر اوست، خدایا هر کس که مرگ او باعث شادی ما و مسلمانان خواهد شد، پس ما را از او راحت کن و به جای او کسی قرار ده که بهتر از او برای ماست، تا اینکه از علم اجابت به ما نشان دهی آنچه را در دینها و زندگیهای خود میشناسیم، ای مهربانترین (1).

11. مکارم الاخلاق: معاذ بن جبل نقل کرد: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سراغ عبدالله بن سلام فرستاد و در نزد ایشان گروهی از یارانشان نیز بودند، پس حاضر گشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای عبدالله مرا از دو کلمه آگاه ساز که خداوند عز و جل روزی که ابراهیم را به آتش انداخت، آنها را آموخت، آیا آنها را به صورت مکتوب در تورات مییابی؟ عبدالله عرض کرد: ای پیامبر خدا پدر و مادرم به فدای شما، آیا چیزی مربوط به آنها بر شما نازل گشت؟ به راستی که ثواب آنها را در تورات یافتم و کلمات را نمیابم، و آن ده دعاست که اسم اعظم خداوند در آنهاست. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا خداوند متعال آنها را به موسی آموخت؟ گفت: آنها را فقط به ابراهیم خلیل علیه السلام آموخت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چه پاداشی برای آنها در تورات مییابی؟ عبدالله گفت: ای رسول خدا چه کسی میتواند به پاداش آن دست یابد و در تورات به صورت مکتوب وجود دارد که: هیچ بندهای نیست که خداوند بر او منت نهد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر اینکه نور را در چشمان او و یقین را

ص: 456

در قلب او قرار داده است، و سینه او را به ایمان گشود و برای او نوری قرار داد که از جایی که او نشسته است تا عرش می‌درخشد و هر روز دو بار به او بر فرشتگان خود افتخار میکند و حکمت را بر زبانش جاری سازد و حفظ کتابش را روزیاش گرداند، هرچند که بر آن مشتاق نباشد، او را در دین آگاه سازد، و محبت او را در دل بندگانش نهد و او را از عذاب قبل و فتنه ایمنی بخشد و از ترس بزرگ در روز قیامت در امان دارد، او را در زمره شهیدان محشور گرداند و خداوند او را اکرام کند و آنچه از کرامت خویش به پیامبران عطا کرد، به او نیز ارزانی دارد و زمانی که مردم بیم دارند، نمیهراسد، و آنگاه که اندوهگین شدند، غمی ندارد، و نزد خداوند از صدیقان نوشته شود و روز قیامت با قلبی آرام و مطمئن محشور میشود و از جمله کسانی است که در روز قیامت با حضرت ابراهیم به او حله پوشانده شود.

و با این دعاها چیزی از خداوند مسألت نکند جز اینکه او را عطا کند و اگر به خدا قسم بخورد خداوند سوگند او را نیک گرداند و در سرای شکوه در جوار خدای بخشایشگر است و پاداش شهیدانی که از روز خلقت دنیا به شهادت رسیده‌اند، برای اوست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن سلام، سرای شکوه کجاست؟ گفت: بهشت جاویدان و آن در مکان عرش خداوند بخشایشگر است، پروردگار عزت و آن در جوار خداست، ابن سلام گفت: ای رسول خدا ما را بیاموز و بر ما منت بنه همانطور که خداوند بر تو منت نهاد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای خدا به سجده بیافتید، نقل کرد: پس به سجده رفتند و زمانی که سرهایشان را بالا گرفتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ای خدا ای خدا ای خدا، تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو بیم دارند، ای روشنایی روزی، تو کسی هستی که از مخلوق خود پنهان شدی و هیچ نوری روشنایی تو را نتواند دریابد، ای خدا ای خدا تو آن والایی هستی که از بالای آسمان خود بر بالای عرش رفعت گرفتی و عظمت تو را هیچ یک از مخلوقات، وصف نکند، ای روشنایی نور، اهل آسمان تو، به نور تو، روشنایی گرفتند و اهل زمین از تابش تو، روشنایی گرفتند.

ای خدا ای خدا ای خدا تو کسی هستی که جز تو خدایی نیست، بلندمرتبه‌تر از آنی که شریکی برای تو باشد و بزرگتر از آن هستی که فرزندی داشته باشی، و بزرگوارتر از آن هستی که مانندی برای تو باشد، و از اینکه مخالفی داشته باشی، جبار گشتی، تو خدایی هستی که بر هر زبان ستایش میشود و در هر مکان پرستیده میشود و در هر لحظه و زمان یاد میشود هر نوری به جهت روشنایی تو، خاموش است ای فرمانروای هر فرمانروایی ای همیشگی، غیر تو نابود میگردد، و هر زنده‌ای غیر تو میمیرد.

ای خدا ای خدا ای خدا بخشاینده مهربان، بر من رحمتی کن تا بدان خشمتم را فرونشانی و عذابت را باز داری و سعادت کسانی که در نزد تو هستند را روزیام کنی، و مرا به خاهاات که بهترینان از مخلوقات در آن ساکنند، وارد کنی، ای مهربانترین مهربانان.

ای کسی که زیبایی را آشکار نمود و زشتی را پوشاند، ای آنکه به گناه مواخذه نکرد و پرده را ندرید، ای که بخشش او بزرگ است، ای نیکو درگذرنده، ای صاحب آمرزش گسترده، ای آنکه دو دست خود را به رحمت میگشایی، ای همدم هر نجوا، ای نهایت هر شکایت، ای گذشت بزرگوار، ای بزرگ منت، ای آغازگر به نعمتها قبل از استحقاق آن، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای سرور من و ای امید من، ای نهایت آرزوی من، از تو میخواهم ای خدا ای خدا ای خدا که خلقتم را به آتش زشت مگردانی».

عرض کرد: ای رسول خدا پاداش کسی که این کلمات را میگوید چیست؟ هیئات هیئات، قلم از آن بریده گشت، اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت طبقه زمین گرد آیند تا پاداش آن را تا روز قیامت وصف کنند، تنها یک جزء از هزار جزء را وصف میکنند، و آن حضرت علیه السلام برای این کلمات پاداش و فضائل بسیاری ذکر نمودند که ذکر آن در اینجا از توان خارج است، و از بیم طولانی شدن کلام به ذکر مقصود اکتفا کردیم. (1)

ص: 458

12. مکارم الاخلاق: از جمله دعای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «خدایا از تو عافیت، شکر بر عافیت و عافیت کامل در دنیا و آخرت را خواهانم». (1)

13. فقه الرضا: دعای «خدایا به راستی که تو قبل از زمانها و پیش از وجود و هستی و موجودات، بودی و به آنچه بخواهی پدید آوری قبل از به وجود آوردن اشیاء، علم داشتی، و علم پیشین تو قبل از به وجود آمدن و آگاهی در آنچه میخواستی ایجاد کنی، وجود داشت، علم تو همیشگی و ذاتی است، پیوسته آگاه بودی و وجود داشتی و جهل از تو دور است. و تو ابدی و ازلی و قدیم همیشگی هستی، نه به صفاتی وصف میشوی و نه به صفتی شناخته می شوی و به حواس ملحق نمیگردی، و مثال برای تو زده نمیشود و با اندازه، اندازهگیری نمیشوی و حدی برای تو قرار داده نمیشود. مکانی شناخته شده نداری و نه جایگاهی که قابل دسترسی باشد، نه بالای تو انتهاست و نه پایین تو، نه پشت تو درک میشود و نه مقابل تو را میتوان دریافت بلکه رویآوردگان کدام جهت رو کنند که تو پیوسته آنجایی و اشیاء تو را احاطه نمیکند و بلکه این تویی که اشیاء را فرا میگیری و آنها را در برداری و از نگاه مخلوقات در حجابی، در حالی که آنها از تو پوشیده نیستند، میبینی و دیده نمیشود و تو در جایگاه والایی میشنوی و میبینی و میدانی آنچه پنهان میشود و پنهان شد، پس از آنچه گفتند بسیار برتری یافتی.

دعایی دیگر از من «خدایا تو تویی همانطور که تویی همانجا که تویی و کسی نمیداند تو چگونه ای جز تو و از آنچه در ازل بودی، همانجا که بودی تغییر نپذیرفتی، از بین نمیرود و پشت نمیکند، اول تو مثل آخر تو و پایان تو چون آغاز توست، آنگاه که مخلوقات فنا شوند و حقایق آشکار گردند، هیچ فرشته مقرب و پیامبر گرامی مکان تو را نمیشناسد و هیچ کس کجایی و چگونگی و وجود تو را نمیداند، پس تو یکتای همیشگی هستی و فرمانروایات، دائم و پادشاهیات از بین نمیرود، نابودی نداری و حکومت پایان نپذیرد و قدرتت تغییر نکند، فرمانروایات جاودان و پادشاهیات، قدیمی است، از تو و به واسطه تو نه به کمک کسی دیگر و

ص: 459

از شخصی دیگر. زیرا پیوسته ازل به واسطه تو بود نه تو به واسطه آن، تو جاودان پیوسته‌ای، منزهی و از آنچه میگویند بسیار بالاتر رفتی.

دعایی نیک و رسا برای من:

«خداوندا در روز فقر و نیازم و به هنگام سرگشتگی و تمام شدن حتم به محبت تو و محبوب تو توسل میجویم و به کسی که ابراهیم را به سبب او خلیل خود برگرفتی و از کرامت او با موسی در طور سینا، از پشت آن سخن گفتی، و به سبب او در مریم از روح خود دمیدی و آن نور درخشان تو و روشنایی تابان تو و پرنورترین نورهاست، تابنده‌ترین پرتو و روشنترین روشنیهاست، عزیزترین مخلوقات و برترین آفریدگان و نخستین کسی که آفریدی و آخرین کسی که آشکار ساختی، روح و نور و پاکی توست، پیدایش نخستینان و آخرینها به سبب اوست پایان بخش رسولان تو، و سرآغاز پیامبران تو، حجت بزرگ، نشانه عظیم تو و نشانه‌های درخشان تو و دروازه نهایی تو و حجاب نزدیک تو و کلمه والای تو، شهر علم تو و سرچشمه حکمت تو و انتهای راز توست، میثاق پیامبران و پیمان شهیدان از استوارترین رسولان، اصل جانشینان و فرع تقوایندگان، گرامیترین نیکوکاران و برگزیده برگزیدگان.

بهترین ثقلین و گرامیترین در مشرق و مغرب، تا دو مشرق و میان دو مغرب است، سرور نخستینان که گذشتند و سرور آیندگان که باقیاند، پاک رهنیده شده برگزیده، برگزیده، سرور نیکوکار، تاج پیامبران و تاج رسولان و فخر ثقلین و افتخار فرشتگان پرچم هدایت کوه تقوا، نور تاریکی ماه تابان و ستاره درخشان کوکب دری، ترازوی عدالت، راه راست، مناره دین خدا، قنديلهای رسولان، پایههای دین والا، ستونهای اسلام، فرودگاه های وحی.

خاندان تو، خانواده تو، فرزندان تو، امینهای تو، برگزیدگان تو، نجیبان تو، نخبه‌های تو و سران تو و تقوایندگان تو و شاهدان تو و جانشینان تو و بزرگواران تو و شکیبایان تو و عارفان تو و حکیمان تو و عالمان تو و ادیبان تو امینهای تو، نظیرهای تو و شفیعیان تو و بزرگان تو.

سپس به خلیل تو که او را هم نام خود، قرار دادی و طاعت او را بر بندگان واجب گردانیدی و محبتش را بر مخلوقات خویش، بایسته کردی سپس آل طه و یس و حوامیم و طواسین و کهیص ذکر حکیم تو و رحمت گسترده تو، نجات مؤمنان و هلاک کافران، روی کریم تو، که مغلوب نشود و نابود نگردد و با هلاکشوندگان، هلاک نگردد و جوار شایسته تو و دست والا و چشم باوفای تو صاحب میم و عین و فا و ح و هی، آنها نیکان خوب صورت درستکارند، درود و سلام خداوند بر آنان و فرزندانشان.

خداوندا به آنها و به تو و به تو و به آنها و برای آنها و برای تو و برای تو و برای آنان، خدایا پس بر آنان و خاندانشان درود فرست، خداوندا تو از حق آنان چیزی میدانی که من نمیدانم و از فضیلت آنان چیزی میشناسی که من نمیشناسم، خدایا به آنها و به حق آنان و فضل و شرف آنها از تو میخواهم بر محمد و آنان و بر خاندانشان سلام و درود فرستی و حاجت مرا روا سازی، کوچک و بزرگ آن از حاجات دنیا و آخرت، آنچه که رضای تو و صلاح من در آن است.

خداوندا به حق بایسته تو و آنان بر ما و به فضل و حرمتشان در نزد تو از تو میخواهم بر آنان و خاندانشان سلام و درود فرستی و تمام گناهان کوچک و بزرگ و پنهان و آشکار که از من آگاه گشتی بیامری و آنچه از ما برשמردی از آنچه که فراموش کردیم ببخشی.

خدایا به واسطه آنان درود خدا بر آنان تمامی کرامت تو را و تمامی خیر و عافیت تو را خواهانم و آنچه از آنان علیهم السلام درخواست شود، از شر تمامی آفات و آسیبها و شر هر صاحب جز تو نیست پاکی و منزهی و من از ستمکاران خواهانم بود و تو مهربانترین مهربانانی، و درود خدا بر سرور اولین و آخرین، و سلام او بر برادر و جانشینش امیر مؤمنان و هیچ نیرو و قدرتی جز به خداوند بلندمرتبه و بزرگ تحقق نمیپذیرد.

14. کشف الغمه: به نقل از کتاب دلائل حمیری از ابی هاشم جعفری که چنین آورد: یکی از طرفداران امام حسن علیه السلام از او خواست تا دعایی بدو بیاموزد پس به او نگاشتند این دعا را بخوان: «ای شنوندهترین شنواها و ای بینندهترین

بینندگان و ای عزت نگرندگان و ای سریعترین حسابگران و ای مهربانترین مهربانان و ای حاکمترین حاکمان بر محمد و خاندان محمد درود فرست و روزیام را بگستران و بر عمرم بیافزای و به رحمتت بر من منت بده و مرا از کسانی قرار ده که دینت را یاری میکنی و دیگران را جایگزین من مگردان».

ابو هاشم نقل کرد: با خود گفتم: «خدایا مرا در حزب و گروه خود قرار ده» پس امام حسن به من رو کردند و فرمودند: تو در حزب و گروه او هستی، اگر به خداوند ایمان آوری و رسول او را تصدیق کنی و معرفت اولیای او را داشته باشی و پیرو آنان گردی، پس بشارت ده سپس بشارت ده. (1)

15. رجال الکشی: از محمد بن زید شحام نقل است: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به ایشان عرض کردم: دعایی به من بیاموزید، فرمودند: بنویس «به نام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که برای هر خیری به او امید دارم و از خشم او به هنگام هر لغزشی ایمنم، ای کسی که در ازای اندک، بسیار میبخشی، ای کسی که از روی رحمت و مهربانی به هر کس که از او درخواست کند، عطا میکنی، ای کسی که به آنکه از او درخواست نکرد و نشناخت، بخشید، بر محمد و اهل بیت او درود فرست و با درخواست از تو، خیر دنیا و تمامی خیر و آخرت را به من عطا کن، به راستی آنچه میبخشی کم نمیشود و از گستره فضل خود بر من بیافزای ای بزرگوار».

سپس دست خود را بالا بردند و فرمودند «ای صاحب بخشش و عطا، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای صاحب نعمتها و سخاوت، بر من از آتش رحم کن» سپس دستان خویش را بر محاسنشان گذاشتند و وقتی آنها را پایین آورد، کف دستشان از اشک پر شد. (2)

16. جامع الأخبار: دعایی به روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «خدایا من پناه میبرم به تو از قضا و قدر ناگوار و نگاه بد به خانواده و مال و فرزندان».

ص: 462

و از دعای ایشان: «خدایا پناه میبرم به تو از بینازی که مرا به سرکشی اندازد و فقری که مرا ناپسند گرداند و هوایی که مرا به هلاکت اندازد و کرداری که خوارم گرداند و همسایه که آزارم برساند».

از دعای ایشان «خدایا ما را به امر خویش مشغول بدار و به وعده خویش ایمن بدار، از خلق خود مایوس گردان و به خود مونس کن. از غیر خود بترسان و به قضای خود راضی و بر بلای خویش شکبیا و بر نعمت هایت سپاسگزار و از یاد لذت مند و از کتاب خود شاد، از مناجاتکنندگان با تو در لحظات شب و روز و آمادهدشندگان برای مرگ و مشتاقان دیدار خود و کینهتوزان دنیا، علاقمندان به آخرت قرار ده و آنچه به رسولانت وعده دادی به ما عطا کن و روز قیامت خوار مساز، به راستی که تو خلف وعده نمیکنی.

دعای «خداوندا بهترین عمرهای ما را در پایان آن قرار ده و بهترین روزهای ما را روز ملاقات با خویش قرار ده». (1)

17. بشاره المصطفی: ابن بناته نقل کرد: کنار در خانه امیر مؤمنان علیه السلام به رکوع میرفتم و خدا را میخواندم، که امیر مؤمنان خارج شد و فرمود: ای اصبغ، عرض کردم: بله بفرمایید. فرمودند: چه کار میکنی؟ عرض کردم: به رکوع رفتم و دعا میخواندم. فرمودند: آیا نیاموزم به تو دعایی که از رسول خدا شنیدم؟ عرض کردم: آری. فرمودند: بگو: «سپاس خدایی را بر آنچه بود و سپاس خدای را در هر حال» سپس دست راست خود را بر شانه چپشان زدند و فرمودند: ای اصبغ، اگر قدمت استوار باشد و ولایت شکل بگیرد و دستت فراخ باشد، خداوند از تو به خود مهربانتر است. (2)

18. غوالی اللئالی: روایت است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همیشه این دعا را میخواندند: «خدایا از بیم خود چنان روزیمان کن که میان ما و نافرمانی از تو فاصله اندازد و از طاعت خود، آنچه که ما را به بهشت برساند و از یقین آنچه که به واسطه آن مصیبتهای دنیا را خوار گردانی، ما را از گوش و چشم و نیروهامان

ص: 463

2- . بشاره المصطفى: 117

بهره برسان، مادامی که ما را زنده نگاه داشتی و آن را وارث ما قرار ده و از کسی که بر ما ظلم کرد، انتقام بگیر و ما را بر دشمنانمان یاری کن و دنیا را بزرگترین غم ما و نهایت علم ما قرار مده و کسی که بر ما رحم نمیکند را بر ما مسلط مگردان».

19. به نقل از خط شهید ره: نقل است از بهترین دعاها این است: «خداوندا خیر عمرم را در پایان آن و خیر کردارم را در عاقبت آن و خیر روزگارم را در روز دیدار خود قرار ده، خدایا مرا به سختی نمیران و در حالت غفلت جانم را مگیر و مرا از غافلان قرار مده، خداوندا در دنیا بر من بگستران و مرا نسبت به آن بیرغبت مگردان و مرا سعادتمند زنده بدار و شهید از دنیا ببر.

خدایا به تو پناه میبرم از اینکه مرا عبرت دیگران قرار دهی و پناه میبرم به تو از اینکه به خاطر رنجی که بر من وارد شد، به گناهم اعتراف کنم. خدایا پناه میبرم به تو از اینکه مرا به عذاب خود ادب کنی، خدایا ما را به خود وا مگذار که درمانیم و نه به مردم که تباه شویم، خدایا بهترین عمل مرا آن چیزی قرار ده که اجلم را نزدیک کند، خدایا خواری من در پناه عزت تو قرار گرفت و ترسم در پناه امنیت خویش و ظلمم در پناه عفو خود و نادانیم در پناه شکیبایی خود و فقرم در پناه ثروت خود و روی از بین روندهام در پناه روی همیشگی پایدار زیبا بزرگوار خود قرار گرفت. خداوندا هیچ کس مرا از تو بازنمیدارد اگر تو مرا بخواهی و چنانچه تو مرا محروم کنی، هیچ کس نمیخشد، خدایا مرا به سبب شکر اندک محروم مکن و به سبب کمی صبرم، باز مدار.

20. دعوات الراوندی: داود بن زربی نقل کرد: از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم میفرمودند: خدایا من از تو عافیت، عافیت کامل، شکر عافیت و سپاسگزاری از شکر عافیت را خواهانم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعا میکردند و میفرمودند: از تو عافیت کامل را میخواهم، سپس فرمودند: عافیت کامل، رستگاری به بهشت و رهایی از آتش دوزخ است.

روایت است، علی بن سالم جعفی به امام باقر علیه السلام عرض کردند: برایم دعا کنید، پس فرمودند: خداوندا او را به زندگانی ما بدار و به مرگ ما بمیران و او را در راه ما مسیر ده. روایت است: آن شخص شهید شد.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس هفتاد مرتبه بگوید: «ای شنونده‌ترین شنوها و ای بیننده‌ترین بینندگان و ای سریع‌ترین حسابگران و ای حاکم‌ترین حاکمان». من دنیا و آخرت او را تضمین می‌کنم و اینکه خدا را هنگام مرگ به بشارت، ملاقات کند و در ازای هر کلمه خائهای در بهشت برای او باشد.

نقل کرد: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم: می‌فرمودند: پاک است کسی که به چیزی انس نمی‌گیرد تا او را پایدار کند و نه از چیزی می‌هراسد که او را نابود کند.

21. الدر المنثور: اُبی یسر روایت کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله با این هفت کلمه دعا می‌کردند: خدایا به تو پناه می‌برم از ویرانی و پناه می‌برم از هلاکت و پناه می‌برم از غم غرق شدن و سوختن و ویرانی و پناه می‌برم به تو که شیطان در لحظه مرگ مرا به بیراهه برد و پناه می‌برم به تو از اینکه بمیرم در حالی که به راه تو پشت کردم و پناه می‌برم به تو از اینکه گزیده شده بمیرم.

22. مهج الدعوات: ابن عباس رضی الله عنه روایت کرد: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل شدم دیدم که حضرت خندان و بسیار خوشحال هستند. عرض کردم: چه خبر است فدای شما باد پدر و مادرم ای رسول خدا؟ پس فرمودند: ای ابن عباس جبرئیل نزد من آمد در حالی که به دست او صحیفه ای بود که در آن دعایی از جهت کرامت من و از برای امت من نوشته شده بود. پس جبرئیل گفت: ای محمد این را بگیر و بخوان آنچه را که در اوست و آن را تعظیم نمای. پس به درستی که این گنجی از گنجهای آخرت است و این دعایی است که خدای تعالی به تو و به امت تو اکرام نمود. پس گفتم: ای جبرئیل آن کدام است؟ پس جبرئیل که رحمت خدا بر او و بر همه فرشتگان مقرب باد گفت: سبحان الله و بحمده. و آن دعایی است که آورده شد تا سبحان الله العظیم.

گفتم: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: چه چیز است ثواب کسی که این دعا را بخواند؟ پس جبرئیل گفت: ای محمد مرا از ثوابی سؤال نمودی که آن را نمی داند مگر خدای تعالی، اگر همه دریاها مرکب و درختها قلم و فرشتگان آسمانها نویسند بگردند و ثواب این را به قدر هزار برابر مدّت بقاء دنیا بنویسند، هر آینه مرکب برطرف می شود و قلمها شکسته می شود و به یکدهم از ثواب آن نمی رسند. ای محمد قسم به حقّ کسی که تو را به راستی به پیغمبری فرستاد، نیست مرد و زنی که این دعا را بخواند مگر آن که خدای تعالی برای او ثواب چهار تن از فرشتگان و چهار پیغمبر را بنویسد. اما پیغمبران پس اوّل ثواب تو را ای محمد و ثواب عیسی و ثواب موسی و ثواب ابراهیم علیهم السّلام را و اما فرشتگان پس اوّل ثواب مرا و ثواب اسرافیل و ثواب میکائیل و ثواب عزرائیل را.

ای محمد هر مردی یا زنی که این دعا را در مدّت عمر خود بیست مرتبه بخواند پس به درستی که خدای تعالی او را به آتش جهنم عذاب نمی کند و هر چند از گناهان او باشد مثل کف دریاها و قطره های باران و عدد ستاره ها و وزن عرش و کرسی و لوح و قلم و ریگ و موی و کرک و آفریده های بهشت و دوزخ که خدای تعالی آن گناهان را می آمرزد و از برای او به عوض هر گناهی هزار حسنه می نویسد.

ای محمد و اگر آن شخص را همی یا غمی یا آزاری یا بیماری یا علّتی یا تشنگی یا ترسی باشد و این دعا را سه مرتبه بخواند، خدای تعالی حاجت او را بر می آورد و شخصی که از شیر یا از گرگ بترسد یا داخل شدن بر پادشاه ظالمی را اراده کند و این دعا را بخواند، پس خدای تبارک و تعالی از او هر بدی و مکروهی و آفتی را به حول و قوّت خود منع می کند، کسی که این دعا را یک مرتبه در جنگ بخواند خدای تعالی او را قوّت هفتاد کس از جماعت حرب کنندگان را قوّت می دهد و کسی که این دعا را بر درد سر یا درد شقیقه یا درد شکم یا بر آزار چشم یا بر گزیدن ماری یا عقربی بخواند خدای تعالی همه آنها را برطرف می کند.

ای محمد کسی که به این دعا اعتقاد نیاورد پس او از من بیزار است و کسی که آن را انکار نماید، پس به درستی که از او برکت و خیر برطرف می شود.

حسن بصری گفت: پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای امت خود بعد از قرآن دعایی را نگذاردند که بهتر از این دعا باشد.

سفیان ثوری گفت: هر کس حرمت این دعا را نشناسد پس به درستی که مشرف بر هلاک می شود.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جبرئیل از چه این دعا بر همه دعاها تفضیل داده شده است؟ جبرئیل عرض کرد: از جهت آن که اسم اعظم خدای تعالی در آن است و کسی که این دعا را بخواند قوّت حافظه و شعور و علم و عمر و صحت بدن او چندین برابر زیاده می گردد و خدای تعالی از او هفتاد آفت از آفات دنیا و هفتصد آفت از آفت‌های آخرت را دفع می نماید.

ذکر ثواب و شرح دعای اول تمام شد و سپاس خدای راست.

وصف پاداش دوم دعا: از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شد که فرمودند: جبرئیل علیه السلام نازل شد در حالی که در عقب مقام ابراهیم نماز می خواندم. پس چون از نماز فارغ شدم از خدای تعالی برای امت خود طلب آمرزش نمودم. پس جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد تو را حریص بر امت خود می بینم و حال آن که خدای تعالی به بندگان خود رحیم است. پس آن حضرت صلی الله علیه و آله به حضرت جبرئیل علیه السلام فرمودند: ای برادر من تو دوست پر من و بر امت من هستی، مرا دعایی تعلیم نما که بعد از من به سبب آن دعا امتم مرا یاد کنند.

پس جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد سفارش می کنم تو را که امت خود را امر نمایی که سه روز ایّام البیض را روزه گیرند که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماهی است، و سفارش می کنم تو را که امت خود را امر نمایی که در این سه روز این دعای شریف را بخوانند. پس به درستی که عرش را حاملان آن به برکت این دعا برداشتند و من به زمین نازل می شوم و به آسمان بالا می روم به برکت این دعا و این دعا بر درهای بهشت و بر حجره ها و کنگره ها و بر منزل‌های آن نوشته شده است

و به برکت این دعا درهای بهشت گشوده می شود و به سبب این خلاق در روز قیامت به امر خدا محشور می شوند.

و کسی که از اَمّت تو این دعا را بخواند، خدای تعالی عذاب قبر را از او برطرف می کند و او را از ترس بزرگ و از آفتهای دنیا و آخرت نگاه می دارد، و کسی که آن را بخواند خدای تعالی او را از عذاب آتش نجات می دهد.

پس بعد از آن پیغمبر صلی الله علیه و آله جبرئیل را از ثواب این دعا سؤال نمودند. پس جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای محمد مرا از چیزی سؤال نمودی که بر وصف آن قادر نیستم و اندازه او را به غیر از خدا نمی داند؛ ای محمد اگر درختهای دنیا قلم و دریاها مرکب و همه خلاق نویسنده بگردند بر نوشتن ثواب خواننده این دعا قدرت ندارند و بنده ای این دعا را نمی خواند و حال آن که اراده نموده باشد آزادی را مگر آن که خدای تعالی او را آزاد می گرداند و او را از قید بندگی خلاص می کند و این را مغمومی نمی خواند مگر آن که خدای تعالی غم و اندوه او را برطرف نماید.

و طلب کننده حاجتی خدای را به این دعا نمی خواند مگر آن که خدای عزّ و جلّ حاجت او را در دنیا و آخرت ان شاء الله برآورد و او را از مرگ ناگهانی و هول قبر و فقر در دنیا نگاه می دارد و خدای تبارک و تعالی به او اذن در شفاعت را در قیامت عطا می نماید در حالی که روی او خندان باشد و خدای تعالی او را به برکت این دعا در دار السلام داخل می کند و او را در غرفه های بهشت ساکن می گرداند و او را از حله های بهشت می پوشاند که کهنه نمی شوند.

و کسی که روزه گیرد و این دعا را بخواند خدای عزّ و جلّ می نویسد از برای او مثل ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ابراهیم خلیل و موسی کلیم و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: از ثواب بسیاری که جبرئیل برای خواننده این دعا ذکر نمود واقعا تعجب کردم.

بعد از آن جبرئیل عرض کرد: ای محمد احدی از اَمّت تو نیست که این دعا را در مدّت عمر خود یک مرتبه بخواند مگر آن که خدای تعالی او را روز

قیامت محشور می کند و حال آن که روی او چون ماه شب چهارده می درخشد. پس مردمان پرسند این کیست؟ آیا این شخص پیغمبر است؟ پس ملائکه گویند: او نه پیغمبر است و نه فرشته بلکه بنده ای از بندگان خدا است از فرزندان آدم که در مدّت عمر خود یک مرتبه این دعا را خوانده است و خدای عزّ و جلّ به او این کرامت را بخشید.

جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای محمّد کسی که پنج مرتبه این دعا را بخواند در روز قیامت محشور خواهد شد و حال آن که من بر قبر او ایستاده باشم و براقی از بهشت با من خواهد بود و ایستاده خواهم بود تا وقتی که آن شخص بر براق سوار شود و از آن پایین نمی آید مگر در دار النعیم همیشگی و از برای او حسابی نخواهد بود و در بهشت همسایه ابراهیم علیه السلام و در جوار محمّد صلی الله علیه و آله خواهد بود و من از برای خواننده این دعا از مرد و زن ضامنم که خدای تعالی او را عذاب ننماید و هر چند گناهان او بیشتر از کف دریاها و قطره های باران و برگ درختان و عدد مردمان از اهل بهشت و دوزخ باشد و آن که خدای عزّ و جلّ امر نماید از برای آن شخص ثواب یک حجّ و یک عمره مقبول بنویسند.

ای محمّد کسی که را در وقت خواب پنج مرتبه این دعا را با وضو قرائت نماید پس به درستی که تو را در خواب می بیند و تو او را به بهشت بشارت خواهی داد و کسی که گرسنه یا تشنه باشد و چیزی را نیابد که بخورد و نه آنچه را که بیاشامد یا آن که بیمار باشد و این دعا را بخواند پس به درستی که خدای به برکت این دعا از او برطرف می نماید آنچه را که در اوست و او را چیزی می دهد که بخورد و بیاشامد و از برای او مطالب دنیا و آخرت او را برمی آورد.

و کسی که از او چیزی دزدیده شود یا از او غلامی بگریزد پس برخیزد و وضو سازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت سوره حمد یک بار و سوره اخلاص دو مرتبه بخواند، پس بعد از سلام این دعا را بخواند و آن صحیفه را که این دعا در آن نوشته شده باشد پیش روی خود یا در زیر سر خود

بگذارد، پس به درستی که خدای تعالی مشرق و مغرب را جمع می کند و آن غلام گریخته را به برکت این دعا بر می گرداند ان شاء الله تعالی.

و اگر از دشمنی بترسد پس این دعا را بر خود بخواند خدای تعالی او را در پناهی محکم می گرداند و دشمن بر او قدرت نمی یابد و بنده ای نیست که این را بخواند و بر او قرضی باشد مگر آن که خدای تعالی قرض او را ادا نماید و از برای او شخصی را میسر گرداند که قرض او را ادا نماید ان شاء الله و کسی که این دعا را بر بیماری بخواند خدای تعالی آن بیمار را به برکت این دعا شفا می دهد. پس اگر بنده مؤمنی که به خدای عز و جل اخلاص داشته باشد، این را بر کوهی بخواند هر آینه آن کوه به اذن خدا حرکت می کند و کسی که به نیتی خالص این را بر آب بخواند هر آینه آن آب یخ می زند.

و تعجب مکن از این فضیلتی که در شأن این دعا ذکر شد، همانا در این دعا اسم اعظم خدای تعالی است و هر گاه این دعا را خواننده بخواند و آن را ملائکه و جن و انس بشنوند پس از برای خواننده آن دعا می کنند و خدای تعالی دعای ایشان را مستجاب می گرداند و همه اینها که مذکور شد به برکت خدای تعالی و به برکت این دعاست. همانا شخصی که به خدا و رسول او و به این دعا ایمان آورده باشد، باید که چیزی را به خاطر نگذراند و در دل خود به سبب آنچه در شأن این دعا ذکر شد، شکی نیندازد، به درستی که خدای تعالی کسی را که می خواهد بدون اندازه ای روزی می گرداند و کسی که این دعا را بخواند و یاد گیرد و بنویسد پس باید که به این بر احدی از مسلمانان بخل نوزد.

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: من این دعا را در جنگی نخواندم مگر آن که من در آن جنگ به برکت این دعا بر دشمنان خود ظفر یافتم و آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: شخصی که این دعا را بخواند به او نور اولیاء در روی او عطا کرده می شود و از برای او هر امر دشواری آسان می گردند و برای او هر امر آسانی میسر می شود.

و حسن بصری گفت: در فضل این دعا چیزهایی شنیده‌ام که قادر نیستم آن‌ها را وصف نمایم و اگر کسی آن را بخواند و پای خود را به زمین بزند زمین حرکت می‌کند.

و سفیان ثوری گفت: وای بر کسی که حقّ این دعا را نشناسد. پس به درستی شخصی که حقّ و حرمت این را بشناسد، خدای تعالی او را از هر سختی نگاه می‌دارد و برای او همه امرها را آسان می‌گرداند و او را از هر مکروهی نگاه می‌دارد و از او هر بدی را برطرف می‌نماید و او را از هر بیماری و مرضی نجات می‌دهد و همّ و غمّ را از او زایل می‌گرداند. پس این دعا را یاد بگیرید و یاد بدهید به درستی که در این دعا خیر بسیار است.

این است آن دعاي موصوف، که دعای دوم در این کتاب است:

« تسبیح می‌کنم تسبیح خدایی که بزرگ است و سپاس می‌گویم او را، خدایی که بسیار تواناست و منزّه است خدای قادری که بسیار شکوهمند است و منزّه است خدای شکوهمندی که بسیار شریف است و منزّه است خدای شریفی که بسیار مهربان است. منزّه است خدای مهربانی که شکست‌ناپذیر است. منزّه است خدای شکست‌ناپذیری که بزرگ است. و منزّه است خدای بزرگی که دیرینه است و منزّه است خدای دیرینه‌ای که بلند مرتبه است و منزّه است خدای والایی که روشن است.

و منزّه است روشنی که چه زیباست است و منزّه است زیبایی که چه روشن است و منزّه است تابانی که چه آشکار است و منزّه است آشکاری که چه پنهان است و منزّه است پنهانی که چه داناست و منزّه است دانایی که چه آگاه است و منزّه است آگاهی که چه گرامی است و منزّه است گرامی که چه لطیف است و منزّه است لطیفی که چه بیناست و منزّه است بینایی که چه شنواست.

و منزّه است شنونده‌ای که چه نگهدار است و منزّه است نگهدارنده‌ای که چه طولانی‌دهنده است و منزّه است طولانی‌دهنده‌ای که چه هدایت‌کننده است و منزّه است هدایت‌کننده‌ای که چه صداقت دارد و منزّه است راستگویی که چه ستوده است و منزّه است ستوده‌ای که چه یادآور است و منزّه است یادکننده‌ای که

چه شکر گزار است و منزّه است شکر گزاری که چه با وفاست و منزّه است با وفايي که چه بي نیاز است و منزّه است بي نیازی که چه بخشنده است.

و منزّه است بخشنده ای که چه وسعت دهنده است و منزّه است وسعت دهنده ای که چه صاحب بخشش است و منزّه است صاحب بخششی که چه صاحب احسان است و منزّه است صاحب عطيه ای که چه نعمت دهنده است و منزّه است نعمت دهنده ای که چه سرور است و منزّه است سروری که چه مهربان است و منزّه است مهربانی که چه سخت گردانیده است و منزّه است سخت گیری که چه قدرتمند است و منزّه است صاحب قوّتی که چه حکیم است و منزّه است حکیمی که چه صاحب قهر است.

و منزّه است صاحب قهری که چه بر پاست و منزّه است برپایی که چه ستوده است و منزّه است ستوده ای که چه همیشگی است و منزّه است همیشه ای که چه پایدار است و منزّه است پایداری که چه بی همتاست و منزّه است بی همتایی که چه یکتاست و منزّه است یکتایی که چه بی نیاز است و منزّه است بی نیازی که چه فرمانرواست و منزّه است مالکی که چه صاحب اختیار است و منزّه است صاحب اختیاری که چه بزرگ است.

و منزّه است بزرگی که چه کامل است و منزّه است کاملی که چه تمام است و منزّه است تمامی که چه نیکوست و منزّه است نیکویی که چه صاحب فخر است و منزّه است فخرکننده ای که چه دور است و منزّه است دوری که چه نزدیک است و تعجب است از نزدیکی که چه غالب است و منزّه است غلبه کننده ای که چه مسلط است و منزّه است مسلطی که چه عفوکننده است و منزّه است عفوکننده ای که چه احسان کننده است.

و منزّه است احسان کننده ای که چه نیکوکار است و منزّه است نیکوکاری که چه قبول توبه کننده است و منزّه است قبول توبه کننده ای که چه جزا دهنده است و منزّه است جزا دهنده ای که چه صاحب مغفرت است و منزّه است آمرزنده ای که چه بزرگ است و منزّه است بزرگی که چه صاحب جبروت است و منزّه است صاحب جبروتی که چه جزا دهنده است و منزّه است جزا دهنده ای که چه حاکم است و منزّه

است حکم کننده ای که چه حکم او قاطع است و منزّه است حاکمی که چه امر او جاری است.

و منزّه است جاری در حکمی که چه صاحب رحم است و منزّه است رحم کننده ای که چه آفریننده است و منزّه است خلق کننده ای که چه صاحب غلبه است منزّه است غلبه نماینده ای که چه صاحب مملکت است و منزّه است صاحب مملکتی که صاحب قدرت است و منزّه است توانایی که چه بلند مرتبه است و منزّه است بلند مرتبه ای که چه شریف است و منزّه است صاحب شرفی که چه رزق دهنده است و منزّه است روزی دهنده ای که چه نگاه دارنده است و منزّه است نگاه دارنده ای که چه آغاز گر است.

و منزّه است ظاهری که چه منزه از عیبه است و منزّه است منزه از عیبه که چه پاکیزه است و منزّه است پاکیزه ای که چه پاک است و منزّه است پاک که چه باقی است و منزّه است باقی ای که چه بازگرداننده است و منزّه است باز گرداننده ای که چه خلق کننده است و منزّه است خلق کننده ای که چه بخشنده است و منزّه است بخشنده ای که چه توبه پذیر است و منزّه است توبه پذیری که چه صاحب بخشش است و منزّه است بخشنده ای که چه بیناست.

و منزّه است بینایی که چه سالم است و منزّه است سالمی که چه شفا دهنده است و منزّه است شفا دهنده ای که چه خلاص کننده است و منزّه است نجات دهنده ای که چه نیکوکار است و منزّه است نیکوکاری که چه طلب کننده است و منزّه است طلب کننده ای که چه صاحب ادراک است و منزّه است ادراک کننده ای که چه قوی است و منزّه است صاحب قوّتی که چه مهربان است و منزّه است مهربانی که چه عادل است و منزّه است عادلی که چه امر او محکم است.

و منزّه است محکم کننده ای که چه دانای با تدبیر است و منزّه است حکیمی که چه کفیل است و منزّه است ضامنی که چه گواه است. منزّه است اوست خدای بزرگ و او را سپاس گویم و همه حمد برای خداست و معبودی مگر خدا نیست و خدا بزرگتر است از آنکه به وصف درآید و از برای خداست حمد و نیست حرکتی و

نه توانایی مگر به خداوند بلند مرتبه بزرگ دفع کننده هر بلایی. و او مرا کفایت میکند و بهترین کارگزار است.

سفیان ثوری گفت: وای بر کسی که قدر و حرمت این دعا را نشناسد. به درستی کسی که حقّ این دعا را بداند و حرمت آن را نگاه دارد خدای تعالی او را از هر سختی و دشواری و بیماری و غم به برکت این دعا نگاه می دارد. این دعا را پس یاد بگیرید و تعلیم نمایید، پس در این دعا است برکت و خیر بسیار در دنیا و آخرت ان شاء الله تعالی. (1)

23. از این جمله: دعایی است که آن را جبرئیل علیه السّلام به پیغمبر صلی الله علیه و آله تعلیم نمود. این دعا را در کتاب کهنه ای یافتیم که تاریخ نوشتن آن بیش از دویست سال بود تا به تاریخ سیال ششصد و پنجاه. نقل کرد: جبرئیل علیه السّلام به خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و با او بود میکائیل و اسرافیل علیهما السّلام و گفتند: یا رسول الله به درستی که خدای تعالی تو را و امّت تو را در دنیا و آخرت به این نامها کرامت نمود. پس خوشا به حال تو و امّت تو. کسی که خدای عزّ و جلّ او را توفیق دهد آن که این دعا را بخواند، پس به درستی که این دعای بزرگ جلیل القدری است و این گنجی از گنجهای عرش است و در این دعا همه نامهای پروردگار جلّ جلاله داخل است که خدای تعالی به برکت آنها خلق نمود همه خلائق و اهل آسمانها و زمین ها و بهشت و دوزخ و آفتاب و ماه و ستاره ها و کوهها را و آنچه را که در بیابان و در دریا از چهارپایان و حشرات و جانوران وحشی و درختان باشد و آنچه در دریاها باشد از مخلوقات و عجائبی که نمی داند آنها را به غیر از آن که ایشان را خلق نمود. این دعا را به احدی یاد مده مگر به خوبان امّت خود از جهت آن که در حکم خدا و علم او آن جاری شد که او حاجت کسی را مستجاب گرداند که این دعا را یک مرتبه بخواند و و دعا این است:

«خداوندا از تو می خواهم به حقّ نام تو که هر گاه ذکر شوی به آن نام که آسمانها از جهت آن به لرزه می آیند و زمینها از جهت آن شکافته می شود و از ترس

ص: 474

آن ابرها پاره پاره می گردد و از خوف آن کوهها شکافته می شود و از جهت آن بادهای جاری می شود و از جهت آن دریاها کم می گردد و از جهت آن موج ها حرکت می نماید و از بیم آن نفسها فرو می روند و از آن دلها می ترسند و از جهت آن قدمها می لغزند و از جهت آن گوشها کر می شوند و از جهت آن چشمها و پست می شوند از جهت آن آوازه ها حیران و یاز مانده می گردند و از برای آن نام گردنها فروتنی می نمایند و از برای آن روحها به پای می ایستند و برای آن فرشتگان سجده می نمایند و برای او تسبیح می کنند و برای او پهلوها به لرزه آیند و برای او عرش حرکت می کند و برای او مخلوقات اطاعت می کنند.

و به حقّ آن نام که گذاشته شد بر بهشت، پس نزدیک گردانیده شد و بر جهنم، پس افروخته گشت و بر آتش، پس شعله ور گشت و بر آسمان، پس قرار گرفت و ایستاد بدون ستونی و نه پایه ای و بر ستارگان پس صاحب زینت گشتند و بر آفتاب پس روشن گردید و بر ماه، پس نورانی و صاحب روشنی شد و بر زمین، پس قرار گرفت و بر کوه ها، پس ثابت گشتند و بر بادهای، پس پراکنده نمودند اشیاء را و بر ابرها پس باریدند و بر فرشتگان پس تسبیح گفتند و بر انس و جن پس اطاعت نمودند و بر مرغان و مورچه ها پس سخن گفتند و بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گشت و بر هر چیزی پس تسبیح گفت.

و به حقّ آن نامی که به برکت آن زمینها بر مکان خود، و کوهها بر جایهای خود، و دریاها بر کنارهای خود، و درختان بر ریشه های خود، و ستاره ها بر مدارهای خود و آسمانها بر بنای خود قرار گرفتند به حقّ نامی که فرشتگان عرش خدا را به قدرت پروردگار خود برداشتند و به حقّ آن نام بسیار پاکیزه دائمی مقدّم بر همه چیز صاحب اختیار صاحب جبروت صاحب کبریا بزرگ بسیار بزرگ غلبه کننده حفظکننده پادشاه بسیار صاحب قدرت سپاس شده صاحب شرف، مقصود در حاجت ها، یکتای، یگانه، بزرگ، بسیار بلند مرتبه.

به حقّ آن نام که در در علم او به خزانه گذاشته شد پنهان شد و فرا گرفت عرش او را پاک پاکیزه مبارک بسیار پاکیزه سالم از همه عیب ها و نقص ها و امان دهنده حفظ کننده جبرکننده صاحب کبریا تقدیرکننده آفریننده، صورت بخشنده، پیش

از همه چیزها بعد از همه اشیاء، هویدا، پنهان، موجود پیش از هر چیزی و ایجادکننده هر چیزی و موجود بعد از نیست شدن هر چیزی، همیشه بود و خواهد بود و برطرف نمی شود و تغییر نمی یابد، روشنی است در روشنی و نوری است بر نور و نوری است بالای هر نور و نوری است که روشن می شود به برکت آن هر نور و به آن نام که به آن نفس خود را نامید و به آن بر عرش خود مسلط گشت پس به آن بر کرسی خود مستولی شد و به برکت آن فرشتگان خود را و آسمان های خود را و زمین خود را و بهشت خود را و آتش خود را آفرید و بی ماده ای به برکت آن مخلوقات خود را پدید آورد که یکتا و یگانه است، مقصود در حاجت ها و بزرگ صاحب کبریاء بزرگ بسیار بزرگ غلبه کننده پادشاه بسیار صاحب قدرت پاکیزه بسیار پاکیزه است نزایید و زائیده نشد و نیست برای او مانندی.

و به آن نام که آن را از برای احدی از مخلوقات خود ننوشت راست گفتند راستگویان و دروغ گفتند دروغ گویان.

و به حقّ که آن نام او نوشته شد در کف دست ملک موت که هر گاه روحها نگاه می کنند به سوی آن نام پرواز می نمایند و به آن نام که نوشته شد بر سراپرده عرش خدا از نور کلمه نیست خدایی مگر خدا، محمد فرستاده خداست و به حقّ آن نام که نوشته شد در سراپرده شرف و به آن نام که نوشته شد در سراپرده جمال و به حقّ آن نام که نوشته شد در سراپرده بزرگی و به آن نام که نوشته شد در سراپرده عظمت و به آن نام که نوشته شد در سراپرده عزّت و به آن نام که نوشته شد در سراپرده آفریدگار یاری کننده و پروردگار فرشتگان هشتگانه و پروردگار عرش بزرگ.

و به حقّ آن نام که بزرگتر است بزرگتر است و به آن نام که عظیم تر است عظیم تر است فراگیرنده است، به پادشاهی آسمانها و زمین و به آن نام که به برکت آن آفتاب روشن گشت و به برکت آن ماه نورانی شد و به برکت آن دریاها مملوّ شدند و به برکت آن کوهها ایستادند و به آن نام که به پای خاست به برکت آن عرش و کرسی و به حقّ آن نام های پاکیزه پنهان شده در خزانه، سپرده شده در علم پنهان نزد خدا.

و به آن نام که بر برگ درخت زیتون نوشته شد پس در آتش انداخته شد پس نسوخت و به حقّ آن نام که روان شد به برکت آن خضر که بر او یاد سلام بر روی آب پس پاهای او خیس نشد و به آن نام که به برکت آن درهای آسمان گشوده می شود و به برکت آن هر تقدیر حکمیانه ای جدا می شود و به آن نام که به برکت آن موسی عصای خود را به دریا زد پس آب شکافته شد پس هر قطعه ای از آن مثل کوه بسیار بزرگ گردید و به آن نام که عیسی پسر مریم به برکت آن را مرده را زنده می نمود و به برکت آن کور مادرزاد و پیس را به اذن خدا شفا می داد و به آن نامها که خدا را می خوانند بدان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حاملان عرش و مقربان از فرشتگان و کسی که باشد در اطراف ایشان از فرشتگان و روحانی ها و صف کشندگان و تسبیح کنندگانند.

و به حقّ نام های خدایی که فراموش نمی شود و به حقّ ذات خدا که کهنه نمی شود و به نور خدا که خاموش نمی شود و به غلبه خدا که سست نمی گردد و به توانایی خدا که ستم نمی شود و به پادشاهی او که از بین نرود و به قدرت او که تغییر نمی یابد و به آن عرش که حرکت نمی کند و به آن کرسی که زایل نمی شود و به آن چشم که نمی خوابد و به آن بیداری که فراموش نمی کند و به حقّ آن زنده ای که نمی میرد، به پاینده ای که او را و سستی و نه خوابی فرا نمی گیرد.

و به حقّ آن کسی که برای او آسمان ها تسبیح می کنند و زمین ها به جانب های خود و دریاها به موج های خود و ماهی ها در دریاها و خود و درختان به شاخه های خود و ستاره ها به زینت دادن خود و جانوران وحشی در بیابان های خود و مرغان در آشیانه های خود و زنبور عسل در سوراخ های خود و مورچه ها در خانه های خود و آفتاب و ماه در آسمان های خود و همه چیز تسبیح می کند به سپاس پروردگار خود.

پس منزه است او می میراند همه مخلوقات را و نمی میرد ، چه ظاهر است نور او و چه کریم است ذات او و چه بزرگ است ذکر او و چه منزه است پاکی او و چه نیکوست سپاس او و چه جاری است فرمان او و چه تواناست قدرت او بر آنچه خواهد و چه برآورده شده است، وعده او بسیار بلند است از آنچه می گویند

ستمکاران، برای او مانندی نیست و مثل او چیزی نیست، آفرینش و فرمان برای اوست، بلند است خدا که پروردگار عالمیان است.

و به حقّ آن نام که نزدیک گردانید به برکت آن محمّد را که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او تا آن که گذشت از موضع منتهای آسمانها. پس بود آن حضرت از نزدیک آن مثل دو طرف قبضه کمان یا نزدیک تر و به حقّ آن نام که آتش را بر ابراهیم سرد و سالم گردانید و برای او از رحمت خود اسحق را بخشید و به حقّ رحمت خدایی که داده شد به یعقوب پیراهن یوسف پس انداخت آن را بر روی خود پس بینا گشت و به آن نام که ابرهای گران بار را آفریده است و آواز ابر به حمد او تسبیح می کند و به آن اسم که به برکت آن دردهای ایوب بر طرف شد و دعای یونس که بر او باد درود در تاریکی های سه گانه برآورده شد و به آن نام که به برکت آن خدای تعالی یحیی را به زکریای پیغمبر بخشید، رحمت فرستاد خدا بر او و کرامت نمود بر بنده خود عیسی پسر مریم بر او باد درود چون که او را کتاب و حکمت را تعلیم نمود و او را پیغمبر صاحب خیر و برکت و از صالحان گردانید.

و به حقّ آن نام که جبرئیل بر او باد درود تو را بدان نام خواند در ما بین فرشتگان مقرب و خواندند تو را به آن نام میکائیل و اسرافیل بر ایشان باد تحیت و درود پس دعایشان را برآوری و تو نسبت به فرشتگان، نزدیک و اجابت کننده هستی و به حق نام تو که نوشته شد در لوح نگاهداشته شده و به نام تو که نوشته شد در بیت المعمور و به نام تو که نوشته شد در پرچم حمد که آن پرچم را تو به پیغمبر خود محمّد که رحمت فرستد خدای بر او و بر آل او دادی. و تو آن حضرت را حوض کوثر و شفاعت کردن و مکان ستوده وعده دادی.

و به نام تو که در در نزد تو در پرده پنهان است پرده عرش تو زایل نمی شود و به نام تو که به سبب آن در هم می پیچی آسمانها را مثل درهم پیچیدن طومار که برای کتاب است و به نام تو که قبول می کنی به برکت آن توبه را از بندگان خود و در می گذری از گناهان بندگان، و به ذات بخشنده تو که کریم ترین روی هاست و به حقّ آنچه به سبب آن حجابها از نور تو پنهان شدند و به آنچه قرار گرفت به سبب آن عرش از حسن تو.

ای خداوند محمّد و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباطدرو خدا باد بر ایشان، ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و ای پروردگار پیغمبران و فرستاده شدگان و ای فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ.

از تو می خواهم به هر نامی که آن نام از برای توست و تو آن را در کتابی از کتاب های خود نازل ساختی یا آن را به احدی از مخلوقات خود تعلیم نمودی یا آن را در علم پنهان در نزد خود، اختیار نمودی ای بخشنده بخشش ها و ای رهاکننده گردن ها از آتش و برطرف کننده دشواری از امر دشوار، شفاعت کننده من باش به سوی خود چون که راهنمای من بر خود هستی و به حقّ آن نام که دین حقّ را به آیات و معجزات خود ثابت می گرداند و دین باطل را نابود می گرداند و اگر چه گناه کاران و کافران ناخوش دارند.

و به حقّ آن نام که آواز ابر به سپاس آن نام تسبیح می کند و فرشتگان از ترس آن تسبیح می گویند و به حقّ نام های تو که بر بال های فرشتگان مقرّب نوشته شدند و به حقّ نام های تو که به برکت آنها استخوانها را زنده می کنی در حالی که پوسیده و از هم پاشیدند و به نام تو که تو را به آن نام خواند عیسی بن مریم بر او باد سلام و به حقّ نام های تو که نوشته شدند بر عصای موسی بر او باد درود و به نام تو که به برکت آن موسی که بر او باد سلام بر ساحران شهر مصر سخن نمود و غلبه نمود. پس وحی فرستادی به سوی او که مترس به درستی که تو بلند و غالبی و به حقّ نامهای تو که نقش شدند بر انگشتر سلیمان بن داوود بر او باد سلام که مالک شد به برکت آن پری زاد و آدمی زاد و شیطان ها را و خفیف و خوار نمود به سبب آنها شیطان و سپاه او را و به حقّ آن نام هایی که خلاصی یافت به برکت آنها ابراهیم از آتش نمرود و آن نام هایی که به سبب آنها ادریس که بر او باد سلام به مکانی بلند بالا برده شد.

و به آن نام های نوشته شده بر پیشانی اسرافیل بر او باد سلام و به آن نام های نوشته شده برخانه پاکیزه و به هر نامی که آن از برای خدای عزّ و جلّ است که خدا را به آن نام خواند، پیغمبر فرستاده شده یا فرشته مقرّبی یا بنده مؤمنی و به هر

نامی که برای خدای عزّ و جل است در کتابی از کتابهای او و به هر نامی که آن در علم خدا سپرده شد و به نام های خدای که نوشته شدند در لوح نگاه داشته شده و به آن نام که به برکت آن همه گروه های خلاق را آفرید و به نام خدای بزرگتر بزرگ عظیم تر عظیم عزیزتر بزرگتر بزرگ و به حقّ نام های خدا همه آنها که هر گاه خدا به آن نام ها نام برده شود پهلوهایی فرشتگان خدا و آسمان خدا و زمین خدا و بهشت خدا و آتش او مضطرب می شود.

و به نام خدا که بزرگتر است آن چنان که آن را به آدم تعلیم نمود که بر او باد سلام در بهشتهای جاوید و رحمت فرستد خدا و فرشتگان او بر محمد و بر آل او و بر همه پیغمبران خدا و فرستادگان او خداوند پس به حرمت این نامها و به حرمت معنی آنها پس به درستی که نمی داند معنی آنها را غیر تو که دعای مرا برآوری و برزاری من رحم نمایی و مرا در بندگان صالح خود داخل سازی و در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار و ما را با نیکوکاران بمیران و ما را در روز قیامت رسوا مگردان. به درستی که تو خلف وعده خود نمی کنی و تو فرشتگان را می بینی که در حال طواف به دور عرش اند تسبیح می کنند به ستایش پروردگار خود و حکم شود میان بندگان به راستی و گفته شود سپاس خدا راست که پروردگار عالمیان است.

سید ره گفت: این دعا از جمله دعاهایی است که به ما الهام شد آن را در مسائل مهمّ و ضرورتها بخوانیم و تعجیل اجابتها و عنایتها را از سوی خدا دیدم و سلامتی خود از بلاها و برآورده شدن حاجت در بقیه روز در خواب به او نشان داده شد. پس چنان شد که در خواب دیده بود. (1).

24. مهج الدعوات: و از آن جمله دعایی است که آن را جبرئیل علیه السلام به پیغمبر صلی الله علیه و آله تعلیم نمود و آن این است: «ای روشنی آسمانها و زمین ای حسن و نیکویی آسمانها، ای ستون آسمانها و زمین، ای از نو پدید آورنده آسمانها و زمین، ای صاحب بزرگی و بخشش، ای فریادرس فریادرس طلبان، ای

ص: 480

فریاد خواه فریاد خواهان، ای منتهای خواهش خواهش کنندگان و ای دفع کننده اندوه از اندوه ناکان، و زائل کننده غم از غمناکان، و ای برآورنده دعای بیچارگان، و ای زائل کننده بدی ها و ای رحم کننده رحم کنندگان و ای خدای عالمیان نازل شد به تو همه حاجت ها، ای بخشنده ترین بخشنندگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.(1)

25. از این جمله: دعایی است که او را انس بن مالک از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام روایت نمود. بسیاری از فضیلت های این دعا روایت شد که برای اختصار از نقل آنها خودداری کردم از آن جهت که مقصود ذکر اصل دعا است و آن این است:

به نام خدای بخشنده مهربان به نام خدا و با استعانت از خدا و ابتدا به نام او که ابتدا شده است، پروردگار آخرت و دنیا است نیست منتهایی برای او و نه آخری، پروردگار زمین و آسمانهای بلند است بسیار بخشنده است بر عرش مستولی و قادر است برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر زمین است خدا بزرگ است نعمت های او همیشگی است بخشش های او غلبه کننده بر دشمنان است [مهربان است به روزی دادن و به لطف خود شناخته شد به احسان خود عادل است در حکم نمودن خود داناست، در پادشاهی خود بسیار بخشنده مهربان است، رحم کننده رحم کنندگان است دانای دانیان است، صاحب پیغمبران است، آمرزنده آمرزندگان است، تواناست بر آنچه می خواهد.

منزه است خدای پادشاه یگانه ستایش شده صاحب عرش شریف و بلندکننده است آنچه را که خواهد پروردگار پرندگان است و سبب سبب هاست و پیش پیشینیان است و روزی دهنده روزیهاست و آفریننده آفریده شدگان است، تواناست بر آنچه می خواهد، مهیا سازنده مقدرات است و غلبه کننده غلبه کنندگان است و حکم کننده به عدل است در روز حشر، خدای خدایان است در روزی که البته واقع می شود رحم کننده آمرزنده مداراکننده جزا دهنده است.

ص: 481

همه سپاس از برای خدای که پروردگار بزرگ است و همه ستایش از برای خدای پادشاه رحم کننده است، اوّل همه چیز و دائمی است، آفریننده عرش و آسمان ها و زمین هاست و اوست شنوای دانا، قبول کننده توبه است، جزا دهنده کردار است، حلم کننده غلبه کننده مهربان است، اوّل اشیاء و آخر همه چیز است، هویدا و پنهان است، همیشگی پایدار است، روزی دهنده حیوانات وحشی و جانوران است، صاحب بخششها و منع کننده بلیّه هاست، بیماران را شفا می دهد و گناه کاران را می آمرزد و از گناه پشیمانان در می گذرد و صالحان را دوست می دارد و گریختگان را جای می دهد و عیب گناه کاران رو می پوشاند و بیمناکان را امان می دهد.

منزّهی تو، نیست خدایی مگر تو که بخشنده عبادت شده ای در هر جایی، گناهان را می آمرزی و عیب های بندگان را می پوشانی، شکر را جزا دهی، حلم کننده ای، دانایی به نهایت و منتهای هر چیز، رویاننده زراعتها و درختانی، شکافنده دانه هایی، صاحب قهر و غلبه ای، بی نیاز از مخلوقات، قسمت کننده روزیهای، دانای امور پنهانی، تویی آن که نیست مثل و مانند تو چیزی و تو بر همه چیز حاضر و گواهی.

تویی آن که در می گذری از گناه کار بعد از آن که در گناهان، غرق شود تویی آن که هرآنچه آفریدی، به سوی تو بر می گردند به سبب نسبت داشتن به تو، گناه مرا بیامرز چنان که فرمودی «بخوانید مرا تا آن که برآورم حاجت شما را» تو به وعده خود بسیار راستگویی، مرا از هم ها و غم ها و اندوه ها خلاصی ده، تو فریادرس هر اندوهناکی و تویی آن که گفتی «ناامید مگردید از رحمت من» و حال آن که تو به گفتار خود دروغگو نیستی، مرا از بلیّه های دنیا و آخرت و از ترس روز دفن شدن در قبر نگاهدار و مرا ای مولای من بر پیش روی مخلوقات در روز موعود رسوا مگردان.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، نیست نظیری برای او و نه مانندی برای او و نه همصحبتی برای او و نه زاینده ای برای او و نه فرزندی برای او و نیست نهایتی برای او و نه منتهایی برای او و نه شبیهی برای او و نیست همسری برای او و نه مددکاری برای او و نیست شریکی برای او در پادشاهی او.

از تو می خواهم ای خدا، ای خدا، ای غلبه کننده، ای غالب، ای صاحب غلبه، که بنمایی به من در خواب من آنچه را که از تو امید دارم و آن که مرا به آمرزش گناه من ببخشی به درستی که تو بر آنچه خواهی توانایی، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و نیست بیرون آمدن از گناهی و نه توانایی اطاعتی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ، ای رحمت کننده، ای منت گذارنده، به بخشش ای منزه از عیوب، ای آمرزنده گناهان، ای غالب و قوی، ای پادشاه، ای صاحب بزرگی و انعام شهادت می دهم آن که هر عبادت شده ای از عرش تو تا به روی زمین تو باطل است غیر از ذات تو که همیشگی و بخشنده و عبادت شده است، به تو ایمان آوردم و از تو طلب فریادرس می نمایم ، به حق این که نیست خدایی مگر تو به فریاد من برس ، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.(1)

26. مهج الدعوات: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که خدای تعالی را به این نامها بخواند خدای تعالی دعای او را مستجاب می کند و قسم به حق کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد که اگر این نامها بر صفحه های آهن خوانده شود گداخته می شود و اگر بر آب روان خوانده شود بسته می شود تا آن که تواند رفتن بر روی آن و اگر بر دیوانه خوانده شود عاقل گردد و اگر بر زنی خوانند که دشوار زاید خدای تعالی بر آن زاییدن را آسان گرداند و اگر این نامها را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد گناهانی را که میان او و میان خلائق باشد و گناهانی را که میان او و میان پروردگار خود باشد.

پس سلمان فارسی رحمه الله علیه گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول الله آیا به کسی که این نامها را بخواند همه این ثوابها بخشیده می شود؟ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابا عبدالله تشویق مکنید و چندان مطلع مگردانید مردم را برای این نامها و بر ثواب آنها، پس همانا می ترسم از آن که مردمان همه عبادات را ترک نمایند و برخواندن این نامها تکیه نمایند. پس حضرت

ص: 483

رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند: ای اباعبدالله، خدای تعالی می آمرزد خواننده این دعا را و اهل بیت او و حجّام و علماء شهر او را و سایر اهل بلد او را همه ایشان را ان شاء الله تعالی و آن نام ها و دعا این است:

« به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا تویی خدا و تویی بخشنده و تویی مهربان پادشاه بسیار پاکیزه سالم امان دهنده نگاهبان غلبه کننده صاحب جبروت و کبریا، موجود پیش از همه چیز و ثابت بعد از همه اشیاء، هویدا و پنهان، تویی که سپاس شدی صاحب کرم و آفریننده بی ماده، تویی میراننده دوست دارنده و حاضر نزد اشیاء و تویی مقدّم همیشه بلند مرتبه بزرگ و راستگوی در وعده صاحب شفقت تویی مهربان و جزا دهنده کردارها و آمرزنده گناهان و تویی غلبه غلبه کننده دانای درست کردار.

صاحب توانایی محکم و سخت، تویی دیده بان نگهدارنده، صاحب بزرگی و بخشش بزرگ و تویی دانای بی نیاز یاری دهنده گشاینده درهای رزق و رحمت کننده و نگاهدارنده زیادتى رزق و وسعت دهنده رزق و عادل در حکم و وفاکننده به وعده ثابت و ظاهر سازنده حکمت و قدرت و و روزی دهنده بسیار بخشنده و تویی قبول توبه کننده و پروردگار معتمد صاحب اختیار و دانای به خرد و باریک و مطلع بر حقیقت چیزها و شنوای و بینا و قهرکننده بسیار بلند مرتبه، نزدیک و برآورنده حاجت و برانگیزاننده و میراث برنده، تویی غنی باقی بعد از همه چیز و زنده همیشگی که نمی میرد، و پاینده و صاحب روشنی و آفریننده و تویی یکتای و قهرکننده و یگانه و مقصود در حاجتها کسی که نزایید و زاییده نشد و برای او مانندی نیست.

تویی صاحب نعمت و بسیار توانای بسیار دانای امور پنهان و پدید آورنده در ابتدا و از نو آفریننده و اخذکننده ارواح و بخشنده زندگانی و خواننده به عبادت و اطاعت و پاکیزه بسیار قادر رزق دهنده فریاد رسنده دفعکننده بلندکننده ضرر رساننده نفع رساننده و عزیز گرداننده و خوار گرداننده و تویی بخشنده و نعمت دهنده و نگاهبان کرم کننده و نیکوکننده احسان کننده رحمت کننده بخشش نماینده و زنده کننده میراننده و تویی آن کسی که انجام می دهد آنچه را که خواهد.

و تویی صاحب پادشاهی، می دهی تو پادشاهی را به هر کس که می خواهی و می ستانی پادشاهی را از هر شخص که خواهی و عزیز می کنی کسی را که می خواهی و خوار میگردانی کسی را که خواهی به دست قدرت توست خوبی به درستی که تو بر همه چیز بسیار توانایی، شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب داخل می نمایی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری و روزی می دهی هر که را می خواهی بی حساب خداست شکافنده شب برای بیرون آوردن صبح و شکافنده دانه و هسته است، تنزیه می کنند برای او آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غلبه کننده با عزّت و حکم کننده دانا.

خداوندا آنچه را که در این روز و این شب گفتم یا قسم یاد نمودم یا نذر نمودم پس اراده تو در نزد همه آنهاست آنچه را که خواستی شد و آنچه را که نخواستی نشد. پس دفع کن از من بلاها و موانع خیر را به قدرت و توانایی خود پس به درستی که نیرو و قدرتی نیست مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

خداوندا به حقّ این نام ها که ثابت اند در نزد تو رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا بیامرز و بر من رحم نما و بر من یاز گرد و از من قبول نمای و حال مرا نیکو گردان و برای من کارهای مرا آسان گردان و بر من روزی مرا فراخ گردان و مرا به سبب بخشش ذات خود از همه خلائق خود بی نیاز گردان و روی و دست و زبان مرا از در خواست از غیر تو نگاهدار و برای من از امر من گشایشی قرار ده و محلّ بیرون رفتنی پس به درستی که تو می دانی و من نمی دانم و قادر و توانایی و نیستم قادر و تو بر همه چیز توانایی به حقّ شفقت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و درود فرستد خدای بر محمّد که پیشوای فرستادگان است و بر آل او که پاک و مطهرند. (1)

27. مهج الدعوات: دوست من و برادر من محمّد بن محمّد بن قاضی آوی روایت نمود، که خدای تعالی نیکبختی او را زیاد گرداند و خاتمه او را نیکو گرداند. و او حکایت عجیبی و سبب غریبی را ذکر نمود و آن حکایت این است که: بر آوی

ص: 485

حادثه ای و بلایی وارد شد. پس این دعا را در میان اوراقی چند یافت که او این دعا را در میان آن اوراق بین کتابهایش نگذاشته بود. پس چون این دعا را در کتابی نوشت، نسخه اصل مفقود گشت و من این دعا را در نسخه کهنه ای دیدم که به آن آب رسیده بود و در این دعا زیادتیه ها و نقصان ها بود با آنچه محمد بن آوی روایت نموده بود و این نسخه را ابن وزیر و راق به من داد و گفت که من این را برای ولد احمد مقری أعرج به یک درهم و نیم خریدم ممکن است این دعا در کتاب ها موجود باشد و برادرم رضا آوی جای آن را نمی دانست خدا جلّ جلاله او را به آشنایی با آن نعمت داد و آن را از او رضی الله عنه ذکر کردیم و این دعا به دعای عبرات نامیده می شود و ذکر آن خواهد آمد:

«خداوندا از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشکهای چشم و ای زدا کننده اندوه ها، تویی آنکه پراکنده می کنی ابرهای محنتها را که گران گردیدند و ابر سختی ها را می زدایی که دامن ها به دنبال خود کشانید و زراعت آن کینه ها را گیاه خشک شده می گردانی و بنیان آن را پوسیده می کنی و مغلوب را غلبه کننده و طلب کرده شده را طلب کننده و خشم کرده شده را خشم کننده و قدرت داشته شده بر او را قدرت دارنده قرار می دهی.

ای خدای من چه بسا از بنده ای که تو را خواند به آنکه «من مغلوبم پس یاری فرما» پس از یاری خود برای او درهای آسمان را گشودی به آبی به غایت ریزان و روان ساختی برای او از یاری خود چشمه ها پس رسید آب خلاصی او بر امری که مقدر شد و او را برای محافظتش بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها سوار کردی ای پروردگار من به درستی که من مغلوب شدم پس یاری فرما ای پروردگار من به درستی که مغلوب گشتم پس یاری فرما ای پروردگار من به درستی که من مغلوب شدم پس یاری فرما پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بگشای برای من از یاری خود درهای آسمان را به آبی بسیار ریزان و روان کن برای من از مدد خود چشمه ها را تا آنکه برسد آب خلاصی من بر امری که تقدیر شد و مرا ای پروردگار من از نگاهداشتن خود بر کشتی نجات صاحب تخته ها و میخ ها سوار کن.

ای کسی که هر گاه بنده تو در شبی تاریک از حیرانی خود داخل شود و دوستی نزدیک را نیابد که به فریاد او برسد، ای پروردگار من یاری تو را می یابد که فریادرس و کمک کننده به اوست و تو را دوستی می یابد که او را به سرعت طلب می کند و از سختی و دشواریاش نجات می دهد و از نشانه های نجات از آن امر مهم را برای او آشکار می کند.

خداوندا پس ای کسی که قدرت و توانایی او قهرکننده است و عقوبتهای او هر صاحب جبروتی را شکننده است و هر کافر پلیدی را هلاک کننده است، رحمت فرست ای پروردگار من بر محمد و بر آل محمد و نظر کن به سوی من ای پروردگار من نظری از نظرهای خود را در حالی که آن نظر، رحم کننده باشد و به سبب آن نظر تاریکی ثابت پاینده را از من برطرف کنی که آن عبارت است از آفتی که به سبب آن پستان های حیوانات خشک شد و به خاطر آن زراعتها تلف شد و به سبب آن اشکها جاری شد و به سبب آن، ناامیدی دلها را فراگرفت و به سبب آن نفس ها جاری شد و آرام گرفت.

خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و طلب می کنم از تو نگاهداشتن و حفظ کردن درختانی که دست قدرت خدا آنها را کاشت و آنها از آب حیات آب داد، از اینکه به دست شیطان قطع شوند و به تبر او بریده و از بیخ شکسته شوند.

ای خدای من کیست بهتر از تو که منع کننده از حرام تو باشد و کیست سزاوارتر از تو به اینکه پاسبان و منع کننده حریم تو باشد و ای خدای من به درستی که امر بر من سخت گشت پس آن را آسان کن و درشت و سخت گشت پس آن را نرم گردان و به درستی که دلها ترسیدند پس آنها را تسلی ده و نفس ها خوف و اضطراب نمودند پس آنها را ساکن گردان.

ای خدای من جبران کن قدم هایی را که لغزیدند و عقل هایی را که در بیابان های حیرت گمراه شدند؛ که اگر ببیند شکسته آن را ترمیم نمودی و اسیر آن را آزاد کردی و پناه جوی آن را پناه دادی، ضرر و بلا به شخص ضرر رسیده زیان میرساند خواننده او به عذاب و هلاکت را، اجابت میکند؛ پس آیا نیکوست از

زیادتی احسان تو که آن مضرور را طعمه بلا قرار دهی و حال آنکه او از تو امیدوار است یا آنکه آیا نیکوست از عدالت تو که فرو رود به دریای بزرگ عقوبت ها و حال آنکه به سوی تو پناه آورنده است؟

ای مولای من اگر خود را در پرهیزکاری خسته نمی کنم و در حمل بارهای فرمانبرداری به مرتبه خشنودی تو نمی رسم و داخل در جماعتی که دنیا را ترک کردند نیستم، که ایشان خشکیده شکم هاینده از گرسنگی و ضعیف شد چشمانشان از جهت گریه کردن بسیار، بلکه به نزد تو آمدم ای پروردگار من! با عملی ضعیف و پستی سنگین از گناهان و لغزش ها و نفسی که به راحتی عادت کرده و تسلیم امروز و فردا کردن شده است.

پس آیا ای پروردگار من، این وسیله و بهانه برای تو کافی نیست که من برای دوستان تو دوستدارم و در دوستی ایشان تجاوزکننده از حد هستم؟ و ردای بلای ایشان را بر تن کرده‌ام و کتابی که رنج ایشان را دربردارد میخوانم؟ آیا کافی نیست مرا آنکه روز را به شب می کنم در میان ایشان در حالی که ستم رسیده ام و شب را به صبح می آورم در حالی که خشم فرو برده ام و بعد از اندوه ها اندوه های دیگر را و بعد از دلگیریها دلگیریهای دیگر را سپری میکنم؟

ای پروردگار من آیا نزد تو احترامی برای آنها وجود ندارد که ضایع نگردد و کفالتی که به کمترین آن راضی شود پس چرا از من یاری خود را منع می کنی؟ ای پروردگار من و من غرق شدم و مرا رها می کنی در حالی که در آتش دشمن تو می سوزم آیا تو دوستان خود را شکار دشمنان خود و صیدی برای حيله ایشان قرار می دهی و از هلاک کردن دشمنان قلاده هایی بر گردن آنان آویزان می کنی و در حالی که تویی صاحب جان های ایشان اگر آنها را بستانی از حرکت باز ایستند و در دست قدرت تو است بن مایه جان های ایشان که اگر آن را قطع کنی هلاک می شوند و چه چیز تو را منع می کند ای پروردگار من از آنکه باز داری قدرت ایشان را و لباس حفاظت خود را از آنان برکنی و آنان را دور کنی از سلامتی که به سبب آن در زمین تو خوشحالی می کنند و در میدان ستم تکبر می ورزند.

خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و مرا دریاب تا وقتی که غرق نشدم و مرا دریاب قبل از آنکه آفتاب عرم غروب کند.

ای خدای من چه بسا ترسنده ای که به سوی پادشاهی پناه برد پس با امنیّت و امان از نزد او بازگشت پس ای پروردگار من آیا به پادشاهی بزرگتر از پادشاهی تو روی کنم؟ یا نیکویی فراخ تر از نیکویی تو؟ یا توانایی بیشتر از توانایی تو؟ یا پیروزی گرامی تر از پیروزی تو؟ عذری ندارم اگر از بخشش تو در کفایت نیکت محروم شوم و تو کسی هستی که امیدوار به تو ناامید نگردد و در خواست کننده از تو رانده نشود.

خداوندا خداوندا کجاست رحمت تو که یاری مردم مستضعف است؟ خداوندا کجاست کارگزاری تو که یاری خلائق فریاد طلب است؟ و کجاست کجاست عنایت تو که سپری است برای کسانی که هدف ظلم روزگار قرار گرفتند؟ به من روی کن به من روی کن ای پروردگار من خلاص کن مرا از گروه ستمکاران به درستی که من مبتلا به سختی ام و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

ای مولای من حیرت مرا در کارم و چرخیدن در سختی ها و پیچیدگی ام بر سوختگی دل و گرمی سینه ام را می بینی پس رحمت فرست ای پروردگار من بر محمد و بر آل محمد و ای پروردگار من به حق آنچه سزاوار آنی گشادگی و بیرون آمدن از بلا را بر من ببخش و ای پروردگار من به جانب خیر و خوبی راهی برای من آسان گردان و خداوندا کسی که برای من دامی پهن کرد تا مرا در آن بیاندازد او را در نیرنگ خود گرفتار کن و کسی که برای من چاهی کند تا مرا در آن بیاندازد خودش را در آن بیانداز و خداوندا بدی آن شخص و حيله او و فساد او و آزار او را از من دور کن و هر آنچه که بر می گردانی از کسی که خود را تسلیم دین آن چیره قرار داد و فرا خواننده ای که به سوی ایمان می خواند.

ای خدای من این بنده توسل این بنده توسل برآور خواسته او را و این بنده ضعیف توسل و این بنده ضعیف توسل غم او را بزدای پس هر ریسمانی جز ریسمان تو از او قطع شد و هر سایه ای مگر سایه رحمت تو از او کوتاه گردید.

پس به سجده می روی و می گویی: ای خدای من رویی که به رغبت خود به سوی تو روی آورد، سزاوار است که او را اجابت کنی و پیشانی که برای زاری به درگاه تو سجده کرده باشد لایق است که برسد به آنچه اراده نمود و گونه ای که به سبب درخواست خود در نزد تو به خاک مالیده شد سزاوارست که برسد به مقصود خود و رستگار شود و این منم ای خدای من می بینی به خاک مالیدن گونه مرا و زاری کردن و سعی من در درخواست از تو و زیاده روی ام را پس ای پروردگار مرا به خواستم برسان و به شفقت خود آرزوهای مرا دریاب و به حقّ عزّت خود راه رسیدن به خواسته‌هایم را آسان گردان و چیدن میوه اجابت کردن را برایم میسر گردان.

ای خدای من هیچ ستونی محکم تر از تو نیست تا به سوی رکنی محکم روی آورم و به سوی تو آمدم و در برآوردن حاجت‌هایم بر تو تکیه کردم و گفتاری محکم‌تر و درست‌تر از خواندن تو نیست تا به گفتاری محکم و درست یاری بجویم و تو را خواندم همچنان که فرمودی پس مرا اجابت کن به احسان خود همچنان که وعده نمودی، ای پروردگار من آیا باقی ماند چیزی جز اینکه مرا اجابت کنی و بر گریه و ناله من رحم کنی ای کسی که نیست خدایی به غیر از او و ای کسی که اجابت می کند بیچاره را هر گاه او را بخواند ای پروردگار من مرا بر گروه ستمکاران یاری ده و در بسته را بر من بگشای و تو بهترین گشایندگانی و مهربانی کن به من ای پروردگار من و به همه مردان و زنان مؤمن به رحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. (1)

می گوید: سیّد ما و مولای ما امام عالم عمل کننده فقیه علامه فاضل صالح زاهد ابو القاسم علیّ بن موسی بن جعفر محمّد بن طاووس علوی فاطمی می گوید که خدای تعالی او را در دنیا و آخرت نیکبخت گرداند و به او هر آن چیزی را عطا نماید که او را خوشحال سازد به حقّ محمّد و آل او که پاکان و پاکیزگان هستند؛ و هنگامی که این دعا را بعد از وفات برادرم قاضی رضی الدّین آوی که خدا او را

ص: 490

بیامرزد و خدای تعالی قبر او را پر نور گرداند در یک مجلد کتاب کهنه ای یافتم که در آن زیادی ها و نقصان هایی بود نسبت به آن چیزی که حاضر کرد آن را نزد من برادر علیّ مشهور به ابن وزیر وّراق که در اوّل آن کتاب دعای طلحی بود و همانطور که ذکر کرده بودیم قدیمی است و اکنون آن دعا را برای روشن کردن اسرار آن و فوائد نورانی آن، ذکر میکنم همانطور که آن را یافتم. و دعا این است:

خداوندا از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشک های چشم و ای زداینده اندوه ها تویی آنکه پراکنده می کنی ابرهای محنت ها را که سنگین گردیدند و ابرهای فتنه ها را می شکافی که دامن کشاندند و زراعت آن را خشک می گردانی و بنیان آن را پوسیده می کنی و مغلوب را غلبه کننده و طلب کرده شده را طلب کننده و خشم کرده شده را خشم کننده و چیره را چیره کننده و قدرت داشته شده بر او را قدرت دارنده قرار می دهی.

ای خدای من چه بسا بنده ای که تو را خواند که من مغلوبم پس یاری فرما پس از یاری خود درهای آسمان را به آبی به غایت ریزان به روی او گشودی و برای او از یاری کردن خود چشمه ها روان ساختی پس رسید آب خلاصی او بر امری که مقدر شد و برای محافظت از او بر کشتی صاحب تخته ها و میخ ها سوار کردی ای کسی که هر گاه بنده تو در شبی تاریک از حیرانی خود داخل شود و دوستی نزدیک نیابد که به فریاد او برسد، ای پروردگار من به یاری تو فریادرس فریاد خواهی می یابد و دوستی که او را به سرعت طلب نماید و او را از تنگی امر و سختی او نجات دهد و نشانه های نجات او را ظاهر سازد.

خداوندا پس ای کسی که قدرت و توانایی او چیره کننده است و عقوبت های او هر صاحب جبروتی را در هم می شکنند و هر کافر پلیدی را هلاک می کند، نگاهی از نگاه های مهربان تو را می خواهم که به سبب آن نظر از من تاریکی ثابت همیشگی را برطرف کنی که آن آفتی است که از جهت آن پستان های حیوانات خشک شد و از آن جهت زراعت ها نابود شد و اشک ها جاری گشت و به سبب آن آفت، ناامیدی بر دل ها شامل گشت و به سبب آن نفس ها جاری شد.

خداوندا از تو نگاهداری و محافظت را طلب می کنم برای غرائزی که دست قدرت خدا آنها را کاشت و آنها از آب حیات آب داد از اینکه به دست شیطان قطع شوند و به تبر او بریده و از بیخ شکسته شوند.

ای خدای من چه کسی بهتر از توست که از حرام تو منع کند و کیست سزاوارتر از تو که پاسبان حریم تو باشد و ای خدای من به درستی که امر من مرا به هول انداخت پس آن را آسان کن و سخت اسپت پس آن را نرم گردان و به درستی که دل ها ترسیدند پس آنها را تسلی ده و نفس ها خوف و اضطراب نمودند پس آنها را آرام کن.

ای خدای من ای خدای من قدم هایی که لغزیدند و عقل هایی را که در بیابان های حیرت گمراه شدند دریاب اگر ببیند که شکسته را ترمیم نمودی و اسیر را آزاد کردی و پناه جو را پناه دادی، آسیب ها زیان دیده را ضرر رساندند و خواننده او را به عذاب و هلاکت اجابت کرد پس آیا نیکوست از زیادتی احسان تو که آن مضرور را طعمه بلا قرار دهی و در حالی که به تو امیدوار است؟ یا آنکه نیکوست با عدالت تو که به دریای بزرگ عقوبت ها فرو رود در حالی که به سوی تو پناه آورده است؟

ای مولای من اگر خود را در پرهیزکاری خسته نمی کنم و در حمل بار اطاعت به مرتبه خشنودی تو نمی رسم و در میان جماعتی نیستم که دنیا را ترک کردند و از گرسنگی خشکیده شکم هایند و چشمانشان از جهت گریه کردن ضعیف شد ولی به نزد تو آمدم ای پروردگار من با عملی اندک و باری سنگین به گناهان و لغزش ها و نفسی که به راحتی عادت کرد و تسلیم انگیزه های ناپسند است.

پس ای پروردگار من، آیا این وسیله و بهانه برای من کافی نیست که من دوستدار دوستان توام و در دوستی ایشان از حدّ فراتر می روم و به خاطر آنان لباس بلا را به تن دارم و و کتاب تحمل سختی ها را از آنها می آموزم.

آیا برای من کافی نیست که روز را به شب می کنم در میان ایشان در حالی که به من ستم شد و شب را به صبح می آورم در حالی که خشم خود را فرو برده ام و بعد از اندوه ها اندوه های دیگر را و بعد از دلگیری دلگیری دیگر را می گذرانم. ای

پروردگار من آیا نزد تو نیست به سبب اینها احترامی که ضایع نگردد و حقّی که به کمترین آن قناعت شود پس چرا از من یاری خود را منع می کنی؟ ای پروردگار من و حال آنکه من غرق شدم؟ و مرا رها می کنی در آتش دشمن تو در حالی که می سوزم؟

آیا دوستان خود را شکار دشمنان خود و صیدی برای حيله ایشان قرار میدهی و آیا از هلاک کردن دشمنان آنها قلاده ها بر گردن دوستان خود می اندازی و حال آنکه تویی صاحب جان های ایشان که اگر آنها را بستانی بی حرکت شوند و بن مایه جان های آنان در دست قدرت تو است که اگر آنها را قطع کنی هلاک می شوند و چه چیز تو را منع می کند ای پروردگار من از آنکه قدرتشان را باز داری و از ایشان لباس حفاظت خود را بیرون آوری و آنان را دور کنی از سلامتی که به سبب آن در زمین تو خوشحالی می کنند و در میدان ستم تکبر می ورزند. خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و مرا دریاب تا غرق نشدم و مرا دریاب تا آفتاب عمر من غروب نکرد.

ای خدای من چه بسا ترسنده ای که به پادشاهی پناه برد و در امان و امنیت از نزد او بازگشت ای پروردگار من آیا به پادشاهی بزرگتر از تو روی کنم؟ یا نیکویی فراخ تر از نیکویی تو؟ یا توانایی بیشتر از توانایی تو؟ یا پیروزی گرامی تر از پیروزی تو؟ خدای من اگر در کفایت نیکت از بهره تو محروم شدم عذری ندارم و تو کسی هستی که امیدوار به تو ناامید نگردد و در خواست کننده از تو رانده نشود.

خداوندا خداوندا کجاست رحمت تو که یاری مردم مستضعف است؟ خداوندا کجاست کجاست کارگزاری تو که یاری خلائق فریاد طلب است؟ و کجاست کجاست عنایت تو که سپر شود برای کسانی که هدف ظلم روزگار قرار گرفتند؟ به من روی کن به من روی کن ای پروردگار من و مرا از گروه ستمکاران خلاص کن به درستی که من در سختی ام و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

ای مولای من حیرت مرا در کارم و چرخیدن در سختی ها و پیچیدگی ام بر سوختگی دل و گرمی سینه ام را می بینی پس رحمت فرست ای پروردگار من بر محمّد و بر آل محمّد و ای پروردگار من به حقّ آنچه سزاوار آنی گشادگی و بیرون

آمدن از بلا را بر من ببخش و ای پروردگار من به جانب خیر و خوبی راهی را برای من آسان گردان و خداوندا کسی که برای من دامی پهن کرد تا مرا در آن بیاندازد او را در نیرنگ خود گرفتار کن و کسی که برای من چاهی کند تا مرا در آن بیاندازد خودش را در آن بیانداز و خداوندا بدی آن شخص و حيله او و فساد او و آزار او را و هر آنچه که بر می گردانی آن را از تقوا پیشگان از من دور کن.

ای خدای من این بنده توسل این بنده توسل برآور خواسته او را و این بنده ضعیف توسل و این بنده ضعیف توسل غم او را بزدای پس هر ریسمانی جز ریسمان تو از او قطع شد و هر سایه ای مگر سایه رحمت تو از او کوتاه گردید.

ای مولای من دعای مرا اگر رد کنی کجا به اجابت رسد؟ و چنین می پندارم که اگر آن را تکذیب کنی کجا تصدیق شود؟ پس از در رحمت خود کسی را دور مگردان که دری غیر از آن نمی شناسد و از پناه خود مران کسی که سواى تو پناهی را نشناسد.

ای خدای من رویی که به رغبت خود به سوی تو روی آورد، سزاوار است که او را اجابت کنی و پیشانی که برای زاری به درگاه تو سجده کرده باشد لایق است که برسد به آنچه اراده نمود و گونه ای که به سبب درخواست خود در نزد تو به خاک مالیده شد سزاوارست که برسد به مقصود خود و رستگار شود.

و این است ای خدای من به خاک مالیدن گونه ام و زاری کردن و سعی من در درخواست از تو پس ای پروردگار به شفقت خود آرزوهای مرا دریاب و به حقّ عزّت خود راه رسیدن به خواسته‌هایم را آسان گردان و چیدن میوه اجابت کردن را برایم میسر گردان.

ای خدای من هرگاه صاحب حاجتی در روا شدن حاجت خود شفاعت کننده ای را به پا دارد او را یافته‌ام در حالی که تباه شده بود و کامیاب نبود. پس من به نزد تو بخشش های تو را و برگزیدگان از خلائق تو را شفیع می گردانم کسانی که آفریدی برای ایشان آنچه منتقل شود و آنچه سایه افکند و خلق کردی آنچه که کوچک و بزرگ است.

نزدیکی می جویم به سوی تو به وسیله اوّل کسی که تاج بزرگی را به او دادی و از اوّل خلقت او را در محلّ نطفه قرار دادی و او راهنمای تو در آفریدگان توست و معتمد تو بر بندگان توست او محمّد فرستاده توست رحمت های تو باد بر او و بر آل او و به کسی که او را ظاهرکننده روشنی او و بیان کننده راز پنهان او گردانیدی برگزیده وصی هاست و پیشوای پرهیزکاران است پادشاه و سیّد در دین است و رهبر جماعتی است که دستها و پاهاى ایشان سفید است و پدر امامان راه نما است، علی امیر مؤمنان است.

و نزدیکی می جویم به سوی تو به وسیله بهترین خوبان و مادر نورها و حوری انسان صورت، بتول مطهر فاطمه زهرا و به دو نور چشم رسول و به دو میوه دل بتول سیّدان پیشوایان حضرت ابی محمّد امام حسن و حضرت ابی عبد الله امام حسین و به سجاد زینت عبادت کنندگان صاحب پینه ها از دنیا بریده در میان عرب ها که علی بن الحسین است و به پیشوای دانا و سیّد حکم کننده و ستاره پر نور و ماه تابان مولای من امام محمّد پسر امام علی که جامع همه علوم است.

و به آن پیشوای راستگوی حل کننده مشکل ها و ظاهرکننده حقیقت ها که به دلیل خود هر سخنگویی را خاموش گرداند و زبان های اهل جدل را لال می کند، فرو نشاننده نزاع و جدال مولای من امام جعفر پسر امام محمّد که راستگوست و به آن پیشوای پرهیزکار و مخلص برگزیده و نور منسوب به احمد، آن نوری که از همه نورها نورانی تر است و روشنی که از همه روشنی ها روشنتر است مولای من امام موسی پسر امام جعفر و به آن پیشوای راضی شده از او و شمشیر برهنه، مولای من امام علی پسر امام موسی که خشنود است و به آن پیشوای صاحب مجد و بزرگی و دری که به آن قصد شود و راه راست و دانای تایید شده، چشمه حکمت ها و چراغ تاریکی ها، ستوده عرب و عجم، راهنمای مردمان به سوی حقّ و راه راست و توفیق یافته به قوّت و راستی مولای ما امام محمّد پسر امام علی که بخشنده است و به آن پیشوایی که عطیه خدای صاحب جبروت است و فرزند امامان پاک امام علی پسر محمد به دنیا آمده در پادگان آن امامی که مردمان را به موعظه های خود ترسانیدند و بیم دادند و به آن امام پاکیزه از گناهان که پاک شده از مظلّمه هاست و فاضل و

دانا است ماه شب چهارده برای تاریکی است و نهر جاری برای خلاق
پرهیزکار پاکیزه پاک خالص است که مولای من ابی محمد امام حسن پسر
علی عسکری است.

و نزدیکی می جویم به سوی تو به نگاهدارنده بسیار دانا که او را مسلط بر
خزانه های پنهان در زمین گردانیدی و به پدر مهربانی که زمام های قبض و
بسط را در اختیار او قرار دادی او که صاحب معجزه با برکت و شکننده
درخت نفرین شده، سخن کننده با مردمان در گهواره و راهنمای راه
راست، پنهان از نظرهاست، در همه شهرها حاضر است، از چشمها پنهان
است، حاضر در فکرهاست و باقی مانده نیکان، وارث شمشیر ذو الفقار،
آن امامی که ظهور می کند در خانه خدا که دارای پرده هاست و آن امام
دانای پاک او که امام محمد مهدی پسر امام حسن است بر همه ایشان باد
زیادترین تحیت ها و ثناها و بزرگترین برکتها و تمامترین رحمت ها.

خداوندا آنها پناهان من در آرزوهایم و واسطه های من به سوی تو در
حاجت‌هایم هستند پس رحمت فرست بر ایشان رحمتی که کسی غیر از تو
مقدار آن را نداند و بسیاری از مردمان به ذره ای از آن دست نیابند و به
سبب آنان در حق من به گونه ای باش که به بهترین وجه گمان می کنم و
به تقدیرهای خود آرزوی مرا محقق ساز.

ای خدای من معتمدی برای من محکم تر از تو نیست که به سوی جانبی
محکم رو کنم و گفتاری برای من درست تر از خواندن تو نیست که گفتاری
محکم برای تو آشکار سازم و شفاعت کننده ای برای من به نزد تو نیست
که با آبروتر باشد از این جماعت پس به نزد تو شفاعت کننده ای دوستدار
آوردم پس ای پروردگار من آیا باقی ماند چیزی غیر از آنکه حاجت مرا
برآوری و بر گریه و زاری من رحم نمایی، ای کسی که نیست خدایی جز
او، ای کسی که اجابت می کند بیچاره را هر گاه که او را بخواند ای رحم
کننده بر اشک چشم یعقوب ای زداینده آزار ایوب، مرا بیامرزد و بر من رحم
کن و مرا بر گروه کافران یاری ده و در رحمتت را بر من

بگشای و تو بهترین گشایندگانی ای صاحب قوّت استوار ای رحم کننده
ترین رحم کنندگان.(1)

28. مهج الدعوات: به سندهای خود تا به سعد بن عبد الله از کتابش فضل الدعاء نقل کرد: حدیث نمود به ما حسن بن علی بن عبد الله بن مغیره کوفی از پدر خود و او از سیف بن عمیره، از ابراهیم بن ابی یحیی، از حضرت امام جعفر صادق، از پدر خود، از جدّ خود، از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام، و همچنین روایت نموده از مردی، از پدر خود از حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیهما و آلهما، و از محمد بن شهاب، از سلمان فارسی، از امیر المؤمنین علیه السلام، و از عطا، از ابی ذر، از امیر المؤمنین، و از عاصم، از ابو الزّحمن شامی، از امیر المؤمنین علیه السلام، و سی نفر از مجاهد نیز نقل نموده اند و همگی گفتند که آن را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدیم و حال آنکه در مسجد الحرام بودند پس روی خود را به رکن یمانی نموده و فرمودند: قسم به پروردگار کعبه! پس از آنجا به نزد حجر الاسود آمده گفتند: سوگند به پروردگار کعبه، و از آنجا به نزد دیگر ارکان رفتند و فرمودند: سوگند به پروردگار کعبه، و فرمودند: «سوگند به پروردگار کعبه و پروردگار چهار رکن و پروردگار مشاعر و حرم قسم، که شنیدم از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند: این حدیثی را که به شما نقل می کنیم در زبور داود و در تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن محمد صلی الله علیه و آله و علی جمیع الأنبیاء و المرسلین و در هزار کتاب که از آسمان بر هزار پیغمبر علیهم السلام نازل شد، نوشته شده است و فرمود: هر که این کلمات را بخواند:

خدایی جز خدای یگانه نیست، در دانش او منتهای خشنودی اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست بعد از دانش او نهایت خشنودی اوست، خدایی جز خدای یگانه نیست یا دانش او منتهای خشنودی اوست، خدا بزرگ تر است از آنکه به وصف آید، در علم او نهایت رضامندی اوست، خدا بزرگ تر است، پس از علم او

ص: 497

نهایت خوشنودی اوست، خدا بزرگ تر است با دانش او منتهای خوشنودی اوست، همه ستایش از برای خداست در علم او نهایت رضامندی اوست، همه ستایش سزاوار خداست بعد از علم او منتهای خوشنودی اوست، همه سپاس برای خداست با دانش او نهایت خوشنودی اوست، منزه است خدا در علم او منتهای رضامندی اوست، منزه است خدا بعد از دانش او منتهای خوشنودی اوست، منزه است خدا با علم او نهایت رضامندی اوست، و همه ستایش برای خداست به همه انواع ستایش او در مقابل همه نعمتهای او و پاک است خدا و او را حمد می کنم، نهایت خوشنودی او در دانش اوست و خدا بزرگ تر است از آنکه به وصف آید و سزاوار اوست.

نیست خدایی مگر خدایی که بردبار و بخشنده است، نیست خدایی مگر خدا که بلند مرتبه بزرگ است، نیست خدایی مگر خدا که روشنی بخش آسمانهای هفت طبقه است و روشن کننده زمین های هفت طبقه است و روشنی بخش عرش بزرگ است، نیست خدایی مگر خدا، خدا را به یگانگی یاد می کنم که کسی غیر او آن را شماره نکند پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی و خدا بزرگتر است تکبیری که آن را در شمار نتواند آورد غیر او، پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی، تسبیح می کنم خدا را تسبیحی که شماره نتواند نمود آن را غیر او، پیش از هر کسی و با هر کسی و بعد از هر کسی.

خداوندا به درستی که من تو را گواه می گیرم و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه گفتار تو راست است و کردار تو درست است و حکم تو ثابت است و تقدیر تو موجود است و پیغمبران تو راست گویانند و وصی های پیغمبر تو به راه راستند و رحمت تو موجود است و بهشت تو راست است و آتش جهنم تو درست است و روز قیامت تو صدق است و تو می میرانی زنده ها را و تویی زنده کننده مردگان و برمی انگیزی کسانی که در قبرها باشند و تو مردمان را جمع می کنی در روزی که شکی در آمدن آن نیست و تو خلف وعده نمی کنی.

خداوندا به درستی که گواه می گیرم تو را و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه تو پروردگاری برای من و محمد که رحمت فرستد خدا بر او بر آل او فرستاده تو پیغمبر است برای من و وصی های او که بعد از اویند

امامان و پیشوایان منند و دین اسلامی که قرار دادی آن را دین من است و قرآنی که فرستادی بر محمد رسول تو که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او روشنایی من است.

خداوندا به درستی که من گواه می گیرم تو را و تو کافی هستی برای گواهی پس گواهی ده برای من به آنکه تویی نعمت دهنده بر من نه غیر تو، برای توسل ستایش و به سبب نعمت تو تمام می شود عمل های نیکو، نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و ستایش از برای خداست و تسبیح می کنم خدا را و او را حمد می کنم و منزه است خدا و بلند است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدا و نیست پناهی و نه محل خلاصی از عقوبت خدا مگر به سوی او به عدد جفت و طاق و به عدد نامهای پروردگار من که نیکو و تمام و با برکت اند راست گفت خدا و راست گفتند پیغمبران.

سپس فرمودند: هر کس در مدّت عمر خود صد مرتبه این دعا را بخواند، خدای تعالی او را در روز قیامت، گروهی جداگانه محشور گرداند و به نزد او صد هزار هزار فرشته بفرستد که سر کرده آنها فرشته ای باشد که نام او مجدّیال است و با هر فرشته ای هزار اسب باشند که هیچ یک از آنها شبیه به آن دیگری نباشند و با ایشان هزار جامه باشد که در آنها جامه ای نباشد که شبیه به جامه دیگر باشد. پس هر گاه که به نزد آن شخص برسند مجدّیال به ایشان گوید که نزدیک شوید به دوست خدا؛ و ایشان مثل شخص واحد در نزد پادشاهی می ایستند و از برای او اسبها مسخر می شوند به منزله یک اسب واحد و همچنین جامه ها. و فرشتگان دور او را از جانب راست و چپ فرا گیرند و آن شخص به راه افتد و فرشتگان نیز همراه او روان شوند و گویند این است دوستدار خدا، پس خوشا به حال او و آن شخص بر هیچ گروهی از ملائکه و آدمیان نمی گذرد مگر آنکه بر او سلام کنند به این نحو که گویند السّلام علیک یا ولیّ الله و تعظیم او نمایند تا آنکه در زیر لواء حمد بایستند و برای او تختی از یاقوت سرخ مهیا می شود که بر او قبه ای از زبرجد سبز باشد که در او حوران بهشت باشد. پس بر آن سریر تکیه نماید گاهی به راست و گاهی به چپ، تا آنکه خدای تعالی در میان مردمان حکم نماید و هر یک به منزل خود روند.

پس ملائکه دور تخت را فرو گیرند و او را بر پشت شتر قوی از شترهای بهشت بگذارند که نور آن شتر تابنده باشد و برود تا آنکه به اول منزلی از منزلهای خود فرود آید. پس او را پیشکاری از پیشکاری های آن منزلهای پیشواز نماید و خواهد که دست آن شخص را بگیرد و آن را از تخت فرود آورد. پس اگر محافظت خدای تعالی نباشد هر آینه آن شخص خود را به پایین میاندازد از جهت تعظیم آن پیشکاری. پس پیشکار گوید که ای دوست خدا منم پیشکاری از پیشکاران خانه های تو و از برای توست صد مثل این قصر که در هر قصر یک سرایداری مثل من است از برای هر یک از ایشان زنی است که آنها خدمتکارانند از برای زنان تو و از برای توست به عدد هر خدمتکاری یک زنی و از برای توست در هر خانه ای از نعمتها آنچه دانستن شماره آنها ممکن نیست. آنگاه آن شخص این کلمات را می گوید:

«همه ستایش از برای خداست به عدد آنچه علم خدا آن را شماره نمود و مساوی آنچه شمرد آن را علم او و به قدر آنچه دانش او آن را در شماره آورد و چندین برابر آنچه علم او تعداد نمود و نیست خدایی مگر خدا، به عدد آنچه شماره نمود آن را دانش خدا و به قدر آنچه شمرد علم خدا و به اندازه آنچه در شمار آورد آن را علم او و چندین برابر آنچه تعداد نمود آن را علم او و خدا بزرگتر است به عدد آنچه شماره نمود آن را علم خدا و چندین برابر آنچه شمرد علم او و به اندازه آنچه شماره کرد علم او و چندین برابر آنچه تعداد نمود آن را علم او و منزه است خدا به عدد آنچه شماره نمود آن را علم او و مساوی آنچه شمرد دانش او و اندازه آنچه در شماره آورد علم او و چندین برابر آنچه شماره کرد علم او».

و زمانی این کلمات را بگوید خانه ها و آنچه در آنهاست زیاده گردد. و به درستی که خدای تعالی بسیار بخشنده است. (1)

29. مهج الدعوات: از این جمله دعای جامع از مولایمان امیر المؤمنین علی علیه السلام است. روایت کردیم به سندها تا به سعد بن عبد الله از کتابش فضل

ص: 500

الدّعاء گفت: حدیث نمود یعقوب بن یزید و همچنین بالا برده تا به سلمان فارسی رضی الله عنه گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السّلام که فرمودند: به درستی که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند به من: یا علی اگر کسی این دعا را بر صفحه های از آهن بخواند هر آینه آنها گداخته می شوند و قسم به کسی که مرا به راستی پیامبری فرستاد اگر این دعا بر آب روانی خوانده شود هر آینه ساکن گردد تا آنکه آن شخص بر او بگذرد و سوگند به کسی که مرا به حق به پیغمبری فرستاد اگر کسی گرسنه و تشنه باشد، پس این دعا را بخواند هر آینه خدای تعالی او را اطعام می کند و او را سیراب می گرداند و قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد اگر شخصی این دعا را بر کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان موضعی که اراده دارد آن را هر آینه آن کوه شکافته شود تا آنکه برود به آن موضعی که اراده دارد و به حق کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر این دعا بر دیوانه ای خوانده شود هر آینه عاقل شود و به حق کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر این دعا بر زنی که دشوار زاید خوانده شود هر آینه بر او زائیدن آسان شود و به حق کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر کسی این دعا را بر شهری بخواند و حال آنکه آن شهر آتش گرفته باشد و خانه آن شخص در میان آن شهر باشد هر آینه خانه او نجات یابد و نسوزد.

و قسم به کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر این دعا را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد برای او همه گناهانی را که میان او و میان آدمیان باشد و اگر چه با مادر خود زنا کرده باشد که خدای تعالی آن را می آمرزد و قسم به حق کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد اگر کسی این دعا را بر پادشاه ظالمی بخواند هر آینه خدای تعالی آن پادشاه را برای او مطیع می گرداند مثل اطاعت نمودن دست های او و به حق کسی که مرا به راستی به پیامبری فرستاد هر کسی که در وقت خواب این دعا را بخواند خدای تعالی به سوی او به سبب هر حرفی از آن هزار هزار فرشته از روحانیان برمی انگیزد که روی های ایشان نیکوتر از آفتاب و ماه باشد به هفتاد برابر که از خدای تعالی از برای او طلب آمرزش نمایند و از برای او حسنه بسیار می نویسند و درجات او را بلند می کنند.

سلمان گفت: من گفتم: فدای تو باد پدر و مادرم یا امیر المؤمنین همه این ثواب ها به کسی داده می شود که این دعا را بخواند؟ پس آن حضرت فرمودند که: من نیز این را به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتم. پس فرمودند که: یا علی خبر دهم تو را بر ثوابی بزرگتر از این. هر کس که این دعا را بخواند و بخوابد و حال آنکه همه گناهان کبیره را مرتکب شده باشد پس بمیرد آن شخص شهید در راه خدا خواهد بود و اگرچه بی توبه بمیرد که خدای تعالی او را و اهل بیت او را و پدر و مادر و فرزندان او را و مؤذن مسجد و پیش نمازی را که در آن مسجد با آن شخص نماز به جا می آورد، به عفو و رحمت خود می آمرزد و دعا این است:

خداوندا به درستی که تو زنده ای که نمی میری و راست گویی که دروغ نمی گویی و غلبه کننده ای که مغلوب نمی شوی و ایجادکننده ای که برطرف نمی گردی و نزدیکی که دور نمی شود و توانایی که کسی خلاف تو نمی کند و آمرزنده ای که ستم نمی کنی و مقصود در حاجت هایی که کسی چیزی به تو نداد و پاینده ای که نمی خوابی و برآورنده حاجتهایی که دلگیر نمی شوی و صاحب جبروتی که یاری نمی شوی و بزرگی که خواسته نمی شود بزرگی تو و دانائی که یاد گرفته نمی شوی از غیری و توانائی که ناتوان نمی شوی و بردباری که نادان نیستی و بزرگی که به تعریف در نمی آیی و وفاکننده به وعده هایی که خلف نمی کنی آنها را و غلبه کننده ای که مغلوب نمی شوی و عدالت کننده ای که ظلم نمی کنی و توانگری که درویش نمی شوی و بزرگی که کوچک نمی شوی و حکم کننده ای که ستم نمی کنی و معتمدی که خیانت نمی کنی و یکتایی که مشورت نمی کنی از کسی و بخشنده ای که مکدر نمی شوی و عزیزی که خوار نمی شوی و شنوایی که غافل نمی شوی و بخشنده ای که بخل نمی ورزی و نگاهدارنده ای که غافل نمی گردی و ایستاده ای به امور خلاق که فراموش نمی کنی و همیشه ای که از بین نمی روی و پنهانی که دیده نمی شوی و باقی که کهنه نمی شوی و یکتایی که مانند نداری و بسیار توانایی که نزاع نمی شوی.

ای کرم کننده بخشنده بسیار کرم کننده، ای آشکار ای غلبه کننده، تویی توانای بسیار با قدرت ای عزیز بسیار عزیز ای کسی که خوانده می شوی از هر درّه و بیابان بی پایان به زبانهای مختلف و لهجه های متفاوت و برای حاجت های پیایی

باز نمی دارد تو را مشغول شدن به چیزی از متوجّه شدن به چیزی دیگر. تویی آنکه زمان ها تو را از بین نبرد و تو را جای ها فرو نمی گیرد و تو را چرت و خواب فرا نمی گیرد. رحمت فرست بر محمّد و بر آل او و آسان گردان برای من آنچه که از دشواری آن می ترسم دور کن از من آنچه که از اندوه آن می ترسم، آسان گردان برای من آنچه را که می ترسم از ناهمواری آن، منزهی، نیست خدایی مگر تو، همانا من از جمله ستمکارانم، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.(1)

30. مهج الدعوات: دعایی مولای ما امیر المؤمنین علیه السّلام که آن را به اویس قرنی تعلیم نمودند. و این دعا غیر آن دعایی است که آن را در کتاب السعادات ذکر کردیم و غیر آن دعایی است که آن را در کتاب اغاثه الدّاعی ذکر نمودیم. حدیث نمود ما را موسی بن زید از اویس قرنی از امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السّلام که فرمودند: هر کس این دعا را بخواند، خدای تعالی همه حاجت های او را بر می آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که: قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد، کسی که به او گرسنگی و تشنگی رسیده باشد، پس این دعا را بخواند، خدای تعالی او را سیر می گرداند و سیراب می سازد و اگر شخصی این نام ها را بر کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان جایی که اراده آن را داشته باشد هر آینه آن کوه راه خواهد داد تا آن که برود به آنجایی که می خواهد و اگر این دعا را بر دیوانه ای بخواند عاقل می شود و اگر این دعا را بر زنی بخواند که بر او زاییدن دشوار باشد، خدای تعالی بر او وضع حمل را آسان می گرداند.

فرمودند: قسم به کسی که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد هر کس این دعا را چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد از برای او هر گناهی را که میان او و میان خدای تعالی باشد و اگر شخصی بر پادشاه ظالمی داخل شود و این دعا را بر آن پادشاه بخواند، خدای تعالی او را از شرّ آن خلاص می گرداند و هر کس که این دعا را در وقت خواب بخواند پس در آن اثنا به خواب رود خدای عزّ و جلّ به عدد هر حرفی از این دعا هفتاد هزار فرشته از روحانیان خلق می نماید که

ص: 503

روی های ایشان نیکوتر باشد از آفتاب به هفتاد هزار مرتبه که از خدای تبارک و تعالی از برای او طلب آمرزش نمایند و برای او دعا کنند و از برای او حسنات بنویسد و هر کس که این دعا را بخواند و - حال آنکه از او گناهان کبیره سر زده باشد- همه گناهان او آمرزیده می شود و اگر در آن شب بمیرد، شهید مرده خواهد بود.

پس به من فرمودند: ای ابا عبد الله به درستی که خدای تعالی می آمرزد او را و اهل بیت او را و مؤذن مسجد او را که در آن نماز گزارد و پیشنمازی که به او اقتداء نمود و دعا این است:

ای سلامتی دهنده امان دهنده نگاهدارنده غلبه کننده با عزّت صاحب جبروت و کبریا، ای پاک و پاکیزه، ای قهرکننده با توانایی بسیار توانا، ای کسی که خوانده شد از هر راه و بیابان دور و دراز به زبانهای مختلف و لهجه های متفاوت و حاجت های متعدّد، ای کسی که مشغول نمی گرداند او را کاری از کاری دیگر، تویی آنکه تو را زمانها تغییر نمی دهد و تو را مکان ها فرا نمی گیرد و تو را خواب و چرتی نگیرد، آسان گردان از کار من آنچه را که از دشواری آن می ترسم و نجات ده مرا از آنچه که از اندوه آن می ترسم و آسان و هموار گردان برای من از امر من آنچه که از ناهمواری آن می ترسم. تسبیح می کنم تو را که نیست خدایی مگر تو به درستی که من هستم از جمله ستم کنندگان بر خود، و بدی و بر نفس خود ستم نمودم پس مرا بیامرز، به درستی که نمی آمرزد گناهان را کسی مگر تو و همه ستایش خدا را سزاوار است که پروردگار عالمیان است و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر او محمد و بر آل او و درود فرستد خدا بر ایشان درودی بسیار.(1)

31. و از آن جمله: دعای دیگر است از برای مولای ما حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام که این را نیز به او پس قرنی تعلیم نمود، ابو عبد الله دیلی روایت نمود و سند آن را بالا برد تا او پس قرنی از حضرت امیر المؤمنین علی بن

ص: 504

ابی طالب صلوات الله علیه که حضرت رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ فرمودند : بنده ای نیست که این دعا را بخواند مگر آن که خدای تعالی دعای او را مستجاب گرداند.

و پیغمبر چندین مرتبه سوگند یاد نمودند که اگر این دعا بر آب روان خوانده شود هر آینه می ایستد و اگر این دعا را شخصی بخواند که گرسنه یا تشنه باشد او را اطعام می نماید و سیراب می گرداند و اگر این دعا بر کوهی خوانده شود از جهت آن که از جای خود زایل شود، آن کوه از موضع خود زایل می شود و بر زنی اگر خوانده شود که دشوار زاید خدای تعالی زاییدن او را آسان می گرداند و اگر این دعا را شخصی در شهری بخواند و آن شهر بسوزد و خانه او در وسط آن شهر باشد، خانه آن شخص نجات یابد و منزل او را نخواهد سوخت، اگر این دعا را شخصی چهل شب جمعه بخواند خدای تعالی می آمرزد از برای او همه گناهایی که میان او و میان آدمیان باشد و این دعا را غمناکی و اندوهناکی نمی خواند مگر آنکه خدای تعالی او را از آن غم و اندوه نجات دهد و این دعا را شخصی بر پادشاه ظالمی نمی خواند مگر آن که خدای حاجت او را بر می آورد. برای این دعا شرح بسیار است که من به ذکر همین قدر اقتصار نمودم و دعا این است:

« به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا من از تو می خواهم و از کسی غیر از تو درخواست نمی کنم و به سوی تو میگیریم و به غیر تو نمی گرایم، از تو میخواهم ای امان دهنده ترسندگان و پناه دهنده پناه آورندگان، تویی گشاینده امرهای مشکل، تویی صاحب احسان و خیرات، تویی تجاوزکننده از لغزش ها، تویی برطرف کننده گناهان، تویی ثواب دهنده نیکویی ها، تویی بلندکننده مرتبه ها، از تو برترین و کامیاب ترین درخواست ها را می خواهم که سزاوار نیست برای بندگان که تو را مسألت نمایند مگر به آنها، ای خدا، ای بخشنده و به حق نام های تو که نیکویند و به صفت های تو که بلندند و به حق نعمت های تو که شمرده نمی شوند و به گرامی ترین نام های تو و محبوب ترین آنها در نزد تو و شریفترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از جانب تو از جهت وسیله و واسطه و به حق عظیم ترین آنها از جهت رسیدن به مقصود و زودترین آنها از جانب تو به بر آوردن

مطلوب و به حق نام سپرده شد عظیم بزرگ تر بسیار بزرگ تو که آن را دوست می داری و به آن خشنودی و راضی می گردی از کسی که بخواند تو را به آن نام پس دعای او را برآوردی و واجب است بر تو که درخواست کننده خود را محروم نسازی.

و به حق هر نامی که آن از برای توست در تورات و انجیل و زبور و قرآن و به هر نامی که برای توست که آن را به احدی از آفریدگان خود تعلیم نمودی یا آن را به کسی نیاموختی و به حق هر نامی که بردارندگان عرش و فرشتگان تو و برگزیده های آفریدگانت تو را بدان خوانند و به حق سؤال کنندگان تو و گرایندگان به سوی تو و پناه برندگان به تو و زاری کنندگان نزد تو.

و به حق هر بنده عبادت کننده تو در صحرا و بیابان یا در دریا یا در زمین هموار یا در کوهستان تو را می خوانم همچون کسی که حاجت او سخت و بسیار است و تقصیر و گناه او بزرگ است و به هلاکت نزدیک است و توانایی او سست گشت و همچون کسی که به چیزی از کردار خود اعتماد ندارد و برای گناه خود آمرزنده ای غیر تو نمی یابد و برای سعی خود سپاسگزاری جز تو پیدا نمی کند از خوف عذاب تو به سوی تو گریختم در حالی که امتناع کننده و سرپیچنده از بندگی تو نیستم ای همراه هر درویش پناه آورنده از تو می خواهیم به حق آنکه تو خدایی نیست خدایی مگر تو که رحم کننده و بخشنده و آفریننده آسمان ها و زمینی، تو صاحب عظمت و بخشنده، تو دانای غایب و حاضری بخشنده مهربانی.

تویی پروردگار و منم بنده تو و تویی صاحب و منم در اختیار تو و تویی قوی و غالب و منم خوار و ذلیل و تویی توانگر و بی نیاز و منم درویش و محتاج و تویی زنده و منم مرده و تویی باقی و منم از بین رونده و تویی نیکوکار و منم بدکار و تویی آمرزنده و منم گناهکار و تویی رحم کننده و منم خطاکار و تویی آفریدگار و منم آفریده شده و تویی توانا و منم ناتوان و تویی بخشنده و منم سؤال کننده و تویی امان دهنده و منم ترسنده و تویی روزی دهنده و منم روزی داده شده و تویی سزاوارترین کسی که شکوه نمودم به سوی او و طلب فریادرسی نمودم از او و امیدوارم از او از جهت آنکه چه بسا گناهکاری که او را آمرزیدی و چه بسا بدکاری

که درگذشتی از تقصیر او، پس بیامرز مرا و درگذر از تقصیر من و رحم نمای بر من و مرا از آنچه نازل شد به من سلامتی ده و مرا به سبب آنچه ظلم نمودم بر نفس خود رسوا مکن و دست مرا و دست پدر و مادر مرا و فرزند مرا بگیر و بر ما به شفقت خود رحم کن ای صاحب بزرگی و بخشش و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.(1)

32. العتیق الغروی، مهج الدعوات: و از آن جمله، دعای اعتصام و تهلیل و سؤال است از مولای ما امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و دعا این است: چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، زنده کننده و ارث برنده است همه خلایق را، چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، پاینده است بر جزا دادن هر کسی به آنچه کسب نمود. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او، که فرمود به آسمان ها و زمین که بیایید فرمان ما را در حالی که باشید اطاعت کننده یا اکراه داشته شده گفتند که آمدیم در حالی که فرمان برداریم، چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او فرا نمی گیرد او را چرت و خوابی چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او و بخشنده و بر عرش مستولی و می داند راز بد نهانی و آنچه که پنهان کنند آن را سینه ها.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه در ما بین هر دو و آنچه در زیر خاک است. چنگ زدم من به خدایی که نیست خدایی مگر او می بیند همه چیز را و دیده نمی شود و خدا در جایگاه دیدن بلند است پروردگار آخرت و دنیاست. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او خوار است هر چیز نزد پادشاهی او. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او پست است هر چیزی برای بزرگی او. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او که در بلندی مرتبه خود نزدیک است و در نزدیکی خود بلند مرتبه است و در پادشاهی خود تواناست.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او آفریننده بلند مرتبه زنده همیشگی است باقی است که از بین نمی رود. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی

ص: 507

مگر او که تعریف نمی تواند کرد زبانها توانایی او را. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او زنده پاینده است، فرا نمی گیرد او را سستی و نه خوابی.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او رحم کننده بخشنده دیرینه، صاحب بزرگی و کرم است. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او یگانه یکتای بی همتای همیشگی است که نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او بخشنده ترین بخشندگان است بزرگ بزرگ تر است از آنکه به وصف آید، بلند مرتبه تر است.

چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او به دست قدرت اوست خوبی ها همه و او بر هر چیز تواناست. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او تسبیح می کند برای او آنچه در آسمانها و زمین است همه فرمانبردار اویند. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او زنده حکم کننده شنوای دانای بخشنده مهربان است. چنگ زدم به خدایی که نیست خدایی مگر او بر او اعتماد نمودم و خدا پروردگار عرش بزرگ است.

به نام خدای بخشنده مهربان خداوندا همانا من از تو میخواهم و تو داناتری به حاجت من و طلب می کنم از تو و تو دانایی به مطلب من و خواهش دارم به سوی تو و تو نهایت خواهش منی پس ای دانای پنهان ها و بلند گرداننده آسمان ها و برطرف کننده بلاها و محل طلب کردن حاجتها و بخشنده سؤال ها رحمت فرست بر محمد که آخر پیغمبران است و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند.

خداوندا بیامرز برای من گناهان مرا و اسراف مرا در همه امر من و آنچه که تو داناتری به آن از من، خداوندا بیامرز برای من گناهان ندانسته و دانسته مرا و نادانی مرا و لهو مرا و سعی نمودن مرا در کارهای بد پس به درستی که این همه گناهان نزد من هست، خداوندا بیامرز برای من آنچه را که به جا آوردم پیش از این از گناهان و آنچه را که انجام می دهم بعد از این و آنچه که پنهان کردم آن را و آنچه را آشکار نمودم آن را. تویی پیش از همه چیز و تویی بعد از همه چیز و تو بر همه چیز توانایی.

إِنْ تَغْفِرَ اللَّهُمَّ تَغْفِرْ جَمًّا وَاَيُّْ عَبْدٍ لَكَ إِلَّا لَمَّا

- اگر می آمرزی خداوندا می آمرزی همه گناهان را و کدام بنده دوست که گناهی نکرده باشد.

و در اصل، اینچنین بود. (1)

33. مهج الدعوات: از جماعتی مروی است که سند آن را به حضرت امام حسین علیه السلام رساندند که فرمودند: من با پدر خود علی بن ابی طالب علیه السلام در شبی تاریک مشغول به طواف کعبه معظمه بودم و هیچ کس در طواف نبود و جماعت زوّار خوابیده بودند و همه چشم ها در خواب بود که ناگاه آواز ناله شخصی را شنیدیم که به خانه کعبه پناه آورده طلب فریادرسی می نمود و به آواز بسیار حزینی از دل پر درد می نالید و زاری می نمود و این شعر را می خواند:

- ای کسی که بر می آورد دعای بیچارگان را در شب تاریک، ای برطرف کننده آزار و بلاها با بیماریها

- به خواب رفتند فرود آمده های به سوی تو در دور خانه تو و بیدار شدند می خواند تو را و حال آنکه چشم تو ای پاینده به خواب نرفت.

خدایا ببخش به من به کرم خود زیادتى در گذشتن از گناه من. ای کسی که اشاره نمودند به سوی او آفریدگان در حرم.

- اگر گذشت تو نرسد به آن صاحب تقصیر، پس کیست که با نعمتها بر گناهکاران بخشش نماید.

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند که پدرم به من فرمودند: ای ابا عبد الله آیا آواز ناله این شخص را شنیدی که از گناه خود می نالد و از پروردگار خود طلب فریادرسی می نماید؟ گفتم: بلی شنیدم، پس فرمودند که: ملاحظه کن و آن شخص را بجوی شاید او را ببینی. امام حسین علیه السلام فرمودند: من در آن شب تاریک گشتم و در میان خوابیده ها او را می جستم پس چون به میان رکن عراقی و مقام ابراهیم علیه السلام رسیدم، شخصی را دیدم که به نماز ایستاد. پس گفتم که سلام بر تو ای بنده خدا که اقرار به گناه خود داری و پناه به خدای خود آوردی و

1- . مهج الدعوات: 166-168

آمرزش گناهان خود از خدای تعالی طلب می کنی، بیا به نزد پسر عموی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که او ترا می طلبد.

پس در سجود شتاب نمود و تشهّد و سلام داد و سخن نگفت و اشاره نمود که تو در پیش باش. پس من پیش افتادم و آن شخص در عقب من آمد تا آنکه به خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمدم. پس من گفتم: این است آن شخص که ناله می کرد. پس امیر المؤمنین علیه السلام نگاه کردند، دیدند که آن شخص جوانی است بسیار خوش روی که جامه های بسیار پاکیزه پوشیده بود. پس فرمودند که: ای جوان تو از کدام قبیله ای؟ گفت: از بعضی از اعراب. پس فرمودند که: حال تو چیست و از چه جهت گریه می نمودی و زاری تو از بهر چیست؟ آن جوان گفت که: چه نحو خواهد بود حال کسی که عاق پدر خود گشته باشد و با او بی ادبی نموده باشد و گرفتار به تنگی و انواع بلاها و اقسام مصیبتها شده باشد، او را حسرت و ناامیدی فرو گرفته باشد و دعای او مستجاب نگردد. پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: از چه جهت حال تو چنین شد؟ آن جوان گفت: به درستی که من در میان قبیله خود پیوسته به لهُو و لعب مشهور بودم و دائماً به نافرمانی و طرب مشغول بودم و همیشه در ماه رجب و شعبان مرتکب نامشروع و عصیان می شدم و هیچ ملاحظه نمی نمودم و پروایی از ترس خدا نداشتم و مرا پدری بسیار مهربان بود که مرا از افتادن در مصیبت های دنیوی منع می نمود و مرا از عقوبت و عذاب آتش اخروی می ترسانید و می گفت: چه بسا که از تو روزها و شبها شکوه نماید و از دست تو ماهها و سالها فریاد برآورد و از گناهان تو فرشتگان گرامی به تنگ آیند. چند چنین کارها کنی و چرا مرتکب این قدر گناهان شوی و هر گاه پدرم در نصیحت الحاح می نمود و در موعظه من مبالغه می کرد او را منع و آزار می نمودم و بر او حمله می کردم و او را می زدم. پس روزی از او زری را طلبیدم که آن را از من پنهان نموده بود، پس چون آن را مضائقه نمود، من خود رفتم که بردارم و آن را در مصارفی صرف کنم که همیشه مشغول به آن بودم. پس چون خواست که مرا ممانعات نماید و نگذارد که من آن را بردارم پس من پدر خود را زدم و دست او را پیچیدم و آن زر را از دست او بیرون آوردم و رفتم. پس چون پدرم خواست که از

عقب من آید، دست های خود را بر زانوی گذارد که از جای برخیزد از
بسیاری آزار و شدّت دردی که به او رسانیده بودم نتوانست که از جای خود
حرکت نماید، پس این شعرها را خواند:

- جاری شد خویشی میان من و میان هم خانه من، مساوی است همچنان
که طلب کننده باران طلب فرود آمدن باران می کند.

- و پروریدم او را تا آنکه قوی هیکل گردید مثل شتر بزرگ، به نحوی که هر
گاه می ایستاد دوش او مساوی با کوهان شتر بود.

- و من بودم که در زمان کودکیاش به او خوردنی می دادم هر گاه گرسنه
می شد، پاکیزه ترین و نیکوترین خوردنیها را.

- پس چون به کمال رسید در اوّل جوانی خود/ و قامت او مثل نیزه ردینی
گردید.

- بر من ستم نمود و دست مرا پیچید، دست او را خدا بیچاند که خداوند
غالب بر اوست .

پس پدرم به خدا سوگند یاد نمود که به سوی خانه خدا رود و شکوه من
نماید و بر من نفرین کند. پس چند روز روزه گرفت و چندین رکعت نماز
گزارد و نفرین نمود و بر شتر خود سوار شد و بیرون رفت و بیابانها پیمود
و طی رودخانه ها کرد و بر کوهها بالا رفت و پایین آمد تا آنکه در روز حج
اکبر به مکه معظمه رسید پس از شتر خود پایین آمد متوجّه خانه خدا
گردید و طواف خانه نمود و سعی صفا و مروه کرد و بعد از آن به مسجد
الحرام آمده به پرده های خانه کعبه چسبید و خود را به آن آویخت و به
خدای تعالی زاری نمود و نفرین کرد و این اشعار را خواند:

- ای کسی که حاجیان با مشقّت به سوی او آمدند، سوار بر بالای شتران از
بلاد دور در نهایت دوری.

- من نزد تو آمدهام، ای کسی که ناامید نمی کند کسی را که او را با زاری
به - درگاه - خدای یکتا بخواند.

- این منازل کسی است که می ترسد از عاق شدن از من/ پس ای جبار!
حقّ مرا از فرزندم بستان.

- تا آنکه به یاریات، شل سازی یک طرف بدن او را، ای کسی که که منزه است نزایید و زاییده نشد.

پس آن جوان گفت: به حقّ آن کسی که آسمان را بلند کرد و او آب روان را جاری نمود که هنوز دعای پدرم تمام نشده بود که این بلا بر من نازل شد که آن را می بینی. پس جامه خود را برداشت و پهلوی خود را ظاهر ساخت. پس آن حضرت دید که یک طرف بدن آن جوان شل شده است. آن جوان گفت سه سال بود که از پدرم التماس می نمودم که برای من دعا کند در همان موضعی که مرا نفرین کرد و آن قبول نمی کرد تا آنکه در این سال بر من ترحم کرد و التماس مرا قبول نمود. برای او شتری جوان خوش رفتار نرم روی را مهیا نمودم و او را بر آن سوار کردم و از شهر بیرون آمدیم به امید آنکه از این بلا نجات یابم، تا آنکه در اثنا شب به موضع اراک و حطمه رسیدیم. پس ناگاه از آن موضع مرغی پرید و آن شتری رم برداشت که پدرم بر آن سوار بود و او را در درّه سنگلاخی در میان دو سنگ انداخت. پس چون من به او رسیدم او را یافتم که فوت شده بود. پس او را در همان موضع دفن نمودم. از همه بدتر این که به کسی معروف هستم که « به نفرین پدرش گرفتار آمد».

پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: تو را فریادرسی رسید. به تو فریادرسی رسید، من تو را دعایی بیاموزم که آن را به من پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تعلیم نمود و در آن اسم خدای بزرگ و بزرگ تر غالب بخشنده ای است که خدای تعالی به برکت این دعا حاجت کسی را برمی آورد که این دعا را بخواند و به او می بخشد آنچه را که از خدا خواهد و به برکت این دعا از آن شخص غمّ و همّ برطرف می شود و از او اندوه رفع می گردد و از او بیماری برطرف می شود و به برکت این دعا شکستگی او درست می شود و درویش، توانگر می گردد و قرض او داده می شود و از او چشم زخم بر می گردد و گناهان او آمرزیده می شود و عیب های او پوشیده می شود و از ترس هر شیطانی سرکش و هر جبرکننده ظالم ایمن می گردد.

و اگر این دعا را هر آن بنده فرمان برداری بر کوه بخواند هر آینه آن کوه از جای خود زایل می شود و اگر این را بر مرده ای بخواند خدای تعالی آن را زنده می گرداند پس از آنکه مرده است و اگر کسی این دعا را بر آب بخواند بر روی آن

راه می رود به شرط آنکه به آن تکبر راه نیابد. ای جوان باید که از گناهان پرهیزگاری نمایی و توبه نمایی از آنچه آن را کردی. پس به درستی که مرا بر تو رحم آمد و باید که خدای تعالی نیت خالص تو را و اعتقاد درست تو را بداند و این دعا را در طلب معصیت نخوانی و این دعا را تعلیم نکنی مگر به کسی که دانی و به دین او اعتماد داشته باشی. پس به درستی که اگر نیت خود را خالص نمایی، خدای تعالی حاجت تو را بر آورد و در خواب پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را خواهی دید که تو را به بهشت و به برآمدن حاجت تو بشارت دهد.

پس آنگاه حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: خوشحالی من به مطلع شدن به فایده این دعا بیشتر از خوشحال شدن این جوان به برطرف شدن آزار او بود، از جهت آنکه من هرگز این دعا را از پدر خود نشنیده بودم. بعد از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به من فرمودند که دواتی و کاغذی را بیاور. پس چون آن را حاضر نمودم فرمودند که: بنویس آنچه را که بر تو می خوانم. پس آن حضرت خواندند و من این دعا را نوشتم و دعا این است:

خداوندا همانا از تو میخواهم به حرمت نام تو به نام خدای بخشنده مهربان ای صاحب بزرگواری و احسان، ای زنده پاینده، زنده ای که نیست خدایی مگر تو، ای کسی که اوست و بس، ای کسی که احدی نمی داند که او چیست و چگونه است و کجاست و چه جاست مگر خود او. ای صاحب پادشاهی و مملکت ای خداوند عزّت و غلبه و بزرگواری ای پادشاه ای بسیار پاکیزه از نقص ها ای سالم از همه عیبا ای امان دهنده، ای حفظ کننده و نگاهبان، ای غلبه کننده، ای درست کننده شکستگی ها، ای بزرگوار، ای تقدیرکننده، ای آفریننده ی صورت دهنده، ای نفع بخشنده ای بسیار دوست ای دور ای نزدیک به همه چیز ای برآورنده حاجتها ای نگهبان ای کفایت نماینده ای تازه پدید آورنده ای بلند مرتبه ای باز دارنده بلاها ای شنوا ای دانا ای درست کردار ای بخشنده ای بردبار ای همیشه.

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای مهربان ای بخشنده ای جزا دهنده ای یاری طلب کرده شده ای بزرگ مرتبه ای نیکوکار ای کارگزار ای ضامن روزی خلاق ای قبول کننده پشیمانی ای رساننده خیر ای صاحب شرف ای راهنمای ای رساننده به

راه راست ای ابتداکننده به خلق ای اوّل همه چیز ای آخر همه اشیا ای آنکه آشکار است آثار او ای آنکه پنهان است ذات او ای حکم کننده ای فیصل دهنده کارها ای عدالت کننده ای جدا سازنده حق از باطل ای رساننده نعمت ها ای پاک ای پاک کننده ای توانا ای بسیار با قدرت ای بزرگ ای بسیار بزرگوار.

ای بی همتا ای بی نیاز ای کسی که نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد و همسری ندارد و وزیری با او نبود و با خود مشاوری نگرفت و به پشتوانه ای نیاز ندارد و با او نیست خدایی مگر تو از آنچه که کافران نادان می گویند برتری، برتری بزرگ.

ای دانا ای بلند مرتبه ای بسیار بلند مرتبه ای گشاینده ای نجات دهنده ای یاری کننده ای انتقام کشنده ای هلاک کننده ای داد ستاننده ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای پیش از همه چیز ای پایان ای جوینده ای غلبه کننده.

ای کسی که هیچ گریزنده ای از دست او نرود، ای توبه پذیر، ای بازگشت کننده، ای بخشنده عطاها، ای سبب سازنده سبب ها، ای گشاینده درها، ای کسی که در هر جایی که خوانده شد اجابت کرد، ای بسیار پاک، ای جزا دهنده شکرگزاری، ای گذرنده از معصیت ها، ای آمرزنده گناه ها، ای روشنی بخش روشنی، ای چاره ساز کارها، ای دانا، ای آگاه، ای چیره، ای روشن کننده عالم، ای بینا، ای پشت، ای بزرگ، ای بی همتا، ای یگانه، ای بی نیاز، ای معتمد، ای کارگزار، ای احسان کننده، ای نیکویی کننده، ای سلامت دارنده، ای نعمت دهنده، ای زیاده بخشنده، ای بسیار کرم کننده، ای یکتا.

ای کسی که بلند مرتبه است پس غلبه نمود، ای کسی که مالک شد پس توانا گشت، ای کسی که مطلع بر امور پنهانی است پس آزمایش نمود، ای کسی که پرستیده شده پس جزا دادی، کسی که نافرمانی کردند او را بندگان پس آمرزید و گناهان ایشان را پوشانید، ای کسی که او را اندیشه ها فرا نمی گیرد و چشم او را نمی بیند و بر او کاری پوشیده نیست، ای روزی دهنده آدمیان، ای اندازه کننده هر اندازه ای، ای بلند مکان ای آنکه سخت است صفات او، ای تغییر دهنده وقتها، ای قبول کننده قربانی ها، ای خداوند بخشش و نیکویی، ای صاحب عزّت و پادشاهی، ای

مهربان ای بخشاینده، ای آنکه بزرگ است رتبه او، ای کسی که او هر روزی در کاری است، ای کسی که باز نمی دارد او را کاری از مشغول شدن به کارهای دیگر.

ای شنونده صداها، ای قبول کننده دعاها، ای دهنده مطلب ها، ای برآورنده حاجتها، ای فرود آورنده برکتها، ای رحم کننده گریه کننده ها، ای درگذرنده از لغزش ها، ای برطرف کننده اندوه ها، ای صاحب نیکویی ها، ای بلندکننده مرتبه ها، ای دهنده سؤال ها، ای زنده کننده مردگان، ای آگاه بر قصدها، ای برگرداننده آنچه را که نایاب شد، ای کسی که بر او صداها مشتبّه نمی شود، ای کسی که او را سؤال ها دلگیر نمی کند و او را تاریکی ها نمی پوشانند، ای روشنی بخش زمین و آسمان ها.

ای آنکه کامل است نعمت های او، ای دفع کننده عقوبت ها، ای آفریننده بندگان، ای فراهم آورنده امّتها، ای شفا دهنده بیماران، ای آفریننده روشنی و تاریکی ها، ای صاحب بخشش و کرم، ای کسی که نرسید بر عرش او هیچ پایی.

ای نیکوکننده ترین نیکوکنندگان، ای بخشنده ترین بخشندگان، ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینایان، ای پناه دهنده پناه طلب کنندگان، ای امان دهنده ترسناکان، ای پشت پناه آورندگان، ای دوست مؤمنان، ای فریادرس فریادرس طلبان، ای نهایت آرزوی طلب کنندگان.

ای هم صحبت هر نزدیکی، ای هم راز هر تنهایی، ای پناه هر رانده شده ای، ای آرامگاه هر رمیده ای، ای نگاهدارنده هر کم شده ای، ای رحم کننده پیر بزرگ، ای روزی دهنده طفل کوچک، ای درست کننده استخوان شکسته، ای آزادکننده هر در بندی، ای توانگرکننده هر بیچاره، ای نگاهدارنده ترسان پناه خواهی، ای کسی که برای اوست چاره کردن و اندازه نمودن، ای کسی که دشوار بر او آسان است، ای کسی که احتیاج ندارد در دانستن چیزها به بیانی، ای کسی که او بر همه چیز تواناست، ای کسی که او به هر چیز داناست، ای کسی که او به همه چیز بیناست، ای کسی که بر هر چیز تواناست.

ای فرستنده بادهای، ای شکافنده شب جهت بیرون آوردن صبح، ای برانگیزنده روحها، ای صاحب عطا و بخشش، ای کسی که به دست قدرت اوست هر کلیدی،

ص: 515

ای شنونده هر صدایی، ای پیشی گیرنده هر نایابی، ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ.

ای ذخیره من در روز سختی، ای نگاهدارنده من در بی کسی ام، ای هم راز من در تنهایی ام، ای کارگذار من در نعمتام، ای پناه من در هنگامی که مرا راه ها عاجز کند و خویشان مرا به زیر خاک بسپارند و هر مصاحبی یاری مرا ترک نماید، ای معتمد کسی که معتمدی برای او نباشد، ای تکیه گاه کسی که تکیه گاهی برای او نباشد، ای ذخیره کسی که ذخیره برای او نباشد، ای پناه کسی که پناهی برای او نباشد، ای محل اعتماد کسی که محل اعتماد کسی که محل اعتمادی برای او نباشد، ای فریادرس کسی که فریادرسی برای او نباشد، ای همسایه کسی که همسایه ای برای او نباشد.

ای همسایه متصل به من، ای معتمد من که محکم است، ای خدای من به درستی، ای پروردگار خانه آزاد شده، ای مهربان ای یار مصاحب، مرا از حلقه های تنگ بلاها رهایی ده و از من هر اندوه و غم و تنگی را بگردان و کفایت نمای مرا از شر آنچه قدرت بر آن ندارم.

ای باز گرداننده یوسف به یعقوب، ای برطرف کننده آزار ایوب، ای آمرزنده گناه داود، ای بالا برنده عیسی پسر مریم و نجات دهنده او از دستهای جماعت یهود، ای برآورنده دعای یونس در تاریکی ها، ای برگزیننده موسی به سخنان، ای کسی که گناه آدم را آمرزید و ادریس را به رحمت خود بالا برد، ای کسی که نوح را از غرق شدن رها نمود، ای کسی که هلاک ساخت قوم عاد را که اوّل بودند و قوم ثمود را پس از ایشان و قوم نوح را پیش از ایشان به درستی که ایشان ستم کننده تر و سرکش تر بودند و شهرهای سرنگون را هلاک نمود، ای کسی که هلاک ساخت گروه لوط و هلاک نمود قوم شعیب.

ای کسی که ابراهیم را دوست خود گرفت، ای کسی که موسی را سخنگوی با خود گرفت و فرا گرفت محمد را که رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و بر پیغمبران همه، دوست خود.

ای عطا کننده حکمت به لقمان و ای بخشنده پادشاهی به سلیمان که سزاوار نیست برای کسی پس از او، ای کسی که اسکندر ذو القرنین را بر پادشاهان

گردنکش یاری کرد، ای کسی که به خضر زندگانی را بخشید و برای یوشع نور آفتاب را پس از فرو رفتن آن برگردانید، ای کسی که دل مادر موسی را قوی گردانید و دامن مریم دختر عمران را نگاهداشت، ای کسی که یحیی پسر زکریا را از گناه محافظت نمود و از موسی خشم او را فرو نشانید، ای کسی که زکریا را به وجود یحیی مژده داد، ای کسی که اسماعیل از کشته شدن آزاد نمود، ای کسی که قربانی هابیل را قبول کرد و دوری از رحمت خود را بر قابیل، قرار داد ای شکست دهنده گروه ها رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بر همه فرستادگان و فرشتگان تو که نزدیکان و جماعت فرمانبرداران تو هستند.

و از تو می خواهم به هر حاجتی که از تو درخواست کسی که از او خشنودی پس بر خود برآوردن حاجت او را لازم ساختی ای خدا ای خدا ای خدا، ای بخشنده ای مهربان، ای بخشنده ای مهربان، ای بخشنده ای مهربان، ای صاحب شکوه و بزرگی، به او به او به او به او به او به او، از تومی خواهم به حقّ هر نامی که به آن ذات خود را نامیدی یا آن را در یکی از کتابهای خود فرو فرستادی یا آن را در دانش نهانی در نزد خود اختیار نمودی و به آنچه که اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها و دریا شود مداد آنها از پس آن باشد هفت دریای دیگر کلمات خدا تمام نمی شود.

از تو می خواهم به نام های نیکوی تو که آنها را در کتاب خود ذکر نمودی پس گفتمی « از برای خداست نام های نیکو پس بخوانید خدا را به آن نام ها» و گفتمی « بخوانید مرا تا برآورم حاجت شما را» و گفتمی « و هر گاه بندگان من از من پرسیدند پس به درستی که من نزدیکم به آنها برمی آورم دعای خواننده را هر گاه بخواند مرا» و گفتمی: «ای بندگان من که ستم نمودید بر نفسهای خود ناامید مگردید از رحمت خدا» و من از تو می خواهم ای خدای من و توقّع دارم در برآوردن حاجتم ای مولای من همچنان که مرا وعده دادی و تو را خواندم همانطور که به من امر فرمودی پس در حق من چنین و چنین کن.....و بخواه از خدای تعالی آنچه را که خواهی و حاجت خود را نام ببر و این را مخوان مگر در حالی که با طهارت باشی.

پس به آن جوان فرمودند: هر گاه شب دهم شود پس این دعا را بخوان و صبح خبر آن را برایم بیاور. حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: که آن جوان آن دعا را گرفت و رفت پس چون صبح شد هنوز به کاری شروع نکرده بودیم که دیدیم آن جوان صحیح و تن درست آمد و این دعا در دست او بود و می گفت قسم به خدا که در این دعا اسم اعظم است به درستی که حاجت من به ربّ کعبه برآورده شد. پس حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: نقل کن که چون شد. جوان گفت که: چون شب دهم شد و همه مردمان به خواب رفتند و تاریکی شب همه را فرو گرفت، من این دعا را بر کف دست خود گذاردم و آن را به سوی آسمان بلند کردم و خدای تعالی را خواندم و او را به حقّ این دعا چند مرتبه قسم دادم پس در مرتبه دوم آوازی شنیدم که: دعای تو مستجاب شد بس است تو را به تحقیق که تو خدا را به اسم اعظم خواندی. پس خوابیدم چون به خواب رفتم در خواب حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را دیدم که دست مبارک خود را بر بدن من مالیدند و فرمودند که این اسم اعظم را محافظت کن. پس به درستی که تو بر خیر و خوبی هستی. پس چون بیدار شدم خود را صحیح و سالم یافتم چنان که می بینی پس خدای تعالی تو را جزای خیر دهد. (1)

34. مهج الدعوات: دعایی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهم می خواندند و این دعا بر ابو جعفر محمد بن عثمان رحمه الله خوانده شد و آن مردی جلیل القدر و از اصحاب ائمه علیهم السلام بود، پس گفت: مثل این دعا در فضل دعایی نیست و گفت که فضل این دعا مثل فضل عبادت است و دعا این است:

خداوندا تویی پروردگار من و من بنده توام، ایمان دارم به تو در حالی که آن را برای تو خالص کردم، ثابتم بر پیمان تو و قائلم به وعده تو به قدر آنچه استطاعت و قدرت دارم، به سوی تو از بدی کردار خودم توبه می کنم و از تو برای گناهانم طلب آمرزش می نمایم که آنها را غیر از تو نمی آمرزد، خواری من پناه

ص: 518

آورنده به عزّت تو و فقر من پناه آورنده به توانگری تو شد و نادانی من پناه آورنده به بردباری تو گردید و کمی چاره من پناه آورنده به توانایی تو گردید و ترس من پناه آورنده به امان دادن تو گردید و درد من پناه آورنده به دواي تو گردید و بیماری من پناه آورنده به شفا دادن تو گردید و هلاک من پناه آورنده به حکم تو گردید و ناتوانی من پناه آورنده به توانایی تو گردید و گناه من پناه آورنده به آمرزش تو گردید و روی کهنه از بین رونده من پناه آورنده شد بر چهره و ذات باقی همیشگی تو که کهنه نمی شود و برطرف نمی گردد.

ای کسی که نمی پوشاند او را شب تاریک و نه آسمان صاحب برجها و نه پرده های صاحب پوشانندگی و نه آب روان شده در اندرون دریای صدادار، ای دفع کننده بلاهای حمله کننده، ای برطرف کننده اندوه ها، ای فرو آورنده برکت ها و خیرها از بالای هفت آسمان ها، از تو می خواهم ای گشاینده درهای رحمت، ای راحت دهنده، ای انعام کننده نفع رساننده، ای کسی که به دست اوست خزینه های هر کلیدی، تو را می خوانم که رحمت فرستی بر محمد و بر آل او که پاکان و پاکیزگانند و برای من از نیکویی دنیا و آخرت دری را بگشایی و از من بلایی را که موکل است به من برطرف نمایی و آن را بر من مسلط مگردان تا آنکه مرا هلاک کند و مرا وامگذار به سوی کسی از خلاق به قدر یک چشم برهمزدن تا آنکه عاجز شود از امر من و مرا از بهشت محروم مساز و بر من رحم نمای و بمیران مرا در حالی که اطاعت کننده باشم و مرا ملحق گردان به جماعت صالحان و باز دار مرا به سبب روزی حلال از مال حرام و به سبب روزی نیکو و پاک از چیز بد و نجس ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

خداوندا دل ها را بر اراده خود آفریدی و خلق کردی عقل ها را بر آنکه تو را بشناسند پس دل ها از ترس تو مضطرب گشتند و دلها به سرگردانی و حیرانی فریاد برآوردند پس گنجایش قدر عقل ها از ستایش کردن تو کوتاه است و سخنان از وصف نمودن مقدار نیکویی های تو بریده و نارساست و زبان ها از شمردن نعمت های تو عاجز است پس هر گاه که آن ها به راههای گفتگو و تفحص نمودن از وصف تو درآیند، بر آنها حیرانی ناتوانی از رسیدن به تعریف تو غالب می شود، پس این

دل ها تردّ می نمایند در کوتاهی از گذشت از آنچه تعیین نمودی برای آنها چون که جایز نیست برای آنها که تجاوز نمایند از آنچه که به آن ها فرمودی، و آن ها در کمال قدرتند بر آنچه آنها را قادر ساختی، ستایش می کنند تو را به آنچه خبر رسانیدی به آنها و زبانها گویایند به آنچه بر آنها القا نمودی و از برای توست بر هر کسی که بنده خود گردانیدی از آفریدگان خود که از ستایش تو خسته نگردند و هر چند کوتاه است ستایشها از شکر گزاردن آنچه عطا نمودی به ایشان از نعمتهای خود.

پس ستایش کنندگان تو را به قدر طاقت سعی خود ستایش می کنند و تقصیرکاران به امید گذشت تو چنگ زدند و بیمناکان از پروردگاری تو به لرزه در آمدند و طلب کنندگان خواهش به سوی تو را اراده نمودند و نیکوکاران به سوی زیادتى بخشش تو متوسّل گشتند و هر کسی به سایه گذشت تو امی دارد و به سبب خواری از ترس تو ضعیف می شود و به کوتاهی در شکرگزاری تو اقرار می نماید پس روی گرداندن از اطاعت تو و روی آوردن به معصیت تو را بازداشت از آن که نعمت های خود را بر بندگان تمام نمایی و برای ایشان بخشش های خود را کامل سازی و از ایشان عقوبت های خود را برگردانی و ایشان را از بدی عاقبت های پشیمانی ها ترسانیدی و برای کسی که نیکویی نمود زیاده گردانیدی و بر نیکوکاران شکرگزاری نیکویی را لازم ساختی و بر بدکردار شکر نمودن بر مهربانی خود به بخشش کردن لازم کردی و نیکوکاران آنها را به زیادی در احسان خود وعده دادی.

پس تو را تسبیح می کنم که ثواب می دهی بر آنچه ابتدای آن از جانب توست و بازگشت آن به سوی توست و قوّت بر آن به سبب توست و نیکویی نمودن در آن از جانب توست و اعتماد کردن در تهیه اسباب آن بر توست.

پس برای توست ستایش، ستایش کسی که داند جمیع حمد برای توست و ابتداء حمد و منشأ آن از توست و بازگشت آن به سوی توست، ستایشی که از رسیدن به خشنودی تو کوتاهی نکند، سپاس کسی که تو را به حمد خود اراده نموده باشد و به سبب آن مستحق نعمت های فراوان است و کمک های تایید کننده برای توست و رحمتی که آفریدگان محبوب خود را بدان مخصوص ساختی و رحمت فرست بر محمّد و بر آل او و مخصوص گردان ما را به رحمت خود و لطف تایید

ص: 520

کنده خود که شایسته ترین آنها برای درگذشتن و محفوظ ترین آنها از تباهی و رها یافته ترین آنها از هلاکت ها و راه یابنده ترین آنها به هدایت و در امان ترین آنها از آفت ها و نگاه داشته ترین آنها از تباهی ها و بسیار ترین آنها از نیکی ها و فرو ریزاننده ترین آنها از برکات و بیشترین آنها در بهره و فراوان ترین آنها در نعمت ها و پوشاننده ترین آنها در عیب ها و آمرزنده ترین آنها در گناهان است به راستی که تو نزدیک اجابت کننده ای.

پس درود فرست بر آفریدگان پسندیده و برگزیده خود از مخلوقات خود و امین تو بر وحی تو به زیاده ترین رحمت ها و برکت فرست بر او به بهترین برکت ها به سبب پیغام هایی که از جانب تو رسانید و فرمان تو را بیان کرد و بندگان را به سوی تو خواند و ظاهر نمود دلیل هایی بر تو به آن حق آشکار تا آنکه مرگ او فرارسید و رحمت فرستد خدا بر او در جمله پیشینیان و رحمت فرستد خدا بر او در پسینیان و بر آل او و اهل خانه او که پاکانند و جانشین او قرار ده در میان بندگان به نیکوتر آنچه به دنبال آوردی به آن کسی را از پیغمبران تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

خداوندا برای توسل اراده هایی که برای رساندن آنها به هدفشان مخالفت نمی شوی، مخالفت نشد از آن رو که توانایی برگرداندن آنها از هدف هاشان را نداشتند. پس هر اراده ای که آن را برای عفو خود و سببی برای رسانیدن احسان خود و نازل ساختن نیکویی خود قرار دادی پس رحمت فرست بر محمد و بر اهل خانه محمد و خداوندا آن اراده را به همیشه بودن پیوسته دار و آن را به تمام بودن ابتدا نمای به درستی که تو گشاده بخششی و تو بخشنده انعامی و اجابت کننده ندایی و شنونده دعایی. (1)

35. مهج الدعوات: به سندهای خود روایت کردیم تا ابی الفضل شیبانی از جلد سوم کتاب امالی او، به سندهای او که رساند آن را به مولای ما حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام که از مادر خود حضرت فاطمه دختر

ص: 521

رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِمَا وَاٰلِهِمَا سَلَامٌ روایت نمودند و همچنین ما این دعا را به سندهای صحیح یافتیم که حضرت رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاٰلِهِمَا سَلَامٌ حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهَا السَّلَام فرمودند: ای دختر من آیا می خواهی که بیاموزم تو را دعایی که آن را احدی نمی خواند مگر آنکه حاجت او برآورده شود و به برکت این دعا هیچ سحری و نه زهری در تو تاثیر نکند و بر تو هیچ دشمنی شماتت ننماید و شیطان متعرّض تو نگردد و خدای تعالی روی توّجه خود را از تو باز ندارد و از تو رحمت خود را برطرف نکند و دعای ترا برنگرداند و همه حاجت های تو را برآورد. پس حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام فرمودند: ای پدر از این روا این دعا در نزد من دوست تر است از دنیا و آنچه در اوست. پس فرمودند: می گویی:

ای عزیزترین کسی که یاد آورده شد و ای قدیمی ترین در عزّت و بزرگواری، ای رحم کننده هر طلب رحم کننده ای و ای پناه هر ستم رسیده به سوی او، ای رحم کننده هر اندوهناکی که شکوه نماید غم و اندوه خود را به سوی او، ای بهترین کسی که احسان او طلب شد و در بخشش کردن سریع ترین است ای کسی که فرشتگان برافروخته به نور او می ترسند، از تو می خواهم به حقّ آن نام هایی که حاملان عرش تو را به آن نام ها خواندند و کسی که دور عرش توست به برکت نور تو که تسبیح می کنند از روی ترس از ترس عذاب تو و به حقّ آن نام هایی که می خوانند تو را به آن نام ها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل که کاری نکنی مگر آنکه حاجت مرا برآوری و ای خداوند من اندوه مرا بزدای و گناهان مرا بپوشانی و آنها را بیامیزی.

ای کسی که امر نمودی به فریاد زدن در میان آفریدگان خود پس ناگاه ایشان در صحرای قیامت محشور می شوند و به حقّ آن نامی که زنده می کنی به سبب آن استخوان ها را و حال آنکه آنها پوشیدند، دل مرا زنده گردان و سینه مرا بگشای برای فهمیدن چیزها و حال مرا نیکو گردان، ای کسی که نفس خود را به باقی بودن مخصوص ساخت و برای مخلوقات خود مرگ و زندگی و نیستی، تعیین نمود، ای کسی که کردار او گفتار اوست و گفتار او فرمان اوست و فرمان او جاری است بر آنچه می خواهد.

از تو می خواهم به آن نامی که تو را خواند به آن نام دوست تو ابراهیم هنگامی که انداخته شد در آتش پس تو را خواند به آن نام پس دعای او را برآوردی و فرمودی «ای آتش باش تو سرد و سلامت بر ابراهیم» و به حق آن نامی که تو را خواند به آن نام موسی از جانب کوه طور مبارک پس دعای او را برآوردی و به نامی که آفریدی به برکت آن عیسی را از روح پاکیزه و به آن اسم که قبول توبه نمودی به برکت آن برای داود و به این نام که به برکت آن به زکریا یحیی را بخشیدی و به این نام که به برکت آن از ایوب آزار را و بلاها را زدودی و به برکت آن برای سلیمان باد را مسخر گردانیدی که جاری شود به فرمان او و جیان و به او زبان مرغان را فهمانیدی و به حق آن نام که به برکت آن عرش را آفریدی، و به حق آن نام که به آن کرسی را آفریدی و به آن نام که به آن فرشتگان لطیف را آفریدی و به آن نام که به برکت آن جیان و آدمیان را آفریدی و به آن نام که به برکت آن همه آفریدگان را آفریدی و به آن نام که به برکت این نام همه آنچه خواستی از هر چیزی آفریدی و به آن نام که توانا هستی به آن بر هر چیز از تو می خواهم به حق این نام ها که خواسته ام را به من عطا کنی و حاجاتم را بر آوری ای کریم.

پس همانا ای فاطمه به تو گفته می شود، بلی بلی. (1)

36. مهج الدعوات: دعای دیگر است از مولایمان فاطمه زهرا صلوات الله علیها:

«خداوندا مرا به آنچه به من روزی کردی راضی گردان و گناهان مرا بپوشان و مرا به سلامت بدار همیشه مادام که مرا باقی می داری و مرا بیامرزد و رحم کن بر من هر گاه مرا بمیرانی خداوندا مرا عاجز مگردان در خواستن آنچه آن را برای من تقدیر نکردی و آنچه را که بر من تقدیر نمودی برای من آسان بگردان. خداوندا پدر و مادر مرا و هر کسی را که نعمت های او بر من باشد بهترین جزای خیر ده. خداوندا مرا برای آنچه آفریدی خالص گردان و مرا به تحصیل آنچه برای من ضامن گشتی مشغول مگردان، مرا عذاب مکن و حال آنکه من از تو طلب آمرزش می کنم و مرا

ص: 523

ناامید مگردان در حالی که از تو می‌خواهم خداوندا خوار گردان نفس مرا و بزرگ گردان شأن مرا و بینداز در دل من رغبت به سوی فرمانبرداری تو و به جا آوردن آنچه تو را خشنود گرداند و دوری نمودن از آنچه تو را به خشم آورد ای رحم کننده ترین رحم کنندگان».(1)

37. مهج الدعوات: مروی است حضرت زهرا علیها السلام روزی به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند. پس آن حضرت فرمودند: آیا می‌خواهی توشه ای به تو دهم؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: بلی. فرمودند: بخوان:

خداوندا پروردگار ما و پروردگار هر چیزی، ای فرود آورنده تورات و انجیل و قرآن ای شکافنده دانه و هسته، پناه می‌برم به تو از شرّ هر حرکت کننده ای که تو گرفتی اختیار او را، تویی پیش از همه چیز پس نیست پیش از تو چیزی و تویی بعد از همه چیز پس نیست پس از تو چیزی و تویی آشکار پس نیست بالای تو چیزی و تویی دانا به امور پنهان پس نیست غیر از تو چیزی رحمت فرست بر محمد و بر اهل خانه او که بر او و بر ایشان باد سلام و قرض مرا ادا کن و مرا از درویشی بی‌نیاز گردان و برای من هر کاری را آسان گردان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.(2)

38. العتیق الغروی: دعا: خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کارهایی که دوست داری را بر من آسان گردان و کارهایی که انجام دهنده آن‌ها را دوست داری و مرا بر آن یاری کن و کارهایی که ناپسند داری و انجام دهنده آنان را دوست نداری از من دوری کن و مرا بر ترک آن یاری کن.

خدایا مرا از نزدیک ترین و آسان ترین دعاها به خودت برسان خدایا مرا بدون انقطاع و ضرورت به خودت برسان و مرا به نیکی ادب کن بدون عذاب و ثواب فراوان بدون مصیبت به من عطا کن و گزینش مرا نیک گردان بدون ناگواری، خدایا کارهای آسان را برای من انتخاب کن نه سخت آن را، آنچه را دوست داری به من عطا کن و خدایا مرا به خیر روی ده و مرا بدان آسان گردان و مرا بر آن یاری

ص: 524

2- . مهج الدعوات: 176

فرما و و مرا از اهل آن قرار ده و و در آنچه به تو روی کردم حسن ادب را به من عطا کن.

خدایا مرا سپاسگزار و یاد آور و ستایشگر خود قرار ده و و مرا به اطاعت خویش وادار و به قضای خود راضی گردان و از خشم خود دور بدار ای مهربان ترین مهربانان.

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا از تو می خواهم به آمدن شب و پشت کردن روز و و حضور در نماز تو و صداهای دعای تو که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و ما را در شفاعت محمد درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش او محشور گردان.

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایا درود فرست بر علی امیر موان و بر فرزندش حسن با تقوا و حسین شهید و علی بن حسین زینت عابدان و محمد بن علی شکافنده علم پیامبران و جعفر بن محمد راستگوی امانت دار و موسی بن جعفر فرو برنده خشم و علی بن موسی خشنود و محمد بن علی پاک و علی بن محمد عسکری و حسن بن علی عسکری و حجت قائم جانشین هدایت شده درود خدا بر همگی آنان.

39. مهج الدعوات: رجاء بن یحیی ابو الحسین عبرتائی خبر داد: من این دعا را در خانه سید ما حضرت ابی محمد امام حسن عسکری بن امام علی نقی علیهما السلام نوشتم و این دعای حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام است در وقتی که به نزد معاویه آمدند:

«به نام خدای بخشنده مهربان ابتدا می کنم به نام خدای بزرگ که بزرگ تر است، خداوندا تو را تسبیح می کنم ای پاینده تسبیح کردنی برای کسی که نمی میرد، از تو می خواهم همچنان که از دانیال دهان های شیران را نگاهداشتی و در حالی که در چاه بودند پس راهی به سوی او نیافتند مگر به اذن تو، از تو می خواهم که امر این مرد را از من نگاهداری و هر دشمنی از من در مشرق های زمین و مغرب های زمین از جَنّیان و آدمیان بگیر گوش های ایشان را و شنوایی آنها را و چشم های ایشان را و دل های ایشان را و اعضای ایشان را و مرا از مکر ایشان به قدرتی و

توانایی از جانب تو نگاه دار و مرا از شرّ ایشان و از شرّ هر جبر و ستم کننده یاغی و از شرّ هر شیطان سرکشی که ایمان نداشته باشد به روز جزا پناه ده.

به درستی که صاحب من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و او جماعت صالحان را دوست می دارد پس اگر کافران اعراض کنند، بگو ای محمد که مرا خدا کافی است خدایی مگر او نیست بر او اعتماد نمودم و اوست پروردگار عرش بزرگ.

به تحقیق که من این دعا را در کتاب اغاثه الدّاعی و اعانه السّاعی ذکر نمودم و چون این کتاب سزاوارتر به ذکر این دعا است لهذا آن را ایراد نمودم از برای کسی که دانا و شنوا باشد. (1)

40. مهج الدعوات: دعایی است از مولای ما حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام: ای کسی که گریختگان به سوی او می گریزند و وحشت کنندگان به او انس می یابند رحمت فرست به محمّد و آل محمّد و انس مرا به خودت قرار ده پس به تحقیق که بر من سرزمین تو تنگ شد و اعتماد مرا به خود قرار ده پس به تحقیق که بر ضرر من دشمنان تو میل کردند، خداوندا رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و چنان کن که به قوّت تو بر دشمنان حمله آور شوم و به سبب تو حرکت کنم و بر تو اعتماد نمایم و به سوی تو بازگشت کنم، خداوندا و آنچه تعریف کردم تو رابه آن یا آنکه تو را به آن خواندم از دعایی که یا خواهش تو و یا خوشنودی تو و یا رضامندی تو موافق باشد، پس مرا بر آن زنده دار و بر آن بمیران و آنچه تو را ناخوش آید پس موی پیشانی مرا بگیر و به سوی آنچه دوست داری و از آن خوشنودی بگردان. ای پروردگار من از گناهان خود توبه می کنم و از تو برای تقصیر خود طلب آمرزش می نمایم و نیست حرکتی و نه توانایی مگر به خدا، نیست خدایی مگر او که بردبار و بخشنده است و رحمت فرستد خدا بر محمّد و آل او و ما را کارگزاری نمای به آنچه آن را در دنیا و در آخرت خواستیم در حالی که از بلاها و ضررها سلامت باشیم ای پروردگار عالمیان. (2)

ص: 526

1- . مهج الدعوات: 177

2- . مهج الدعوات: 178

41. مهج الدعوات: این را بدان، دعایی که مذکور می شود دعای بزرگی از اسرار دعاهاست و برای این دعا شش روایت مختلف یافتیم که از آنها در این کتاب دو روایت را ذکر کردم یکی از آن شش روایت در تعقیب صبح وارد شده و یکی در دعا‌های غروب وارد شد و این هر دو روایت در کتاب عمل شبانه روز از کتاب المهمات ذکر شد و یکی در تعقیب نماز عصر در روز جمعه وارد شد که در جلد چهارم کتاب المهمات ذکر شد و یکی در آخر کتاب اغاثه الدّاعی و اعانه السّاعی مذکور شد و من در این کتاب روایت پنجم و ششم را ذکر می کنم تا آنکه بزرگی قدر و مرتبه این دعا بر خداشناسان و صاحبان عقل ظاهر شود.

روایت عرضه شده از دعای عشرات:

ما به سندهای خود از سعد بن عبد الله روایت کردیم که گفت: به ما احمد بن محمد از حسن بن علی بن فضال از حسین بن جهم از شخصی حدیث نمود که به او از حسن بن محبوب یا غیر او از معاویه ابن وهب از حضرت صادق علیه السلام روایت نمود که فرمودند: همانا نزد ما امامان چیزی هست که آن را پنهان می کنیم و آن را به غیر تعلیم نمی کنیم. گواهی می دهم به آنکه پدر من از پدر خود حدیث نمود و او از جدّ خود روایت نمود که حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام به من فرمودند: ای فرزند من به درستی که ناچار است از آنکه تقدیرات خدای تعالی و حکم های او بر وفق آنچه خواست، جاری شود و حکم نمود و زود باشد که خدای تعالی قضا و قدر و حکم خود را در باره تو جاری نماید، پس با من عهد کن که پنهان نمایی و اظهار نکنی کلامی را که آن را به تو می گویم تا آنکه من بمیرم و بعد از فوت من نیز تا دوازده ماه.

و تو را به چیزی خبر می دهم که اصل آن از جانب خدای تعالی است. هر گاه که تو این کلام را در هر صبح و شام بگویی پس به نوشتن ثواب آن هزار هزار فرشته نویسنده زودنویس مشغول می شوند و خدای تعالی هزار هزار فرشته را موکل می کند که برای تو استغفار کنند که به هر فرشته ای قوّت هزار هزار سخنگوی سریع الکلام داده می شود و برای تو در دار السلام هزار خانه در صد کوشک بنا می شود [که تو در آنها همسایه اهل آنها باشی و برای تو در بهشت فردوس هزار خانه در

صد قصر بنا کرده می شود] که برای تو در همسایگی جدّ تو باشد و از برای تو در جنّات عدن هزار هزار شهر بنا می شود و با تو در قبر نوشته ای محشور می شود که در آن این نوشته باشد که اینک در این هنگام بر تو برای بیم و ترس راهی نیست. برای تو تشویشی و اضطرابی در وقت گذشتن از پل صراط نخواهد بود و برای تو عذاب جهنم نخواهد بود.

و تو این دعا را بر حاجتی نمی خوانی که دوست داشته باشی که آن حاجت در آن روز برآورده شود، پس شام نگردد مگر آنکه آن حاجت برآورده شود و آن حاجت هر چیز باشد و هر قدر که باشد و آن حاجت در هر جایی که باشد و تو نمی میری مگر شهید در راه خدا و در زمان حیات خود در کمال نیکبختی زندگانی خواهی نمود که به تو هرگز درویشی و نه دیوانگی و نه گرفتاری نرسد.

و برای تو در هر روزی به عدد هر نفس از جنّ و انس هزار هزار حسنه نوشته می شود و از تو هزار هزار سیئه محو می شود و برای تو در بهشت هزار هزار مرتبه بالا برده می شود و برای تو عرش و کرسی طلب آمرزش می نمایند تا آنکه در نزد خدای تعالی بایستی و از خدا برای کسی حاجتی را طلب نمی کنی مگر آنکه آن حاجت برآورده شود و از خدای تعالی حاجتی را برای خود و از برای غیر خود تا به آخر زمانه در دنیا و در آخرت طلب نمی کنی مگر آنکه آن حاجت برآورده شود. پس با من عهد کن همچنان که برای تو ذکر نمودم.

پس حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند: ای پدر بزرگوار با من به هر چیز که خواهید، شرط و عهد کن. حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمودند: از تو بر این عهد می گیرم که این سرّ مرا پنهان کنی. پس هر گاه که تو را وفات برسد، پس این دعا را به کسی تعلیم مکن مگر به اهل بیت خود یا شیعیان یا بزرگان و دوستان ما. پس به درستی که اگر چنانچه به غیر این جماعت تعلیم نمایی هر آینه از خدای تعالی حاجت های خود را در هر باب می طلبند و خدای تعالی مراد ایشان را روا می کند. پس من می خواهم که خدای تعالی بر شماها اهل بیت نعمت خود را تمام کند به سبب آنچه به من تعلیم نمود و من آن را به شماها تعلیم کردم تا آنکه شما ها در روز قیامت محشور شوید در حالی که بر شما ترسی نباشد و اندوهناک نباشید. پس

حضرت امام حسین علیه السّلام شرط و عهد نمودند بر آنچه مذکور شد. پس فرمودند: هر گاه امری را اراده داشته باشی پس این دعا را بخوان که آن ان شاء الله تعالی برآورده می شود و بگو:

خدا را تنزیه می کنم و همه ستایش برای خداست و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست نیرو و توانی مگر به خدا، تسبیح می کنم خدا را در ساعت های شب و در طرف های روز تسبیح می کنم خدا را در بامداد و در وقت عصر تسبیح می کنم خدا را در آخر روز و در اوّل روز تسبیح کنید خدا را وقتی که داخل شوید در شام و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش در آسمان ها و زمین و در آخر روز و در وقتی که برسید به میان روز، خدای تعالی زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را پس از مردن زنده می کند و همچنین بیرون آورده می شوید منزه است پروردگار عزّت از آنچه مشرکان تعریف می کنند و تحیّت و درود باد بر فرستادگان خدا و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است و حرکت و قدرتی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ نیست.

منزه است خدای صاحب سلطنت و پادشاهی، منزه است صاحب عزت و عظمت و جبروت، منزه است پادشاه حق پاکیزه، منزه است پادشاه زنده ای که نمی میرد، منزه است پاینده همیشگی، منزه است زنده پاینده، منزه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز، منزه است او و بلند است، بسیار منزه و پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح.

خداوندا به درستی که از جانب تو در نعمت و سلامتی کامل قرار گرفتم پس با رهایی از آتش، نعمت و سلامتی از جانب خود را برای من کامل کن و به من شکرگزاری خود و سلامتی از جانب تو همیشه هر قدر که مرا زنده گذاری روزی گردان ، خداوندا به سبب روشنی راهنمایی تو راه یافته ام و به نعمت تو داخل در صبح و شام گردیدم به صبح آوردم در حالی که تو را گواه می گیرم و کافی هستی برای گواهی و گواه می گیرم فرشتگان تو را و حاملان عرش تو را و پیغمبران تو را و فرستادگان تو را و همه آفریدگان تو را و آسمانهای تو را و زمین تو را به آنکه تویی

خدا که نیست خدایی مگر تو یکتا و تنهایی، نیست شریکی برای تو و آنکه محمد که رحمت های تو باد بر او و بر آل او بنده توسست و فرستاده توسست و تو برهر چیز توانایی زنده می کنی و می میرانی و می میرانی و زنده می کنی.

و گواهی می دهم وعده بهشت راست است و آتش جهنم حق است و آنکه قیامت می آید شکی در آن نیست و اینکه خدا کسانی را که باشند در قبرها برمی انگیزاند و زنده می کند.

و گواهی می دهم به آنکه علی پسر ابو طالب علیه السلام و حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و آن پیشوای قائم که فرزند حسن پسر علی است همه امامان راهنما هستند و راه یافته شدگانند نه گمراهند و نه گمراه کنندگان و ایشان دوستان تو و برگزیدگان و گروه غلبه کننده تو هستند و منتخب تو و برگزیده تو هستند از آفریدگان تو و منتخبان تو هستند که ایشان را برای دوستی خود انتخاب کردی و ایشان را از میان آفریدگان خود مخصوص ساختی و ایشان را بر بندگان خود برگزیدی و ایشان را دلیل بر آفریدگان خود گردانیدی رحمت های تو باد بر ایشان و تحیت تو باد بر ایشان.

خداوندا برای من این گواهی را نزد خود بنویس تا آنکه بفهمانی به من آن گواهی را در روز قیامت و از من خشنود باشی روز قیامت و از من خشنود باشی به درستی که تو بر همه چیز توانایی.

خداوندا برای توسست ستایش ستایشی که از بسیاری آن آسمان دو جانب خود را برای تو بگذارد و برای تو زمین و کسی که باشد بر روی آن تسبیح گوید و از برای توسست ستایشی که بالا رود و تمام نشود و ستایشی که زیاده گردد و زائل نشود و همیشگی باشد انتهای برای آن نباشد و هرگز برطرف نشود ستایشی که بالا رود اول آن و برطرف نگردد آخر آن و از برای توسست ستایش بر نعمت من و با وجود من و در شأن من و پیش از من و بعد از من و پیش روی من و نزد من و هر گاه بمیرم و نابود شوم و باقی باشی ای مولای من پس حمد برای توسست هر گاه که از هم پاشیده شوم و برانگیخته گردم و از برای توسست ستایش و شکرگزاری به همه

ستایش های تو، بر همه نعمت های تو، و از برای توست ستایش بر هر رگی که حرکت نکند و بر هر خوردنی و آشامیدنی و حمله کردنی و هر حرکتی و خوابی و بیداری و نگاه کردنی و چشم بر هم گذاشتنی و نفس کشیدنی و بر هر جای مویی.

خداوندا از برای توست ستایش همه آن و برای توست پادشاهی همه آن و به دست قدرت توست نیکویی همه آن و به سوی تو برمی گردد امر همه آن، ظاهر آن و پنهان آن و تویی آنکه به نهایت خوبی رسید حال همه آن.

خداوندا برای توست ستایش بر بردباری تو بعد از دانستن آنچه که در من است از گناهان و برای توست ستایش بر گذشت تو از گناهان من بعد از توانایی تو بر عقوبت کردن، خداوندا برای توست ستایش ای برانگیزنده ستایش و برای توست ستایش ای ارث برنده ستایش و خلق کننده ستایش و ایجادکننده حمد و ای وفاکننده به شرط خود و راست آورنده وعده خود، ای آنکه غلبه کننده است سپاه او و همیشه است شرف او.

خداوندا برای تو است ستایش ای برآورنده دعاها، ای بلندکننده مرتبه ها، ای فرود آورنده آیت ها از بالای هفت آسمان، ای بیرون آورنده روشنی از تاریکی ها، ای تغییر دهنده بدی ها به نیکویی ها و گرداننده نیکویی ها به مرتبه ها.

خداوندا برای توست ستایش ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه ای آنکه سخت است عقوبت او ای صاحب بخشش، نیست خدایی مگر تو به سوی توست بازگشت همه چیز.

خداوندا برای توست ستایش در شب هر گاه تاریک شود و از برای توست ستایش در روز هر گاه روشن گردد و از برای توست ستایش در آخرت و دنیا و از برای توست ستایش به شماره هر ستاره ای و فرشته ای که باشند در آسمان ها و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی که فرود آمد از آسمان به سوی زمینی و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی که در دریاها و در چشمه ها و در رودخانه ها و نهرها وارد شود و از برای توست ستایش به شماره درختان و برگها و سنگریزه ها و ریزه های خاک و جئیان و آدمیان و چهارپایان و مرغان و جانوران صحرایی و چهارپایان چرنده و درندگان و جانوران گزنده و از برای تو است

ستایش به شماره آنچه آن را کتاب تو در شماره آورد و آن رادانش تو فرا گرفت ستایش بسیار و همیشه با برکت در آن همیشه.

پس ده مرتبه می گویی: نیست خدایی مگر خدا که یکی است او، نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی و برای اوست ستایش، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و او زنده ای است که نمی میرد به دست قدرت اوست نیکویی و او بر همه چیز تواناست. و - ده مرتبه - طلب آمرزش می کنم از خدا که نیست خدایی مگر او زنده برپاست و بازگشت می نمایم به سوی او. و - ده مرتبه - ای خدا، ای خدا و - ده مرتبه - ای بخشنده، ای بخشنده و - ده مرتبه - ای مهربان، ای مهربان و - ده مرتبه - ای آفریننده آسمان ها و زمین، ای صاحب بزرگی و بخشش، و - ده مرتبه - ای مهربان، ای بخشنده و - ده مرتبه - ای زنده، ای پاینده و - ده مرتبه - ای کسی که نیست خدایی مگر تو و - ده مرتبه - خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و - ده مرتبه - به نام خدای بخشنده مهربان و - ده مرتبه - مستجاب کن، مستجاب گردان دعای مرا، پس بگوید: در حق من چنین و چنان کن.... و این دعا را تو هر روز بعد از صبح یک مرتبه و بعد از عصر یک مرتبه می خوانی و از خدای تعالی طلب کن و دعا کن آنچه را که خواهی. (1)

و از این جمله روایت دیگر است که آن را بعد از دعای عشرات ذکر می کنم که سندهای آن را یافتم غیر از آنچه سابقا در فضیلت مذکور شد، و مطلب ذکر دعا به روایتی دیگر است از جهت آنکه با سابق در پاره ای از فقرات مخالفت داشت. و این نیز از حضرت امام حسین بن علی بن علیهما السلام مروی است و دانستیم که این دعا از جانب خدای تعالی است و ترجیح دارد این روایت بر آنچه سابقا مذکور شد. (2)

«به نام خدای بخشنده مهربان منزله است خدا و ستایش برای خداست و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگ تر است و نیست قدرت و توانایی مگر به خدا»

ص: 532

1- . مهج الدعوات: 184-180
2- . محدث قمی آن را در مفاتیح الجنان صفحه 67 ذکر کردند و از مصباح شیخ قدس سره نقل کردند. اگر خواستی مراجعه کن.

بلند مرتبه بزرگ، منزّه است خدا در بامداد و وقت عصر، منزّه است خدا را ساعت های شب و لحظات روز، منزّه است خدا وقتی که داخل شوید در شام و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش در آسمانها و زمین و در آخر روز و در وقتی که برسید به میان روز خدا زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد و زمین را پس از مردن زنده می کند و همچنین بیرون آورده می شوید، منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت از آنچه مشرکان او را تعریف می کنند و تحیّت و درود باد بر فرستادگان خدا و همه ستایش برای خدای پروردگار عالمیان است منزّه است پروردگار تو پروردگار عرش بزرگ.

منزّه است صاحب سلطنت و پادشاهی، منزّه است صاحب غلبه و بزرگی و جبروت منزّه است پادشاه زنده پاکیزه، منزّه است همیشه پاینده، منزّه است ثابت همیشه، منزّه است زنده پایدار، منزّه است پروردگار من که بالاتر است از همه چیز منزّه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز، منزّه است و بلند است، منزّه است خدای بسیار پاک و پاکیزه که پرورنده فرشتگان و روح است.

خداوندا به درستی که من از جانب تو در نعمت و سلامتی قرار گرفتم، پس رحمت فرست بر محمّد و بر آل محمّد و بر من نعمت و سلامتی از جانب خود را تمام کن و به من شکرگزاری خود را روزی گردان.

خداوندا به سبب روشنی راهنمایی تو راه یافتم و به زیادی بخشش تو توانگر شدم و به نعمت تو داخل در صبح و شام گردیدم، گناهان من در نزد توست طلب آمرزش می کنم و به سوی تو بازگشت می کنم، منع کننده ای برای آنچه بخشش نمایی نیست و نیست بخشش کننده ای برای آنچه عطا نکنی، تویی توانگر، توانگری تو صاحب بهره را سود نبخشد، نیست قدرت و توانایی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ.

خداوندا به درستی که من تو و فرشتگان تو و بردارنده های عرش تو را و همه آفریدگان تو را که در آسمان های تو و زمین تو هستند گواه می گیرم به آنکه تویی خدا که نیست خدائی مگر تو در حالی که تنهایی نیست شریکی برای تو و آنکه محمد بنده توست و فرستاده توست رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او،

خداوندا بنویس برای من این گواهی را در نزد خود تا آن گواهی را در روز قیامت به من بفهمانی و حال آنکه به سبب آن گواهی از من خشنود باشی، به درستی که تو بر همه چیز توانایی.

خداوندا برای توست ستایش، ستایشی که آسمان ها دو جانب خود را برای آن بگذارند و برای تو زمین و کسی که باشد بر روی آن تسبیح گوید، خداوندا برای توست ستایشی که ابتدای آن بالا رود و آخر آن منتهی نشود، ستایشی که زیاد گردد و از بین نرود، دائمی و همیشه باشد، نباشد انتهای و بریدنی برای آن و نه از بین رفتنی، ستایشی که بالا رود و تمام نشود، خداوندا برای توست ستایش در شأن من و بر نعمت من و با وجود من و پیش از من و پیش روی من و عقب سر من و پی سر من، و هر گاه بمیرم و نابود شوم ای صاحب من و از برای توست ستایش به همه اقسام ستایشها، بر همه نعمتهای تو، و از برای توست ستایش در هر رگی که نجند و بر هر رگی که حرکت نماید، و از برای توست ستایش بر هر خوردنی و آشامیدنی و حمله و گشودنی و بر هر جای مویی.

خداوندا برای توست همه ستایش آن، و برای توست همه بخشش آن و برای توست همه آفرینش آن، و برای توست همه پادشاهی آن، و برای توست همه فرمان آن، و به دست قدرت توست همه نیکویی آن، و به سوی تو بر می گردد همه امر آن، ظاهر آن و باطن آن و تویی انتهای تمامی آن.

خداوندا برای توست ستایش بر بردباری تو بعد از دانستن گناهان و بدی هایی که در من است و از برای توست ستایش بر گذشت تو از گناهان من بعد از توانایی بر عقوبت کردن من، خداوندا برای توست ستایش، ای صاحب ستایش و ارث برنده ستایش و ای صاحب ستایش و ارث برنده پادشاهی، ای آفریننده ستایش و خلق کننده ستایش ای وفا کننده به عهد خود و راست گوی در وعده خود، ای آنکه غالب است سپاه او و همیشه است شرف او.

خداوندا برای توست ستایش، ای بلندکننده مرتبه ها، ای برآورنده حاجتها، ای فرود آورنده آیتها از بالای هفت آسمان، ای بیرون آورنده روشنی از تاریکی ها، ای تغییر دهنده بدیها به نیکویی ها و گرداننده نیکویی ها به مرتبه ها.

خداوندا برای توست ستایش ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه، ای آنکه سخت است عقوبت او، ای صاحب احسان نیست خدایی مگر تو به سوی توست بازگشت همه چیز، خداوندا برای توست ستایش در شب هر گاه که تاریک شود و در روز هر گاه روشن گردد و از برای توست ستایش در آخرت و دنیا و برای توست ستایش به شماره هر ستاره ای که در آسمان است و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که در آسمان است و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که فرود آمد از آسمان و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که بارید در دریا و برای توست ستایش به شماره درختان و برگان و خاک و کلوخ و سنگریزه و جئیان و آدمیان و مرغان و چهارپایان و درندگان و چراکنندگان و جانوران گزنده و برای توست ستایش به شماره آنچه بر روی زمین است و آنچه در زیر زمین است و آنچه در میان هواست و آنچه در آسمان است و از برای توست ستایش به شماره آنچه آن را کتاب تو شمرد و آن را دانش تو فراگرفت، ستایش بسیار نیکویی که برکت در آن همیشه باشد.

سپس ده بار می گویی: گواهی می دهم که نیست خدایی مگر خدا یکی است شریکی برای او نیست، برای اوست پادشاهی و از برای اوست ستایش زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند و اوست زنده ای که نمی میرد به دست قدرت اوست نیکویی و او بر همه چیز تواناست. - ده مرتبه- طلب آمرزش می کنم از خدا که نیست خدائی مگر او زنده به خود برپاست و بازگشت می نمایم به سوی او. - ده مرتبه- ای خدا، ای خدا - ده مرتبه- ای بخشنده، ای بخشنده - ده مرتبه- ای رحم کننده، ای رحم کننده - ده مرتبه- ای مهربان، ای مهربان - ده مرتبه- ای بخشنده، ای بخشنده - ده مرتبه- ای زنده، ای پاینده- ده مرتبه- ای خلق کننده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگی و احسان، - ده مرتبه- به نام خدای بخشنده مهربان - ده مرتبه- ای آنکه نیست خدایی مگر تو، - ده مرتبه- رحمت فرست خدایا بر محمد و بر آل محمد - ده مرتبه- مستجاب کن دعای مرا، مستجاب کن دعای مرا، بعد از آن حاجت های دنیوی و اخروی خود را از خداوند متعال می طلبی ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد.

العتیق الغروی: حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهم اجمعین فرمودند: مولای ما امیر مؤمنان صلوات الله علیه فرمودند: ای فرزندم! چاره ای نیست که تقدیرهای خداوند و احکام او بر طبق آن چیزی است که دوست دارد و حدیث را مثل آنچه که گذشت فرمودند تا اینجا که «ای فرزندم به من قول بده که آن را جز به اهل بیت و شیعیان و دوستان خود نگویی و اگر چنین نکنی و آن را به هر کسی بیاموزی در هر کاری حاجات خود را از پروردگارشان طلب می کنند و خداوند عز و جل آن را برای آنها حکم می کند به راستی که من دوست دارم که خداوند کامل گرداند آنچه را شما بر آن محشور می شوید و هیچ نگرانی بر شما نیست و اندوهگین نشوید و آن دعا را نخوانی مگر وقتی که طهارت داشته باشی و رو به قبله قرار گیری سپس دعا را مثل روایت دوم ذکر کردند.

42. العتیق الغروی: دعا و استغفار:

خدایا من به فضل تو امید دارم و هیچ امیدی به کردار خویش ندارم و از ظلم تو نمی ترسم بلکه از جرمی که بر خویش مرتکب شده ام بیم دارم، خداوندا امید از جانب توست و هراس از جانب من است، خدایا احسان تو بر کوچکی توان من غلبه نمی کند، خدایا تو به من علم را عطا کردی که به واسطه آن به بسیاری از منافع و نیازهایم دست یافته ام پس با یاری و توفیق خود آن چه از کردار و توانم که اندک است تکمیل فرما.

خدایا من از تو بصیرت نیک و اراده محکم را خواهانم و از تو تسلط بر خویش و بصیرت در کارم و شفا از بیماری های جسمی و قلبی را مسألت دارم. خدایا مرا به خودم وا مگذار؛ زیرا من از آن عاجزم و مرا با نگاهداری و توفیق از جانب خود یاری فرما. خدایا من از کنترل خویش ناتوانم پس چگونه بدون یاری تو بر عیب هایم توانا گردم؟ خدایا در تمامی کارم بر من لطف فرما و مرا به توان خویش مسپار و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کن.

خدایا من خیر را خواهانم و انجام آن بر من دشوار است، مرا برآن یاری فرما و توفیق ده، و از پراکندگی کراهت دارم و هوای نفس مرا به سمت آن می کشاند، پس مرا از آن نگاهدار، خدایا تو به من خیری را عطا کردی که صلاح من در

آن است در حالی که از تو نخواستم و استحقاق آن را نیز نداشتم، عدم لیاقت من در آن چه از تو می خواهم سبب نشد تا آن را از من بازداری همانطور که شایستگی من تو را از آغاز کردن به نیکی باز نداشت.

خدایا مخلوق به مخلوق امید می بندد و او در حد آن چه در اختیار دارد او را به امیدش می رساند و من به تو امید بستم و تو آفریننده ای پس مرا به آرزویم در دنیا و آخرت برسان به راستی که تو مالک آن دو سرا هستی. خدایا مخلوق از مخلوق درخواست می کند و او با آن که قدرتش اندک است، بخشش می کند و من از تو چیزی را خواستم که از توان تو نمی کاهد، پس آن را بر من ببخشای. خدایا مخلوق از آن چه مخلوقی مثل خود را ضرر رساند، چشم می پوشد، پس بگذر از آن چه تو را ضرر نمی رساند.

خدایا بنده، برده اش را آزاد می کند و تو مولا و من بنده توام. پس مرا از آتش جهنم برهان، خدایا به راستی که کریم با نیکی اش به سوی او متوسل می شود و بدین سبب به سمت او روی کرده می شود و من کریم تر از تو نمی یابم و نیکوتر از تو پیدا نمی کنم و من به نیکی های پی در پی و نعمت های پیوستهات بر تو توسل می جویم. ای گرامی ترین گرامیان، ای که جهانیان از نیکی او عاجزند، نعمتت را شفیع من نزد خودت قرار ده و نیکی ات را وسیله من به سمت خود گردان. خدایا من از تو زندگی پسندیده و حکمت جوشان و عزت بسیار و مرگی بزرگوارانه مسألت میکنم، ای مهربان ترین مهربانان.

43. از نسخه ای کهن از تالیفات یاران گذشته: دعای اخلاص:

به مدد خدا شروع می کنم و با استعانت از خدا کامیاب می گردم. به خدا چنگ می زنم و به خدا اعتماد می کنم و بر او توکل می کنم و او را بندگی می نمایم، تنها از او یاری می جویم و به او پناه می برم با محمد و خاندان او صلی الله علیهم روی می کنم و به واسطه آنان توسل می نمایم و به آنان نزدیکی می جویم، خداوند مرا کافی است، خدایی جز او نیست بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش با عظمت.

به نام خدا ، دانای نهان و آشکار، به نام کسی که در یگانگی اش شکی نیست، به نام کسی که بالاتر از او نیست و تمامی گرایش ها به سمت اوست، به نام آن معلوم غیر مجهول، آشنای بدون توصیف، به نام کسی که رزق اطاعت کنندگان گناهکاران را بر عهده دارد، به نام آن کس که می میراند و زنده می کند، به نام کسی که دنیا و آخرت از آن اوست، به نام آن بلند مرتبه والا و شکوهمند بزرگ، به نام آن ستوده مورد پرستش که زینده آن دو هست در سختی و راحتی، به نام آن یاد شده در دشواری و آسانی، به نام چیره جبار، به نام مهربان بخشنده، به نام آن شکست ناپذیر بدون آنکه ضعیف گردد و دیرینه بدون طلب یاری از دیگران، به نام آن که بود و هست به نام آن که نابود می کند و فنا نمی شود.

به نام خدایی که خدایی جز او نیست، زنده و پایدار است خدایی جز خدای یکتا نیست، خدای یگانه و ما تسلیم اویم خدایی جز خدای یگانه نیست و تنها او را می پرستیم و دین را برای او خالص می گردانیم هرچند مشرکان ناپسند دارند، خدایی جز خدای یگانه نیست، پروردگار ما و پروردگار نخستین ماست. خدایی جز خدای یگانه نیست، یکتاست یکتاست یکتاست، وعده خود را تحقق بخشید و بنده اش را یاری کرد و گروه ها را به تنهایی شکست داد، فرمانروایی از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست.

خدایی جز خدای یگانه نیست پروردگار جهانیان است. خدایی جز خدای والا و بزرگ نیست خدایی جز خدای شکست ناپذیر حکیم نیست. خدایی جز خدای آمرزنده مهربان نیست. خدایی جز خدای مالک روز قیامت نیست. خدایی جز خدای ازلی و ابدی وجو ندارد. خدایی جز خدای آفریننده خیر و شر وجود ندارد. خدایی جز خدای آفرینشگر بهشت و جهنم نیست. خدایی جز خدای یکتای بی نیاز تنها نیست کسی که نزاید و زاییده نشده و هیچ همتایی ندارد.

خدایی جز خدای دانای نهان و آشکار بخشنده مهربان وجود ندارد، خدایی جز خدای فرمانروای پاک سلامتی بخش مؤمن چیره شکست ناپذیر جبار و بزرگ منش وجود ندارد، خداوند از آن چه شرک می ورزند پاک است، خدایی جز خدای

آفرینشگر صورت ده وجود ندارد دارای نام های نیکوست و آن چه در آسمان ها و زمین است او را تسبیح می گویند و اوست شکست ناپذیر حکیم.

خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد و بزرگمنشی پوشش اوست، خدایی جز خدای بردبار کریم وجود ندارد، خدایی جز خدای والا بزرگ نیست، خدایی جز خدای فرمانروای حق و آشکار نیست، خدایی جز خدایی که نور آسمان ها و زمین است وجود ندارد، خدایی جز خدای یگانه یکتا نیست، خدایی جز خدای تنهای فرد وجود ندارد، خدایی جز خدای یگانه در بی نیازی نیست، خدایی جز خدای یکتا در یگانگی وجود ندارد.

خدایی جز خدای اول نیست که ابتدایی ندارد، خدایی جز خدای آخر نیست که انتهایی ندارد، خدایی جز خدای دیرینه نیست که نهایی ندارد، خدایی جز خدای یگانه نیست مخالفی ندارد، شبیهی برای او نیست و مانندی ندارد خدایی جز خدای یگانه نیست و همتایی ندارد و مشابه و شریکی برای او نیست خدایی جز خدای یگانه نیست چیزی مثل او وجود ندارد و اوست شنوای بینا. خدایی جز خدای یگانه نیست همان گونه که چیزی تهلیل می کند و همان طور که خداوند دوست دارد تهلیل شود و همان گونه که شایسته روی اوست و شکوه او بزرگ شد.

خدایی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد فرمانروایی از آن اوست و سپاس او راست زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که نمی میرد خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

پاک است کسی که هر چیزی در گذشته و آینده از آن اوست، پاک است آن که نعمت هایش به شمار نمی آید، پاک است کسی که در نعمتش غوطه ورم و به گذشته اش اطمینان دارم، به حکمتش آرام میگیرم، پاک است او که عادت و بلایش زیباست و زینده سپاس و ستایش است، پاک است او که آرزوها به سوی اوست و ترس و بیم از اوست پاک است آن بالا برنده فروآورنده، پاک است او که عطا می کند و باز می دارد.

پاک است آن که صفات او را در نمی یابند و زمان ها او را درک نمی کنند، پاک است صاحب فرمانروای ظاهر و باطن، پاک است او که صاحب عزت و عظمت

و جبروت است، پاک است آن فرمانروای زنده که نمی میرد، پاک است آن بلند مرتبه والا، پاک است که او بلند مرتبه گشت، پاک است آن یگانه ای که خدایی جز او نیست، پاک است آن دیرینه ای که آغازی ندارد، پاک است آن دانای بدون آموزش، پاک است آن که علمش بر همه چیز احاطه دارد، پاک است آن یگانه یکتا، پاک است آن برانگیزاننده وارث، پاک است آن حق آشکار، پاک است او که استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده اند، پاک است صاحب شکوه و بزرگی، پاک است صاحب فضل و نعمت های فراوان.

پاک است آن که سپاس او به کردارها میسر نگردد و زبان ها از وصف منزلت او عاجزند و عمق وصف او را در نیابند و دل ها به تمامی اوصافش راه نیابند، پاک است آن فرمانروای عزتمند والا و پادشاه بزرگ و شرف کامل و عطای فراوان و فضل بسیار، پاک است او که نیکوکار و نیکوکردار است، پاک است آن نعمت دهنده فزاینده پاک است صاحب شکوه و بزرگی.

پاک است خدا در لحظات روز و شب، پاک است خدا در صبحگاه و شامگاه، پاک است خدا آن هنگام که شب می کنید و صبح می کنید و سپاس او راست در آسمان ها و زمین و به هنگام شب و آن هنگام که ظهر می کنید زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می کند و زمین را بعد از مرگش زنده می کند و اینچنین خارج می شوید، پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آن چه وصف می کنند و سلام بر رسولان و سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است.

پاک است خدا همان طور که تسبیح او را شایسته است و همان گونه که سزاوار آن است و شایستگی آن را دارد بر آن چه دوست دارد و پسندید و به تمامی آن چه آزمود و بخشید، پاک است خدایی که اوج گرفت پس نزدیک شد و شنید و دید و دانست و به شماره در آورد و مقدر کرد و حکم نمود و آن چه را خواست انجام داد و بی نیاز کرد و عطا نمود و میراند و زنده نمود و اوست در تماشگاه برتر پروردگار آخرت و دنیا.

پاک است او که همتا و شبیه و مخالف و فرزند و نظیر و همدم و مشابه و مانند و شریکی ندارد و خدایی جز او نیست و از آن چه ظالمان می گویند بسیار برتری یافت و عظیم گشت.

خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدایی جز او نیست و خدا بزرگ است، شایسته جبروت و عزت است، خدا بزرگ است سرپرست باران و رحمت است، خدا بزرگ است فرمانروای دنیا و آخرت است، خدا بزرگ است فرمانروایی او بر باطن محکم است، خدا بزرگ است و غلبه اش بسیار است، خدا بزرگ است و قدرتیش شکست ناپذیر است، به آن چه می خواهد آگاه است، خدا بزرگ است و کارها را تدبیر می کند خدا بزرگ است و استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده اند، خدا بزرگ است نهان ها را هویدا می سازد، خدا بزرگ است پنهان ها را برملا می سازد.

خدا بزرگ است اول هرچیز و آخر آن، خدا بزرگ است آفریننده هرچیز و نهایت آن، خدا بزرگ است درک کننده هرچیز که بازگشتش به سوی اوست، خدا بزرگ است آفریننده هرچیز و سرپرست آن، خدا بزرگ است در برابر هرچیز و در پشت هر چیز، خدا بزرگ است آغازگر هرچیز و وارث آن، خدا بزرگ است ابتدای هرچیز و بازگرداننده آن، خدا بزرگ است روزی رسان هرچیز و فریاد رس آن، خدا بزرگ است پروردگار هرچیز و شمارنده آن، خدا بزرگ است پروردگار هرچیز و نجات بخش آن، خدا بزرگ است چیزی قبل از او نبود، خدا بزرگ است، همه چیز به دست اوست، خدا بزرگ است همه چیز از بین می رود، غیر از روی او خدا، بزرگ است آن چه را که دیگری بخواهد انجام نمی دهد.

خدا بزرگ است همدم و فرزندی برنگرفت و شریکی در فرمانروایی ندارد و نه سرپرستی، شریکی ندارد و او را به بزرگی یاد کن، خدا بزرگ است نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد، خدا بزرگ است، بزرگ با عظمت مقدس بزرگمنش، خدا بزرگ است و در این که او را به بزرگی یاد می کنم شریکی ندارد و من خالصانه می گویم، رویم را به سمت کسی چرخاندم که آفریننده آسمان ها و زمین است یکتا پرستم و از مشرکان نیستم، خدا بزرگ است، هیچ مانند و مخالف و مشابه

و شریکی ندارد صاحب شکوه و بزرگی است هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند والا و با عظمت وجود ندارد.

هیچ نیرو و قدرتی جز به خدایی که توان هر ناتوانی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که عزت هر ذیلی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که ثروت هر نیازمندی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که گشایش هر گرفتاری است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که سرپرست هر نعمتی و همراه هر نیکی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز به خدا که گشاینده هر گرفتاری است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که بر هر نهانی آگاه است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که به هر رازی احاطه دارد وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که شاهد هر مناجاتی است وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا که بر فقر بندگانیش آگاه است وجود ندارد در حالی که از آنها بی نیاز است و اختیار آن را دارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد، همه چیز را به خدا می سپارم و به او پناه می برم، هیچ نیرو و قدرتی جز به عزت یافتن با خدا و توکل کردن بر او وجود ندارد، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد و فریاد خواهی از خداست، از غیر او بی نیازیم، هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد، به او تمسک می جویم و به ریسمان او چنگ می زنیم، هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند والا ی عظیم بردبار کریم بخشنده مهربان وجود ندارد او که شبیهی برای او نیست و شنونده بیناست.

هرچه خدا خواست ناله به درگاه اوست و اخلاص بر اوست، هر آن چه خدا خواست از روی خاکساری به درگاه او و بندگی او، هرچه خدا خواست از روی توجه نمودن به درگاه او و اعتراف به او، هر آن چه خدا خواست با اصرار به خدا و نیازمندی به او، هر آن چه خدا خواست فریاد خواهی به درگاه خداست و پندار به او نیکوست، هر آن چه خدا خواست از روی فروتنی و خواری، هر آن چه خدا خواست با خضوع و با تمایل و توکل بر او و گواهی می دهم و می دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم بر هر چیز احاطه دارد و هر چیز را به شماره در آورد.

خدایا تو را سپاس می گویم به بهترین آن چه می توانم و تو را شکر می کنم به آن چه مرا بدان منت نهادی، تو را سپاس می گویم و به گناهانم اعتراف می کنم و حاجتم را نام می برم و از بیچارگی و نیازم به درگاه تو شکایت می کنم به راستی که تو گفتی و گفتار تو حق است «به درگاه خدا فروتنی نکردند و ناله نمودند» و من ای خدا به تو پناه آوردم و در برابر تو ایستادم و به سوی تو گریختم و به درگاه تو پناه آوردم، اظهار خواری می کنم، ناله سر می دهم و بدان چه نزد توست امید دارم، تو مرا می بینی و از آن چه در من است آگاهی داری، سختم را می شنوی و حاجت و بی نوایی و حال و دنیا و آخرتم را می دانی و بر آن چه می خواهم زبان بگشایم در عاقبت کارهایم بدان امید دارم آگاهی داری و تو آن چه را که می خواهم بر زبان آوردم بر می شماری.

ای سرور من تقدیرهای تو کاری گشت در من و در آن چه از روزهایم که پیش می آیند از پنهان و پیدایم و کاهش و افزایش من تنها به دست توست، شایسته ترین آنچه به درگاه تو عرضه می دارم قبل از ذکر حاجتم و بیان خواسته و مطلبم گواهی به یگانگی تو و اقرار به پروردگاری توست که افکار و عقل ها در برابر آن حیران شدند و پندارها و فهم ها چه سرگردان گشتند و رویاها از آن درماندند و فکر مخلوقات در برابر عمق وصف آن عاجز شد و زبان ها از نهایت توصیف آن بند آمدند.

هیچ کس نمی تواند به چیزی از توصیف تو دست یابد و یا چیزی از ویژگی تو را در یابد مگر آنچه برای آن مشخص کردی و او را به سوی آن موفق گردانیدی و بدان رساندی ای سرور من، من اعتراف می کنم که به شکوه و بزرگی که تو سزاوار آنی تقدیس شرف تو و ستایش گفتار تو و سپاس و ثنای تو و یاد تو دست نمی یابم؛ زیرا تو خدایی که جز تو خدایی نیست، یکتایی و شریکی نداری و یاد از نعمت های تو و سپاس بر پیمان تو بر نعمت هایت هست و شکر برای توست؛ زیرا زبان ها از وصف تو عاجزند و بدن ها از سپاسگزاری تو ناتوانند.

به سبب گناهان بزرگ و خطاهای بسیار و بزه های فراوان که بر دوش می کشم و آنچه مرا هلاک کرد و آبروی مرا برد به سوی تو گریختم ای پروردگار من و

در برابر تو ایستادم و به درگاه تو ای مولای من ناله کردم تا به یگانگی و پروردگاری تو اقرار ورزم و بدانچه خود را بر آن ستودی ثنا گویم و به صفاتی که سزاوار توست، تو را وصف کنم و با معرفتی که بر من عطا کردی تو را یاد کنم .

پروردگارا گواهی می دهم به راستی تو یگانه یکتای بی نیاز تنهایی که همدم و فرزندی برنگرفت و نزایید و زاییده نشد و همتایی ندارد و تو ازلی و ابدی هستی و روزگاران تو را تغییر نمی دهی و دوره ها تو را نابود نمی کند و اندازه ها تو را حیران نمی گرداند و مرگ ها به تو نمی رسد و هیچ مکانی از تو خالی نیست فرمانروایی تو نیستی نمی پذیرد و قدرتت پایانی ندارد یادت همیشگی است کلماتت تغییر نپذیرند و سنتت تبدیل نمی گردد و وعده هایت محقق است و خواب سبک تو را نگیرد.

گواهی می دهم تو پروردگار مایی که او را می پرستیم و قبل از شب ها و روزها و زمان ها و روزگاران و قبل از هر چیزی وجود داشتی و همه چیز را به وجود آوردی و آفرینش آن را نیکو گرداندی و تو زنده پاینده ای فرمانروای قدوس همیشگی وبدون فنا و نابودی و انتها و نهایت و خدایی در آسمان و زمین جز تو وجود ندارد که معبود ستوده والا بلند مرتبه ای وصف نمی شوی و مرزی نداری .

بزرگ گشتی در حالی که ستوده ای و با بردباری جبروت یافتی و با مهربانی عظمت پیدا کردی و با استواری والا گشتی و با کرم شکست ناپذیر شدی و با بزرگی پاک شدی و با فرمانروایی شریف گشتی و با توانایی فرخنده گشتی و پروردگاری خدای زنده ای پاینده ای با عظمتی با شکوهی ستوده ای والایی کبیری یگانه گشتی و هیچ آفریننده ای صورت بخش نیکو سازنده غیر تو وجود ندارد فضل بخشیدی در حالی که توانا نیرومند ستوده چیره غالب نیکو پرستیده یاد شده آغازگر برگرداننده زنده کننده میرانده برانگیزاننده وارث بودی و بخشیدی در حالی که بخشنده آمرزنده بخشاینده توبه پذیر نیکوکار مهربان عطوف رحم آور نزدیک اجابت کننده شنوا بین بردبار حکیم بخشنده مهربان گشتی.

گواهی می دهم کسانی که غیر تو فراخوانده می شوند به اندازه ذره ای در آسمان ها و زمین اختیاری ندارند و نه کوچکتر و بزرگتر از آن را و برای تو

در آن دو شریکی نیست و در آن دو همتایی نوایی و در آن دو پشتوانه ای نداری و به تنهایی پشتوانه آفرینش خود هستی.

گواهی می دهم آسمان ها و زمین ها و آنچه در آن ها و میان آن ها و آن چه در زیر خاک است از آن توسست ملکوت هرچیزی و خزانه ای آن در دست توسست، از گشایش می بخشی و از روی قدرت باز می داری و هیچ فراخواننده ای غیر تو نیست و جز تو کسی اجابت نمی کند.

گواهی می دهم کسانی که غیر تو خدایانی برگزیدند خدایانشان چیزی خلق نمی کنند و خود آفریده می شوند و هیچ ضرر و منفعتی در اختیار آن ها نیست و مرگ و زندگانی و برانگیخته شدن نیز در قدرتشان نیست و نمی توانند از خود گره گشایی کنند و یا تغییری دهند.

گواهی می دهم کسانی که غیر از تو خوانده می شوند قطره ای از آسمان نازل نمی کنند و نه دانه ای و نه درخت و سبزه ای می رویانند و چنان چه همگی جمع شوند مگسی هم نمی آفرینند و چنان چه آن مگس چیزی از آن ها برگیرد نمی توانند آن را از او بگیرند خواستار و خواهنده چه ضعیفند.

فرخنده گشتی ای سرور من و غلبه کردی و پاک شدی و بسیار فراتر رفتی از آنچه ظالمان می گویند و تو را سپاس می گویم خدایا و تو شایسته سپاس و تو را شکر می گویم و تو سزاوار شکری به خاطر رفتار نیکویت با من و نعمت های فراوانت و بخشش های بسیار بر من و بر تمامی آن چه از رحمت خویش بر من تفضل نمودی و نعمت هایی که بر من فراوان نمودی و تو چنان در حق من کردی که شایسته سپاس و یاد منی از سرپرستی نیکویت بر من و لطف تو در صلاح من و آنچه از آن بی نیاز نبودم و غیر تو مرا بر آن موفق نمی گرداند و من چاره ای جز آن نداشتم و جز به آن اصلاح نمی پذیرفتم و اگر رفتار نیک تو و عطوفت تو در حق من نبود به بهره خویش و اصلاح خود دست نمی یافتم ولی تو نیکی را در حق من آغاز کردی و در تمامی امور مرا کفایت نمودی و بلای سخت را از من برگداندی و قضای ناگوار را از من باز داشتی.

خدایا چه بسا مصیبت های جانکاه که از من بازگرداندی و دیگران را به آن مبتلا ساختی و چه بسا نعمت هایی که چشم را بدان روشن گرداندی و چه بسیار نیکی هایی از جانب تو در نزد من خدایا تو کسی هستی که در مواقع درماندگی مرا اجابت کردی و هنگام لغزش از من چشم پوشیدی و آنچه مورد ظلم قرار گرفتم، از دشمنان گرفتی و تو را به هنگام خواندن بخیل نیافتم و زمانی که تو را ارده کردم خودداری نمودی و من تو را یافتم که دعایم را می شنوی و وعده نعمت هایت فراوان دادی در تمام شئوناتم و تمامی زمان ها.

تو در نزد من ستوده ای و نیکی تو در نزد من موجود است، ای سرور من جان و عقل و زبان و مو و پوست و گوشت و خون و مغز و اعصاب و استخوانم تو را سپاس می گویند و آن چه زمین از من در بر دارد سپاسی که مورد رضایت تو باشد و از خشم تو رهایی بخشد.

سپاس خدایی که بر من واجب گردانید تا او را سپاس گویم بدانچه خود را بر من شناساند با فضل و نیکی اش بر من در حالی که چیزی بودم، سپاس خدایی که مرا به نعمت خویش تغذیه نمود و فضلش را بر من فراوان کرد و روزی پاکش را بر من آغاز کرد بدون این که از او بخواهم و عمل نیکی کنم که مستحق چیزی گردم که خدای من آن را به من ابتدا نمود و شکرش را بر من واجب گردانید همان طور که مستحق بیشتر از آن چه در نزد اوست نیستم.

مرا بر دین خود آشنا کرد و بر خویش رهنمون ساخت و به رسولش و والیان امرش گرامی داشت و محبتش را در قلم انداخت و گوشت و خونم را به محبت خویش و زبانم را به ذکر خود آمیخت و مرا به درخواست از خود امر کرد و به عبادت خویش فراخواند و در آنچه نزد خود دارد، مرا ترغیب نمود و بر طاعت خود تشویق کرد و از گناهش بازداشت و به سوی بهشت تشویق کرد و از روی رحمت خود و نعمت وجوب شکرش مرا از عذاب خویش برحذر داشت با این که اگر دنیا و آن چه در آن است صبح و شام در اختیار من قرار بگیرد و من از دینی که بدان چنگ زدم فرار کنم هیچ گاه جایگزین پاره ای از آن نشود، سپاس خدایی راست بر نعمت هایش که به شماره نیاید و با عمل پاداش داده نشود.

سپاس خدایی راست که پروردگار جهانیان است پروردگار آسمان و زمین و دانای به گذشته و حال، اول بدون آغاز و آخر بدون پایان آغاز هر چیز و سرانجام آن و شروع کننده هر چیز و برگرداننده آن، گردن ها برای او خاضع شدند و صداها به لرزه در آمدند و رویاها سرگردان شدند و چشم ها در برابر او در ماندند غیر از او در کارها حکم نکند و جز او تقدیرها را تدبیر نکند و انتهای چیزی به سوی غیر او بر نمی گردد و چیزی غیر او کامل نمی گردد.

سپاس و بزرگی از آن اوست و فرمانروایی و قدرت از آن اوست، دلیل و حجت از اوست، نیرو و قدرت از اوست، دنیا و آخرت از اوست، امر او محکم و رضایت او گسترده و خشمش عذاب و گفتارش نور است به علم حکم می کند و با بردباری در می گذرد، آمرزشش فراوان و عذابش شدید و رحمتش نزدیک است، علم او به همه چیز احاطه دارد و نگاهداری او همه چیز را فرا گرفته است، علم او قبل از اشیا بود و بعد از فنای هر چیز می باشد، چیزی او را ناتوان نمی کند و چیزی از او پنهان نمی ماند و کسی به توانایی او نمی رسد و حق شکر او را به جای نمی آورد و قلب ها به چگونگی او راه نمی یابند و عقل ها به وصف او نمی رسند.

چشم ها در برابر او حیران شوند و زبان ها بند آمدند، چشمی او را نبیند و نگاهی به او ختم نشود و دیده ای او را در نیافت، زنده پاینده که خواب و خواب سبک او را در نیابد، رحمت و علم او همه چیز را فراگرفت و عظمت و عدل او همه چیز را آکنده کرد، با قدرت و سلطه اش همه چیز را گرفت، آنچه خواست او را عاجز نگرداند و آنچه امر کرد باز نمی گردد و کسی که از او سرپیچی کرد از او نمی کاهد و هرکس غیر او را به سرپرستی گرفت از او بی نیاز نمی گردد.

هر پنهانی نزد او آشکار است و هر پنهانی نزد او هویداست، چیزی از او پنهان نماند و چیزی او را از چیز دیگر مشغول نسازد، دل های بندگان به دست اوست و مرگ های آنان به علم اوست و بازگشتشان به سوی اوست، چیزی از آنچه در آن هستند از او پنهان نماند، آن ها را قبل از آفرینش به شماره آورد و قبل از کردارشان از عمل آن ها آگاهی یافت و آثار آنان را نوشت و مرگ شان را مشخص کرد و قدرت او از هر چیز فراتر رفت و هیچ پنداری ندارد او چگونه است؟

زنده ای که نمی میرد، بی نیازی که خوراک ندارد، پایداری که نمی خوابد و فرمانروایی دست نیافتنی است، شکست ناپذیری که ستم نبیند، غلبه کننده ای که نمی بیند، شنونده ای که شک نکند، بیننده ای که تردید ندارد، شان او والاست، سلطه اش قوی است و از هر مکان آگاه است از پندار جان ها و زمزمه زبان ها و تکرار لب ها و خیانت چشمان و آنچه در سینه پنهان است آگاه است.

شگفتی های او پایان نپذیرد، سپاس او تمام نشود و خزانه هایش خالی نشود و نعمت هایش به شماره نیاید و اگر دریا مدادی برای کلمات پروردگارم گردد، دریا تمام شود قبل از آن که کلمات پروردگارم به پایان رسد و چنان چه از مثل آن کمک گیرم و تمام درختان زمین قلم گردد، هر دریا هفت دریا به دنبال داشته باشد، کلمات خداوند پایان نپذیرد، به راستی که خداوند شکست ناپذیر حکیم است.

ای سرور من سپاس فراوان تو راست بر نعمت ها و بخشش هایت و کردار نیکت هر آنچه شناختم یا آگاهی نیافتم و هر آنچه ذکر کردم یا به یاد نیاوردم و بر آنچه مرا اولویت دادی و مبتلا کردی و بخشیدی و شرافت دادی و تفضل کردی و کرامت دادی و هدایت نمودی و مرا رهرو راه حق و صداقت و راه روشن میانه و صراط مستقیم ساختی و مرا آگاه ساختی از نیکی ها و نعمت هایت بر من و نگاهداری خویش از تمامی آنچه به من بخشیدی و مرا بدان آغاز کردی از آنچه در حق من شروع کردی که وصف من از آن در ماند و زبانم از آن به بند آمد و فهم من از آن عاجز می ماند و فهم و علم من در برابر آن کوتاه می شود و شماره ام قبل از رسیدن به عمق آن تمام می شود و شمردنم او را احاطه نکند.

تو را سپاس بر آنچه از آفرینشتم که نیکو گرداندی و جانم را بی نیاز گرداندی و یقین را به قلم وارد کردی و میان من و خواسته هایم حائل نشدی و بدون هدایت تو به دنبال علاقه خود نرفتم.

تو را سپاس که مرا از آنچه چشم دیگران کور کردی پینا گرداندی، گوش مرا از آنچه دیگران را کر کردی شنوا ساختی و مرا آگاه ساختی بدانچه دیگران را از آن فراموشاندی و مرا بدانچه از دیگران پوشاندی مطلع کردی، مرا ادب نمودی و

نیک ادب کردی و تعلیم نمودی و آموزششت لطیف گشت، ای سرور من کدامین نعمت بر من نبخشیدی و کدامین بخشش ای خدای من که آن را بر من واجب نگرداندی.

تو را سپاس از این که مرا باز داشتی از پرتگاه های هلاکت و چنگ زدن به ریسمان تاریکی و انکار اطاعت تو و روی نمودن به غیر تو و دوری از آنچه نزد توست و آرزو به آنچه غیر توست از روی فضل و بخشش تو بر من و رحمتی که بر من نمودی بدون آن که عملی از من سرزند و یا لیاقت آنچه در حق من کردی پیدا کنم و مرا مستوجب سپاس گرداندی با پیروی از اهل فضل و معرفت از حق و دیدن درهای هدایت و اگر تو پروردگار من نبودی به اطاعت خود رهنمون نمی شدیم و بر امر تو آگاه نمی شدیم و راه تو را نمی پیمودیم.

ای سرور من، تو را سپاس بر نعمت هایی که به واسطه آن مستحق عبادت گشتی و بر کردار نیکت که به واسطه آن مستحق سپاس شدی و بر نعمت های دیرینه ات و بخشش های فراوانت که به شماره نیاید و با عملی برابری نشود، مگر در گشایش رحمت و فراوانی نعمت و شان عظیم تو و اعمال کریمانه ات و بخشش های نیکت.

تو را سپاس بر نعمت های فراوان و حجت های رسا و بخشش های پی در پی تو که به واسطه آن امور ناگوار را از من دور کردی و موهبت های شادی را به من عطا کردی با لجاجتم در غفلت و زیاده روی در سختی و آن تو را باز نداشت که از من گذشت کنی و عمل زشتم را بپوشانی و نعمت هایت را در دستانم فراوان گردانی و بر من نیکی کنی و از کردار زشتی که در درگاه تو نمودم و معصیت هایی که مرتکب شدم گذشت کنی.

تو را سپاس ای سرور من بر نعمت های بسیاری که در آن ها صبح و شام نمودم و آن ها را از جانب تو می دانم و می دانم که تو سرپرست و اجرا کننده آنی بدون این که توان و قدرتی از من در آن دخالت داشته باشد ای مهربان ترین مهربانان.

ای پروردگار من، تو را سپاس بر این که مرا از انواع بلاهایی که بندگان تو در آن صبح و شام می کنند عافیت دادی خدای من چه بسیار بندگان که در بیماری

و درد و مرض و با آه و ناله صبح و شام می کنند و در غم خود غوطه می خورد و فراری نمی یابد و طعام و آشامیدنی را گوارا نمی داند و من در سلامتی بدن و صحت زندگانی هستم تمامی این ها از جانب توست، ای پروردگار من، سپاس از آن توست.

چه بسیار بنده ای که در سختی های مرگ و غصه و به شماره افتادن نفس ها صبح و شب می کند و نگاه کرد به چیزی که موی بر بدن راست شود و از آن می هراسد و من از آن در عافیت هستم ای پروردگار من. تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که ترسان و هراسان خوفناک بیمناک گریخته فراری سرگردان در پناه گاه های تنگ صبح و شام می کند و زمین با گستردگی اش بر او تنگ گردید و چاره و پناهگاهی نمی یابد و من در آرامش و اطمینان و عافیت از آن هستم ای پروردگار من سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که در سختی زندگی و تنگی مکان صبح و شام کرد از غل و زنجیری سنگین شد یا پوستش پاره گشت و گوشتش چند تکه شد عذاب های گوناگون بر او وارد شد یا صبح و شب در انتظار کشته شدن است و من در راحتی و آسایش و گشایش و عافیت از آن هستم، ای پروردگار من سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که در اسارت و بسته به غل و زنجیر صبح و شام کرد و در دست متجاوزانی است که بر او رحم نمی کنند از خانواده و فرزندان دور است و از سرزمین و برادرانش جدا گشت و هر لحظه در انتظار است که به دست کدامین قاتل کشته می شود و چگونه مثله می گردد و من در عافیت و سلامت از آن هستم سپاس تو راست.

چه بسیار بنده ای که صبح و شب کرد در حالی که مستقیماً در حال مبارزه و سختی های جنگ هاست و دشمنان او را با شمشیر ها و نیزه ها و تیرها و ابزارهای جنگی پوشاندند، پوششی از آهن دارد، تمام توان خود را به کار گرفت و چاره ای نمی داند و راه فراری نمی یابد با زخم ها مریض گشت یا در خون خود زیر سم ستوران و پاها غلتیده است در آرزوی جرعه ای آب است که بنوشد یا

نگاهی که به همسر و فرزندانش اندازد و من در عافیت از آن هستم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح و شب کرد در حالی که غریب و مسافر است و از همسر و فرزندانش دور است و در بیابان ها حیران است و در آن سرگردان است به همراه وحش ها و چارپایان و خزندگان و با گرسنگی و تشنگی تنها و بی کس راه چاره ای نمی داند و به راهی رهنمون نمی شود یا در ناله یا گرسنگی یا عریانی یا دیگر سختی هاست و من از آنچه او گرفتار آن است رهایم و از آن در عافیتم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح و شام کرد در تاریکی های دریا و بادهای طوفانی و موج های ترسناک و در انتظار مرگ و هلاکت است و راه چاره ای ندارد یا به صاعقه ای مبتلاست یا ویرانی یا سوختن یا گلوگیر شدن یا غرق شدن یا فرو رفتن یا مسخ شدن یا پرتاب شدن در حالی که من از آن در عافیتم ای پروردگار من تو را سپاس.

چه بسیار بنده ای که صبح و شب کرد در حالی که فقیر نیازمند اندوهگین عریان گرسنه تشنه است و منتظر است تا کسی بر او فضلی کند یا بنده ای از تو که نزد تو آبرومندتر است و عبادتش بیشتر است به بردگی کشیده شد و بر او غلبه شد بار سنگینی از خستگی رنج و سختی بندگی و زخم ها بر دوش داشت یا مبتلا به بلای سختی است و من مورد خدمت و نعمت و در عافیت هستم از آنچه او بدان گرفتار است. ای پروردگار من، تو را سپاس ای خدای من .

چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنیاش را بر من کشید و لبه تیغش را بر من تیز کرد و برّنده ساخت و سمهای کشندهاش را برای من درآمیخت و تیرهایش که به خطا نمیروند به سمت من روانه ساخت و چشم پاینده او هیچگاه از من خواب نگشت و آشکارا سختیها را بر من وارد نمود و تلخی سم کشنده آن را بر من نوشاند، خدای من، به ضعف خود از به دوش کشیدن مصیبت های بزرگ نگاه کردم و به ناتوانیام از غلبه بر کسی که قصد جنگ با من را دارد، و به تنهاییام در برابر انبوه کسانی که مرا قصد کردند، نگاه کردم و بلاها در آنچه فکر خود را به کار نگرفتم، در

کمین من نشستند و تو یاریات را به من آغاز نمودی، و با نیروی خود، پشت مرا محکم نمودی شکستی و بعد از آنکه در جمع بود، تنها ساختی و مرا بالا بردی و هرچه که مرا هدف گرفت، به خودش بازگرداندی و او را برگرداندی در حالی که تشنگیاش را سیراب نساخت و حرارت خشمش را خنک نکردانیدی، و دست خود را به دندان گرفت و پشت کرد و فرار نمود و سپاهیانش را به جای گذاشت. تو را سپاس ای توانایی که مغلوب نمی گردد و بردباری که شتاب نمی ورزد.⁽¹⁾

و چه بسا ستمکاری که با نیرنگهای خود به من ظلم نمود و دام صید خود را برای من پهن کرد و توجه جستجو گرانه اش را بر من گماشت و همچون درندهای که بر شکار خود، مخفی میشود و منتظر فرصتی است، در حالی که ظاهرش نرم خوست و دندانیش را نشان می دهد و چهره ای گشاده را بر من می نماید و هنگامی که پلیدی باطن او را دیدی و زشتی آنچه به شرک خود در میان گرفته است، آنچه را که به سوی من و به هدف خویش آورد باطل گرداندی و او را به سر در حفره خویش سرنگون کردی و در پرتگاه گودالش هلاک کردی و با سنگ و تیر خودش به او انداختی و او را به بینی واژگون کردی و با ظلمش به زیر انداختی و با پشیمانی اش او را به هم آوردی و نیرنگش را به خودش باز گرداندی پس تنها شد و بعد از غرورش تحقیر شد و پس از دراز دستی اش ذلیل گشت، خوار اسیر در ریسمانش که امید داشت در روز قدرتیش مرا در آن ببیند. پروردگارا اگر رحمت تو نبود، نزدیک بود که هر آنچه بر او رفت بر آستان من نیز فرود آید، تو را سپاس ای توانمندی که مغلوب نمی شود و بردباری که شتاب نمی ورزد.

چه بسیار حسودی که با حسد خویش آغاز نمود و با خشم خود از من اندوهگین شد و با تیزی زبانیش مرا آزرده و طعنه زد و آبروی مرا هدف تیرهای خود قرارداد و مرا به صفاتی درآویخت که خود گرفتار آن است، پروردگارا نزد تو آمدم و به تو پناه آوردم، به سرعت اجابت تو اطمینان دارم، توکل می کنم بر آنچه پیوسته می شناسم از دفاع نیک تو، می دانم هر کس به سایه کفایت تو پناه آورد درمانده

ص: 552

نگردد و مصیبت ها بر کسی که به قلعه پیروزی تو پناه آورد وارد نمی شود و تو به قدرت خود مرا از سختی او نگاه داشتی تو را سپاس ای پروردگار من قدرتمندی که مغلوب نگردد و برباری که شتاب نورزد.

چه بسا ابرهای ناگواری که آن را کنار زدی و آسمان نعمتی که آن را فرو باریدی و نهرهای کرامتی که جاری ساختی و چشم های نابودی را کور کردی و رحمت آغازینی که آن را پراکندی و سپر عافیتی که آن را پوشاندی و گرفتاری های پوشانندی که آن را برطرف کردی و پیشامدهایی که آن را مقدر کردی، آنگاه که از تو خواستم تو را عاجز نکرد و آنگاه که آن را اراده کردی از تو باز داشته نشد تو را سپاس توانمندی که مغلوب نگردد و بردباری که شتاب نورزد.

چه بسیار پندارهای نیکی که تحقق بخشیدی و نداشتن هزینه ها که جبران کردی و افتاده ای که جان دادی و بیچارگی که تغییر دادی نمی پرسی از آنچه انجام می دهد و آنچه هزینه کردی از او نمی کاهد و از تو درخواست شد پس عطا کردی و درخواست نشدی پس آغاز نمودی و از فضل خود درخواست شد پس بخل نورزیدی. خودداری کردی به جز از بخشیدن و نعمت دادن و احسان و خودداری کردم جز از انجام محرمات و ارتکاب معاصی و تجاوز از حدود تو و غفلت از وعده های خوب و بد تو و اطاعت از دشمن من و دشمن تو شکرگزاری ناقص من تو را از نیکی کامل باز نداشت و این امر، مرا از ارتکاب آنچه تو را به خشم آورد منع نکرد. تو را سپاس ای پروردگار من توانمندی که غلبه نپذیرد و بردباری که شتاب نورزد .

خدایا پاک و منزهی و تو را سپاس می گویم فرخنده گشتی و چیره شدی والا گشتی و پاک و بزرگ شدی و با عظمت گشتی از آنچه ظالمان می گویند .

خدایا من دعا کننده ای هستم که اجابت نمودی، تو را سپاس می گویم و من در خواست کننده ای هستم که او را عطا کردی، تو را سپاس و من گمراهی هستم که هدایت کردی تو را سپاس و من ضعیفی هستم که او را توانا کردی، تو را سپاس و من فقیری هستم که او را بی نیاز ساختی، تو را سپاس و من عریانی هستم که او را پوشاندی، تو را سپاس و من بیماری هستم که او را شفا دادی، تو را سپاس.

آری سوگند به عزت تو انجام دادی، تو را سپاس. بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از شاکران قرار ده.

خدایا من رانده شده ای هستم که او را برگرداندی تو را سپاس و من مسافری هستم که او را همراهی کردی تو را سپاس، و من بد کاری هستم که به او نیکی کردی تو را سپاس و من اندوهگینی هستم که در کار او گشایش نمودی تو را سپاس، من گرفتاری هستم که از او گره گشایی نمودی تو را سپاس، آری سوگند به عزت که انجام دادی تو را سپاس، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از سپاسگزاران قرار ده.

خدایا من ذیلی هستم که او را عزت بخشیدی تو را سپاس، من تنها مانده ای هستم که او را کفایت کردی تو را سپاس، من مظلومی هستم که او را یاری کردی تو را سپاس، من فرومایه ای هستم که او را رفعت بخشیدی تو را سپاس، از بین رونده ای هستم که او را رهانیدی تو را سپاس و من غرق شده ای هستم که او را گرامی داشتی تو را سپاس و من آن پیاده ای هستم که او را حمل کردی تو را سپاس، آری سوگند به عزت تو انجام دادی تو را سپاس، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از شکرگزاران قرار ده.

خدایا من آن بیماری هستم که او را جان دادی تو را سپاس و من مبتلایی هستم که او را عافیت بخشیدی تو را سپاس و من زندانی هستم که او را خارج کردی تو را سپاس و من اسیری هستم که او را رهانیدی تو را سپاس و من مجردی هستم که او را متاهل قراردادی تو را سپاس، من کسی هستم که چیزی نبودم تا او را قرار دهی تو را سپاس، آری سوگند به عزت تو آن را انجام دادی تو را سپاس، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از سپاسگزاران قرار ده.

پروردگارا فرخنده گشتی و والا شدی تو را سپاس بر آنچه عطا کردی و مبتلا ساختی، تو را سپاس بر خواسته ات در ما آنچه تلخ بود و شیرین بود، تو را سپاس بر مهلت دادن و مبتلا کردن، تو را سپاس بر اینکه بر عمرم افزودی و تو را سپاس بر آنچه به خاطر من به فراموشی سپردی و تو را سپاس بر قسمت نیکوی تو مادامی که به مسألت از تو راه نیافتم، تو را سپاس به معرفت آنچه در من است و به

آن احاطه نداشتم، تو را سپاس برانداختن پوششت بر من در حالی که سزاوار آن نبودم و بر آثار نعمت هایت بر من در حالی که به شکرگزاری آن جز به تو نرسم، تو را سپاس بر تجدید آن ها بر من و تو را سپاس بر بخشش هایت در هر دو حالت.

و تو را سپاس بر نعمت اسلام که آن را به عنوان دین بر ما پسندیدی و پیامبر اُمی که او را امین ما راضی گشتی تو را سپاس بر آنچه که ما را به سوی آن فرا خواندی و ما را بدان نجات بخشیدی و او را بهترین پیامبری قرار دادی که بر انگیخته شد و بهترین امتی که که خارج شد و تو را سپاس بر لطف تو که ما را از صلب های مردان مشرک و رحم های زنان مشرک جدا کردی نسلی در نسلی تا این که ما را به زمان خود ملحق کردی و ما را از هلاکت بدان نجات دادی تو را سپاس آنطور که می پسندی و راضی می شوی.

خدایا ای سرور من تو کسی هستی که با حمد و ستایش و ثنا و شکر بر من منت نهادی و تمامی این ها ای مولای من به همراه دیگر نعمت ها و منت ها و بخشش های توست که آن ها را نمی شمارم و توان شمردن آن ها را ندارم ای سرور من اولین و شریف ترین با فضیلت ترین و بزرگترین و بیشترین و شکوهمند ترین آنان منت نهادن بر من با شناخت پروردگارت و قدرت و عظمت و شناخت رسول و اقرار به او و معرفت اولیای تو و حجت های تو و برگزیدگان تو و اقتدا به آنان و تصدیق آنان و تسلیم گفتارشان و ایمان آوردن به کتاب ها و رسولان توست سپس عافیت و گشایش رزق و فضل و تمامی کردار نیک زیبای توست.

تو را سپاس ای خدا و مولای من و تسبیح و تقدیسی و تهلیل و شکر و بخشش از آن توست همانطور که شایسته روی گرامی تو و عزت شکوه و عظمت توست و همانطور که تو شایسته آنی ای زنده ای پاینده و تو را سپاس به تمامی نعمتی که بر من و هر کدام از مخلوقات در گذشته و حال و تا روز قیامت بخشیدی.

خدا بزرگ است، سپاس مخصوص خداست، خدا پاک است و خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد آنچه آفریدی و نامیدی و مقدر کردی و نوشتی یا تو انجام دهنده آن در دنیا و آخرت هستی .

ای شنونده هر صدا، ای جمع کننده هر آنچه از دست رود ای آفریننده جان ها بعد از مرگ، ای کسی که چیزی او را از چیز دیگر مشغول نسازد و ای کسی که صدا ها براو مشتبّه نگردد و تاریکی ها او را نپوشاند، ای کسی که چیزی را به خاطر چیز دیگر فراموش نکند، ای کسی که از عرش خود تا دل آسمان ها و زمین خدایی جز او خوانده نشود، بر محمد و خاندان او بنده تو و فرستاده تو و حبیب تو و خلیل تو و پیامبر تو و نجات یافته تو و امانت داری تو و برگزیده تو و ویژه تو و برگزیده تو و بهترین خلق خود درود فرست، او که بدان ما را از گمراهی و کوری هدایت کردی و به واسطه او ما را از تاریکی بینا کردی به او مارا از نادانی دانا کردی و بر راه میانه بزرگ و راه تقوا اقدام کردی و از سختی ها خارج ساختی و از لبه پرتگاه هلاکت ما را نجات دادی، به او که امین تو بر وحی و جایگاه راز تو و فرستاده تو بر مخلوقات و حجت تو بر بندگان و مبلغ امر تو و انجام دهنده پیمان توست او را رحمت جهانیان و نوری که مؤمنان بدان روشنایی طلبند و بشارت دهنده به ثواب فراوان خود قرار دادی که به عذاب دردناک تو انذار می دهد، او را برای رسالت های خود برگزیدی و برای دین خود خالص گردانیدی و او را مراقب بندگان خود قرار دادی و بر وحی خود ایمن گردانیدی و او را گواه و راهنمای خود و فراخواننده به سمت خود و حجت بر مردمان و واسطه میان خویش و بندگان و گواه آنان و مسلط بر آن ها و اهل بیتش گردانیدی کسانی که پلیدی را از آن ها زدودی و پاک گردانیدی.

آن ها پاکان فرخنده، مطهران طاهر، هدایتگران راه یافته اند که گمراه نشدند و گمراه نمی کنند امین های تو بر زمین و ستون های تو بر مخلوقات هستند، کسانی که به واسطه آنان از هلاکت نجات دادی و به آن ها از تاریکی روشنایی بخشیدی درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن علم هستند که آن ها را یاوران دین خود پسندیدی، گواهان بر مخلوقات و به پاداران امرت و امینان حافظان سر خود و جایگاه رحمت و ودیعه گاه حکمت و ترجمان وحی و هدایت بندگان و مایه روشنی سرزمین خود می باشند.

بر آنان درود فرست شریف ترین با فضیلت ترین بیشترین و بزرگترین و نیکو ترین و زیبا ترین و سودمندترین و کامل ترین و پاک ترین و پاکیزه ترین و خوشبو ترین و پسندیده ترین آنچه درود فرستادی بر پیامبران و رسولان و برگزیدگان و دوستان و کسانی که در نزد تو جایگاه و کرامتی دارند، خدایا و درود فرست بر آنان درودی که که دوست داری تو و فرشتگانت و رسولانت و مخلوقات بدان بر آن ها درود فرستی و همان طور که محمد و خاندان او شایسته آنند.

خدایا ای سرور من محمد و خاندان محمد را سبب من به سوی خود و راه من به اطاعت خویش و دروازه ای که از آن وارد شدم و درجه ای که به واسطه آن رفعت گرفتم و رویی که بدان به سوی تو رو کردم و زبانی که بدان سخن گویم و پناهگاه و رکن و ذخیره و ماوا و پناهی از گناهان قرار ده که به آن ها اعتراف کنم و به آنچه مرا کردی بر زبان آن ها و می دانم که آن از جانب توست پس به رضایت محمد و خاندان او رضایت تو را امید دارم و به خشم آنان از عذاب تو می هراسم ای مولای من مرا از کسانی قرار ده که در روز قیامت - روز سختی ها- از بلاهای عظیم و دریده شدن پرده ها نجات یافتند و مرا از سختی های هولناک نجات بخش.

خدایا و تو ای سرور من آن فرمانروای حقی هستی که ظلمی در حکم او نیست و ستمی در عدل تو راه ندارد و از آنچه انجام دهی بازخواست نشوی، مخلوقات را بر اساس آنچه از علم سابق تو در خواسته ات گذشت آفریدی تا آن ها را به سرنوشتشان بازگردانی و بر جایگاه خودشان منزلت بخشیدی از پاداش و عذاب خود و خدایا مرا به رحمتی اختصاص دادی که امید دارم به واسطه آن سعادت بر من پیشی گرفت با آنچه به من الهام کردی از ایمان به تو و رسول تو و به اهل بیت رسول تو صلواتک علیهم و تصدیق به آنچه از نزد تو آمد به راستی که در شناخت من از تو هیچ شکی وجود ندارد و در علمی که بر من منت نهادی جهلی نیست و در بصیرت به آن سستی و ضعفی راه ندارد، گوش و چشم مرا از آن پر کردی و قلبم را از محبت آن نوازشاندی و بر تمامی اعضایم وارد کردی پس غیر آن را نمی شناسم و غیر آن را نمی خواهم از روی رضایت به آن و اکتفای به آن از هر چیزی که غیر آن است.

سپس با کتابت که ذکر حکیم است بر من منت نهادی و زبانم را بدان گویا نمودی و آن را نور چشم من قراردادی، سپس مرا بر معرفت پروردگاری و عظمت خود و توانایی ات در فرمانروایی و پادشاهی ات و کرم خود در کارهایت رهنمون ساختی و از آن بسیار به من بخشیدی، خدایا از تو می خواهم ای بخشنده نعمت ها قبل از شایسته آن شویم، ای آغازگر به رحمت قبل از آن که درخواست کنیم هنگامی که قراردادی آنچه را که مرا بدان کرامت بخشیدی و آن را بر من منت نهادی در حالی که از سوی تو کامل و پیوسته گشت و آن را بر خود واجب نمودی و اینکه هیچ شک و سستی و کوتاهی و تقصیری اخلاص و صداقت نیت و سلامت باطن مرا آلوده نگرداند تا مرا به اخلاص برآن بمیرانی و مرا بر اجابت رضایت خود برانگیزی و برای آن که آن را نور و حجت و حجابی قرار دادی و برای این که آن را مایه عذاب من قرار ندادی با کوتاهی که از من بودی و سستی در شکرگزاری ام تا من و هرکس که از تو سرکشی کند و با امر تو مخالفت ورزد و تو را انکار نماید در جایگاهی مساوی در خشم تو قرارگیریم.

خدایا ای سرور من و مولای من من بنده گناهکار توام که به خطاهای خود اعتراف می کنم و به گناهان خویش اقرار دارم به سوی تو روی کردم و در درگاه تو اقامت کردم و برآنچه گناه کردم پشیمانم به نزد تو آمدم و اقرار می کنم به تمامی جنایت هایی که اعضایم کرده اند و از تو مغفرت می جویم و از تو می خواهم مرا نگاهداری تا به مثل آن برنگردم به رحمتت امید دارم و به حسن عبادت تو آرامش دارم و بر بخشش و کرم تو تکیه دارم و به حسن ظن تو اطمینان دارم و به رحمت تو که همه چیز را دربرگرفت پناه می جویم و فریاد می خواهم از تو بر طاعتت یاری می جویم و امیدم را از غیر تو می برم و از نیرو و قدرت و توانایی به سمت تو بیزاری می جویم و اقرار می کنم که نعمت های من از آن توست در برابر تو خاضع ام و خاکسارم.

از خودم چیزی نمی شناسم جز آنچه به من بدی رساند و از تو جز آنچه مرا شاد کند نمی دانم ؛ زیرا تو به من نیکی کردی و زیبایی نمودی و نعمت دادی و بسیار عطا کردی و روزی دادی و فراوان کردی و بخشیدی و افزودی بدون آنکه با

کرداری مستحق آن شوم و نه به دلیل چیزی از نعمت هایی که به من دادی بلکه از روی فضل و کرم تو بود من نعمت های تو را در معصیت تو به کار گرفتم و به رزق تو بر خشم تو قوت گرفتم و عمرم را در آنچه دوست نداری تباه کردم و این امر مانع آن نشد تا زشتی های کار مرا بیوشانی و نیکو و زیبا را از من آشکار کردی که تو سزاوار آن هستی و من شایسته آن نیستم و نعمت های در دستانم را فراوان کردی و این کار تو مانع از آن نشد تا در معصیت تو بیفزایم و افزودن بر معاصی سبب نشد تا پوشیدگی خود را ادامه دهی و دور کردن بلا از من و نیکی و کردار زیبا و نعمت دادن و افزودن تو پی در پی و چندین بار بود که به شماره در نمی آید و در هر چشم به هم زدن و لحظه و خواب و بیداری است من در معصیت های تو غوطه ورم، پوشیدگی تو بر من همیشگی است و نعمت هایت مرا فرا می گیرد و در تمامی حالات بر من فراوان است .

تو ای سرور من تو عادت به نعمت دادن داری و من عادت به گناهان و تو ای سرور من بهترین سرپرستان و من بدترین بندگان هستم، تو را می خوانم پس مرا اجابت می کنی، از تو درخواست می کنم پس مرا عطا می کنی و از تو طلب فزونی نمودم پس بر من افزودی و از تو خاموشی گزیدم و تو آغاز کردی و من شفיעی بزرگ تر کریم تر و بخشنده تر از تو نمی یابم.

خداوندا به خواسته ام به تو امید دارم و ای سرور من به درخواستم به تو روی می کنم و ای مولای من آرزویم را نزد تو می آورم، خدایا به تو می گویم از آنچه بدان آگاه تر از منی. پروردگارا فریاد خواهی من از توست و تو اطمینان و امید منی، به خواندن تو پناه می جویم و توسل من به حریم توست و به محمد و خاندان او نزدیکی من است بدون آن که اجابت کنم یا استحقاقی برای اجابت تو دارم به گونه ای که دستم را به اطاعت تو دراز کنم یا گامم را از معصیت تو باز دارم یا از راندن تو پند گیرم یا از نهی تو دست بردارم، مگر پناه آوردن به توحید تو و روی آوردن به تو با محمد و خاندانش و چنگ زدن به آنان و معرفت تو به این است که بفهمم پروردگاری برای من جز تو نیست و فریاد رسی جز تو ندارم و روی آوردن به او در کتاب توست و امید من به وعده های لطیف تو و عفو کریمانه توست آن

هنگام که ای سرور من به بندگان اسراف کار خود می گویی «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است. و به جهت تفهیم و تکرار می گویی «و کسی جز خداوند گناهان را نمی بخشد» و بخشش و گستره فضل خود را به آنان می شناسانی، هنگامی که می گویی «از فضل خداوند مسألت کنید» و آن ها را از کرم و عطای خود خبر می سازی با این گفتار خود «و عطای پروردگارت منع نشده است» و آن ها را به دعای خود امر نمودی و اجابت خود را به آنان وعده می دهی و می گویی «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» و آن ها را به نزدیکی خود به دعای دعاکننده و اجابت خود خبر می دهی و گفتی «و هرگاه بندگان من، از تو درباره من پرسند، من نزدیکم، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم، پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.» و آن ها را بر مناجات نیک خود رهنمون شدی و آنچه بدان تو را می خوانند و گفتی «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام های نیکوتر است».

از تو می خواهم ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای صاحب شکوه و بزرگی، ای صاحب اسم های نیکو و مثل های والا و نعمت ها و بزرگمنشی، با تو مناجات کردم در حالی که بر خودم ظلم نمودم و من به فضل تو نیازمندم و به گشایش تو حاجتمندم به آمرزش و عفو تو اطمینان دارم و به رحمت تو امید دارم از تو می خواهم خداوندا به تمای دعاهایی که برای یکی از پیامبران و رسولان و برگزیدگان و نزدیکان خود اجابت کردی و به آنچه در کتاب نازل شده خود بر پیامبرت محمد از آغاز تا پایان آن و در آن اسم اعظم و کلمات کل کامل توسل و آنچه ترسیده می شود و امید می رود.

از تو می خواهم ای سرور من بدان چه بر خود سوگند خوردی و به رحمت و استجابت خود فراخواندی و نزدیکی خود را وعده دادی و عفو خود که به سوی آن فراخواندی و دعای خود که به آن امر نمودی و پذیرفتن توبه کسانی که به سوی تو بازگشتند، خداوندا از تو می خواهم به تمامی دعایی که امیدواری بدان ها توسل

جست و تو او را بدان چه امید داشت رساندی و فریاد زننده ای که به فریاد او رسیدی و غم زده ای که بر آه او رحم کردی و گرفتاری که از قلب او گشایش ایجاد کردی و بیمناک هراسانی که ترس او را آرام کردی و نیازمندی که به فضل خود نیاز او را از بین بردی و فقری که با بی نیازی و فراخی خود نیاز او را برطرف کردی و مبتلایی که عافیت را به سمت او هدایت کردی، عافیتمندی که نعمت را بر او کامل کردی و گناهکار خطاکاری که گناه و لغزش او را آمرزیدی و لغزش او را چشم پوشیدی و فتنه زده ای که نگاه داشتی و زندانی در اسارتی که رها کردی و گرفتار خواسته ای که حفظ کردی و اجر دادی و نگاه داشتی و دعا کننده با گریه و زاری که دعای او را مستجاب کردی و فریاد خواه گرفتاری که او را یاری کردی و از او گره گشودی و چیره مغلوبی که او را پیروز گرداندی و پناهنده شکست خورده ای که او را غالب کردی و فرومایه ذیلی که عزت بخشیدی و غریب دوری که او را نزدیک کردی و ترسان در انتظاری که به فریاد او رسیدی و ترس و خوف او را آرام گردانیدی و ضعیف زمین خورده ای که او را رفعت بخشیدی و قوی کردی.

از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی و بیامرزی و گناهانی که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند و بیامرزی گناهانی که سبب عذاب می‌شوند و بیامرزی گناهانی را که قسمت‌ها را حبس می‌کنند و بیامرزی گناهانی که عصمت را پاره می‌کند و بیامرزی گناهانی که مانع بخشش می‌شوند و بیامرزی گناهانی که بلا را فرو می‌آورند و بیامرزی گناهانی که مانع دعا می‌شوند و بیامرزی گناهانی که نیستی را سرعت می‌بخشد و بیامرزی گناهانی که امید را قطع می‌کند و بیامرزی گناهانی را که سختی را به جای می‌گذارد و بیامرزی گناهانی که هوا را تاریک می‌کند و بیامرزی گناهانی که پرده را کنار می‌زند و بیامرزی برای من گناهانی که قطرات آسمان را حبس می‌کنند.

ای پناه هر پناه جو و ای امید هر امیدوار، مرا از شر آنچه قدر بر آن جاری می‌شود عافیت دار و ترسم را ایمن بدار و مرا به خودت نزدیک کن و مرا به دعای خود موفق بدار و اینچنین در حق پدر و مادر و همسر و فرزندان و برادران دینی و

خواهران و برادران مؤمن من و کسانی که تحت سرپرستی من هستند انجام ده گوش های قلبم را به یاد خود باز کن و خیر دنیا و آخرت را روزی ام گردان.

ای بهترین آنکه در تنهایی ام با او خلوت کردم، ای بهترین کسی که در درونم با او مناجات کردم، ای بهترین کسی که دیده ام را به او دوختم و ای بهترین کسی که با دستم به او اشاره کردم، ای بهترین کسی که دستم را به سوی او دراز کردم، ای بهتر از پدر و مادرم و تمامی مردم ای سرور و امید من، این گناهکار خطاکار با حسن ظنی که به تو دارد دستش را به سوی تو دراز کرده است و کسی که بر خود ظلم می نماید در مقابل تو نشسته است در حالی که به کردار ناشایستش اقرار دارد این ظالم در حق خویش دو دستش را به سوی تو دراز کرد این کسی که گناهان را تکرار می کند در برابر تو زانو زد از ترس روزی که مخلوقات در برابر تو زانو می زنند، هراسان نالان بیمناک از این که او را به عملش پاداش دهی یا شاهی از خودش بر او برانگیزی آن کسی که می ترسد دست مبتلا به جنایت خویش را گردانده است در حالی که جرم خود را از بندگان و کنیزان تو پنهان می دارد و گناهان بزرگش را بر تو عرضه می دارد آن مرتکب خطاها سرش را بالا گرفت گناهکار به سوی تو اشاره کرد و با انگشتش ناله کرد چشمش را به سوی تو دوخت و اشکش جاری گشت و زبانش به سخن آمد در حالی که طلب مغفرت می کند پشیمان است توبه می کند از آنچه بر او شمردی .

ای سرور من به تو پناه می آورم و از تو پناه می جویم پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و پروردگارا گناهان مرا بیامرز و آنچه چشمانم به آن نگریست و پایم به سمت آن گام برداشت و گوشم آن را نپوشید و پوستم در تماس با آن قرار گرفت بیامرز.

خدایا طلب مغفرت می کنم از هر آنچه به دنبال رضای تو بودم و چیزی غیر آن با آن در آمیخت و طلب مغفرت می کنم از آنچه مرا از آن نهی کردی و من به آن روی آوردم به سبب پیروی از خشنودی بنده ای از بندگان یا کنیزی از کنیزانت و در معرض خشم تو قرار گرفتم و طلب مغفرت می کنم از آنچه به تو دادم و سپس به آن وفا نکردم و طلب مغفرت می کنم از آنچه بر آن اطلاع یافتی از

قبحی که در برابر تو انجام دادم و از خلق تو پنهان کردم طلب آمرزش می کنم، خداوندا از هر آنچه بر آن اطلاع یافتی از روی باطن و پلیدی درون در کوتاهی در بندگی تو و تسبیح و تقدیس تو خداوندا از تو طلب آمرزش می کنم از ظلم های فراوان میان من و بندگان .

خدایا هر بنده ای از بندگان یا کنیزی از کنیزانت که از جانب من ظلم و حقی باشد که به عهد ستم کرده باشد یا اشتباهی باشد که از من سرزده است تا اینکه به مال و بدن یا آبروی او رسید از ظلم و اثر سوء آن خارج نشدم مرد یا حضور نداشت یا حضور داشت و حلاوت نگرفتم و او را راضی نکردم پس بر محمد و خاندان او درود فرست او را از من به آنچه در نزد خودت است راضی کن به راستی که در نزد توست ای سرور من آنچه او را راضی می کنم و من ندارم چیزی که او را راضی گردانم ای سرور من حق خود را بر من ببخش و خلقت را از من راضی کن.

پروردگارا بر خود اسراف نمودم و در حق خویش کوتاهی کردم، روزگارم به کوتاهی در حق تو گذشت و چیزی ندارم تا برهانت را از خود دور کنم و نه چیزی که تلافی کنم آنچه از من کوتاهی شد، جز امید به عفو تو که در کتاب خود تاکید کردی آن جا که می گویی «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید» بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در باقی مانده عمرم سروری از عملم قرار ده که به واسطه آن به رضایت تو دست یابم و مستحق گذشت تو شوم.

ای شایسته تقوا و آمرزش، ای زبینه عفو و گذشت، کسانی که نیکی بر آن ها پیشی گرفت آن ها از آن دور هستند به خاطر بخششی که بر آن ها داری نه به خاطر کردار آنان آن ها را به اطاعت خویش توفیق دادی و از معصیت خود دور کردی و راه نزدیک شان به خود را برای آنان آسان گرداندی و اگر یکی از آن ها نیستم پس به فضل خود مرا به آن ها وارد کن به راستی که تو پیدا می کنی کسی که او را بدبخت کنی و من نمی یابم کسی که مرا سعادت مند گرداند ای شایسته تقوا و آمرزش و ای زبینه عفو و گذشت تو را معصیت نکردم به خاطر کوچک پنداشتن نهی تو، ولی به گذشت تو اطمینان دارم و از روی ترس تو را اطاعت کردم و مرا از

تو نبرد مگر امید رسیدن به تو و اگر شتاب می کردی و مهلت نمی دادی
رمنده ای از تو نمی رمید و نزاع ستیزه جو بیشتر نمی شد، ای بهترین مولا
و پناهگاه و محل امن من، هیچ پناهی نیست مگر به اطاعت از تو و هیچ
راهی به سوی تو وجود ندارد مگر به ترک معصیت تو پس بر محمد و
خاندان او درود فرست و اطاعتت را بر من الهام کن و مرا از معصیت خود
باز دار به راستی اگر مرا خوار کنی از هدایت باز می مانم و اگر مرا
هدایت کنی کسی بر من ظلم نمی کند.

ای بهترین مولا و کسی که دارای اسم های نیکوست، غیر از تو راهی
نیست و بی میلی به تو وجود ندارد، آنچه از تو خواستم یا مسالت نکردم به
من عطا کن و مرا از آنچه به درگاه تو زاری می کنم باز نمی دارد و آنچه
را که نمی فهمم تدبیر کن و پنهان نمی دارد از من آنچه را که مخفیانه با او
در میان گذاشتم، سن من زیاد گشت و استخوانم سست شد و هر آنچه که
محکم بود خوار گشت و هر آنچه داشتم از راست اندامی و عنفوان جوانی
و زیبایی آن از دست دادم، پس بعد از گمراهی ام هدایتت را بر من فرود
آر و در باقی مانده عمرم مرا از گناهان باز دار و از عمل اندک من و تلاش
کم من راضی شو و بیافزا بر چیزی که اگر کرم تو نبود اندک بود و پیوشان
بر چیزی که اگر عفو تو نبود از بین می رفت، و بالا بر به چیزی که هر کس
از آن بالا رفت سعادتمند گشت، به راستی که من آن را نمی بینم اگر
راهنمای من به سوی آن و خبر ده من بر آن نباشی.

خلوتت را نصیب من کن و مرا به عبادت مشغول ساز و آنچه که از
روزهای مهلت من که گذشت برایم فراهم آر، اگر باقی مانده عمرم اندک
باشد پس یک روز از روزهای اطاعت تو برای یک سال از سال های
معصیت سود می رساند و گناهم را پیوشان به آنچه از تو درخواست نمی
کنم و از معرفت آن بی نیازم و او نیست از جانب شما مگر از روی
بخشش و تو آن را تیره نمی سازی وقتی که آن را می بخشی.

ای بهترین آنکه به سوی او ناله شد و توکل شد از عیب جویی شیاطین و بد
گویی آن ها به تو پناه می برم که بعد از هدایت گمراه می کند و بعد از
فهمیدن، تبدیل می سازد و مانع راه هدایت و تقوا می شود اجابت کن ای
پروردگار جهانیان .

خدایا به راستی تو از من بی نیازی جستی و من به سوی تو نیازمند گشتم و من فقیر بی نوا درمانده توام که به رحمت تو نیاز دارم و تو بی نیاز از من و عذاب و شکنجه منی و من در معرض رحمت و رضایت تو قرار گرفتم و به آنچه نزد توست طمع ورزیدم ای خدا و مولای من پندارم را به تو نیک کردم، ای سرورم طمع مرا نا امید مکن و ترسم را محقق مساز و من به بخشش و کرم و آمرزش تو پناه آوردم پس مرا نا امید و خسران زده بر مگردان و دعایم را مستجاب کن و به آرزویم برسان و تمام علایقم را سبب خشم من قرار ده، مگر آنچه پسندیدی و طاعت خود را رضایت من قرار ده هر چند مخالف باشد با آنچه دوست دارم بر اساس آنچه دوست داشتی و نا پسند شمردی تا اینکه در تمامی آنچه بدان امر نمودی مطیع و شنونده و فرمانبر تو گردم و از تمامی آنچه نهی کردی دوری کنم و به تمامی آنچه برایم حکم کردی راضی شوم و بر نعمت های تو سپاس گزار باشم و در تمامی حالات ذاکر تو باشم.

ای سرور من، مرا از آن جهت که حفاظت می کنم یا نمی کنم نگاه دار و از آنجا که مراقبت می کنم یا نمی کنم پاس دار و از آنجا که می پندارم یا نمی پندارم روزی ده و از آن جا که امید دارم یا ندارم روزی بخش و من و فرزندان و پدر و مادرم و برادرانم از مردان و زنان مؤمن در دنیا و آخرت با بی نیازی و عافیت و شکر بر آن بپوشان تا راضی شوی و بعد از رضایت، مرا نیازمند هیچ از یک مخلوقات قرار نده. به راستی ای سرور من، تو اطمینان و امید و اعتماد و مولای من هستی و این جایگاه کسی است که در ادای حق تو اعتراف به تقصیر دارد و از فراوانی نعمت ها بر خودش برای تو گواهی دارد ای سرور من از فضل خود بر من ببخشای تا بر رحمت تو تکیه کنم و آن را نردبانی برگیرم و به سمت رضایت تو بالا روم و از عذاب تو ایمن گردم به راستی که تو هر آنچه خواهی حکم کنی و هر آنچه خواهی انجام دهی.

خدایا به راستی که من در حق خویش کوتاهی کردم و کردارم مختص خودم است و به گناهم اعتراف دارم، به خطایم اقرار دارم، کردارم مرا هلاک ساخت و علاقه ام مرا به نابودی کشاند و شهوت ها مرا به گناه وا داشت، ای سرور من از تو

می خواهم همچون کسی که به تو ایمان می آورد و تو را یگانه دانست و به قدرت تو یقین کرد و رسولانت را تصدیق نمود و از عذابت ترسید و در رحمت طمع ورزید درخواست کسی که نفسش سرگرم است به خاطر آرزوی طولانی اش و جسمش در غفلت است به خاطر آرامش رگ هایش و ذکرش اندک است از آنچه به سوی او می رود درخواست کسی که آرزو بر او غلبه کرده است و هوای نفس او را به فتنه کشاند و دنیا بر او چیره شد و اجل بر او سایه افکند درخواست کسی که گناهش بسیار گشت و به اشتباهش اعتراف کرد درخواست کسی که پروردگاری جز تو ندارد و سرپرستی برای او غیر تو نیست و نجات دهنده ای برای او وجود ندارد و پناهگاهی برای او نیست جز به سوی تو و جز تو سرپرستی ندارد.

خداوندا از تو می خواهم که قلب و پیشانی مرا بگیری و هر آنچه زمین از من در بر دارد به سوی محبت خود برگیری و هیچ کدام از آن را سبب دوری از خود و فاصله گرفتن قرار مده و از تو می خواهم ای پروردگار من که به محمد و خاندان او درود فرستی و ترس و بیم از خود را روزی ام گردانی و به آن دو مرا از غیر خود مشغول گردانی ترسی که بدان به بهشت و کرامت و بخشش تو دست یابم ترسی که به واسطه آن مرا خسته کنی و قلبم را مشغول گردانی جسمم را فرسوده کنی و رنگم را زرد گردانی و شبم را در راه رضای خود طولانی و چشم را بدان روشن کنی.

خدایا مرا از هر چیز به عبادت خود بی نیاز کن و با ترس خود مرا از دنیا بازدار و به رحمت خود خیر از کرامتت را به من عطا کن به سوی تو می گریزم و از تو به سوی تو فرار می کنم و بر رحمت و بخشش تو تکیه می کنم ای سرور من عفو تو را انتظار می کشم همانطور که گناهکاران در انتظارند و از رحمتت که نیکوکاران آن را توقع دارند نا امید نیستم.

خدایا ای سرور من و مولا و امید و انتهای آرزو و تکیه گاه من تو را به دعایی خواندم که آن را به من آموختی، پس مرا از پاداشی که آگاه کردی از نعمت محروم مکن ای سرور من که مرا به فراخواندن نیک خود هدایت کنی و نعمت کامل این است که چرا ای ستوده خود را بر من واجب گردانی ای بهترین کسی که دعا

کننده او را خواند و برترین کسی که امیدوار به او امید بست به ضمانت اسلام به تو توسل می جویم و به منزلت قرآن بر تو توکل می کنم و به محمد و خاندان او به تو نزدیکی می جویم ای سرور من پس بشناسان به من پیمانم را که بدان برآورده شدن حاجتم را امید داشتم.

خدایا تو را می خوانم خواندن اصرار کننده ای که از خواندن مولایش خسته نشود و به درگاه تو ناله می کنم همچون نالیدن کسی که بر نفس خویش اقرار به حجت می کند پس بر محمد و خاندان او درود فرست و گناهانم را با اعتراف ببخش و چهره درخواستم را هنگام بازگشت سیاه مگردان.

خدایا نفسم به سوی تو شتافت تا آن را مورد بخشش قرار دهی و دهان آرزوهایش را به سوی نگاهی از تو باز کرد که استحقاق آن را ندارد پس ای سرور من ببخش به تو هر آنچه را درخواست؛ زیرا آرزوی او از تو بخشش به چیزی است که درخواست کرد.

خدایا اگر تنها بر مطیعان امرت رحم کنی پس گناهکاران به سوی چه کسی ناله کنند و اگر تنها وفاداران خود را گرامی بداری پس بدکاران از چه کسی فریاد خواهی کنند خدای من به گناهانی دچار شدم که تو آن را می دانی، ای دانای نهان ها پس مرا به اطاعت خویش موفق بدار و از معصیت خود رها کن و مرا یا بنده مطیع خود قرار ده و آرام کن یا سرکش پس به من رحم کن.

خدایا اگر مرا عذاب کنی امید من مرا به پاداش نیک تو نزدیک می گرداند و اگر گذشت کنی ای مولای من پس از روی فضل توست و چنان چه عذاب کنی از روی عدل توست ای کسی که تنها فضل او امید می رود و تنها از عدل او هراسیده می شود به فضل خود بر ما منت نه و نهایت تلاش خود را در جاری ساختن عدلت بر ما قرار مده. خدایا تو را سپاس گفتم بدانچه تو سزاوار آن هستی و به یاری تو بر ثنای تو قادر گشتم و بر نفسم اقرار نمودم به آنچه سزاوار آن هستم و شایستگی آن را دارم به اندازه فساد نست و ضعف یقینم. خدایا بهترین خدا تو هستی و بدترین بنده من هستم، بهترین پروردگار تو هستی و بدترین پرورده شده من هستم، بهترین مولا تویی و بدترین مملوک منم گناه کردم و تو از گناهانم گذشتی و جرم نمودم و تو

جرم را بخشیدی و اشتباه کردم و تو مرا مواخذه نکردی و از روی عمد گناه کردم و تو از من گذشتی و لغزیدم و آن را پوشاندی و بدی کردم و تو درنگ کردی من ظالم خطاکار معترف به گناه و اقرار کننده به اشتباهم هستم ای آمرزنده گناهان.

امروز از تو برای گناهم طلب آمرزش می کنم و می خواهم که از لغزشم چشم پوشی برای آنچه از تکبر و گردنکشی که در آن بودم و راضی گشتم به آنچه مرا به سمت آن گرداندی و هرچند ضرر مرا آسیب رساند و فقر مرا خوار کرد و بلا به من رسید و به راستی که آن از خشم تو بر من است پس پناه می برم از خشم تو به رضایت تو ای سرور من اگر خواستی مرا امتحان کنی پس ضعفم و چاره اندکم را شناختی زیرا گفتم «به راستی که انسان سخت آزمند خلق شده است چون صدمه ای به او رسد عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد بخل ورزد». و گفتم: «اَما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید، و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد، می گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است». و گفتم «و اَما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند، می گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است». و گفتم «حَقّاً که انسان سرکشی می کند همین که خود را بی نیاز پندارد» و گفتم «و چون انسان را آسیبی رسد، ما را به پهلوی خوابیده یا نشسته یا ایستاده می خواند، و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می رود که گویی ما را برای گرفتاری که به او رسیده، نخوانده است» و گفتم «و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند، آن را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می کرد، فراموش می نماید» و گفتم «و انسان خیر را فرامی خواند، بد را می خواند و انسان همواره شتابزده است».

راست گفتم و نیکی کردی ای سرور من این ها صفاتی از من هستند که از آن ها آگاهم ای مولای من تقدیر تو در من جاری گشت و مرا وعده نیک دادی که تو را بخوانم و تو مرا اجابت نمایی و من تو را می خوانم همانطور که مرا امر کردی پس مرا اجابت کن همانگونه که وعده دادی و نعمت را بر من بازگردان و مرا از آنچه در آن هستم به بهتر از آن تغییر ده تا اینکه برسم به آنچه رضایت تو در آن

است و به آنچه نزد توست دست یابم که برای دوستانت آماده کردی به راستی که تو شنوای دانایی.

44. و از این جمله: دعای عظیم الشان از امام صادق علیه السلام به نام خداوند بخشنده مهربان امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی را بر این دعا و تسبیح آگاه نکنید مگر این که پنج خصلت را داشته باشد هدایت، تقوا، ورع، امانت داری و زهد و آن را به کم خردان نیاموزید. هر کس در عمر خود یک بار این دعا را بخواند ثواب آفریدگان خدا از ملائکه و فرزندان آدم و جنیان و انسان ها و ساکنان دریاها و بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و آنچه در آن هاست و زمین و آنچه در آن است و آنچه بر آن قرار دارد برای اوست و در پناه خداوند عزوجل است تا اینکه خدا را ملاقات کند اگر بیشتر از یک بار بخواند اهل آسمان ها و زمین از جنیان و انسان ها از وصف ثواب آن عاجزند و اگر هر جمعه بخواند خداوند او را از ایمنی یافتگان قرار دهد که هیچ ترسی ندارند و اندوهگین نمی شوند و اگر هر روز بخواند همین که بر زمین گام بر دارد آمرزیده شود و دعا این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان خدایی جز خدای یکتا نیست سپس خدایی جز خدای یکتا نیست به آنچه خداوند خود را بدان به یگانگی یاد کرد و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه مخلوقاتش او را به یگانگی یاد کردند و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ است به آنچه خلقش او را بزرگ دارند و پاک است خدا به آنچه مخلوقش او را بدان تسبیح گویند و سپاس از خداست به آنچه عرش او و هر آنچه زیر آن است او را سپاس گوید و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه عرش او و زیر آن او را به یگانگی یاد کنند و خدا بزرگ است به آنچه عرش او و زیر آن او را به بزرگی دارند و پاک است خدا به آنچه عرش و زیر آن او را تسبیح گویند.

و سپاس از آن خداست به آنچه آسمان ها و زمین و هر آنکه در آن هاست او را سپاس گوید و خدا بزرگ است به آنچه آسمان ها و زمین و هر آن که میان آن هاست او را بزرگ دارد و پاک است خدا به آنچه فرشتگانش او را تسبیح گویند و خدا بزرگ است به آنچه فرشتگان او را بزرگ نمایند.

سپاس خدا راست به آنچه عرش او را بدان سپاس گوید و خدا بزرگ است به آنچه کرسی اش او را بزرگ دارد و علمش او را احاطه کرد و سپاس مخصوص خداست به آنچه دریاها و آنچه در آن هاست او را سپاس گویند و خدایی جز خدای یگانه نیست آنچه در دریاها و آنچه در آن هاست او را به یگانگی یاد کردند و خدا بزرگ است به آنچه دریاها و آنچه در آن است او را بزرگ داشتند.

سپاس مخصوص خداست به آنچه آخرت و دنیا و هر آنچه در آن دوست او را سپاس گفتند و خدایی جز خدای یگانه نیست به آنچه آخرت و دنیا و آنچه در آن دوست او را به یگانگی یاد کردند و خدا بزرگ است به آنچه دنیا و آخرت و آنچه در آن دوست او را بزرگ داشتند و پاک است خدا به آنچه اهل آخرت و دنیا و آنچه در آن هاست او را تسبیح گفت.

سپاس خدا راست به میزان رضایت او و سنگینی عرش و نهایت رضایتش و آنچه برابری نداشته باشد و سپاس خدا قبل از هر چیز و همراه هر چیز و به تعداد هر چیز و پاک است خدا قبل از هر چیز و همراه هر چیز و به تعداد هر چیز و سپاس خدا راست به تعداد نشاه ها و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او خدایی جز خدا یگانه نیست به تعداد آیات و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او. خدا بزرگ است به تعداد آیات و نام ها و آکندگی بهشت و جهنم او.

و سپاس خدا راست که به ارقام و نیرو و حساب به شماره نیاید و پاک است خدا و بزرگ است خدا که به رقم و توان و حساب به شماره نیاید و سپاس خدا راست به تعداد ستارگان و آب ها و درختان و مو و خدایی جز خدای یگانه نیست به تعداد ستارگان و آب ها و مو و سپاس از آن خداست به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان و خدا بزرگ است به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان خدا پاک است به تعداد سنگریزه و هسته و خاک و جن و انسان.

و سپاس خدا را سپاسی که بعد از آن در علم او حمدی وجود نداشته باشد و خدایی جز خدای یگانه نیست تهلیلی که بعد از آن در علم او تهلیلی نباشد و خدا بزرگ است تکبیری که پس از آن در علم او تکبیری وجود نداشته باشد و پاک است خدا که بعد از آن در علم او تسبیحی وجود نداشته باشد.

سپاس خدا راست همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد و خدا بزرگ است همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد خدا منزّه است همیشه برای ابد و بعد از ابد و قبل از ابد و سپاس خدا راست به تعداد این و چند برابر آن و مانند آن و آن برای خدا اندک است [و خدا بزرگ است به تعداد این و چند برابر آن و مثل آن و آن برای خدا اندک است] و هیچ نیرو و قدرتی جز خدا وجود ندارد به تعداد تمامی این و طلب آمرزش میکنم از خدایی که زنده و پاینده است و جز او خدایی وجود ندارد به تعداد این. به سوی خدا توبه می کنم از هر اشتباهی که مرتکب شدم و هر گناهی که کردم و هر عمل زشتی که از من سر زد به تعداد این و نهایت علم و رضایت او.

ای خدای کمک کننده آفریننده دانا شکست ناپذیر چیره متکبر، پاک است خدا از آنچه شرک می ورزند ای خدای زیبای شکوهمند، ای خدا ای پروردگار کریم، ای خدا ای آغازگر بازگرداننده، ای خدا گسترده دانا، ای خدا ای مهربان بخشنده، ای خدا ای دانای دیرینه، ای خدا ای با عظمت کریم، ای خدا ای آگاه، ای خدا ای با عظمت شکوهمند، ای خدا ای قدرتمند امانت دار، ای خدا ای بی نیاز ستوده، ای خدا ای نزدیک اجابت کننده، ای خدا ای شکست ناپذیر حکیم، ای خدا ای بردبار کریم، ای خدا ای مهربان رحم کننده، ای خدا ای آمرزشگر سپاس گزار، ای خدا ای راضی به اندک، ای خدا ای پوشاننده زشتی ها، ای خدا ای بخشنده فراوان، ای خدا ای آمرزنده گناه بزرگ، ای خدا ای انجام دهنده به آنچه خواهد، ای خدا ای چیره غلبه کننده، ای خدا ای بزرگ بزرگمنش، ای خدا ای عظیم با عظمت، ای خدا ای والای بلند مرتبه، ای خدا ای بلند استوار، ای خدا ای به پا دارنده همیشگی، ای خدا ای توانای مقتدر، ای خدا ای چیره، ای خدای عافیت بخش، ای خدای یگانه ستوده، ای خدای قبض کننده بسط دهنده، ای خدا آفریننده روزی رسان، ای خدای برانگیزاننده وارث، ای خدای نعمت دهنده فزونی بخش، ای خدای نیکوکار زیبا کردار، ای خدای خواهنده درک کننده.

ای خدا ای نهایت آرزو از گرایندگان، ای خدا ای پناه پناه جویان، ای خدا ای نزدیک ترین نیکوکاران، ای خدا ای مهربان ترین مهربانان، ای خدا فریاد

خواهان، ای خدا ای عطا کننده درخواست کنندگان، ای خدا ای راحتی
بخش از اندوهناکان، ای خدا ای گشاینده گرفتاران، ای خدا ای زداینده
اندوه بزرگ، ای خدا ای نور پادشاه نور، ای خدا خیر در نزد تو خیر است،
ای خدا ای بخشنده از تو می خواهم به نام های رسا و رساننده، ای خدا ای
بخشنده از تو می خواهم به نام های شکست ناپذیر حکیم، ای خدا ای
بخشاینده از تو می خواهم به نام های پسندیده والای شریف، ای خدا ای
بخشنده از تو می خواهم به نام های پنهان در امان کامل فراوان، ای خدا
ای بخشاینده از تو می خواهم به آنچه مورد رضایت توست ای خدا ای
بخشاینده.

از تو می خواهم بر محمد و خاندان او درود فرستی قبل از هر چیز و به
تعداد هر چیز درودی که جز تو بر شمارش آن توان نباشد و به تعداد آنچه
کتابت به شماره در آورد و علمت به آن احاطه کند و در حق ما آنچه کنی
سزاوار آنی نه آنچه که من شایسته آن هستم و از حاجات دنیا و آخرت
خویش را می خواهم انشاء الله و درود و سلام بر محمد و خاندان او.

ص: 572

باب صد و سی ام : ذکر برخی از دعا‌های مستجاب و دعا پس از اجابت دعا و آنچه متناسب با این باب است

اشاره

می‌گوییم: روایتها و دعا‌های این باب بسیار است و پاره‌ای از آن در بابهای پیشین ذکر شد و در اینجا گوشه‌ای از آن را ذکر میکنیم.

روایات:

1. العتیق الغروی: دعایی مستجاب که بنابر روایتی از مولایمان اپی ابراهیم موسی بن جعفر صادق صلوات الله علیه است، هیچ اندوهگینی آن را نخواند مگر اینکه خداوند از او گره‌گشایی کند و هیچ گرفتاری آن را نخواند مگر اینکه خداوند گرفتاری او را برطرف نماید و از عذاب قبر حفظ کند و روزیاش را وسعت بخش و در روز قیامت او را در زمره صدیقان و شهیدان محشور نماید، و پاداش آن در نزد خداوند به تعداد کسانی است که خداوند سبحان را میخوانند، هرچه از او درخواست کند، عطا فرماید و تمامی گناهان او را بیامرزد هرچند اگر گناهان او به اندازه ریگ های بیابان باشند.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان، خداوندا تو پاک و ستایش مخصوص توست تو را ثنا گویم و امیدی نیست که ثنایی من یا عمل اندک و کوتاهی ستایش به تو و بزرگی تو برسد. تو آفریننده و من آفریده‌ام تو روزیرسان و من روزی داده شده‌ام، تو پروردگار و من پرورده‌ام، من به سوی تو ضعیفم و تو قدرتمندی، من درخواستکننده و تو بینیازی، فرمانرواییات از بین نمیروند و عزتت نابود نمیشود و مرگ به تو راهی ندارد، و من مخلوقی هستم که میمیرم و نابود میشوم و از بین میروم و تو آن بینیازی هستی که غذا نمی خورد و یکتا و یگانه‌ای که شبیهی ندارد

ص: 573

و دائم بدون هیچ زمانی و پایدار تا هیچ نهایی و در قدرت یگانه‌ای و بر امور چیره‌ای بدون اینکه فنا و نیستی به تو راه یابد، هر طور که خواهی، به هر کس که خواهی، عطا کنی.

با بندگی کردن، پرستیده و با نعمتها ستایش میشوی و به واسطه عذاب‌های از تو بیم میرود، زنده‌ای که نمیمیرد، بینازی که غذا ندارد، و پایداری که خواب بدو راه ندارد، جباری که ستم نکند و پنهانی که به چشم نیاید، شنونده‌ای که شک نکند، به صبری که تردید ندارد، بینازی که محتاج نشود، دانایی که جهل ندارد، آگاهی که فراموش نمی کند، بزرگی را با عزت آغاز کردی و فخرها را با بزرگمنشی در برگرفتی و زیبایی را با هیبت و جمال و نور شکوهمند ساختی، عظمت را با سلطه والا و عزت رفیع و فرمانروایی آشکار و شرف چیره و کرم فاخر و نور تابان و نعمتهای هویدا و اسمهای زیبا و بخششهای فراوان و منتهای پیشاپیش و رحمت گسترده متمایز گردانیدی.

وجود داشتی آن هنگام که چیزی نبود، و عرش تو بر آب بود چون نه زمین گسترانیده شده بود و نه آسمان برافراشته شده بود، خورشیدی نورافشانی نمیکرد و ماهی روان نبود، و ستاره‌های حرکت نمیکرد و نه هیچ ستاره ای درخشان و ابری پدیدار و نه دنیایی معلوم بود و نه آخرتی فهمیده میشد و تو میمانی تنهای تنها همانطور که تنها بودی و به هر آن چیز که بود قبل از آنکه وجود پیدا کند، علم داشتی و هر آنچه که بود بعد از آنکه وجود پیدا کند، حفظ کردی، انتهای برای نعمتهای تو نیست، علم تو به هر آنچه اراده کنی، و بخواهی، راه یافت، از تبدیل زمین و آسمانها و آنچه در آنها پدید آوردی و خلق کردی و به وجود آوردی، و تو میگویی موجود باش پس وجود پیدامیکند، خدایی جز تو نیست، یکتایی و شریکی نداری.

تو خدا خدا خدای بلند مرتبه عظیمی، زنده پایدار، خدا خدا خدای بردبار و بزرگوار و خدا خدا خدای یگانه بیناز، خدا خدا آفریننده آسمانها و زمین، عزت تو عزیز و پناه تو بلند و امر تو چیره است، تو فرمانروای چیره شکستناپذیر

فاخری، خدایی جز تو نیست، در ملکوت خلوت گزیدی و در جبروت نهان گشتی و چشمان فرشتگان مقرب تو، حیران شد و افکارشان در عظمت تو پریشان گردید.

خدایی جز تو نیست، از اوج رفعت و بلندی جایگاهت، آنچه در زیر خاک است، و انتهای زمینهای فرودست، از علم آخر و نخستین و تاریکیها و سیاهی شب را میبینی، پراکنده شدن در خاک و حرکت مورچه بر سنگ سخت را میبینی و پر زدن پرنده در هوا را میشنوی و از چرخش موجها در آب، آگاهی، درخواست کننده را عطا میکنی، و مظلوم را یاری مینمایی و درمانده را اجابت میکنی، بیمناک را امنیت میبخشی و راه مینمایی و شکسته را ترمیم میکنی و فقیر را بیناز میکنی قضای تو محکم و حکم تو عدل است و امر تو دوراندیش و وعدهات راست است، خواست تو عزیز و گفتارت حق و کلامت نور و اطاعت از تو نجات است.

در آفرینش شریکی نداری، و اگر برای تو شریکی بود، امر بر ما مشتبّه میگشت، و هر خدایی آنچه را آفریده بود، میبرد و بسیار بلندی مییافت، شأن تو از همجواری با شریکان منزّه است و بلندتر از آنی که با شریکان در آمیزی و از تماس با زنان، پاک گشتی پس نه فرزندی داری و نه پدري، و اینچنین وصف کردی در کتاب پنهان پاک فرو فرستاده شد، برهان درخشان که بر محمد صلی الله علیه و آله پیامبر هدایت و پیغام آور رحمت، قرشی، پاک، با تقوا، بیآلایش، ابطحی، مضدی، هاشمی فرستادی درود و سلام و رحمت و بزرگواری تو بر او و خاندانش.

به نام خداوند بخشنده مهربان بگو خدا یکتاست، خدای بیناز نزایید و زاییده نشد و هیچ همتایی ندارد، خدایی جز تو نیست، هر عزتمندی در برابر عزت تو خوار گشت و هر بزرگی در برابر عظمت تو کوچک شد، تو را به هراس نیاندازد شب تاریک و قلب تپنده و کوه مرتفع و بلند سر به فلک کشیده و آسمان دارای برجها و دریای مواج و حجاب هایی که ممکن نیست گشودن آنها و زمین دارای درهها و شب تاریک و تاریکیهای سخت سیاه و نه دشت و کوه و خشکی و دریا و درخت و گل و هیچ چیز از تو پنهان نیست و هیچ پردهای مانع تو نشود و چیزی از دست تو نرود.

راز در نزد تو آشکار است، نهان در نزد تو هویدا، پندار دلها و انداختن غیبهها و تکرار زبانها و خیانت چشمان و آنچه در سینهها مخفی است را میدانی، و تو امید ما در تمام سختیها هستی، و فریادرسان در هر مکان و سرورمان در هر ناگواری و یاورمان در تمام ظلمها و قدرتمان در نزد تمامی ضعیفان و ریسای ما در هر ناتوانی هستی، چه بسیار ناگواریها و سختیهای که قدرت در آنها ضعیف شد و تدبیر اندک گشت و رفیق خود را تسلیم کردیم و دلسوزمان را تنها گذاشتیم و آن را به نزد تو آوردم. ای پروردگار من و غیر تو را امید ندارم، پس آن را گشودی و از سنگینیش کاستی، و آن را از بین بردی و آن را برای ما از غیر خود کفایت نمودی.

سپاس مخصوص توست، مسألت کننده از تو رستگار گشت و درخواست کننده از تو کامیاب شد، آنکه در جوار توست عزیز گشت و داد و ستد با تو سودآور بود، ستایش تو شکوهمند گشت و نامهایت پاک مقدس گشت و فرمانروایات برتری یافت و امر تو چیره شد و خدایی جز تو نیست.

از تو میخواهم ای پروردگار من، به نامهای بلند گرامی پاک مقدس عزیز و به نام بزرگت که به واسطه آن موسی علیه السلام را برانگیختی آن هنگام که گفتی به راستی که من خدا هستم در روزگار پاینده و به آگاهیات از غیب و قدرتت بر مخلوقات، و به نامت که در اطراف کرسی تو نوشته شد و به کلمات کامل تو، ای عزیزترین یاد شده و دیرینهترین در عزت و پایدارترین در فرمانروایی و جبروت، ای رحمکننده بر هر آنکس که رحم طلب کند، ای مهربان به هر بیچاره و ای نزدیکترین کسی که خوانده شود، و ای سریعترین فردی که اجابت کند، ای گشاینده از هر ماتمزده و ای بهترین کسی که خیر از او درخواست شود و ای سریعترین در بخشش و کامیابی و ای که مهربانی و فضل تو بهتر است.

ای کسی که فرشتگان از نور فروزان تو به دور کرسی و عرش بیم دارند، در حالی که به صف کشیده ایستادهاند تو را تسبیح گویند طواف میکنند، خاضعاند و اعتراف میکنند، ای کسی که از او به خودش شکایت میکند و از ترس عذاب او، از او به خودش در بیداری شبها گراییده میشود، ای انجام دهنده خیر، که پیوسته خیر از کارهای اوست، ای که مخلوقاتش را در آن روز که آفریدگان و بندگان را

روی زمین بر میانگیزاند اصلاح کند، پس میایستند و مینگرند، ای کسی که هرگاه قصد چیزی را کند آن را قطعی میگردداند، ای کسی که گفتار او کردار اوست، ای آنکه هر چه بخواهد و هر گونه بخواهد، انجام دهد و آنچه را دیگری خواهد، انجام ندهد.

ای کسی که خویش را به جاودانگی و ماندگاری اختصاص داد و مرگ و نیستی را بر دیگر مخلوقاتش واجب گردانید، ای کسی که آنچه را خواهد و هر گونه که بخواهد در رحمتها به تصویر میکشد، ای کسی که علمش همه چیز را فرا گرفت و هر چیز را به شماره درآورد، هیچ شریکی در فرمانروایی نداری و هیچ سرپرستی از خواری برای تو نیست، به جبروت عزت یافتی و به ملکوت مقدس گشتی و تو زندهای که نمیمیرد و تو شکستناپذیری هستی که انتقام میگیرد، پایندهای که خواب ندارد، چیره‌ای که مغلوب نشود و دست یافتنی نیست، صاحب قدرتی که مقهور نگردد.

تو مالک این فرمانروایی و گرداننده آسمان هستی، از روی گشادگی، عطا میکنی و به قدرت خود باز میداری، و فرمانروایی را به هر کس خواهی، میدهی و از هر کس بخواهی، میگیری، هر کس را خواهی عزت بخشی و هر کس را خواهی ذلیل کنی، خیر تنها به دست توسست، به راستی که بر هر چیز توانایی. شب را به روز وارد میکنی و روز را به شب، زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج میکنی و هر کس را خواهی، بیهساب روزی بخشی.

از تو می‌خواهم بر مولا و سرورمان و فرستاده‌ات محمد محبوب خالص و برگزیده خاص خود درود فرستی او کسی که او را به زندگانی و واگذار کردن، ویژه گردانیدی و او را امین وحیت و جایگاه پنهان ساختن رازت و علم نهانت گردانیدی و او را بر مخلوقات خویش برتری دادی و به خود نزدیک ساختی و او را از مردمان خود برگزیدی، انذاردهنده بشارت بخش، چراغ فروزانی که او را با قدرت خویش تأیید نمودی و برای خود خالص گردانیدی و درود تو بر برادر و جانشین و داماد و وارث او و خلیفه تو بعد از او، بر زمین و مخلوقات، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و بر دختر گرامی پاک فاضل درخشان و روشن فاطمه و بر فرزندان‌شان

حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت فاضلان برتران پاکان تقوایندگان شهیدان نیکوکاران و بر علی بن حسین زینت بندگان و سرور آنان صاحب پینه ها و به محمد بن علی باقر، جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی رضا و محمد بن علی جواد و علی بن محمد و حسن بن علی عسکری، و منتظر امر تو، به پادارنده آنچه رضایت توسست در زمین و حجت تو بر مخلوقات، خلیفه تو بر بندگان هدایت شده، فرزند راهیافتگان و رهنمون شده فرزند ارشادکنندگان به راه راست، درودی کامل، عمومی، همیشگی، فزاینده، ماندگار، فراگیر، پیوسته و ما را بیامرزی و رحم کنی و گرفتاری و غم و اندوهمان را بزدایی.

خدایا از تو میخواهم و از غیر تو مسألت نمیکنم، به سوی تو میگیریم و به غیر تو تمایلی ندارم از تو میخواهم به تمامی درخواستهایت، و محبوبترین آنها در نزد تو، تو را میخوانم و به درگاهت ناله میکنم، و به محبوبترین نامهایت و پربهرترین آنان در نزد تو توسل میجویم و تمامی آنها در نزد تو دارای مرتبه اند، بر محمد و خاندان او درود فرستی و شکر نعمتها و صبر در بلاها و پیروزی بر دشمنان را روزیام گردانی و خیر سفر و حضور و قضا و قدر و خیر آنچه در ام الكتاب گذشت و خیر روز و شب را عطا کنی.

خداوندا نیکویی ذکر ذاکران را روزیام گردان، ای پروردگار جهانیان و خشوع خاشعان و کردار صالحان و شکیبایی صابران و پاداش نیکوکاران و سعادت تقوایندگان و پذیرش رستگاران و عبادت نیک عبادتکاران و توبه توبهکنندگان و اجابت مخلصان و یقین صدیقان را روزیام گردان، محبت را بر من بیوشان و ترس از خود و پیروی امر و اطاعت خود را به من الهام کن، مرا از خشم خود رها ساز و راهی به سوی تمام خوبیها برایم قرار ده و هیچ راهی برای تسلط شیطان و حاکم بر من قرار مده، مرا از شر آن دو و نهان و هویدای آن کفایت کن.

خدایا آمادگی به هنگام مرگ و به دست آوردن خیر قبل از مرگ را روزیام کن، تا اینکه آن را توشهای برای آخرتم و انسی در تنهاییم قرار دهی، ای سرپرست نعمت من، اشتباه مرا بیامرز و از لغزش من درگذر و لغزش مرا چشم پیوش، گرهام را بگشای و با اجابت خویش گرمای تشنگی ام را خنک گردان، حاجتم را برآور، و با

بینیاز خود فقر مرا بر بند و در دنیا و آخرت مرا یاری کن و یاریام را نیک گردان و بر غربت من در دنیا و ناله‌ام به هنگام مرگ و وحشتم در قبرها و تنهاییام میان لایه‌های خاک رحم کن و هنگام سوال، حجت‌م را بر من تلقین فرما و زشتی‌ام را بپوشان، و بر لغزشم مواخذه مکن، خوابگاهم را نیکو و زندگیام را گوارا گردان.

ای همراه دلسوز و ای سرور همراه من، ای مونس من در هر راهی، ای خارجکننده من از تنگنا و ای فریادرس فریادخواهان و ای گشاینده گره از گرفتاران و ای دوست توبهکنندگان و ای نور چشم عبادتکنندگان، ای یاور اولیای تقوا پیشه‌اش، ای مونس دوستان به وحشت افتاده‌اش. ای مالک روز جزا، ای پروردگار جهانیان و ای خدای اولین و آخرین به تو چنگ زدم و به تو اطمینان کردم، بر تو توکل نمودم و به سوی تو باز گشتم و به سبب تو یاری جست‌م و به تو بازداشت‌م، به سوی تو گریختم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و خیری که به دیگران عطا کردی، بر من ببخشای و مرا با آنان که هدایت کردی، هدایت کن و با آنان که عافیت بخشیدی، عافیت ده، و با آنان که کفایت کردی، کفایت کن و مرا از شر آنچه معین کردی محفوظ بدار، به راستی که حکم میکنی و بر تو حکم نمیشود.

هیچ بازدارنده‌ای برای آنچه بخشیدی نیست و نه گمراهکننده ای برای کسی که هدایت کردی و نه خوارکننده کسی که به دوستی گرفتی و نه یاریکننده‌ای برای کسی که دشمن داشتی و هیچ پناه و پناهگاهی جز به سوی تو نیست، کارهایم را به تو واگذار کردم، بهره‌ای از هر نیکی و سلامتی از هر گناه روزیام کن. ای شنونده هر صدایی، ای زندهکننده جانها بعد از مرگ، ای کسی که از تمام شدن بیمی نداری، بر محمد و خاندان وی درود فرست و روزیام را فراهم کن، به راستی که من از درخواست آن ناتوانم و درخواستم را بر صورتم مزن و مرا از روزیام محروم مگردان، و اجابت را از من باز مدار، و درخواستم را متوقف مکن، حیرتم را افزون مکن، ولایت و وسیله‌ام را شفیع گردان، به محمد و پیامبرت و برگزیده‌ات و ویژه‌ات و خالص تو و فرستاده بیمدهنده پاک طاهر و برادرش امیر مؤمنان و فرمانده مؤمنان به سمت بهشت و به فاطمه آن بزرگوار نورانی پاک و امامان مطهر و برگزیده از فرزندان‌ش، درود خدا بر تمامی آنان.

روزی گسترده را روزیام کن و تو بهترینی روزیرسانانی، و به آنان وسیلهام را به تو عرضه داشتم و به واسطهی تو به سوی تو روی کردم، ای نیکوکار ای مهربان ای رحمکننده ای خدا ای صاحب بلندیاها ای صاحب بلندیاها به راستی که هر کس را خواهی بیحساب روزی رسانی، خدایا بر محمد و خاندان وی درود فرست و بر ما رحم کن و ما را از آتش رها کن و ما را ختم به خیر گردان به راستی که به هر چیز توانایی اجابت فرما اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

2. مهج الدعوات: در مجموعه دعاهاهی مستجاب از پیامبر و امامان علیهم السلام یافتیم که قطع آن کمتر از یک هشتم و نزدیک یک ششم بود، اول آن دعایی مستجاب است که: «خدایا امیدت را در قلب من بیانداز» و در آخر آن چنین بود: دعای امام حجت علیه السلام: «خدایا به حق کسی که تو را مناجات کرد و کسی که در دریا و خشکی تو را فراخواند، عطا کن بر مردان و زنان مؤمن بی نیازی و توانمندی و بر مردان و زنان مؤمن شفا و سلامتی را و بر مردان و زنان مؤمن لطف و کرم خود را و بر اموات مرد و زن مؤمن آمرزش و رحمت را. و مردان و زنان مؤمن غریب را به سالم و بهره مند به وطن هاشان باز گردان به حق محمد و خاندان او تمامی آنها».

(1)

3. دعوات الراوندی: زین العابدین علی علیه السلام هنگام استجابت دعای خویش چنین دعا میفرمودند: خدایا درخواست تباه گشت و تدبیرها جز در نزد تو ناتوان شدند و راهها تنگ شد و خواستهها بازداشته شد و آرزوها دشوار گشت و راهها جز به سوی تو به بنیست رسید، آرزوها گسست و امید جز از تو بریده شد، اطمینان ناامید شد. و تنها به تو سوء ظن ندارم، خدایا من راههای خواستهها را تنها به سوی تو هموار میبینم و آبشخورهای امید تنها به سوی تو گشوده شد، میدانم که تو در برابر کسی که تو را خواند، در جایگاه اجابتی و کسی که تو را فریاد کند به فریادش می رسی و کسی که قصد تو را کند، فاصلهایش به تو نزدیک میشود، و مناجات بنده با تو از شنیدن تو پنهان نیست، و به راستی در حسرت به بخشش تو و

ص: 580

خشنودی به وعده‌ها و آرام گرفتن به تضمین تو جایگزین ممانعت فرومایگان و گشایش از آنچه در اختیار سودجویان است و دریافت خیر وارثان می باشد، پس بر خدایی که جز تو نیست، گناهان گذشته مرا بیامرزد و مرا در باقیمانده عمرم محفوظ بدارد و درهای رحمت و بخشش را بر من بگشا که آنها را بر دوستان و برگزیدگان خود نمیبندی ای مهربانترین مهربانان.

از امامان علیهم السلام روایت است که به هنگام استجابت دعا مستحب است نماز شکر خوانده شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه خداوند بر تو نعمتی بخشید دو رکعت نماز بگزار، در رکعت اول فاتحه الكتاب و قل هو الله احد و در رکعت دوم فاتحه الكتاب و قل یا ایها الکافرون خوانده شود، و در رکوع و سجده رکعت اول هفت مرتبه بگوید: «الحمد لله شکراً شکرّاً و حمداً حمداً» و در رکوع و سجده رکعت دوم بگوید: «الحمد لله الذین استجاب دعایی و أعطانی مسألتی و قضی حاجتی: سپاس خدایی که دعایم را مستجاب نمود و خواستم را به من بخشید و حاجتم را روا کرد».

ص: 581

روایات:

1. مکارم الاخلاق: نسخهای از یک رقعہ، با قلم کارنکرده میان سطرهای نوشته یا رقعہ دربردارنده حاجت این دعا نوشته میشود، به گونهای که هیچ سطر آن از این حروف خالی نماند. «محمد و علی و خضر علیهم السلام، ابوتراب، به نام خداوند بخشایشگر مهربان، فرمانروای حق آشکارکننده به راستی که خداوند به صابران وعده داد تا از آنچه ناپسند دارند، خارج شوند و از آنجا که نمیدانند، روزی داده شوند، و خداوند شنوای داناست، خداوند ما و شما را از کسانی که هیچ ترسی بر آنان نیست و اندوهگین نمیشوند، قرار دهد، خدایا از تو میخواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی - تا اینکه میگویی - و جانشین حجت قائم منتظر صلوات الله علیه و سلم تسلیم، بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و کار مرا آسان، ممکن گردانی و مرا بر آن چیره سازی و خیر آن را روزیام گردانی و از شر آن دور کنی، به مهربانیت ای مهربانترین مهربانان». (1).

خاتمه

بدان که دعا‌های صحیفه سجادیہ نیز از بزرگترین دعاهاست و دربردارنده دعا‌های معروف و فراوانی در بسیاری از موضوعات است، و چندین نسخه و روایتهای مختلف و به طرق متفاوت، برای آن دیدم که برخی از آنها مشهور و برخی غیرمشهور است، و ما از ذکر آن در این کتاب خودداری کردیم، مگر چند

ص: 582

مورد استثنایی که آن را به خاطر شهرت برخی از نسخه‌ها و به این دلیل که باقی آن را در شرح خود بر صحیفه کامله به اسم الکلمات الطریفه فی شرح الصحیفه آوردیم.

سپس می‌گوییم: نسخه‌های از صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام یافتیم که خداوند متعال بر او نازل کرد، و ابن مَتَّوِّیه آن را از زبان سریانی به زبان عربی ترجمه کرد و از آنجایی که خالی از ظرافت و تازگی نیست، خواستم که آن را در اینجا ذکر کنم.

به نام خداوند بخشنده مهربان

سپاس خدا را بر نعمتش و درود او بر محمد و خاندانش، احمد بن حسین بن محمد معروف به ابن مَتَّوِّیه نقل کرد: این صحیفه‌ها را به زبان سریانی از آنچه بر ادریس پیامبر اخنوخ صلی الله علی محمد و علیه نازل شد یافتیم، در حالی که پاره و فرسوده گشته بود، پس آن را به زبان عربی برگرداندم پس از اینکه بسیار تلاش نمودم تا هر لفظ عربی را در جایگاه معنای آن در زبان سریانی قرار دهم و از هر گونه افزودن و کاستی، دوری کردم و هیچ معنایی را به هدف زیبا نمودن لفظ و اندازگیری سجع تغییر ندادم. بلکه نیت من، آوردن آن به همان صورت خود بدون هیچ کاستی و افزایشی بود، توکل بر خداست و استعانت به واسطه اوست، نیرو و قدرت از اوست، خداوند ما را کافی است و بهترین کارگزار است.

صحیفه اول، صحیفه حمد

سپاس خدایی که آغازگر نعمتها بر مخلوقاتش بود و سایه‌های رحمت خویش را بر آنان گستراند، و شکر آنچه بر آنان روا کرد را واجب نمود و با منت خویش آنان را بر آنچه واجب کرده بود، توفیق داد، و راه هدایت خویش را بر آنان هموار ساخت تا مستحق آمرزش گسترده او گردند، و به توفیق اوست که به طاعتش برخاستند و به نگاهداری اوست که مؤمنان از معصیت او امتناع ورزیدند، و به نعمت اوست که سپاسگزاران حق نعمتش را به جای آوردند و به دست اوست که مسلمانان به رحمتش دست یافتند.

پاک است، کسی که تنها به واسطه خودش به او پناه برده میشود و از او تنها به سوی او گریخته میشود، خجسته باد کسی که موجود زنده را از آبی پست آفرید و آنان را در جایگاهی استوار قرار داد، و سپس آنان را در آفرینش و خلق و خوی به گونهای متفاوتی ایجاد کرد، و عمرها و روزهای برای آنان مقدر ساخت که تغییر نپذیرند، آسمانهای برافراشته و زمینهای پست و آنچه میان آنها و زیر خاک است با زبانهای فصیح و غیرفصیح و آثاری رسا و غیررسا او را تسبیح گفتند، تسبیح آنان بر عارفان پیداست و پرتوهای تقدیس او بر مؤمنان پنهان نیست، در هر نگاهی برای او نعمتهای بی حد و مرزی است و در هر لحظهای بخششهایی است که به شمار نیاید، فهمها در جبروت او گمراه شدند و وهمها در ملکوت او حیران گشتند، هیچ رسیدنی جز به او تحقق نپذیرد و هیچ پناهگاهی جز به سوی او نیست، آن است خدا پروردگار جهانیان.

صحیفه دوم، صحیفه آفرینش

ای اخنوخ هر کس مرا شناخت، رستگار گشت و هر کس مرا انکار کرد هلاک شد، در شگفتم از کسی که از من گمراه شد و در پارهای از اوقات به دنبال خلوت کردن با من نیست، چگونه خلوت کند در حالی که من از هر نزدیکی به او نزدیکترم، و فاصله ام از رگ گردن به او کمتر است، ای انسانی که در ساختارش نزد خود، بزرگ است و به هنگام همتش در ارکان خویش قدرتمند است، آیا از نطفهای ریخته شده و آفریده نشدی و از مکانهایی آلوده خارج نگشتی، همچون آب لزجی از صلب پدران به رحم زنان فرو آمدی، سپس امر من تو را فرا گرفت و گشتی و اگر چشمها تو را میدیدند، تو را پلید مییافتند و چنانچه جانها در تو تامل میکردند سپس به قدرت من غضروفی گشتی که در نگاهها زیبا نمینمودی و هیچ فایدهای نداشتی، سپس امری از امر خویش را بر تو فرستادم، پس اندامهای تو یکی یکی آفریده شد و مفضلهای تو در اندازه قرار گرفت، از استخوانهایی پوشیده و رگهای پیچیده و عصبهای متناسب و رباطهایی گیرنده سپس تو را با گوشت

پوشاند و لباس پوست بر تو قرار داد و از چیزهای متضاد، جمع گشتی و از گونه‌های متفاوت، آفریده شدی.

پس به قدرت من، آفرینشی زیبا میگردی که روحی در تو نیست تا تو را به حرکت اندازد و نه قدرتی که تو را بر پای دارد و اندام تو نرم بی هیچ نا راستی و اعضای بیهیچ قوامی بود، پس روح را در تو میدم و به تو زندگی میبخشم و تو به اذن من انسانی میگردی که اختیار سود و زیان خود را ندارد و مرتکب هیچ خیر و شری نمیشود، جایگاه تو نزد مادرت در زیر ناف است گویی تو در کیسه ای قرار گرفتی تا اینکه حکم من تو را فرا گیرد و از آنجا به گستره فضا منتقل شوی. پس دریافت کنی آنچه از سعادت و شقاوت که برای تو مقدر گشت تا سرحدی از ماندن که پیش میآید، هیچ شکی در نابودی وجود ندارد، آیا تو خود را آفریدی و جسم خویش را متناسب گردانیدی و روح را دمیدی.

اگر تو چنین کردی، در حالی که نطفهای پست و خون بسته ناچیز و جنینی بسته شده در کیسه بودی، پس اکنون که در کمال اندام و تر و تازگی و مفاصل شکل گرفته و عنفوان جوانی هستی، قدرت و توان بیشتری داری، پس عضوی دیگر برای خود بیافرین و نیرویی در کنار قدرت خویش بیاور، و اگر تو در آن حالات، دردها و بیماریها را از خود دور کردی، پس اکنون بیماریهایت را برطرف کن، و دردهایت را از خود دور بدار، و اگر روح را بدن خویش دمیدی و زندگانی که به تو دست یازید، آوردی، پس مرگ را هر آنگاه که بر تو وارد شد، دور ساز بعد از فرا رسیدن مرگت، یک روز بیشتر بمان.

و اگر به چیزی از آن توانا نیستی و از تمامی آن ناتوانی، بدان به راستی که تو مخلوقی و قطعاً من آفریدگار توام، و تو ناتوان و قادر توانایم، در این هنگام مرا بشناس و حق بندگیام را به جای آور، و نعمتم را شکر کن تا بر آن بیافزایم، و از خشم من پناه جوی تا تو را پناه دهم، به راستی من خدایی هستم که از آنچه میآفرینم خسته نمیشوم و از آنچه روزی میدهم، در نمی مانم. کار من اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کنم به او میگویم باش پس موجود میشود.

ای انسان، بنگر و اندیشه کن و تدبیر و تفکر کن، آیا غیر از من کسی هست که تو را روزی رساند، آیا تو را از جایگاه تنگ خود در رحم به سوی نعمتهای گوناگون خارج نساختم؟ تو را از تنگی به گشایش و از خستگی به راحتی و از تاریکی به نور خارج کردم سپس سستیات از آنچه تو را به پا دارد و ناتوانیات از آنچه که از دست تو برود، دانستم پس از سینه مادرت، دو چشمه برای تو جاری ساختم که غذا و آشامیدنی تو از آنها و غذا و رشد تو در آن دو بود، سپس قلب او را بر تو مهربان گردانیدم و محبتش را به سوی تو برگردانیدم، تا با آزاری که به او میرسانی خسته نشود و با سختیهایی که به او میرسانی تو را نیاندازد و با فراوانی ناپاکی هایت تو را نیالاید، و با اینکه آلودگیها و ناپاکیها تو پیدری است، تو را آلوده نگذارد، گرسنه میشود تا سیر گردی و تشنه میشود تا سیراب گردی و بیدار میماند تا به خواب روی و خسته میشود تا راحت باشی و رنجور می شود تا تو را بخشاید و آلوده میگردد تا پاک باشی، اگر محبت او را بر تو نیافکنده بودم، در اولین آزاری که به او میرسانی، تو را میانداخت علاوه بر اینکه در هر حال تو را ترجیح دهد و تو به او توجه نکنی، و اگر تو را به توان خودت سپرده بودم و قدرت و قوام تو را از تلاش خودت قرار داده بودم، به سرعت مرده بودی و تباه میگشتی.

این عادت من در نیکی کردن و رحمت به دوست تا اینکه بزرگ شوی و بعد از آن تا فرا رسیدن اجل تو، در تمامی اوقات زندگيات، آنچه صلاح کار تو در آن است از قبیل افزودن بر آفرینش تو و آسان کردن روزیات فراهم میکنم، و در طول زندگيات، به میزان کفایت تو، برایت مقدر کردهام که از آن فراتر نمیروی، هرچند که خود را خسته کنی، و از دست تو نمیروود هرچند که در آن کوتاهی نمایی، اگر میپنداری تو آورنده روزی هستی، پس چرا میخواهی بر آن بیافزایی و نمیتوانی؟ یا اینکه خود را در طلب چیزی خسته میکنی و به آن نمیرسی؟ و غیر آن، ناگهان به تو میرسد و به آن فکر نمیکردی و برای آن رنجی نکشیدی یا اینکه چرا کسانی که از تو عاقلترند و بسیار در طلب رزقاند را میبینی که محروم ماندهاند و از همه جا بریده شدهاند، و کسی هم که عقلش از تو پایینتر و طلبش از تو کمتر است، را

خوشبخت و در امان میبینی، آیا تو خود را میبینی که برای آشامیدن و خوراک خویش دو مشک شیر در سینه مادرت قرار دادی، یا خود را چنین میبینی که بیماری را در وقت سلامتی بر خود مسلط گردانی و یا شفا را به وقت بیماری برای خود آوری، آیا نمینگری به پرندهای که با شکم خالی صبح میکند و شب میکند در حالی که سیر است؟ آیا او کشتهای دارد که آن را بکارد یا مالی که آن را جمع کند یا پیشهای که در آن تلاش نماید یا چاره اندیشی که با به کار بستن آن متمایز گردد.

ای غافل، بدان که تمامی اینها در تقدیر من است، و در تدبیر خویش همتا و مخالفی ندارم و از آن کاسته و افزوده نمیشود، زیرا من خداوند مهربان حکیم هستم.

صحیفه چهارم، صحیفه معرفت

هر کس که مخلوق را بشناسد به آفرینشگر معرفت پیدا میکند و هر کس روزی را بشناسد روزیدهنده را میشناسد، و هر کس خودش را بشناسد پروردگارش را میشناسد، هر کس ایمانش خالص گردد دینش در امان است چگونه معرفت خدا را پنهان میداری؟ در حالی که دلیلهای روشن و برهانهای یگانگی او، آشکار است، در شگفتم از کسی که از خداوند بپناز است؟ و در جای هر گام و پلک زدن چشم و تماس دست نشانهای روشن و حجتی قاطع بر این است که خداوند تبارک، یگانهای است که شریکی نمیپذیرد و جباری که مقاومت نمیکند و دانایی که جهل به او راه ندارد، و شکستناپذیری که خوار نمیگردد و توانایی آگاه و سازندهای حکیم در ساختهایش است، همیشه تنها بود و بعد از این نیز تنها خواهد ماند. اوست ماندگار بر حقیقت و پایندگیاش بدون اجازه گرفتن است، اوست بینای و بینازی غیر او رو به فقر و حاجتمندی است.

او کسی است که آسمانها، گردان و ستارگان، روان به امر او هستند، و به عظمت او آسمانها بر پا گشتند و زمین استقرار یافت، و صداها و گردنها در برابر ملکوت او تسلیم گشتند و سایهها و شبها در مقابل جبروت او به سجده افتادند، به اذن او خورشید و ماه نورافشانی کردند و باران و ابر فرو بارید و زمین مرده گیاه

زنده رویاند و چوبهای خشک برگهایی تازه خارج کرد و از سنگهای سرسخت، آبی زلال جوشید و درختان سبز آتش و نوری روشن ثمر داد.

خوشا به سعادت کسی که به او ایمان آورد و رسولان و کتابهای او را تصدیق کرد و به طاعت او ایستاد و از معصیت او دست کشید و بدا به حال کسی که نعمتهای او را انکار کرد و نعمتهایش را ناسپاسی نمود و با دوستانش دشمنی و با دشمنانش همیاری کرد، به راستی که آنان کمترین و خواراند، و برای آنها در دنیا نشانه ای است و در آخرت جایگاه آتش، دولت آنان مهلت دادن و استدراج است و فرجام پینیازشان حاجتمندی است و پایان شادیشان غم و افسردگی است و در آخرت بازگشتشان به جهنم است، در حالی که در آن جاوداناند و خارج نمیشوند و مؤمنان صدیق به واسطه خداوند صاحب عزتاند و به او محتاجاند و به یاری او قدرتمندند و بر او توکل میکنند و در دنیا عاقبت از آنان است، و بر دشمنانشان پیروزاند.

سوگند به عزت خویش زمین را به گونهای قرار دهم که جز من بر آن عبادت نکند و بر خدایی غیر من دینداری نشود و هر کس مرا یاری کند، یاری کنم و کسانی که به من کفر ورزند را خوار و شکستخورده قرار دهم، و منکران خود را در این دنیا و در روز قیامت بزرگترین پیشیمانی رسد، و از نسل آدم کسی را بیرون آورم که دینها را باطل کند و بتها را بشکند پس برهان او را روشن گردانم و چیرگیاش را تأیید کنم و آیندگان را خاضع او گردانم و گردنها را در اختیار او قرار دهم و مردم با رغبت و اجبار و با تصدیق و سختی به دین او روی میآورند، این عادت من درباره کسانی است که مرا بشناسند و عبادت کنند و برای آنان در آخرت، سرای جاودانگی در نعمتهایی فناپذیر است و شادیهایی که به غم نیامیزد و خوشحالی که با اندوه قرین نشود و زندگانی که مرگی در پی ندارد و نعمتی که عذابی آن را از بین نبرد، پاکم و منزهم و خوشا به حال کسی که مرا تسبیح گوید و من پاکم و خوشا به حال کسی که مرا به پاکی یاد کند و عظمت من شکوهمند گشت و حد و مرز ندارد و نعمتهایم بسیار شد و به شماره نیاید، و من قدرتمند شکستناپذیرم.

صحیفه پنجم، صحیفه عظمت

ای اخنوخ، آیا تعجب کردی از فرشتگانی که به چشم دیدی و آنها که تصاویر را بدیع شمردند و آغاز آفرینش بودند و شماره را افزون نمودند، و من آنها را تنها قطره‌های از آب دریا و برگ از برگ درختان دیدم، آیا تعجب میکنی از آنچه از عظمت خدا دیدی پس زمانی که از تو پنهان گشت، بزرگ شد و هراس انداخت؟ از هنگامی که خدا مخلوق خود را آفرید تا پایان جهان، هیچ خط انگشتی، کمترین جز از نوآفرینیهای فطرت او را درنیابد و گفتار هیچ زبانی آن را از عهده کوچکترین چیز از شگفتیهای ساخته او را برنیاید، به راستی که خداوند فرشتگانی دارد که اگر یکی از آنها بال خود را بگشاید، آفاق را پر گرداند و تمامی جوانب آن را در بر گیرد و برای او فرمانروایی است که نیم آن از یخی جامد و نیم دیگر از آتشی شعلهور است، مانعی میان آن دو نیست، نه آتش یخ را آب میکند و نه یخ آتش شعلهور را ذوب میکند، برای این فرمانروایی سی هزار سر وجود ندارد که هر سر سی هزار چهره دارد و هر چهره سی هزار دهان و هر دهان سی هزار زبان دارد و از هر زبان سی هزار لغت خارج میشود که خدا را به پاکباش منزه دارند و او را تسبیح گویند و بزرگ شمارند و ظرافتهای آفرینش او را یاد کنند، و چه بسیار در فرمانروایی خداوند متعادل، امثال این و بالاتر از آن وجود دارد.

در تسبیح میکوشند و پس در میمانند، در تقدیس خسته میشوند پس افسوس می‌خورند و این چیزی است که از نشانههای شکوه من خالی نیست، باعظمتتر از آنم که وصف شوم و بزرگتر از آنکه ویژگیهایم گفته شود، فکرها در عظمت آن سرگردان شدند و زبانها از اندازه وصف من ناتوان گشتند و این بدان سبب است که من خدایی هستم که مانندی ندارم و من بلندمرتبه باعظمت هستم.

صحیفه ششم، صحیفه نزدیکی

ای اخنوخ و تو از آن چیزی پرسیدی که تو را به خدا نزدیک گرداند و آن ایمان آوردن به پروردگارت با تمامی وجود و پذیرش گناهانت است، و پس از آن ملزم شدی به مهربانی بر مخلوقات و اخلاق نیک و برگزیدن صداقت و ادای حق و بخشش همراه با رضایت بر آنچه از روزی که به تو فرا رسد و تسبیح فراوان در

صبح و شام و روز و شب و دوری از معصیت ها و بازگشت از تمامی گناهان و به پا داری نماز و پرداخت زکات و مهربانی در حق زنان بیوه و یتیمان و نیکی به تمامی مخلوقات و مردمان و اینکه با خواری و خشوع و خضوع به خداوند پناه بری و با زبانی گویا از ایمان راستین خود بگویی:

خداوندا تو پروردگار قدرتمند بزرگوار شکوهمند عظیم هستی، والا گشتی و پایین آمدی و دور گشتی و نزدیک شدی، هیچ مکانی از تو خالی نگشت و هیچ پادشاهی در برابر تو نایستاد، از حد و حدود باشکوه گشتی، و از مثل و مانند بزرگ شدی، نجات از تو به واسطه خود توسست و فرار از تو به سوی توسست از تو مسألت میکنیم، ای خدای ما که به رحمتت ما را در میان گیری و به مهربانیات ما را فرا گیری، و دارایمان را در میان اهل فضل و بخشش و قدرتمان را در میان اهل هدایت و عدل قرار دهی و ما را تنها به سوی خود محتاج گردانی، خدایا ما بر تو توکل نمودیم و از چاره‌اندیشی به سوی تو بیزاری میجوئیم، و کلام آرزو و مسألت را به سمت تو میچرخانیم، خداوندا پس به آنچه تو را میخوانیم اجابت فرما و آنچه را امید و آرزو داریم، در فضل و کرم خویش محقق گردان و ما را از اعمال هلاک کننده‌مان و کردار تباه کننده مان ایمن بدار به رحمتت ای خدای جهانیان.

ای اخنوخ انجامدهنده این کار پاداش بسیاری ذخیره میکند و این کلمات در ترازوی روز قیامت، بسیار سنگیناند، پس مردم را به رحمت گسترده‌ای که مورد امید است و خشم خروشان بیمدهنده من خبر ده و بر نعمتهایم یادآوری کن و بر خواندن من تشویق کن اجابت خوانندگان و یاری مؤمنان بر من شایسته است و من صاحب بخشش بزرگم.

صحیفه هفتم، سرکشان

ای اخنوخ، چه بسیار جبروت سرکشانی که در هم شکستم و چه بسیار قدرتمندی که پنداشت کسی بر او چیره نخواهد گشت پس عصیان و سرپیچی کرد و سرکشی و طغیان نمود، قدرتم را به او نمایاندم و عذاب چیرگیام را به او چشاندم و او را به حوضهای مرگ وارد ساختم پس از جام آن نوشید و از سختی آن چشید

و او را از قلعه‌های فرازنده‌اش و دژهای محکم به زیر آوردم و او را از خانه‌های آباد و منزلگاه‌های دل انگیز به سوی قبرهایی با سنگ‌های لحد و گودالی شکافته شده خارج کردم، پس به تنهایی در آن بستر گزید و خونابه‌ای از او جاری شد و خوراک هزارپا و کرم‌ها شد و از دارایی و آنچه جمع کرده بود، دور گشت و در دیدار روز حساب تنها ماند، هر آنچه فراهم کرد به او سودی نبخشید و آنچه جاویدان ساخت او را ماندگار نکرد، و تنها تبعات محاسبه او را دنبال میکند، و از احوال دنیا تنها آنچه سبب پاداش یا عذاب او باشد، او را همراه کرد. سپس آنچه از باطل به دست آورد و جمع نمود و از راه حق جلوگیری کرد، برای کسی به ارث گذاشتم که او را در حق آنچه کرد، سپاس نگفت و نه دعایی کرد و نه سودی رساند، و او با جمع کردن بدبخت گشت و وارث با سودی که برد، رستگار گشت، آنکه ماند سرانجام کسی را که رفت، دید و خودداری نکرد و فرو ننشست، آیا چشمانی ندارند تا ببینند یا دل‌هایی که فکر کنند یا عقل‌هایی که تدبیر ورزند؟ مرا تکذیب کردند و من در خشمم به آنها صداقت ورزیدم، از حق من غافل گشتند و من با عذابم آنها را آگاه ساختم، پیام مرا به آنها برسان و خیرخواهیام را به آنان بشناسان و حجت‌م را بر آنها محکم کن و راه حجت‌م را بر آنان ترسیم کن، سپس آنان را به حساب من واگذار. سوگند به عزتم، هیچ ظالمی بر من تجاوز نکند و هیچ مظلومی در نزد من شکست نخورد و برای همه از همگی پیگیری خواهم کرد و من حکیم عادل هستم.

صحیفه هشتم، صحیفه قدرت

هر کس غیر من ادعای نیرو و قدرت داشت، و پنداشت بر آنچه می‌خواهد تواناست، خوار گشت، اگر ادعای او حق و گفتار او راست بود، گام‌ها مساوی میشد و مردم در تمامی کارها برابر بودند، زیرا همگی از خیر به دنبال عاقبت آن و از سعادت در پی پایان آن هستند و چنانچه پیشامدها و موقعیت‌های مقدر، بر طبق آنچه می‌خواهند می‌گذشت و از توانایی‌ها و قدرتهایشان به کار می‌گرفتند تا آنجا که می‌توانستند و مردم به دنبال پایان خیر هستند و از کوچکترین مواقع ظلم پرهیز میکنند، هیچ فقیر و مسکین بیچاره‌ای دیده نمیشد و کسی به کسی نیاز پیدا نمیکرد

و دستی به دستی نیازمند نمیگشت و تو اکنون سرور و کسی که بر او سروری میشود و آنکه از او بریده شده و آنکه خوشبخت است و بینیار شرمگین و فقیر خاکسار را میبینی.

ای انسان و این بدان دلیل است که کارها به غیر تو و جز تو سپرده شده است و تو سرسپرده تدبیرگری هستی و تحت فرمان و چیزهای هستی که برای تو خواسته شود، زیرا تو امر آسانی را با خستگی فراوان خواهی پس از تو بازداشته شود و درنگ کند و از کار بزرگ غفلت جویی در حالی که بدون خستگی برای تو فراهم گردد. ای بنده به ناتوانی اعتراف کن تا برای تو کار کند و ادعای نیرو و قدرت مکن که هلاک میشوی و بدان تو ضعیف هستی و این منم که قدرتمندم.

صحیفه نهم، صحیفه انتقال

خدایا تو حاجتم را میشناسی و نیازم را میدانی و تو دانای نهان و زداینده غمهایی، از موجودات قبل از پدید آمدنشان آگاهی و پیش از به وجود آمدن چیزها به آنها احاطه داری و تو از جهانیان بینیار و آنها نیازمند تواند، مرا امر نمودی پس سرپیچی کردم و بازداشتی پس انجام دادم و پینا کردی من ندیدم و مرا سعادت‌مند گرداندی پس بدبخت شدم گناهانم را میشناسی و هیچ پردهای حائل تو نیست پس مرا بدان در دنیا و آخرت و محشر و عرصه قیامت رسوا مگردان، خدایا همانگونه که آن را بر من پوشاندی، پس مرا پیامرز و همانطور که آن را بر من آشکار نگرداندی، پس آن را از من فرو آور و از سؤال و جواب و حساب و سختی عذاب حفظ فرما و خیر دنیا و آخرت و زندگانی و مرگ را بر من آسان گردان، و حاجاتی که از من بدان آگاهتری روا ساز و شر آنچه خلق کردی را از من بازگردان و از مصلحتهای دنیا و آخرت مرا بدانچه صلاحم را در آن میبینی و رستگاریام را در آن میشناسی، موفق بدار و من از آن غافل و بینیزم و به راههای جلب آن، ناآگاه. دستانم به تضرع به سوی تو گشوده شده‌اند و به خواری گناهکاران و خشوع آرزومندان و ناله نیازمندان پیشگاهت ایستادم و تو تو شایسته اجابتی و هرچند که من سزاوار ناامیدیم، تو سرپرست کمک‌رسانی و یاری دادن بر خواسته کسی هستی و هرچند

که من مستحق عذاب بسیار هستم تو جایگاه آرزو و نهایت درخواست و مسألتی و من جز به سوی تو راه نمیابم و تنها بر تو توکل میکنم و فقط بر در پیشگاه تو میکوبم و جز به پاداش تو امید ندارم و جز از عذاب تو بیم ندارم و تنها از عقاب تو میهراسم، خداوندا هدایت به سوی خود را بر من بیافزای و آنچه را بر آن تکیه کردم، برایم میسر گردان و در خود را بر من بگشای و از رحمت خود، پاداش فراوان بر من قرار ده و مرا از عذاب و عقاب دردناک خود که به واسطه گناهانم مستحق آن گردیدم، ایمن گردان، به راستی که تو رؤوف مهربانی.

صحیفه دهم، صحیفه توکل

هر کس بر خدا توکل کند، او را کفایت مینماید و هر کس از او سرپرستی خواهد او را مراقبت کند و هر کس در او را بگوید باز کند و هر کس از او مسألت کند، کامیاب گردد و هر کس خدا با او باشد، مردم قادر به رساندن ضرر بر او نیستند و هر کس به کاری روی آورد و از قدرت و نیروی خویش بیزار باشد، خیر فراوان بیند، و از عواقب شر در امان است، هر کس توبه کند به سوی او بازگشته شود و هر کس بازگردد، آمرزیده شود و حق کارها داده می شود و درک کردن قبل از مرگ و وفات است و کردار هیچ کس از صحیفه او محو نشود و حق او از بین نرود، بلکه بر پوست نازک میان خرما و هسته آن محاسبه شود و پاداش بیند. پس سوگند به پروردگار آسمان از آنکه شاخ دارد برای آنکه شاخ ندارد پرسیده شود، و در محاکمه، گامها مساوی گردد و هر کس بدانچه از نیکیها و گناهان که اعتراف دارد، پاداش بیند، در نزد کسی که ضمیرها از او پنهان نیست و رازها از او مخفی نمیماند و هیچ چیز بزرگی بر او بزرگ نیاید و هیچ چیزی به دلیل کوچکی و پستی اش از او پنهان نماند و شمردن بر او دشوار نیست و پاداش دادن از دست او نرود، این است خدا پروردگار جهانیان هر چیزی را مقدر ساخت و محکم کرد و شمرد و به شماره درآورد و هیچ چیز پنهانی بر او پنهان نیست مگر رحمت او و سپس عمل نیک.

صحیفه یازدهم،

کسی که از من بینازی جست، بیناز نیست و آنکه به من محتاج گشت فقیر نیست و هیچ عمل خیر و شری از کسی نزد من نابود نگردد و پاداش خیر را طبق وعده صادقانه‌ای که دادم، میدهم و سزای شر نیز در پیش من است اگر خواهم، عفو کنم و اگر بخواهم عذاب کنم و من آمرزنده مهربانم.

صحیفه دوازدهم، صحیفه رستاخیز

ای مردم! اگر از برانگیخته شدن، در شک به سر میرید، پس بیاندیشید کسی که شما را از نیستی آفرید و بدون آنکه قدمتی داشته باشید شما را خلق کرد، شما را از نطفه و ماده ای جویده شده در رحمها آفرید سپس صورت بخشید و ناتوان از شکم مادرانتان خارج ساخت سپس نیرو بخشید و توانا گردانید و از حالتی به حالت دیگر تغییر داد و شما را در تمامی کارها صاحبان نیستی و دگرگونی قرار داد، او قادر است تا همانطور که شما را آفرید بازگرداند و همانگونه که خلق کرد، برانگیزاند و این در افکار مردم سست و نزدیک است و خداوند که هیچ امر بزرگی بر او بزرگ نیاید و هیچ امر کوچکی به سبب پستیاش بر او دشوار نیست، و تمامی کارها در دست او آسان است، نه رنجی در آن بیند و نه خسته شود و نه ناتوان گردد و نه درماند و کار او اینگونه است که هرگاه چیزی را اراده کند به او میگوید، باش پس موجود میشود، اوست خدا آفرینشگر تمامی آفریدهها.

صحیفه سیزدهم، صحیفهدولت سرکشان

ای اخنوخ، مردم در عبادت من سستی ورزیدند و از طاعت من روی گردانند و بر سرکشی اصرار ورزیدند و در طغیان فرو رفتند و طاعت شیطان را برگزیدند و در ظلم و تجاوز هلاک شدند، گویی به خاک افتادن طاغیان پیش از خود را ندیدند و به خانههای ویران شده و پرده سراها و خالی شدن کاخهای بنا شده و پست گردیدن نامهای [بلندشان] ننگریستند و زمانی که خشم من بر قلعههای مستحکم و خانه های دل انگیزشان وارد شد، از آنها دفع نشد و سربازان گردآمده و

توشه‌های فراهم و داراییهای فراوان و سلطنتهای با عظمت آنها را پناه نداد، بلکه در برابر آن عذاب در هم شکستند؛ زیرا شکر نعمتهای فراوان را به جای نیاوردند و آن هنگام که حق مرا بر خود به هنگام مهلت، فراموش کردند، به سبب وارد شدن خشم من، به لرزه افتادند، و از بین رفتند و هلاک شدند و در دنیا و آخرت راه خواری را پیمودند گویی به خاک افتادن بخت سرکشان و یاران عصیانگرشان را در این نزدیکی ندیدند، هنگامی که بر کفر و انکار اصرار ورزیدند و بر ظلم و ستیز مداومت داشتند و بندگان را به بردگی کشیدند و سرزمینم را ویران ساختند و خلق را به خواری گرفتند و حق را پوشاندند و سنتهای بدذاتان را به پا داشتند و سنت نیکان را به کناری نهادند و از کالاهای مالیات گرفتند و جانها را نابود کردند و هر آنچه بر آنها واجب بود رها کردند و در باطل تاختند و خونها ریختند تا اینکه با کرداشان زمین و آسمان را به گریه انداختند در حالی که افتخار میکردند و به تنهای قوی هیکل و پیکرهای نیرومند و قدرت بسیار و دارایی فراوان خویش فریفته شدند.

و زمانی که روزگارشان به سر رسید و گناهانشان کامل گشت و صحن و سراها - بقعهها - ناله سر دادند و تپهها و تله‌ها و انواع حیوانات موجود در آنها به درگاه آن مهربان بخشنده گریستند و ما بر ناله‌هایشان رحم نمودیم و دعایشان را اجابت کردیم و مؤمنانی که از جانب آنها به خواری کشیده شده بودند را یاری کردیم و آنها را سرور کسانی قرار دادیم که آنها را به بردگی کشیدند و بر آنها که خواریشان کردند، فرمانروا ساختیم و میان سرکشان خوفی انداختیم و مردم را از آنها راحت کردیم، پس این عصیانگران با یکدیگر به جنگ برخاستند و چند گروه شدند و به نزاع و جنگ برخاستند و تا اینکه برخی، عده‌ای دیگر را به هلاکت افکندند و با دست خود یکدیگر را کشتند و بدنهایشان را با شمشیرها قطع قطعه کردند، هرچند که قدرتمندترین، سرکشت‌ترین و کاملترین آنها و کسی که گسترده‌ترین فرمانروایی را داشت، قیصر بود که پس از آنان زخم خورده و مجروح باقی ماند نه آبی یافت و نه غذایی و نه جایی که آرامشی یابد و نه از خوابی لذت برد از آنچه در جنگ با طاغوتیان به سمت آنان روانه کرد از ضربه شمشیر و نیزه و سر شکستن سنگ‌ها و

تیر انداختن. پس به دست خویش قبر خویش را آماده کرد و بر شمشیر خم گشت و مرگش را با دست خویش ایجاد کرد و مرگ و وفات او از پس آنان بود و بیچارگان وارث اموال و خانه‌هایشان شدند و پس ماندگان آنان را لگدمال کردند.

ای مردم، اگر شکر نعمت مرا به جای آورید بر شما میافزایم و اگر مرا اطاعت کنید شما را یاری رسانم و چنانچه به عصیانگران اقتدا کنید و همچون سرکشان عمل کنید در نزد من عزیزتر و بزرگتر از پیشینیان خود نیستید و تمامی شما آفریدگان من هستید که از روزی من میخورید و هیچ رابطهای میان من و شما نیست و من به هیچ یک از شما نیاز ندارم همانطور که نیازی به گذشتگان شما نداشتم سوگند به عزت خویش که سرکشان را هلاک خواهم ساخت و مظلومان را در مقابل ستمکاران یاری رسانم و من چیره استوارم.

صحیفه چهاردهم، تصویر صحیفهنعمت بخشیدن

ای مردم چه چیز شما را به پروردگارتان مغرور ساخت؟، او که خلقت شما را متناسب قرار داد و روزیتان را مقدر کرد و از درخت سبز و سنگ سخت برای شما آتش قرار داد، که بدان سود و روشنایی و نور را برای خود آوردید، و تاریکی، سرما و اذیتها را از خویش دور ساختید و اوست که از پوست چارپایان و موی آنها برای شما پوششی قرار داد تا بدیها را میپوشاند و آسیبها را دور میکند و اوست که چشمههایی خارج ساخت که گیاهان را میرویانند و تشنگی را برطرف میکند و در آسمان چراغهایی روان ساخت که به واسطه آن در بیابانهای خشکی و موجهای دریا میتوان راه یافت و به شما آموخت آنچه را نمیدانستید، از نوشتن کتاب و بافتن لباس و رام ساختن حیوانات و اوست که پستانها را برای شما پر از شیر ساخت و درختان و گیاهان را رویانند و کشتی را در دریاها روان گردانند و شما را در صحراها راه نمایانند آیا خدایی غیر او بر چنین چیزی قادر است یا اینکه شما به مانند آن راه خواهید یافت، پاک است کسی که هیچ مانندی ندارد و اوست بخشنده بزرگوار.

صحیفه پانزدهم، صحیفه نجات

نجات به قدرت نیست و رهایی با جبروت تحقق پذیرد و نام صدیق برای فرمانروایی عظیم شایسته نیست و با عزت بسیار به ملکوت آسمان راه یافته نشود و بسیاری مردان و آرزوها برای آخرت سودمند نیست، در روز قیامت، مهارت در صنایع و زیرکی در حرفها رهایی بخش نیست بلکه این نیکی است که نجات میدهد و طهارت است که مایه رهایی است و با پاکی از گناهان میتوان استحقاق پیدا کرد و با عمل نیک به ملکوت آسمانها راه یافت و تنها نیت صادقانه و اعمال پاک و خودداری از آزار رساندن و خیرخواهی مردم دوری از حرام و فرار از گناهان است که ترازو را سنگین میکند، پس خدایی را بپرستید که شما را آفرید و صورت شما را متناسب گرداند به سوی او باز گردید و بر او توکل کنید تا خواستههای دنیوی شما را آسان گرداند و به هنگام بازگشتان شما را از دستاندازها در امان دارد، و بدانید که خیر به دست اوست و تمامی امور به او واگذار شد و اوست شکستناپذیر چیره.

صحیفه شانزدهم، صحیفه آسمانها

ای آخنوخ! آیا نیاندیشیدی در نوآفرینیهای خلقت خداوند که چشم تو را بر شگفتیهای آن گشود و مراتب آن را به تو نمایاند از قبیل فلکهای گردان و ستارههای روان که طلوع و غروب میکنند، و گاهی استقرار میابند و کوچ میکنند و در تاریکیها و ظلمت بسیار نور میپراکنند و بدانها در وسط دریا و بیابان راه یافته شود، سر بر آرند و فرو روند و در شگفتیهای امور تدبیر کنی. در حالی که بر مجراهای مناطق خویش پایبندند و در برابر امر آفریدگارش تسلیم و خاضعاند.

آیا نگاه نکردی بر این آفتاب تابانی که میان شب و روز در رفت و آمد است و تاریکی و روشنی را از پی هم میآورد و فصلهای سرد و گرم و تند و متعادل سال را تغییر میدهد، میوههای درختان و گوه‌های معدنها در چاهها را پرورش میدهد، آنکه اگر به یک حال باشد، گیاهی نروید و شیری جاری نشود و موجود زنده‌های زنده نماند و زمان و مکانی برقرار نباشد، آیا ندانستی که آن به آفرینش حکیمی است که علمش همه چیز را فرا گرفت و خلقت قدرتمندی است که باری بر

دوشش سنگینی نکند و امر دانایی است که شمارش بر او دشوار نیاید و حکم توانایی است که خستگی و ناتوانی به او نرسد و چاره‌اندیشی والایی است که چیره‌گری بر حکمش وجود ندارد و به راستی که آن به سبب عنایتش به مخلوقات ضعیف و کرمش در جاری ساختن روزی است و او خداوند متعال دانای حق است که چیزی از گذشته و آینده از او پنهان نیست.

صحیفه هفدهم، صحیفه گناهان

ای اخنوخ! گناهان بسیار شد و طاعتها به کناری نهاده شد، و مخلوقات مرا فراموش کردند، گویا روزیام را نمی‌خوردند و بر زمین من سکنی نمی‌گزینند و آسمان من آنها را در میان نگرفت، چه چیز آنها را ایمن میدارد که خلقتشان را زشت نگردانم یا چهره‌شان را ناپدید کنم یا باران را بر آنها حبس کنم؟ یا زمین را سخت گردانم که برای آنان نروپاند یا آسمان را بر آنها فرو اندازم و اخگرهایی از عذاب را به سویشان فرستم؟ شکیباییام آنها را فریفت و در علم من شک کردند و مهلت دادم را دیدند و چنین پنداشتند که بر آنها سست گرفتم، نه و سوگند به عزتم که، آنطور که می‌پندارند، نیست به راستی که من به شکاف هسته خرما و پوست میان خرما و هسته آن نیز علم دارم و چیزی از این امور بر من پنهان نیست؛ ولی من به سبب بزرگواری خویش منتظر بازگشت بندهام هستم و عذاب او را به تأخیر می‌اندازم به سبب مهربانی و امید در بازگشت او؛ زیرا نیازی به عذاب کسی از جهانیان ندارم و رحمتم تمامی مخلوقات را فرا می‌گیرد هر کس توبه کند به سوی او باز می‌گردد و هر کس باز گردد او را می‌آمرزم و کسی که هدایت خویش را نبیند و از راه صلاح خود کور گردد، مرا شیفته خود نگرداند. هیچ چیز بزرگی به سبب بزرگیاش بر من دشوار نیست و هیچ کوچکی به سبب پستیاش بر من پوشیده نیست و من آگاه و دانایم.

صحیفه هجدهم، صحیفه بیم دادن

ای اخنوخ! مردمان را از عذابی بترسان که بر آنان سایه افکنده است و طوفانی که هر لحظه آنان را فرا گیرد و زمین‌های پست و بلند را یکسان گرداند و

مکان های بلند و منازل را در بر بگیرد و کرانه های زمین را فرو برد و به نهایت سرزمینها و اعماق آن دست یابد و با خشم من به خشم آید و از هر آنکس که اطاعت مرا اهمال کند، انتقام گیرد و چنین نکنم مگر بعد از آنکه حجت های درخشان خود را بر آنان آشکار سازم و به نشانه های فروزان آنها را بیم دهم، و قرن ها در انتظارشان بنشینم همچون عادتى که در مهلت دادن و شکیبایام دارم پس آن هنگام که بر سرکشی خود اصرار ورزیدند و بر تجاوزشان مداومت کردند و کفر فراگیر شد و ایمان کاست، چشمه های زمین، در های آسمان را میگشایند و سراسر اطراف و نواحی از آب پر میشود و مؤمنان را که تعدادشان اندک است، نجات میدهم و سرکشان را که بسیارند هلاک میکنم و این عادت من در مورد کسانی است که غیر مرا پرستند یا برای من شریکانی قرار دهند و با وجود این من مهربان و مهرورزم.

صحیفه نوزدهم صحیفه حق

زشتی تنها مختص معصیت و زیبایی متعلق به اطاعت است تنها با عقل میتوان به معرفت دست یافت حق به وسیله حق شناخته میشود و با نور است که به سمت نور هدایت میشود. خورشید به واسطه خورشید دمیده میشود و به نور آتش است که آتش به چشم میآید و چیز کوچک توانایی درک بزرگتر از خود را ندارد و آنکه ناتوان است، قویتر از خود را نمیتواند بردارد و برای نشان دادن به چیزی نورانی، نیازی به غیر آن نیست و کسی از راه گمراه نمیشود مگر کسی که توفیق از او گرفته شد و خداوند بر هر چیز گواه است.

صحیفه بیستم، صحیفه محبت

خوشا به سعادت کسانی که از روی محبت مرا پرستیدند و مرا خدا و پروردگار خویش برگزیدند، شب را بیدار بودند و روزها را سختی کشیدند، تا رضایت مرا به دست آرند نه از روی ترس و دوست داشتن و نه برای دوزخ و بهشت بلکه از روی محبتی صادقانه و خواسته های روشن، و بریدن از همه چیز به سوی من، و از میان همه چیز بر من تکیه کردند، پس بر من سزاوار است تا دیر زمانی آنها را

بیازمایم و بار سنگین از محبت خویش بر دوش آنها نهم و در آنان ذوب شوم همچون ذوب شدن در آتش. پس زمانی که ظاهر و باطن آنها یکی شد و ارتباطشان با برادرانشان قطع شد و علاقهها و ریسمانشان از دنیا گسسته شد، در اینجا است که چهره‌های آنها را از خاک برگیرم و بخت او را در آسمان رفعت بخشم، بازگشتشان را زیبا گردانم، آنان را به خواسته‌هایشان برسانم و پاداش آنان را بر تحقق بخشیدن به امیدشان قرار دهم و به آنها چیزی دهم که عبادتشان را به سبب آن انجام دادند و وعده من راست است و خلاقی در آن راه ندارد.

صحیفه بیست و یکم صحیفه معاد

پاک و منزّه است خدایی که انسان را از آبی پست آفرید و زندگانی او را در آبی زلال قرار داد، خجسته باد کسی که آسمان را برافراشت بدون ستونی که آن را بردارد و نه آویزهایی که آن بلند گرداند، ای مردم در درختی که بعد از ریزش برگ‌هایش، برگی تازه بر تن میپوشاند و پس از خشک شدن شکوفه میپوشد و پس از پیری جوان میگردد و بعد از مرگ زنده میشود و تازگی را جایگزین خشکی می کند و لطافت را جانشین پرمردگی قرار دهد، بزرگترین دلیل بر بازگشت شماست. شما را چه شد که شک کردید؟ آیا در سایهها و شبها پیمان نبستید و در عالم ذر و نشور از شما پیمان گرفت و در صورتهای روان گشتید و در آفرینش گونه‌گونه گشتید و از صلیبها فرو افتادید و در رحمها قرار گرفتید، پس چه انکار میکنید از برانگیخته شدن جنازه‌ها و برپایی جانها و وجود معاد و چگونه شک میکنید در پروردگاری آفریدگارتان که شما را آفرید و سپس شما را باز میگرداند و عهد و پیمانها را از شما گرفت و نشانهایش را بر شما آشکار گردانید و نعمتهایش را بر شما فراوان کرد، برای او در هر لحظهای نعمتی و در هر حالتی نشانهای است، آن را برای حجتی بر شما تأکید میکند و همراه آن، هشدار برای شما قرار میدهد، و شما در غفلتی سرگرم هستید و از آنچه برای آن آفریده شدید و به سوی آن خوانده شدید، در غفلت به سر می برید، گویی مخاطب غیر شما و هشدارها برای کسی جز شماست، آیا میپندارید من مزاح میکنم و یا از شما غافلم؟ یا اینکه به کارهای شما

احاطه ندارم؟ آیا آنچه از خیر و شر مرتکب میشوید از بین میرود؟ هرگز، هر کس چنین پنداشت، ناامید شد و زیان دید و خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.

صحیفه بیست و دوم، صحیفه دنیا

در این دنیا اندیشه کنید که به زینت زیباییهایش میفرید و به شیرینی حوادث و لذتش نیرنگ میکند، همچون شکوفه گل سرخی است که با خارها پیچیده شد و پیوسته شکوفا است و چشمها را خیره میکند و جانها را شادی بخشد و با این حال، دور از دسترس است و آن به دلیل خاری است که دست خواهنده آن را مجروح میکند و بعد از لحظاتی اندک، گل پرپر میشود و خار میماند. دنیای خیانتکار از بین رفتنی، چنین است، زندگیاش مرگ را به دنبال دارد و جوانیاش رو به پیری است و سلامتیاش در لفافه بیماریهاست و نیازش فقر را به دنبال دارد و فرمانروایش در معرض نابودی است، و عزتش به همراه ذلت است و لذتهایش با آلودگی ها تیره میشود و دوستداشتهایش با سوزش مصیبتها آمیخته است، شر آن خالص و خیر آن آمیخته است، هر کس به چیزی از شهوات آن بهرهمند گردد از تلخی غصههای آن و ترس شکنجهها و عواقب و آسیبهای که بر آن وارد شود، در امان نیست.

این حالتی است که هر کس در آن سعادتمند گردید، رستگار شد پس چه میگوی در حق کسی که از آن فایدهای نبرد، در آن سالم از بیماری میترسد، نیاز از فقر بیم دارد و جوان در انتظار پیری است و زنده منتظر مرگ است هر کس بر آن تکیه کند و از آن آرامش بجوید همچون کسی است که بر کوهی بلند از یخ تکیه زده است که پهناور و ارتفاع و بلندی آن در چشمش بسیار است، ولی هنگامی که خورشید تابستان بتابد ناگهان آب میشود و روان میگردد و کسی که بر آن تکیه کرد و پناه جست در صحرا ماند. و اینچنین سرنوشت دنیا رو به نیستی و نابودی و انتقال به خانه دیگری است، که تنها ایمان در آن پذیرفته شود و عمل نیک فایده رساند و فقط با رحمت خداست که رهایی یابد، هر کس در آن هلاک شود، سقوط کرد و هر کس از آن رستگار شد، رفعت یافت و دائماً در تفاوت است.

صحیفه بیست و سوم، صحیفه ماندگاری

هر چیز به عنصر خویش باز خواهد گشت و تمامی آنچه میبند از بین میرود و نیستی فراگیر میشود و ماندن از بین میرود و تنها کسی میماند که آغازی نداشت و هر کس که آغازی ندارد پایانی نیز ندارد و امر در اختیار سرپرست امر قرار گیرد و مخلوقات به سوی آفریدگار خلائق باز میگردند و قیامت برپا میشود و خوشا به حال نجات یافتگان و وای بر کسانی که هلاک شدند.

صحیفه بیست و چهارم، صحیفه راه

ای اخنوخ! دو راه وجود دارد: هدایت و ایمان یا گمراهی و سرکشی. هدایت که روشنیاش پیدا و نشانههایش آشکار و سنتهایش مستقیم، راهش روشن است و آن یک راه آشکاری است که نه درهای در آن است و نه گمراهیها به آن راه دارند، و تنها کسی آن را نبیند که چشم قلبش کور شود و دیده مغزش از بین رود. هر کس بدان پایبند شود، در امان است و از آن گمراه نگردد و به نور آن تردید نکند و در آثار روشن آن شک نکند و به صلح و نجات راه نماید و آسایش و زندگانی در آن همیشگی است و اما گمراهی، پرچمهای آن مبهم و نشانههایش غیر واضح است و شاخه های بسیاری دارد که راه هدایت را از سمت راست و چپ در میان میگیرد، هر کس بدان وارد شود، گم میشود و هر کس بر آن گام نهد حیران و سرگردان است و این راهی است که و این راه رونده اش را می برد و رهرو خود را به بدعت و می دارد و سیر کننده در آن را به سوی مرگ همیشگی می برد که نه آرامشی با آن است و نه راحتی ای اخنوخ بندگانم را به سوی من فراخوان و آن ها را به راه من قرار ده سپس آن ها را به من واگذار، به شکوهم سوگند عمل هیچ نیکوکاری را تباه نگردانم هر چند سبک باشد و عمل هیچ بدکاری از من مخفی نماند هر چند کم باشد و من حسابرس دانایم.

صحیفه بیست و پنجم صحیفه تاریکی

هر کس ستم ظالمی را ببیند و بتواند انکار کند و چنین نکند پس او ستمکار است و هر کس ظلم کند یا بدان راضی باشد بدون تردید در روز قیامت پشیمان خواهد بود. سوگند به عزتم انتقام از ستمدیده از ظلم بر مظلوم تاریخ تلخ تر است و ظالم تنها بر خود ستم می کند و کم فروش از بهره خود می کاهد و برای همه از همه انتقام می گیرد و برای تو کافی است که هر آن کس از او انتقام گیرم مغلوب است و هر کس که انتقام او را گیرم یاری شده است قطعاً بر ظالمان آشکار خواهم گرداند مخصوصاً خواری و پستی را پروردگار جهانیان آیا تجارتی با حاکم حاکمان و مهربان ترین مهربانان از بین می رود خوشا به حال کسی که فقیر را غذا داد و درمانده را پوشاند و زنان بیوه را در پناه خویش آورد و بر در راه مانده بخشش داشت و برادرش را در مصیبت ها یاری گر بود و از نعمت های الهی و بخشش هایی در نزد خود بهره مند ساخت به راستی بر خدا پایسته است که اعمال او را چند برابر گرداند و در معاد او را از آنان که بخل ورزیدند جدا گرداند و بهترین پاداش را نیکی او قرار دهد و بخششی کامل فراوان از خشنودی خویش به او عطا فرماید و خداوند خلف وعده نمی کند.

صحیفه بیست و هفتم صحیفه عذاب

به نیکی و عمل خیر نجات را طلب کنید بنگرید و بیندیشید که راه صداقت روشن و واضح است و سرشار از شادی است و به رستگاری و رهایی منجر می شود و راه گمراهی دروغین و ناراست و پیچیده شده در دشمنی ها و به نابودی و هلاکت می انجامد. پس از راه گمراهی که سرشار از مرگ است بازگردید و به آن گام ننهید تا سرگردان نشوید، بلکه خیر و نیکی را برگزینید تا به آرامش همیشگی در دارالسلام دست یابید. وای به حال کسی که شب کند و قصدش در بند انجام گناهان است می اندیشد. چگونه به قتل رساند چگونه دزدی کند چگونه زنا کند و چگونه سرکشی نماید به راستی که پایه های آن ویران شده و هلاک آن نزدیک است. وای بر کسی که طلا و نقره با نیرنگ و فساد و ظلم به دست آرد که به زودی

بدین سبب هلاک می شود و عواقب آن بر او می ماند. وای بر ثروتمندی که به بی نیازی خود خدا را یاد می کند ولی با ثروت خویش به دنبال معصیت می باشد و گناهان بر او باقی می ماند. به راستی که سرانجام اسباب تاریکی و ظلمت روز قیامت را برای او فراهم کنند و از جانب خداوند عظیم مورد رحمت واقع نشود و کسی از جهنم فرو برنده مورد رحمت قرار نمی گیرد، مگر آن که پاک شد و بازگشت و به هدایت بازگردد. وای بر کسی که به مؤمنان سختی رساند و آنان را مورد آزار قرار دهد و به آنان ظلم کند و آن ها را از انجام واجبات و زنده کردن شریعتشان بازداشت. به راستی که سرنوشت او و کسانی که یاری اش کرده اند به سوی آتش برافروخته ای است که خاموش نشود و عذاب سختی که آرام نگیرد. وای بر شاهی که شهادت خود را کتمان کند؛ زیرا اندوه پیوسته و عذاب سخت در آخرت را برای او فراهم آورد. وای بر کسی که غذای نیکو بخورد و آشامیدنی لذیذ بنوشد و شکر آن بخشنده را به جای نیاورد و به راستی که بر کاری به اندازه دانه خردل حسابرسی شود و در بند اعمال خویش است.

وای بر کسی که به سرکشی خود افتخار کند و بر جبروت خویش طغیان ورزد و نیکان و نرم خوی های مؤمنان را به خواری کشد و صالحان آرام را به ذلت نشانند. به راستی که او رو به سوی هلاکت همیشگی و نابودی جاودان دارد. و این حکمی است از جانب خداوند عادل و حکیم توانا. در شگفتم از کسی که به رهبران معصیت کاری که از دنیا می روند. می گوید خوشا به حالش عمر طولانی داشت و بر خیر فراوان و شادی بسیار و فرمانروایی بزرگ دست یافت و از خانواده و فرزندان و گشایش و بی نیازی بهره مند شد سپس کریمانه وداع کرد و از دنیا رفت و به خواری نیفتاد آیا ندانستید که او بهره کمی برد و از پس خویش حسابی طولانی به جای گذاشت و باری سنگین از گناهان بر دوش کشید و روزگار شادی و بی نیازی و فرمانروایی و دنیایی او همچون رویای کسی است که به خواب رفته است و سرابی بیش نبود و به هنگام پایان رسیدن آن تنها بر عواقب حساب و رنج عذاب همیشگی دست یافت.

آیا ندانستید که از نیستی به هستی همیشگی منتقل شد و بر شکاف میا هسته خرما و پوست آن محاسبه می شود و اندوهی بسیار و ترسی عظیم خواهد دید و به سوی تاریکی جهنم که سرشار از ظلمت و آتش است می رود و در آن جا از سختی و تنگی آن رنجور خواهد بود. غبطه نمی خورید بر حال آن بیچاره ای که اندکی از دنیا برگرفت و در کنار آن عواقب و آزار سخت آن را به دست آورد در خانه ای همیشگی جاودان از بین نرفتنی و فناپذیری. ای رهبران خطاکار ظالم مپندارید که بازخواست نمی شوید و محاسبه نمی گردید و مورد عذاب قرار نمی گیرد در قبال معصیت هایی که مرتکب شدید و گناهانی که انجام دادید و ستمی که نمودید و فسادی که سنت کردید. به راستی که تمامی گناهان و معصیت های شما در پیشگاه آن چیره به ثبت رسید و برای شما حفظ می شود و فراموش نمی گردد و به کناری گذاشته نمی شود و شما در بند آن هستید و برآنچه آوردید عذاب می شوید و قاهر دانای رازها و آگاه به ضمیرهاست چیزی از اوپنهان نمی ماند و هیچ بازدارنده ای نمی تواند از خشم او جلوگیری کند و اوست گشاینده انجام دهنده دانا.

صحیفه بیست و هشتم صحیفه قرن ها

ای اخنوخ به مردم بگو آیا می پندارید که خداوند غیر شما را خلق نکرد یا جهانی دیگر غیر شما برای او وجود ندارد قرن ها پیش از شما گذشت و قبیله ها و بطون از بین رفتند و از چیرگی خداوند نکاستند.

صحیفه بیست و نهم صحیفه پناه آوردن

پناه بر خداوند از بیماری ها و مریضی ها از خواری و شرم و از ناراستی در دین و هلاکت در هوس و از شر شیطان سرکش و پادشاه ظالم و قرض ضرر رساننده. قلبت را با تقوا شستشو ده همانطور که لباس هایت را با آب می شویی و اگر جانت را دوست داری برای آن تلاش کن و راه آن را از دروغ پاکیزه دار و راه آن را از پاپین به بالا و از مرگ به زندگانی بشکاف و خسته شو تا به راحتی بررسی و با بی نیاز و وفادار تجارت کن تا بهره مند شوی و خوار بشمار تا مالک زیبایی های

دنیا شوی که به سوی نابودی می شتابند و در حال جا به جایی است و بی نیازی آن را که رو به فقر است و خانه های آن را که رو به بیابان شدن است ارج منه. نسب های فرزندی و سبب های دنیوی را کوچک بشمار که در آخرت قطع شود و ثابت نماند و در معاد بریده نگردد و سودی نبخشد و باید کردار تو برای خدایی باشد که فرمانروای ملکوت آسمان است و بر مراتب بلندی دست یابی تا از مصیبت های هلاکت در امان باشی و از ریسمان اسارت رها گردی و از خدا کمک بخواه تا تو را یاری کند و از او هدایت خواه تا تو را راه نماید و بدان که تو به او نجات یابی و به تقوای او رفعت یابی و اوج گیری و همچون کسی مباش که نگاه می کند و فکر نمی کند.

این آخرین چیزی است که از صحیفه شریف مبارک ادریس که خداوند بر او نازل کرد به دست ما رسید. سلام خدا بر پیامبر ما و بر او و بر تمامی پیامبران و رسولان و خاندان سرور ما محمد و امامان معصوم و سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 606

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

1. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
2. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

1. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 2. ارتباط با مراکز هم سو
 3. پرهیز از موازی کاری
 4. صرفا ارائه محتوای علمی
 5. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

1. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2. برگزاری مسابقات کتابخوانی
3. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:

JAVA.1

ANDROID.2

EPUB.3

CHM.4

PDF.5

HTML.6

CHM.7

GHB.8

و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.1

IOS.2

WINDOWS PHONE.3

WINDOWS.4

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت
موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان
ها، نهادهای، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در
دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار
دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه
شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109